

سیری در
تاریخ دندان پزشکی ایران
از گذشته تا معاصر

دقتر نخست
ایران باستان و دوره اسلامی

از انتشارات
گروه علوم دندان پزشکی فرهنگستان علوم پزشکی
جمهوری اسلامی ایران

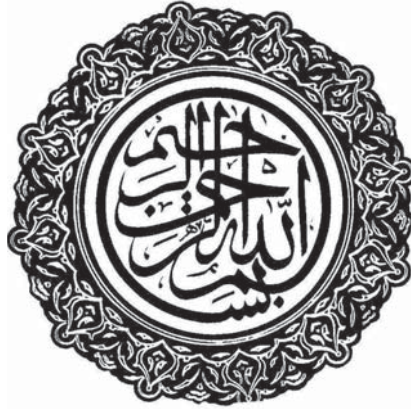
گردآوری و نگارش:
دکتر اسمعیل یزدی

۱۳۸۸

سرنشانه:	یزدی، اسمعیل، ۱۳۱۰
عنوان و نام پدیدآور:	سیری در تاریخ دندان پزشکی ایران از / گذشته تا معاصر/ گردآوری و نگارش اسمعیل یزدی
مشخصات نشر:	تهران: فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری:	۵۷۶ ص: مصور.
شابک:	۹۷۸-۹۶۴-۹۰۷۵۳-۷-۲
وضعیت فهرست نویسی:	فیبیا
یادداشت:	نمایه.
یادداشت:	کتابنامه به صورت زیرنویس.
موضوع:	دندان پزشکی - ایران - تاریخ
شناسه افزوده:	فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران
رده بندی کنگره:	۱۳۸۸ ی۹ الف/ RK۲۴
رده بندی دیویی:	۶۱۷/۶۰۹۵۵۰۹
شماره کتابشناسی ملی:	۱۸۳۶۳۴۲

- عنوان کتاب: سیری در تاریخ دندان پزشکی ایران از گذشته تا معاصر (دفتر نخست)
- پیشگفتار: دکتر ایرج فاضل
- گردآوری و نگارش: دکتر اسمعیل یزدی و همکاران
- طراح و مشاور هنری: دکتر فرشته ناییبی
- چاپ اول: ۱۳۸۸
- تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
- ناشر: فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران
- چاپ: موسسه انتشارات نزهت
- شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۰۷۵۳-۷-۲
- نشانی ناشر: تهران، چهارراه پاسداران، خیابان مغان، میدان حسین آباد، خیابان شهید وفامنش، کوی گیتی، پلاک ۴، صندوق پستی: ۱۹۳۹۵/۴۶۵۵

استفاده از مطالب این مجموعه بدون ذکر مرجع مجاز نمی‌باشد.





تاریخ دندان پزشکی ایران از گذشته تا معاصر

دکتر نخت
ایران باستان و دوره اسلامی

از انتشارات

کرده علوم دندان پزشکی، فرهنگستان علوم پزشکی
جمهوری اسلامی ایران

گردآوری و نگارش:
دکتر اسمعیل یزدی

۱۳۸۸

دقتر نخت

ايران باستان و دوره اسلامي

با همكاري

دكتر محمد رضا غفاري، دكتر رامين حكيمي

دكتر مرتضي مصفا، دكتر محمد حسين عزيزي

- عنوان کتاب: سیری در تاریخ دندان پزشکی ایران از گذشته تا معاصر (دفتر نخست)
- پیشگفتار: دکتر ایرج فاضل
- گردآوری و نگارش: دکتر اسمعیل یزدی و همکاران
- طراح و مشاور هنری: دکتر فرشته ناییبی
- چاپ اول: ۱۳۸۸
- تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
- ناشر: فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران
- چاپ: موسسه انتشارات نزهت
- شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۰۷۵۳-۷-۲
- نشانی ناشر: تهران، چهارراه پاسداران، خیابان مغان، میدان حسین آباد، خیابان شهید وفامنش، کوی گیتی، پلاک ۴، صندوق پستی: ۱۹۳۹۵/۴۶۵۵

استفاده از مطالب این مجموعه بدون ذکر مرجع مجاز نمی باشد.

فهرست

پیش گفتار	۲۳
مقدمه	۲۵
گفتار نخست: پیش از اسلام	۳۲
پزشکی و دندان پزشکی در ایران باستان	۳۲
- پیشینه و زمینه	۳۲
- دندان پزشکی در ادوار گذشته جهان	۳۳
- علوم پزشکی در ایران باستان	۵۵
- دندان پزشکی در ادوار گذشته و ایران باستان	۵۹
- پزشکی و دندان پزشکی در متن های باستانی ایران	۶۶
- نظریه خلطی و نگاه ایرانیان باستان به ساختار بدن انسان	۷۵
- مکتب های پزشکی ایران باستان	۷۸
- روش های درمان در ایران باستان	۸۰
- گیاه درمانی (گیاه پزشکی)	۸۰
- هوم، گیاه مقدس	۸۲
- جراحی (کارد پزشکی)	۸۳
- روان درمانی (دعا پزشکی)	۸۵
- دانشگاه و بیمارستان گندی شاپور (آموزش پزشکی و دندان پزشکی)	۸۶
- منابع	۹۲

- گفتار دوم: دوران اسلامی ۹۷
- آشنائی کلی با مبانی دانش پزشکی ایران در دوران اسلامی ۹۷
- تعریف طب سنتی ایران ۱۰۱
 - ارکان ۱۰۱
 - مزاج ها ۱۰۲
 - خلط ها ۱۰۲
 - زمینه تاریخی طب اسلامی ۱۰۴
 - فلسفه و نظریه پزشکی اسلامی ۱۰۶
 - پزشکی پس از دوران طلایی ۱۱۹
 - برداشت کلی ۱۲۲
 - منابع ۱۲۵
- بخش نخست: دندان پزشکی در جندی شاپور، آشنائی با حنین بن اسحاق و رساله «فی حفظه الاسنان و استصلاحها» ۱۲۶
- دانش دندان پزشکی در رساله «فی حفظه الاسنان و استصلاحها» ۱۳۰
 - نقش تغذیه در بیماری های لثه (پریودنتال) ۱۳۰
 - کاربرد داروها در دندان پزشکی ۱۳۱
 - بیماریهای داخلی در دندان پزشکی ۱۳۳
 - دندان پزشکی ترمیمی ۱۳۴
 - منابع ۱۳۶
- بخش دوم: دانش دندان پزشکی از کتاب «فردوس الحکمه» ۱۳۸
- پیش گفتار ۱۳۸
- آشنائی با ابوالحسن علی بن ربیع طبری و کتاب «فردوس الحکمه» ۱۴۱

- مطالب دندان پزشکی در «فردوس الحکمه» ۱۴۱
- پوست، مو، ناخن و دندان ۱۴۱
 - گوناگونی اندام ها از جهت نیرو و ارزش کاری ۱۴۲
 - پرورش نوزادان و پاسداشت تندرستی ۱۴۲
 - دهان و دندان و بدبوئی آنها ۱۴۲
 - بوی بد دهان ۱۴۲
 - شستشو دهنده دندان ۱۴۴
 - داروی درد دندان ۱۴۵
 - داروی پرکردن دندان ۱۴۵
 - دندان های شل و جنبان ۱۴۵
 - داروی رویاننده دندان کودکان ۱۴۶
 - زخم های دهانی ۱۴۶
 - درمان درد دندان ۱۴۶
 - داروی درمان لثه شل شده و همچنین برای سفید کردن دندان ها ۱۴۷
 - داروئی سودمند برای بوی بد دهان ناشی از گندیدگی های شکمبه ۱۴۷
 - فلج و کج دهانی ۱۴۷
 - گلو و زبان کوچک ۱۴۸
 - نشانه های بیماریهای گلو و زبان کوچک و لوزه ها ۱۴۸
 - نشانه های بیماریها شکمبه و خیارک ۱۴۹
 - نشانه بیماریهای جگر ۱۴۹
 - بخش هائی از کتاب «تقدمه العرفه» ابقرط ۱۵۰

- نشانه های مرگ و نشانه های میانه در خوبی و بدی ۱۵۰
- کالبد شکافی ۱۵۰
- شمارگان ماهیچه ها ۱۵۱
- جایگاه رگ ها و کاربرد بیشتر زدن رگ ها ۱۵۱
- ویژگی چیزها ۱۵۲
- میوه ها ۱۵۲
- ارزش گیاهان خوشبو ۱۵۳
- داروهای تکی ۱۵۳
- افشیره های جوشانده ۱۵۳
- صدف و کانیاها و دود و خاکستر و زاگ ۱۵۳
- زمین و خاک مختوم (نوعی خاک زرد رنگ) ۱۵۴
- آدمی ۱۵۴
- خرس ۱۵۴
- گنجشک سودانی ۱۵۴
- مار و پوست آن ۱۵۵
- گزاره شوربای گوشت و چربی و پستان ۱۵۵
- قرص ها ۱۵۵
- افشیره های جوشانده، شراب ها ۱۵۶
- آب ها و ارزش هر کدام ۱۵۶
- غوره ترش و... ۱۵۶
- نیروی چیزهایی که بر نیروی آتش و یخ برتری می یابد ۱۵۶
- برخی از ویژگی های گیاهان ۱۵۷
- شیوه کارکرد آمیختگی ها ۱۵۷

- شیوه پاسداشت تندرستی ۱۵۷
- آنچه از چیرگی یک آمیختگی پدید می آید ۱۵۸
- سرفه، نشانه ها، و درمان آن ۱۵۹
- نشانه های طول عمر و مرگ زودرس ۱۵۹
- بخش سوم: دانش دندان پزشکی از کتاب «الحاوی» (رازی) ۱۶۱
- پیش گفتار..... ۱۶۱
- آشنائی با رازی و کتاب «الحاوی» ۱۶۱
- بیماریهای دهان و دندان..... ۱۶۶
- مطالب مورد بحث ۱۶۶
- بخش چهارم: داروهای دندان پزشکی و رازی برگرفته از کتاب «الحاوی»..... ۲۴۱
- جلد بیستم..... ۲۴۱
- جلد بیست و یکم..... ۲۵۷
- بخش پنجم: دانش دندان پزشکی از کتاب «طب منصوری» (رازی)..... ۲۸۳
- پیش گفتار..... ۲۸۳
- آشنائی با کتاب «طب منصوری»..... ۲۸۳
- گفتار نخست: پیش درآمدی در دانش پزشکی..... ۲۸۷
- استخوان شناسی (جمعمه، فک و صورت و دندان ها) ۲۸۷
- ماهیچه شناسی ۲۸۸
- پی شناسی ۲۸۹
- رگ ها (سیاه رگ ها) ۲۹۰
- رگ ها (سرخ رگ ها) ۲۹۱
- زبان ۲۹۲

- سخنانی کوتاه درباره سودمندی دستگاه گوارش ۲۹۳
- دندان ها ۲۹۳
- گفتار دوم: شناخت آمیزه اندام ها..... ۲۹۴
- دهان، لب و دندان ها ۲۹۴
- زیادی آمیختگی های چهارگانه (اخلط اربعه) ۲۹۴
- نشانه پرخونی ۲۹۴
- نشانه زیادی زردآب ۲۹۵
- نشانه زیادی بلغم ۲۹۵
- نشانه زیادی تلخآب ۲۹۵
- گفتار سوم: شناخت خوراکیها و داروها..... ۲۹۶
- داروهای تکی یا مفرده ۲۹۶
- گفتار چهارم: پاسداشت تندرستی..... ۲۹۹
- چگونگی مسواک ۲۹۹
- شیوه نگهداری دندان ها ۲۹۹
- گزاره شستشودهنده ها..... ۳۰۰
- روش رویاندن دندان های نوزاد و کودک ۳۰۰
- گفتار پنجم: آرایش و پیرایش..... ۳۰۰
- بوی بد دهان ۳۰۰
- داروهائی که از ریزش آب دهان در خواب و بیداری جلوگیری می کنند ۳۰۲
- آنچه دندان ها را درخشان و از پوسیدگی جلوگیری می کند..... ۳۰۳
- آنچه از خوردگی یا پوسیدگی دندان ها جلوگیری می کند..... ۳۰۳

- آنچه از افتادن دندان های لق جلوگیری می کند ۳۰۴
- داروی ترک خوردگی های بسیار لبها ۳۰۴
- گفتار هفتم: شکسته بندی..... ۳۰۴
- گزاره داروی ترکیبی قلعندیون ۳۰۴
- خون گیری (رگ زدن) ۳۰۵
- حجامت ۳۰۵
- گفتار نهم: بیماریهای سر تا پا..... ۳۰۶
- درد دندان ها ۳۰۶
- کشیدن دندان ۳۰۷
- کند شدگی دندان ها ۳۰۸
- دندانی که با هر چیز سرد دردناک می شود ۳۰۸
- برفک و جوش دهان ۳۰۸
- لته خون چکان و گندیده ۳۰۸
- افتادگی زبان کوچک ۳۰۹
- بیرون افتادگی زبان ۳۰۹
- توده ای که در زیر زبان پدید می آید و قورباغه نام دارد ۳۱۰
- آماس های پدید آمده در زبان ۳۱۰
- منابع..... ۳۱۰
- بخش ششم: دانش دندان پزشکی از کتاب «تقاسیم العلل» رازی ۳۱۳
- کژ دهانی..... ۳۱۳
- درد دندان..... ۳۱۳
- داروی کشیدن دندان..... ۳۱۵

- بیماری خوره دهان..... ۳۱۶
- بوی بد دهان..... ۳۱۶
- برفک و آفت های دهانی..... ۳۱۷
- افتادگی زبان کوچک..... ۳۱۸
- بیماری های زبان..... ۳۱۹
- ترک های لب و چهره و..... ۳۲۱
- آماس گرده لنفاوی گردن (خنزیر)..... ۳۲۲
- بخش هفتم: دانش دندان پزشکی از کتاب «کامل الصناعه الطیبه» (مجوسی
اهوازی) ۳۲۴
- پیش گفتار..... ۳۲۴
- آشنائی با علی بن عباس مجوسی اهوازی و کتاب «کامل الصناعه
الطیبه» ۳۲۴
- منابع..... ۳۲۶
- جلد یکم (نسخه خطی)..... ۳۲۸
- در باب ریخت شناسی ۳۲۸
- بررسی سر و گردن ۳۲۹
- کالبد شناسی: شناخت کارکرد اندام ها ۳۳۱
- استخوان شناسی ۳۳۳
- شناخت دندان ها ۳۳۴
- پی ها ۳۳۷
- رگهائی که جهندگی ندارند (ورید ها) ۳۴۰
- شناخت اندامهای ترکیبی ۳۴۱

- ماهیچه های سر و گردن و سودمندی آنها ۳۴۱
- ماهیچه های تکان دهنده چهره ۳۴۱
- ماهیچه های تکان دهنده فک پائین ۳۴۲
- ماهیچه های جنباننده زبان ۳۴۳
- زبان و اندام های دهان ۳۴۳
- گزاره دهان و بافت پوشاننده آن ۳۴۴
- دندان ها ۳۴۴
- زبان ۳۴۵
- نیرو و کار و روان، بخش چهاردهم، حسگر چشائی ۳۴۵
- فزونی های تن جانوران ۳۴۶
- شیر ۳۴۶
- مری ۳۴۶
- عسل و شکر ۳۴۷
- بیماریهای زبان و بافت های دهانی پیرامون آن ۳۴۷
- برفک و آفت ۳۴۷
- آماس ۳۴۸
- تباهی حسگر چشائی ۳۴۸
- بیماریهای اندام های دهان، انگیزه ها و نشانه ها ۳۴۹
- لب ۳۴۹
- دندان ۳۵۰
- خوردگی (پوسیدگی دندان) ۳۵۰
- جرم دندان ۳۵۰

- کُندشدگی دندان ۳۵۰
- کِرِختی دندان ۳۵۰
- افتادن و جنبان شدن دندان ها ۳۵۱
- بیماریهای لثه و گوشت دندان ها ۳۵۱
- بیماریهای بافت های دیگر دهانی ۳۵۲
- بوی بد دهان ۳۵۲
- زبان کوچک ۳۵۲
- پیش آگهی برخی بیماریها ۳۵۲
- درمان کژدهانی (لقوه) ۳۵۳
- بیماریهای دهان و درمان ترک و شکاف لب ها ۳۵۳
- درمان سوزه و زخم لب و دهان ۳۵۴
- درمان خوره دهان ۳۵۴
- درمان لثه فروهشته و جنبان شدن دندان ها ۳۵۵
- درمان درد دندان ۳۵۵
- درمان خوردگی (پوسیدگی) دندان ۳۵۶
- درمان زخم دهان ۳۵۷
- کشیدن دندان ۳۵۷
- درمان کُندی دندان ۳۵۷
- درمان جرم دندان ۳۵۷
- درمان بوی بد دهان ۳۵۸
- درمان روانی بسیار آب دهان کودکان ۳۵۸
- درمان آسان کردن رویش دندان کودکان ۳۵۹

- درمان کرم پدید آمده در دندان ۳۵۹
- آنچه بوی شراب، پیاز و سیر را می زداید ۳۵۹
- درمان ریشه خون چکان و آماسی ۳۶۰
- داروهای درخشان کننده دندان ۳۶۰
- درمان آماس زبان کوچک ۳۶۰
- درمان بزاق خونین ۳۶۱
- درمان سنگینی زبان ۳۶۱
- درمان آماس زبان ۳۶۱
- درمان آفت و برفک دهان (قُلاع) ۳۶۲
- درمان کُند سخنگوئی و گرفتگی زبان ۳۶۲
- درمان زبری زبان ۳۶۳
- درمان سستی زبان ۳۶۳
- جلد دوم (نسخه خطی)..... ۳۶۵
- شناخت گیاهان و کاربرد آنها در دندان پزشکی ۳۶۵
- درمان بیماریهای زبان ۳۷۲
- آماس زبان، بزرگی و آویزان بودن آن ۳۷۲
- شکاف زبان ۳۷۲
- سوزش زبان ۳۷۳
- آماس غده زیر زبانی (قورباغه) ۳۷۴
- درمان درد دندان ۳۷۴
- گزاره داروی دندان درد از سردی ۳۷۵
- گزاره داروی درد دندان ۳۷۶

- ۳۷۸ درمان دندان های سست و جنبان
- ۳۷۹ شستشو دهنده (سنون) دهان
- ۳۷۹ آنچه دندان ها را پاک و درخشان می کند
- ۳۸۰ درمان زخم ها و آماس لثه
- ۳۸۲ بوی بد دهان
- ۳۸۴ گزاره خوشبو کننده دهان
- ۳۸۴ گزاره شستشو دهنده دهان
- ۳۸۷ آنچه ریزش آب دهان در هنگام خواب را بند می آورد
- ۳۸۸ درمان آماس زبان کوچک
- ۳۸۸ درمان بیماری لثه
- ۳۸۸ بولس
- ۳۸۹ فارولس
- ۳۸۹ کشیدن دندان
- ۳۹۰ درمان گرفتگی زبان
- ۳۹۰ شکسته بندی فک پائین شکسته
- ۳۹۲ دررفتگی های گوناگون
- ۳۹۴ دررفتگی فک پائین
- ۳۹۴ داروهای ترکیبی
- ۳۹۴ پادزهر چهارگانه
- ۳۹۶ پانسمان ها
- ۳۹۶ شستشودهنده های دهان و ...
- ۴۰۰ داروی گرفتگی گلو

- بخش هشتم: دانش دندان پزشکی از کتاب «هدایه المتعلمین فی الطب»
 (ابوبکر ربیع بن احمد الاخوان البخاری) ۴۰۱
- باب فی ذکر العظام (استخوان ها) ۴۰۱
- باب فی وجع الاسنان (درد دندان ها) ۴۰۲
- باب القلاع ۴۰۵
- بخش نهم: دانش دندان پزشکی از کتاب «قانون در پزشکی» (ابن سینا) ۴۰۸
- پیش گفتار ۴۰۸
- آشنائی با شیخ الرئيس ابوعلی ابن سینا و کتاب «قانون» ۴۰۸
- منابع ۴۱۰
- تشریح استخوان های آرواره ۴۱۲
- تشریح دندان ها ۴۱۳
- ماهیچه های لب ۴۱۵
- ماهیچه های آرواره زیرین ۴۱۵
- ماهیچه های زبان ۴۱۸
- عصب - گفتار ویژه ای راجع به عصب ۴۲۰
- بیماری - علت و نشانه های آن ۴۲۴
- تسکین دهنده های درد ۴۲۶
- آثار درد ۴۲۶
- درد ناشی از حرکت ۴۲۷
- درد ناشی از اخلاط بد ۴۲۷
- بادهای دردزا ۴۲۷
- دهان و زبان ۴۲۹

- دهان ۴۲۹
- جوش دهان ۴۲۹
- زخم و قرچه‌های بدخیم ۴۳۰
- آب دهان و لعاب که در خواب سیلان می‌کنند ۴۳۳
- علاج بوی بد دهان که از خوراک باشد ۴۳۴
- خون‌ریزی دهان ۴۳۴
- گند دهان ۴۳۴
- گشاد ماندن دهان ۴۳۷
- زبان ۴۳۹
- بیماریهای زبان ۴۴۰
- چشائی از دست دادن ۴۴۲
- سستی - فروهستگی زبان ۴۴۳
- تشنج زبان (که چند حالت دارد) ۴۴۵
- کلفتی زبان ۴۴۶
- کوتاهی زبان ۴۴۷
- ورمهای زبان ۴۴۷
- قورباغه ۴۴۹
- سوزش زبان ۴۵۰
- ترکهای زبان ۴۵۰
- زبان بیرون آمدن ۴۵۰
- دندان ها ۴۵۲
- گفتاری درباره دندان ها ۴۵۲

- بهداشت دندان ۴۵۲
- گفتار کلی درباره علاج و داروهای دندان ۴۵۴
- درد دندان ۴۵۷
- داروی تحلیل برنده ماده درد در دندان ۴۶۱
- قطره هائی که در گوش طرف آزار دندان کنند ۴۶۳
- پرکردنی های دندان خورده شده ۴۶۳
- داروهای مخدر ۴۶۴
- لق شدن دندان ۴۶۴
- بر دندان چسبیدنی ها ۴۶۵
- نسخه داروئی که همیشه برای دندان خوب است ۴۶۶
- سوراخ شدن و تأکل ۴۶۶
- شکستن و از هم پاشیدن دندان ۴۶۸
- تغییر رنگ دندان ۴۶۸
- تسریع در رویش دندان ها ۴۶۹
- کشیدن دندان ۴۷۲
- از هم پاشیدن دندان خوره زده که دندان از بین می رود و درد ندارد ۴۷۳
- کرم دندان ۴۷۳
- به هم سایش دندان ۴۷۴
- دندانی که از سایر دندان ها درازتر می شود ۴۷۴
- گُندی دندان ۴۷۴
- رفتن مینای دندان ۴۷۵

- ناتوانی دندان ۴۷۵
- لثه و لب در یک گفتار..... ۴۷۷
- بیماریهای لثه ۴۷۷
- خونریزی لثه ۴۷۸
- تَرَکهای لثه ۴۷۸
- قرحه و ناسور و خوره در لثه ۴۷۹
- کاهش گوشت لثه ۴۸۰
- سستی لثه ۴۸۰
- گوشت زائد ۴۸۱
- تشریح لب ۴۸۱
- تَرَکهای لب ۴۸۱
- علاج ورم و قرحه لب ۴۸۲
- بواسیر لب ۴۸۲
- پریدن لب ۴۸۲
- شکستگی در هریک از اندامها..... ۴۸۴
- شکستگی آرواره ۴۸۴
- بخش دهم: دانش دندان پزشکی از کتاب ذخیره خوارزمشاهی (حکیم سید اسماعیل جرجانی)..... ۴۸۷
- آشنائی با حکیم سید اسماعیل جرجانی و آثار او..... ۴۸۷
- دانش دندان پزشکی از کتاب «ذخیره خوارزمشاهی» (جرجانی) ۴۹۱
- اندر یاد کردن استخوانهای فک زیرین و زبرین..... ۴۹۱
- فک های برسوین و فروسوین ۴۹۱

- اندر تشریح دندان ها..... ۴۹۳
- اندر تشریح زبان..... ۴۹۴
- اندر شناختن سبب افتادن دندان به هفت سالگی..... ۴۹۵
- اندر تدبیر لعاب آوردن از کام و بن زبان..... ۴۹۶
- اندر علاج دندان برآمدن و تدبیر آن..... ۴۹۶
- اندر بیماریهایی که بچگان را باشد از هر نوع و علاج آن..... ۴۹۷
- اندر شناختن احوال دندان و بیماریهای آن..... ۴۹۷
- اندر تدبیر نگاه داشتن دندان ها و... .. ۵۰۱
- اندر درد دندان..... ۵۰۵
- اندر شکستن و ریزیدن دندان..... ۵۱۱
- اندر جنینیدن دندان ها..... ۵۱۲
- اندر تغییر لون دندان ها (رنگ دندان ها)..... ۵۱۴
- اندر کندی دندان ها..... ۵۱۶
- اندر ضعیفی و آب گذاشتن دندان..... ۵۱۷
- اندر تدبیر دندان کودکان تا به آسانی برآید..... ۵۱۷
- اندر تدبیر دندان بزرگان..... ۵۱۸
- اندر داروهای دندان..... ۵۲۰
- اندر داروهای دهان، لب و گوشت بن دندان..... ۵۲۳
- اندر داروهای دهان، کام، زفان و ملازه (زبان کوچک)..... ۵۲۶
- بخش یازدهم: دانش دندان پزشکی از کتاب «الاعراض الطبیه و المباحث العلائیه» (سید اسماعیل جرجانی) ۵۳۲
- اندر احوال دندان و این هفت باب است ۵۳۲

- باب اول: اندر آنکه گوهر دندان چیست و ماده آن از کجاست ۵۳۲
- باب دوم: اندر درد دندان ۵۳۴
- باب سوم: اندر جنبیدن دندان ها ۵۳۶
- باب چهارم: اندر تغییر لون دندان (رنگ دندان) ۵۳۶
- باب پنجم: اندر ضعیفی دندان و کُند شدن و آب گذاشتن ۵۳۷
- باب ششم: اندر تدبیر دندان کودکان در وقت برآمدن و تدبیر
دندانی که بیاید افکند ۵۳۷
- باب هفتم: اندر تدبیر نگاه داشتن دندان تا درست بماند ۵۳۸
- بخش دوازدهم: دانش دندان پزشکی از کتاب «یادگار» (جرجانی) ۵۴۰
- باب پانزده: در بیماریهای دهان و لب و زبان و دندان و ۵۴۰
- طرقدیدن لب ۵۴۰
- دمیدگی دهان ۵۴۰
- خون آمدن از بن دندان ۵۴۱
- سستی دندان ۵۴۱
- خورده شدن گوشت بن دندان ۵۴۱
- سیاهی دندان ۵۴۲
- گرانی زبان ۵۴۲
- بخش سیزدهم: چکیده و مروری کلی ۵۴۴
- بخش چهاردهم: برداشت کوتاه و نهائی از دندان پزشکی در دوره های
گذشته و اسلامی ۵۵۱
- کتاب شناسی ۵۵۳
- فهرست اعلام ۵۶۰

پیش گفتار

برای بهره‌گیری شایسته و استفاده کارآمد از رشته‌های مختلف علوم، آگاهی به تاریخ گذشته و نحوه شروع و شکل‌گیری و سیر پیشرفت آن در طی زمانهای دور تا به امروز ضروری است و به همین دلیل، مطالعه و پژوهش و گردآوری و تدوین مطالب تاریخی کاری پراچ و گامی بلند در سلسله مراتب علمی بشمار می‌رود.

دندان پزشکی، به عنوان رشته‌ای از علوم که با مطالعه و تحقیقات، پیش‌گیری و درمان بیماری‌ها و اختلالات دندان‌ها و سایر بافت‌های دهان سروکار دارد، مانند پزشکی سابقه‌ای بسیار کهن و دیرینه دارد و در قرون و اعصار گذشته مورد استفاده بوده است و امروز به صورت علمی و بسیار پیشرفته ارائه می‌شود.

بررسی تاریخ نشان می‌دهد که انسانهای ماقبل تاریخ نیز همانند مردمان عصر حاضر از بیماریهای دندان‌ریج می‌برده‌اند و بررسی مجموعه انسانهای نئاندرتال که تا بیست و پنجهزار سال قبل زندگی می‌کرده‌اند آسیب‌های دندان‌ری مشابه امروز را نشان می‌دهد.

اولین آثار ثبت شده مربوط به عوارض دندان‌ری در لوح‌های سفالی سومری‌ها ثبت شده است که مربوط به ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح بوده و در مورد درمان دندان درد و کشیدن دندان توضیحاتی داده شده است. از جمله دخالت کرم را در بیماریهای دندان‌ری مطرح می‌کند که تا به امروز نیز در افکار عمومی باقی مانده و کرم خوردگی دندان مترادف با پوسیدگی در محاورات عمومی بکار می‌رود.

در قرون وسطی پزشکان ایرانی و عرب پرچمدار پیشرفت علوم از جمله علوم پزشکی بوده‌اند و بزرگانی از این دیار سربرآورده‌اند که دنیای علم و اندیشه آنان را به دلیل آثار گرانسنگ و ارزشمندی که از خود بیادگار گذاشته‌اند به عنوان

پایه‌گذاران و پیش‌آهنگان علمی در دنیا شناخته و گرامی داشته است.

حکیم رازی (۲۵۱-۳۱۳) استفاده از گرد یا خمیر دندان را توصیه کرده و یکنوع ماده فلزی را برای پر کردن پوسیدگی دندان شرح می‌دهد. مطالعه آثار این بزرگان کمک زیادی به شناخت و نحوه شکل‌گیری و پیشرفت علوم پزشکی از قرون گذشته می‌نماید ولی هر چه بیشتر به عقب برمی‌گردیم کار مطالعه دشوارتر و آثار محدودتر می‌شود که یکی از علل آن از بین رفتن دست‌آوردهای علمی در نتیجه به آتش کشیده شدن کتابخانه‌ها در گذشته‌های دور است.

از چند سال قبل تهیه و تدوین تاریخ دندان پزشکی ایران از گذشته تا عصر حاضر در دستور کار فرهنگستان علوم پزشکی قرار گرفت و به توصیه شورای علمی فرهنگستان انجام این مهم به، گروه ارجمند دندان پزشکی فرهنگستان واگذار شد و با استفاده از طیف وسیعی از آثار گذشته و همت و تلاش همکاران به ویژه ریاست محترم گروه، کتاب ارزشمند حاضر در چهارده بخش آماده شد که جلد اول از مجموعه‌ای بی‌نظیر، شامل تاریخ دندان پزشکی ایران از عهد باستان تا دوره معاصر می‌باشد به جامعه ارجمند پزشکی و علاقه‌مندان به گذشته علمی مملکت تقدیم می‌شود.

ضمن سپاس قلبی و تشکر فراوان از اعضای گرانقدر گروه دندان پزشکی و به ویژه ریاست محترم گروه جناب آقای دکتر اسمعیل یزدی و زحمات همکاران محترم آقایان، دکتر محمدرضا غفاری، دکتر رامین حکیمی، دکتر مرتضی مصفا، دکتر محمدحسین عزیزی و سرکار خانم دکتر فرشته نایی، امیدوارم این کتاب مورد استفاده وسیع جامعه سربلند پزشکی ایران و اندیشمندان مملکت قرار گیرد.

دکتر ایرج فاضل

به نام خداوند جان و خرد

آگاهی از تاریخ هر علم،
پی بردن به عمق و ریشه‌های آن،
برای بهره‌گیری در زمان کنونی است.

مقدمه

با وجود همه رویدادهای گوناگون و ناگواری که بر مردم ما گذشته یا تحمیل شده است، کشور ایران راه پرفراز و فرود خود را در طول تاریخ به آرامی و نیک اندیشی پیموده و سهم و نقش خویش در روشن نگاه داشتن مشعل دانش و تمدن جهانی تا کسب مقام علم سالاری را با پویایی و تلاش برای سده‌ها به نحو شایسته ایفا و کم و بیش فر و فروغ خود را حفظ کرده است. ولی شوربختانه تا کنون آنگونه که شایسته و بایسته باشد در سامانه جهانی نه معرفی شده و نه در پایگاه و جایگاه به حق خود قرار گرفته است. این کاستی و نقیصه آزار دهنده، (اگر برای مردم عادی نامحسوس باشد)، برای آنها که عمری در راه سرافرازی و بالندگی ایران و تجلی مقام علمی و هنری آن در فرهنگ و تمدن بشری صرف کرده‌اند غم انگیز و تأسف بار می باشد.

برای گشودن راه به سوی فردا، نگرش به دیروز و شناخت امروز اجتناب‌ناپذیر است. با توجه به دگرگونیها و تغییرات روزمره بهره‌ور از فن‌آوری در زمینه‌های گوناگون علوم در سطح جهانی، نیاز همه‌گیری به ویژه بین جوانان و نسل‌های

تزیین کنونی در آگاهی از تاریخ علوم کشوری به گستره ایران فرهنگی با پیشینه چندین هزار ساله، به خوبی احساس می‌شود. تاریخ علوم پزشکی کشور از این مقوله جدا نیست. با آگاهی‌های همه جانبه از گذشته تاریخی و میراث فرهنگی به ویژه در حوزه دانش از آن جمله علوم پزشکی می‌توان بهره گرفت و در برنامه‌ریزی‌های امروزی از آنها استفاده کرد. با شناخت این امر و احساس نیاز به نگرش همه سویانه به تاریخ دندان پزشکی ایران، و در راستای آگاهی، درک و دریافت درست از رشد و سیر تحولات این رشته از علوم پزشکی، با بهره‌گیری از پشتیبانی‌های مادی و معنوی فرهنگستان علوم پزشکی، جستاری را با یاری تنی چند از همکاران شروع کردیم و در حد توان و امکان دفتر نخست آن را به پایان رساندیم.

اکنون بسیار خوشوقتم که با تلاش و کوشش همه جانبه و صرف وقت، پس از دو سال، از مجموعه تاریخی شامل دندان پزشکی قبل از اسلام، دوره اسلامی (تا آغاز سده سیزدهم هـ. ق) و معاصر (از سده سیزدهم هـ. ق و تأسیس دارالفنون) دفتر نخست (جلد اول) آن شامل پیش از اسلام و دوره اسلامی تقدیم علاقمندان می‌شود. دفتر دوم (جلد دوم) آن شامل دوره معاصر در دست اقدام می‌باشد و امید است در آینده نزدیک آماده چاپ و انتشار شود. در تهیه مطالب این مجموعه سعی شده است کلیه نکات تاریخی و مراحل دگرگونی و رشد این رشته از پزشکی تا حد امکان و دسترسی به اسناد و مدارک، بیان شده و زوایای پوشیده و جامانده تاریخ دندان پزشکی کشورمان نمایان و بازگو شود. با توجه به اینکه در بعضی از نکات تاریخی مآخذ و سوابقی در دسترس نبوده و یا نیست ناگزیر از پیش‌گامان و آگاهان، اطلاعاتی کسب شده و از هر جا میسر و ممکن بوده عکسهای تاریخی تهیه و یا از یادداشت‌های شخصی نگارنده و همکاران بهره گرفته شده است. آنچه در این مجموعه تدوین و ارائه شده است، نگرش دوباره

به دندان پزشکی گذشته ایران به مثابه رویکردهای تاریخی و بیان ابعاد و روشهای مرسوم در زمینه درمان و دانش دندان پزشکی روزگاران مورد نظر خود می‌باشد. لذا در این ارتباط، تلاش بر آن بوده است که سطح دانش و نیز روش درمان‌های پزشکی (که دندان پزشکی نیز جزئی از آن می‌باشد) مورد بررسی و کاوش قرار داده شود، تا جایی که شاید بتواند دست‌مایه‌ای برای برداشتی واقع‌گرایانه از آنچه بوده و شده و نیز مدخلی برای آشنایی علاقمندان با رویکردهای دانش پزشکی (دندان پزشکی) و عملکرد دانشمندان صاحب‌نام روزگاران گذشته برای پژوهشگران نسل جوان و سئوالات ناظر بر "طب و دندان پزشکی سنتی" کشورمان باشد.

دفتر نخست این مجموعه، دست‌آوردیست با برخورداری از یاری همکاران ارزشمند آقایان دکتر محمدرضا غفاری، دکتر رامین حکیمی، استاد دکتر مرتضی مصفا، دکتر محمدحسین عزیزی و نیز استاد دکتر غلامحسین رهبری، و لازم است بگویم کاری که می‌توانستیم انجام داده‌ایم نه آنچه که می‌خواستیم، لذا تردیدی نیست که با همه تلاشهای ممکن و همه جانبه در تدوین این مجموعه تاریخی، کمک و پشتیبانی ارزشمند دوستان و شخصیت‌های علاقمند، آنچه ارائه شده است خالی از کاستی و اشتباه نخواهد بود. امیدوارم با راهنمایی‌های بزرگوارانه و تذکرات پژوهشگران ارزشمندی که خوانندگان و آگاهان فرزانه خواهند داد در چاپ‌های آینده اصلاحات لازم و رفع کاستی‌ها تا حد توان میسر شود.

از مسئولین محترم ارشد فرهنگستان علوم پزشکی به ویژه استاد گرانقدر جناب آقای دکتر ایرج فاضل ریاست محترم فرهنگستان، که با تشویق، انگیزه و اندیشه این کار را ترغیب به فعل و انجام ره نمودند، سپاسگزاری و قدردانی بجا می‌آورم.

از همه عزیزانی که در گام‌های نخستین، گردآوری، برگردان زبان‌های دیگر به ویژه عربی به فارسی و نیز تدوین مطالب این مجموعه تاریخی ما را به نحوی یاری کرده‌اند به ویژه از همکاران ارجمند آقایان دکتر محمد ابراهیم ذاکر و دکتر هادی فرهنگ انصاری که متون عربی مورد نظر را با علاقه و پشتکار به فارسی برگردانده و ارائه داده‌اند، سپاسگزارم.

از کارکنان محترم فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران به خاطر همکاری‌های ارزنده‌شان که با علاقه و پشتکار ارزشمند خود و با حوصله و شکیبایی، کار سنگین این مجموعه را بر عهده داشته و با شایستگی آن را به پایان رساندند، تشکر می‌کنم.

دکتر اسمعیل یزدی

اشاره‌ای ضروری، قبل از مطالعه کتاب

به طور کلی در بررسی نگاشته‌های موجود چنین برداشت می‌شود که چه در ایران باستان و چه در دوره اسلامی و تا تأسیس مدرسه طب (دارالفنون) و تأسیس مدرسه دندان‌سازی و تأسیس دانشگاه تهران و سر و سامان یابی امور پزشکی از آن جمله دندان‌پزشکی، امور دندان‌پزشکی همراه با خدمات پزشکی توسط پزشکان (حکیم‌باشی‌ها) و یا سلمانی‌ها، دلاک‌ها، عطاران و... انجام و ارائه می‌شده است. تک حرفه‌ای یا تک نگاشتی در دندان‌پزشکی جدا از پزشکی بسیار محدود و معدود یا غیر شفاف می‌باشد.

"سیریل الگود" در کتاب طب در دوره صفوی در ارتباط با دندان‌پزشکی چنین می‌گوید:^۱

"در مورد دندان‌پزشکی، اطلاعات زیادی در دست نداریم من تصور می‌کنم که درمان دندان و لثه به ترتیب به عهده پزشکان عمومی و دلاک‌ها (سلمانی‌ها) بوده است. حکیم محمد از یک مورد شکستگی فک یاد می‌کند که به دندان‌ها نیز آسیب رسیده بود اما یک چنین موردی بدون تردید در حیطه اختیارات یک جراح یا شکسته بند قرار می‌گرفت.

^۱. دکتر سیریل الگود، طب در دوره صفوی، ترجمه محسن جاویدان، انتشارات دانشگاه تهران، شماره ۱۶۸۶،

از سوی دیگر غیاث الدین به عنوان یک طبیب عمومی نویسنده از تعداد زیادی بیماری‌های دندان و لثه نام می‌برد و می‌گوید دندان بارگی را باید از راه تراشیدن قسمت‌های خراب شده با یک وسیله آهنی تیز و پرکردن آن با ماده مخصوص درمان کرد. او همچنین برای رفع دندان درد داروهای مختلفی را نام می‌برد"

لذا با توجه به مراتب فوق و منابع گوناگون دیگر، برای بررسی پیشینه دندان پزشکی، ورود و عبور از مباحث و پیشینه پزشکی (دانش، آموزش و خدمات) اجتناب ناپذیر است.

در ضمن قابل ذکر است که اهمیت علمی مطالب گردآوری و بیان شده، از بزرگان پزشکی گذشته به اعتبار زمان می‌باشد و داوری درباره آنها منوط به نظر خواننده است.

بنام براننده نامها کز آغازها داند انجامها

دفتر نخست

گفتار نخست

پیش از اسلام

گفتار نخست

پیش از اسلام

پزشکی (و دندان پزشکی) در گذر زمان

پیشینه و زمینه

پیدایش پزشکی همزمان با پیدایش بشر است. دیرینگی آن در هیچ یک از کشورهای جهان به درستی روشن نیست. آنگاه که بشر خود را درگیر رویدادهای خطرزا، درد و بیماریها یافته، در پی چاره جوئی برآمده است و نخستین گام ها در راستای سیر تکامل پزشکی را برداشته است و می توان گفت که در این ارتباط از رهیافت ها و تجربه های دیداری بسیار بهره برده است. بررسی و آشنائی با آنها جالب توجه و حتی شیرین می باشد. و برخی از این رهیافت ها در قصص و داستانهای تاریخی و ادبی و روایت های مذهبی آورده شده است. به طور مثال می توان به آشکار شدن تاثیر گیاهان داروئی از طریق مکاشفه بر سلیمان نبی و یا آموختن دفن جسد هابیل کشته شده به دست قابیل از کلاغ اشاره کرد که مولانا جلال الدین بلخی آنرا به زیبایی در مثنوی به نظم در آورده است:

در مورد گیاهان داروئی

هر صباحی چون سلیمان آمدی خاضع اندر مسجد اقصی شدی
نو گیاهی رسته دیدی اندر او پس بگفتی نام و نفع خود بگو

تو چه دارویی چه ای نامت چی است	تو زیان کی و نفعت بر کی است
پس بگفتی هر گیاهی فعل و نام	که من آن را جانم و این را حمام ^۱
من مر این را زهرم و او را شکر	نام من این است بر لوح از قدر
پس طبیبان از سلیمان زآن گیاه	عالم و دانا شدند مقتدا
تا کتبهای طبیبی ساختند	جسم را از رنج می پرداختند

و یا در مورد دفن جسد

دانش پیشه از این عقل ار بدی	پیشه بی اوستا حاصل شدی
کندن گوری که کمتر پیشه بود	کی ز فکر و حيله و اندیشه بود
گر بدی این فهم مر قابیل را	کی نهادی بر سر او هابیل را
که کجا غایب کنم این کشته را	این به خون و خاک درآغشته را
دید زاغی زاغ مرده در دهان	برگرفته تیز می آید چنان
از هوا زیر آمد و شد او به فن	از پی تعلیم او را گورکن
پس به چنگال از زمین انگیخت گرد	زود زاغ مرده را در گور کرد
دفن کردش پس بپوشیدش به خاک	زاغ از الهام حق بد علمناک
گفت قابیل آه شه ^۲ بر عقل من	که بود زاغی ز من افزون به فن(۱)

دندان پزشکی در ادوار گذشته جهان

به احتمال قوی، مسائل دندان پزشکی و درد دندان و برخورد با آن مانند دردهای دیگر از همان آغاز پیدایش بشر وجود داشته است. ولی، شاید انسان

^۱. مرگ، موت

^۲. نفرت، کراهت

اولیه به شدت امروز از درد رنج نمی‌برده و به طور کلی واکنش و تحمل‌اش در برابر درد با انسان امروزی تفاوت داشته است. با وجود این برای گریز از درد و رنج بیماری‌های دهان و دندان به تجویز دارو و یا خارج کردن دندان دردناک اقدام می‌کرده است.

در بررسی‌های باستان‌شناسی، مجموعه‌ای یافت شده است که دیرینگی آنرا هفتاد هزار سال تخمین زده‌اند و در آن آثاری از **بیماریهای فک و دهان و دندان** مشاهده کرده‌اند. این موضوع می‌رساند که ابتلاء به بیماری‌ها هماهنگ با شرایط ویژه زیستی برای بشر در دورانهای مختلف تاریخ وجود داشته است ولی انسان تا چه اندازه در شناسائی نشانه‌ها، سیر، فرجام و درمان آنها آگاهی داشته است مدرکی در دست نیست. با وجود این می‌توان گمانه زد که بشر تا هنگامی که افرادی می‌زیسته، کمتر در معرض شیوع و ابتلاء به بیماریها بوده تا دوره‌ای که زندگی اجتماعی را آغاز کرده است. (۲)

مقایسه کالبدی و تشریحی مجموعه انسان‌های ادوار گذشته با انسان‌های امروز، می‌تواند گویای بعضی از بیماری‌ها و عوارض بیماری‌زایی باشد که ما امروزه با آن روبرو هستیم. به طور مثال: مقایسه قطر قدامی خلفی شاخه صعودی فک پایین انسان «نثان درتال»، که حدود ۶ سانتی‌متر است، با انسان امروزی، که حدود ۴ سانتی‌متر می‌باشد و نیز قطر و فاصله لبه خلفی فک پایین تا ناحیه «سمفیز» و خط میانی در هر نیمه فک که در انسان‌های امروزی کمتر شده است، می‌شود افزایش زمینه شکستگی‌های فک پایین و یا عوارض رویش دندان‌های مولر سوم (دندان عقل) را احتمالاً به این تفاوت‌ها نسبت داد. (۳)

همچنین در اکثر مجموعه‌های انسان‌های اولیه به دست آمده در حفاری‌ها، پیش‌آمدگی فک پایین^۱ دیده شده است که تغییر آن نسبت به حجم کنونی می‌تواند احتمالاً به تدریج موجب عوارض رویش یا فقدان تشکیل مولر سوم (دندان عقل) و یا به هم ریختگی^۲ شایع‌تر دندان‌های قدامی شود.^(۳)

اصولاً درمان‌های دندان‌پزشکی در دوران گذشته همپا با پزشکی وجود داشته و اساس بیشتر درمان‌های امروزی نشأت گرفته از اصول و تجربیات درمان‌های گذشته می‌باشد. بنابر فرضیه‌های دانشمندان علوم طبیعی و باستان‌شناسی، بشر اولیه برای پر کردن پوسیدگی‌های دندان‌های خود از صمغ، قطعات خیس و نرم شده ریشه یا برگ برخی از درختان استفاده می‌کرده است. بنابراین می‌توان گفت که صمغ‌ها در حقیقت ابتدایی‌ترین مواد پرکننده دندان‌های پوسیده به شمار می‌روند که در عین حال به عنوان مسکن باعث آرامش درد نیز می‌شده‌اند.

از همین منظر، با پیشرفت و گذشت زمان و کسب تجربه و رهیافت‌های دیداری، انسان اولیه آموخت که چگونه با درد دندان نیز مانند هر درد دیگری مبارزه کند. فکر خارج کردن دندان دردناک و یا شناسایی شاخ و برگ گیاهان تسکین دهنده و گذاشتن آنها داخل حفره پوسیده دندان اقدامات اولیه ایست که در بررسی فک «مولن کینون»^۳ مشهود شده است.

^۱ prognatism.

^۲ crowding .

^۳ Moulin Quignon : معدنی در نزدیکی آبه ویل که به واسطه کشف قطعه ای استخوان فک انسان

نخستین توسط بوشه دو پرت در این مکان معروف است.

بوشه دوپرت^۱ دانشمند دیرین شناس در آبه ویل^۲ موفق به کشف جمجمه مشهور «مولن کینون» شد که آثار و علائم زیر روی فکین این جمجمه نمایان بوده است: (۳)

- خارج شدن یکی از دندان ها
 - پوسیدگی در دندان کرسی اول فک پایین
 - ساییدگی های قابل توجه در حدود ثنایاهای پایین و بالا
 - ترمیم طبیعی کرت آلوتل در محل دندان خارج شده
- بنابراین مشاهدات، می توان گمانه زد که حتی انسان های ماقبل تاریخ نیز یاد گرفته بودند که در مواقع درد، اقدام به خارج کردن دندان دردناک خود بکنند. چگونه و با چه وسیله ای؟
- به کمک انگشتان شست و سبابه (همچنان که در دوره های بعد و هنوز در بعضی از کشورها افرادی برای خارج کردن دندان ها از همین روش استفاده کرده و می کنند)
 - لق کردن دندان به کمک الیاف سخت و محکم گیاهی و بعد خارج کردن آن به کمک انگشتان
 - به کمک اهرم های چوبی که به تدریج برای این منظور درست می کردند.
- با بازنگری و مطالعه روی جمجمه انسان «شاپل اوسن» که مربوط به هزاران سال پیش از پیدایش انسان «نئان درتال» می باشد آثار و علائم خارج کردن دندان های متعددی دیده می شود. (۳)

^۱ Jacques Boucher de Crèvecœur de Perthes (۱۷۸۸-۱۸۶۸ م). زیست شناس و دیرین شناس

فرانسوی

^۲ Abbeville: شهری در شمال کشور فرانسه

یکی از منابع مهمی که می‌توان به آن متکی شد Das Scheint uns umso Berechtiger می‌باشد که به روشنی ثابت می‌کند بیماری‌ها و بی‌نظمی‌های دندان‌ها و محدوده اطرافشان، در ادوار گذشته، حداقل شیوع امروزی را داشته‌اند. پژوهش در مورد دندان‌ها در دوره پیش از تاریخ نشان می‌دهد که دو بیماری پوسیدگی و پیوره، شایع‌ترین عوامل ریزش دندان‌ها، وجود داشته‌اند.^(۴)

اقدامات اولیه در زمینه دندان‌پزشکی هم‌زمان است با نخستین گامها در زمینه هنر و علم، درست در ناحیه‌ای که مهد تمدن در آنجاست؛ یعنی در **دره‌های خاورمیانه، خلیج فارس، فلسطین و سوریه**. مردمان بابل (پایتخت کده) در پنج هزار سال قبل از میلاد برخی روش‌های درمانی را به کار برده‌اند که آمیزه‌ای جالب و نظرگیر از دانش پزشکی و مراسم مذهبی بود. آنان در دعاها و نیایش‌های خود به درگاه ایزد "انکی"^۱ التماس می‌کردند که لعن و نفرین خود را حواله کرم کند که عامل بیماری‌های دندان تلقی می‌شد.^۲ (۴)

بابلیان معتقد بودند بیماریهای گوناگونی که ساکنان دلتا در معرض ابتلای به آن بودند نتیجه حمله ارواح خبیثه و یا به علت بدخواهی ساحران و ساحرگان بوده است. از این رو همراه با استفاده از درمانهای شناخته شده برای معالجه ناخوشی‌های جسمی، یک یا چند افسون نیز خوانده می‌شد. نمونه‌ای از آن افسون‌ها، که برای معالجه دندان درد بکار می‌رفته در اینجا نقل می‌شود. در مؤخره این افسون آمده که بعد از معالجه‌های توصیه شده، باید آنرا سه بار بر بیمار بخوانند.^(۵)

^۱. Enki: نام سومری برای خدای آب و زمین‌های بارور در اساطیر خاورمیانه، در اساطیر بابلی با نام اِعا

شناخته می‌شود.

^۲. احتمالاً رواج اصطلاح کرم خوردگی در ارتباط با پوسیدگی دندان، بین مردمان کشورهای مختلف، ریشه از

این باور باستانی دارد.

پس از آنکه آنو^۱ آسمان را آفرید،
 آسمان، زمین را آفرید،
 زمین رودها را آفرید،
 رودها آبراه ها را آفریدند،
 آبراه ها مرداب را آفریدند،
 و مرداب کرم را آفرید،
 کرم گریان به پیشگاه شاماش^۲ رفت،
 اشکش در حضور اعا^۳ جاری شد:
 « مرا خوردنی چه خواهی داد؟
 مرا مکیدنی چه خواهی داد؟ »
 « تو را انجیر رسیده خواهم داد،
 و زردآلو. »
 « مرا چه سود دارد، انجیر رسیده و زردآلو؟
 مرا به بالا، به میان دندان ها بر
 و در لثه ها بگذار ساکن شوم!
 خون دندان را خواهم مکید،
 و از لثه، ریشه های آن را^۴
 خواهم جوید! »

^۱ . Anu : خدای آسمانها و از قدرتمندترین خدایان در اساطیر خاورمیانه

^۲ . Shamash : خدای خورشید در اساطیر خاورمیانه، نزد سومریان Utu خوانده می شد.

^۳ . Ea : نام بابلی خدای آب و زمین های بارور در اساطیر خاورمیانه، معادل انکی سومری

^۴ . به نظر می رسد که محل کلمه های «دندان» و «لثه» در این دو بیت جابجا شده است

گیره را محکم کن و ریشه اش را بگیر^۱
 « حال که این را گفته ای، ای کرم!
 اعا تو را بزند با زور
 از دستش! » (۵)

در شرق دور در دوره دیگری از تاریخ "هوانگ-تی"^۲ مؤلف احتمالی "کی - کینگ"^۳ (۲۷۰۰ سال قبل از میلاد) اطلاعات فراوانی درباره ناحیه دهان جمع آوری کرد و ۳۶ بخش از لثه و آرواره را با ذکر جزئیات شرح داد. وی با سوزن‌های طلایی و نقره‌ای سعی در تسکین دردها و ناراحتی‌هایی کرد که در آنجا به وجود می‌آمد.

در هند نیز ظاهراً درمان ناراحتی‌های حفره دهان و دندان‌ها، برای نخستین بار در حدود سه هزار سال قبل از میلاد انجام می‌شده است. در نوشته‌ای که به شاهزاده "سیذارتا گائوتاما"^۴، بنیانگذار مکتب بودا، تقدیم شده است، صحبت از قدیمی‌ترین و ساده‌ترین شکل مسواک به میان آمده است.

با وجود این، به احتمال زیاد نخستین اشاره‌ها و گمانه‌ها درباره دندان‌پزشکی از خاور نزدیک برخاسته است که به اروپا توسعه پیدا کرده و با گذشت زمان، پیوسته با اهمیت‌تر و پرمفهوم‌تر شده است. (۴)

^۱. این سطر رهنمودی است که به دندان پزشک داده می‌شود.

^۲. Huang-Ti

^۳. Kei-King

^۴. Sisscharta Gautama

اندوختن تجربه و پیشرفت، به تدریج منجر به درهم آمیختن ترکیبات مختلف و تهیه دارو و مبارزه با بیماری‌ها و درد دندان شد. برگ پاپیروس اولین وسیله ایست که بشر برای نسخه از آن استفاده کرده است. در روزگار «خنوپس» نوشتن نسخه متداول بوده و بعدها به تدریج آشوری‌ها و بابلی‌ها از آن پیروی کرده‌اند. دیرینگی پاپیروس‌های به دست آمده را نمی‌توان به طور دقیق تعیین کرد ولی در عین حال پاپیروس‌های متعدد و مختلفی با دیرینگی‌های متفاوت که بعضی از آنها به دو هزار سال قبل از میلاد می‌رسد یافت شده‌اند. در سال ۱۸۷۲ میلادی پروفیسور "جرج ابرس"^۱ در "تبس"^۲، یک کتاب مرجع مصری کشف کرد که در حدود ۱۵۵۰ سال قبل از میلاد نوشته شده است. این دست نوشته که اکنون در کتابخانه دانشگاه لایپزیک نگهداری می‌شود، شامل ۱۱ شرح و توضیح درباره دندان‌ها و شامل خمیر دندان برای استحکام دندان‌ها، دارو برای تسکین دردهای دندان و روش‌های درمانی برای آبسه‌های لثه می‌باشد. ضمناً در پاپیروس "ابرس" روشی برای استحکام یکی از دندان‌هایی که در معرض افتادن قرار گرفته است، دیده می‌شود. (۳، ۴)

پاپیروس دیگری که به نام کاشف آن "ادوین اسمیت"^۳ معروف و مربوط به سده هفدهم قبل از میلاد است و از جهت بررسی و تحقیق، به اندازه پاپیروس قبلی اهمیت دارد، این نسخه به جراحات‌های دهان مربوط می‌شود و در ۲۴ فصل درباره شکستگی‌های آرواره‌ها و بازسازی مجدد آنها و نیز جراحی انداختن فک بحث می‌کند. (۴)

^۱ George Ebers .

^۲ Thebes .

^۳ Edwin Smith .



تصویر ۱: بخشی از پاپيروس مصری ادوین اسمیت، یکی از پاپيروس های معتبر پزشکی و جراحی که در زمینه بینی و شکستگی های آرواره بحث می کند. (۴)

در آن روزگاران پزشکان همان کاهنان بودند. اصولاً در تمام تمدن های قدیمی (چین، ژاپن، آزتک^۱، اینکا^۲ و...) ارتباط نزدیک و زیادی بین پزشکی، مذهب و قوای ماوراء الطبیعه یافت می شود به طوری که می توان گفت که در آن زمان وظایف پزشکی، داروسازی، دندان پزشکی، کاهنی و ساحری توسط یک نفر انجام می شده است. با پیدایش ادیان و ظهور پیامبران و کتب دینی مانند انجیل، تورات و قرآن توصیه ها و دستورات بهداشتی از جمله در ارتباط با دهان و دندان و حفظ و مراقبت از دندان ها داده شد. در کتاب انجیل و تالمود^۳ بعضی دستورات بهداشتی دهان داده شده است ولی دستور دارویی دیده نمی شود. (۳)

^۱ Aztec: از تمدن های باستانی آمریکای مرکزی که سنت های مذهبی و اساطیری غنی داشته است.

^۲ Inca: از تمدن های باستانی آمریکای جنوبی در ناحیه کوه های آند.

^۳ Talmud.

"اسکولاپ"^۱ بزرگترین پزشک زمان خود در یونان محسوب می‌شده که دانش دندان پزشکی قابل توجهی داشته است. وی یک پزشک عمومی بوده که علاقه و اشتیاق زیادی نیز به مسایل دندان ها داشته است. از نوشته‌های "هومر" چنین استنباط می‌کنیم که وی از علم کالبدشناسی به خوبی سر در می‌آورده و در میان جراحات‌هایی که توصیف می‌کند از عفونت های آرواره، که آن را قوس دندانی می‌نامد، سخن به میان آورده است.

بین زمان "هومر" تا "بقراط" برایمان مبهم است، با وجود این از نوشته‌های برخی از مؤلفان نامدار می‌توان استنباط کرد که دندان پزشکی مورد بی‌توجهی نبوده است. "سولون" (سال‌های ۶۴۰ تا ۵۵۸ قبل از میلاد) با دقت تمام جایگزین شدن دندان های ثابت را به جای دندان های شیری مورد بررسی و تحقیق قرار داده است. "اپیکارموس"^۲ اهل "سیسیل" (سال‌های ۵۴۰ تا ۴۵۰ قبل از میلاد) هم شاعر و هم پزشک بود. در کتاب وی برای نخستین بار واژه‌های "گومفیو"^۳ به عنوان نشانه یک دندان آسیا و "کیندوس"^۴ به عنوان علامت یک دندان شیری آورده شده‌اند. در آغاز سده پنجم میلادی فلاسفه‌ای که به مسایل پزشکی اشاره‌ای کرده‌اند، از غنای علمی فراوانی برخوردار بوده‌اند. "ذیمقراط"^۵ اهل "ابدرا"^۶ افتادن دندان را مورد بررسی قرار داده و نشانه‌های بیماری آن را شرح داده است.

^۱ Asklepios Asclepius, Aesculapius: خدای پزشکی در یونان باستان، فرزند آپولو و گرونیس، برخی از محققان اسطوره اسکولاپ را برگرفته از وجود پزشک واقعی می‌دانند که در علم پزشکی سرآمد روزگار خود بوده است.

^۲ Epicharmos.

^۳ Gomphio.

^۴ Kynodus.

^۵ Demokrit.

^۶ Abdera.

هردوت مورخ یونانی، پانصد سال قبل از میلاد، راجع به علم پزشکی و دندان پزشکی بارها صحبت کرده است. وی که بسیار سفر می کرد، در سال ۴۶۰ قبل از میلاد نیاز به این نوع تخصص (دندان پزشکی) را در حرفه پزشکی تشخیص داد. وی پس از بازگشت از سفر مصر چنین نوشته است: «این سرزمین پر از پزشک است، پزشکانی برای چشم ها، سر، دندان ها، دهان و بیماری های ناشناخته و مبهم». (۴)

”بقراط“ (سال های ۴۶۰ تا ۳۸۰ قبل از میلاد) نشانه های بیماری ها را تا جزیی ترین نکات شرح داده است، کار خود را بر یافتن عوامل ایجاد بیماری متمرکز کرده و دندان ها را با توجه به سه دیدگاه مورد مطالعه و پژوهش قرار داده است: تشریح، آسیب شناسی و درمان شناسی. طبق گفته ”بقراط“ دندان ها در هفت ماهگی جنین شکل می گیرند. اما در هفت ماهگی نوزاد آشکار می شوند. وی در ادامه شرح می دهد که چگونه دندان های شیری می افتند و دندان های ثابت جای آنها را می گیرند: دندان ها به دلیل زیر به عنوان آخرین اعضاء به وجود می آیند: رشد بدن از طریق استخوان های سر و نیز آرواره صورت می گیرد. مایع غلیظ و چربی این استخوان ها با گرما خشک می شود و از میان می رود و چون دندان ها هیچ نوع مایعی ندارند محکم تر و سخت تر از سایر استخوان ها می شوند. نخستین دندان ها به علت تغذیه جنین در رحم مادر و سپس شیر خوردن کودک پس از تولد ظاهر می شوند. سپس زمانی که هفت سال از نخستین تغذیه نوزاد گذشته باشد به دلیل تغییر نوع غذاها و نوشیدنیها دندان ها می افتند. کودک تا چهارده سالگی یعنی تا زمان رسیدن به بلوغ جسمانی رشد می کند. در این مدت، دندان های بزرگ تر و تمام دندان های پیشین، نیش و آسیاها جایگزین دندان های شیری می شوند. در مرحله سوم کودک به صورت یک نوجوان در می آید (بین

چهارده و بیست و یک سالگی). در مرحله چهارم در اکثر انسان‌ها به اصطلاح دندان‌های عقل به وجود می‌آید. بار دیگر در اینجا تقسیم‌بندی حیات انسان را در چهار مرحله زمانی ۷ ساله می‌بینیم که "بقراط" برای آن اهمیت فوق‌العاده‌ای قایل بود.

"بقراط" از وجود سرخرگ‌های آرواره مطلع بود. وی در فک پایین سوراخ ریزی را شناسایی کرد که سرخرگ‌های فک پایین از آن عبور می‌کنند. معتقد بود که این استخوان تنها استخوانی است که سیاهرگ از آن عبور می‌کند. براساس این نظریه، "بقراط" نظریه منحصربه‌فردی را بنیاد گذاشت تا بدین وسیله شرح دهد چگونه این استخوان جدا از دیگر استخوان‌ها دندان‌ها را به وجود می‌آورد. در آثار "بقراط" بخش مربوط به آسیب‌شناسی دندان بسیار مفصل است. ناهنجاری‌ها و بدشکلی‌های دندان به نظر وی بسیار جالب توجه بود. وی می‌گوید: «با شروع رویش دندان التهابات لثه‌ها، تب، گرفتگی عضلات و اسهال به وجود می‌آید؛ به ویژه، در هنگام رویش دندان‌های نیش علاوه بر این، تب شدید در هنگام رویش دندان‌های کودک در اکثر حالات مانع از گرفتگی عضلات می‌شود.» (۴)

"بقراط" اختلالات ناشی از رویش دندان‌های مولر سوم (عقل) را نیز مورد تحقیق و بررسی قرار داده و نتیجه گرفته است که در سومین دندان‌های مولر پوسیدگی و آبسه بیش از دیگر دندان‌ها مشاهده می‌شود. (۴)

وی آبسه‌های دهانی، پوکی استخوان فک و التهاب حاد پوسته استخوان (پریوست) را که می‌تواند با تب‌های مرگ‌بار و کشنده همراه باشند (احتمالاً استئومیلیت) را توصیف کرده است. در هنگام وجود زخم‌های سرسخت و دیرپایی که در لبه کناری زبان به وجود می‌آید، توصیه می‌کند که با دقت دندان‌نیش را بررسی کنیم. این توصیه بسیار مفیدی است (احتمالاً SCC زبان). "بقراط" معتقد است که سرما دشمن دندان‌ها است و پوسیدگی به این دلیل است که

دندان ها به علت وجود مایع غلیظ و ذرات به جا مانده از مواد خوراکی مورد تهاجم قرار می گیرند. زودتر از همه ضعیف ترین و کم ریشه ترین دندان ها فاسد می شوند و می افتند. درمان دردهای دندان و التهابات لثه غرغره کردن با "بیرجیل"^۱ و فلفل و برای آبسه های درون دهان، جوشانده پخته شده عدس را توصیه می کند. به گمان او حجامت جامع و کمپرس با گیاه عود مصری می تواند التهابات ورم مانند لثه ها را درمان کند. "بقراط" در زمینه کشیدن دندان که روش درمانی جدی و دشواری می دانسته، بسیار با احتیاط عمل کرده و فقط هنگامی که دندان ها پوسیده و لق شده اند، آنرا توصیه کرده است. کشیدن دندان را یک عمل جراحی فوق العاده خطرناک محسوب می کند و در موارد بسیار ضروری و مواردی که انجام این کار آسان بود، از آن استفاده می کرد. شکستگی های آرواره ها را "بقراط" با روشی جالب به جای خود می آورد و محل شکسته شده را ثابت و با کمک باند و بند محکم می کرد. دندان ها را در محل صدمه دیده یا جابه جا شده با قسمت های شکسته شده مطابق و با یک نوار طلایی تا زمان بهبودی کامل به هم می بست و طوری سر و صورت را باند پیچی می کرد که به حالت خود باقی بمانند. توصیه می کرد بیمار باید استراحت مطلق کرده و از رژیم خاص غذایی پیروی کند، و شکستگی فک تا بیست روز بهبودی خواهد یافت. در هر حال کارهایش حاصلی از تجربیات گذشته و افق هایی برای آینده بود. "بقراط"، فرزنداناش "تسالوس"^۲ و "دراکون"^۳ و دامادش "پلی بوس"^۴ را به عنوان جانشینان خود به تداوم پزشکی وادار کرد.(۴)

Bibergil.^۱

Thessalus.^۲

Drakon.^۳

Polybos.^۴

"ارسطو" در سال ۳۸۴ قبل از میلاد در "استاگریا"^۱ دیده به جهان گشود و در سال ۳۲۲ قبل از میلاد در "شالکیس"^۲ دیده از جهان فرو بست. او نخستین فردی بود که شکل دقیق و صحیحی به علم تشریح مقایسه‌ای و فیزیولوژی داد. امروزه هنوز هم ما از نتایج به دست آمده از پژوهش‌هایی که وی از کالبد شکافی حیوانی به دست آورد در تعجب و حیرت هستیم. درباره دندان‌ها چنین می‌گوید: «در کودکان ابتدا دندان‌ها در ماه هفتم شروع به رشد می‌کنند. طبیعتاً نخست دندان‌های جلویی بیرون می‌آیند؛ گاهی دندان‌های بالایی و گاهی دندان‌های پایینی. هر چند این دندان‌ها در کودکانی که دایه‌های آنان شیر گرم دارند، سریع‌تر رشد می‌کنند. وی در زمینه دندان‌های عقل (مولر سوم) چنین توضیح می‌دهد: عقب‌ترین دندان‌های آسیا در انسان‌ها، رشد خود را پس از بقیه دندان‌ها چه در مردان و چه در زنان و به طور معمول از بیست سالگی آغاز می‌کنند. بیرون زدگی آنها با دردهای بسیار شدید همراه است. وی عملکرد و وظیفه فیزیولوژیکی دندان‌ها را به طور دقیق بیان می‌کند و می‌گوید: دندان‌ها در استخوان‌های فک می‌نشینند، دندان‌ها متناسب با هر نوع حیوان دارای تنوع و شکلهای گوناگون و فراوان است. در انسان‌ها دندان‌ها در خدمت تغذیه هستند: دندان‌های پیشین گاز می‌گیرند، دندان‌های آسیا خرد و نرم می‌کنند، دندان‌نیش که نیمه برآمده و نیمه تیز هستند هر دو خصوصیت را دارند. دندان‌ها علاوه بر این در تلفظ و بیان صحیح و درست کلمات نقش اساسی دارند. یکی از اظهار نظرهای حیرت‌آور وی اینست که می‌گوید: دندان‌ها رنگ استخوان‌ها را دارند. بنابراین انسان‌های رنگین پوست دندان‌هایی دارند که مانند استخوان‌های آنان سفیدند. در حالی که ناخن‌های آنها مانند رنگ پوست‌شان سیاه است. "ارسطو" بر اساس وضعیت دندان

Stageria.^۱

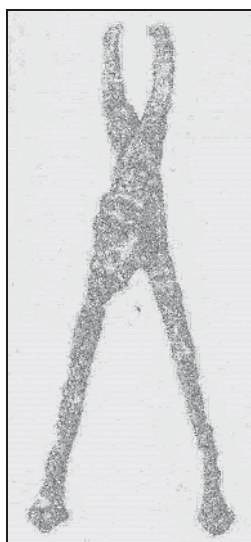
Chalkis.^۲

ها روند بیماری را پیش بینی می‌کرده و از این نکته برای برآورد طول عمر انسان بهره می‌برده است. به گمان وی کسانی که تعداد زیادی دندان دارند، اغلب عمر بیشتری می‌کنند. در مقابل، افرادی که دارای دندان کمتر و یا دندان های فاصله‌دار هستند از طول عمر زیادی برخوردار نخواهند شد. حیوانات مذکر دندان های بیشتری نسبت به مؤنث دارند. این موضوع هم در مورد انسان و هم در مورد گوسفند، بز و خوک صدق می‌کند. وی نیز مانند "بقراط" در مورد خارج کردن دندان بسیار محتاط برخورد می‌کرد: وسیله دندان کشیدن او از دو اهرم تشکیل می‌شده است که امکان حرکت را برای دندان فراهم می‌کرده است. معذالک معتقد بود بهتر است دندان را با دست بیرون بکشند تا این که از ابزار استفاده کنند.(۴)

در نیمه دوم سده چهارم قبل از میلاد، پزشکی نامی، از آتن برخاست که دیوکلس^۱ نام داشت. مردم آتن او را محترم می‌داشتند و معروف است که به او بقراط ثانی لقب داده بودند و در ادوار بعد به عنوان سر سلسله جانشینان بقراط شهرت یافت. از دستورات دیوکلس می‌آموزیم که چگونه باید روز را با برنامه های خاص بهداشتی گذرانند. باید صبح قبل از طلوع آفتاب از خواب برخاست و دست و صورت و مو را شست و دندان ها را پاکیزه کرد و لثه ها را با گرد پونه مالش داد و تمام بدن را از گردن تا قوزک پا روغن مالی کرد. "دیوکلس" برای درمان و تسکین دردهای دندان نوعی غرغره کردن را توصیه می‌کرد که از صمغ چوب درخت سرو و زعفران درست می‌شد. وی نیز مانند معلمش "بقراط" یکی از مخالفان کشیدن دندان بود.(۴،۶)

^۱ Diocles

"اراسیستراتوس"^۱ اهل "الیس"^۲، نوۀ "ارسطو" و پزشک مخصوص پادشاه سوریه "سلوکوس نیکاتور"^۳، پزشکی پردل جرأت بود، اما با این حال، از دندان کشیدن می‌ترسید. تصویر وی در معبد "آپولو"^۴ در "دلفی" در حال زمین گذاشتن کلبتین سربی که برای کشیدن دندان مورد استفاده قرار می‌گرفت، نشان‌دهندۀ ارزش زیادی است که پیشینیان برای دندان هایشان قایل بوده‌اند. یعنی قبل از این که دندان ها خودبخود لق شوند، اقدام به کشیدن آنها نمی‌کردند. (۶، ۴)



تصویر ۲: کلبتین یک دندان پزشک مربوط به ۵۰ سال پیش از میلاد که در کاوشهای باستان شناسی در یک انبار رومی در کشور آلمان پیدا شده است. (۴)

^۱ Erasistratos.

^۲ Elis.

^۳ Seleucus Nicator.

^۴ Apollo.

"ذیمقراطیس"^۱ در یکی از اشعارش طریقه تهیه نوعی خمیر دندان را بیان می‌کند. "اسکریبونوس لارگوس"^۲ آمیخته‌ای از چندین نوع خمیر دندان را برجای گذاشته است که در میان آنها خمیر دندان هایی نیز وجود دارد که شاخ سوخته شده گوزن، ذغال چندین نوع گیاه، نمک، زاج سفید و پودر شیشه پودر مواد اولیه و اساس این خمیر دندان ها را تشکیل می‌دادند. یکی دیگر از اجزاء مهم خمیر دندان ها رستنی‌های خوشبو و معطر بود که همواره جزء جدا ناشدنی خمیر دندان ها به شمار می‌رفت.

از سده دوم میلادی، مرکز ثقل پزشکی یونانی (مانند تمام حیات معنوی و فرهنگی یونانی) به روم انتقال یافت و تحرک جدیدی ایجاد شد. (۴)

"کلودیوس جالینوس" نقش بزرگی در روند این انتقال داشت. وی در زمینه تعداد دندان‌ها، روند قرار گرفتن آنها روی استخوان‌های آرواره، زمان رویش و کاربرد آنها به طور وضوح اظهار نظر می‌کند. وی شرح می‌دهد که دندان ها از ماده استخوانی ساخته شده‌اند و بر این موضوع تاکید می‌کند که به دلیل سختی و ساختارشان نمی‌توانند در ردیف سایر اندام‌های بدن طبقه بندی شوند. وی معتقد است که سرخرگ‌ها و مهمتر از آن، اعصاب، مستقیماً از مغز به سوی دندان ها هدایت می‌شوند و حساسیت زیاد آنها را سبب می‌شوند. وی نخستین فردی بود که نشان داد مغز استخوان ماده غذایی دندان ها است. "جالینوس" به طور مشروح و مفصل درباره آسیب‌شناسی سیستم دندان اظهار نظر کرده است. او نیز مانند "بقراط" عقیده دارد که سرما یکی از دشمنان دندان هاست.

وی حساس بودن دندان ها را مرتبط با عصب کوچکی می‌داند که در ریشه آنها قرار گرفته است. ایجاد پوسیدگی دندان ها را به نوعی شیره تهدیدکننده

^۱ Demokrates.

^۲ Scribonius Largus.

نسبت می‌دهد. روش درمانی "جالینوس" بسیار متنوع و چند جانبه است. برای درمان دندان دردها پیش از هر چیز دیگر استفاده از حمام بخار آب و تهیه گیاه "بیلسن کُرت"^۱ (نوعی علف) را توصیه می‌کند.

برای درمان بوی بد دهان طبق عقیده وی، تاج خروس یا زنجبیل مناسب است. برای رشد دندان، استفاده از نوعی ماده غرغره درست شده از شیر سگ یا مغز خرگوش را توصیه می‌کند! یا آن که دور گردن کودک پوسته خشک شده یک حلزون پیر آویزان شود! "جالینوس" تعداد بسیار زیادی دستور تهیه خمیر دندان های گوناگون را از خود برجای گذاشته است.

دندان های مصنوعی بنابر نمادهای ادبی و هنری، در روم فروخته می‌شده است. اما در این مورد هیچ گونه شواهد علمی به دست نیامده است. احتمالاً این موضوع با نوعی جواز شاعرانه در بیان تخیل خود همراه شده است. (۴)

سلسوس^۲ برای اولین بار نسخه‌ای برای پیش‌گیری از پوسیدگی دندان نوشته است که به نام «سوری» نامیده می‌شود. این نسخه حاوی مقداری سولفات مس، فلفل و دانه خشخاش بوده است. "سلسوس" ظاهراً نخستین فردی است که اهمیت و ارزش اقدامات پیشگیرانه دندان پزشکی را مورد توجه قرار داده است. وی دندان درد را بدترین دردها می‌دانست و برای پیشگیری از بروز این نوع دردها اقدامات بهداشتی را توصیه می‌کرد. "سلسوس" خرده استخوان‌ها و ریشه‌های باقی مانده را با انبر و بدون فوت وقت خارج می‌کرد. علاوه بر این، برای نخستین بار وی کاشت دندان ها و محکم کردن دندان های لق را انجام داد و به سوزاندن (کوتریزه کردن) لثه‌های ناسالم پرداخت. چنانچه لقی دندان حاصل

^۱ Bilsenkraut : گیاهی از خانواده Solanaceae

^۲ Aulus Cornelius Celsus : (۲۵ق م. - ۵۰م). پزشک و دایرةالمعارف نویس رومی، تعداد زیادی از

نسخه های تهیه داروهای باستانی بوسیله وی نوشته شده است.

ضربه خوردن یا زمین خوردن بود، برای محکم کردن آن از نخهای طلا یا ابریشم استفاده می‌کرد. بنابر توصیف "سلسوس"، بهتر است دندان پوسیده یا کرم خورده را پیش از کشیدن پر کرد. در آن زمان ظاهراً این موضوع تازگی نداشت که حفره‌های ناشی از پوسیدگی با سرب، طلا یا سایر مواد پر شود. (۳، ۴)

اکثر پزشکانی که درباره آنان مطالبی بیان کردیم، در مورد پروتزهای دندان اشاره‌ای نکرده‌اند. با وجود این، یونانی‌ها بنا بر اسناد و مدارک بدست آمده از گورها و آثار ادبی، از آن آگاه بودند. (۴)

مصریان قدیم پوسیدگی دندان‌ها را با طلا ترمیم می‌کردند و به علاوه طرز بستن شکستگی‌های فک را می‌دانستند. در دهان بعضی از اجساد مومیایی شده که در تبس^۱ پیدا شده مواردی از پرکردگی با طلا و دندان مصنوعی ساخته شده از چوب انجیر و سرپوش‌هایی از طلا دیده شده است. بنا بر گفته مورخین، دندان مصنوعی یا پروتز دندانی را یک پزشک مصری به نام سینوهه^۲ ابداع کرده است. (۳)



تصویر ۳: نمونه‌ای از پروتزهای دندانی

اولیه از مصر باستان، دندان‌ها با رشته‌های

طلا محکم بسته شده‌اند. (۴)

^۱ Thebes: از شهرهای باستانی مصر واقع در ساحل شرقی رود نیل، پایتخت باستانی مصر علیا

^۲ Sinohee.

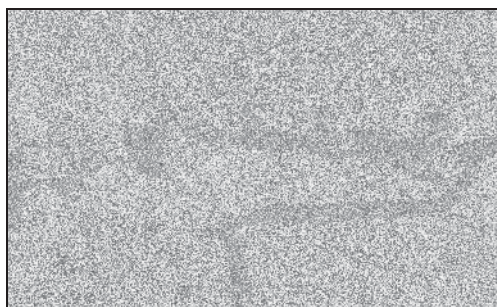
قدیمی‌ترین پروتز دندانی بریجی است شامل هفت دندان که به وسیله سیمی از طلا به هم متصل شده‌اند و در خاور نزدیک کشف شده است. دیرینگی آن ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد می‌باشد.^(۳)

در بعضی از اسکلت‌های کشف شده و به جا مانده از ۲۵ سده قبل پروتزهای دندانی دیده شده است. نمونه‌های چندی از پروتزهای دندانی در کاوشهای باستان شناسی که در اقامتگاه‌های قوم اتروسک^۱ یافت شده است. در مقبره‌ای در کورنتو^۲ ابتدایی‌ترین ابزار نگهدارنده دندان از دورانهای بسیار کهن شامل دو حلقه طلایی بر روی دندان‌های پیشین میانی و دندان نیش سمت چپ آرواره بالا مشاهده شده است. دندان آسیای کوچک با نوعی میخ طلایی ساده جایگزین شده و این میخ بر روی دو حلقه لحیم شده است. پروتزی که قدری پیچیده‌تر است، از یک گور دیگر کشف شده است. این پروتز از چهار حلقه طلایی لحیم‌کاری شده تشکیل می‌شود و سه تا از آنها دندان نیش، دندان پیشین کناری سمت راست و دندان پیشین میانی سمت چپ را دربر می‌گیرد. دندان پیشین میانی سمت راست با یک دندان مصنوعی جایگزین شده است و یک میخ مورب که به حلقه طلایی لحیم شده است دندان مذکور را نگه می‌دارد. جالب توجه‌ترین پروتز دندانی اتروسک در "تارکینیا" بدست آمده و متعلق به سده چهارم پیش از میلاد است. این نمونه از هفت حلقه طلایی لحیم‌کاری شده تشکیل شده که دو دندان پیشین میانی و آسیای کوچک دوم راست فک بالا را جایگزین می‌کند. حلقه‌ها در سمت چپ

^۱ Etruscians: قومی باستانی که در نواحی غربی ایتالیا امروزی، خصوصاً در ناحیه توسکانی ساکن بودند و از سده نهم پیش از میلاد شهر-دولتهای قدرتمندی را پایه‌گذاری کردند. قدرت آنان با اوج گرفتن اقتدار امپراتوری روم رو به افول گذاشت.

^۲ Corneto: ناحیه‌ای باستانی در استان توسکانی ایتالیا که امروزه Tarchna (Tarchnal) خوانده می‌شود.

بر روی دندان های نیش و پیشین میانی و در سمت راست بر روی دندان های نیش، آسیای کوچک اول و کرسی اول قرار گرفته اند. برای جایگزین کردن دندان های پیشین میانی از یک قطعه دندان گاو یا اسب استفاده شده که به طرز ماهرانه ای شکل داده و برای ایجاد نمای فضای بین دندان ها در قسمت میانی آن شیار ایجاد کرده اند. دندان پیشین کناری سمت راست در این نمونه جایگزین نشده و در محل دندان کرسی کوچک دوم سمت راست میخی طلائی در میانه حلقه لحیم شده است. در "وتولونیا"^۱ پنج روکش دندان مربوط به دندان های انسان کشف شده است که بشر آنها را به کمک اسکنه میان تهی با کمال دقت از عاج فیل تراشیده تا لایه نازکی از مینای دندان را جایگزین آن کند. این کار به یقین، پیشگام ساخت روکش دندان است که امروزه از جنس چینی تهیه می شود. (۴ و ۲۵)



تصویر ۴: پروتز اتروسک (Etrusque)، بر روی یک پیکربندی طلائی با یک دندان مصنوعی از جنس دندان گاو یا اسب. مربوط به سده چهارم پیش از میلاد. (۴)

با توجه به کشفیات فوق می توان گمانه زد که پنج سده قبل از میلاد صنعتگران و پزشکان به جایگزین کردن دندان می پرداختند و در نهایت مهارت و تردستی (و به رغم ناکامل بودن پروتزها) روکش های دندان از جنس طلا، مینای دندان یا سرامیک و پل تهیه می کردند. با وجود سکوت پزشکان، باید این نکته را قبول کرد که در روم دندان پزشکی و دندان پزشکان وجود داشته اند. نام یکی از آنان شناخته

^۱. Vetulonia (vetluna).

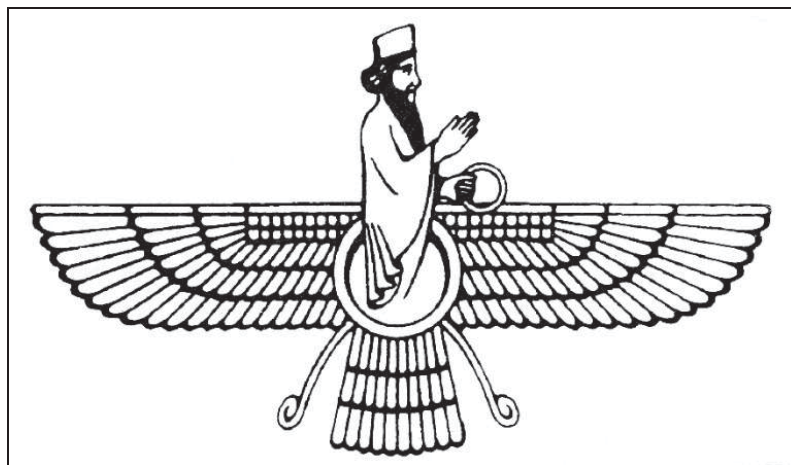
شده است. وی نام‌اش "کاسلیوس"^۱ و در زمان "دومیتیان"^۲ دارای کارگاه نسبتاً کوچکی در "آونتیکوم"^۳ بوده است. احتمالاً او باید یک دندان‌پزشک یونانی برده باشد که ارباب و بستگان ارباب او و نیز شخص خودش، از هنر دست‌اش بهره می‌بردند. اگر کار وی با موفقیت توأم بود، وی می‌توانست آزادی و رهایی خود را بخرد و از نردبان ترقی اجتماعی بالا برود. علاوه بر هنر خاص خود، فروش سودآور خمیردندان‌ها، داروها و اوره اسپانیایی که وی با قیمت زیاد از طریق دریا از "بارسلونا" و "تاراگونا"^۴ تهیه می‌کرد، در شمار فعالیت‌هایش بود. این اوره که در گلدان‌های مرمر سفیدنگهداری می‌شد، در میان زنان خوش‌پوش و بسیار محترم مورد استفاده قرار می‌گرفت و خاصیت ویژه‌ای به آن نسبت داده می‌شد، چرا که دندان‌ها را از اوره ایتالیایی سفیدتر می‌کرد. سقوط امپراتوری روم سقوط بخش‌های مختلف علوم و هنر را نیز به همراه آورد و دوره کهن به پایان رسید. بعدها مسلمانان درست از جایی شروع کردند که رومی‌ها در آنجا متوقف شده بودند و این فرآیند در قرون وسطی روی داد.^(۴)

Cascellius.^۱

Domitian.^۲

Aventicum.^۳

Tarragona.^۴



تصویر ۵: نماد باستانی فروهر

پیش بیان:

برخی از کهن‌ترین مستندات تاریخی پزشکی باستانی ایران را می‌توان در اوستا (مجموعه اصلی متن‌های مقدس زرتشتی) پیدا کرد.

علوم پزشکی در ایران باستان

از بررسی منابع محدود و پراکنده در دسترس چنین بر می‌آید که: پزشکی از زمره علوم به شمار می‌رفته که در ایران باستان از اهمیت بسزایی برخوردار بوده است. سرآغاز پزشکی در ایران را می‌توان از ۷۰۰۰ سال قبل از میلاد دانست. زمانیکه آریائی‌ها در زادگاه اولیه خود که ایران ویج (آریاویژ) خوانده می‌شد سکنی داشتند. (۲)

تا چند سده پیش از میلاد اثری از رخنه و ورود طب یونانی به ایران دیده نمی‌شود و آثار ورود آن از سده پنجم پیش از میلاد و همزمان با تشکیل پادشاهی

هخامنشی و برخورد و آمیختگی فرهنگهای ایرانی و یونانی پدیدار می‌شود. از سوی دیگر قرار گرفتن فلات ایران بین دو تمدن درخشان هند و بین النهرین موجب تبادل فرهنگی با این سرزمینها بوده است.

به استناد شواهد، پیش از پیدایش دو مکتب مشهور پزشکی در یونان باستان، در کنیدوس^۱ و جزیره کوس^۲، طی سده ششم پیش از میلاد، پزشکی در کناره های دجله و فرات (میانرودان = بین النهرین باستانی)، هند و ایران از جایگاه ویژه ای برخوردار بوده است. اوستا و دیگر متون زرتشتی (مانند دینکرد^۳ و بُندَهش^۴ و گزیده های زاد اسپرم^۵) گواهی بر دیرینگی پزشکی در ایران باستان است که دو ویژگی بارز آن توجه به بهداشت محیط و پیشگیری از بیماریها بوده. از دیگر جلوه های پزشکی نزد ایرانیان باستان آشنائی با گیاهان دارویی است که از آنها برای درمان بیماری ها بهره می بردند.^(۷)

در اواخر دوره حکومت ساسانیان در ایران، مراکز صاحب نام معتبر آموزش پزشکی (و دندان پزشکی) وجود داشته که مهمترین آنها دانشگاه جندی شاپور است که سالها پس از اسلام همچنان فعال و پابرجا بود. از طریق این دانشگاه، پزشکی یونانی که به همت پیشگامانی چون بقراط و جالینوس پایه گذاری شده بود به تمدن اسلام پناه آورد تا از آشفتگی ها و سیاهی های قرون وسطایی اروپا سلامت به گریزد و خود را برای درخشش به دوره رنسانس برساند.^(۳)

^۱. Knidos (Cnidus)

^۲. Cos

^۳. dinkard

^۴. bondahišn

^۵. wizīdagthā ī zādisparam

اسناد تاریخی حکایت از مدرسه پزشکی "سائیس" با کتابخانه ای معتبر در زمان داریوش می‌کند، و نیز باید از مجمع علمی همدان با یکصد تن از بزرگان دانش، و فرهنگستان اردشیر در شهر سارد نام برد. (۸)

به نظر می‌رسد که تربیت پزشکان در سه مرکز بزرگ ری، همدان و پرسپولیس انجام می‌شده و تربیت پزشکان جزو وظایف فرمانداران بوده است. طب نظری و عملی در بیمارستانها آموزش داده می‌شده است و چنین به نظر می‌رسد که پزشکان پس از خاتمه تحصیلات در مراکز تعلیمی خود به طبابت نمی‌پرداختند، بلکه به شهرهای دیگر می‌رفته‌اند. (۷)

لذا می‌توان گفت که آموزش پزشکی در همه دورانه‌های پیش از اسلام کمابیش وجود داشته است. مهمترین، و شاید آخرین آنها مدرسه ی جندی شاپور است. بنیان‌گذاری این مدرسه باید به قبل از سده چهارم میلادی برسد. اوج اهمیت این مدرسه در دوره انوشیروان است. آخرین پزشک و رئیس بیمارستان جندی شاپور، که بر آن شاهد تاریخی موجود است، شاپور بن سهل است که در سال ۲۵۵ هجری درگذشته است. سنت این مدرسه و بیمارستان آن به مدارس دوره ی اسلامی منتقل شده است. این مدرسه، که بیش از پانصد سال عمر کرده است پایدارترین مدرسه عالی در تاریخ ایران است. در این مرکز آموزشی مانند مراکز علمی دیگر روش چند فرهنگی باب روز بوده است و استادان از سراسر جهان آن روز تدریس می‌کردند و شاگردان نیز از همه جای دنیا بودند. در انتخاب استادان سطح و کیفیت علمی آنها نقش اساسی داشته است.

"در نمودار زیر که در ارتباط با آموزش عالی در ایران می‌باشد نمادها بویژه پزشکی گویا هستند. مثلاً فرهنگستان همدان متحول نشده و از بین رفته است. اما تجربه مدرسه پزشکی جندی شاپور در نهایت به بیمارستانهای دوران اسلامی منتقل شده است." (۸)

از منابع دیگر قابل استفاده در بررسی تاریخ ایران منجمله پزشکی ایران باستان می‌توان به نوشته‌های تاریخ نویسان غیرایرانی مانند هرودت^۱، کتزیاس^۲ و پلوتارک^۳، نیز منابع و تاریخ نوشته‌های عربی و فارسی مربوط به سده‌های نخستین پس از اسلام اشاره کرد.

با وجود این، هر برداشتی از گفتارها و نوشتارهای جمع آوری شده در مورد آموزش و مسائل مربوط به پزشکی در ایران پیش از اسلام را باید با تأمل ابراز کرد زیرا که مشکوک به خطاست.^(۸)

دندان پزشکی در ادوار گذشته و ایران باستان

در انسیکلوپدیا ایرانیکا زیر مدخل دندان پزشکی چنین آمده است:

درباره دندان پزشکی در ایران باستان و پیش از اسلام آگاهی‌های شفافی برجا نمانده ولی مرجعی در اوستا (وندیداد، فرگرد ۲، بند ۲۹) گویای آن است که بیماریهای دهان و دندان در میان ایرانیان کم نبوده است و پیشرفتهای چشمگیری در پزشکی به ویژه در بیمارستان دانشگاهی (آموزشی) گندی شاپور (در دوره اسلامی = جندی شاپور) که در روزگار ساسانیان تأسیس و تا اوایل دوره اسلامی فعال بوده، حاصل شده است. از آنجا که ابوبکر محمد رازی (متولد ۲۵۱ ق / ۹۲۵ م) مبحث دندان درمانی خود را بر روش‌های جرجیس بن بُختیشوع (وفات ۱۸۵ ق / ۸۰۱ م)، نیز پسرش به نام جبرائیل و دیگر پزشکان آموزش دیده در گندی شاپور، پایه گذاری کرد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که دندان پزشکی

^۱ Herodotus: مورخ یونانی سده پنجم پیش از میلاد. از او به عنوان پدر علم تاریخ نگاری یاد می‌شود.

^۲ Ctesias of Cnidus: طبیب و مورخ یونانی سده پنجم پیش از میلاد. وی طبیب اردشیر دوم هخامنشی

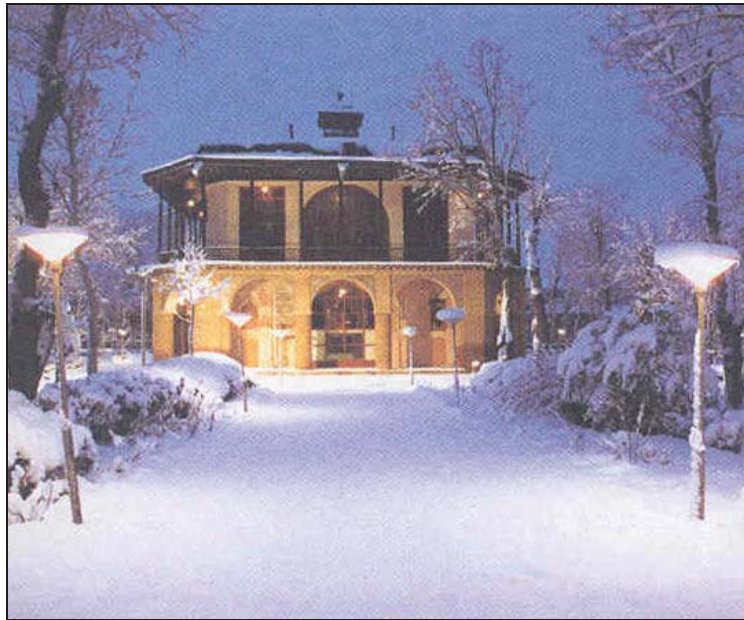
بود و او را در لشکرکشی بر علیه برادرش کوروش در سال ۴۰۱ پیش از میلاد همراهی کرد.

^۳ Plutarch: مورخ و زندگی نامه نویس یونانی سده اول میلادی.

بخشی از برنامه های آموزشی این بیمارستان (جندی شاپور) بوده که از زمان ساسانیان (پیش از اسلام) به ارث مانده است.^(۹)

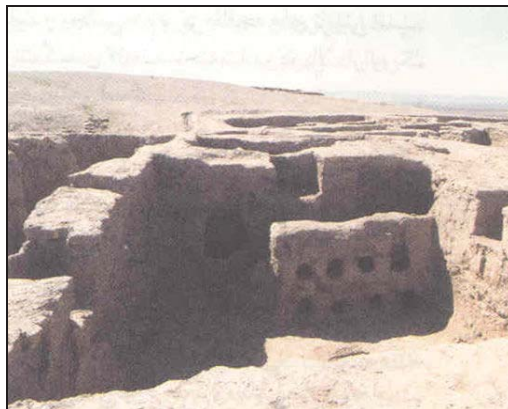
چنین به نظر می رسد که تا سال ۱۳۵۰ هیچگونه بررسی کارشناسانه دیداری و عملی مستقیم باستان شناسی از نظر دندان پزشکی بر روی اسکلت ها و مجموعه های کشف شده در حفاری های داخل کشور مورد توجه قرار نگرفته یا گزارش نشده و یا ما از گزارشات بی اطلاع مانده ایم.^۱ در سال تحصیلی ۵۰-۱۳۴۹ دانشجوی علاقمند و پرتلاش دندان پزشکی به نام آقای فرهاد صالح آبادی (دکتر بعدی) به تشویق و راهنمایی مؤلف (دکتر اسمعیل یزدی) موضوع «بررسی درمان های دندان پزشکی در ادوار گذشته» را برای پایان نامه دکتری دندان پزشکی خود برگزید و تا حد امکان با علاقه و پشتکار و برخورداری صمیمانه از همکاری و راهنمایی های گروه باستان شناسی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران بررسی های عملی قابل توجهی را در مورد مجموعه اسکلت های کشف شده در کاوشها و حفاری های نواحی انتخاب شده اطراف قزوین انجام داد.

^۱. احتمالاً استفاده از آثار و مستندات مدلل دندان پزشکی بر روی مجموعه های کشف شده در حفاری های گذشته به علت عدم حضور دندان پزشک ارزیابی تخصصی انجام نیافته و یا از بین رفته اند.

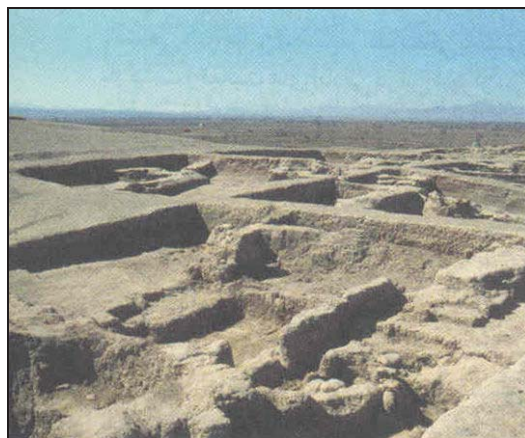


تصویر ۶: بناهای تاریخی و باستان شناختی قزوین، نمادی از هویت اصیل و دیرینگی تمدن ایران زمین می باشند (۲۳)

قابل ذکر است که استان قزوین و بسیاری از استان ها و شهرهای ایران از توانمندی های متنوع و ظرفیت های بالای باستانی در زمینه تاریخ علوم، فرهنگ و تمدن برخوردارند که می توانند به عنوان میراث معنوی خاورمیانه به دنیا معرفی شوند. متأسفانه کار گسترده و نظریه گیری در این ارتباط و به ویژه در حوزه دانش دندان پزشکی (بجز بررسی گزارش شده) انجام نگرفته است.



تصویر ۷: تپه قبرستان، این تپه با ارتفاع بسیار کم در فاصله ۳۰۰ متری تپه سگارآباد (پیرتپه) در استان قزوین واقع است. سفالهای بدست آمده از آن ظریف و منقوش به نقش های انسانی و حیوانی است. بخشهایی از کوچه، دیوار خانه ها و کوره فلز کاری در حفاری ها آشکار شده است. از شواهد چنین برمی آید که این مکان در طول هزاره های پنجم تا اول پیش از میلاد به تناوب محل سکونت یا قبرستان بوده است. (۲۳)



تصویر ۸: تپه زاغه، در هشت کیلومتری شمال شرق دهستان سگارآباد از توابع بوئین زهرا در استان قزوین واقع شده است و رأس آن کمتر از یک متر از زمین های اطراف بالاتر است. تاریخ تقریبی استقرار در این تپه به ۶۰۰۰ سال پیش از میلاد برمی گردد و بر این اساس بازمانده یکی از قدیمی ترین اجتماعات کشاورزی در فلات ایران است. (۲۳)

در دستیابی به اهداف این بررسی، آقای دکتر نگهبان، استاد و مدیر گروه وقت باستان‌شناسی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران و همکارانشان در گروه ایشان سهم ارزشمند و قابل تقدیری را مبذول داشتند.

در پژوهش مورد نظر، مجموعه و فکین مجموعاً ده مورد از اسکلت‌های کشف شده در حفاری‌های قزوین (منطقه‌ای که برای تحقیقات در اختیار و تحت نظر گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران قرار داده شده بود) تحت بررسی و کارشناسی در زمینه دندان‌پزشکی قرار گرفت.



تصویر ۹: مربوط به مجموعه زن جوانی است با احتمال بیست سال سن که حدود ۱۷۰ سانتی متر قد دارد و درکاووش‌های تپه زاغه سگزآباد قزوین به دست آمده است. دیرینگی آن به بیش از ۶۸۰۰ سال می‌رسد. در طرف چپ فک پائین آسیای دوم شیری ظاهراً باقی مانده و احتمالاً مبتلاً به فقدان دندان آسیای کوچک دوم پائین است و دندان کرسی سوم (دندان عقل) در حال رویش می‌باشد. در طرف چپ بالا دندان‌های نیش، کرسی کوچک دوم و کرسی اول وجود ندارند و از ترمیم استخوان محل آنها برداشت می‌شود که کشیده شده‌اند. تحلیل رفتگی استخوان آلوئول مشهود است و ظاهراً می‌تواند نشانه بیماری پیشرفته پریدنتال باشد که با توجه به سن کم بیمار جالب است. (۳)

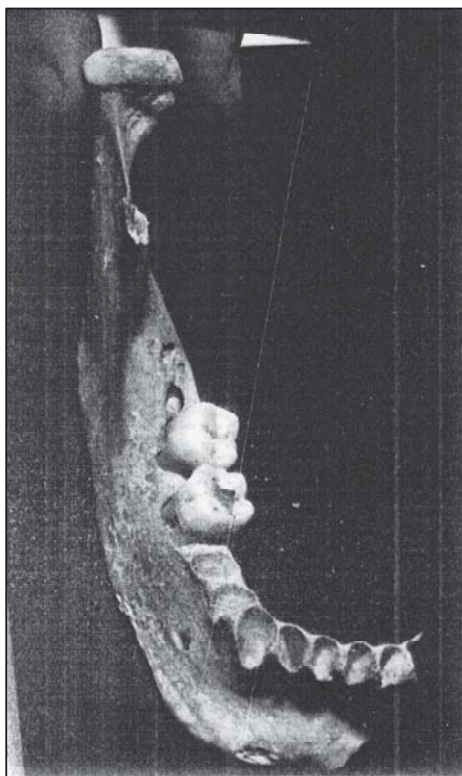


تصویر ۱۰: همان مجموعه، تحلیل رفتگی استخوان آلوئول و احتمال بیماری پریودنتال مشهود است. (۳)



تصویر ۱۱: همان مجموعه، طرف چپ فک بالا و پائین که تغییرات دندانی در فک بالا شامل ترمیم محل دندان های کشیده شده و در فک پائین باقی ماندن کرسی دوم شیری به جای آسیای کوچک دوم (دندان دائم) مشهود است. (۳)

محل و تعداد کشف مجموعه‌ها به ترتیب در زاغه ۶ مورد، سگزآباد ۲ مورد و قبرستان سگزآباد ۲ مورد با دیرینگی بین ۶۷۰۰ تا ۷۲۰۰ سال بودند. از نظر دندان پزشکی آثار خارج کردن دندان‌های متعدد، پرکردگی با ماده صمغ مانند، پوسیدگی سطحی و عمیق دندانی، ساییدگی‌های محدود و منتشر دندان‌ها، آثاری از تحلیل آلونل (بیماری‌های پریدنتال) روی دندان‌های فکین بعضی از مجموعه‌ها ملاحظه و ثبت شد. (۳)



تصویر ۱۲: فک پائین از مجموعه‌ای با دیرینگی حدود ۶۷۰۰ سال بدست آمده در کاوشهای قزوین، دندان‌های آسیای اول و دوم طرف راست پائین در داخل استخوان فک وجود دارد و بقیه از دست رفته‌اند. در سطح جوته دندان آسیای اول آثار پرکردگی از جنس مواد صمغی نمایان است. (۳)



تصویر ۱۳: استخوان‌های جمع آوری شده در کاوش زاغه قزوین که در بین آنها استخوان گیجگاهی و همچنین فک پائین طرف راست مشاهده می‌شود. (۳)

به علت دیرینگی، اسکلت‌های کشف‌شده، با کوچکترین حرکتی پودر می‌شدند. لذا امکان بررسی بیشتر با رادیوگرافی وجود نداشت و مقطع‌گیری نیز مجاز نبود.

پزشکی و دندان پزشکی در متن های باستانی ایران

آثار نوشته شده‌ی بازمانده از ایران باستان محدود است (به ویژه در پزشکی) و به‌طور کلی می‌توان آنها را به دو دسته آثار دوره باستانی و آثار دوره میانه تقسیم کرد. نوشته‌های دوره باستانی مشتمل بر ادبیات اوستایی و ادبیات فارسی باستان است. اوستا کتاب دینی زرتشتیان است از اینرو زبانی را که این کتاب به آن نوشته شده است اوستایی نامیده‌اند. به جز کتاب اوستا و آثار وابسته به آن، اثر دیگری به این زبان در دست نیست. (۱۰)

فارسی باستان که به نوعی نیای زبان فارسی امروز به حساب می‌آید، در دوره هخامنشیان بدان سخن می‌گفته‌اند و آثار مکتوب باقیمانده از این زبان، کتیبه‌های شاهان هخامنشی است که به خط میخی نوشته شده است^۱ (۱۰)



تصویر ۱۴: لوحه گلی به خط میخی فارسی باستان، از کشفیات تخت جمشید جالب اینکه این گل نوشته تنها اثر باستانی بدست آمده به غیر از کتیبه‌های شاهی است که به خط میخی فارسی باستان نوشته شده. (از مجموعه لوحه‌های هخامنشی موجود در دانشگاه شیکاگو)

اشاره: برخلاف باورهای گذشته و رایج که کاربرد خط میخی را محدود و ویژه‌ی نوشته‌های شاهی می‌دانستند، معلوم می‌شود که در موارد دیگر نیز مورد استفاده قرار می‌گرفته و لذا می‌توان گمانه زد که در صورت کنکاشهای بیشتر چه بسا به آثاری در ارتباط با متن‌های بیشتر غیر شاهی از آن جمله پزشکی به همین خط دست یافت.

با وجود اینکه فارسی باستان زبان رایج دوران هخامنشی بوده است، اما زبان دیوانی و نوشتاری حکومت، خط و زبان آرامی بوده که توسط کاتبان آرامی یا

^۱.. خط میخی فارسی باستان را بعضی دانشمندان به دلیل شباهت ظاهری و استفاده از نشانه‌های میخ مانند عمودی، افقی و زاویه دار، نوعی وام‌گیری از خطوط همسایگان ایرانی می‌دانند اما با نگاهی دقیق‌تر با ساختار بیرونی و درونی این خط آشکار می‌شود که ویژگی‌های ابتکاری آن بیشتر از ویژگی‌های اقتباسی است. دو ویژگی برجسته این خط تعداد اندک نشانه‌ها و سادگی آنها است که خط میخی فارسی باستان را از دیگر خطوط میخی که معمولاً بیش از صد یا چند صد نشانه دارند و بیشتر نشانه‌ها معرف‌هجاها و واژه‌های آن زبانها است مشخص می‌کند. (دکتر بدرالزمان قریب، خط میخی فارسی باستان، سخنرانی علمی، بنیاد ایران شناسی، بهمن ۱۳۸۶)

آرامی‌دان نوشته می‌شده است. تعدادی از این نوشته‌ها متعلق به سده پنجم پیش از میلاد بدست آمده است.

زبانهای ایرانی میانه به دو دسته شرقی و غربی تقسیم و هر یک از این دو دسته خود نیز به گروه زبانهای شمالی و جنوبی تقسیم می‌شوند: بیشترین آثار به جا مانده از این دوران به خط و زبان "پارسیگ" (پهلوی ساسانی) است و مشتمل بر ترجمه و تفسیرهای اوستا به زبان پهلوی، متون دینی، نامه‌ها، متون فلسفی و کلامی، کشف و شهود، اخلاقیات و اندرزنامه‌ها، خطبه‌ها، مناظره، فقه و حقوق، رساله‌ها و داستانها می‌باشد. همینطور کتیبه‌ها، سفال و چرم نوشته‌ها، فلزنوشته‌ها و نوشته‌های روی پایروس و چرم از دیگر آثار به جای مانده از این دوران است. از سایر زبانهای ایرانی میانه مشتمل بر پهلوی اشکانی و زبانهای ایرانی میانه شرقی مشتمل بر خوارزمی، بلخی، سغدی و سکائی نیز آثار مکتوب به جای مانده است. (۱۰)

ریشه کلمه پزشک از واژه اوستائی "بَشَاژَه" ^۱ به معنی "آسیب زدا، درمان بخش" است. این واژه در ترکیب به صورت "بَشَاژَشَنی" ^۲ به معنی آسیب زدائی به کار رفته است، واژه اوستائی "بَشَاژَک" ^۳ نیز در فارسی میانه به "بَشَرَک" ^۴، "بِزَشک" ^۵، "بِزَشک" ^۶ تبدیل شده و در فارسی نو به شکل "بِجَشکی" و سپس "پزشکی" به کار رفته است. (۲) با توجه به تعریف روشن است که، پزشکی به

baēšāza .^۱

baēšazaešni .^۲

baēšazaka .^۳

bēšazak .^۴

bizišk .^۵

bijīšk .^۶

معنی "آسیب زدا، درمان بخش" شامل کلیه مسائل مربوط به پزشکی به طور اعم می شود که دندان پزشکی نیز از آنجمله خواهد بود.

با وجود تکرر موضوعی آثار به جای مانده از زبانهای فارسی باستان و میانه، متنی که به طور ویژه درباره پزشکی و رشته های وابسته نوشته شده باشد به دست نیامده یا ملاحظه نشده است. معذالک با استفاده از مطالب پراکنده در متن های آثار دست یافته می توان با چگونگی پزشکی و باورهای ایرانیان باستان در این مورد آشنا شد.

از آیریامن^۱ که یکی از مقدسان و ایزدان آئین های کهن هندو ایرانی است در اوستا در کنار ویژگی های دیگرش به عنوان ایزد درمان بخش نیز نام برده شده است و در فرگرد بیست و دوم وندیداد از سوی اهورامزدا فرا خوانده می شود تا ۹۹۹۹۹ بیماری که توسط آنگره مینو (اهریمن) آفریده شده است را بهبودی بخشد. پس آیریامن به طرف کوه دانش فزاینده و جنگل دانش فزاینده می رود و با برگزاری مراسم برشنوم^۲ در پی زدودن آلودگی ناشی از بیماریها برمی آید. در متن های پهلوی از آیریامن با عنوان ارمان^۳ نام برده شده است و در بُندَهش در باره وی اینگونه آمده است:

"آریامن (آیریامن) آمشاسپند آن مینوئی است که درمان همه دردی را به آفریدگان داد. چنین گوید که هر داروئی را که آفریدگان برای از میان بردن دردی خورند، اگر مرا (که) هُرمزد(م)، اریامن به درمان بخشی نمی رسید. آن درد به نمی آمد." (۱۱)

۱. airyaman

۲. barashnom

۳. ērmān

در پی محبوبیت این ایزد در سده سوم میلادی مبلغان آئین مانوی که به منظور هدفهای تبلیغی در صدد یکسان کردن ایزدان مانوی با آئین زرتشت برمی آیند عیسی را که دارای شخصیتی بارز در آئین مانوی است با آیریامن یکی دانسته و او را "یشواریامن"^۱ می نامند که منجی و درمان بخش و همان همتای آیریما ایشیو^۲ اوستائی دانسته می شود.

"ثریتا"^۳ از دیگر شخصیت‌های اسطوره ای است که در اوستا قدرت درمانگری دارد و از او به عنوان نخستین پزشک ایرانی نام برده شده است. چنانکه در فرگرد بیستم و نذیداد آمده است که:

"زرتشت از اهورامزدا پرسید: کیست در میان پرهیزکاران، دانایان، کامکاران، توانگران، رایومندان، تهمت‌ان، پیشدادیان نخستین کسی که ناخوشی را بازداشت، زخم نیزه پران را بازداشت، گرمای تب را از تن مردم بازداشت؟ اهورامزدا پاسخ داد: ای اسپیتمان زرتشت، ثریتا در میان پرهیزکاران، دانایان، کامکاران، توانگران، رایومندان، تهمت‌ان، پیشدادیان نخستین کسی است که ناخوشی را بازداشت، مرگ را بازداشت، زخم نیزه پران را بازداشت، گرمای تب را از تن مردم بازداشت." (۲)

همچنین در بند دهم یسنای ۹ آمده است که:

"آنگاه به من پاسخ گفت این هوم پاک، دور دارنده مرگ: اترط (ثریتا)، سود خواستارترین سام، سوّم بار مرا در میان مردمان خاکی جهان آماده ساخت، این پاداش به او داده شد، آن نیکبختی به او رسید که او را دو

^۱ . yišō aryāmān

^۲ . airēmā īšyō

^۳ . θrita

^۴ . rāyōmand : توانگر، دارا

پسر زائیده شدند، اوژوواخشیه و گرشاسب، آن اولی یک داور و قانون آرا، آن دیگری یک زبردست، جوان گیسور گرزور" (۱۲)

این بند به اثر شفا بخشی و تقدس گیاه هوم نیز اشاره دارد.

نام ثریتا در متن های ودائی نیز آمده و این نشان می دهد که اسطوره ثریتا قدیمتر از دوران مهاجرت آریایی ها و مربوط به زمانی است که این اقوام در ایرانویج زندگی می کردند.

"ثرائه تئونا" (فریدون) از دیگر شخصیت های اسطوره ای هندوایرانی است که قدرت شفابخشی داشته و در ستاره شناسی و ساختن پادشهر ماهر بوده است.

از دیگر نام آورانی که در اوستا به صفت شفابخشی آنان اشاره شده است می توان از "یمه" یا "جَم (جمشید)" پادشاه افسانه ای ایرانیان نام برد که در اوستا به تفصیل درباره وی سخن رفته است، در دوران پادشاهی جمشید نه سرما و نه گرما، نه بیماری پیری و مرگ و نه رشک آفریده دیوان نبوده است. جمشید به فرمان اهورامزدا، وری^۲ میسازد تا مردمان را از زمستان سخت دیوآفریده در امان

۱. θraētaona

۲. var: دژ. بنا بر اسطوره جمشید، اورمزد به وی هشدار می دهد که زمستان هراس انگیزی خواهد رسید و بر اثر آن همه مردمان و حیوانات روی زمین نابود خواهند شد، و جم را وا می دارد که وری (دژی) بسازد. جمشید این دژ را که به وری جَمکرد (دژ ساخته جم) معروف است بنا می کند. در نه های آن آب روان می کند، مرغزارها و چراگاه های زیان ناپذیر فراهم می آورد و به این وری روشن، از مردان و زنانی که در این جهان از همه برتر و نیکوترند نمونه ای می برد و از جانوران آنچه بزرگتر و بهتر و خوش نژادتر و از گیاهان آنچه بلندتر و خوشبوتر و خوش دانه تر، از هر کدام جفتی فراهم می کند، از آتش ها سوزان تر و از خورشیدها گوارتر و همه را به این دژ می برد تا آفت اهریمنی نتواند نسل آنها را از میان بردارد و زمانی که زمستان هولناک با حمله ملکوس دیو در سده های پایانی بر گیتی مستولی شد و با خود نابودی آورد، تخمه و نژاد همه پدیده ها حفظ شود و بخصوص نسل آدمی ادامه یابد. این اسطوره احتمالاً به دوران هندو ایرانی پیش از ظهور زرتشت تعلق داشته و در تلفیق های بعدی جزو داستانهای دینی درآمده است (۱۷) ص ۵۴

نگاه دارد. چنانکه در فرگرد دوم وندیداد در توصیف کسانی که به "وَرِ جَمَکَرْد" وارد می شوند آمده است:

"در آنجا نه گوژسینه باشد نه گوژپشت، نه آپاویه^۱، نه دیوانگی، نه نشانه‌ای که شخصی در هنگام تولد دارد، نه دَوِی^۲، نه کَسویش^۳، نه کج بدن، نه پوسیده دندان، نه پیسی که بر بدن تازد، نه هیچیک از نشانه‌هایی که به اهرمن تعلق دارد و او آنها را بر تن مردمان می‌نهد." (۱۳)

فردوسی شاعر بلندآوازه ایران، در شاهنامه به نیروی درمانگری و استفاده از داروها (= گیاهان دارویی؟) توسط جمشید از پادشاهان پیشدادی اشاره می‌کند:

(۱۴)

چو بان و چو کافور و چون مشک ناب چو عود و چو عنبر، چو روشن گلاب
بزشکی و درمان هر دردمند ره تندرستی و راه گزند
همین رازها کرد نیز آشکار جهان را نیامد چنو خواستار
اصطلاح "ویمیتو دنتان"^۴ به معنی "آنکه دندان های کج و درهم دارد" در آبان یشت نیز تکرار شده است:

"من حاضر نمی‌شوم بآن (مراسم) زوهری که از برای من کور و کر و کوتاه قد و بی‌شعور و آر و مصروع و (نه کسانی که) بنا به شهادت همه با علاماتی هستند که با آنها بی‌شعورها شناخته می‌شوند همچنین نباید از این زوهر من بیاشامند نه کسانی که از پیش قوز دارند نه کسانی

^۱ apāvaya، نوعی بیماری، معنای دقیقی برای آن ذکر نشده است

^۲ dawī، نوعی بیماری، معنای دقیقی برای آن ذکر نشده است

^۳ kaswīš، نوعی بیماری، معنای دقیقی برای آن ذکر نشده است

^۴ vīmītō.dantan

که از پشت قوز دارند نه قصیر القامه ای با دندان های درهم و برهم"

(۱۵)

به جز این اشارات کوتاه در جای دیگر از نوشته‌های به جای مانده از ایران باستان مطلبی که به تفصیل دربارهٔ بیماریهای دهان و دندان و درمان آن صحبت شده باشد مشاهده نشده است.

در فصل پنجم کتاب شکند گمانیک و زار^۱، ساختمان داخلی و آناتومی چشم انسان به طور دقیق توصیف شده است:

"در صورتی که فقط به ساخت یکی از اندامهای تن نگریسته شود (معلوم می شود) که چگونه شگفت انگیز و به فرزانی ساختن شده است؛ مثل چشم که از شکل هائی با نامهای گوناگون و کارهای گوناگون (تشکیل شده است)؛ مانند مژه، آب، سفیده، و تخم و سیاهه و دیده (= شبکیه)؛ به گونه ای که سپیده، پیه است؛ سیاهه، آبی است که در رگ و پیه چنان ایستاده است که گردش چشم از سویی به سوی دیگر از طریق آن است؛ دیده (شبکیه) خود انعکاس است مانند انعکاس (اشیاء) در آب؛ سیاهه در رگ سفیده قرار دارد چون ایستادن آب در رگ پیه؛ دیده (شبکیه) در داخل سیاهه است. چون انعکاس چیز در آب روشن؛ و دیدن کالبد در آینه روشن؛ و سفیده کاسه چشم از این رو نهاده شده است که خاک و گردی که از هوا به چشم می رسد در آن پنهان نشود؛ و به سوی پلک چشم بگردد؛ و بینائی چشم را تباه نکند"

در همین فصل از این کتاب درباره گوش آمده است که:

^۱ . škand gumānīg wizār: کتابی تألیف مردان فرخ پسر اورمزد داد که احتمالاً در اواخر سده سوم

هجری می زیسته است.

"هم چنین رگ گوش منحنی ساخته شده است به آن دلیل که؛ خاک و گرد و حشرات مستقیماً بدان داخل نشوند؛ نم و ترشح خود گوش و زهرِ خَرَفَسْتَران^۱ (داخل گوش نشود)" (۱۶)

نمونه هائی از این دست نشان دهنده آشنائی کامل ایرانیان با ساختمان داخلی و آناتومی اندامهای بدن انسان است.

در ایران باستان کار پزشکی در مجموع به عهده دین مردان و موبدان بوده است، به نظر می‌رسد که این امر تا دوران ساسانیان نیز رواج داشته است. بنا بر عقاید ایران باستان، آش و هیشتا (= اردیبهشت، یکی از امشاسپندان^۲) مظهر روحانی درمان و علاج بوده است. (۲)

در آئین زرتشت به بهداشت اهمیت زیادی داده شده و دستورات مؤکدی در باب تمیزی و جلوگیری از آلودن آب، خاک، آتش و گیاه آورده شده است و پاکیزگی بدن و لباس بسیار مورد توجه بوده است.

در فرگرد بیست و دوم و نندیداد، بندهای یک و دو، به تعداد بیماریها اشاره شده و آن ۹۹۹۹۹ (نود و نه هزار و نهصد و نود و نه) ذکر شده که از میان آنها تعداد کمی نام برده شده است. (۲)

^۱. حیوانات موذی

^۲. امشاسپندان: جاودانان مقدس. امشاسپندان جلوه های اورمزد به شمار می‌آیند و هر کدام از آنها دشمن مستقیمی در میان دیوان دارند. تعداد اصلی امشاسپندان شش است، در حالی که معمولاً از هفت امشاسپند سخن به میان می‌آید. علت این اختلاف این است که در متنهای متأخر، ایزد سروش را یکی از امشاسپندان به حساب می‌آورند. گروهی نیز خود اورمزد را به عنوان هفتمین امشاسپند در رأس آنها قرار می‌دهند و برخی معتقد به آفرینش "سپند مینو" به عنوان نخستین امشاسپند هستند. اسامی شش امشاسپند عبارت است از: بهمن (وَهْمَنَه)، اردیبهشت (آرته و هیشته یا آشه و هیشته)، شهریور (خَشْرَه و تیریه)، سپندارمَد (سپَنته آرْمَنیتی)، خرداد (هَتُوروتات)، امرداد (امِرتات) (۱۷) ص ۱۵-۱۸

نظریه خلطی و نگاه ایرانیان باستان به ساختار بدن انسان

در ایران باستان نظریه خلطی سهم بزرگی در پیدایش نظریه کِهَجَهان^۱ (عالم اصغر) داشته است. در این نظریه انسان نماد کوچکی از مِهَجَهان^۲ (عالم اکبر) بوده و هر عضوی از بدن مشابه جزئی از جهان است.

براین اساس دو فهرست همسانی به عنوان پایه نظریه جهان اکبر و جهان اصغر وجود دارد: یکی هماهنگی بین اجزای مختلف جهان مادی و اعضای مختلف بدن انسان که معمولاً در هفت صورت بیان می شود و با هفتگانه اخترشناسی (سیارات) در ارتباط است. و دوم ارتباط چهار عنصر کیهانی (آب، آتش، باد و خاک) با خلط های (مایعات) چهارگانه (خون، بلغم، زردآب و سودا). اجزای موجود در هر فهرست از نظر ذات خود نیز به چهار کیفیت گرم، سرد، خشک و مرطوب تقسیم می شوند.

این نظریه به این شکل نه در گاتها و نه در اوستای متأخر مورد اشاره قرار نمی گیرد، فقط در فرگرد هفدهم و نندیداد مقایسه ای بین موی انسان و گیاه ذکر شده است. در واقع در متن های پهلوی متأخر مربوط به سده های نهم و دهم میلادی است که این نظریه به طور مشخص ذکر شده است.

در گزیده های زاداسپَرَم نظریه مهجهان و کِهجهان و ارتباط آن با علم پزشکی نشان داده شده است. در فصل سی ام زاداسپَرَم تحت عنوان "درباره ساخت مردمان" که یکی از طولانی ترین قسمتهای این متن است، نظریه مزد یسنائی درباره ساختار بدن انسان به تفصیل بیان شده و در آن عنوان شده است همانطور که زیج آسمانی به چهار قسمت تقسیم می شود که هر قسمت سه اختر دارد

^۱ microcosmos .

^۲ macrocosmos .

(تقسیمات دائرة البروج) بدن انسان نیز از چهار نیرو تشکیل یافته که عبارتند از: تنی، جانی، دانشی، و روانی و هر یک از این چهار، خود به سه بخش تقسیم می شود.

آمیزه تنی انسان خود از سه بخش جسمانی، آبی و بادی تشکیل شده است. در زاداسپرَم، برای جسم یا تن، هفت لایه در نظر گرفته می شود که اندرونی ترین آن مغز است، سپس استخوان، گوشت، پی، رگ، پوست و موی قرار دارند. این هفت لایه با هفت مدار سیارات برابر پنداشته می شوند. بر این اساس از درونی ترین لایه تا بیرونی ترین آن با سیارات از درونی ترین مدار تا بیرونی ترین به این شرح همانند می شوند: مغز با ماه، استخوان با تیر، گوشت با ناهید، پی با مهر، رگ خونی با بهرام، پوست با اورمزد (مشتی) و موی با کیوان همانند می شوند:

"۱- که همانندی مردان (= مردمان) چون سپهر آسمانی گردان است، که (آن را) چهار میخ، که هر میخی را سه اختر است، چه ساخت همه مردمان اساساً به وسیله چهار (نیرو) است، که تنی و جانی، و روانی است.

۲- هر یکی (از این چهار نیرو) را سه بخش است.

۳- تنی سه که: «تنی گردی» (= جسمانی، مادی) و «آبی» و «بادی» است.
 ۴- تنی گردی به وسیله هفت لایه کامل شد که اندرونی ترین آن مغز، پیرامون مغز، استخوان، پیرامون استخوان، گوشت، و پیرامون گوشت، پی، و پیرامون پی، رگ، و پیرامون رگ، پوست و پیرامون پوست و موی است.

۵- و مغز به ماه نیازمند شد، که دشمن او ماه اباختری است، که چون ایزد ماه در هنگام درخشیدن، به سبب سرشت درست، مغزها را افزون

کند، ماه اباختری تباه گرداند. در میان اباختران (= سیارات) اندرونی ترین (= داخلی ترین) لایه را دارد.

۶- بالای ماه، تیر و جای او بر استخوان است.

۷- و بالای تیر، ناهید و جای او بر گوشت است.

۸- بالای ناهید، مهر و جای او بر پی است.

۹- و بالای مهر، بهرام و جای او بر رگ خونی است.

۱۰- بالای بهرام، اورمزد و جای او بر پوست است (که) زیبا کننده تنها است.

۱۱- بالای اورمزد، کیوان و جای او بر موی است..... " (۱۸)

مایعات بدن به چهار دسته خون، بلغم، زردآب و سودا تقسیم می شوند. طبیعت خون گرم و مرطوب، بلغم سرد و مرطوب، زردآب گرم و خشک و سودا سرد و خشک است.

باد یا نفس، در دل جای می گیرد، با آتش جان گرم می شود و همه تن را گرم نگه می دارد. آتشی که در بدن مردمان است وظیفه گرم کردن تن، گوارش خوردنی و روشن کردن چشمان را بر عهده دارد.

همچنین در زاداسپَرَم آمده که پس از مرگ عناصر تن درگذشتگان توسط پنج عنصر کیهانی تا زمان فَرَشکَرْد^۱ نگهداری می شوند. زمین گوشت و استخوان و پی مردمان را نگه می دارد، آب نگهدار خون، گیاه نگهدار موی تن و سر، روشنایی پذیرنده آتش و باد نگهدارنده جان آفریدگانند. برخی از محققین معتقدند که آوردن پنج عنصر در این بند به جای چهار عنصر اولیه کیهانی می

^۱. روز رستاخیز، روز داوری

تواند ناشی از عدم آشنائی عالمان دینی متأخر یا نسخه نویسان با همانندی ها و مفاهیم اولیه در نظریه مهجهان و کهجهان باشد.

در بخش سیزدهم بندهش که عنوان آن "درباره تن مردمان به سان گیتی" است در مقایسه بدن انسان با کیهان چنین ذکر شده است که:

"پوست بدن همانند آسمان، گوشت همانند زمین، استخوانها همانند کوهها، رگها مانند رودخانه ها، خون در بدن مانند آب در رود، شکم مانند دریا و موها مانند گیاهانند."

این تقسیم بندی هفت گانه را می توان هسته اصلی همانند سازی انسان به کیهان در نظر گرفت. در ادامه این فصل از بندهش به همانندنگاری های دیگری هم اشاره شده است، و هفت وجود نادیدنی و ناگرفتنی یعنی روشنائی بیکران (اورمزد)، امشاسپندان، گرودمان، بهشت، سپهر نیامیختنی، سپهر آمیختنی و آسمان و هفت عنصر کیهانی دیدنی و گرفتنی یعنی زمین، آب، گیاه، گوسپند و فلز و... در همانندی با عناصر نادیدنی و ناگرفتنی در بدن انسان یعنی اندیشه و فهم و اجزای دیدنی و گرفتنی که دو گوش، دو چشم، دو (سوراخ) بینی و دهان و اجزای نادیدنی و گرفتنی که جگر و شش و زهره و دل گرد و روده و اُسبُل (طحال) و گرده هستند، موازی در نظر گرفته شده اند. (۱۱)

مکتب های پزشکی ایران باستان

مکتب های عمده پزشکی ایران باستان را می توان به شرح زیر مشخص کرد:

۱. مکتب مزدیسنا

مکتب مزدیسنا بر اساس تعالیم کیش زرتشتی و کتاب اوستا پایه گذاری شده بود. بر اساس عقاید زرتشتی درد، بیماری و رنج، آورده ی اهریمن است و مبارزه

بین بیماری و درمان و بهبودی، نمادی از مبارزه اهریمن و اهورا مزدا یا به عبارتی نبرد خیر و شر است. و بر این اساس هر آنچه دربارهٔ پزشک، درمان و بهبود بیماران گفته شده نیک و اهورایی است.

اساس مبارزه با بیماریها در این مکتب بر گیاه درمانی، کارد درمانی (جراحی) و تلقین کلام مقدس (مانتره درمانی) می باشد.

واژهٔ درمان و پزشک برای اولین بار در این مکتب رایج شد. به مقام پزشکان و درمانگران ارج نهادند. قانون و مزد برای درمانگری وضع شد و شاید برای اولین بار جداسازی پزشکی از خرافات و موهومات را در مکتب مزدیسنا بباییم.

اساس این مکتب برپاکی و راستی و تعادل چهار عنصر حیاتی است و پاک نگهداشتن چهار عنصر هوا، آب، خاک و آتش از اصول آن است که نشانهٔ اهمیت بهداشت می باشد. (۲)

۲. مکتب اکباتان

مکتب دوم که به مکتب اکباتان معروف است توسط یکی از شاگردان زرتشت به نام "سَئِنَا"^۱ پسرِ "اَهوم ستوت"^۲ پایه گذاری شد و وی همراه با یکصد نفر از شاگردانش به کار درمان مشغول بودند.

به نظر می رسد نام "سئنا" همان است که در خداینامه به صورت "سین مرو" و بعدها در شاهنامه و سایر کتب فارسی به صورت "سیمرغ دانا" نقل شده است. شرایط ورود به این مکتب بسیار سخت بوده و در آن علوم مغانی مانند فلسفه، نجوم، جغرافیا و پزشکی تعلیم داده می شده است.

^۱ saēna

^۲ ahūm stūt

"پلوتارک" در کتاب خود متذکر شده است که در مکتب اکباتان حکمت و نجوم و پزشکی و جغرافیا تعلیم داده می‌شده و صد شاگرد در آن به تحصیل مشغول بوده‌اند.

روشهای درمان در ایران باستان

در ایران باستان درمان بیماری به چند روش انجام می‌شده است که عبارتند از:

گیاه درمانی (گیاه پزشکی)

جراحی (کارد پزشکی)

روان درمانی (دعا پزشکی)

و بر این اساس پزشکان نیز در ایران باستان به سه گروه گیاه پزشک، کارد پزشک و دعاپزشک (روانپزشک) تقسیم می‌شدند.

گیاه درمانی (گیاه پزشکی)

درمان با گیاهان داروئی از دیرباز در ایران رایج و از گل و برگ و ساقه و ریشه گیاهان استفاده داروئی می‌شده است. انواع گیاهان خودرو و اهلی را برای درمان بکار می‌برده‌اند، امُرتات (امرداد) به معنی بی‌مرگ، امُشاسپند موکل بر گیاهان داروئی در ایران باستان بوده است. (۲)

بر اساس عقیده مکتب مزدیسنا گیاهان داروئی آفریده اهورامزدا هستند تا بیماریهای گوناگون را رفع کرده و اهریمن را که آفریننده بیماریها است خوار و زبون سازند.

برزویه پزشک دوره ساسانی در پژوهش و استفاده از گیاهان داروئی سرآمد روزگار خود بود و آنچه‌ان که در خداینامک آمده است برای آزمودن گیاهان

سودمند رنج سفر هند را به خود هموار کرد و در آنجا به همراه دستیاران و شاگردان خود سالها به پژوهش درباره این موضوع مشغول بود.^(۲)

فردوسی این مطلب را در شاهنامه چنین آورده است: (۱۹)

بز شک سراینده برزوی بود	به پیری رسیده سخن گوی بود
ز هر دانشی داشتی بهره یی	به هر بهره ای در جهان شهره یی
چنان بود که روزی به هنگام بار	بیامد بر نامور شهریار
چنین گفت کای شاه دانش پذیر	پژوهنده و یافته یادگیر
من امروز در دفتر هندوان	همی بنگریدم به روشن روان
نیشته چنین بد که بر کوه هند	گیایست رخشان چو رومی پرند
که آن را چو گرد آورد رهنمای	بیامیزد و دانش آرد به جای
چو بر مرده بپراکند، بی گمان	سخن گوی گردد هم اندر زمان

.....

.....

برفتند هر کس که دانا بُدند	به کار بزشکی توانا بُدند
چو برزوی بنهاد سر سوی کوه	برفتند با او بزشکان گروه
پیاده همه کوهساران به پای	بپیمود با دانشی رهنمای
گیاها ز خشک و ز تر برگزید	ز پژمرده و هرچ رخشنده دید
ز هرگونه ای سوده از خشک و تر	همی برپراکند بر مرده بر

"پُلّی بیوس"^۱ می نویسد: "مغان بسیاری از داروهای گیاهی را بدست آورده اند و در سرزمین ماد بزرگ انواع و اقسام گیاهان داروئی می روئید مثل بالنگ که برای پادزهر استعمال می شود."

^۱ Polybius: مورخ یونانی سده دوم پیش از میلاد.

"استرابو" جغرافی دان یونانی می نویسد: " در دشتهای بلخ گیاهی است که گوارش گوشت را آسان می کند و همچنین در سرزمین ماد بزرگ نیز انقوره می روید که از برای دارو و درمان هم ارزش با نقره فروخته می شود." گیاه درمانی عموماً به سه روش خوراکی، مالیدنی و بخور دادن انجام می شده است.

در روش خوراکی عصاره گیاه مثل گیاه هوم (هئوما)^۱ و گئوکرَن^۲ و یا جوشانده آن مانند جوشانده بنفشه و شاه اسپرغم خورده میشده است، گاهی هم گیاهانی مثل کاسنی را به صورت طبیعی آن بکار میبردند. شستشوی بدن با آب آمیخته با عصاره گیاهان بسیار رایج بوده است و از این رو ایرانیان باستان برای آب خاصیت بهی بخشی قائل بوده اند. نهادن گیاهان و صمغها بر آتش و بخور دادن در طب باستان رایج و در ایران باستان استفاده از عود و کندر بسیار مرسوم بوده است. (۲)

هوم، گیاه مقدس

هوم نام گیاهی است که شیرۀ آن را طی تشریفات خاص فراهم آورده و در مراسم مذهبی بکار می بردند. ایزد نگهبان هوم هم در ایران باستان به همین نام یاد شده است. در اوستا این نام به صورت هئوما و در فارسی میانه و فارسی نو بصورت هوم^۳ آورده شده است. در سراسر کتاب اوستا از هوم و ایزد هوم سخن رفته و همه جا با صفت پاک و دوردارنده مرگ آمده و تقدیس شده است. دیگر

^۱. haoma

^۲. gaokerena: بر اساس اسطوره های ایرانی گیاهی است که در میانه دریای فراخکرد روئیده و خاصیت شفا بخشی و بیمرگ کننده دارد. برخی آنرا با گیاه هوم سپید برابر دانسته اند.

^۳. hōm, hūm

صفات هوم در اوستا عبارتند از نیک، خوب آفریده، نیک درمان کننده، خوب اندام، خوب کنش، پیروزگر.^(۲۰)

عصاره این گیاه را پَراهوم^۱ می نامیدند که با صفت جاویدان توصیف شده است. پراهوم طی مراسمی ویژه و توسط هفت موبد تهیه میشده است. ایرانیان خواص بهی بخشی کاملی برای پراهوم قائل بودند چنانکه در یسنا، هات ۱۰ آمده است که:

”.... نیز کمترین فشرده هوم، نیز کمترین ستایش هوم، نیز کمترین خورش هوم بس است از برای کشتن هزار دیو. نابود شود بزودی هر آن آلودگی که به وجود آمده باشد، از آن خانه ای که در آنجا آورند و در آنجا بسرایند درمان پدیدار هوم را درستی (و) چاره بخشی (آن را) (از برای خانواده و دودمانش)”^(۱۲)

هوم سپید نام درخت افسانه ای است که دشمن پیری و زنده کننده مردگان، و بیمرگ سازنده زندگان است. بر اساس متن بُندَهش و گزیده های زاداسپَرَم این درخت در کنار درخت همه تخمه و در دریای فراخکرد آفریده شده و در بُندَهش با درخت گئوکرَن یکی دانسته شده است.^(۲۰)

جراحی (کارد پزشکی)

واژه کارد درمانی در اوستا به صورت کَرَتَوِئِشَر^۲ به دفعات آمده است. و بعد از گیاه درمانی در درجه دوم اهمیت بوده است. در کتاب چهارم دینکرد آمده است که اگر پزشکی نخست بیماری را با گیاه درمان کرد و سودی نگرفت

^۱ parahōm

^۲ karətō.baēšaza

چنانچه آزموده باشد می تواند برای درمان زخمها، غده ها، قطع اندام و مفاصل از کارد استفاده کند. (۲)

براساس مکتب مزدیسنا یک نفر جراح هنگامی می تواند یک مزدپرست را عمل نماید که نخست سه دیو پرست را به شایستگی و نیکی عمل کرده باشد در غیر اینصورت گناهی که مرتکب شده مانند گناه زخم عمدی است و سزاوار کیفر می باشد. در فرگرد هفتم و نندیداد بندهای ۳۷ تا ۴۰ در این باره چنین آمده است:

" ای پاک دادار دو گیتی اگر مزدپرستان بخواهند هنر درمانگری را عمل نمایند، مهارت خود را نخست بر روی چه کسی نشان دهند؟ مزدپرست یا دیوپرست؟

اهوره مزدا پاسخ داد: ابتدا باید مهارت خود را بر روی دیوپرست نشان دهند تا روی مزدپرست. اگر وی نخست یک دیو پرست را با کارد درمان کرد و مرد. دوم بار یک دیو پرست را با کارد درمان کرد و مرد. سوم بار یک دیو پرست را با کارد درمان کرد و مرد، آنگاه وی تا ابد برای عمل به هنر درمان بخشی ناآزموده است.

بنا براین هیچگاه نباید بر بالین مزدپرست حاضر شود. نباید هیچگاه یک مزدپرست را با کارد درمان نماید. و یا او را با کارد آزرده کند. اگر هرزمانی بر بالین مزدپرست حاضر شود، اگر هرزمانی مزدپرست را با کارد درمان کند و او را با کارد آزرده کند باید همان جزائی را پردازد که برای قتل عمدی می پردازد.

اگر وی نخست یک دیو پرست را با کارد درمان کرد و بهبود یافت. دوم بار یک دیو پرست را با کارد درمان کرد و بهبود یافت. سوم بار یک دیو پرست را با کارد درمان کرد و بهبود یافت، آنگاه وی تا ابد برای عمل به هنر درمان بخشی شایسته است. از آن پس می تواند به خواست

خود بر بالین مزدپرست حاضر شود. از آن پس می تواند به خواست خود مزدپرست را با کارد درمان نماید و آنها را با کارد بهبودی ببخشد.^۱
(۲۱ و ۲۲)

روان درمانی (دعا پزشکی)

در ایران باستان تلقین با دعا همراه بوده است و درمان به وسیله دعا و تلقین کلام مقدس را ماترئیشز^۱ می نامیدند که در مرتبه سوم درمان بوده است و در مکتب مزدیسنا معتقد بودند آنکه از گیاه درمانی و کارددرمانی نتیجه نگرفته است باید با ایمانی پاک از "مانترا" یا "کلام مقدس" یاری جوید.^(۲) هرچند که دعا درمانی در مرتبه سوم درمان در نظر گرفته شده است ولی برای آن اهمیت زیادی قائل بوده اند چنانکه در اردیبهشت یشت آمده است:

"کسی از طبیبان بواسطه آشه (راستی) معالجه کند. کسی بواسطه قانون شفا بخشد (دادپزشک). کسی با کارد علاج نماید. کسی با گیاه درمان دهد. کسی با کلام مقدس شفا دهد. در میان درمان بخشان درمان بخش ترین کسی است که با کلام مقدس شفا دهد. کسی که امعاء و احشای مرد پاک را معالجه کند. چنین کسی درمان بخش درمان بخشنندگان است."^(۱۵)

"پلوتارک" مورخ یونانی در سده پنجم پیش از میلاد از قول سردار یونانی "تمیستوکل"^۲ که به مکتب اکباتان راه یافته بود، می نویسد که وی در آنجا پزشکان

^۱ māθrō.baēšaza

^۲ Themistocles: سیاستمدار و سردار یونانی سده پنجم پیش از میلاد. یونانیان تحت فرماندهی او در نبرد

سالامیس پیروز شدند.

مغ را دیده بود که بیماران را با قوای ماوراءالطبیعه درمان می کردند و آن را دانش مغانی می گفتند که جزو دانشهای پنهانی بوده و آنرا کمتر به بیگانگان آموزش می دادند. (۲)

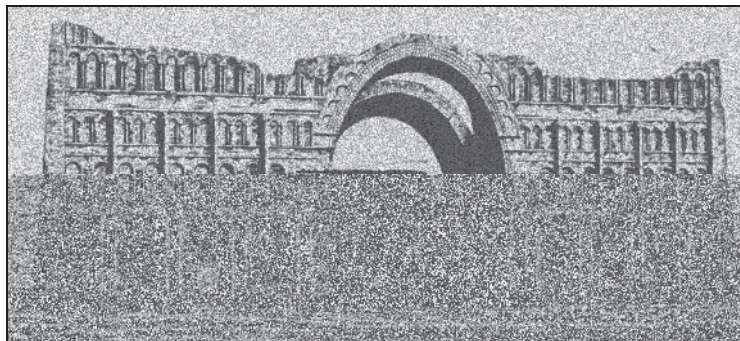
دانشگاه و بیمارستان گندی شاپور (آموزش پزشکی و دندان پزشکی)

پیش گفتار

در دوره ساسانیان اوضاع اجتماعی و شاکله ی حکومتی کشور از جنبه های مختلف تحول نظریه گیری یافت. رابطه های تاثیرگذار علمی و فرهنگی ایران با سایر کشورهای جهان بیش از گذشته شد و اندیشه های فلسفی و اجتماعی جدید در کشور و حتی دربارهای پادشاهان این سلسله پایگاه یافتند. تدریس علوم و فنون جهان به ویژه نجوم و علوم پزشکی در مراکز آموزش ایرانی همانند "گندی شاپور" توسعه پیدا کرد. (۲۴)

این سلسله با همه قدرت و توان نظامی و علمی، در زمان پادشاهی یزدگرد سوم، از نوادگان خسرو پرویز، (شروع ۶۳۲ م.) به علت فساد، ستمگری، نژادپسندی، بی سامانی های اجتماعی، ضعف و انحطاط از پای درآمد و فصل جدیدی در تاریخ مردم سرزمین ایران گشوده شد.

از دوره ساسانیان، آثار گرانبها و افتخارآمیزی از جمله ایوان مدائن، طاق بستان، نقش رستم و آثار فیروزآباد فارس و سروستان و هنرهای دستی بسیاری به یادگار مانده است. (۲۴)



تصویر ۱۵: ایوان مدائن دوره ساسانی (۲۴)

علوم پزشکی، از طریق بیمارستان گندی شاپور (جندی شاپور بعدی) به عنوان یکی از مراکز عمده پزشکی جهان آن روزگار به دوران اسلامی منتقل شد. (۲۲)

شهر و دانشگاه پزشکی گندی شاپور^۱

شهر گندی شاپور به دستور شاپور اول ساسانی در جنوب روستای کنونی شاه آباد، حدود سی کیلومتری شرق شوش واقع در خوزستان فعلی بنیاد و دانشگاه گندی شاپور به دستور شاپور دوم ساسانی در آن شهر بنا شد و تا سده سوم هجری قمری که دانشکده پزشکی بغداد پدید آمده مهمترین مکتب پزشکی خاورمیانه بود. گندی شاپور یکی از مهمترین و برجسته ترین شهرهای فرهنگی ایران عهد ساسانی بوده است که به زبان سریانی "بت لاپات"^۲ و به عربی جندی شاپور نامیده شده است. بنابر نوشته دکتر شهبازی، استاد باستان شناسی، شهر گندی شاپور در عصر ساسانیان یکی از چهار شهر بزرگ خوزستان بوده که به علت داشتن مرکز علمی و به عنوان ناحیه تولید ابریشم ایران، در آن دوران شهرت بسیاری داشته است. شاپوردوم ساسانی، شهر گندی شاپور را به پایتختی

^۱. برگرفته و تلخیص از منبع شماره (۲۲)

^۲. Beth Lapat.

برگزید و در آنجا دانشگاهی با یک دانشکده پزشکی و بیمارستان تأسیس کرد. "ادوارد براون"^۱، از شهرت جهانی مدرسه گندی شاپور در آن دوران یاد کرده و آنرا یادآورنده جلال و عظمت عهد هخامنشی پس از پنج و نیم سده گمنامی دانسته است.

همانگونه که پیش از این نیز گفته شد در دوران ساسانی به گسترش دانش و فرهنگ توجه می شده است و در روزگار فرمانروایی خسرو اول انوشیروان (۵۳۱-۵۷۸ م) تمدن ساسانی به اوج شکوفایی فرهنگی خود رسیده بود. نوشته بالای سر در ورودی مدرسه گندی شاپور: «**دانش و فضیلت بالاتر از شمشیر و بازو است**» گویای این موضوع می باشد. از این رو، دکتر "زرین کوب" دوران ساسانیان را «عهد رنسانس ایران باستان» نامیده است. تأسیس مدرسه گندی شاپور در این روزگار سبب پیشرفت پزشکی در ایران و گسترش آن به سرزمینهای اسلامی شده است. (۲۲)

"ریچارد فرای"^۲، از مدرسه گندی شاپور به عنوان مرکز فعالی که توانسته سنتهای پزشکی بقراط و جالینوس را همراه با سنت های پزشکی ایران و هند حفظ کرده و آن را به جهان اسلام انتقال دهد، یاد کرده است. "دکتر سید حسین نصر" در مورد نقش پزشکان مسیحی نسطوری^۳ در مدرسه پزشکی گندی شاپور نوشته است: "پس از آنکه در سال ۴۸۹ م، مدرسه ادِسا^۴، به امر امپراطور روم شرقی بسته شد و پزشکان آن به گندی شاپور پناهنده شدند بر رونق مدرسه

^۱ Edward Brown: (۱۸۶۲ - ۱۹۲۶ م) پزشک و خاورشناس انگلیسی

^۲ Richard Nelson Frye: (تولد ۱۹۲۰ م) ایران شناس و استاد دانشگاه در آمریکا

^۳ نسطوریان از فرقه های مسیحیت منسوب به نسطوریوس بودند که از کلیسای اورتودکس جدا شده و

پیروانش امروزه بیشتر در میان آسوریان ایران، عراق، سوریه و لبنان هستند.

^۴ Edessa، به عربی الرها و امروزه آنرا اورفه می نامند.

افزوده شد.^۱ در مدرسه گندی شاپور، پزشکان نسطوری به آموزش پزشکی یونانی می پرداختند. فضای حاکم بر گندی شاپور در آن زمان سبب شده بود که پزشکانی از ملیتهای مختلف و با مذاهب گوناگون به گندی شاپور روی آورند. "کلاوس شیپمان" در این باره می نویسد: "آزادی مذهبی که در آن روزگار حکمفرما بود، شهر گندی شاپور را جهانی کرده بود به نحوی که اقلیت ها از قبیل مسیحیان، یهودیان و دیگران می توانستند در آنجا مستقر شوند." (۲۲)

پزشکان عصر ساسانی برای پرداختن به حرفه پزشکی بایستی دارای ویژگیهای علمی و اخلاقی والائی می بودند. "کریستن سن"^۱ در این زمینه می نویسد: «طیب دانا کسی بود که بتواند بیماران را معاینه کند و کتاب بسیار خوانده باشد. بایستی اعضای بدن را بشناسد و اطلاعاتی نیز راجع به ادویه(داروها) داشته باشد، محبوب و شیرین سخن باشد و با بیماران از روی شکیبایی رفتار کند». علاوه بر اینها پزشکان بایستی امتحانات لازم را در مهارت و زبردستی داده باشند. در عصر ساسانی پزشکان درمانگر بیماریهای روحی و جسمانی بوده اند، "دُرُستَبَد" یا "ایران دُرُستَبَد" ظاهراً رئیس کل پزشکان درمانگر بیماریهای جسمانی کشور بوده است. به گفته "دکتر صفا"، استاد پیشین دانشگاه تهران، در مدرسه گندی شاپور از ترکیب شیوه های پزشکی ایران، یونان و هند مکتب طبی کامل تری به وجود آمده بود. مدرسه مزبور مرکزی بین المللی و محل گردهمایی دانشمندانی با ملیت های گوناگون بوده است که درمانهای آنها ارزش ویژه ای داشته است. "ابن قفطی"^۲ از کارآیی و شهرت پزشکان گندی شاپور و برتری طبابت آنها نسبت به

۱. Arthur Christensen: (۱۹۴۵-۱۸۷۵ م.) ایران شناس دانمارکی، از او آثار گرانبهایی در زمینه تاریخ،

اسطوره شناسی، لهجه شناسی، داستانهای عامیانه و ادبیات ایران به یادگار مانده است.

۲. (۵۶۸ - ۶۴۸ هـ) مورخ مصری

طرز معالجه پزشکان یونانی و هندی سخن گفته است "گرهارد فنتزمر"^۱ نیز بر همین موضوع تأکید کرده و می نویسد: "در مدرسه گندی شاپور، اطلاعات، معلومات و مهارت‌های پزشکی یونان با تحقیقات و مضامین شرقی در هم آمیخته و ترکیب مفید و جامعی به بار آورد."

"دکتر سیریل الگود"^۲ نقش ایرانیان را در ابداع روش درمانی بیمارستانی مهم می داند و معتقد است که بیمارستانهای دوره اسلامی اغلب براساس نمونه ها و اصول بیمارستان ساسانی گندی شاپور ساخته شده بودند. حتی واژه «مارستان» که به زبان عربی راه یافته از کلمه فارسی بیمارستان (بیمارستان گندی شاپور) مشتق شده است. "دکتر زرین کوب" در این باره نوشته است که «بیمارستان را مسلمین با حذف جزو اول نام فارسی آن به شکل مارستان ظاهراً از بیمارستان جندی شاپور ایران عهد ساسانی اخذ کردند.» (۲۲)

بیمارستان گندی شاپور سنت پزشکی پیش از اسلام را به عنوان یکی از مراکز عمده پزشکی، به دوران اسلامی منتقل کرده است. به روایت "ابن قفطی" و "ابن ابی اُصیبیه" که در گردآوری و شرح حال پزشکان و فلاسفه آن دوران، بسیار دقیق بوده اند "حارث بن کلد" اولین پزشک عرب تحصیلات خود را در ایران در مدرسه جندی شاپور تکمیل کرده بود. به روایت دکتر "عیسی احمدبک"^۳، "این مرکز پزشکی شهرت خود را تا روزگار عباسیان حفظ کرده و در آن هنگام مسلمانان با اقتباس از شیوه های رایج در گندی شاپور به برپایی بیمارستانهای متعدد، در سرزمینها و شهرهایی پرداختند که آنها را گشودند." وی همچنین در این مورد نوشته است "اعراب، شهر گندی شاپور را در سال ۱۷ هـ ق / ۶۳۸ م در

^۱. پژوهشگر آلمانی و مولف کتاب تاریخ پزشکی

^۲. Cyril Elgood : (۱۸۹۲ - ۱۹۷۰ م) پزشک و پژوهشگر انگلیسی، مولف کتاب تاریخ پزشکی ایران

^۳. استاد دانشگاه مصری و نویسنده کتاب تاریخ بیمارستانها در اسلام

روزگار عمر بن خطاب گشودند. پیش از اسلام، اعراب از پزشکان عرب دانش‌آموخته جندی‌شاپور یاری می‌گرفتند و پیامبر (ص) و خلفای راشدین پزشکان عرب دانش‌آموخته جندی‌شاپور مانند «حارث بن کَلده» و پسرش «نصر بن حارث بن کَلده» را به طبابت فرامی‌خواندند. خلفای اموی نیز از «ابن اُثال» پزشک مسیحی از اهالی دمشق و دانش‌آموخته جندی‌شاپور بهره می‌گرفتند. (۲۲)

در دوره عباسیان، برای نخستین بار پزشکانی از گندی‌شاپور راهی بغداد شدند. در سال ۱۶۳ هـ ق / ۷۵۶ م منصور خلیفه دوم عباسی به بیماری دشواری مبتلا گشت. وی جرجیس بن بُختیشوع^۱، رئیس بیمارستان جندی‌شاپور را برای درمان خود فراخواند. بدین ترتیب نخستین تماس پزشکان گندی‌شاپور با بغداد آغاز و پس از آن تداوم یافت و سرانجام به تشکیل مرکز علمی پزشکی و بیمارستان بغداد منجر شد. اعضاء خاندان بختیشوع و خانواده ماسویه از پزشکان نامور آن دوران بوده‌اند. «دکتر سید حسین نصر» می‌نویسد: «مدتی بیمارستان مرکز پزشکی بغداد به ریاست جرجیس از خاندان بُختیشوع اداره می‌شد و او نخستین پزشک بزرگ از خاندانی بود که به طبابت در جهان اسلامی شهرت یافت.» وی سپس می‌افزاید: «خاندان پزشکی دیگری که اصل آن از جندی‌شاپور بود و سپس به بغداد آمده و در اهمیت با خاندان بختیشوع رقابت می‌کرد، خاندان ماسویه بود. ماسویه کحال (چشم پزشک) نامداری بود. سه پسر وی طبیب شدند که از بین ایشان یوحنا بن ماسویه^۲ از پزشکان برجسته زمان خود بود که نخستین رساله کحالی (چشم پزشکی) را به زبان عربی نگاشت.» (۲۲)

^۱. بُختیشوع، نامی سریانی به معنی نجات یافته توسط عیسی است.

^۲. به لاتین Mesue Senior

منابع

۱. مولانا جلال‌الدین رومی، مثنوی معنوی، انتشارات پژوهش، تهران، ۱۳۷۱
۲. خدابخشی، سهراب، پزشکی در ایران باستان، نشر فرهنگی فروهر، تهران، ۱۳۸۶
۳. صالح‌آبادی، فرهاد، به راهنمایی دکتر اسمعیل یزدی، بررسی درمان‌های دندان‌پزشکی در ادوار گذشته، پایان‌نامه شماره ۱۲۳۸، دانشکده دندان‌پزشکی دانشگاه تهران، سال تحصیلی ۵۰-۱۳۴۹.
۴. محرابی، ولی‌اله، تاریخ مصورپزشکی جهان، جلد دوم، بخش چهارده
۵. هوک، ساموئل هنری، اساطیر خاورمیانه، ترجمه علی اصغر بهرامی، فرنگیس مزدا پور، انتشارات روشنگران، سال انتشار ---، ۲۶۲ ص.
۶. زیگریست، هنری ا.، پزشکان نامی، ترجمه کوکب صورتگر و حسن صفاری، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲
۷. نجم‌آبادی، محمود، تاریخ طب در ایران، جلد اول، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم، تهران ۱۳۷۱
۸. منصوری، رضا، ایران ۱۴۲۷، انتشارات طرح نو، چاپ سوم، ۱۳۸۰
۹. Sajjadi, Sadeq, Dentistry, in Enclopaedia Iranica edited by Yarshater, E., Mazda Publishers, USA, ۱۹۹۶, Vol. VII, PP.۲۹۲-۲۹۶
۱۰. تفضلی، احمد، به کوشش ژاله آموزگار، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۷۶
۱۱. فرنبرگ دادگی، بندهش، گزارش مهرداد بهار، تهران، توس، ۱۳۶۹
۱۲. پورداد، ابراهیم، یسنا، تهران، اساطیر، ۱۳۸۰

۱۳. کریستن سن، آرتور، نمونه های نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه ای ایران، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، چاپ دوم، تهران، نشر چشمه، ۱۳۸۳
۱۴. فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، دفتر یکم، به کوشش جلال خالقی مطلق، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۷
۱۵. پورداد، ابراهیم، یشت ها، جلد اول، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۷
۱۶. آموزگار، ژاله، زبان - فرهنگ - اسطوره، تهران، انتشارات معین، چاپ اول، ۱۳۸۶
۱۷. آموزگار، ژاله، تاریخ اساطیری ایران، تهران، سمت، ۱۳۸۴
۱۸. زاداسپَرَم، وزیدگیهای زاداسپَرَم، نگارش و تصحیح محمدتقی راشدمحصل، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۵
۱۹. فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، دفتر هفتم، به کوشش جلال خالقی مطلق، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۷
۲۰. عفیفی، رحیم، اساطیر و فرهنگ ایران، چاپ دوم، انتشارات توس، ۱۳۸۳
۲۱. Sigerist, Henry E., A history of Medicine, Oxford, ۱۹۶۱, Vol ۲
۲۲. Azizi, M. H., GondiShapur School of Medicine: The Most Important Medical Center in Antiquity, Archives of Iranian Medicine, ۲۰۰۸; ۱۱(۱):۱۱۶-۱۱۹
۲۳. -----، سیمای میراث فرهنگی قزوین، گردآوری میراث فرهنگی قزوین، اداره کل آموزش، انتشارات و تولیدات فرهنگی، ۱۳۸۲

۲۴. تکمیل همایون، ناصر، تاریخ ایران در یک نگاه، دفتر پژوهش‌های

فرهنگی، چاپ سوم، ۱۳۸۴

۲۵. Monier S. et al, L'Art Dentaire Chez Les Etrusque, Actulâtités Odonto-stomatologiques, No. ۱۸۳, Sep.

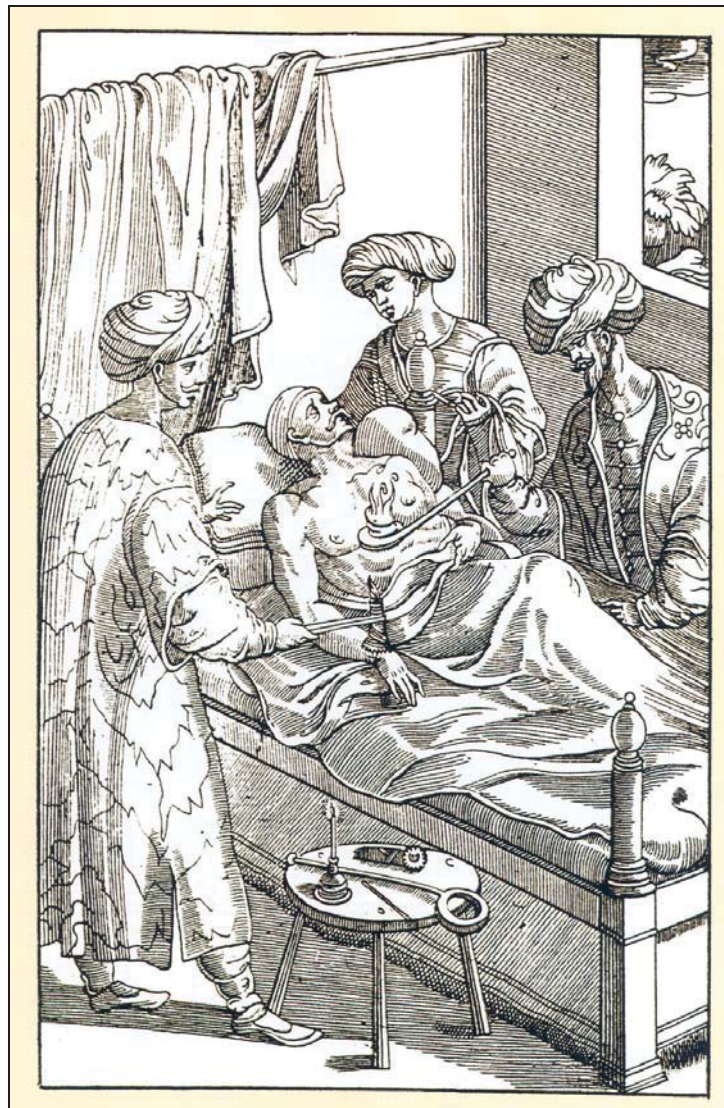
۱۹۹۳, pp. ۳۴۵-۳۵۹

بِنام خداوند جان آفرین حکیم سخن در زبان آفرین

دفتر نخست

گفتار دوم

دوران اسلامی



تصویر ۱۶: پزشکان اسلامی در سنت لاتین

برگرفته از: گزیده تصاویر تاریخ پزشکی اسلام و ایران،

انتشارات فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۷، ص ۲۰۴

گفتار دوم

دوره اسلامی

**چنانچه علم در ثریا باشد مردانی از
سرزمین فارس بدان دست می یابند.**
حدیث از پیامبر اکرم (ص)

آشنایی کلی با مبانی دانش پزشکی ایران در دوران اسلامی

اگر دانش بشری را درخت تناوری با شاخ و برگ‌های بسیار تصور کنیم، علوم گذشته ریشه‌های این درخت را تشکیل می‌دهند. برای شناخت شاخه‌ها و سرشاخه‌ها که علوم امروز را می‌سازند، باید ریشه‌ها را شناخت. در غیر این صورت دانش ما دانشی بی‌ریشه می‌شود همچون کاخی عظیم ولی بی‌پایه و شالوده. بدون شک درخت تناور دانش پزشکی که یکی از کهن‌ترین دانش‌های بشری است، دارای ریشه‌هایی ستبر و عمیق است. برای آن که آگاه شویم دانش امروزین پزشکی چگونه به این جایگاه رفیع رسیده است، ناگزیریم به گذشته آن نظر افکنیم و از کار پرزحمت پیشینیان جويا و آگاه شویم. بنابراین آگاهی از تاریخ هر علم، پی بردن به عمق و ریشه‌های آن، برای بهره‌گیری در زمان کنونی است. ممکن است این تصور پیش آید که چون بیشتر نظریه‌های پزشکی پیشگامان اکنون دیگر بی‌اعتبار است، بنابراین کارها و پژوهشهایی که بر اساس این نظریه‌های باطل صورت می‌گرفته بدون اعتبارند، ولی چنین نیست. از سده دوم تا شانزدهم میلادی، یعنی نزدیک به هزار و چهارصد سال، نجوم بطلمیوسی پایه و اساس علم اخترشناسی بود. نظریه زمین مرکزی بطلمیوس نظریه‌ای باطل

بود ولی اختر شناسان بر اساس همین نظریه تحقیقات و کشفیات با ارزشی انجام دادند که مثال‌های متعددی می‌توان آورد. باید توجه داشت که در زمینه پزشکی تمامی نظریات قدیم بی‌اعتبار نشده‌اند. برخی از مطالبی که در کتاب‌های پزشکی پیشینیان آمده، از جمله کالبدشناسی و کاربرد برخی از داروها، اکنون در دانشکده‌های پزشکی تدریس می‌شود. بنابراین نمی‌توان بر دانش پزشکی کهن یک‌سره خط بطلان کشید. برای نمونه، یکی از کتاب‌های پزشکی گذشته ما کتاب قانون ابن سینا است. اگر کتاب قانون را به سه بخش تقسیم کنیم (البته نه سه بخش مساوی) یک بخش آن همان نظریه‌هایی است که بطلان آنها ثابت شده است. بخش دیگر آن بخشی است که هنوز در دانشکده‌های پزشکی تدریس می‌شود، ولی بخش سومی در آن وجود دارد که متأسفانه به آن چندان توجه نشده و تقریباً حکم بخش اول برای آن صادر شده است. نمونه‌ای از این بخش را می‌آوریم: فرض کنیم در قانون ادعا شده است که با کمک گیاه مورد سبز^۱ می‌توان

۱. Myrtle (myrtus communis).

درخچه‌ای است که از زمان‌های گذشته مورد شناسایی ایرانیان بوده است. "مورد" در جنگل‌ها و زمین‌های بایری که در آن درخچه‌های کوچک روئیده است و نیز در بین درختان زیتون و دامنه‌های کم درخت کوهستانی و مکان‌هایی نظیر آنها می‌روید. پراکندگی آن در مدیترانه، آسیا و ایران است. چون برگ‌های سبز زیبا به صورت دائمی و گل‌های درشت و قشنگ دارد لذا پیوسته پرورش داده می‌شود.

علاوه بر ایرانیان، یونانیان کهن و ملت‌های دیگر نیز برای آن احترام ویژه قائل بودند. کلیمیان در مراسم مذهبی خود از آن استفاده می‌کردند. در بین ملل مختلف "مورد" نماد جوانی، زیبایی و بکارت بوده است به طوری که برای نو عروسان نیز تاجی از آن می‌ساخته‌اند. برگ‌های "مورد" را به سبب دوام و پایداری نماد عشق و ابدیت می‌دانسته‌اند. استفاده درمانی از درخچه "مورد" چندان معمول نبود، درخچه مورد از سده ۱۶ میلادی به بعد که گیاه‌شناس و پزشک معروف به نام Matthiole، آنرا از گیاهان مشابه به کلی تفکیک کرد و آثار دارو درمانی آن را شرح داد متداول شد. از "مورد" به عنوان یک ماده ضد عفونی کننده، رفع خونریزها، مقوی معده، رفع ورم روده و اسهال، مدر، قایض و التیام دهنده زخمها، بیماریهای پوستی استفاده می‌کردند. اثر درمانی "مورد" مربوط به اسانسی است که در بخش‌های مختلف آن، به ویژه در برگ‌های آن یافت می‌شود. غرغره جوشانده آن در ضد عفونی کردن و رفع تحریک مخاط دهان مؤثر می‌باشد.(۱)

بیماری قند را درمان کرد. تا آنجا که اطلاع داریم هیچ گونه آزمایش علمی و استاندارد در خصوص این ادعا صورت نگرفته است. یعنی مثلاً صد بیمار دیابتی انتخاب و پنجاه تن آنها مدت چند ماه با انسولین و پنجاه تن دیگر با مورد سبز درمان شوند و در آنها میزان قند خون و سایر آزمایش‌های آنها به طور منظم انجام پذیرد. اگر حقیقتاً مورد سبز بتواند مانند انسولین بیماری دیابت را مهار کند در آن صورت می‌توان با هزینه و عوارض جانبی کمتر به کنترل بیماران دیابتی کمک کرد. تازمانی که ما این آزمایش را انجام نداده‌ایم چگونه می‌توانیم این ادعا را درست یا نادرست بدانیم؟ بنابراین توجه به تاریخ پزشکی نبش قبر گذشتگان و مدح و منقبت فرهیختگان پیشین نیست، بلکه ممکن است برخی از عملکردها، تجربه‌ها و ادعاهای آنها چراغ راه آینده باشد. چنانکه گفته‌اند "آن کس که گذشته را نمی‌داند محکوم به تکرار آن است."

اکنون به عنوان مقدمه، برای آشنایی علاقمندان با مبانی پزشکی دوران اسلامی نظریات چند تن از پژوهشگران که عمری را صرف پژوهش در طب سنتی ایران کرده‌اند را به اختصار می‌آوریم:

زنده یاد دکتر محمد تقی میر (۱۳۷۵-۱۲۹۲ هـ.ش)، استاد جراحی دانشکده پزشکی دانشگاه شیراز در ترجمه کتاب "قانونچه" در ارتباط با طب سنتی می‌نویسد:

"نخستین تصویری که در ضمیر خواننده از شنیدن طب سنتی نقش می‌بندد شاید این باشد که چه ضرورتی ایجاب کرده و می‌کند که شخص عمر گرانمایه خود را صرف خواندن علمی کند که دیگر بطلان بنیادش به اثبات رسیده و از

نیز عصاره برگ این گیاه برای خواص آنتی اکسیدان، ضد باکتریایی و ضد قارچی آن در ایتالیا بررسی شده

جرگه علوم به دور افتاده است. این تصور تا آنجا صحیح است که بخواهند به احیای علمی مرده کوشیده و از مزایای علوم جدیدی که جایگزین آن علم گشته است چشم ببوشند و جوینده را به دنبال خویش به راههای باریک و متروک بکشانند، ولی چنین نیست....

ابن سینا در کتاب قانون نظراتی درباره درمان سرطان اظهار نموده که هنوز به قوت خود باقی است.

در کتاب چهارم قانون درباره درمان سرطانهای کوچک می نویسد: اگر امکان آن را داشته باشد که سرطان به چیزی از بین برود، قطع و بریدن اوست از ریشه، همراه با بافت های ورم کرده اطراف و عروقی که آن را تغذیه می نماید، به طوری که چیزی از آنها باقی نماند. این کار با خونریزی شدید همراه است."

"در کتاب قانون جراحی سرطان پستان تقریباً نزدیک به روش امروز اجرا می شده. بوعلی از انتشار (متاستاز) سرطان پس از عمل نیز گفتگو کرده است: در کتاب چهارم قانون، ذیل عنوان "فی السرطان" می گوید: "یکی از پیشینیان حکایت کرده است که پزشکی یک پستان سرطانی را از بیخ برید. پس پستان دیگر سرطان پیدا کرد. می گویم این کار در صورتی امکان دارد که عضو در راه سرطان واقع شده باشد و می تواند بود که ظهور سرطان در عضو دیگر بر سبیل انتقال ماده روی دهد."

..... اغلب دانشجویان پزشکی و پزشکان جوان جویای دانستن چگونگی طب قدیم اند و مایلند پایه و اساس این دانش را که سده ها مورد استفاده دانش طلبان بوده و حتی در دانشگاههای مهم اروپا تدریس می شده است، بشناسند."

"بدین ترتیب بدور افکندن و خود را اقلاً از خواندن یک بار آثار طب قدیم بی نیاز دانستن آیا کاهلی نیست؟! (۳)

تعریف "طب سنتی" ایران^۱

دکتر جلال مصطفوی در مورد تعریف "طب سنتی" می‌نویسد:

"برای شناسایی و ارزشیابی طب سنتی ایران قبل از هر بحثی، باید یادآور شوم که بر خلاف آنچه که بسیاری از افراد مردم، و حتی عده‌ای از دانشمندان و استادان علوم تصور می‌کنند، طب سنتی ایران طب حکیم علفی‌ها و عقاید پیرزن‌های عوام و همچنین عطارها و روستائیان نیست. بلکه یک مکتب اصیل پزشکی مستند به یک سلسله اصول و نظریات علمی و متکی به مشاهدات و تجربیات دقیق چند هزار ساله است که مجموعه عقاید مزبور در کلیه متون طب قدیم ثبت و ضبط شده است." (۴)

این اصول و نظریات که پایه و اساس پزشکی دوران اسلامی یا طب سنتی را تشکیل می‌دهند اهم آنها شامل ارکان، مزاج‌ها و خلط‌ها هستند. در کتاب "قانونچه" در تعریف این سه چنین آمده است:

"ارکان"

در اصطلاح حکیمان، اجسام بسیطی هستند غیر قابل تقسیم به اجسام مختلفه، که اجزاء اولیه بدن انسان و غیر انسان را تشکیل می‌دهند و چهارند. قدما آنها را ارکان اربعه می‌گویند:

۱. آتش و آن گرم و خشک است.
۲. هوا و آن گرم و تر است.
۳. آب و آن سرد و تر است.
۴. خاک و آن سرد و خشک است.

^۱ Traditional medicine

مزاج‌ها

هرگاه اجزاء این ارکان با یکدیگر درآمیزند به نوعی که اثر کند یکی در دیگری، به قوت‌های خود که ضد هم‌اند، و هر یکی تیزی دیگری را بشکند همانندی، فعل و انفعال در اجزاء آن مرکب به حدی برسد که در همه اجزاء کیفیتی یکسان پیدا گردد. این کیفیت مرکب را مزاج گویند. مزاج منقسم می‌شود به دو قسم، یکی معتدل و دیگری غیر معتدل.

معتدل نیز دو نوع است: معتدل حقیقی و معتدل فرضی.....

اما مزاج خارج از اعتدال به موجب اصطلاح اطباء قدیم به هشت قسم مختلف منقسم می‌شود....."

"خلط‌ها

خلط در اصطلاح جسم تر و روانی را گویند که غذا نخست بار بدان تبدیل می‌یابد.

اخلاط چهارند: خون که گرم است و تر، صفرا که گرم است و خشک، بلغم که سرد است و تر و سودا که سرد است و خشک و هر یک از این چهار به دو نوع طبیعی و غیر طبیعی تقسیم می‌گردد.

۱. خون طبیعی سرخرنگ است و شیرین و بویی ندارد.

۲. صفرای طبیعی کف خون است سرخرنگ مایل به زردی، صاف و سبک که در جگر تولید می‌شود.....

۳. بلغم طبیعی آن است که قابلیت خون شدن داشته باشد و آن خونی است که نُضِج نیافته است....."

۴. سودای طبیعی دُرد خون طبیعی است..... " (۳)

دکتر سید حسین نصر در کتاب «علم و تمدن در اسلام» درمورد پزشکی در دوران اسلامی چنین می‌گوید:^۱

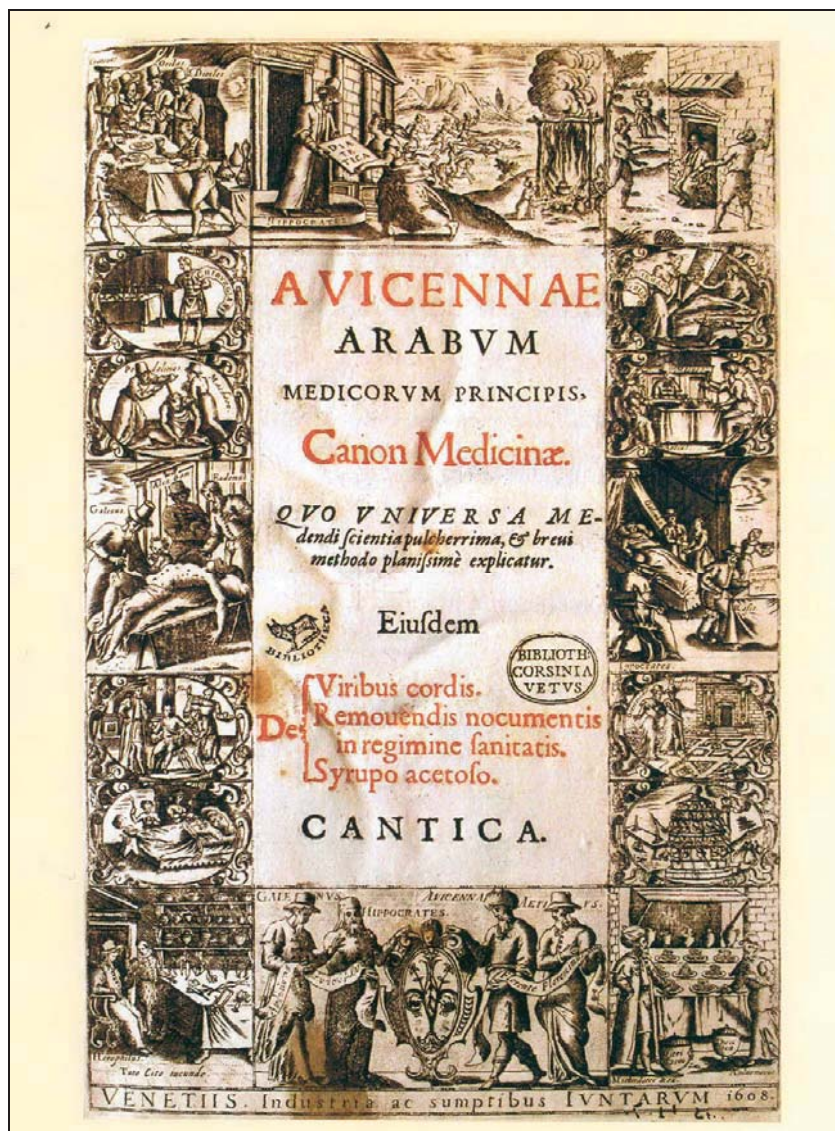
”طب اسلامی یکی از مشهورترین و شناخته شده‌ترین جنبه‌های تمدن اسلامی و یکی از شاخه‌های علمی است که مسلمانان در آن درخشندگی فراوان پیدا کرده‌اند. نه تنها آثار پزشکان مسلمان (که اکثراً ایرانی بوده‌اند) در قرون وسطای اروپایی مغرب زمین تدریس می‌شد، بلکه در دوره رنسانس و در سده هفدهم میلادی نیز تعلیمات ایشان در محافل طبی مغرب زمین قدر و قیمت داشت. حقیقت این است که فقط تا یک (و نیم) سده پیش از این، تعلیم و تعلم طب اسلامی از برنامه مدارس پزشکی در سراسر مغرب زمین به کلی حذف شده است. در مشرق زمین علی‌رغم گسترش سریع تعلیم و تربیت پزشکی غربی، هنوز (در بعضی کشورها) طب اسلامی تدریس و بدان عمل می‌شود و تنها از لحاظ تاریخی مورد توجه نیست.“

”این مکتب پزشکی، که در آغاز تاریخ اسلام به وجود آمد، نه تنها از لحاظ ارزش ذاتی خود اهمیت دارد، بلکه از آن جهت نیز مهم است که پیوسته ارتباط نزدیکی با سایر علوم و با لخاصه فلسفه داشته است. مرد حکیم که در سراسر تاریخ اسلام چهره مرکزی و اصلی در انتشار و انتقال علوم بوده، عموماً پزشک نیز بوده است. ارتباط میان حکیم و طبیب چنان زیاد است که فیلسوف و پزشک هر دو را به نام حکیم خوانده‌اند و هنوز هم در بسیاری از جاها می‌خوانند. بسیاری از معروفترین فیلسوفان و دانشمندان اسلامی همچون ابن سینا و ابن رشد طبیب نیز بوده و از طریق طبابت زندگی می‌کرده‌اند.....“

^۱. به علت جامعیت خاص مطالب در کتاب علم و تمدن در اسلام و با توجه به تحلیل ارزشمند دکتر نصر در مورد پزشکی دوران اسلامی، کتاب مذکور به طور مکرر مورد استفاده قرار گرفته است.

زمینه تاریخی طب اسلامی

دکتر نصر ادامه می دهد: "طب اسلامی همچون ترکیبی از سنتهای بقراطی و جالینوسی پزشکی یونانی با نظریه‌ها و جنبه‌های عملی طب ایرانی و هندی در زمینه کلی اسلام به وجود آمد. بنابراین جنبه ترکیبی دارد، و از لحاظ برداشت مشاهده‌ای و عینی مکتب بقراطی با روش فلسفی و نظری جالینوس و افزودن معلومات عظیم معرفت طبی یونانی فراهم آمده بوده است. از این گذشته، طب اسلامی همانند فیزیک هرمسی و رواقی، علت‌های جزئی نمودهای خاص طبیعت را باز شناخته و مانند "فلسفه طبیعی مشائی چندان در بند یافتن علت‌های کلی نبود....." (۵)



تصویر ۱۷: قانون ابن سینا، ترجمه لاتین

برگرفته از: گزیده تصاویر تاریخ پزشکی اسلام و ایران،

انتشارات فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۷، ص ۲۱۸

فلسفه و نظریه پزشکی اسلامی

دکتر نصر همچنان ادامه می‌دهد "طب، آنچنان که ابوعلی سینا در آغاز قانون گفته است، شاخه‌ای از معرفت است که در حالت‌های تندرستی و بیماری در تن آدمی نظر می‌کند، و غرض آن این است که با استفاده از وسائل شایسته، سلامتی را نگاه دارد یا آن را باز گرداند. بنابراین وظیفه طبابت بازگرداندن یا نگاه داشتن حالت تعادلی است که تندرستی نامیده می‌شود. طب اسلامی با پیروی از آسیب‌شناسی اخلاطی بقراطی، چهار عناصر اصلی بدن را خون و بلغم و صفرا و سودا می‌داند. نسبت این اخلاط به تن آدمی همانند نسبتی است که چهار عنصر آتش، هوا، آب و خاک به جهان طبیعت دارند. بنابراین مایه تعجب نیست که اپیدومکس (ابن‌ادمکس) که نظریه چهار عنصر بدو منسوب است، پزشک نیز بوده است. هر یک از اخلاط چهارگانه، برسان عناصر اربعه، دارای دو طبع است، خون گرم و مرطوب، بلغم سرد و مرطوب، صفرا گرم و خشک و سودا سرد و خشک است. درست به همانگونه که در عالم کُن و فساد، هر چیز از اختلاط چهار عنصر پیدا می‌شود، حالت تندرستی نتیجه همین ترکیب است. به علاوه، ساختمان خاص یا مزاج هر شخص منحصر به خود اوست. هیچ دو کس را نمی‌توان از لحاظ طبی چنان مورد نظر قرار داد که درست برسان یکدیگر باشند و در مقابل عوامل خارجی به یک شکل واکنش نشان دهند."

"تن آدمی قدرت محفوظ نگاه داشتن و بازگرداندن آن تعادل را دارد که به نام تندرستی خوانده می‌شود. و همین قوه است که بنابر سنت، آن را قوه شفابخش طبیعی می‌نامند. بنابراین نقش دارو بیش از آن نیست که به این قوه مدد رساند تا کار خود را به خوبی انجام دهد، و موانع را از سر راه آن دور کند." (۵)

«بنابراین بازیافتن سلامتی توسط خود بدن صورت می‌گیرد، و دارو تنها عنوان مددی برای نیروی طبیعی دارد که در هر یک از اندامها موجود است و خود از مشخصات زندگی به شمار می‌رود....»

”در طب اسلامی همه خوراکی‌ها و داروها بنابر کیفیت خود، گرمی، سردی، تری و خشکی و نیز بنا بر قوت فعل خود تقسیم‌بندی شده‌اند.

مثلاً کسی که مزاج حاد و آتشین دارد، باید غذاها و داروهایی که صفت سردی و تری در آنها غالب باشد به کار دارد، تا حرارت و یبوست صفرا در وی تعدیل شود. ولی همین گونه غذاها و داروها در مزاج بلغمی اثر معکوس دارد. در داروشناسی نیز به همین ترتیب داروها را بنا بر صفات آنها طبقه‌بندی می‌کردند. اعتیادات پرهیزی در سرزمین‌های اسلامی بنا بر همین نظر پیدا شده، و چنان است که در یک خوراک متعارف صفات و طبایع گوناگون حالت متعادل پیدا می‌کند....”

(۵)

با آشنایی مختصر به فلسفه و پایه و اساس طب اسلامی، اکنون به تاریخ پزشکی بعد از اسلام و پزشکان نامدار آن می‌پردازیم.

سده سوم تا ششم هجری قمری، همانند سده‌های طلایی یونان قدیم، از نظر پزشکی و دیگر علوم به سده‌های طلایی معروفند. در این سده‌ها پزشکانی نامدار و کتابهای پزشکی جامع و معتبری که هر یک در حکم دایره المعارف پزشکی بودند، پدیدار شدند. برای آشنایی نسبی با این بزرگان و کتابهای آنها دگر بار به کتاب علم و تمدن در اسلام نوشته دکتر سید حسین نصر مراجعه می‌کنیم:



تصویر ۱۸: رساله در نبض از ابن سینا

برگرفته از: گزیده تصاویر تاریخ پزشکی اسلام و ایران،

انتشارات فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۷، ص ۹۳

۱. "مصنف نخستین اثر طبی بزرگ اسلامی علی بن ربیع طبری (سده سوم هجری قمری) است که نو مسلمانی بود و کتاب "فردوس الحکمه" خویش را در سال ۲۳۶ قمری تألیف کرد. این شخص که (شایع است) استاد رازی بود. بیشتر نوشته‌های خود را از تعلیمات بقراط و جالینوس، و نیز از ابن ماسویه و حنین ابن اسحاق (از استادان پزشکی دانشگاه جندی شاپور) اقتباس کرده است. در ۳۶۰ فصل کتاب خویش خلاصه‌ای از رشته‌های مختلف پزشکی آورده و آخرین قسمت را که مشتمل بر ۳۶ فصل است، به تحقیق در طب هندی اختصاص داده است. فردوس الحکمه که نخستین مجموعه بزرگ پزشکی (همراه با دندان پزشکی) از نوع خود در اسلام است ارزش خاصی از لحاظ آسیب‌شناسی و داروشناسی و پرهیز دارد و آشکارا ماهیت ترکیبی و التقاطی از مکتب جدید التأسيس پزشکی را نشان می‌دهد." (۵)

۲. در فرهنگ معین در ارتباط با دانشمند ایرانی دیگر سده سوم چنین آمده است: "شخصیت ایرانی دیگر که در تاریخ پزشکی دوره اسلامی مشهور است پزشک عیسوی سده سوم هجری، شاپور یا سابور معروف به "ابن سهل" (متوفی ۸۶۹م) از مردم اهواز است. وی از پزشکان مقدم جندی شاپور بوده که مورد توجه "متوکل با..." خلیفه عباسی قرار گرفته است. مهمترین اثر وی کتاب "قراباذین الکبیر" نام دارد. او در این کتاب درباره داروهای مرکب (از جمله داروهای دندان پزشکی)، مقدار استعمال و کنش درمانی آنها سخن گفته است و کتاب ابوسهل نخستین دارونامه به عربی است که برای استفاده پزشکان و داروخانه‌های بیمارستانی نگاشته شده است. وی در مورد هر دارو، مقادیر و روش‌های استعمال را ذکر



تصویر ۱۹: بُرء الساعه از محمد بن زکریای رازی، تاریخ کتابت ۱۱۰۳ ق

برگرفته از: گزیده تصاویر تاریخ پزشکی اسلام و ایران،

انتشارات فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۷، ص ۲۰

کرده است. تأثیر بزرگ این اثر بر تحول داروسازی و دارو درمانی دوره اسلامی در قرون وسطی را نمی‌توان انکار کرد.^۶

۳. محمد بن زکریای رازی (۲۵۱-۳۱۳ هـ.ق) بدون شک بزرگترین پزشک بالینی و مشاهده‌ای اسلام است، و او و ابن سینا در خاور و باختر بی‌نهایت تأثیر گذار بوده‌اند.... رازی که پس از گذشتن عمری از وی، به پزشکی توجه پیدا کرد، در شهر خود، ری به ریاست بیمارستان رسید و پس از آن او را به ریاست کل بیمارستان بغداد منصوب کردند. بدین ترتیب بود که تجربه‌های فراوان اندوخت، و همین تجربه‌ها عامل مؤثری شد که وی به عنوان بزرگترین پزشک بالینی قدیم شناخته شود.

مهارت رازی و تجزیه و تحلیل وی از علایم بیماری و روش درمان و معالجه وی، سبب آن شد که حالات مرضی خاصی که وی آنها را مورد مطالعه قرار داده بود در میان پزشکان متأخر شهرت پیدا کند. خود رازی بعضی از حالت‌های مرضی غیر عادی را که با آنها در عمل طبابت روبه رو شده در کتابهای خویش ثبت کرده است^۱.....

"اثری از رازی که در مغرب زمین (بهتر از الحاوی) شناخته شده، رساله‌ای درباره سرخک و آبله است که تا سده هجدهم ترجمه آن چندین بار در اروپا به چاپ رسید. علاوه بر این رساله و رساله‌های کوچک دیگر در باره بیماریهای گوناگون، رازی چند کتاب طبی بزرگ نیز تألیف کرده است..... و دو بزرگترین شاهکارش کتاب الحاوی و کتاب طب منصوری است."

^۱. سی و سه مورد از بیمارانی که رازی شرح بالینی آنها را داده و پیگیری کرده است و در زمینه‌های مختلف پزشکی بوده است مرحوم دکتر محمود نجم‌آبادی نیز از متن عربی ترجمه و به فارسی آورده است. این کتاب جزء انتشارات دانشگاه تهران می‌باشد. (کتاب حکایات و قصص المرضى)

"الحاوی بزرگترین کتاب طب است که به زبان عربی نوشته شده. این کتاب اساسی‌ترین منبع برای تحقیق در سیماهای بالینی طب اسلامی به شمار می‌رود. از سده ششم (هـ.ق) / دوازدهم (م) تا سده یازدهم هـ.ق / هفدهم (م) که رازی و ابن سینا در مغرب زمین مورد کمال توجه بودند و حتی از بقراط و جالینوس هم بیشتر به آثار ایشان رجوع می‌شد، کتاب الحاوی در اروپا کتاب درسی بود و همیشه یکی از اساسی‌ترین قسمتهای برنامه سنتی پزشکی در جهان اسلام بود. نقادی علی بن عباس مجوسی اهوازی که یکی از پزشکان مشهور نسلی پس از رازی بود بر این کتاب، تصویری از نقاط قوت و ضعف این شاهکار طب اسلامی را چنین نشان می‌دهد:

"و اما درباره کتاب او که به نام الحاوی معروف است، باید بگویم که در آن هر چه معرفت برای طبیب ضرورت دارد، از بهداشت و درمان دارویی و پرهیزی بیماری‌ها و علامات آنها آمده است. از هیچ چیز که شناختن آن برای طالبان این فن در خصوص درمان بیماری‌ها لازم است، فرو گذار نکرده است. ولی ابداً اشاره‌ای به امور طبیعی، از قبیل عناصر اربعه و اخلاط نکرده است. و نیز از کالبدشناسی و جراحی هیچ سخن نگفته است. به علاوه نوشته او ترتیب و اسلوب ندارد، و جنبه تعلیمی در آن مورد غفلت قرار گرفته است. چنانکه از مهارت وی در طبابت و هنر وی در نویسندگی انتظار می‌رفته است، از این غفلت ورزیده است که کتاب خود را به ابواب و فصول تقسیم کند. مرا نرسد که به دانایی او در فن طب یا مقام وی در تصنیف خرده گیرم. با ملاحظه این احوال و درنظر گرفتن علم و اطلاع فراوانی که در تألیف وی آمده، گمان می‌کنم که دلیل این گونه نویسندگی یکی از دو امر بوده باشد یا این است که

این کتاب را در مجموع فن پزشکی همچون تذکره و یادداشتی برای شخص خویش، در بهداشت و علاج، فراهم آورده بوده است تا در زمان پیری و فراموشی به آن رجوع کند، یا این که بیم آن را داشته که مبادا کتابخانه وی آسیبی ببیند، و این کتاب را برای چنان روزی فراهم آورده بوده است.... "

"روش وی در این کتاب چنان است که در مورد هر بیماری و علت‌ها و علائم و درمان، همه گفته‌های پزشکان قدیم را از بقراط و جالینوس گرفته تا اسحاق بن حنین و همه کسانی که در این میانه بوده‌اند نقل می‌کند و از اشاره نام هیچ یک از ایشان در کتاب فرو گذار نمی‌کند، و بدین ترتیب همه اطلاعات پزشکی (همراه با مطالب متنوع دندان پزشکی) در این کتاب جمع آمده است.... " (۵)

۴. در ادامه دکتر نصر می‌گوید: "پس از رازی برجسته‌ترین پزشکی که تألیفاتش اهمیت کلی داشته، علی بن عباس مجوسی اهوازی^۱ بوده است. همان گونه که از نامش برمی‌آید وی اصل زرتشتی داشته ولی خود مسلمان بوده است. با آن که از زندگی وی چندان آگاهی نداریم، از تاریخ حیات معاصران وی بر می‌آید که او در نیمه سده چهارم شکوفا شده و در حدود سال ۳۸۵ از دنیا رفته و زادگاه وی اهواز، نزدیک جندی شاپور بوده است. بیشتر شهرت علی بن عباس به کتاب "کامل الصناعه" یا کتاب الملکی است که از لحاظ سبک تحریر یکی از بهترین تألیفات طبی به زبان عربی بوده و تا زمان تألیف آثار طبی ابن سینا متن رسمی تدریس طب به شمار می‌رفته است. کتاب الملکی از این لحاظ اهمیت خاص

^۱. به لاتین Haly Abbas (وفات به سال ۳۸۵ هجری)

دارد که علی بن عباس در آن از پزشکان یونانی و مسلمان پیش از خود نام برده و محاسن و معایب ایشان را صادقانه بیان کرده است. مجوسی همیشه به عنوان یکی از صاحب نظران عمده در طب اسلامی مورد توجه بوده و داستان‌های چندی درباره وی در بیماری‌های گوناگون (پزشکی و دندان پزشکی) نقل کرده‌اند.....^۱

۵. «تألیفات مجوسی و نیز آثار بعضی از پزشکان مقدم دیگر اسلامی، تحت الشعاع آثار ابوعلی سینا (۳۷۰-۴۲۸ هـ.ق) قرار گرفت که از همه پزشکان و فیلسوفان مسلمان نافذتر بود، و مدت چند سده (از سده دوازدهم تا سده هفدهم) میلادی در مغرب زمین به عنوان "امیر پزشکان" شناخته می‌شد و در مشرق زمین تا زمان حاضر بر طب اسلامی تأثیر وی برقرار مانده است.....»

«ابن سینا چندین تألیف طبی به زبان عربی و نیز رساله‌های معدودی به زبان فارسی در معالجه بیماری‌های خاص دارد، و همچنین خلاصه‌ای از اصول پزشکی را در منظومه‌ای به نام "الارجوزه^۱ فی الطب" جمع آورده است.»

«ولی شاهکار وی کتاب "قانون فی الطب" که بدون شک پرخواننده‌ترین و مؤثرترین کتاب طبی در جهان اسلام بوده است. این مجموعه بزرگ، یکی از آن کتابهاییست که ترجمه لاتین آن توسط "جراردوی کرمونایی"^۲ چندین بار در دوره رنسانس در اروپا به چاپ رسیده، مشتمل بر پنج کتاب است: اصول کلی طب، ادویه مفرده،

^۱. ارجوزه قصیده گونه‌ای به وزن رجز است.

^۲. Gerard of Cermona: به لاتین Gerardus Cremonensis. از متفکرین قرن دوازدهم میلادی، او

با ترجمه متن‌های علمی از عربی و یونانی به لاتین، نقش مهمی در انتقال علم به اروپای زمان خود داشت.

بیماریهای اعضای خاص، بیماریهای موضعی همچون تب که تمایل به انتشار در سراسر بدن دارد، و ادویه مرکبه، ابن سینا اصول طب نظری و عملی را چنان در کتاب قانون خود خلاصه کرده است که این کتاب از زمان وی تا کنون مهمترین منبع طب اسلامی شده است.....» (۵)

پس از توصیف عالمانه دکتر سید حسن نصر از ابن سینا بی‌مناسبت نیست نظر جرج سارتن را که به او لقب پدر تاریخ علم داده‌اند درباره ابن سینا بیاوریم. وی در کتاب "مقدمه بر تاریخ علم" خود در مورد ابن سینا چنین می‌گوید:

"جامع العلوم، فیلسوف، طبیب، ریاضی‌دان، منجم، ارزنده‌ترین دانشمند جهان اسلام و یکی از بزرگترین دانشمندان همه ملت‌ها، کشورها و قرون و اعصار." (۷)



تصویر ۲۰: ذخیره خوارزمشاهی، تاریخ کتابت ۹۶۸ ق

برگرفته از: گزیده تصاویر تاریخ پزشکی اسلام و ایران،

انتشارات فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۷، ص ۸

«طب اسلامی با رازی و ابن سینا به اوج خود رسید و در نوشته‌های این مردان صورت قطعی خود را برای دانشجویان طب و طبیبان پس از ایشان پیدا کرد. دانشجوی طب معمولاً تحصیل خود را با کتاب‌های "فصول" بقراط و "مسائل" حنین و "المرشد" رازی آغاز می‌کرده است. سپس به تحصیل کتابهای "ذخیره" ثابت بن قره^۱ و "کتاب المنصوری" رازی و بالاخره به تحصیل شانزده رساله جالینوس و "الحاوی" رازی و "قانون" ابن سینا می‌پرداخته است. بدین ترتیب قانون کتاب ختم تحصیل طب بوده و فرا گرفتن و فهم آن هدف نهایی برنامه پزشکی را داشته است. حتی در سده‌های حاضر که دایره المعارف‌های متعددی در طب به عربی و فارسی تألیف شده بود، باز هم مقام عالی قانون محفوظ بود. مؤلف آن، با رازی، در مغرب زمین تا سده هفدهم و در مشرق^۲ تا زمان حاضر، همچون دو حجت معتبر بر جهان پزشکی فرمانروایی داشته‌اند.....» (۵)

۶. "یک نسل پس از ابن سینا، اسماعیل شرف الدین جرجانی ابن حسن (سید اسماعیل جرجانی ۴۳۴-۵۳۱ هـ.ق) کتاب "ذخیره خوارزمشاهی" را تألیف کرد که مهمترین دایره المعارف پزشکی به زبان فارسی است و ده مجلد است.^۳ حجم و نیز سبک نگارش، این کتاب را میان الحاوی و

^۱. ثابت بن قره (۲۲۱-۲۸۸) طبیب، ریاضی‌دان، منجم حوزه علمی بغداد و یکی از بزرگترین مترجمین از سریانی و یونانی به عربی بوده است.

^۲. البته در بعضی از کشورها و در کنار پزشکی نوین

^۳. گفته می‌شود که نخستین کتاب پزشکی به زبان فارسی توسط ابوبکر ربیع ابن احمد الاخوان البخاری به نام "هدایه المتعلمین فی الطب" است که در سده چهارم هجرت زندگی می‌کرده است. چون کتاب او به فارسی بوده است هیچ کدام از تاریخ نویسان از وی یاد نمی‌کنند. از سده ششم دانشمندان به فارسی نویسی روی می‌آورند و رایج می‌شود و سید اسماعیل جرجانی است که نخستین آنهاست که "ذخیره خوارزمشاهی" را می‌نویسد.

قانون جای داده است. گنجینه‌ای است که نه تنها نظریه‌های پزشکی قدیم در آن وجود دارد، بلکه گنجینه داروشناسی نیز هست، و از این لحاظ این مرتبت اضافی را دارد که نام بسیاری از داروها و گیاهان دارویی به فارسی در آن آمده است. ذخیره، پیوسته در ایران و هند مورد رجوع بوده و به عربی و ترکی و اردو (و عبری) ترجمه شده است. (۵)

۷. در ارتباط با رشته‌های مختلف پزشکی می‌توان گفت که در ابتدا و برای سال‌ها، پزشکی، داروسازی و دندان‌پزشکی در یک مجموعه قرار داشته و از هم جدا نبودند. زودتر از همه و اولین رشته وابسته به پزشکی، کحالی (چشم پزشکی) به صورت یک رشته جدا شد. بنابر شواهد موجود بین نسخ خطی پزشکی برجای مانده، رسالات متعددی در ارتباط با کحالی (چشم‌پزشکی) موجود است. در اندک زمان چشم‌پزشکان ایرانی در کشورهای دیگر همچون مصر، عثمانی، چین، هندوستان و عربستان از شهرت فراوانی برخوردار شدند.

در بیمارستان‌های مهم کهن ایران و دیگر نقاط جهان اسلام، همواره چشم‌پزشکان ایرانی که آنان را "کحال" می‌نامیدند در بخش مخصوص کحالی (چشم پزشکی) مشغول فعالیت بودند.

در بخش چشم پزشکی بیمارستان عضدی بغداد چشم‌پزشک برجسته‌ای به نام ابونصر دحلی فعالیت داشت، ضیاءالدین مسعود طبیب و پسرش علامه قطب‌الدین شیرازی هر دو چشم‌پزشک بیمارستان مظفری شیراز بودند و در بیمارستان غازانی و ربع رشیدی تبریز چشم‌پزشکان متعددی به تدریس چشم پزشکی و درمان چشم بیماران مشغول بودند.^۱ (۸)

^۱. جامع التواریخ ص ۹۹۹، فارسنامه ناصری، ج ۲، ص ۲۵۰. (از منبع ۸)

یکی از بزرگترین چشم پزشکان ایرانی و جهان اسلام، علی بن عیسی است که کتاب "تذکره الکحالین" را در نیمه اول سده پنجم هجری قمری تألیف کرد و این کتاب در اواخر سده ۱۵ میلادی به زبان‌های لاتین و عبری و در اوایل سده بیستم به آلمانی و فرانسوی ترجمه شده است.^۱

پزشکان بزرگ ایران در مورد بیماری‌ها و جراحی‌های چشم به طور مبسوط سخن گفته‌اند از آن جمله سید اسماعیل جرجانی را می‌توان نام برد. دکتر "دوکروسل" فرانسوی در سال ۱۹۳۲ م در پاریس پایان‌نامه دکترای تخصصی خود را درباره نظریات سید اسماعیل جرجانی در زمینه فیزیولوژی و چشم پزشکی بر مبنای آنچه در (ذخیره خوارزمشاهی و الاغراض الطبییه) بیان شده تهیه کرده است.^۲ (۸)

پژوهش‌ها و نظریات جرجانی در ارتباط با دندان‌پزشکی در بخش‌های بعدی کتاب به تفصیل آورده شده است.

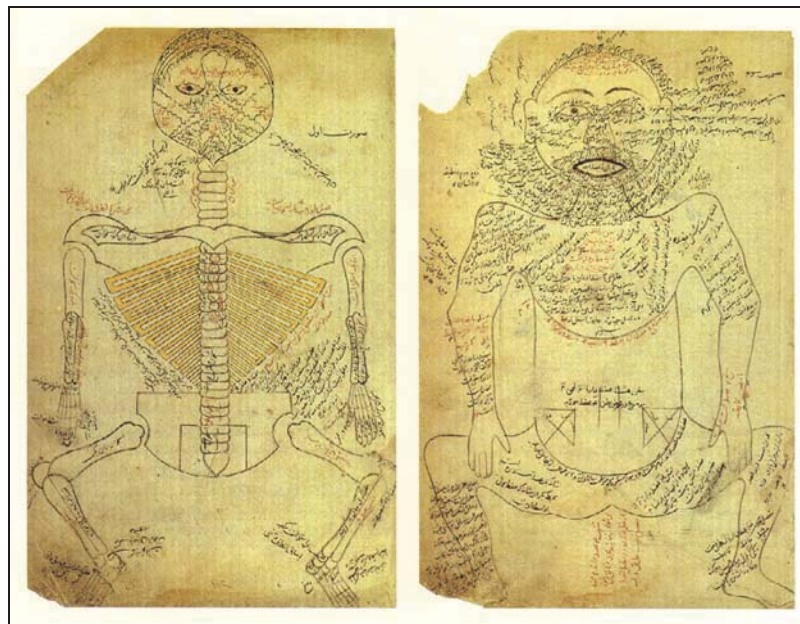
پزشکی پس از دوران طلایی

پس از درخشندگی فرهیختگان نامبرده در دوران زرین پزشکی اسلامی، شخصیت‌های دیگری در سده‌های بعدی وارد صحنه پزشکی شدند که صاحب نام ولی در عین حال دنباله روی بزرگان پیشین بودند که قبلاً از آنها نام برده شد. دکتر نصر در مورد معرفی این شخصیت‌ها ادامه می‌دهد: "از کسانی که پس از ابن سینا آمدند و نامشان شایسته ذکر است متکلم سده ششم، فخرالدین رازی است. فخرالدین رازی نیز طبیب صاحب صلاحیت بود و با آن که بر آثار فلسفی

^۱. دائرة المعارف فارسی ص ۶۲۰. (از منبع ۸)

^۲. حسن تاجبخش، تاریخ بیمارستان‌های ایران از آغاز تا عصر جدید، ۱۳۶۹، ص ۲۶۸. (از منبع ۸)

این سینا خرده گرفته، شرحی بر کتاب قانون وی نوشته و پاره‌ای از دشواریهای آن را حل کرده است. وی به نوشتن اثر طبی بزرگی به نام "الطب الکبیر" پرداخته بود، ولی این کتاب صورت اتمام نپذیرفته است. (۵)



تصویر ۲۱: تشریح منصوری از منصور بن الیاس شیرازی

برگرفته از: گزیده تصاویر تاریخ پزشکی اسلام و ایران،

انتشارات فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۷، ص ۸

سده هفتم هجری قمری علی رغم انقلاب زندگی سیاسی در آن، که با حمله مغولان به اوج خود رسید، شاهد پیدایش چندین اثر پزشکی مهم بوده است. قطب الدین شیرازی مشهورترین شاگرد نصیرالدین طوسی نیز پزشک بود و شرح مبسوط و محققانه‌ای بر قانون نوشت که عمری در این تألیف بی‌نظیر مصروف داشت. پس از وی در آغاز سده هشتم، رشید الدین فضل‌ا... وزیر دانشمند ایلخانیان، دایره المعارفی طبی تألیف کرد.

در سده هشتم هـ ق نخستین کتاب کالبد شناسی مصور توسط منصوربن محمدبن احمد الیاس به زبان فارسی و با نام کتاب تشریح بدن یا تشریح منصوری تألیف شد. در دوره صفوی طب اسلامی نیز کاملاً تجدید حیات یافت. بزرگترین پزشک این عصر محمدحسین نوربخشی کتاب بزرگی در طب تألیف کرد به نام "خلاصه التجارب" که از آن قدرت بالینی نویسنده به خوبی آشکار است. در این دوره همچنین داروشناسان متخصصی پیدا شدند و به همین جهت "الگود" آن را "دوره زرین داروشناسی" در اسلام نامیده است. بهترین کتاب در این زمینه "طب شفایی" است که در سال ۹۶۳ (هـ ق) تألیف شده، و نیز از همین دوره با فاصله یک سده است که کتاب تحفه المومنین (تحفه حکیم مؤمن)، نوشته شده که هنوز در مشرق زمین فراوان مورد مراجعه است و تأثیر طب هندی را در این زمان نشان می‌دهد.

طب اسلامی در سده دوازدهم هـ ق در هند به شکوفایی خود ادامه داد و در همین دوره است که کتاب‌های دیگری از قبیل "میزان الطب" توسط اکبر شاه شیرازی ملقب به شاه ارزانی تألیف شده است. مقارن با حمله نادرشاه به هند (۱۱۵۱-۵۲ هـ ق)، و بدنبال ورود طب اروپایی به ایران، طب اسلامی در این سرزمین (ایران) راه انحطاط را پیمود. معذالک امروز طب اسلامی بیش از هر

جای دیگر در شبه قاره هند و پاکستان به عنوان یک مکتب زنده به سیر خود ادامه می‌دهد و با طب جدید اروپایی رقابت می‌کند.» (۵)

برداشت کلی

طب دوره اسلامی فلسفه و مبنائی داشته که به نظر می‌رسد برگرفته از طب یونانی، هندی و ایرانی بوده است. پزشکان مسلمان، به ویژه پزشکان ایرانی، به آنچه کسب کرده بودند، افزودند. در ارتباط با ویژگی برگزیدگان نامدار طب اسلامی می‌توان چنین گفت که ابن سینا بیشتر نظریه پرداز پزشکی و شیوه نگارش وی به ویژه در کتاب قانون تقریباً مشابه کتابهای پزشکی امروز بوده است. فهرست مطالب مندرج در آنها به صورت نظام یادگیری و آموزشی، نزدیک به سبک نوشتاری کتابهای درسی^۱ امروزی آورده شده است. به طور مثال با تشریح و فیزیولوژی (علوم پایه) پزشکی را شروع می‌کند و با شرح و معرفی بیماری‌ها و سپس درمان آنها ادامه می‌دهد. ابتدا انسان سالم را معرفی می‌کند و سپس به شرح انسان بیمار می‌پردازد.

در مورد رازی احتمالاً به دلیل عهده‌دار بودن ریاست بیمارستان ری و بعد بیمارستان بزرگ بغداد و سر و کار داشتن با تعداد زیادی از بیماران با بیماریهای متنوع می‌توان وی را یکی از مجرب ترین و توانمندترین پزشکان بالینی^۲ دوران اسلامی به شمار آورد. وی تجربه های پزشکی خود را در الحاوی (در حقیقت دائره المعارف الحاوی) آورده است. نکته قابل ذکر این است که مطالب دندان پزشکی در الحاوی به نظر پراکنده و تکراری می‌آیند و این احتمالاً می‌تواند

^۱ . text book

^۲ . Clinician

مربوط به این باشد که پس از مرگ رازی، شاگردانش یادداشت های وی را جدا از هم جمع آوری و به صورت کتاب الحاوی رازی درآورده اند.

درباره سید اسماعیل جرجانی، قابل توجه اینست که وی، پس از ابوبکر ربیع ابن احمد الاخوان البخاری که سده چهارم پس از هجرت زندگی می کرده است نخستین دانشمند و پزشک دوره اسلامی است که تألیفات خود را به زبان فارسی در ده جلد با عنوان "ذخیره خوارزمشاهی" به رشته تحریر در آورده است. وی واژه های فارسی بسیار جالبی را در متون پزشکی خود بنیان گذاشته است. پزشکی امروز، مانند سایر علوم، تکامل یافته پزشکی دیروز است، ولی از مسیر آن تقریباً منحرف شده است. طب سنتی حالتی "کل نگر"^۱ داشته و علاوه بر توجه به بیماری و درمان آن خود بیمار نیز مورد توجه بوده است. طبیب به عنوان "حکیم" در ارتباط با مشکلات خانوادگی و داخلی بیمار، مشاور، شریک و گاهی نیز حل کننده آنها بوده است. در نتیجه پیوندی عاطفی بین حکیم و بیمار به وجود می آمده، که خود می تواند عاملی درمانگر باشد. در گذشته طبیب به فلسفه و علوم زمان خود آشنا بوده و به همین جهت حالتی چند بُعدی داشته است. در نظر او انسان عالم اصغر یعنی جهانی کوچک (کهجهان)^۲ شده است و چون حکیم بود، تمایل داشت تا این جهان کوچک را بشناسد. از این رو ضمن توجه به بیماری، به خود بیمار و طبع و سرشت او نیز توجه داشت تا درمان متناسب با مزاج بیمار را اعمال کند. پزشک امروزی با توجه به گسترش عظیم علوم، پراکندگی و

^۱ Holistic medicine رهیافتی در پزشکی که بررسی همه جانبه بیمار را مورد تأکید قرار می دهد و بیمار را به عنوان یک واحد منسجم در نظر می گیرد. از جمله حالات روانی و شرایط اجتماعی و اقتصادی او را مد نظر قرار می دهد. (۹)

^۲ Microcosom : عالم اصغر، کهجهان

Macrococosom : عالم کبیر، مهجهان

گسترده‌گی گروه‌های جمعیتی در شهرها دیگر نمی‌تواند به همه ابعاد زندگی بیمار و دانش‌های زمان خود آشنا و حکیم گونه چند بُعدی شود. با توجه به تخصص گرایی، پزشک بیشتر یک بُعدی می‌شود و به جز به تخصص خود به چیز دیگری نمی‌اندیشد. در نتیجه در سامانه پزشکی امروز همدلی و رابطه معنوی با بیمار کمرنگ شده است. محدودی از پزشکان هستند که مانند حکیمان سابق رفتار می‌کنند. گسترش و توانایی‌های روز افزون علم همراه با فن‌آوری‌های پیشرفته که علوم پزشکی را به اوج رسانده است در صورتیکه با رفتار عاطفی همدلانه و حکیمانه قدیم توأم شود، در آن صورت می‌توان گفت که تاریخ، از جمله تاریخ پزشکی، رسالت اصلی خود را ایفا کرده و گذشته چراغ راه آینده خواهد شد.

منابع و مأخذ برگرفته و اقتباس شده

۱. زرگری، دکتر علی، گیاهان دارویی، جلد دوم، چاپ ششم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۸۱۰/۲، سال ۱۳۷۰، صص ۳۰۵-۳۰۲.
۲. Nat prod, Res. ۲۰۰۷T Feb ; ۲۱: ۱۶۷-۱۷۹.
۳. پخیمینی، محمود بن محمد بن عمر، قانونچه، ترجمه و تحشیه دکتر محمد تقی میر، دانشگاه شیراز، ۱۳۵۰، از ص ۳.
۴. مصطفوی کاشانی، دکتر جلال، بررسی در طب سنتی ایران و مقایسه آن با طب کنونی جهان، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۶۰.
۵. نصر، دکتر سید حسین، علم و تمدن در اسلام، ترجمه احمد آرام، شرکت سهامی، انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۵۹.
۶. معین، دکتر محمد، فرهنگ فارسی معین، جلد پنجم، چاپ نهم، انتشارات امیر کبیر، تهران: ۱۳۷۵.
۷. سارتن، جرج، مقدمه بر تاریخ علم، ترجمه غلام حسین صدری افشار، جلد اول، انتشارات وزارت علوم و آموزش عالی، تهران: ۱۳۵۴.
۸. عنقا، علیمحمد، پیدایش طبابت در ایران، نشریه پزشکی تأمین اجتماعی، شماره ۱۳، صص ۵۸-۵۷.
۹. Stedman, Thomas L. , Stedman's Medical dictionary, ۲۵th edition, Williams & wilkins , ۱۹۹۰.

بخش نخست

دندان پزشکی در دانشگاه جندی شاپور آشنایی با حنین ابن اسحاق و رساله "فی حفظ الاسنان و اللثة و استصلاحها"

پیش‌گفتار

آشنائی با حنین ابن اسحاق و رساله "فی حفظ الاسنان و اللثة و استصلاحها":
ابوزید حنین ابن اسحاق العبادی طبیب نستوری، مترجم آثار یونانی به سریانی و عربی، یکی از بزرگترین دانشمندان و رادمردان زمان خود و از استادان صاحب نام دانشگاه جندی شاپور بود. ترجمه‌های حنین و آنهایی که تحت سرپرستی وی انجام گرفته است در پیشرفت علم اهمیت فراوان داشته است. در خدمت "بنوموسی"^۱ نسخه‌های خطی یونانی فراهم می‌کرد و با دستیاران خود آن را ترجمه می‌نمود. در بدست آوردن نسخه‌های قابل اعتماد و منقح رنج بسیار تحمل می‌کرد، نسخه‌ها را با یکدیگر مقابله می‌نمود، در متن‌های سریانی و عربی اعمال نظر می‌کرد و با منتهای صحت ممکن به ترجمه آنها می‌پرداخت. روش کار او شبیه روش کار دانشمندان جدید بوده است. در امانت علمی او همین بس که در اواخر عمر ترجمه‌های قبلی شخص خود را سخت مورد انتقاد قرار داده است. بسیاری از آثار جالینوس، و بعضی از آثار بقراط، افلاطون، ارسطو و دیوسکوریدس، و کتاب "الاربعة بطلمیوس" را ترجمه کرد، یا تحت سرپرستی او

^۱. بُنو: پسران

ترجمه شد. در اهمیت فعالیتی که به سرپرستی او انجام گرفت همین بس که ترجمه‌های او در دارالترجمه‌اش پایه‌های علم طب اسلامی بود، که قرن‌ها بر افکار طبی استیلا داشت. مهمترین اثرش کتاب "المدخل فی الطب" است که مدخل کتاب "الصناعه" جالینوس است و در سراسر قرون وسطی رواج کامل داشت. (۱) حنین (۱۹۳-۲۶۰ ق، ۸۰۸-۸۷۳م) "رساله فی حفظ الاسنان و اللثه و استصلاحها" «بهداشت دندان‌ها و درست کردن آنها» را نیز در سده سوم هجری قمری تألیف کرده است. متأسفانه این رساله تنها قسمتی از نوشته‌های ارزشمند حنین درباره دندان‌پزشکی است، زیرا به روایت ابن ندیم وی تألیفات دیگری هم در این باره داشته، که از بین رفته و یا فعلاً شناخته نیست. فی المثل از کتاب "الاسنان و اللثه" او که ابن ندیم در فهرست آثار حنین از آن یاد کرده است نسخه‌ای به دست نیامده است. البته قبل از حنین بن اسحاق نیز کتابهایی در ارتباط با دندان‌پزشکی تألیف شده است، که از آن جمله می‌توان کتاب "فی مایعرض للثه و الاسنان" «آنچه که از لثه و دندان‌ها باید بدانید» تألیف فیلغریوس حکیم یونانی، و نیز کتاب "المسواک و السنونات یا مسواک و دندان‌ها" تألیف ابوزکریا یحیی یوحنا بن ماسویه که استاد و مرشد حنین بن اسحاق بوده است، را نام برد. هر دوی این کتابها در فهرست ابن ندیم یاد شده است، اما متأسفانه تا کنون نسخه‌ای از آنها شناخته نشده است. بنابراین به گمان بسیار قوی رساله حنین بن اسحاق کهن‌ترین رساله موجود در رشته دندان‌پزشکی است که متن آن در دسترس بوده است.

رساله مذکور علاوه بر دیرینگی‌اش از منظر دیگر نیز حائز اهمیت است و آن اینکه، از آنجا که اندیشه حنین بن اسحاق ترجمان اندیشه استادان دانشگاه و بیمارستان جندی شاپور است، و از ترجمه‌های فراوانی که از آثار یونانی به عربی

و سریانی انجام داده، همین رساله کوتاه باقی مانده از حُنین، نمایان گر سطح دانش و آگاهی‌های استادان و پژوهشگران شاغل در دانشگاه و بیمارستان جندی شاپور در رشته دندان‌پزشکی و احتمالاً انجام برخی درمانهای دندان‌پزشکی بر روی بیماران به وسیله آنان است.^(۲)

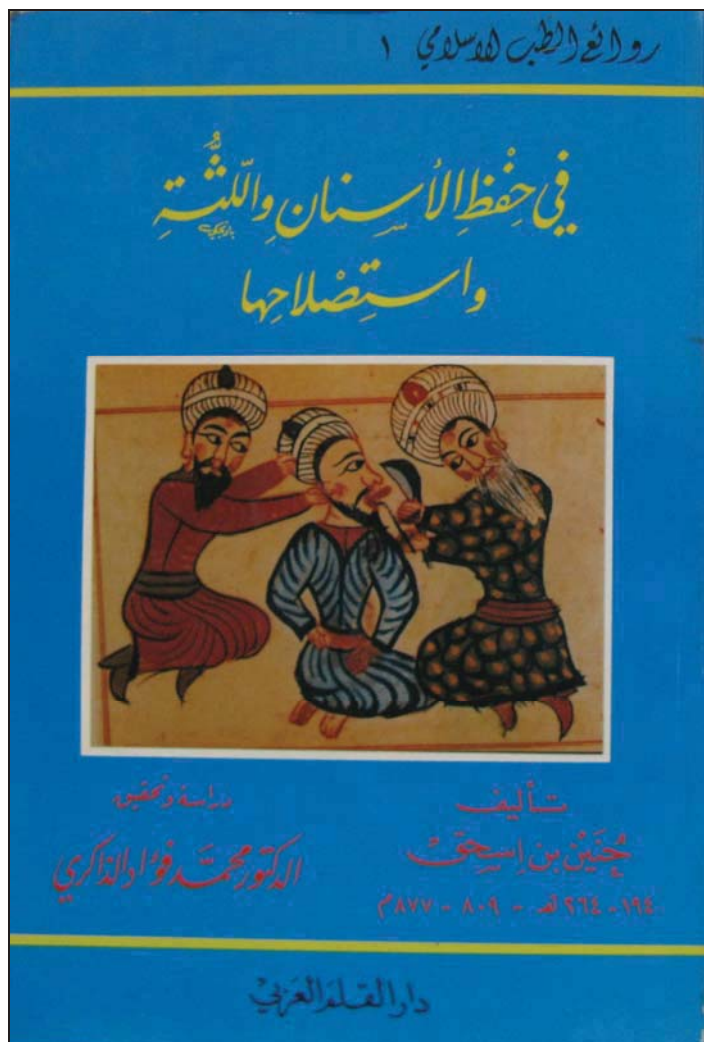
به علاوه، از آنجا که ابوبکر محمدرازی (۲۵۱-۳۱۳ ه.ق.) مبحث دندان درمانی خود را بر روش‌های جرجیس بن بُختیشوع (وفات ۱۸۵ ق / ۸۰۱ م)، نیز پسرش به نام جبرائیل و دیگر پزشکان آموزش دیده در جندی شاپور، پایه‌گذاری کرد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که دندان‌پزشکی بخشی از برنامه‌های آموزشی این بیمارستان (جندی شاپور) بوده که از زمان ساسانیان (پیش از اسلام) به ارث مانده است.^(۳)

تا کنون دو نسخه خطی از "رساله فی حفظ الاسنان و اللثه و استصلاحها" شناخته شده است که یکی در کتابخانه ظاهریه در دمشق (شماره ۴۵۱۶) و دیگری در کتابخانه بادلیان آکسفورد نسخه Hunt شماره ۴۶۱ (برگهای ۵۲-۶۳) موجود است. مبنای نوشته‌های نگارنده^۱ در این مقاله بر پایه نسخه خطی کتابخانه ظاهریه دمشق (۴۵۱۶ش) می‌باشد.^(۲)

برای آشنایی با مشخصات نسخه به زیرنویس مراجعه فرمائید.^۲

^۱. دکتر مرتضی ذکایی ساوجی

^۲ نسخه خطی کتابخانه ظاهریه در ۱۳ برگ ۱۸۱۳/۲۵ و به خط نسخ، نوشته شده که در متن نوشته از نقطه گذاری بر روی حروف کمتر استفاده شده است، و به طور متوسط در هر صفحه ۲۰ سطر نگاشته شده است. نام کاتب نسخه و تاریخ کتابت هم در پایان رساله بدین شکل ذکر شده است. "کتبه عبدالسلام بن عثمان الطیب فی مستهل جمادی آخر سنه ۶۷۵ هجری (حوالی سال ۱۲۷۷ م) می‌باشد. در صفحه اول نسخه هم چنین نام صاحب و مالک نسخه نوشته شده که "شیخ ناصرالدین الخداوی الموسوی بن زین العابدین بن الحسین بن الامام علی (ع)" است. به نظر می‌رسد که نام صاحب نسخه بعداً روی آن نوشته شده باشد. نسخه احتیاج به تجلید و مراقبت بیشتر دارد.^(۲)



تصویر ۲۲: روی جلد رساله فی حفظ الاسنان و اللثة و استصلاحها تصحیح دکتر محمد فؤاد الذاکری

دانش دندان پزشکی در رساله "فی حفظ الاسنان و اللثة و استصلاحها"، برگرفته و اقتباس از نوشته دکتر مرتضی ذکایی ساوجی (۲)

الف: نقش تغذیه در بیماری‌های لثه (پریودنتال): حنین در ابتدای رساله خود درباره ارتباط بعضی از بیماری‌های دهان و لثه با نوع تغذیه بیمار بحث می‌کند، و برخی بیماری‌های داخلی را در بروز بیماری‌های دهان دخیل می‌داند و می‌نویسد: "ان اول ماینبغی ان یتجنبه من ارادان تبقی له سلامه اسنانه..... فساد الطعام و الشراب فی المعده". وی فساد سریع برخی از غذاها و نوشیدنی‌ها را در داخل معده موجب بیماری و بوی بد دهان دانسته و مورد بحث قرار داده است. حنین سپس از جویدن اشیاء سخت با دندان‌ها (مانند آدامس (سقز) و هسته میوه‌ها) پرهیز می‌دهد و شکستن اشیاء سخت با دندان‌ها را منع می‌کند. از نکات بسیار جالب و مهم که حنین در رساله خود به آن اشاره کرده است این است که وی خوردن شیرینی و خامه را در پوسیدگی دندان مؤثر دانسته و آنها را برای سلامت دندان مضر می‌داند. وی همچنین خوردن آب سرد یا یخ را پس از غذای گرم منع می‌کند. از خوردن غذاهایی که زود فاسد می‌شوند مانند فراورده‌های شیر و ماهی منع می‌کند و آنها را برای سلامت دندان‌ها مضر می‌داند.

از نکات بسیار جالب دیگری که حنین بن اسحاق در رساله خود درباره آن بحث کرده است مسواک زدن و تمیز کردن دندان‌هاست. حنین مسواک زدن و تمیز کردن دندان‌ها بعد از صرف غذا را سفارش می‌کند، از مسواک زدن‌های نادرست که به لثه‌ها ضرر می‌رساند پرهیز می‌دارد و اهمیت مسواک زدن صحیح را بحث می‌کند. وی همچنین خلال کردن دندان‌ها با اشیاء نوک تیز را باز می‌دارد و معتقد است که باعث آسیب به دندان‌ها و لثه می‌شود.

حُنین در ادامه نوشته‌های خود از گرم و سرد کردن سریع دندان ها پرهیز می‌دهد و می‌نویسد: " ان يستعمل اسنون وأجوده ما كان معه قوه محفقه بقدر معتدل من دون افراط فی الاسخان اوالتبرید". به عقیده او محیط دهان را از لحاظ دما همواره باید در یک حد اعتدال نگاه داشت و از گرم و سرد کردن ناگهانی آن پرهیز کرد.

ملاحظه می‌شود که مباحث حُنین بن اسحاق درباره نقش تغذیه در بیماریهای دهان و دندان و همچنین مباحث او درباره رعایت بهداشت دهان و دندان ها و توجه خاص او به نقش شیرینی در فساد دندان که در حدود ۱۱۵۰ سال قبل نگاشته شده تا چه حد با مباحث دندان پزشکی نوین نزدیک است.

ب: کاربرد داروها در دندان پزشکی: قسمتی از رساله حُنین درباره نقش و کاربرد داروها در دندان پزشکی است که در جای خود بسیار جالب و قابل بررسی است. وی برخی از داروها را که در درمان‌های بیماری‌های دهان و دندان به کار می‌آیند ذکر کرده و خواص آنها را برشمرده است. مثلاً حُنین اثر مشتقات نوشادر^۱ و شب یمانی^۲ را در درمان‌های لثه برشمرده است. وی همچنین داروهایی را ذکر کرده است که خاصیت آنها جلا دادن دندان هاست و به فن آوری امروزی سفید کردن دندان ها^۳ شباهت دارد. در بخش دیگر داروهایی را ذکر می‌کند که باعث رویاندن لثه و محکم شدن آن و چسبندگی آن به دندان می‌شود "تجلو الاسنان و تنبت لحم اللثة الناقص و تجمعها و تضمها الی الاسنان و تذهب من رطوبتها". از بحث حُنین راجع به داروهای اخیر چنین بر می‌آید که او لثه نرمال را لثه ای محکم و چسبنده به دندان و بدون خونریزی می‌داند. ملاحظه می‌شود که چنین

^۱. کربنات دو آمونیوم

^۲. زاج، Aluns

^۳. Bleaching Technique

تعبیرهایی تا چه حد با تعریف‌های "پریودانتولوژی" نوین تطابق دارد. حُنین برخی داروهای گیاهی را ذکر کرده است که باعث قطع خونریزی لثه می‌شود: "تقطع الدم السائل" امروزه می‌دانیم که یکی از علل خونریزی لثه‌ها اختلال در ساختن شدن الیاف فیبروبلاست^۱ مخاط لثه است که گاهی در اثر کمبود ویتامین ث رخ می‌دهد. چنین عارضه‌ای را می‌توان با تجویز ویتامین ث که اکثراً در میوه‌ها و سبزیجات یافت می‌شود، تا حد زیادی برطرف کرد. حُنین در همین فصل از سیاه شدن دندان‌ها و درمان آنها سخن گفته است.

قسمتی از مباحث دارویی یا فارماکولوژیک حُنین بن اسحاق درباره داروهای ضد درد و بی‌حس کننده‌های موضعی است. وی در رساله خود استعمال برخی داروهای مخدر و ضد درد مثل بنگ، تریاک و پوست بیروح^۲ را از قول برخی پزشکان پیشین ذکر کرده است، سپس نظر خود را درباره استعمال تریاک و مشخصات آن بیان می‌دارد و تصریح می‌کند: "انا اکرهه الانه لا یومن ان تحدث فی الاسنان حدیث ردیء او یصل منها شیء الی الجوف فتکون الافه منها اعظم من منفعتها فینبغی ان تجتنب مالم تدع ضروره شدید الی استعمالها...." من از به کارگرفتن این گونه داروها اکراه دارم، زیرا از اینکه مقدار ضایعه در دندان چه اندازه است مطمئن نیستم و ممکن است آسیبی که از این داروها به بیمار وارد می‌آید از استفاده آن بیشتر باشد، و من آنها را تا حد امکان به کار نخواهم برد مگر وقتی که ضرورت شدیدی در کاربرد آنها احساس کنم....". گویا حُنین از اثرات جانبی تریاک و مشتقات آن و ایجاد اعتیاد و تحمل^۳ در بیمار توسط آنها به خوبی آگاه است.

^۱. Fibroblast

^۲. مردمک گیاه = سترنگ

^۳. Tolerance

حُنین در قسمت دیگری از همین فصل به یک نکته جالب اشاره کرده است: "اذا قلع سن فان السن الذی یقابله یطول حتی یتجاوز الطول المعتاد" یعنی هنگامی که دندانی کشیده می‌شود، دندان مقابل آن^۱ از حد معمول و متعارف خود بیرون زده‌تر می‌شود. این جمله حُنین دقیقاً تعریف پدیده‌ای است که در دندان پزشکی نوین به آن "اگزروژن"^۲ گفته می‌شود. در این پدیده، هنگامی که دندانی خارج می‌شود، دندان مقابل آن، به طرف فضای خالی ایجاد شده حرکت می‌کند و از جای طبیعی خود خارج می‌شود.

ج: بیماریهای داخلی در دندان پزشکی: بخش دیگری از رساله حُنین درباره نقش بیماری‌های داخلی در دندان پزشکی و تأثیر آنها بر بروز بیماریهای دهان و دندان است. حُنین موارد زیر را در فساد سریع غذاها و نوشیدنی‌ها در داخل معده مؤثر شمرده است:

۱. برخی از غذاها زودتر در داخل معده فاسد می‌شوند مانند گوشت و ماهی.
۲. گاهی غذا با معده بیمار سازگار نیست. مثلاً خوردن و آشامیدن غذاها و نوشیدنی‌هایی که طبع گرم دارند برای معده با طبع سرد و برعکس.
۳. معده برخی از بیماران گاهی قدرت تحمل، هضم و گوارش و آشامیدن غذاها را ندارد. مثلاً گاهی معده بیمار قادر به هضم گوشت یا شراب انگور نیست.
۴. خوردن غذا در وقت‌های غیر مقرر بر گوارش آن تأثیر نامطلوب خواهد گذاشت.

^۱ Antagonist

^۲ Extrusion

۵. برخی از غذاها را نباید پیش از برخی دیگر از غذاها مصرف کرد، به دیگر سخن، تقدم و تأخر برخی از غذاها بر یکدیگر، بر گوارش آنها تأثیر نامطلوب می‌گذارد.

البته این گونه تعلیمات تنها مربوط به حُنین و روزگار او نیست و در آموزش‌های پزشکی قرون وسطی هم دیده می‌شود.

د: دندان‌پزشکی ترمیمی^۱: بخش آخر رساله حُنین بن اسحاق درباره ترمیم دندان‌ها است. وی در این بخش ابتدا دندان‌ها و خصوصیات ظاهری آنها را برشمرده است. امروزه تفصیل گفته‌های حُنین یکی از دروس پایه و بسیار مهم دانشکده‌های دندان‌پزشکی را تشکیل می‌دهد که همان آناتومی و مرفولوژی دندان باشد. سپس به بحثی با عنوان "یقطع الحفره و بیض الاسنان" می‌پردازد (تهیه حفره و سفید کردن دندان‌ها). مباحث حُنین تقریباً همانها است که امروزه در دندان‌پزشکی ترمیمی با عنوان برداشتن پوسیدگی و اصول تهیه حفره^۲ مطرح می‌شود. بنابر شواهد چنین می‌نماید که در زمان حُنین و در بیمارستان جندی شاپور دندان‌پزشکی عملی (ترمیمی) رواجی تمام داشته است که او اینگونه دقیق به مباحث کاربردی و عملی آن پرداخته است.

بالاخره حُنین رساله خود را با این عبارت به پایان آورده است؛ "فهذا ما اردت و صفه و هو کاف لمن تدبره و استعمل کل صنف منه فی الموضع الذی نعت له" یعنی: و اینها مطالبی بود که می‌خواستم بیان کنم و می‌پندارم که برای کسی که در آنها تأمل و تدبر کند کافی باشد تا به هر قسمت از آن که در جای خود آن را شرح داده و توصیف کردم عمل کند. و در دنباله عبارت فوق این

^۱ Restorative Dentistry (Operative Dentistry).

^۲ Cavity preparation.

جمله آمده است (البته برای نگارنده هنوز واضح نیست که آیا از حنین است و یا از کاتب نسخه): "ثم القول في حفظ الاسنان و اللثة و استصلاحها و الحمد... واهب العقل و الحياه" و در پایان نام کاتب و تاریخ کتابت بدین عبارت آمده است: "کتبه عبدالاسلام بن عثمان الطیب فی مستهل جمادی الاخره سنه ۶۷۵ هجری"

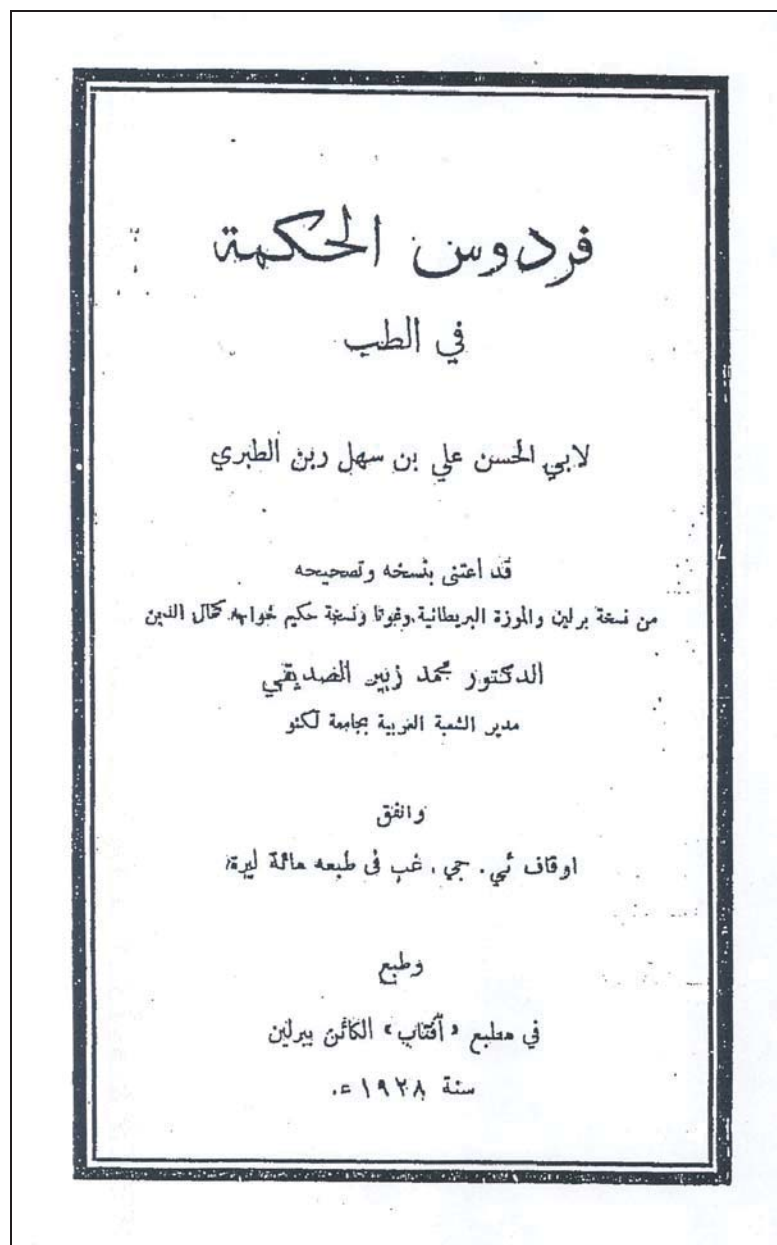
این بود خلاصه مهمترین مباحث حنین بن اسحاق در رساله "فی حفظ الاسنان و اللثة و استصلاحها" اش که بیش از ۱۱۵۰ سال قبل نگاشته شده است. البته پس از حنین بن اسحاق، دندان‌پزشکان ایرانی در دوره اسلامی، به مطالعه و کاوش در این رشته را ادامه و آن را ترقی و تعالی دادند. (۲)

با وجود این، حنین مقدم بر دیگر دانشمندان ایرانی دوره اسلامی این رساله را در دندان‌پزشکی نگاشته که در دانشگاه جندی شاپور تدریس می‌شده است. و دکتر مرتضی ذکایی ساوجی ارزش آن را به خوبی و با جامعیت در مقاله خود تحت عنوان "یک رساله کهن در دندان‌پزشکی" پرورانده است که به روش "برگرفته و تلخیص" مورد بهره‌گیری ما نیز قرار گرفته است.

حضور و وابستگی دانشمندی چون حنین بن اسحاق در سامانه یکی از دانشگاه‌های کهن جهان و ایران یعنی جندی شاپور خوزستان از مفاخر ملی ایران به شمار می‌رود (۲) و افتخار دیگر اینکه در زمان تأسیس گندی شاپور در عصر ساسانیان در سردر مدرسه نوشته بود، "دانش و فضیلت بالاتر از شمشیر و بازوست." (۴)

منابع و مأخذ

۱. دایره المعارف فارسی (مصاحب)، جلد اول، ذیل مدخل حُنین ابن اسحاق
 ۲. ذکایی ساوجی، مرتضی، "یک رساله کهن در دندان پزشکی" مندرج در مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی تاریخ پزشکی در اسلام و ایران، سال ۱۳۷۱.
 ۳. Sajjadi, Sadeq, Dentistry in Enclopaedia Iranica edited by Yarshater, E., Mazda Publisheres, USA, ۱۹۹۶, Vol. V۱۱, PP. ۲۹۲-۲۹۶.
 ۴. Azizi, M.H, Gondishapur school of Medicine: The Most Important Medical Center in Antiquity, Archives of Iranian Medicine, ۲۰۰۸: ۱۱ (۱): ۱۱۶-۱۱۹.
- منابع زیر مربوط به مقاله "یک رساله کهن در دندان پزشکی" به قلم دکتر مرتضی ذکایی ساوجی، مندرج در مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی تاریخ پزشکی در اسلام و ایران، ۱۳۷۱ می‌باشد که نظر به اهمیت و اعتبار آنها، برای استفاده علاقمندان، عیناً آورده شده است:
۱. ابن ندیم: الفهرست، ص ۳۵۴-۳۵۰
 ۲. زندگی‌نامه علمی دانشمندان اسلامی (پیشگفته)، ص ۴۳۹.
 ۳. مقدس، دکتر حمید، موزه، محمدباقر، انساج پرودنشیوم در سلامت و بیماری، تهران، جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۶۶، ص ۳۷۳.
 ۴. شاهوردیانی، باقر، دندان پزشکی ترمیمی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۵، ص ۲۰.
 ۵. Glickmans Clinical Periodontology, Fermin A. Carranza, Sixth Edition, ۱۹۸۴, W.B. Saunders company, P: xvii.
 ۶. Fermin A. Carranza: Clinical Periodontology, P: xvii, / Liber Canonis: Avicenna, Venice, ۱۵۰۷. Reprinted, Hildesheim, Georg olms, ۱۹۶۴.



بخش دوم

دانش دندان پزشکی از کتاب "فردوس الحکمه"

تألیف ابوالحسن علی بن ربّ بن طبری

پیش گفتار

آشنایی با ابوالحسن علی بن ربّ بن طبری و کتاب "فردوس الحکمه"

"ابوالحسن علی بن ربّ بن طبری" (قرن سوم هجری / نهم میلادی) نخستین پزشک بزرگ ایرانی دوره اسلامی می باشد که کتاب "فردوس الحکمه" را تألیف کرد. او در تألیف کتاب خود از اطلاعات ایرانیان، هندوان و یونانیان در مسائل مختلف استفاده کرد و به جمیع مباحث علم طب و داروشناسی در آن توجه کرد. (۱) فردوس الحکمه که در سال ۲۳۶ هجری / ۸۵۰ م نگاشته شد، می توان گفت که نخستین و بزرگترین دایره المعارف پزشکی، علوم طبیعی و فلسفه بود که تا آن زمان به زبان عربی نوشته شده بود. در سیصد و شصت فصل این کتاب، به علت آشنایی نویسنده با سریانی و محتملاً یونانی، از مؤلفان یونانی نقل است. (۲) و بخش کاملی (شامل ۳۶ فصل) نیز با اقتباس از طب هندی بر کتاب خود افزوده است. (۳) وی همچنین شماری از داروهای هندی و ایرانی عموماً ناشناخته را ذکر و مؤکداً توصیه کرده است که طبیبان به تجویز رژیم های دارویی محدود اولویت دهند و فقط آن دسته از داروهای بسیطی را به کار برند که آزموده شده و سودمندی آنها تجربه شده باشد. وی از پزشکانی بوده که روان درمانی را توصیه کرده است (۲)

در خصوص مباحث دندانپزشکی در کتاب "فردوس الحکمه" باید اضافه کرد که مباحث مزبور نخستین توصیف مشروح و جامع در مورد بیماری‌های دهان و دندان، تشخیص و درمان آنهاست که در نیمه اول قرن سوم قمری در یک دایره المعارف بزرگ پزشکی به رشته تحریر در آمده است. البته لازم به ذکر است که ابوزید حنین بن اسحاق عبادی (۱۹۳-۲۶۰ هجری قمری) طبیب صاحب نام قرن سوم قمری در دانشگاه جندی شاپور، دارای رساله‌ای مستقل در دندانپزشکی به نام "رساله فی حفظ الاسنان واللثة و استصلاحها" (رساله در بهداشت دندان‌ها، لثه و اصلاح آنها) است که یکی از متون کهن در دندانپزشکی و متعلق به قرن سوم قمری است.^(۴) در مقاله‌ای که آقای مرتضی ذکایی ساوجی نویسنده مقاله در کنگره بین المللی تاریخ پزشکی در اسلام و ایران در سال ۱۳۷۱ ارائه داده‌اند متأسفانه تاریخ تحریر رساله مشخص نشده است، بنابراین می‌تواند متقدم یا متأخر بر فردوس الحکمه نوشته شده باشد. به هر حال مباحث دندانپزشکی در فردوس الحکمه یکی از نخستین منابع معتبر دندانپزشکی در تاریخ دندانپزشکی دوره اسلامی ایران است و بزرگانی چون محمدبن زکریای رازی و دیگران از آن سود برده‌اند.

دیگر آثار پزشکی مؤلف فردوس الحکمه عبارتند از کتاب "منابع الاطعمه و الاشربه و العقاقیر"^۱، کتاب "فی ترتیب الاغذیه"، کتاب "فی الحجامه"، و کتاب "حفظ الصحه".^(۵)

^۱. عقاقیر: داروهای گیاهی

منابع

۱. صفاء، ذبیح ا...: آموزش و دانش در ایران، صص ۹۹-۱۰۰، مؤسسه انتشارات نوین، تهران، چاپ اول ۱۳۶۳
۲. حمازنه، سامی: منشاهای درمان، دوائی و غذایی در دوره اسامی، ترجمه هوشنگ اعلم، فصلنامه آینه میراث، ویژه تاریخ علم، سال اول، شماره ۱، شماره پیاپی ۲۰، صص ۱۳۲-۱۳۳، مرکز نشر میراث مکتوب، بهار ۱۳۸۲
۳. تاج بخش، حسن: تاریخ دامپزشکی و پزشکی ایران، ج دوم، دوران اسلامی، صص ۳۵۵-۳۳۶، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۹
۴. فرهادی، محمد - بهزادیان نژاد، قربان - غفاری، محمدرضا - باغبان زاده، علی: مجموعه مقالات کنگره بین المللی تاریخ پزشکی در اسلام و ایران، جلد اول، صفحه ۳۷۰، انتشارات مؤسسه دانش و پژوهش ایران، تهران، ۱۳۷۴
۵. دایره المعارف بزرگ اسلامی، جلد سوم، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۹، صفحه ۵۴۵

مطالب دندان پزشکی در "فردوس الحکمه"^۱

نوع دوم، گفتار یکم، بخش دوازدهم

پوست، مو، ناخن و دندان ۴۷

یکی از کارهای طبیعت آدمی راندن فزونی‌های تن از اندام‌های بنیادین و ارزشمند به سوی پوست تن می‌باشد. هر جانور یا درخت یا میوه‌ای پوشیده از پوششی است که آن را از هر چیز آسیب رسان پاس می‌دارد و همچنین او را می‌پوشاند. فزونی‌های تن که به صورت خشک از سوراخ‌های پوست رانده می‌شود به گونه مو در می‌آید و آنچه از لثه و انگشتان رانده می‌شوند به صورت دندان و ناخن خواهد بود. سخت شدن و پراکندگی دندان‌ها به جهت خشکی ماده آن و سختی رستنگاهش می‌باشد.....

دندان‌ها در هفت سالگی به جهت نرمی ماده آن می‌افتند تا آن که لثه سخت‌تر می‌شود و با نموری‌هایی که به سوی آن می‌روند نیرومندتر می‌گردد از این رو دندان‌های نیرومندتر از گذشته از آن بیرون می‌آیند و به خودی خود هرگز نمی‌افتند. برخی از دندان‌های آسیاب پس از بیست سالگی اندکی کمتر و یا بیشتر می‌رویند زیرا ماده آنها خشک تر می‌باشد و جای رستنگاهشان نیز سخت‌تر است. دندان‌های پیشین نوک تیز شده‌اند تا بتوانند خوراکی‌ها را ببرند. آسیاب‌ها پهن ساخته شده‌اند تا خوراکی‌ها را آسیاب کنند.

^۱. اقتباس و برگرفته از متون عربی در ارتباط با دندان پزشکی، ترجمه آقای دکتر محمد ابراهیم ذاکر، از فردوس الحکمه تألیف ابوالحسن رهن طبری، پژوهش: دکتر محمد زبیر صدیقی، چاپ برلین: ۱۹۲۸ م.

^۲. رطوبت: رطوبت و تری یکی از ارکان طب سنتی است.

بخش هفدهم

گوناهگونی اندامها از جهت نیرو و ارزش کاری

..... برخی از اندامها اگر بریده شوند هرگز دو بخش بریدگی به هم دیگر جوش نخواهند خورد به مانند لبها و غضروفها و پوست سر نرینه.....
برخی از اندامها گشاد و دارای گستردگی هستند به مانند دهان و شکم که فزونیها را به سوی خود می کشند.

گفتار چهارم از نوع دوم، بخش یکم

پرورش نوزادان و پاسداشت تندرستی

..... دندانها در هفت ماهگی و یا پس از آن می رویند. هر دندانی که رویش دیرتر داشته باشد دندانی نیرومندتر خواهد بود و در هنگام رویش، درد افزون تر بر کودک وارد می آورد.

بخش دوازدهم از گفتار سوم از نوع سوم

دهان و دندان و بدبویی آنها

دستگاه سازنده درست آواز و سخن گوئی در برگیرنده لبها و دندانهای پیشین و دو سوراخ بینی می باشد.

شکاف و گرفتگی بینی با زائدههایی که هزار پا (کثیرالارجل) نامیده می شود و یا افتادن دندانهای پیشین همه اینها انگیزه بد سخن گفتن می شود.

بوی بد دهان: بد بویی دهان از نموریهای بد بو و گندیده ای است که در معده ساخته شده و یا از عفونت لثه و یا از به جا ماندن خُرده های خوراک میان دندانها می باشد که دهان را می گنداند.

۱. اگر این بد بویی زائیده شکمبه باشد آن را با آیاره فیکرا و یا فَنجَنوش و یا داروهای غرغره‌ای که در آن عاقرقَرحا و هلیله زرد باشد بیمار غرغره نماید.
۲. اگر بدبویی از سستی و تباهی آب شدن لثه باشد داروهای بندآورنده و شکل و آرایش دهنده لثه برای درمان آن سودمند است و همچنین با عاقرقَرحا و مرزنجوش و سرکه و خردل غرغره نمایند.
۳. اگر بدبویی از بینی و رویش بافت نرمی اضافه در آن باشد. درمان آن نخست با بریدن بافت اضافی سپس به کار بردن مرهم‌هایی که جوش دهنده لبه‌های زخم بریده شده می‌باشد، صورت می‌گیرد.
۴. اگر بدبویی دهان از سرازیر شدن فزونی‌های بدبوی سر به سوی بینی و دهان باشد، درمان را با داغ کردن میانه سر آغاز می‌کنند تا فزونی‌های بد بو در سر زندانی شوند سپس برگ آس و نی ذریه و کافور و اقلیمیای زرین و نمک آندرابی از هر کدام یک قیراط (۰/۲ گرم) بر می‌دارند و نرم می‌سایند و داروی بدست آمده را هر بامداد در بینی می‌دمند.
۵. اگر بدبویی دهان از لثه باشد غرغره کردن با سرکه‌ای که در آن میوه گز (طَرفا) باشد و مسواک زدن با فیکرا درمان سودمند آن است.
۶. اگر بدبویی دهان از بلغم درون شکمبه باشد بالا آوردن پس از خوراک و نوشیدن آیاره فیکرا و قرص اصْطُمخِیقون و خوردن صناه^۱ با مزه شوری که دارد پاکسازی کننده شکمبه می‌باشد. همچنین بیمار هلیله کابلی و مصطکی و نانخواه و قَرْنُفُل و قاقُلَه می‌خورد و در دهان قرصی که گزاره

۱. گونه‌ای خوراک ساخته شده از ماهی

آن در پایان این بخش آمده، خوب نگاه می‌دارد و از هرچه به تندی رو به گندیدن می‌گذارد، دوری نماید.

۷. اگر بوی بد دهان از تباهی دندان و خوردگی آن باشد که نشانه آن زردی و خوردگی و جرم دندان می‌باشد، یکی از درمان‌ها، کندن دندان گندیده و تباه شده می‌باشد و دیگر، جای خوردگی را (۱۸۷) سوهان بکشند تا با کناره‌هایش یکسان و یک نواخت شود و پایه ریشه را داغ کنند. پانسمان کردن ریشه دندان دردناک با داروی زیر برای آرام کردن درد آن سودمند است.

روش ساخت: عاقرقرحا و دارفلفل و نشادر و زاگ یمانی از هر کدام یک بخش و هلیله زرد نیم بخش برمی‌گیرند و می‌سایند و به کار می‌برند.
شستشو دهنده دندان: که پاک و درخشان کننده دندانها و خوشبو کننده دهان است.

روش ساخت: آرد جو و نمک از هر کدام سی درم بر می‌گیرند و می‌سایند و با قطران خیس می‌کنند و می‌سوزانند سپس نرم می‌سایند و الک می‌کنند و کنار می‌گذارند. در کنار آن حاشا و زنگبیل و شیخ (درمنه) ارمنی و گردوی مازج از هر یک پنج درم می‌سایند و الک می‌کنند و با سرکه نارس می‌سرشند و می‌سوزانند و سپس دوباره می‌سایند و الک می‌نمایند و با داروی بدست آمده پیشین در هم می‌آمیزند و همگی را می‌سرشند و به کار می‌برند.

داروی درد دندان: دارویی دیگر که برای درد دندان سودمند است.

روش ساخت: برگ یا پوست چنار (دُلب) و یا برگ یا دانه غار را با سرکه می‌پزند و در دهان نگاه می‌دارند و یا سرکه‌ای را که در آن پوست مار پخته شده است در دهان بچرخانند و یا چوب سیر و اندکی عاقرقرحا و کمی کُنْدُر را با

سرکه خوب بیامیزند و در دهان بچرخانند و یا خیار چنبر را با سرکه بپزند و در دهان نگاه دارند و یا کرم خراطین که کرم‌هایی سرخ رنگ است و بیشتر در زیر سبوی آب دیده می‌شوند و زندگی می‌کنند را با روغن سوسن و یا روغن کنجد بپزند و چند چکه در گوش که در راستای دندان دردناک است، بچکانند و یا روی دندان دردناک پادزهر و سیر کوبیده با آلبان (کندر) داغ شده بر آتش بگذارند، درد آن دندان فرو می‌نشیند.

داروی سودمند برای بیماری لثه و گوشت‌های میان دندان‌ها:

روش ساخت: مویز کوهی و غُروق و شوید و گُست رامی‌سایند و بامداد و شامگاه روی دندان می‌مالند.

داروی درد دندان: داروی سودمند دیگر برای هرگونه درد دندان:

روش ساخت: حلتیت خوشمزه و فلفل و پودنه (فُودنج) و عاقرقرا را می‌گیرند و می‌سایند سپس داروی بدست آمده را روی دندان دردناک می‌گذارند. **داروی پر کردن دندان:** اگر دندانی دارای خوردگی باشد این دارو سودمند است.

روش ساخت: روغن گاو یا گوسفند را در آفتابه ای آهنین بجوشانید سپس تکه‌ای پشمینه در لوله آفتابه فرو کنید پس از آن روغن را چکه چکه روی دندان بچکانید تا سپید رنگ شود و یا با میله‌ای آهنین که دارای سری باریک است و داغ شده در جای خوردگی دندان فرو کنید. بایستی دندانها و گوشت و لثه کنار آن را بپایید که آسیبی به آنها نرسد.

دندان‌های شل و جنبان: دارویی که برای دندان‌های شل و جنبان خوب است

تا آنها را سخت و استوار کند و خونریزی لثه را بند آورد.

روش ساخت: شکوفه تاک (کرم) را می ساینند و با عسل می آمیزند و روی لثه می مالند.

داروی دیگر: که دندانها را استوار تر می کند.

روش ساخت: اندکی زاگ را با عسل و سرکه می پزند و در دهان می چرخانند.

داروی رویاننده دندان کودکان: دارویی دیگر که انگیزه رویش زودتر دندانهای کودکان می شود. جای دندانها را با روغن گاو مالش می دهند و یا مغز استخوان گاو را روی لثه چندین بار می مالند.

زخمهای دهانی: اگر زخمهای دهانی ریشه از خون گرم داشته باشند برای درمان آن برگرفتن سه بخش خاک ارمنی و دو بخش فلفل و سه بخش سماق و یک بخش کافور و یک بخش زعفران نیاز می باشد که آنها را می کوبند و الک می کنند و روی زخم می چسبانند و پس از آن با گلاب و آب گشنیز خشک پخته با سماق، غرغره می نمایند.

درمان درد دندان

۱. آویزان کردن دندان راست گفتار و اندکی از پشم سوسمار برگردن سودمند است و روان کردن شکم و گذاشتن بادکش زیر جایگاه ریش و شکافتن جایگاه مفید می باشد. اگر درد از خون بابتگی بالا باشد، برای درمان آن سه بخش برگ زیتون و یک بخش عدس پوست کنده و یک بخش میوه گز (طرفا) را با سرکه می پزند و داروی بدست آمده را آن اندازه در دهان می چرخانند تا آن که ماده درد را از اندام براند. برگ علیق (سپست) که همان برگ عوسج است و برگ آس و برگ زیتون را

می‌جوئد که لثه را استوار می‌سازد. اگر دندان کسی که مرده است را روی دندان دردناک بگذارند درد آن را از میان می‌برد.

داروی درمان لثه شل شده و همچنین برای سپید کردن دندان‌ها: سی درم خاکستر نی و پانزده درم نمک اندرابی سرخ کرده (بو داده) و پنج درم میوه گز و پنج درم کفک دریا (زَبْدُ الْبَحْرِ) و پنج درم دانه پوست کنده البان (کندر) همه را می‌سایند و الک می‌کنند و به کار می‌برند. اگر خواستند نموری و تری را بکشند، مویزک (میویزج) و عاقرقرا از هر کدام پنج درم بر آن می‌افزایند.

دارویی سودمند برای بوی بد دهان که اگر از بینی نباشد ولی از گندیدگی

های شکمبه باشد

روش ساخت: زعفران و قرقه و هل و دارچین و قاقله از هر کدام دو درم (هر درم ۲/۵ گرم) و مشک دو دانگ (هر دانگ ۰/۴۲ گرم) و کافور یک و نیم دانگ و یک دانه مازوی سوراخ نشده را بر می‌گیرند هر کدام را جداگانه می‌سایند و با سرکه نارس (خل الخمر) می‌سرشند و از آن قرص‌هایی به اندازه نخودی می‌سازند و در سایه خشک می‌کنند. در هنگام نیاز یک دانه آن را می‌سایند و دهان را با آن مالش می‌دهند و یکی را هنگام خواب زیر زبان می‌گذارند.

گفتار چهارم از نوع چهارم، بخش پنجم

فلج و کژ دهانی

..... اگر بیماری در یک سمت مغز و تن باشد چهره آدمی در همان سو

سست و کرخت شود..... اگر بیماری در مهره‌های گردن بوده و مغز گرفتار نشده

باشد همه تن به جز سر و چهره کرخت می شود زیرا حس و حرکت لب ها و سوراخ بینی و چانه از جفت سوم مغزی می روید.....

گفتار پنجم از نوع چهارم

بخش یکم

گلو و زبان کوچک

گلو اندامی میانه در گرمی و نموری است دارای ماهیچه های فراوان در لایه های رویین و زیرین است. اندامی است که فزونی های سر را به تندی پذیرا می باشد.

گلو دارای اندامی دیگر است که زبان کوچک نام دارد و کار آن سرازیر کردن نموری ها به سوی گلو می باشد.

بخش دوم

نشانه های بیماری های گلو و زبان کوچک و لوزه ها

نشانه بیماری های از گونه خون: انباشتگی رگ ها و افزایش جهندگی آنها و سرخی رو است.....

نشانه های بیماری های سرچشمه گرفته از زردآب: رنجوری و افسردگی بسیار و گرمای فراوان است.....

نشانه بیماری از بلغم: آماس و سستی زبان و شوری مزه دهان و افزایش آب دهان است.....

ابقراط گوید:..... بریدن و داغ کردن زبان کوچک بسیار خطرناک و ترس آور است، چه بسا خونریزی گسترده ای از خود بجا گذارد.....

گفتار ششم از نوع چهارم

بخش دوم: نشانه‌های بیماری شکمبه و خیارک (دُبِلَه)

نشانه‌های بیماری‌های از گرمی: دربرگیرنده کاهش خواست به خوراک و کاهش آب دهان و خشکی دهان است.

نشانه‌های بیماری‌های از سردی: افزایش خواست به خوراک و افزایش بزاق می‌باشد.....

..... اگر در شکمبه زخمی چرکین پدید آید و یا بسوی آن چرک آبه روان شود بخارهایی از آن برخاسته به سوی گلو می‌رود و انگیزه بد بو شدن دهان و آروغ زدن و..... می‌گردد.

گفتار هفتم از نوع چهارم

بخش دوم، نشانه‌های بیماری جگر

نشانه آن دگرگون شدن آمیزه جگر و افزایش تشنگی و خشکی بزاق و دهان و..... است و..... به خوارکی‌های سرد دل بسته می‌شود. و اگر بیماری از سردی باشد، کاهش تشنگی و خون و افزایش گرسنگی و رنگ پریدگی و سپید شدن رنگ لب‌ها..... و بیمار دل بسته خوراکی‌های گرم می‌شود. اگر بیماری از نموری باشد لاغری چهره و کاهش تشنگی و افزایش آب دهان و..... است. اگر بیماری از آمیزه خشکی باشد آب دهان خشک می‌شود و..... اگر آماس جگر از گرمی باشد اشتها کاهش و دمای تن افزایش، همچنین تشنگی و تب بیشتر شده و در آغاز بیماری زبان سرخ رنگ می‌شود.....

گفتار دهم از نوع چهارم

بخش بیست و چهارم

بخش‌هایی از کتاب "تقدمه العرفه" ابقرط

..... ابقرط گوید: بهترین گونه خواب بیمار، خوابیدن او بر پهلوی چپ و راست است..... و گوید: باز بودن دهان در خواب و دندان قروچه کردن در تب که خوی همیشگی بیمار نباشد و از خواب پریدن‌ها نشانه‌های بدی می‌باشند، زیرا....دندان قروچه کردن‌ها از گرفتگی (تشنج) و خشکی بسیار ماهیچه‌ها می‌باشد...

بخش بیست و ششم

نشانه‌های مرگ و نشانه‌ها میانه در خوبی و بدی

..... سیاه شدن رنگ زبان و خشکی لب‌ها با تب سخت و..... نشانه‌های بدی هستند.

..... افزایش درد شکمبه و کشیدگی ماهیچه‌های شکمی به سوی بالا و دیدن چیزهای تخیل انگیز میان دو چشم و لرزش لب پائین نشانه بودن آماس در درون است.....

گفتار یازدهم از نوع چهارم

بخش دهم کالبد شکافی

شایسته دیدم که پس از پایان یافتن گزاره درمان همه بیماری‌های تن درباره شمارگان اندام‌ها بخش‌هایی چکیده شده از کتاب دانشمند بزرگ جالینوس بیاورم. جالینوس گفته است هر کس بخواهد به درستی گفته‌های ما را در کالبد شناسی اندام‌های آدمی پی ببرد باید میمونی را بگیرد و در آب خفه کند و سپس به آرامی به کالبد شکافی آن پردازد، در این جاست که می‌بیند اندام‌های میمون همانندی

بسیار با اندام‌های آدمی دارد. گوید: سر دارای پنج جای چسبندگی یا درز و هر آرواره جای شانزده تا درز است و پشت بیست و چهار مهره دارد که هفت تای آن در گردن و میانه دو کتف دوازده تا و در کمر پنج مهره و در دو پهلوی دوازده دنده است. هر دنده به یک مهره چسبیده است. سینه دارای هفت دنده ویژه که هر دنده به مهره‌ای وصل است. هر کف دست از چهار استخوان کوچک بی‌مغز استخوان ساخته شده و انگشت دست و پا از سه استخوان به جز دو انگشت ابهام که هریک از دو استخوان تشکیل شده است بازو یک استخوان و ساعد دو استخوان که به آنها زند گویند و چند استخوان مهره‌ای که برخی از آنها گرد و دسته‌ای نیمه گرد می‌باشند. ران یک استخوان و ساق از دو استخوان ساخته شده است.

بخش یازدهم

شمارگان ماهیچه‌ها

ماهیچه‌های تکان دهنده سر و گردن سه جفت و ماهیچه‌های حرکت دهنده لب‌ها چهار تا و میان بینی و گونه دو ماهیچه کوچک و چشم شش تا و تکان دهنده فک پائین چهار تا، دو کتف شش تا و زبان چهار تا و سینه یک ماهیچه و جنبش دهنده کتف یازده ماهیچه و..... می‌باشد

گفتار دوازده از نوع چهارم

بخش دوم

جایگاه رگ‌ها و کاربرد بیشتر زدن رگ‌ها

..... لب‌ها (فک‌ها) چهار رگ دارند. خون‌گیری از آنها در درمان لثه شل و وارفته و سستی دندان‌ها سودمند است. می‌گویند زیر زبان رگی است که قورباغه (ضفدع) نامیده می‌شود، خون‌گیری از آن برای سنگینی زبان خوب می‌باشد.....

نوع پنجم گفتار یکم

بخش یکم، ویژگی چیزها

..... من ارزش و نیروی هر چیز را با رنگ و طعم و مزه آنها یادآوری می‌کنم. ارزش هر چیزی با مزه استناد و گواهی می‌شود. علت بودن این ویژگی ثابت کردنی و شناختنی نمی‌باشد مگر آن که با آزمایش‌های گوناگون به وجود آن پی برده شود مانند سنگ آهن ربا که آهن را می‌رباید.....

..... و برخی دیگر را که به گردن آویزان می‌کنند به مانند انگزه (حلتیت) که برای فرونشاندن درد زبان کوچک سودمند است..... همچنین آزمایش شده که نخ پشمی را بگیرند و به گرد گردن مار به اندازه‌ای سفت ببندند که مار خفه شود آن نخ را باز کنند سپس به گردن بیمار ببندند برای بهبود یافتن آماس لوزه‌ها خوب است. همچنین می‌گویند آویزان کردن شونیز (سیاه دانه) به گردن برای زکام سودمند می‌باشد.

نوع ششم گفتار یکم بخش سوم

میوه‌ها

زیتون: زیتون رسیده میانه در گرمی بوده، دارای اندکی نرمی می‌باشد برگ آن بندآورنده است و برای زخم‌های دهان خوب است اگر در دهان نگاه داشته شود.

بخش چهاردهم

ارزش گیاهان خوشبو

شکوفه حنا: میانه در گرمی بود، دارای ویژگی بند آوری می باشد جویدن برگ آن و برگ زیتون و آس برای زخم های دهان سودمند است.

گفتار دوم از نوع ششم

بخش یکم، داروهای تکی

..... طرفا (گز): گرم و خشک است برای شل و وارفتگی لثه خوب است. دود آن برای زکام و آبله و..... سودمند می باشد.

بخش دوم، صمغ ها و چیزهایی که از زمین گرفته می شوند:

طباشیر (تابشیر): خاموش کننده گرمی و بند آورنده بالا آوردن و سودمند برای سوزدهای پدید آمده در دهان کودکان است.

افشره های جوشانده

..... صبر: گرم در مرتبت یکم و خشک در مرتبت سوم است و با خشکی که دارد در اندازه میانه بند آور است..... و برای آماس های دهانی سودمند می باشد.....

بخش سوم، صدف و کانی ها و دود و خاکستر و زاگ

..... زبد البحر (کفک دریا): پاک کننده و بند آورنده و از میان برنده تری و سپیدی چشم است و سپید کننده دندان ها می باشد.

حجر: سنگی است لطیف و خشک و پاک و سپید کننده دندان ها است اگر با آن دندان ها را بشویند.

بخش چهارم، زمین و خاک محتوم (نوعی خاک زرد رنگ)

..... خاک ارمنی: برای شکمروش و برآمدن خون از دهان و زخم‌های دهانی گندیده سودمند است.

گفتار چهار از نوع ششم

بخش یکم، آدمی

..... دیسکوریدوس گوید: آب دهان برای نیش گزندگان سودمند است. اگر روی کژدم هنگامی که ناشتا هستید آب دهان بیندازید، کژدم می‌میرد. چسبندگی‌هایی (پلاک) که به دندان چسبیده روی قُوبا (جوش‌های جلدی) بمالند خوب است.

..... پیشاب آدمی برای خورنده قارچ کشنده و همه گزندگان کشنده و آماس زبان کوچک و گلو و سودمند است.

بخش هفدهم، خرس

اگر در هنگام رویش دندان‌های کودکان، لثه ایشان را با دندان نیش خرس ماساژ دهند، دیگر به درد رویش دندان گرفتار نمی‌شود.

بخش بیست و هشتم، گنجشک سودانی (گونه‌ای گنجشک)

..... پیخال (مدفوع) گنجشک را با آب دهان آدمی بیامیزند و روی زگیل بمالند آن را ریشه کن می‌کند.

بخش سی و هفتم، مار و پوست آن

..... اگر دندان چپ مار بر کسی که دندان درد دارد آویزان کنند، درد او را فرو می‌نشانند. البته این کار را با دندان دیگر مارها نیز می‌توان انجام داد..... جالینوس گوید: اگر پوست مار را با سرکه بپزند و با آب آن غرغره کنند، درد دندان را فرو می‌نشانند. اگر پوست مار را بخشکانند و با روغن زیتون بسایند و در گوش بچکانند، درد دندان را آرام می‌کند.....

بخش چهلم، گزاره شوربای گوشت و چربی و پستان

..... پستان تازه را با اندکی مر می‌سایند و دندان‌ها را با آن می‌شویند و دندان‌ها را سپید می‌کند.

بخش سوم، قرص‌ها

قرص تباشیر: برای تب سخت و سوزش شکمبه و سوزهای درون دهان سودمند است. خوردن آن برای کودکان و شیرخواران خوب می‌باشد. روش ساخت: تباشیر هفت درم، گل سرخ تازه و خشک از هر کدام هشت درم، تخم خیار شش درم، هیوفاریقون سه درم می‌سایند و با افشره گیشنیز می‌سرشند و از آن قرص‌هایی می‌سازند و در سایه خشک می‌کنند. اندازه خوراکی آن نیم درم با آب سرد است.

بخش پنجم، افشره‌های جوشانده، شراب‌ها، می سوسن، می به، سکنجبین و

افشره جوشانده توت

افشره جوشانده توت که به آن دیامرون گویند برای همه حالت‌های گرفتگی گلو و آماس گرم دهان سودمند است. روش ساخت: افشره توت پنج رطل و عسل پالایش شده یک رطل و زعفران و مُر و افشره شِنگ از هر کدام دو درم و زاگ یک و نیم درم بر می‌گیرند. افشره توت سیاه را می‌پزند تا اندازه آن به نیمه و به بستگی عسل آبکی برسد، دیگر داروها را می‌سایند و بر آن می‌پاشند سپس همان دم از روی آتش برمی‌دارند.

نوع هفتم، گفتار یکم، بخش سوم، آب‌ها و ارزش هر کدام

..... هر کس پیوسته آب سرد بنوشد پوست را تیره می‌کند..... برای دندانها و پی‌ها و استخوان و مغز و..... بد است. زیرا این اندامها سرد آمیزه‌اند و سردی آب بر سردی آنها می‌افزاید.....

گفتار دوم، بخش یکم،

خوردن غوره ترش و یا ترشک (ترنج) و یا سیب دندانها را کُند می‌کنند و نیروی آنها را می‌گیرند.....

بخش دوم، نیروی چیزهایی که بر نیروی آتش و یخ برتری می‌یابد

..... دیسقوریدوس فرزانه گوید:..... اگر دندان سگ هاری را بگیرید و آن را در پوست سگ هار بگذارید و بر بازوی هر کس ببندید سگ هار او را گاز نخواهد گرفت.

..... دیسقوریدوس گوید:..... اگر آب دهان روزه‌دار (خوراک نخورده) را در دهان مار بیندازند، مار را درجا می‌کشد.

بخش سوم، برخی از ویژگی‌های گیاهان

نویسنده کتاب "فلاحه" گوید: اگر آهن را با سیر و یا آب دهان روزه‌دار بیالایند سنگ آهن‌ربا دیگر نمی‌تواند آن را به سوی خود بکشد.
..... اگر هلیون (مارچوبه) خشک روی دندان بگذارند، آن را بدون درد می‌توان کشید.

..... اگر سیر کوبیده را با روغن و شیر بجوشانند برای فرو نشاندن درد دندان دردناک سودمند است.

اگر پنیری را باریک ببرند و با روغن زیتون نارس بجوشانند و کنار بگذارند چنانچه خمیر شده آماده آن را پس از خوردن سیر بخورند بوی بد سیر را از میان خواهد برد. جویدن دانه‌هایی از سُد بوی شراب را می‌زداید.

گفتار چهارم (بخش‌هایی از کتابهای هندیان)، بخش هفتم شیوه کارکرد آمیختگی‌ها

..... با افزایش مایه استخوانی، ناخن بر ناخن و دندان بر دندان می‌روید..... و با کاهش آن دندانها و..... می‌افتند.....

بخش هشتم، شیوه پاسداشت تندرستی و سودمندی‌های آن

در کتاب "قدما" آمده است نخستین کار که باید برای پاسداشت تندرستی انجام داد، بیدار شدن در یک هفتم آخر شب از خواب و دست نماز گرفتن و سپس

مسواک زدن با مسواک درختان تلخ یا تند و گزینش مسواکی نموری و دارای الیاف یکنواخت که دارای گره‌هایی کمی می‌باشد و اندازه کلفتی انگشت کوچک و به درازای یک وجب خواهد بود. نباید مسواک را از یک درخت ناشناخته برگزید زیرا هیچگونه تضمینی در سمی نبودن و یا گندیدن و کهنه بودن آن نداریم. باید به صورت عرضی روی دندانها و کام نرم و زبان کشیده شود سپس دهان را در تابستان با آب سرد و در زمستان با آب گرم بشویند.

از سودمندی‌های مسواک زدن، پاکیزه کردن دهان و آب کردن بلغم و پاک و روان کردن زبان برای سخن گفتن و افزایش خواست به خوراک می‌باشد. کسی که دچار ناگواریدن (تُخَمه) شده و کسی که می‌خواهد بالا آورد و یا سرفه می‌کند و گرفتار کثر دهانی شده و یا تشنه است و یا چشم درد و تپش دل دارد، نباید مسواک بزند.

هرگاه از زدن مسواک رها شد، سرمه را به چشم بکشد..... سپس به جویدن میخک و یا جوز بوا و یا کبابه (میوه درختی است) روی آورد از سودمندی‌های آن بالا بردن اشتها به خوراک و خوشبو کردن دهان و از میان بردن دردهای گلو و دهان می‌باشد.

بخش بیست و سوم، آنچه از چیرگی یک آمیختگی پدید می‌آید

..... از نشانه‌های افزایش زرد آب زردی رو و پوست و ناتوانی دل و دل بسته چیزهای سرد شدن و تلخی دهان و بیماری سل و لاغری و کاهش خواب..... می‌باشد.

بخش بیست و ششم، سرفه و نشانه‌ها و درمان آن

..... سرفه‌ای که علت آن چیزهای گرم و از خستگی است نشانه‌های آن تلخی دهان و زردی چشم و زردی آب دهان و آنچه فزونی از دهان بیرون ریخته می‌شود و سرگیجه و..... می‌باشد.

نشانه‌های تب بلغمی، بیمار تب دار از خوردن خوراک بدش می‌آید و سستی و افزایش آب دهان و سرفه و سپید شدن رنگ پوست و پیشاب و پیخال است.

..... از چیزهایی که نشان می‌دهد تب از افزایش حرارت است دگرگون شدن حس چشایی بیمار و کش واکش تن و..... می‌باشد.

بخش سی و دوم

نشانه‌های طول عمر و مرگ زودرس

..... گفته‌اند اگر کسی موی نرم و استوار و پیشانی بمانند نیمه ماه و برجسته و گوش‌های خوابیده و پر مو و گوشت به اندازه و چشمانی نه بیرون زده و نه گود افتاده دارای سیاهی و سپیدی ناب و لب‌های سرخ و دندان‌های استوار و راست و زبان رسا و انگشتان دراز و گردن میانه و ستون مهره‌های پشتی پنهان شده و بلند آواز و سخاوتمند و پارسا و نجیب و راستگو و برابریخواه و اصلاح کننده میان مردم باشد بیشترین عمر را در میان هم روزگاران خود خواهد داشت.

از نشانه‌های بیماری کشنده، بیمار پیوسته پهلوی به پهلوی و پا به پا می‌شود دچار بریدگی نفس و پیوسته بدنبال چنگ زدن به لباس و بازی کردن با آن و دچار آماس دست و پا و خایه و آسم و تنگی نفس و بهت زدگی و سبکی و لاغری تن بی‌دلیل و زرد شدن زبان و بیرون آمدن چرک از دهان و..... می‌شود..... و یا مو و ناخن خود را با دست و دندان می‌کند.....



تصویر ۲۳: تمبر یادبود هزار و یکصدمین سال تولد محمد بن ذکریای رازی، شرکت پست جمهوری اسلامی ایران

بخش سوّم

دانش دندان پزشکی از کتاب «الحاوی» رازی (۲۵۱ ق _ ۳۱۳ ق)

پیش گفتار

آشنایی با رازی و کتاب «الحاوی»

اندیشمند فرزانه محمد بن زکریا بن یحیی یکی از نامدارترین پزشکان جهان از ایران زمین است. او همانگونه که آموزگاری خردمند و درمانگری توانمند در دانش پزشکی بشمار می‌آمده، در شیمی و فلسفه و دیگر دانش‌های روزگار خود نیز سرآمد، بی‌همتا و یا کم‌همتا بوده است. وی هموارکننده راه خردورزی و پرچمدار آن بشمار می‌آید. در گرانمایه بودن او همین بس که ابوریحان بیرونی (۳۶۲-۴۴۰ ق) با نگرش متفاوت در جهان بینی با او، رساله‌ای به نام «رساله فی فهرست کُتب الرازی» می‌نگارد و پس از بازگو کردن زندگی‌نامه‌ی کوتاهی از رازی، که آغاز شعبان ۲۵۱ زاده شده و در ۳۱۳ درگذشته، نام ۱۸۴ کتاب و رساله او را یاد می‌کند. ناگفته نماند شمارگان آن را ابن ندیم (۲۹۷-۳۸۵ ق) در کتاب «الفهرست» ۱۷۱ و ابن ابی أصیبّه (۵۹۶-۶۶۸ ق) در «عُیون الأنباء»^۱ ۲۳۸ و نجم‌آبادی در «مؤلفات و مصنفات» ۲۷۱ تا نام می‌برند. جرج سارتن (۱۸۸۴-۱۹۵۷ م) در کتاب خود «تاریخ علم» سخن درباره رازی را به جایی می‌رساند که بخشی از تاریخ علم را (نیمه دوم سده سوم) بنام رازی ثبت می‌کند و آن را دوره

^۱. سرچشمه‌های خبر

آغاز زایش جنبش فرهنگی اسلامی بوسیله اندیشه‌ورزان ایرانی بشمار می‌آورد. رازی در اوج تمدن اسلامی زاده شد و در آن بگونه‌ای بالید و شکوفا گشت که آوازه‌اش سراسر گیتی را تا امروز فراگرفت.^۱ (۱)

در دایره‌المعارف فارسی (مصاحب) دربارهٔ رازی عیناً چنین آمده است:

«رازی^۲، شهرت ابوبکر محمد ابن زکریا، معروف به جالینوس العرب، ۲۵۱-۳۱۳ ه. ق. از بزرگترین دانشمندان ایرانی، بزرگترین طبیب بالینی اسلام و قرون وسطی، فیزیکدان، عالم کیمیا (شیمی) و فیلسوف صاحب استقلال فکر، متولد ری (نزدیک تهران). از زندگی وی چندان اطلاعی در دست نیست. ظاهراً در ری ریاضیات، فلسفه، نجوم و ادب آموخت و احتمالاً در جوانی به تحصیل کیمیا مشغول بود و بعد، به سبب آفتی که به چشمش وارد شد، به تحصیل طب پرداخت و در این علم شهرت فراوان یافت و حوزهٔ درسش بلندآوازه شد. در خدمت ابوصالح منصور ابن اسحاق سامانی، حاکم ری، ریاست بیمارستان جدیدالتأسیس آن جا را یافت. بعدها در بغداد رئیس بیمارستان بود. به سبب شهرت فراوانش فرمانروایان مختلف او را به دربار خود دعوت می‌کردند، چند بار به مولد خود مراجعت کرد و سرانجام در همانجا درگذشت. در اواخر عمر، به سبب کثرت مطالعه، تحریر و تجربه‌های شیمیایی نابینا شد. رازی صاحب اخلاق نیکو و رفتار پسندیده بود و با بیماران به مهربانی و عطوفت رفتار می‌کرد و در حق فقرا و ضعفا اعانت می‌کرد. عمدهٔ تالیفات او را تا ۱۹۸ و تعداد کتاب‌های منسوب به او را ۲۳۷ برشمرده‌اند. متأسفانه از آثارش در طبیعیات، ریاضیات، نجوم و نور شناخت چیزی به ما نرسیده است.» (۲)

«رازی در طب به جنبه‌های علمی آن اکتفا نمی‌کرد، بلکه به تمام معنی طبیب و

^۱ اقتباس و تلخیص از (۱)

^۲ Razes-Razi.

در علم و عمل طب استاد مسلم بود. از قول او نقل می‌کنند که گفته است «تجربه طب بهتر از علم طب است». یادداشت‌های وی که در آنها با کمال دقت بهبودی بیماران خود را توصیف کرده است، در دست است. معروف‌ترین اثرش در علم طب کتاب «الحاوی» است. کتاب «الحاوی فی الطب» بزرگترین کتاب طبّی به زبان عربی است. رازی ۱۵ سال به جمع و تالیف این کتاب اشتغال داشته است. کتاب ظاهراً بعد از وفات رازی و در واقع از روی یادداشت‌های تکمیل نشده او جمع و تدوین شده است. در تعداد و ترتیب مجلدات آن، مطالب و مندرجات آن اختلاف است و از اصل کتاب نسخه کاملی هنوز به دست نیامده است. آثار دیگر رازی در این رشته «کتاب الطب الملوکی» و «کتاب منصوری» است. به علاوه رسالاتی در باب بعضی امراض دارد که معروف‌ترین آنها «کتاب الجُدَری و الحصبة» (آبله و سرخک) است که مورد اعجاب و تحسین اروپایی‌ها بوده و آن را از بهترین رساله‌های طب قدیم شمرده‌اند. این کتاب که محققین آن را مهمترین تالیفات رازی برشمرده‌اند، مشتمل بر نخستین توصیف بیماری آبله است و اثری ابتکاری و مبتنی بر مشاهدات شخصی مؤلف است. (۲)

در کتاب تاریخ پزشکی دکتر محمود نجم‌آبادی چنین آمده است:

«از مزایای بزرگی که رازی در طب جهانی دارد و پس از خود در جهان به یادگار گذارده و در حقیقت از مختصات طبابتش می‌باشد که امروزه در جمیع بیمارستان‌های جهان برقرار است، یادداشت‌های روزانه از کار و عملیات و احوال و گزارش بیماران است که در بیمارستان‌های بغداد و ری مرتباً نگاشته و کلیه حوادث و اتفاقات مهم و مشاهدات مفید را همان طور که امروز در تمام بیمارستان‌های دنیا معمول است ثبت کرده و یا به اصطلاح کنونی روزنامه وقایع داشته، که شرح بسیاری از اتفاقات و تاریخچه‌های مهم بیماران خود را در آن به تفصیل نوشته است. کتاب حاوی رازی در حقیقت یادداشت‌های کلینیکی وی

می باشد که نتیجه زحمات و تجارب شخصی وی می باشد که سالیان متمادی بدان مشغول بوده است. بدین مناسبت است که عموم مورخان وی را طبیب معمولی نام نداده اند، بلکه پزشک بیمارستانی و کلینیسین گفته اند.» (۳)

در ارتباط با دندان پزشکی، به نظر می رسد که رازی بیش از دیگر پزشکان صاحب نام دوران اسلامی سخن گفته و مطلب نوشته است. جلد سوم کتاب الحاوی به بیماری های گوش و حلق و بینی و دهان و دندان اختصاص دارد. موضوعات دندان پزشکی که به دنبال می آید از متون عربی برگردانده شده و همان است که به تفصیل در جلد سوم آمده است.

مطالب جلد سوم در ارتباط با مبانی دندان پزشکی رویهم با جلد بیستم و بیست و یکم الحاوی که درباره داروهای مربوط به بیماری های دهان و دندان در آنها بحث شده است، کامل ترین متون دندان پزشکی در تاریخ پزشکی و دندان پزشکی دوران اسلامی، به ویژه از منظر درمان های عملی و بالینی می باشد.

منابع

۱. ذاکر، محمد ابراهیم، دانش دندان پزشکی از کتاب طب منصورى رازى، ارائه شده ۱۳۸۵/۶/۲۷
۲. دایره المعارف فارسی (جلد اول)، شرکت سهامی کتاب های جیبی، تهران، ۱۳۸۱.
۳. نجم آبادی، محمود، تاریخ طب در ایران پس از اسلام، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۶.



تصویر ۲۴: محمد بن زکریای رازی و ترجمه لاتین کتاب الحاوی

برگرفته از: گزیده تصاویر تاریخ پزشکی اسلام و ایران،

انتشارات فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۷، ص ۲۴۰

بیماری‌های دهان و دندان^۱

مطالب مورد بحث

درباره دندان‌ها و لثه و تحلیل آن و کشیدن و داغ کردن و بستن آنها با سیم و جز آن. همچنین پوسیدگی دندان‌ها و خرد شدن آنها و کرم درون آن (دندان) و آنچه بافت لثه را برویاند و درباره بیماری تحلیل لثه و شیوه‌های بهداشت دندان‌ها و لثه و درباره دندان‌های کودکان و شیوه آسان تر کردن رویش آنها و پاک و درخشنده کردن دندان‌ها با شستشو دهنده‌ها و آنچه آب ریزش دهان بچه‌ها و بزرگسالان را خشک می‌کند.

در کتاب "ثانی عشر" گفته است:..... داروی ساخته شده از تریاک و گندبیدستر را اگر در گوش بچکانند، درد دندان را آرام می‌کند.

"جوامع العلل و الاعراض"، گمان می‌برم از کتاب "حلیه البرء" آورده شده است: اگر خشکی بر دندان‌ها چیره شود، شکستن و خرد شدن زودرس دندان‌ها پیش می‌آید.

گفته است: خوردگی دندان‌ها از خلط گرمی است که به سوی دندان سرازیر می‌شود.

"میامر": درد دندان، با "گرم" کردن دندان و آرواره فرو می‌نشیند.

^۱. از کتاب الحاوی، جلد سوّم، "فی امراض الاسنان" برگردان دکتر هادی فرهنگ انصاری از متن عربی به

بخش پنجم "میامر" جالینوس گفته است: دندان‌ها تنها حس درد را ندارد بلکه در آن ضربانی همچون ضربان گوشت هنگام آماس وجود دارد. اغلب این درد در پایه و تار عصبی است که به سوی آن و لثه می‌آید، در این هنگام شخص چنین می‌پندارد که درد در دندان می‌باشد در حالیکه هیچگونه دردی در دندان نمی‌باشد. **گفته است:** درد به جا مانده از کشیدن دندان، پدید آمده از آماسی است که در عصب ریشه و پایه دندان وجود دارد. علت آرام شدن درد پس از کشیدن دندان هم آن است که عصب آن، دیگر تحت فشار قرار ندارد (آماس ندارد) و آنچه به سویش می‌آید، در آن نفوذ کرده و جذب می‌کند.

گفته است: سبز و سیاه شدن رنگ دندان‌ها، نشان دهنده آن است که دندان توانایی پذیرش مواد گوناگون را دارد و اینکه دندان تغذیه کرده و رشد می‌کند. این مطلب چنین آشکار می‌شود که اگر دندانی کشیده شود طول دندان بالایی و یا پایینی آن افزایش می‌یابد زیرا دندان‌ها نمی‌توانند آسیاب بکنند.

گفته است: تحلیل (لثه) و سایش دندان‌ها، رویدادی است که در کهنسالان دیده می‌شود و هیچ درمانی ندارد از این رو دندان کهنسالان لق می‌شود. زیرا جایگاه استخوانی دندان‌ها گشاد می‌شود. پس باید در فکر نیرو بخشیدن به لثه با داروهای قدرت دهنده (سفت کننده) برآییم.

گفته است: خوردگی (پوسیدگی) دندان‌ها پیامدی است که در نتیجه تأثیر ماده قدرت‌مندی در دندان پیش می‌آید، از این رو درمان آن با داروهای خشک کننده انجام می‌گیرد.

گفته است: خلطی که در این هنگام به صورت اندک سرازیر می‌شود اگر بر روی دندان قرار داده شود کافی خواهد بود. و در غیر این صورت نیاز به تنقیه سر و یا خشک کردن آن می‌باشد تا از تأثیر آن بر روی دندان جلوگیری شود.

با اینکه سر این اخلاط را از سایر قسمت‌های بدن به خود کشانیده که بدن در این حالت با استفراغ آن را از خود پاکسازی می‌کند.

گفته است: خُرد شدن و شکستن دندان‌ها به جهت نرم بودن آنها می‌باشد پس آنها را با داروهای خشک کننده، تقویت نمائید.

گفته است: «دندانی که به رنگ بادمجانی و نزدیک به آن در می‌آید به علت عکس‌العملی است که در نتیجه نفوذ رطوبت به درون آن اتفاق می‌افتد. از این رو شایسته است که درمان آنها را به روش درمان پوسیدگی دندان انجام داد.

در درد لثه: گفته است، سازگارترین دارو برای درد لثه که در پی آماس پدید می‌آید گیاه مصطکی است که اگر آن را ملایم گرم کرده و در دهان نگاه دارند، سودمند خواهد بود. البته از گیاه تازه آن باید استفاده شود. این دارو برای همه دردهایی که در پیرامون فضای دهان که منظور من همه آماس‌ها می‌باشد، مورد استفاده می‌تواند قرار گیرد. این دارو همانند همه داروهای خشک کننده، همه آسیب‌های دهانی را ریشه کن کرده و از پدید آمدن آن جلوگیری می‌کند و نیز از خشکی بافتهای پیرامون دهان که در نتیجه استفاده از داروهای خشک کننده بوجود می‌آید، پیشگیری کرده و بدون هیچ نتیجه و آزاری آماس را از بین می‌برد.

گفته است: این روغن بهترین درمان برای درد لثه می‌باشد. زیرا بیماری لثه را از میان برده و درد آن فرو می‌نشانند و نیز خشکی و شکنندگی بافت لثه را همچون زمانی که از داروهای خشک کننده در این باره استفاده می‌شود، به وجود نمی‌آورد. زیرا داروهای خشک کننده به علت این خاصیت، موجب تسکین و آرامش درد می‌شوند.

برای درمان درد دندان، پودینه را در سرکه جوشانیده و سپس آن را در دهان غرغره کنید.

و یا عاقِرَقَرَحاً^۱ و یا پیّه حنظل را بجوشانید و سپس جوشانده را به صورت طولانی در دهان نگاه دارید. مقدار سرکه را بیشتر قرار دهید تا بلغم بیشتری را از خود براند.

و یا کَبِیکَج^۲ را با سرکه بجوشانید و سپس در دهان نگاه دارید.
گفته است: تمامی داروهایی که دارای ویژگی مقطعه و ملطفه (برندگی و نرم کنندگی) داشته باشند دارای تأثیر قدرتمندی در این راستا می باشد.

این داروی پخته شده را اپولونیس تأیید کرده است که درد را در همان دم فرو می نشاند. پنج دانه سیر، نیم مثقال گُندر، و یک کف دست برگ آس را گرفته و پس از کوبیدن با یک قوطولی سرکه می جوشانند و با چوب صنوبر روغنی، مخلوط یاد شده را هم می زنند. صاف شده آن را مدتی طولانی در دهان نگاه دارند و بهتر آن است که پیش از به کار بردن این دارو و پس از آن، روغن بلسان یا گاو شیر را بر روی دندانی که درد دارد قرار داده و فشار دهند. همچنین می تواند با مایع بدست آمده، غرغره کرده و بلغم را از میان ببرد. سپس با روغن گل ساذج نیز دهانشویه کرده و از آتش کشک و جو، بهره ببرد.

دندانی که دارای پوسیدگی است را با نعنای آبی ساییده و ضمغ سقز و یا با گوگرد و صمغ صنوبر و یا با کات کبود و ضمغ سقز پر می کنند. و یا در آن [دندان] روغن بادام تلخ بریزند و در گوش بیمار که در سمت دندان دارای پوسیدگی است، یک قطره روغن بادام بچکانند و یا زیره سیاه را با روغن زیتون

^۱. ریشه طرخون رومی و یا کاکره و نیز کُترخون و یا کُطرخون هم در فارسی در کتابهای گوناگون از آن یاد شده است. جالینوس در میامر نام آن را "فورثرون" آورده که در یونانی مشتق از آتش است به لحاظ آن که بسیار تند و تیز است و مصارف فراوانی در پزشکی دارد. "مترجم"

^۲. به گفته جالینوس کَبِیکَج گیاهی گرم و خشک است و آن را به حیوانی به نام کپی تشبیه یا مشتق دانسته اند زیرا این حیوان از این گیاه زیاد استفاده کرده و همواره در اضطراب است. "مترجم"

بسایند و درون پوسیدگی یا سوراخ دندان را با آن پُر کنند و نیز به پیرامون دندان، آن را بمالند و بیمار را وادار نمایند تا مدتی طولانی، دهان خود را ببندد. سپس باز کرده تا بزاق دهانش به بیرون سرازیر شود. [این بدان معنا است که بیمار بزاق دهان خود را فرو نبرد].

روی پوسیدگی دندان، فلفل و لعاب جوش شیرین و بارزد^۱ و غسل و یا عاقرقرا و فلفل و مَر مکی و انگزه و بیرزد و زیره سیاه و سیر و نمک را تهیه کرده و همه را کوبیده و قرار داده و دندان را با آن پُر کنند و یا با بلوط و قطران دندان را پُر نمایند.

گفته است: دندان‌هایی که خورد می‌شوند و بیمار دردی سخت دارد، آن دندان را داغ کنند و رویش دارو بگذارند. [منظور دارویی است که پیش از این عنوان شد].

غرغره آب نمک و آرزن که در یک تکه پارچه گذاشته‌اند، از بیرون روی دندان بگذارند، برای درد آن سودمند و مفید می‌باشد.

و نیز از خارج [دهان] با زرده تخم مرغ و مقداری بزرکتان را حرارت داده و بر روی صورت [در موضع دندان] که مقداری آن را چرب کرده، قرار می‌دهیم و با آهنی گذاخته، چند بار روی مواد یاد شده که بر روی صورت قرار دادیم، را حرارت می‌دهیم. بهتر آن است که این عمل را دو ساعت پیش از غذا خوردن و یا چهار ساعت پس از آن استفاده کنیم.

گفته است: اگر درد افزایش یافت، دهان بیمار را بخور دهید که سودمند می‌باشد، اگر آرام نشد با یک سوراخ کننده ریز، میانه دندان را سوراخ کنید و

^۱ صمغی است مانند مصطکی سبک و خشک و بوی تیزی دارد. محمد زکریای رازی می‌گوید که این صمغ دو نوع است. این نوع از وی آن است که اطباء در کتب طب به سکینج از آن نام آورده‌اند. (م) کتاب الصیدنه فی الطب نوشته ابوریحان بیرونی ص ۵۱۰.

چندین بار آب بزر کتان در آن بچکانید، اگر نتیجه‌ای نداد، با وسایلی که دندان را می‌کشند، آن را بکشید.

عاققرحا را چهل روز در سرکه بخیسانید، در هنگامی که بدان نیاز دارید، آن را ساییده و به دندان بمالید، تا درد را آرام کند. موم روی آن قرار داده و ساعتی نگاه دارید، سپس چندین روز کات کبود با سرکه تند و تیز، روی آن را آغشته نمایید و یا شیرابه اسفیدکشیر روی آن بگذارید که بسیار مؤثر است.

برای نگه داشتن دندان‌های پوسیده شده از شکستگی، پوسیدگی را تمیز کرده و سپس خَرَبَق سیاه به همراه عسل در جای پوسیدگی بگذارید. برای دندان درد، لعبت بربریه تدمری که همان ریشه تریاک است و ریشه بنگ^۱ (که گیاهی مخدر است) را در آب جوشانیده و محلول بدست آمده را در دهان نگاه می‌دارند.

داروی جویدنی برای درد دندان، نعنای کوهی و عاققرحا و فلفل سفید و مُر مَکّی را با میوه زیتون مخلوط کرده و آن را به شکل فندق در می‌آورند و یک دانه آن را برای جویدن، به کسی که دندان درد دارد، می‌دهند که بجود. گفته است: من آن را به کار بردم و ملاحظه کردم که دندان‌های پوسیده را حفظ کرده و از درد آن جلوگیری می‌کند.

زنجبیل را با سرکه و عسل پخته سپس نرم می‌سایند و دندان پوسیده و سوراخ شده را با آن پر می‌کنند و اطراف دندان مورد نظر را نیز از این دارو می‌مالند. همچنین آن دندان را با شیرابه اسفیدکشیر درمان کنید و تریاک و مُر مَکّی و بیرزد و عصاره بنگ را به کار ببرید.

^۱. در اصل عربی بُنَج که لغتنامه‌ها آن را بنج و کتاب الصیدنه ابوریحان بیرونی نام فارسی آن را گوزماتل یا گوزماتل آورده است. ر. ک. کتاب الصیدنه بیرونی. ص ۱۳۱، شماره ۱۸۰. "مترجم"

روفس گفته است اگر درد افزایش یابد، فک را با ارزن و یا پارچه داغ شده، کمپرس کنید. خود دندان را نیز با روغن زیتون داغ کمپرس کنید. چوبی را در آن فرو برده و درآورید. و با آن چکه‌هایی را یا قطره‌هایی را در دندان بچکانید. همچنین موم آب شده در دندان قرار دهید. کمپرس را از درون و بیرون دهان و پیش و پس از غذا خوردن به مدتی طولانی انجام دهید.

دهانشویه با پودرهای ساییده شده گیاهی تأثیری شگرف بر پیشگیری از پوسیدگی دارد. برگ تره تیزک را با شکر به همان اندازه مخلوط کرده (ساییده) سپس دندان‌ها را با آن بشویند.

داروی شگفت‌انگیز، صمغ زیتون دو مثقال و خربق سیاه و روغن بلسان از هر کدام یک مثقال و فلفل یک مثقال و بنگ یک مثقال و تریاک یک مثقال و گندیستر یک مثقال و سغبین یک مثقال و عاقرقرا حای شیرابه دار یک مثقال، مویزک یک مثقال و قطران به اندازه‌ای بر می‌گیرند که برای مخلوط کردن کافی باشد. و دارو را به شکل مرهم درآورند. این دارو برای بسیاری از مردم آزمایش شده است و تأثیر فراوانی داشته است. به نظر من در اینجا چنین است که اگر صمغ زیتون و روغن بلسان را در اختیار نداشته باشی، (در مرهم یاد شده) زیاد تأثیری ندارد و نگران نباش.

برای کشیدن دندان، عاقرقرا را که با سرکه خیسانده شده است، سه روز رویش را بپوشانید سپس آن را بسایید تا همانند خلوق خوشبو گردد. داروی بدست آمده را دو یا سه روز و در هر روز چندین بار به پایه دندان می‌مالند تا آن را تحلیل برده و دندان را لق کند. در این حالت دندان لق و سست می‌شود. هنگامیکه لقی به اندازه‌ای رسید که خواسته شما بود، می‌توانید بدون درد آن را خارج سازید. این کار را با ریشه خیار چنبر نیز می‌توان انجام داد.

برای برجسته شدن و افزایش یافتن، گویند اگر دندان‌ها بیمار شوند و بیماری آنها به درازا کشیده شود و در هنگام سخن گفتن و جویدن به درد آیند، باید برای درمان آن با مسواک‌های تند و تیز بسیار مسواک زنند و با معجون‌های خشک کننده و نیرو زا پیرامون دندان را بپوشانند و آن را نرم نگاه دارند تا دندان تکان نخورد. در غیر این صورت درد بسیاری پیدا می‌کند. اگر با سرما دردناک شود باید سردی را از آن دور کنید اگر درد چند روزی آرام گرفت سپس درد دوباره بازگشت، دیگر نیازی نیست سرما را از آن دور نگاه دارید بلکه بگذارید با سرما برخورد کند تا قوی شده و درد از میان برود.

برای کندی دندان، جویدن خرفه و یا نگاه داشتن روغن زیتون گرم در دهان آن را درمان می‌کند.

برای رویش دندان‌های کودک، مغز خرگوش را روی لثه کودک بمالید و یا صدفی که فحلناس خوانده می‌شود را در پوستی قرار داده و روی بازوی کودک ببندید. پس بدانید که دندان کودک بدون درد رشد می‌یابد.

برای درد دندان، برگ کبکج را روی بازوی بیمار که در سمت دندان دردناک است ببندید، درد آن به سرعت کاهش می‌یابد. اگر عصب چرکی شود باید پس از آن درمان شود.

جالینوس گفته است: مردم به این شیوه درمان و شیوه پیشین به علت بهره فراوان از آن تکیه کرده‌اند.

برای درد لثه، ریشه بنگ را در سرکه جوشانیده و سپس در دهان غرغره کنند. درباره ورم (آماس) لثه کات کبود و نمک را روی آن قرار داده و سپس آرام روی لثه مالش دهید. سپس با جوشانده برگ زیتون و یا شربت "مازو" دهان را غرغره کنید.

گفته است: لثه‌ای که برجسته شده و باد کرده و سرخ رنگ و آماس‌دار گشته و دچار جابجایی و کاهش شده است را با روغن زیتون جوشانده، داغ کنند و آن را نیز به این صورت که مقداری پشم را بر سر میله‌ای قرار داده و در آن روغن داغ فرو کنند سپس روی لثه بمالند تا جمع شود و سفید گردد. با این درمان خوردگی از میان رفته و گوشت تازه در جای آن و جای صحیح می‌روید. سپس برای آن بیست و دو و نیم درهم مازو و به اندازه یک باقالی (دوازده قیراط) مُر مکی یا تلخ تهیه کرده و با آن داروی شستشو دهند^۱ آن بسازند که این موجب رویش لثه و تقویت آن می‌شود.

گفته است: برای درد هنگام رویش دندان، سُد را با روغن و روغن گل سبوس مخلوط کرده، آن را در محل رویش دندان قرار دهید. افزایش یافتن لثه را با گذاشتن قَلَقَنْت (قَلَقَنْد) یا زاج^۱ روی آن می‌توان از بین برد.

برای حفظ و نگهداری دندان از درد و پوسیدگی، ریشه گیاه فریون را جوشانیده و در ماه دوبار دهان را با آن غرغره کنند. این دارو از درد گرفتن دندان جلوگیری می‌کند.

آنها را ماهی یک بار با باقالی مصری مالش دهند و یا کات کبود یمانی و اندکی مُر مکی را تهیه کرده و لثه و دندان‌ها را با آن مالش دهند که موجب می‌شود هیچگاه دندان پوسیده نشود اگر این درمان سودمند بود پس از آن غسل استفاده کن.

^۱ قَلَقَنْت نوعی زاج است. بهترین نوع آن رنگش تمایل به طلایی بوده و نوع مصری آن از همه بهتر است.

رک کتاب الصیدنه، ابوریحان بیرونی، ص ۳۰۲، "مترجم"

دندان پوسیده را با معجونی از عاقرقرا و شیرابه گیاه فربیون و بیرزد و فلفل که با کُندر مخلوط شده‌اند، پر کنید بدون درنگ درد آن را از میان می‌برد. برای درد دندان، تریاک و تخم بنگ را با شیرۀ انگور و یا غسل مخلوط کرده و به اندازه یک باقالی، شب به بیمار می‌دهند که او را می‌خواباند و درد را تسکین می‌دهد. در اینجا نظر من این است که از مخلوط یاد شده، درون دندان نیز گذاشته شود. نظر من این است که به کار بردن داروهای بی‌حس کننده برای دندان در درجه نخست قرار ندارد. برای دندان نیز مفید نمی‌باشد زیرا نیازی به آن ندارد، او را به پرهیز از خوردن غذا و خوابیدن بیشتر راهنمایی کنید.

برای پوسیدگی دندان و درد آن، ریشه کُبر را با سرکه می‌جوشانند تا نیمی از آن بخار شده و داروی بدست آمده را در دهان نگه دارند.

بخش نخست از گفتار دوم از کتاب "ایذمیا" (ب ۵۰۴) گفته است: علت درد دندان یا از آماس و یا از پوسیدگی و یا از سردی بسیار و یا از ترشحات سرازیر شده از سر می‌باشد.

"نظر من": هرگاه دندان پوسیدگی نداشته باشد و دلایلی بر گرما و یا سرمای زیاد هم نباشد به (درمان) و پاکسازی سر و خارج ساختن عفونت و ترشحات از آن پرداخته و سپس دندان‌ها را تقویت می‌نمائیم.

بخش سوم از گفتار ششم از کتاب "ایذمیا": دندانی که دردناک است، درد آن با کشیدن از میان می‌رود. هرگاه به آن تکان‌های سختی بدهید و آن را نکشید، درد آن افزایش خواهد یافت.

بخش ششم از گفتار ششم از کتاب "ایذمیا": دندان‌های پوسیده و دردناک را اگر با فلفل پر کنید پس از آنکه علت ایجاد پوسیدگی را رفع ساختید در پایان راه پیشرفت ماده تباه کننده دندان بسته خواهد شد و در پایان دندان دارای پوسیدگی

ودردناک را با فلفل و یا با دُردی سوزاننده و یا عاقرقرحا و یا با فرفیون پر کنید و به طور کلی هر ماده‌ای که به شدت گرمازا و یا با هر چه که بی‌حسی به وجود آورد، سوراخ پدید آمده در دندان را پر کنید و همچنین نباید با فشار بسیار، ماده یاد شده را به درون سوراخ (پوسیدگی) فرو نمایید زیرا به شدت درد را تحریک می‌کند.

جالینوس: درمان دندان را نخست در زمینه‌های چرک و آماس آن آغاز کنید به طوریکه دندان از پذیرش این خلط، خودداری کند. نشانه آن پدید نیامدن آماس در آن جایگاه می‌باشد. چنانچه آماسی به وجود آمده باشد، نخست با شیوه بدون سوزاندن، از راه بهره بردن از داروهایی که گرم و مرطوب است، استفاده نمایید در صورتیکه درمان نگردید از دُرد و فلفل سوخته و هر چیزی که سوزاننده و گرم باشد، استفاده نمائید.

یهودی (ظاهراً منظور ماسرجویه بصری، پزشک اندیشمند ایرانی باشد)
گفته است: هرگاه، هنگام رویش دندان‌ها فرارسید، پیوسته لثه را با غسل مالش بدهید و روی لثه "اوشه"^۱ بپاشید و این کار را همواره انجام دهید، زیرا محل رویش دندان را گشاد (نرم) و رویش آن را آسان می‌کند. بیشتر کودکان در این دوران، گرفتار اسهال می‌شوند که ما آن را در بخش کودکان یاد کرده‌ایم.
و گفته است: دندان قروچه‌های شبانه، ناشی از سستی و ناتوانی ماهیچه‌های هر دو فک می‌باشد. بیشتر در کودکان پدید می‌آید و هنگامی که بزرگتر می‌شوند، از میان می‌رود.

^۱. برگ آن شبیه برگ طرخون و طعم او در غایت تندی و تیزی است. (ر. ک کتاب الصیدنه، ص ۱۸۸، شماره

۲۶۷)، ظاهراً به آن پودینه کوهی و آویشن نیز گویند. مترجم

و گفته است: اگر با کافور، دندان پوسیده را پر کنند، از گسترده تر شدن پوسیدگی دندان جلوگیری می‌کند. تأثیر کافور بسیار شگفت‌انگیز است.

گفته است: اگر درد دندان از سردی باشد، زنجبیل^۱ و عسل را به دندان بمالید. اگر از خشکی باشد، خاکستر و پیۀ اردک را به آن بمالید. چنانچه از رطوبت باشد، سرکه و نمک را بر آن بمالید. اگر درد از گرفتگی وترشحات غلیظ باشد، با سرکه و پیۀ حنظل و عاقرقرا، دندان‌ها را با آن دهانشویه نماید.

اگر از حرارت باشد، عصارة روبارزک^۲ و مانند آن را در دهان غرغره کنند. دندان‌ها، بهترین بهره را در شرایط خشک می‌برند، زیرا طبیعت دندان خشک می‌باشد و آن در این حالت، پایدار و پابرجا بوده و این به وسیله نمک و خاکستر استخوان سوخته و اقاقیا و آمله و بلوط و فلفل و جز آن و سُک و سُد، به وجود می‌آید.

گفته است: اگر در دندان‌ها، پوسیدگی همراه با چرک باشد آن را با روغن زیتون جوشانیده، داغ کنید به گونه‌ای که با مقداری گلوله پشمی، روغن زیتون داغ را در دندان بچکانید که بهبودی می‌یابد.

یهودی گفته است: ریشه حنظل را در سرکه، نرم می‌سایند، سپس دندان‌ها را با آن می‌شویند و سه روز آن را روی دندان‌ها می‌مالند.

^۱. در فارسی شنگویر و نیز زنگبیر هم گفته شده است. و تند مانند فلفل است. داروسازان بهترین نوع آن را هندی و جاوه‌ای می‌دانند. در دهکده‌های عمان روئیده و ریشه‌ای است و درخت ندارد. ر. ک (کتاب الصیدنه، نوشته ابوریحان بیرونی، ص ۳۱۶، شماره ۵، ۴)

^۲. روبارزج هم گفته شده است ر. ک (کتاب الصیدنه، ص ۴۳۹، شماره ۷۳۵. مترجم

عاققرحا را چهل روز در سرکه خرما بخیسانند پس از آن که خوب آن را بسایند، بخشی از آن را روی دندان بگذارند، و ساعتی رها سازند، پس از آن بردارند. دندان‌های سالم را نیز موم بمالید تا دارو به آنها نرسد.

طبری گفته است: حجامت کردن زیر فک درد را تسکین می‌دهد. اهرن گفته است: دندان درد یا از افزایش مزاج گرم و یا سرد و خشک و یا رطوبت تندی است که به سوی ریشه آنها سرازیر می‌شود. و یا در نتیجه باد غلیظی است که ریشه‌های دندان را گرفتار ساخته است و یا از ترشحات غلیظی است که به لثه سرازیر شده و ساختمان آن را به هم ریخته و بدین ترتیب دندان درد می‌گیرد. درد در نتیجه اختلال مزاج، علامتی ندارد. هرگاه مشاهده کردی که تمام بدن را در برگرفت، پس به بیشتر زدن روی آورید و از آمدن ترشحات چرکین از دیگر اعضا به سوی دندان، جلوگیری کنید. به رگ‌های زیر زبان بیشتر بزنید. اگر درد دندان در نتیجه بازگشت رطوبتی باشد که از زخم معده آمده باشد به بیمار آیاره بنوشانید. هرگز آغاز درد دندان که از فرو ریختن ترشحات به دندان است را با داروهای گرم‌ازا، درمان نکنید. ترشحات زخم المعده را بررسی نمایید ببینید بلغم است یا زرد آب. پس به داروهایی نظیر آیاره و سقمونیا روی بیاورید و غذا و داروهایی که با هر کدام از آنها سازگاری دارد، به او بدهید. چنانچه به همراه درد، سنگینی سر را نیز به همراه داشته باشد، بدانید که ترشحات دندان او از سر بیمار سرازیر شده است. پس به او آیاره بنوشانید و یا با آن غرغره کند. در روز غرغره کردن با سکنجبین نیز موجب پاکسازی سر و لثه از هر گونه ترشحات می‌شود. او را با گندُس و نظیر آن به عطسه وادار سازید. اگر بدین ترتیب ترشحات را معالجه و درمان کردید در صورتیکه از گرمی باشد بیمار را توصیه نمایید که با آب کاسنی و روبارزج و نظیر آن غرغره نماید. اگر درد از خشکی بود لثه و دندان‌ها را با کره

و چربی اردک و دیگر روغن‌ها، چرب کنید و اگر درد دندان ناشی از رطوبت باشد با غرغره کردن سرکه و نمک به عنوان دهانشویه، آن را درمان کنید. دردهای دندان‌هایی که از بادهای غلیظ و درهم باشد را با عاقرقرا و پیئه حنظل و گاوشیر و مُر مکی و بوره درمان کنید.

درد دندان ناشی از خشکی مزاج، نتیجه خشک شدن لثه میان دندان‌ها می‌باشد
اهرن در کتاب "ادویه المفردة الموجودة" آورده است: زردچوبه و صبر زرد و پوست درخت توت، از هر کدام به اندازه مساوی و زرنیخ زرد به همان اندازه ساییده شده و با عسل مخلوط کرده و داروی بدست آمده را برای مدتی پیرامون دندان قرار می‌دهند. این کار، کشیدن دندان را آسان می‌کند.

"دیدگاه من": بین درد دندان در نتیجه آماس لثه است، آیا در آنجا آماس گرم وجود دارد؟ اگر چنین است پس درمان بیمار را با نیشتر زدن آغاز کرده و سرکه و گلاب و روغن گل را سپس در دهان نگاه دارید. در صورتیکه درد شدید و بدون تورم در فک بوده و قرمزی در لثه دیده نشود، ریشه دندان دردناک را با عاقرقرا و فلفل و نشادر، مالش داده و چندین بار این کار را تکرار کنید. سپس کندر و گند بیدستر و تریاک روی آن مالیده و فک را به وسیله کمپرس گرما، گرم کنید.

"دیدگاه من" آن است که چنانچه درد دندان از آماس گرم لثه نباشد، می‌تواند از ریشه دندان باشد. گاهی درد از عصب منشاء گرفته که به دندان می‌آید. در چنین حالتی بیمار نیاز به داروهای قوی دارد. از این رو داروهای ساخته شده از سرکه تند و تیز می‌باشد. اگر درد از آماس گرم لثه باشد، بهتر است آن را با روغن درخت مصطکی ولرم درمان کنید و بیمار مقداری از این را که تازه است در دهان نگاه دارد. روغن کهنه مصطکی به مقدار کهنگی آن از ارزش درمانی آن می‌کاهد.

درمان عصب دندان‌ها: مازو و زرنیخ و ریشه کبر و ریشه خیار چنبر و بیه حنظل و عاقرقرا را می‌پزند، سپس در دهان نگاه می‌دارند.

گفته است: در قسمت پوسیدگی دندان‌ها، شیرابه درخت انار و تریاک و یک وقیه گوگرد زرد با صمغ صنوبر را قرار داده و بخور تخم بنگ را به وسیله قیفی به آن بدمند. اگر ترشحاتی به سوی دندان سرازیر شود، جوشانده داروهای بند آورنده را در دهان نگاه دارند. و روی دندان یک بخش نمک و به اندازه آن کات کبود، قرار دهند. البته کات کبود را بسوزانند و در سرکه خاموش کنند. سپس آن را خوب ساییده و پس از پاشیدن بر دندان‌ها، دهان را با شراب (که شاید در اینجا منظور الکل شراب باشد) غرغره کنند.

اگر خواستید دندانانی را بدون درد بکشید، نخست آرد را با شرابه گیاه فربیون مخلوط کرده و آن را روی دندان بگذارید. سپس برگ نویج یا نژک تند را روی آن بگذارید و ساعتی رها سازید که خود بخود دندان را متلاشی می‌سازد.

گفته است برای کندن دندان‌ها، جویدن خُرفه و یا مالیدن روغن زیتون نارس روی دندان و یا رسوبات (دُردی) روغن زیتون را در پاتیلی بجوشانید تا به غلظت عسل برسد، سپس آن را روی دندان‌ها بمالید.

گفته است دندان‌هایی که از سردی، دردناک می‌شوند به کار بردن دانه دَهَمَسْت و کات کبود و زراوند دراز برای آن سودمند است.

"دیدگاه من" این دارو همان است که به آن، از میان برنده آب دندان می‌گویند. گفته است برای لثه‌ای که دچار تحلیل شده است، روغن گل یک قسمت و بلوط چهار قسمت و مُر مکی دو قسمت بر گرفته و روی لثه می‌فشارند. و دو ساعتی رها می‌کنند سپس با شیر الاغ، دهانشویه می‌نمایند که از تحلیل و عفونت جلوگیری می‌کند. و نیز سودمند است که گلنار و زنگار آهن را روی آن بفشارند.

سپس با سرکه پیاز دشتی و یا سرکه‌ای که در آن برگ زیتون پخته شده باشد دهانشویه و غرغره کنند و یا با عصاره سداب به همراه روغن مصطکی، دهان را غرغره کنند.

شمعون گفته است: داروی بهتر از این برای جذب بلغم از ریشه دندان‌ها و تسکین فوری درد، وجود ندارد. پیۀ حنظل را با سرکه جوشانیده و اگر از سردی باشد، خورده شود و نیز جوشانده عسل و سرکه همراه می‌باشد. در هر ماه چند بار آن را غرغره و دهانشویه نمایند.

کشیدن دندان سالم: عاقرقرا و پوست درخت توت و ریشه درخت کبر را با سرکه بجوشانید و سپس خوب ساییده و بافت نرم پیرامون دندان را بشکافید و دارو را روی آن بگذارید. پس از مدتی دندان کشیده می‌شود و یا به اطراف دندان، زرنیخ پرورده در سرکه بمالید، دندان را سست می‌کند. باید نشانه‌های بودن کرم در دندان را بررسی نمود.

گفته است: هنگام روئیدن دندان در کودکان، به کودک چیزی برای جویدن ندهید، بلکه باید دایه کودک هر ساعت، انگشت خود را درون دهان کودک ببرد و لثه او را به اندازه‌ای مالش دهد تا اینکه ترشحاتی که موجب درد است از آن خارج شود. سپس روی آن چربی مرغ و مغز خرگوش بمالد که بسیار مفید است. اگر درد افزایش یافت بر روی موضع درد، عصاره تاجریزی با روغن داغ گل بمالند. هرگاه مقدار یا اندکی از دندان (کودک) در دهان نمایان گردید، سر و گردن و آرواره او را با تکه پشمی که به روغن آغشته شده بمالید و در گوش او روغن بچکانید. اگر کودک دچار اسهال شده است، مواد بند آورنده خارجی برای او به کار ببندید. و به وی عصاره‌های بند آورنده بنوشانید و خوراک وی را

بکاهید. هرگاه اسهال بند آمد و خشک شد برای او شیاف‌های روان کننده استفاده نمائید و اندک اندک خورش لب‌لاب در دهان او بریزید و داروی بینی به او بدهید. **سند هشار گفته است**، بدان بیشتر دردهای دندانی از باد است. از این رو، روغن کنجد یا روغن داغ شده گاو را در دهان نگاه دارید و یا داروهای آرام کننده دردهای بادی را بجوشانید و در دهان نگاه دارید.

نظر من: بیشتر دردهای دندانی، به عصب ریشه دندان باز می‌شود و روغن داغ، آرامش را در آن بوجود می‌آورد.

ناشناسی گفته است برای کشیدن دندان، تخم ابجره و قند به یک اندازه گرفته و بر روی ریشه دندانی که کشیدن آن منظور است قرار داده می‌شود. این کار موجب سریع کشیده شدن دندان می‌شود.

ابن طلوس گفته است:، اگر درد افزایش یافت، آرواره‌ای که در آن دندان دردناک است را پیوسته با ارزن گرم شده، کمپرس نمایید و اگر کشیدن آن دندان را بخواهیم، آرد را با عصاره شبرم مخلوط کرده، آن را سه ساعت در اطراف دندان [مورد نظر] قرار داده که دندان کشیده می‌شود.

دیدگاه من: بر پایه آنچه که دیده‌ام هنگامی که درد دندانی بسیار افزایش می‌یافت و از آرام کردن آن نا امید می‌شدند، ابزاری که دارای سری قاشقی به مانند (ف) داشت بر می‌گزیدند و سر قاشقکی آن را می‌گذاختند سپس سر گذاخته را چندین بار روی دندان دردناک می‌گذاشتند و دندان را با آن داغ می‌کردند پس درد آن بلافاصله آرام می‌شد ولی اینکار دندان را نابود می‌ساخت. باید در چنین حالتی توبی ساختی شده از تکه‌های پارچه‌ای را در گوشه دیگر دهان نگاه دارند.

از این درمان ملایم تر، گذاشتن معجونی روی لثه و بستنش می باشد سپس با قاشقک کوچکی که برای پاکسازی گوش خوب است چندین قطره روغن زیتون داغ را درون دندان بریزید که شگفت‌انگیز است..

سپیدی دندان‌ها با تباشیر و سنگ سپید و کفک دریا و نمک اندرانی و فتیله واشنان پرورده در کافور را ساییده و به دندان‌ها می‌مالند.

ناشناسی گفته است، چسباندن صمغ زیتون مصری روی دندان، موجب می‌شود که دندان بدون سختی و درد بیفتد.

یوسف شاگرد در "التذکره" گفته است داروی مجرب برای کشیدن دندان، تخم قریص و برنجاسف و عاقرقرا و مُقْل و انگزه و ریشه حنظل را بر روی دندان لق قرار می‌دهند و برای دندان درد ناشی از سرما، فوتنج که پودنه است و نانخواه و شوید را با سرکه پخته و در دهان نگاه دارند.

برای دندان‌های پوسیده، زرنیخ سرخ را در روغن زیتون آب کرده و می‌جوشانند سپس از این محلول روی ریشه دندان و ناحیه پوسیدگی قطراتی را می‌چکانند، بسیار مفید می‌باشد.

قربادین در الصحف آورده است داروی کشیدن دندان، ریشه برنجاسف و تخم قریص و عاقرقرا و ریشه حنظل و کندر سپید از هر کدام سه درم و مقل و انگزه دو درم، نرم ساییده سپس بر روی دندان لق قرار می‌دهند. آنگاه دندان را بکشند و نیز مازیون ساییده شده را بر روی ریشه دندان قرار داده و پس از ساعتی آن را با ابزاری تکان دهند. دندان بلافاصله خارج می‌شود.

المنجح و الکمال گفته‌اند، شیشه و تخم سرخس را به یک اندازه تهیه کرده و بکوبند سپس آن را الک نموده و روی دندان‌ها مالیده شود باید دقت شود که بر

روی لثه قرار داده نشود. برای از بین بردن جرم دندان‌ها شگفت‌انگیز است و تنها برای این کار مورد استفاده قرار می‌گیرد.

از کتاب "حنین" درباره بهداشت دندان‌ها و لثه، گفته است کسی که به دنبال تندرستی و بهداشت دندان‌ها و لثه‌هایش می‌باشد، باید از فساد خوراک در معده خود، جلوگیری نماید و از استفراغ زیاد و به ویژه ترشی معده، پرهیزد. همچنین خوراکیهای سخت و چسبنده نظیر ناطف و انجیر و خوراکیهای سخت مانند گردو و بلوط دوری نماید. زیرا این مواد همگی اگر سخت شوند، ریشه دندان را آزردہ ساخته تا آنجا که دندان را لق کرده و به کشیده شدن و افتادن می‌رساند و دچار بیماری‌هایی می‌شود.

همچنین از غوره و ترشک و هر چیزی که از ترشی و بندآورنده تشکیل گردیده باشد، دوری نماید زیرا این مواد موجب کندی دندان می‌گردند. از رسیدن سردی زیاد به دندان‌ها نیز باید پرهیز گردد. سردی زیاد همچون خوردن یخ و میوه‌های سرد شده به ویژه هنگامیکه خوراک گرم خورده‌اید، می‌بایست پرهیز گردد. و نیز از هر خوراکی که به سرعت دچار گندیدگی می‌گردند، همچون شیر و ماهی شور و صحنه و مری (نان و خورشی است که از پودنه و شیر و دانه‌ها ساخته شده و خوراکی سنگین بوده و تشنگی آور به شمار می‌آید). (بحرالخواهر) پرهیز کند. همچنین باید میان دندان‌های خود را از غذاهای باقی‌مانده پاک نماید. این کار می‌بایست با دقت انجام شده به طوریکه به دندان‌ها و لثه‌ها آسیبی وارد نگردد، زیرا خلال کردن پیوسته موجب زخمی شدن لثه‌ها و آسیب‌رسیدن به آنها می‌شود.

هر کس از این دستورات پیروی کرده و از باقی مانده غذا بین دندان‌ها دوری کند دندان‌ها و لثه خود را سالم نگاه داشته است. موفقیت این برنامه [بهداشت دهان و دندان] با شستشو دهنده‌های دندانی می‌باشد.

دیدگاه من، پیش از این درباره فساد خوراک در معده سخن گفتیم. گفته است بهترین شستشو دهنده‌ها نوعی است که دارای قدرت خشک کنندگی ملایم بوده و گرما و سرد کننده آشکار را همراه نداشته باشد. زیرا ویژگی خشک کنندگی، سازگارترین ویژگی برای دندان است چون طبیعت آن خشک بوده و قدرت و سختی دندان در خشکی می‌باشد. از آنجا که ترشحاتی از سر به پائین سرازیر می‌شود و از سوی دیگر آنچه از ریه‌ها و معده بر می‌خیزد و بالا می‌آید و آنچه از نوشیدنی‌ها و خوراکی‌های استفاده شده، موجب رطوبت می‌شود، همگی به سوی دندان‌ها فرستاده می‌شود در این هنگام موجب سستی آنها شده و بنابر این دندان و لثه نیاز به خشک کنندگی دارند.

دندان‌ها و لثه به ندرت و در موارد اندکی نیاز به گرما و سرما دارند. هنگامی که طبیعت دندان‌ها و لثه به سردی می‌گراید، نیاز است که دهانشویه‌ها، نیروی گرمایش داشته باشند. تعدادی از دهانشویه‌ها برای محافظت تندرستی به کار می‌روند.

برخی از آنها در آرایش و پیرایش دندان‌ها به کار می‌روند. دیگر گونه‌ها برای پاک کنندگی جرم‌ها و چرک‌ها و یا به عنوان سپید کننده و نیز برای سختی لثه به کار برده می‌شوند.

دیدگاه من، اینها بیماری به شمار می‌آیند.

حنین در این باره گفته است که اگر دهانشویه‌ها برای درخشان کنندگی دندان‌ها و جز اینها به کار برده شود، بهتر است به همراه قدرت درخشان کنندگی، نیروی خشک کنندگی نیز به آن افزوده شود.

گفته است همه داروهایی که برای دندان‌ها سودمندند باید به همراه با نیروی خشک کنندگی باشند. البته نیروی خشک کنندگی تا زمانی مورد نیاز است که دندان‌ها از طبیعت خود دور نشده باشند.

اما اگر دچار آسیبی شده باشد، می‌بایست به همراه خشک کنندگی، موادی بر علیه آن آفت بر حسب قدرت آن در آن وجود داشته باشد.

گفته است داروهایی که بدون گرمزایی و سرمازایی، خود خشک کننده‌اند همانند گردوی (میوه) چنار و پوست صنوبر و خاکستر شاخ سوخته گوزن و جز آن می‌باشد.

دهانشویه‌ها، موجب تقویب دندان‌ها و لثه‌ها گردیده و گرما و سرمای زیاد به وجود نمی‌آورند. خاکستر شاخ سوخته گوزن ده درم، برگ سوخته سرو ده درم، گردوی چنار ناسوخته پنج درم، بنطافلون ده درم و خاکستر پرسیاوشان سوخته پنج درم و گل سرخ بدون جام آن سه درم و سنبل الطیب سه درم همه را به صورت نرم ساییده و دهان را با آن شستشو دهند. چنانچه در دندان‌ها و لثه‌ها رطوبت‌های بیش از اندازه دیده شوند، و نیاز باشد که با بودن ویژگی پاک کنندگی آن، داروهای از میان برنده رطوبتی به آن افزوده شود، بهتر است که هفت درم ریشه ختمی بر آن افزوده شود.

اگر نیاز به پاک کنندگی و درخشندگی بیشتر داشتید، ریشه مارچوبه به آن بیفزایید.

هرگاه حالت تحلیل و از بین رفته با هم داشتید و آن هنگامی است که در ریشه دندانها و لثه رطوبت ملاحظه کنی و ببینی که بر آن افزوده می‌شود. پس به داروی ترکیبی خود ریشه ترشک و از آن نیرومندتر پوست درخت توت و باز قوی‌تر از آن، برگ گز و برگ آس را بیفزایید. هرگاه دندانها و لثه‌ها به سوی سردی گراییده شده باشند پس به جای آن تخم کبر را بکار برید و از آن قدرتمندتر پوست ریشه کبر است. چیرگی سردی موجب دندان درد می‌شود و می‌توان آن را در نتیجه خوردن چیزهای سرد که با یخ سرد شده و خود یخ و آب یخ به شمار آورد و یا از ترشحاتی باشد که از سر سرازیر گردیده باشد. پس استفاده نما از داروهایی که گرمازا به همراه خشک کننده قوی نظیر پودنه و جعده و فراسیون و سداب و پودنه کوهی و عاقرقرا و مویزک و فلفل و مُر مکی و دانه غار و ابهل دارند.

و نیز از دهانشویه هایی که این مواد..... و عاقرقرا همگی به همراه سکنجبین در آن وجود دارند، استفاده نما و یا می توان مویزک با مصطکی را جویده تا اینکه رطوبت‌های فراوانی را به دهان جذب کرده سپس دهانشویه را به کار برد که بسیار خوب و با نفوذ است.

به عنوان مثال دهانشویه‌ای که موجب تقویت لثه شده و به همراه آن گرمزایی دارد، خاکستر پودنه کوهی و دشتی از هر کدام ده [درم] و دانه درخت عرعر ده و برگ سر و پنج و ابهل سه درم و ایرسا پنج درم و مُر مکی سه درم و سنبل الطیب چهار درم و عاقرقرا و سلیخه و دارچین از هر کدام دو درم و مصطکی سه درم و نمک اندرانی که با غسل سوخته شده باشد سی درم، همه را مخلوط کرده و با آن دهان را می‌شویم. می‌شود به آن ابهل [برس یا ورس] و پوست و ریشه کبر و عاقرقرا را به یک اندازه اضافه کنیم و سپس همه را بسائیم. و دندانها را با آن مالش دهیم. ببینید در صورتیکه لثه تمایل به قرمزی و گرمی داشته باشد از

دهانشویه‌های سرد که از مازو و میوه گز و گل و گلنار و کات کبود تشکیل شده باشد بهره بگیریم.

هرگاه لثه از دندان‌ها جدا شده باشد و به رنگ قرمز باشد، نشانه ترشحات گرم است که به آن سرازیر شده است.

نمونه دهانشویه سرد، تخم گل پنج درم و آس سه درم و میوه گز ده درم و کات کبود یمانی دو درم و کافور نیم درم و صندل دو درم و اگر در این شرایط نیاز داشتی که لثه را با روغن گل، پاک کنی، انجام دهید که این خود ترشحات برگشتی را از میان می‌برد. شاید نیاز پیدا کنی تا با عصاره کدو و سرکه و جز آن، دهانشویه نمایی. البته هنگامی که گوشت تن بیمار، رطوبت داشته باشد در چنین شرایطی نباید با عصاره سبزیجات تازه دهان را شستشو دهند. بلکه بند آورنده‌ها را در سرکه پخته و سپس به کار بریم.

دیدگاه من این روش درمانی را در دندان‌هایی که از گرما دردناک می‌شوند نیز انجام دهید. گفته است سرکه در بیماری‌های سرد و گرم هر دو به کار می‌رود زیرا گرمی را سرد و سردی را ملایم می‌کند. و نیز قدرت داروها را به عمق می‌برد بنابراین آن را در بیماری‌های گرمی به تنهایی و یا با آب به کار می‌برند و در بیماری‌های سرد، با عسل و دیگر موادی که سردی را می‌شکند به کار می‌برند.

گفته است پزشکان در این بیماری‌ها که منظور گرمی است، داروهای مخدر به کار می‌برند.

گفته است من این گونه درمان را نمی‌پسندم زیرا امکان دارد که در دندان‌ها اتفاقی پیش می‌آمده و بخشی از این ترشحات به درون رود. همچنین از فرو رفتن آن ترشحات به درون بپرهیزید. زیرا اگر در آن خربق و یا حنظل و یا جز اینها باشد، چنین خواهد شد.

گفته است اگر درد تنها در لثه باشد، با فشار دادن لثه، درد آغاز می‌شود. پس ترشحات در این هنگام تنها در لثه بوده و نمی‌بایست دندان یا دندانی در معرض کشیدن قرار گیرد. گاهی درد را تنها در ریشه دندان‌ها احساس می‌کنیم که این نشانگر آن است که ترشحات در عصب پیوسته به دندان‌ها روی آورده و در صورتیکه دندان در همان دم کشیده شود، درد آرام گردیده ولی کامل از میان نمی‌رود. درد سبک شده زیرا فشار از روی عصب برداشته شده و راهی برای آن گشوده می‌شود و داروها در این شرایط به آن راه یافته و بدان برخورد می‌نمایند. در صورتیکه درد در خود دندان حس شود با کشیدن آن، درد از میان خواهد رفت.

گفته است دندان‌ها با آنکه استخوانی هستند، رطوبت را به خود نفوذ می‌دهند و می‌پذیرند و گواه ما بر آن این است که گاه دندان را سیاه شده می‌بینیم و سیاهی به درون آن نفوذ کرده است. همچنین دندان پیوسته رشد می‌کند و گواه ما بر این است که اگر دندانی بیفتد، دندان مقابل آن رشد می‌نماید. این بدان علت است که دندان با دندان مقابل خود برخورد نداشته و بدین علت رشد می‌نماید. و رشد تنها هنگامی است که خوراک به داخل آن نفوذ کرده و سپس به شکل آن درمی‌آید.

گفته است چون دندان‌ها تغذیه می‌کنند و رشد می‌نمایند پس بیماری‌هایی که در پی سرازیر شدن مواد به سوی آن می‌باشد و یا از کاهش خوراک به سوی آن همچون آماس در آن پدیدار می‌آید. هنگامیکه خوراک به آن کاهش یابد، لاغر و خشک شدن دندان را سبب شده و به گونه‌ای خواهد شد که دندان در جایگاه استخوانی خود لق می‌شود که این بیماری است که در کهنسالان دیده می‌شود.

درمان بخش نخست آن درمانی است که در درمان همه گونه‌های آماس به آن نیاز است و آن داروهایی است که آماس را از میان ببرد و آن با نیرو دادن و

استوار ساختن دندان انجام می‌پذیرد و با گرمزایی و خشک کنندگی که دارو در خود دارد آن را تحلیل برده و از میان ببرد. هدف تو از جلوگیری ؛ نخست باید پیشگیری از درد باشد.

هرگاه در لثه و دهان و تمامی سر نشانه‌های افزایش دما را ملاحظه کردی باید داروهای تحلیل برنده را در پایان به کار برد. ولی اگر نشانه سردی و یا لقی دندان‌ها را در جایگاههای استخوانی آن دیدی که این در نتیجه عوارض کهنسالی می‌باشد، درمانی ندارد مگر آنکه لثه‌ها را با داروهای بندآورنده، قدرت بخشند و هرگاه لثه جمع شود، دندان‌ها را خوب فشرده و نگاه می‌دارد.

لقی دندان در نتیجه وارد آمدن ضربه‌ای [فشاری قوی] و یا از رطوبت‌هایی است که عصب دندان را نمناک کرده و آن را سست می‌نماید در این شرایط نیاز به چهار گروه دارویی خشک کننده داریم. نظیر شاخ گوزن و سرگین بز و پَر سیاوشان و توتیا و جز اینها و تحلیل آن به همراه خشک کننده شامل مُر مکی و سداب و قطران و زفت و سرکه پیاز دشتی و داروهای بند آورنده که خاصیت بندآورندگی به همراه خشک کنندگی را نیز دارند نظیر مازو و زاگ و غوره و داروهایی که تحلیل برنده به همراه بندآورنده می‌باشند مانند مصطکی و سنبل و ساذج و زعفران و نمک.

گفته من: در آسیب‌هایی که در نتیجه ضربه (تروما) و تکان به (دندان) به وجود می‌آید ما به داروهای بند آورنده و جمع کننده نیاز داریم و هنگام نمناکی عصب، به تحلیل برنده و خشک کننده و نیز بند آورنده به همراه خشک کننده نیازمندیم. که این دارای تفاوتی میان آن دو می‌باشد که بی‌صدا در جای خود حرکت می‌کنند.

گفته است دندان در معرض قرار گرفتن جرم و تیرگی و آلودگی که بر آن به وجود می‌آید، می‌باشد که با داروهای پاک کننده مانند زراوند غلطان (ب ۲۵۰۸) و خاکستر خرچنگ دریایی و صدف سوخته و نمک سوخته با عسل و بوره ارمنی و بوره و بهترین کندر سبز و کفک دریا و شیشه و سنگ سیاه و قیسوم و اوشه سوخته این مواد را از روی دندان پاک می‌نمایند.

و ضروری به نظر می‌رسد که با مسواک بر روی دندان‌ها فشار آورده نشود. زیرا این کار موجب می‌شود که سطح صاف و صیقلی آن را از میان برده و آن را زبر و خشک نماید که این خود موجب به وجود آمدن تخلخل بر روی دندان‌ها و در نتیجه رسوب جرم و آلودگی بر آن می‌شود.

و نیز دهان شویه‌های گرم، دیواره دندان‌ها را خشن ساخته و موجب قرار گرفتن و نشست رسوبات بر آن می‌شود از این رو می‌بایست سطح صاف و صیقلی دندان‌ها از بین نرود زیرا در غیر این صورت سطح آن خشن شده و برجستگی و فرورفتگی‌های ناشی از بد مسواک زدن و استفاده از دهانشویه‌های گرم که برای لثه چسبنده به دندان نیز زیان‌آور است و این بدان علت است که در پیرامون لثه، رطوبتی [ترشحاتی] لیز و چسبنده به صورت طبیعی وجود دارد که موجب پیوستگی و چسبندگی آن به دندان می‌شود. دهانشویه‌های گرمازا این رطوبت و ترشحات را از میان برده و موجب جدا شدن لثه از دندان می‌شود.

گفته است، برای جلوگیری از ایجاد خشونت و رسوب جرم بر روی دندان‌ها می‌توان با چرب کردن دندان‌ها هنگام خواب بهره برد. اگر سردی باشد با روغن ناردین و در موارد دیگر با روغن گل. این روش به کار برده شود. مخلوط هر دو روغن را نیز می‌توان استفاده کرد بهتر آن است و سودمندتر است که پیش از به کار بردن روغن، دندان‌ها را با عسل آغشته کرده تا آنها را تمیز نماید سپس تمامی

اطراف دندان را با روغن آغشته نمایند. دهانشویه های پاک کننده و از بین برنده جرم ها شیشه سوخته چهاردرم و سنگ پای سوخته چهار درم و نمک آمیخته با عسل سوخته سه درهم را ساییده و سپس با پارچه های ابریشمین آن را الک کرده و سپس استفاده کنند.

دندان ها در معرض پوسیدگی و شکستگی قرار می گیرند که این به علت ترشحات گرمی است که به آنها سرازیر می شود. این آسیب ها با داروهای خشک کننده درمان می شود. در صورتیکه این ترشحات فراوان باشد به طوری که نتوان آن را از بین برد به پاکسازی سر با داروهای غرغره کردنی و جویدنی و "انفیه ها" روی می آوریم. ترشحات از سرتاسر بدن به سوی سر می آیند پس پاکسازی بدن [از این گونه ترشحات] با روی آوردن به اسهال و یا نیش زدن (فصد و حجامت) و یا بهره بردن از هر دو درمان می باشد. به دنبال این درمان می بایست تدبیری به کار برد که خون تازه و رقیق (پاک) به وجود آید. در درمان این بیماری نیاز به نیروی خشک کننده و تحلیل برنده است همچون پوست مار و سقز (صمغ بطم) و بادام تلخ و شونیز و فلفل و زنجبیل و بوره و قطران و عسل و قند و گاوشیر و عاقرقرا و مَر مکی و انگزه و انگدان قدرت خشک کنندگی و بندآورندگی قوی داشته باشد مانند مازو و صمغ سماق و کات کبود سبز و کات کبود سفید یا بلور. این داروها را اگر در قسمت پوسیدگی دندان گذاشته و یا روی همه دندان مالیده شود، سودمند خواهد بود. رطوبت های پدید آورنده پوسیدگی را می توان چنین خشک کرده و نابود ساخت و درد را آرام نمود.

در صورتیکه پوسیدگی دندان زیاد باشد برخی از این داروها، آن را پاک کرده و دندان را بدون درد خارج می سازند. مانند عاقرقرا که چهل روز در سرکه قرار داده شده سپس آن را بسایند و بر دندان پوسیده قرار دهند که موجب کشیده شدن دندان می شود. همچنین شیرابه گیاه فریون [یتوع] را با آرد کرسنه و آرد ترمس و

یا با قند مخلوط کرده و بر روی آن زاج سرخ و ریشه خیار چنبر و گوگرد و مویزک می‌گذارند همه موجب کشیده شدن دندان می‌شود. در صورتیکه خواستید [این دارو را] روی دندان بمالید، سایر دندان‌ها را با موم اندود نمایید.

نظر من: ضرری به آن نمی‌رسد، دارو را هر روز روی دندان بمالید تا اینکه دندان کشیده شود زیرا چاره‌ای ندارد دندانی که زیاد پوسیدگی داشته باشد باید کشیده شود. اما اگر پوسیدگی کم باشد، داروهای بند آورنده را که ویژگی تحلیل بردن نیز دارد مانند صمغ صنوبر و صبر و آس و روغن ناردین و جز اینها به کار می‌بریم.

گاهی دندان‌ها در معرض کند شدن و شکستگی قرار می‌گیرند و این به علت نرمی رگ‌های آن می‌باشد درمان آن سخت کردن و نیرو دادن با داروهای بندآورنده می‌باشد. اما لثه هنگام آماس و ورم دچار دردی شدید می‌شود. برای تسکین این درد می‌توان سه و قیه روغن ناب گل و سه درم مصطکی را ساییده و در روغن جوشانیده سپس آن را کمی (به همان حال) رها کرده تا ولرم شود سپس آن را در دهان غرغره نمایند.

این غرغره درد به وجود آمده از آماس‌های سایر بخشهای دهان را نیز از میان می‌برد زیرا به آهستگی ترشحات را از میان برده و آماس‌ها را تحلیل می‌برد. روغن آس نیز چنین درمانی را انجام می‌دهد، صبر و عسل و شربت که در آن گل پخته شده باشد، همین درمان را انجام می‌دهد.

گفته است که در اینجا پزشکان اشتباه می‌کنند و داروهای بندآورنده قوی را به کار می‌برند که این درمان با اندام بیمار سازگاری ندارد و عضو را به سختی می‌فشارد (خشک می‌کند) بلکه ما نیاز به دارویی داریم که به صورت ملایم، ترشحات را براند و دارای ویژگی بندآورندگی ملایم و تحلیل برنده و آرام کننده

درد بر طبق آنچه یاد کردیم باشد. لثه گاه در نتیجه رطوبت و ترشحات دچار شکستگی می‌شود، داروهای خشک کننده و سخت کننده لثه عبارتند از دهانشویه با جوشانده گلنار با سرکه و یا مالیدن کات کبود یمانی با عسل و یا نمک و نشادر روی آن است.

سقر مصطکی مخلوط با اندکی از مویزک مفید بوده و دهانشویه با شربتی که برگ آلو در آن پخته و یا با آب شوری که زیتون در آن نگهداری می‌شود، بسیار خوب است.

گفته است داروهایی که لثه را سفت می‌کند مُر و نعنای آبی (پودنه دشتی) سوخته است. پیشینیان گفته‌اند، شیر الاغ، لثه را پایدار و سفت می‌کند، من در این تجربه نظری نمی‌دهم زیرا نمی‌دانم با چه قدرتی اینکار را انجام می‌دهد. گاهی لثه دچار خونریزی می‌شود. بهترین راه درمان آن نگاه داشتن آب بارهنگ در دهان و دهانشویه با سرکه است.

اما زخمهای بوجود آمده در لثه را با بهترین روش که چنین است درمان می‌کنند مالیدن صمغ صنوبر به همراه عسل بر روی آن می‌باشد. گاهی زخم‌های لثه دچار عفونت می‌گردند که بهترین درمان آن خسک خشک و یا ابله (ورس) را ساییده و با عسل روی آن را می‌مالند.

برخی از دهانشویه‌ها موجب جمع شدگی گردیده و آن را قوی می‌کرده و دهان را خوشبو می‌سازد، نمونه آن مصطکی و عود و ساذج و ورس و گلنار و سماق است. ضروری است که در چنین حالتی بدان گرمای و سرمازای مورد نیاز را اضافه نمود. گاه لثه دچار کاستی درخود و در آنچه که رویاننده آن است می‌شود (ب ۵۰۹) کندر نر و خون سیاوشان و ریشه گیاه سوسن آسمانگون، کرسنه و عسل برای آن سودمند است. دهانشویه‌هایی که موجب رشد لثه

می‌گردند، آرد کرسنه ده درم را با عسل مخلوط کرده و از آن قرصی ساخته و در پارچه‌ای نو، روی آتش قرار می‌دهند.

تا اینکه بتوانند آن را ساییده و بسوزانند و یا آن را در تنور بپزند و یا بر روی آجری در تنور قرار می‌دهند سپس آن را ساییده و با آن خون سیاوشان را به اندازه چهار درم و کندر نر به همان مقدار و ایرسا و زراوند غلطان از هر کدام دو درم مخلوط کرده و ساییده و با آن دندان‌ها را می‌شویند. البته پیش و پس از آن با سرکه پیاز دشتی دهان را غرغره کرده و پس از آن لثه را با عسل به تنهایی مالش می‌دهند.

گفته است عسل بهترین داروی لثه و دندان‌ها به شمار می‌رود زیرا لثه و دندان‌ها را پاک ساخته و آنها را به صورت ملایم، صاف و صیقل می‌دهد و موجب رویانیدن لثه بر روی آن می‌شود بنابراین آنچه که لثه در دندان‌ها بدان نیاز دارد و کار بردی آسان دارد همین است. گروهی گمان می‌برند که لثه را سست می‌کند، در حالیکه نه تنها این کار را انجام نمی‌دهد بلکه آن را محکم می‌گرداند زیرا علاوه بر قدرت خشک کنندگی در مرحله دوم ویژگی تأثیرگذاری و درخشان کنندگی را دارا می‌باشد. نمک و شکر نیز خاصیت عسل را دارند. زیرا با زبری خود، آلودگی‌ها و جرم‌های دندان‌ها را از بین برده و آنها را درخشان می‌سازند و اگر تبر زد را با عسل مخلوط کرده و سپس به عنوان دهان شویه به کار رود دندان‌ها را درخشان کرده و پاک می‌نماید.

جالینوس در "تشریح العظام [تشریح استخوان‌ها]" گفته است دندان‌ها در میان سایر استخوان‌ها دارای ویژگی حس آشکاری است زیرا عصب بسیار نازکی از مغز به آن راه دارد.

از "مسائل ابن ماسویه که گفته است: که نمک برای دندان‌ها بسیار مفید است زیرا در برابر ترشی که به دندان زیان رسان است، قرار دارد. "تياذوق" گفته است، دو مثقال حنظل، چهار مثقال اسپند را با سرکه نارس می‌جوشانند سپس با آن غرغره نمایند که برای درد دندان‌ها بسیار مفید و تجربه شده است همچنین اذخر و ایرساوجوز السرو را در شربت غلیظ پخته و با مر در دهان نگاه دارند بسیار مفید است.

ابن سراجیون درباره دندان‌های بادمجانی سیاه شده گفته است، سک سوخته چهار وقیه و فلفل چهار درم و آمومن سه درم و ساذج هندی دو درم و گچ سوخته هشت درم گرفته و به کار می‌برند. بسیار مفید است و ماده‌ای که موجب عفونت و تیرگی است را از میان می‌برد. در مورد پوسیدگی و دندان دچار پوسیدگی، آن را با سک (دندان پوسیده) پرکن زیرا درد را تسکین داده و از پوسیدگی جلوگیری کرده و دهان را خوشبود می‌سازد.

نظر من، دهانشویه، درد دندان را آرام کرده و دهان را خوشبو می‌سازد که برای پادشاهان نیکو است. سک و مر و ورس و سنبل و میوه سرو و عاقرقرا را ساییده و دندان‌ها را با آن خوب بمالند و در دهان نگه داشته شود که این موجب تسکین درد و تقویت (دندان) گردیده و از سرازیر شده ترشحات به دندان پیشگیری می‌کند.

بهترین درمان برای درد دندان‌ها، جوشانده عاقرقرا و پوست ریشه کبر و میوه سرو را با سرکه بسیار تند، پخته و غرغره کنند و در دهان به مدت طولانی نگاه دارند.

و یا جوشانده زراوند دراز و یا پوست مار را به کار برند زیرا با قدرت، نیروی خشک کنندگی دارد.

گفته است: اگر لثه قوی نشده و همچنان دندان، لق باقی ماند، ریشه آن را داغ کرده و آن را با سیمی از طلا ببندید.

گفته است: کندی دندان یا از ترشی بندآورنده است. هرگاه ناگهان روی داد از بلغم ترش کرده در معده است. درمان این بیماری که از خوراک پدید می آید، جویدن دو فرق (هر فرق بیست و هشت رطل است) گردو و فندق و روغن غابه و نیز نگاه داشتن آنها در دهان و نیز جویدن موم و سقر است.

گفته است: که درمان دارویی آن، زراوند دراز و دانه غار و انگزه و شیرابه لاغیه و پیاز دشتی است که روی دندان می مالند.

نظر من، برای از بین رفتن آب دندان سودمند است.

نظر من، بر پایه آنچه که دیده ام، جالینوس داروی نیکویی دارد که برای افرادی که درد شدید دندان دارند و از آن رنج می برند و بسیار طولانی شده است، بسیار سودمند است. او این را تعهد می نمود زیرا ویژگی خشک کنندگی قوی را دارا بوده و نیز گرمازا به شمار می آید.

نعنای آبی (پودنه) خشک و قسط و عاقرقرحا و مُر مکی و زنجبیل و ریشه جوز و سنبل و ورس و مویزک را نرم ساییده و دندانها را بسیار خوب در روز به آن بمالند. آب آن را فرو ندهند، بسیار داروی خوبی است.

نظر من، آزمایش کردم دیدم به دنبال از میان رفتن ترشحات، دندان درد آغاز می شود و پیش درآمد آن است و درد، از سردی است زیرا دندان و عصب آن سرد شده است بنابراین می بایست اقدام به گرم کردن و کمپرس کردن آن با زرده تخم مرغ بکنیم. آنچه دندانها را با قدرت و بدون گرم کردن آن، خشک می نماید،

اقاقیا و گلنار و کات کبود است که با آن دندانها را بشویند. و نیز پوست تخم مرغ و شاخ سوخته شسته شده و جز اینها می باشد.

فلدفیون برای پوسیدگی بسیار مفید است. اقاقیا دوازده درم و نوره آب نخورده هشت درم و هشت درم کات کبود را گرفته و با سرکه مخلوط می کنند و از آن قرص هایی ساخته و برای نیاز استفاده می شود.

نزد **شاپور** این دارو کار آزموده می باشد، فلفل ده [درم]، عاقرقرا و مویزک و زنجبیل از هر کدام چهار درم و بوره ارمنی شش درم تهیه کرده و نرم می ساینند از آن روی دندانها و لثه را مالش داده و مالیده که در تسکین درد دندانها بسیار شگفت می باشد.

از کتابی ناشناس درمان ضربان درد دندان [درد ضربانی] که بدون آماس گرم است: خردل را بسائید سپس آن را روی ریشه [دندان مورد نظر] قرار دهید که استفاده و بهره شگفتی را به همراه دارد. ان شاء...

چهارم از تفسیر ششم از مسائل ابیذیماء، گفته است دردهای دندانی که ناشی از سرازیر شدن ترشحات رقیقی که از بالا به سوی آن سرازیر می شود می بایست در آغاز با جلوگیری از آن درمان گردد تا اینکه لثه ترمیم گردد. به خالی کردن معده و تغذیه مناسب و معتدل روی می آوریم. چنانچه آماس پدید آمده از داروهای گرمزا و رطوبتی بهره ببرید که ترشحات را از میان می برد. در صورتیکه آرام نگردید و بیمار دچار بی خوابی گردید. داروهای مخدر را به کار برید.

در صورتیکه باز درد از میان نرفت با داروهایی که عامل را از میان می برد، درمان را آغاز کنید و آن فشردن دقیق فلفل و عاقرقرا و دردی سوخته (ب. ۵۱۰) و فریبون، روی دندان است.

نظر من، بر اساس آنچه که مشاهده کرده‌ام، درد در دندان یا آماس لثه است که نیاز به بیشتر زدن و دهانشویه‌ای دارد که موجب زبری نگردد.

و یا درد از عصبی است که از زیر دندان عبور می‌کند و جالینوس نشانه‌ای از درد را بازگو نمی‌کند و نشانه آن چنین است که اگر درد در ریشه خود دندان باشد، احساس درد در بخش‌های عمقی آن خواهد بود. و چیزی شبیه به کندی دندان در آن وجود دارد و فک نیز با آن گرفتار بوده و هرگاه بیمار گله از درد فک و لثه داشته و در آن آماسی نباشد پس این درد از عصب آن می‌باشد. در این هنگام نیاز به داروهای بسیار قوی که با سرکه و پودنه و عاقرقرا ساخته شده‌اند، دارد. این دارو در پایان درمان برای تحلیل و از بین بردن مورد نظر است و اگر برای آغاز درمان باشد از سرکه و مازو بهره ببرید.

هنگامیکه دندان‌ها درد دارند، توجه نمائید آیا لثه ورم دارد یا خیر این دو گونه، یک درمان دارند. اگر معاینه کردی و متوجه شدی علت ورم در ریشه دندان‌ها و یا در لثه است برای جلوگیری ورم در لثه ابتدا با روغن گل ولرم و مصطکی و برای آنچه که در ریشه دندان است با مازو و سرکه و پس از آن با داروهای تحلیل برنده که برای درمان اولی از شراب داغ و اما برای دومی با سرکه و پودنه و عاقرقرا درمان کنید.

اگر درد از ترشحات چسبنده و غلیظ و یا بادهای دمیده باشد، با کمپرس و تریاک و گرسنه بودن و ایجاد اسهال، درد او را درمان کنید.

دارویی از او برای دردهای سخت، تریاک و مُر مکی و فلفل را با عسل مخلوط کرده و روی دندان دردناک بمالید و از آن در دهان نگاه دارید.

دندانی که با آشامیدن نوشیدنیهای سرد، دردناک می‌شود، زرده تخم مرغ بسیار داغ را کمپرس کرده و خوراکیهای داغ را برای او قرار دهید. درد آرام می‌گیرد در

غیر اینصورت ایاره فیکرا را بر دندان بمالید و چنانچه آرام نشد، تریاک را بر روی دندان بمالید.

ابن طلاوس گفته است، اگر درد سخت تر شد به بیمار فلونیا بدهید و از آن در دهان خود نگاه دارد که به خواب رود و به خواب خواهد رفت. این دارو بیماری را پخته و درد را آرام می‌گیرد.

نظر من: ملاحظه کنید اگر درد دندان به لثه باشد، در صورتیکه در آنجا آماس و ورم باشد پس آن را بیشتر بزنید و روان کننده به او بدهید و دهانشویه‌هایی که ویژگی بندآورندگی و شل کنندگی دارند مانند روغن گل و بید به او بدهید. و روی آن گل سرخ و عدس و تباشیر و تخم گل و کافور بچسبانید. داروهایی که قدرت پاک کنندگی و درخشان کنندگی دارند را اصلاً به کار نبرید. اگر درد شدت گرفت، با آب گرم دهانشویه کنید و روی فک کمپرس نمائید. اگر باز درد شدیدتر شد به اندازه دو دانگ تریاک به او بدهید تا بخوابد. او وقتی از خواب برمی‌خیزد، دردی ندارد زیرا آماس به نقطه‌ای رسیده که سرباز کند. اگر درد بدون آماس باشد پس با سرکه‌ای در آن اشیاء تندی پخته شده است را در دهان بچرخانید سپس با فلفل و نظیر آن، آن را پاک کنید. از خوردن خوراک پرهیزد تا اینکه درد تسکین یابد و می‌تواند اندکی شراب ناب بنوشد، غرغره کردن را افزایش داده سپس فلفل و ایاره را روی آن بمالد.

گفته است: در آماس لثه این درمان سودمند است پشمی را به میله‌ای ببندد و در روغن داغ فرو کند سپس روی لثه بگذارد، آماس و درد به سرعت فرو می‌نشیند (ب ۵۱۱)

و به راستی شگفت انگیز است.

یوسف ساهر گفته است، اگر در درد دندان دارویی اثر نکرد و درد افزایش یافت پس روغن زیتون را به همراه مرزنگوش واسپند بجوشان و سپس دو سوزن بزرگ که سر آن خم شده باشد را داغ کرده و در همان روغن زیتون داغ فرو کنید پس یکی از آنها را به دهان برده و بر روی دندان بگذارید تا سرد شود پس دیگری را به جایش روی دندان بگذارید این کار را شش بار به همین شکل انجام دهید، به صورت شگفت‌انگیزی درد تسکین می‌یابد.

نظر من: درد دندان را این دارو در همان دم آرام می‌کند. ریشه و برگ کبکج و خربق سپید و مویزک و شاتره و عاقرقرا و فلفل و کندش و سک و ریشه جوز و سنبل و زراوند دراز و اذخر و پیۀ حنظل و ریشه کبر را نرم ساییده شود و تنها بر روی ریشه دندان دردناک قرار داده شود و باید توجه داشته باشند که چیزی را به درون معده فرو ندهند و بزاق دهان را به بیرون اندازند. چسبانیدن دارو را چندین بار انجام دهند که درد دندان ناشی از سردی بسیار را تسکین می‌دهد. بهتر آن است که هر بار پس از آن با سرکه‌ای که در آن عاقرقرا و شاتره پخته شده، دهانشویه نماید. این درمان درد را فرو می‌نشاید ولی دندان را متلاشی می‌کند. زیرا بسیار خشک کننده است. روغن سودمند برای آماس لثه، روغن گل را گرفته و در آن سنبل و گل خشک و مصطکی را خیسانده یا می‌جوشانند و با آن غرغره کنند.

دهانشویه شگفت‌انگیز برای درد دندان‌ها، خربق سپید و کندش و عاقرقرا و شاتره هندی را با سرکه پخته و چندین بار در دهان نگاه دارند.

ح در کتاب "مفردات" گفته است، قطران درد دندان پوسیده را آرام می‌کند. و اگر در آن چکانده شود، آن را پاک و ترمیم می‌نماید.

نظر من: درد دندان ناشی از سردی را با مالیدن قطران داغ و یا روغن خردل روی دندان، چندین بار، درد آن را به سرعت فرو می‌نشاند.

ح گفته است، هیچ داروی تندی مانند دارچین دارای خاصیت خشک کنندگی نمی‌باشد ولی گرمزایی بسیاری را ندارد. دارچین قدرت گرمزایی ندارد.

نظر من، این برای درد دندان‌ها بسیار خوب است، آن را روی دندان‌ها مالیده و یا غرغره کرده و یا بر آن قطراتی می‌فشارند.

ح گفته است: ریشه باداورد و ریشه شکاع را هنگامی که با آب بجوشانند و با آن دهانشویه کنند برای درد دندان مفید می‌باشد.

زراوند غلطان، پاک کننده دندان‌های آلوده می‌باشد و درد بوجود آمده در آنها را که ناشی از بادهای غلیظ و ترشحات چسبنده و سنگین است از میان می‌برد. ریشه بارهنگ را جویده و یا در آب می‌پزند و آن را غرغره می‌کنند که برای درد دندان بسیار خوب است.

نظر من: این دارو دارای خاصیت خشک کنندگی و نیز سردکنندگی دارد پس آن را باید در جایی که گرم است به کار برد.

گفته است: ریشه و تخم اسفاراغس [گونه‌ای از سبزیجات است] درد دندان را شفا می‌دهد زیرا قدرت خشک کنندگی دارد بدون آنکه گرمازا باشد. و این بیشترین چیزی است که دندان‌ها بدان نیاز دارند به ویژه ریشه و برگ کبکج اگر خشک باشد و دندان‌ها را با آن درمان کنند، موجب تسکین درد آنها می‌شود به همراه آن دندان‌ها را پاکیزه می‌نماید زیرا خشک کننده قوی می‌باشد.

ح گفته است، روغن مصطکی و روغن مار و روغن بن و روغن اذخر را که همه آنها ملین و مسهل‌اند و کمی خاصیت بندآورندگی نیز دارند را می‌توان برای آماس لثه به کار برد.

نظر من، این دارو برای آماس لثه بسیار خوب است.

نظر من، پوست ریشه کبر، بلغم فراوانی را جذب می‌کند از این رو برای درد دندان‌ها بسیار مفید است. اگر آن را جویده یا غرغره آن را با سرکه یکبار و یکبار با شراب و یکبار به اندازه‌ای که نیاز دارد، آن را بجوند.

اگر قطران را در دندانی که پوسیدگی دارد، بچکانند همان لحظه دندان درد را آرام می‌سازد.

نظر من، اگر نیاز پیدا کردید دندانی را که پوسیدگی فراوان دارد، بکشید با این دارو دندان متلاشی می‌شود، پس چند بار از این استفاده شده تا دندان متلاشی و کشیده شود.

عصاره توت و رب آن برای دردهای لثه بسیار مفید است زیرا بندآورنده میانه‌ای می‌باشد.

پوست درخت چنار را اگر در سرکه پخته و غرغره کنند به علت قدرت خشک کنندگی که دارد، درد دندان را تسکین می‌دهد.

ریشه عاقرقرا را اگر بپزند، دندان دردی که از سردی باشد را آرام می‌کند ریشه گیاه شیرابه‌دار را اگر در سرکه پخته و در دهان نگه داشته شود، درد دندان را آرام می‌سازد. اما شیرابه آن را اگر در پوسیدگی دندان پوسیده بچکانند آن را پاکیزه کرده و درمان می‌نماید.

عروق صفر را اگر بجوند، برای درد دندان بسیار مفید است.

روغنی که اندکی گرم شده باشد را چندین بار روی لثه بکشید، روئیدن دندان کودک را آسان می‌گرداند. همچنین برای آماس در لثه بسیار مفید است. دهانشویه کردن با شیر داغ چندین بار آماس لثه را فرو می‌نشانند. روغن، همه آماس‌های دهان را پخته در صورتیکه ترشحات سرازیر شده به آنها قطع شده باشد، و درد

آنها را بهبود می‌دهد. اگر مغز خرگوش بریان شده را به کودکان بدهند و کودک آن را بخورد، رشد دندان‌های او آسان شده و همچون کارکرد روغن و عسل در دهان می‌باشد.

ح گفته است: پخته کوبیده پوست صنوبر در سرکه را پس از آنکه ساییده شده باشد را گرم غرغره کنند درد دندان‌ها را تسکین می‌دهد. اگر قفر را داغ کرده و آن را بر روی دندان دارای درد قرار دهند، درد آن را از میان می‌برد.

اگر پخته داغ پوست توت و قطران را در دندانی که پوسیدگی دارد، بچکانند، درد دندان را تسکین داده و برای خُرد کردن آن مفید است و اگر با سرکه آن را غرغره کنند بدون درنگ درد از میان می‌رود.

پخته برگ سبز گز، درد دندان را بهبود می‌بخشد.

پر کردن پوسیدگی دندان با غوره مازو، درد دندان را فرو می‌نشانند.

پخته پوست توت، درد دندان را بهبود می‌بخشد.

د گفته است، صمغ درخت توت برای درد دندان خوب است. این صمغ از ریشه درخت بدست می‌آید. ریشه را شکافته و یک روز آن را رها می‌کنند، صمغ از آن خارج شده و سپس خشک می‌شود.

د گفته است اگر ریشه ترشک را با شراب بپزند، درد را تسکین می‌دهد.

پخته مارچوبه یا پخته تخم آن را غرغره کنند، موجب تسکین درد دندان‌ها می‌شود.

د گفته است، سیر را اگر باکندر و چوب چرب صنوبر بپزند و در دهان نگاه دارند، درد دندان‌ها را تسکین می‌دهد.

د گفته است، اگر میوه کبر را در سرکه پخته و در دهان نگاه دارند، درد دندان را تسکین می‌دهد. اگر شاهتره تازه را بر گردن شخصی که از دندان درد گله دارد،

آویزان کنند، درد او را فرو می‌نشانند جویدن اسپند درد دندان را بهبود بخشیده و هیچ دارویی در این ویژگی با آن برابری نمی‌کند. پخته آویشن درد دندان را بهبود می‌بخشد. پخته عاقرقرحا، به علت آنکه بلغم فراوانی را جذب می‌کند، برای درد دندان مفید است. پخته شونیز و چوب چرب صنوبر در سرکه را در دهان نگاه دارند، درد دندان‌ها را تسکین می‌دهد.

نظر من، دارویی بهتر از سرکه برای کشیدن دندان ندیده‌ام. سرکه آن را تحریک کرده و با دُردی [رسوبات] سرکه، روی دندان مورد نظر بمالند. انگزه را در پوسیدگی دندان قرار دهند، درد را تسکین می‌دهد، در صورتیکه با کُندر مخلوط شود و به پارچه‌ای مالیده شده سپس روی دندان درد گرفته قرار دهند، آن را آرام می‌کند.

در صورتیکه با صعتر پخته شود، سودمند برای دندان درد است. انگدان و برگ این گیاه، نیز چنین تأثیری را دارد. اگر ریشه ختمی را با سرکه بپزند و در دهان نگاه دارند، درد دندان را تسکین می‌دهد.

اریاسیوس گفته است در صورتیکه احساس کردید دندان‌های کودک روبه رشد است، لثه او را در روز چندین بار با کره مالش دهید، دندان‌ها بدون درد رشد می‌کنند.

به ویژه اگر با عسل هم مالش داده شود بهتر است.

مسیح گفته است، کز مازک برای پوسیدگی دندان سودمند است.

یهودی گفته است، لثه کودک را هر روز با کره مالش داده و روی آن جو بگذارید، لثه را نرم کرده و رشد دندان را آسان می‌کند.

فلاحه گفته است، در صورتیکه کلم را به کودک بخورانند، رشد دندانهای او را آسان می گرداند.

یهودی گفته است، تره در پوسیدگی دندان و زیان به لثه تأثیر دارد.

دمشقی و مسیحی گفته اند، مَر مکی را اگر بر روی دندان مالش داده یا دندان را با آن پر کنند، از پوسیدگی پیشگیری می کند. زیرا نیروی خشک کنندگی فراوان به همراه گرمایی اندک دارد پس بدان اعتماد و تکیه نما.

خوز گفته است، فوفل خشک برای دندانها سودمند است.

خوز گفته است، سندروس با هیچ داروی دیگری در درد دندان برابری نمی کند تانبول ماده ای است که هندیان آن را می جویند که برای دندانها و لثه ها بسیار سودمند است.

ابن ماسویه گفته است، اگر دندانی که درد می کند را با سیر مالش دهند، فوری دندان را آرام می کند.

نظر من، دارویی که موجب تسکین درد دندان می شود، گند بیدستر و فلفل و انگزه و عاقرقرا و زنگبیل و خردل و زریوند را با عسل زنگبیل مخلوط کرده و هنگام نیاز بر روی دندان درد گرفته و نیز لثه دردناک چندین بار مالش دهند.

بخش سوم از اخلاط، کندی دندان هنگامی رخ می دهد که ملاحظه کنیم شخصی مواد کند کننده می خورد.

نظر من، اگر درد ناشی از سردی باشد، انگشت خود را در پارچه زبر پیچانده و پس از فرو بردن انگشت در دهانشویه ای که [عنوان می کنم] آن را در پیرامون دندان مالش دهید. این کار را نیم ساعت انجام دهید تا درد آرام گردد.

فلفل و مر و عاقرقرا و فرفیون و بوره ارمنی را به یک اندازه به کار برید، تأثیری شگفت دارد.

اگر درد دندان ناشی از گرمی باشد که نشانه آن تورم و آماس لثه است و دندان از جای خود بیرون زده و بالا آمده شده، درمان آن بیشتر زدن و حجامت است. نگاه داشتن سرکه در دهان با هیچ دارویی برابری نمی‌کند.

سرکه زیان‌آورترین است هنگام درد دندانی که از سردی باشد اگر درد از گرما باشد پس از بیشتر زدن، بابونج و ختمی و شنبلیله و تخم کتان را با پخته شوید و یا روغن آن پمادی ساخته و روی آرواره پس از کمپرس گرم، قرار می‌دهند. شرایط در فک با سایر اعضا تفاوت دارد با این کار، ترشحات به خارج از فک منتقل شده و با تورم و جمع شدن آن در یک نقطه، درد حتماً از میان می‌رود.

نظر من، هیچ دارویی بهتر از نگهداری آب بسیار سرد در دهان نمی‌باشد تا دندان‌ها را بی‌حس کند، البته ابتدا درد افزایش می‌یابد لیکن بزودی آن را تسکین می‌دهد.

برای دندان دردی که ناشی از آماس لثه باشد، شراب کهنه کشمش و روغن خانم گل را با هم پخته و این روغن را در دهان نگاه دارند، تأثیری شگفت دارد.

نظر من، به مردی که درد بسیاری داشت، برخورد کردم فک او را به اندازه‌ای گرم کردم که سرخ شد سپس روغن زیتون داغ را روی دندان او چکاندم و دستور دادم که بر چیز داغی مانند میانه نان داغ که تازه از تنور خارج شده باشد، گاز بزنند. پس فک او ورم کرد و درد آرام گرفت. سپس در پایان فک او را با تخم کتان و شنبلیله و شوید و ختمی و بابونه، پانسمان کردم و نیز با روغن زیتون و گند بیدستر و فرفیون، ریشه دندان را چرب کردم.

برای آسان کردن کشیدن دندان، عاقرقرا و حنظل و شبرم و مازیون و بوره قورباغه‌ها و ساقه‌ها و پوست درخت توت و زرنیخ زرد و پوست کبر و تخم انجره و بلنجاسف و مقل و انگزه بسیار مفید است.

بر پایه آنچه که در "میامر" آمده است، اگر شخصی از دندان درد شکایت کرد ملاحظه کن نخست آیا لثه او آماس و ورم دارد، زیرا مردم میان دندان درد و آماس لثه تفاوتی قائل نمی‌شوند، اگر در لثه تورم نبود، در این صورت درد از خود دندان می‌باشد گفته است، بیشتر این گونه دردها در نتیجه زیاده‌خوری غذاها و خوراکی‌ها می‌باشد و نیاز به قدرت تحلیل برندگی و ایجاد گرسنگی دارد. زیرا غذای دندان‌ها و عصب آنها، چسبنده و سرد است از این رو داروی گرم‌زا برای آن سودمند و برنده است.

اگر درد دندان از لثه نباشد پس بهتر آن است که با داروهای گرم‌زای قدرتمند که ویژگی برندگی و از میان برنده بلغم را داشته باشند، درمان نمود. این داروها نظیر پیۀ حنظل و قنطاریون و خربق سفید و جز اینها می‌باشد. این داروها را نباید به درون معده فرو داد. دندان‌های لق، یا از فراخ شدن آرواره [سوراخ استخوان جایگاه دندان] و یا از عصب پیوسته به آن می‌باشد که در این هنگام عصب رطوبت گرفته و سست می‌شود. درمان آن به وسیله داروهای بندآورنده می‌باشد اما در مورد دوم نیاز به گرم‌زایی دارد.

گفته است، دندان‌ها خود بخود با نوشیدن آب سرد، و یخ و خوراکیهای سرد، به درد می‌افتند. علت این درد سردی مزاج بدون ترشحات می‌باشد. در این هنگام نیاز است که با آب گرم کمپرس شده و در دهان نگاه داشته شده و با آن مالش داده شود. گاهی می‌تواند که این سردی مزاج با سرازیر شدن ترشحات از سر همراه باشد.

در چنین شرایطی نیاز به داروهای تحلیل برنده داریم تا آنچه (ب ۵۱۳) ترشحات که به سویس سرازیر است را از میان ببرد. بهتر آن است که از

جویدنی‌های تحلیل برنده و کمپرس کردن و مالش دادن و یا همه آنها استفاده شود.

مسیح گفته است، خوراک بسیار گرم و بسیار سرد برای دندان‌ها، زیان داشته و باید از آن دوری کرد.

گفته است، پوسیدگی را با تکه‌ای مصطکی و کندر پرکنید، اگر آماس در لثه نباشد و درد بسیار سخت در دندان باشد، از مواد گرم‌زای شدید همچون فلفل و فریون استفاده کن و از بیرون با نمک گرم، کمپرس کنید و پوسیدگی دندان را با انگزه پر کنید که به سرعت درد را از میان می‌برد.

فلدفیون شگفت‌انگیز است، گفته است دورطل سرکه را در کوزه‌ای تازه بریزید و آن را شبی در تنور قرار دهید درحالی‌که درب آن را بسته‌اید. پس از سرد شدن آن را باز کرده و زرنیخ سرخ و نوره از هر کدام دو قسمت تهیه کرده و با آن سرکه مخلوط نمایید و هنگام نیاز از آن روی لثه را مالش دهید، لثه را قوی و سفت می‌کند. این کار در سال سه بار کافی می‌باشد سپس با عسل و سرکه دهان را غرغره کنید که انشا... سودمند است.

برای پیشگیری از جرم دندان، می‌بایست دندان‌ها را هنگام خواب، روغن مالیده و از هر چیزی که دندان‌ها را زبر کند، دوری نماید.

نظر من، مازو و کات کبود شفاف و نشادر و عاقرقرا را به یک اندازه برگرفته و با قطران مخلوط می‌کنند سپس داروی بدست آمده را روی دندان درد دار، مالش داده و پوسیدگی را با آن پر می‌کنند. برای درد بسیار مفید است.

همچنین این دارو شگفت‌انگیز و کارآزموده است و آن را به کشورهای دیگر برای استفاده می‌برند. مغز هسته شفتالو و به اندازه نیمی از آن فلفل را با قطران

مخلوط کرده و دندان را با آن مالش می‌دهند. و یا پوسیدگی را با آن پر کنند و پنبه‌ای بر روی آن قرار داده سپس روی آن را گاز بگیرند.

طبیعیات گفته است، مخلوط عصارهٔ توت با کندر را بر روی دندان چسبانده و در همان دم کشیدن دندان را آسان می‌گرداند.

دهانشویه شگفت، آب جو پخته را با عسل و قطران مخلوط کرده و از آن قرص‌هایی را می‌سازند و در کاغذی پیچانده و بر روی آجری در درون تنور قرار می‌دهند. هرگاه رنگ آن سیاه شد از تنور خارج کرده و باز کرده و با پوست عود و گلنار و پوست درخت انار و ریشهٔ جوز و نمک، از هر کدام ده درم مخلوط کرده و دهان را با آن غرغره کنند.

نظر من، برای پیشگیری از کندی زودرس دندان‌ها، می‌بایست از خوردن یخ و سرکهٔ ترش بندآورنده پرهیز کرده و دندان‌ها را با عسل مالش دهید و از خوردن شکر و بادام و به ویژه نارگیل و خوراکی‌های چرب که گرمازا هستند و نوشیدن شراب خودداری کرد.

جبرئیل بن بختیشوع گفته است، آرد جو و نمک نرم را مخلوط کرده به یک اندازه و در عسل قرار می‌دهند و با پختهٔ ریحانی و قطران شامی آن را مخلوط کرده و روی آجری قرار می‌دهند و در تنور می‌گذارند. هنگامیکه سوخت، پخته شده، آن را می‌سایند و پس از آن بیست درم کز مازک و چهار درم ریشهٔ جوز و چهار درم فوفل و چهار درم زنجبیل را به آن افزوده و دهان را با آن شستشو و دندان‌ها را مالش می‌دهند موجب پاکی و درخشانی دندان‌ها و پاکیزگی دهان می‌شود.

دندان پوسیده شده را با تریاک یا فلونیا، پر کنند درد را از میان می‌برد

دسیقوریدوس گفته است، اگر شاخ گوزن را با سرکه پخته و با آن دهانشویه کنند درد دندان را از بین می‌برد. سوخته آن دندان‌ها را پاک و درخشان می‌کند. اگر عصاره اناعلس را در سوراخ بینی که در سمت مخالف دندان دردناک باشد، بچکانند، درد را آرام می‌کند.

گذاشتن انگزه در پوسیدگی دندان، درد را فرو می‌نشاند، همچنین اگر با کندر مخلوط شود، و روی پارچه‌ای بمالد و آن را روی دندان دردناک قرار دهند، درد را فرو می‌نشاند.

اگر همراه آن زوفا و انجیر و سرکه مخلوط با آب، پخته شده و در دهان غرغره کنند، همین تأثیر را دارد.

پخته ریشه باداورد خوب، اگر غرغره شود برای درد دندان مفید است. **د گفته است**، بر طبق گفته جالینوس، اگر آن را در دهان غرغره کنند، برای درد دندان مفید است.

د گفته است، به گفته جالینوس، اگر پخته بنگ و یا تخم بنگ را با سرکه در دهان غرغره کنند برای درد دندان سودمند است. و نیز اگر پخته ریشه بوصین را در دهان غرغره کنند، درد آرام می‌گیرد.

قرار دادن جاوشیر در پوسیدگی دندان، درد را فرو می‌نشاند. جوشانده پوست چنار با سرکه و غرغره کردن آن، درد را از میان می‌برد. **ح گفته است**، غرغره کردن با پخته مارچوبه و دهانشویه آن، درد دندان را آرام می‌کند.

جالینوس گفته است، دهانشویه کردن تخم و ریشه مارچوبه، درد دندان را بهبود می‌بخشد. زیرا هر دو خشک کننده بدون گرمایی هستند. و این چیزی است که بیشتر بدان نیاز است به ویژه روغن گل را غرغره کنند که برای درد

سودمند است. روغن انفاق را اگر در دهان نگاه دارند، موجب تقویت دندان‌ها می‌شود.

عصاره زیتون بیابانی که گزنده زبان است را در بخش پوسیدگی دندان بگذارند، درد آرام می‌شود.

دهانشویه کردن پخته زوفا با سرکه درد دندان را از بین می‌برد.
د گفته است، اگر کات کبود سرخ مشهور به سوری را در قسمت پوسیده دندان بگذارند، درد آرام می‌شود.

اگر مغز گندم را در سرکه خیسانده و روی خاکستر داغ آن را بپزند، سپس با آن دهانشویه نمایند، برای درد دندان سودمند است.

پولس گفته است، پوست مار دارای خاصیت خشک کنندگی قوی می‌باشد از این جهت اگر با سرکه پخته شود و غرغره شود، درد دندان را از میان می‌برد.
 اگر پخته ریشه ختمی را در شراب، در دهان غرغره کنند، درد دندان را آرام می‌نماید.

ریشه گیاه فریبون و سرکه اگر پخته شده و غرغره شود، درد دندان‌ها را تسکین می‌دهد. به ویژه درد دندان پوسیده را از میان می‌برد. عصاره گیاه فریبون که قوی می‌باشد را اگر در پوسیدگی قرار دهند، با موم روی آن را بپوشانند تا به لثه آسیبی نرساند زیرا به سرعت باعث زخم آن می‌شود. ضروری است که پیرامون دندان را موم قرار دهند. سپس شیرابه را درون آن بچکانند.

ریشه کرفس بیابانی را اگر به گردن دندان درد گرفته قرار دهند، درد را فوراً می‌نشاند لیکن موجب خرد شدن آن می‌شود و این به علت خاصیت خشک کنندگی قوی آن می‌باشد.

جالینوس گفته است، اگر تخم تره را پس از ساییدن با قطران مخلوط کنند، سپس دندان‌های پوسیده شده را با آن پر کنند، درد دندان را آرام می‌کند. و کرم‌ها [باکتریها] را از میان می‌برد.

د گفته است، اگر میوه و ریشه کبر را با سرکه پخته و در دهان غرغره کنند، درد دندان بهبود می‌یابد.

گفته است، اگر با دندانی که درد دارد، بر روی ریشه کبر مرطوب گاز بزنند، سودمند است.

د گفته است، جالینوس گفته است، پوست ریشه کبر برای درد دندان سودمند است. اگر پخته آن را یکبار با سرکه و یک بار با شراب در دهان غرغره کنند و یک بار به اندازه‌ای که نیاز است، تنها روی آن گاز بزنند، درد دندان را تسکین می‌دهند. با آب بارهنگ پخته، غرغره کرده و یا ریشه آن را گاز بزنند درد دندان را فرو می‌نشانند.

د گفته است، جالینوس گفته است، بارهنگ در درمان هرگونه درد دندان سودمند است به کسی که درد دارد، ریشه آن داده می‌شود که آن را بجود. ریشه آن نیز با آب پخته شده و غرغره کنند. اگر مویزک را با سرکه بپزند سپس آن را دهانشویه کنند درد دندان را از میان خواهد برد.

آب جوشیده سرد شده برای دندان‌های پوسیده مفید است.

روفس گفته است، هیچ دارویی با سندروس در کمک به درمان درد دندان برابری نمی‌کند. پخته ریشه شیرین بیان بیابانی را اگر غرغره کنند، تسکین دهنده درد دندان‌ها می‌باشد. زیرا این ریشه دارای قدرت بندآورندگی و تحلیل برندگی را با هم داراست.

جالینوس گفته است، اگر صمغ سماق را که دباغ‌ها به کار می‌برند در پوسیدگی دندان قرار دهند، درد را آرام می‌نماید. سرکه گس را اگر در پوسیدگی دندان قرار دهند موجب آرامش درد دندان می‌شود.

ساقه‌های صباغین را اگر بچوند موجب آرامش درد دندان می‌شود.
جالینوس گفته است، جگر وزغ بیابانی را اگر در پوسیدگی دندان‌ها قرار دهند، درد آن را تسکین می‌دهد.

د گفته است، اگر عاقرقرا را با سرکه پخته سپس غرغره کنند در درد دندان سودمند است.

د گفته است، خاکستر شاخ سوخته درد دندان ناشی از سردی را بهبود می‌بخشد.

د گفته است، پوست کاکنج که خاصیت خواب آورنده را دارد اگر پخته و در دهان نگاه دارند، درد را تسکین می‌دهد.

د گفته است، پوست صنوبر را اگر در سرکه جوشانده و با آن دهانشویه نمایند، درد را آرام می‌کند.

پولس گفته است، قفر را اگر در دندان درددار قرار دهند، درد آن را تسکین می‌دهد.

د گفته است، دهانشویه با پخته خیار چنبر در سرکه، درد دندان را آرام می‌نماید.

د گفته است: قند را در پوسیدگی دندان قرار داده موجب تسکین درد می‌شود. و گذاشتن قطران در پوسیدگی دندان، موجب خرد شدن دندان می‌شود. و اگر به همراه سرکه آن را در دهان غرغره کنند همچنین موجب تسکین درد آن می‌شود.

- د گفته است،** ریشه شاهتره را اگر در گردن کسی که درد دندان دارد، آویزان کنند، چنین می‌پندارد [روان درمانی] که درد را آرام می‌کند.
- د گفته است،** شونیز اگر با کات کبود بلورو چوب چرب صنوبر در سرکه پخته و به صورت داغ آن را غرغره کنند، درد را کاهش می‌دهد.
- د گفته است،** اگر برگ توت را خوب ساییده و در سرکه بپزند و آن را به صورت داغ غرغره کنند درد دندان را آرام می‌کند.
- د گفته است،** همچنین اگر چوب آن را خرد کرده و خوب بپزند پخته برگ و ساقه درخت توت برای درد دندان مفید است. عصاره توت برای درد دندان سودمند است.
- د گفته است،** شیرۀ انجیر اگر در پوسیدگی دندان قرار داده شود، درد آن را تسکین می‌دهد.
- د گفته است،** اگر سیر و چوب صنوبر و کندر را پخته و در دهان نگاه دارند، درد دندان‌ها را از میان می‌برد.
- د گفته است،** ریشه ختمی را اگر در سرکه پخته و غرغره کنند درد دندان را تسکین می‌دهد.
- د گفته است،** اگر خراطین را در روغن زیتون پخته و در گوش مخالف سمت دندان درد بچکانند آن را بهبود می‌بخشد.
- د گفته است،** غرغره کردن سرکه در درد دندان سودمند است.
- د گفته است،** سرکه برای همه دردهای دندان‌ی مفید است و اگر دندان درد ناشی از سردی باشد آن را گرم کرده و غرغره نمایند.
- ابن ماسویه گفته است،** عصاره ریشه خشتی را اگر در گوش سمت مخالف دندان درد بچکانند، درد را تسکین می‌دهد.

د گفته است، اگر خربق سیاه را در سرکه پخته و غرغره کنند، درد دندان‌ها را از میان می‌برد.

جالینوس گفته است، هر دو خربق چنین تأثیری را دارند.

او گفته است، این دو به این علت در دندان‌ها مفیدند که به شدت خاصیت خشک کنندگی و گرمایی دارند.

ابن ماسویه گفته است، آنچه که برای پوسیدگی دندان‌ها سودمند است، قطران با مغز عفس و تخم تره ساییده شده را که به صورت مخلوط درآورده در پوسیدگی قرار می‌دهند.

انگیز نیز چنین خاصیتی را دارد.

اسحاق گفته است، اگر دندانی دچار پوسیدگی شد، شونیز را در سرکه‌ای تند ساییده و پوسیدگی را با آن پر کنید.

اگر درد دندان از سردی باشد، با جوییدن عاقرقرا و مویزک و غرغره کردن سکنجبین و یا آب عسل که در آن زوفا و نعنای بیابانی پخته شده باشد، آن را درمان کنید. و اگر از گرما باشد، گلاب و آب سماق و سرکه برای آن مفید است. در صورتیکه در دندان‌ها، سردی دیده شود، برگ و دانه ساییده گیاه غار را به یک اندازه ساییده و بر آنها قرار دهند.

از "تذکره عبدوس": در مورد درد دندان‌ها، خربق سیاه را در سرکه پخته و در دهان غرغره کنند. و یا بنطافلن و یا مویزک را در سرکه پخته و سپس آن را در دهان نگاه دارند. و نیز برگ چنار یا برگ گیاه غار و یا مازو را با سرکه پخته و سپس آن را در دهان نگاه دارند.

از "تذکره": در مورد دندان‌های دارای پوسیدگی و درد، زرنیخ سرخ را در روغن زیتون جوشانده و در قسمت پوسیده چکانده شود، بسیار سودمند است.

جالینوس در [کتاب] حيله البرء گفته است: از گندیدستر و تریاک با شرابی شیرین و می پخته، شیافی آبکی ساخته شده و آن را در دندان دارای پوسیدگی می چکانند و نیز در گوشی که در سمت دندان دچار بیماری است چکانده می شود و درد را از میان می برد.

در کتاب "علل و الاعراض" آمده است: چیرگی خشکی بر بدن موجب شکستگی و خردشدگی دندانها می شود.

ایبذمیا گفته است: درد دندانها یا از آماس و یا پوسیدگی و یا از گرمای شدید و شاید نیز نتیجه ترشحاتی باشد که از سر بدن سرازیر می شود.

در دندانهای پوسیده شده ضروری است که از همان آغاز شروع درد، به راندن ترشحات از آن اقدام شود. اگر با گذاشتن داروهای گرم و رطوبت دار در آن، درد به درازا کشیده شد، پس با فلفل کوبیده شده، نواحی پوسیده را پر کنید و می بایست مواد یاد شده را با فشار در ناحیه پوسیدگی قرار ندهید موجب زیان می شود. اگر باز درد همچنان ادامه یافت با مواد مخدر آنها را پر کنید.

روفس به مردم گفته است: اگر دندان درد دار، لق شود آن را آرام خارج سازید و از کشیدن دندانی که لق نمی باشد، بپرهیزید زیرا ممکن است گوشت نمایان شده و موجب عفونت شود که در نتیجه دچار دردی شدید می شود. گاهی نیز به دنبال آن درد چشم و پدید آمدن قی [چرک] در آن و سردرد را به همراه دارد. قرار دادن کات کبود بر روی دندان دارای درد سودمند است. و اگر کات کبود آب شود یا از جا کنده شود یکی دیگر جایگزین آن شود. اگر مایل بودید که به سرعت تحلیل نرود، پیرامون آن را با پارچه ای نازک بپوشان، قرار دادن پانسمان پخته تره در سرکه و یا پخته برگ جعده و یا پخته چوب چرب صنوبر در میان

دندان‌ها و یا پخته مویزک در شراب و یا پخته ریشه آس و یا برگ لایحه و عاقرقرا و یا نعنای آبی به همین شکل، سودمند می‌باشد.

و نیز عصاره عوفا و سداب و یا گاوشیر و یا انگزه که با اندکی فلفل مخلوط شده باشد را در دندان گذاشته و موم روی آن قرار دهید و یا در آن قرار دهید و نیز می‌توان بیرزد در آن قرار دهید.

دندانی که دارای پوسیدگی است، مقداری از آنچه که یاد کردیم در آن قرار دهید و یا در آن عصاره انجیر و یا تریاک و بیرزد و یا زرنیخ با موم و یا کشمش کوهی و یا فلفل و صمغ و موم بگذارید و یا شرابه گیاه فریون را به همراه قطران در آن قرار دهید. با گذاشتن قطران بر روی دندان باید نگران شکستن دندان بود و باید از آن پرهیز کرد زیرا که زیان و درد آن سخت تر و شدیدتر است.

داروی تجربه شده: کات کبود و عسل را در ظرفی از مس پخته و قطراتی از آن را در حالیکه داغ است، در دندان دارای پوسیدگی بچکانید و یا آن را با سقز و یا برگ قوقور که ینبوت است و برگ زیتون را با سقز مخلوط کرده و در دندان مورد نظر قرار دهند که آزموده شده است.

بختیشوع گفته است: در قسمت پوسیده، انگزد قرار داده شود فوراً درد را تسکین می‌دهد. همچنین می‌بایست در آن موم قرار داد که از تحلیل آن پیشگیری کرده و نیز در آن جاوشیر قرار دهید.

جالینوس در "میامر" گفته است: درد دندان به وسیله عصبی که به ریشه هر دندان وارد می‌شود درد گرفته و تسکین و از میان رفتن آن با کشیدن آن دندان است. زیرا پس از کشیدن دندان، کشیدگی در عصب به وجود نمی‌آید چون ارتباط آن با دندان و استخوان که پیش از آن برقرار بوده، جدا شده و راهی برای تماس آن با دارو پیدا می‌شود.

گفته است، لقی طبیعی دندان به علت بیماری نبوده و بلکه در نتیجه باریک شدن دندان و گشاد شدن سوراخ استخوانی جایگاه دندان می باشد که در کهنسالی رخ داده و هیچ درمانی ندارد. در چنین بیمارانی باید لثه ایشان را نیرومند ساخته تا لثه بتواند دندانها را محافظت کند.

گفته است: دردی که در آن دیده می شود همانند آماس فلغمونی در سایر اعضا بدن بوجود می آید که در جوانان رخ می دهد.

پوسیدگی دندانها در نتیجه ترشحاتی است که به سوی دندان سرازیر می شود، اگر مقدار آن اندک باشد می توان دندان را با داروهای خشک کننده درمان نمود (ب ۵۱۵)۲. ولی اگر این ترشحات فراوان باشد برای درمان نیاز به پاکسازی سر و پیش از آن، تمامی بدن می باشد.

دندانهایی که زود دچار خوردشدگی و شکستگی می شود از رطوبت بوده پس می بایست به دادن نیرو با داروهای خشک کننده آن را درمان کنیم.

دندانهایی که دچار تغییر رنگ می شود مثل دندانهایی که سبز رنگ می شوند علت آن ترشحات رطوبتی است که با درمان به وسیله داروهای خشک کننده اقدام می کنیم.

جالینوس گفته است: اگر دندانی دردناک باشد بدون آنکه در لثه دردی وجود داشته باشد می تواند این درد از خود دندان باشد و نیز می تواند از عصبی باشد که از ریشه آن وارد شده است. بنابراین در چنین شرایطی نیاز به داروهای خشک کننده تحلیل برنده که گاه باید بسیار نیرومند نیز باشد بهره ببریم. از این رو از سرکه بسیار تند استفاده می شود.

دیدگاه من: اگر درد از خود دندان باشد، پس ریشه این درد در استخوان است. بهتر است از دارویی بهره گرفت که از دندان و لثه عبور کرده و بدان برسد. بنابراین از داروهای نیرومند و قوی باید استفاده کرد.

در درد دندان، سرکه‌ای که در آن عاقرقرا یا پیئه حنظل را جوشانیده باشند داده شده تا غرغره فراوانی کند و نیز آن را به مدتی طولانی در دهان خود نگاه دارد و یا شونیز را ساییده و از مخلوط بدست آمده، در دندان دارای درد قرار دهید.

در قسمت پوسیده شده دندان، فلفل و بارزد و عسل و یا انگزد و یا شونیز و یا سیر و یا مازو که با قطران مخلوط شده‌اند، قرار دهید.

اگر درد ادامه یافت، آهنی را داغ کنید و چندین بار روی دندان بگذارید. این کار دندان را به گونه‌ای آماده می‌کند که دیگر پذیرای درد نباشد. در دردهای فراوان، کمپرس فک با ارزن و دندان دردناک با روغن داغ شده بسیار مفید است. گذاشتن چندین بار موم روی دندان دردمند، درد را آرام می‌سازد. اگر درد بسیار سخت باشد، دندان را با وسیله‌ای سوراخ کننده، سوراخ کنید سپس به درمان آن پردازند که در این هنگام نفوذ پذیر شده و دارو به آسانی به درون دندان نفوذ می‌کند.

گفته است: کات کبود یمنی را با مُر مکی ساییده و مخلوط کنید. سپس آن را روی دندان بمالید که از پوسیدگی دندان برای همیشه، جلوگیری کرده و هرگز درد نمی‌گیرد. اگر ناگهان لثه درد بگیرد، عسل به کار ببرد و یا شونیز را جوشانیده سپس با سرکه تند ساییده شده و درون ناحیه پوسیدگی قرار داده شود که موجب پیشگیری از ادامه پوسیدگی در آن می‌شود.

حنین در درمان دندان‌ها گفته است: دندان‌ها ترشحاتی که به آنها سرازیر می‌شوند را می‌پذیرند و در صورتیکه حنین ترشحاتی را نمی‌پذیرفتند، دندان‌ها سیاه نمی‌شدند.

دوم آنکه اگر دندانی کشیده شود، دندان مقابل آن رشد کرده و بلند می‌شود. زیرا در آغاز موقع جویدن، دندان‌ها به هم ساییده می‌شد و هنگامیکه کشیده می‌شود، برای دندان ساییدگی وجود ندارد. پس شروع به رشد می‌کند.

حنین گفته است: اگر بیماری در ریشه دندان‌ها احساس درد داشته باشد، اگر آن را بکشد درد تسکین می‌یابد، زیرا عصبی که به دندان می‌آید، استراحت کرده و ترشحات به آسانی رو به تحلیل گزراده و داروها نیز به آسانی با آن برخورد می‌کند.

اگر دندان‌ها دچار پوسیدگی شده باشند اگر کم باشد داروهای با ویژگی خشک کنندگی نیرومند از ادامه پوسیدگی جلوگیری می‌کنند. و اگر فراوان باشد، باید به پاکسازی بدن سپس تمامی سر پرداخته زیرا اینها از ترشحات تند و قوی می‌باشند.

داروهایی که از پوسیدگی پیشگیری می‌کنند عبارتند از کات کبود و مازو و نمک و شونیز و فلفل و زنگیل و بوره و جز اینها که از داروهای خشک کننده نیرومند به شمار می‌آیند. داروهای سرد را در جای خود و گرم را نیز در جای خود به کار برید. زیرا این داروها در صورتیکه به ریشه دندان دردناک و یا در بخش‌های بالاتر دندان قرار داده شوند از ادامه پوسیدگی پیشگیری می‌کنند.

اطهور سفس گفته است: در دم گرگ، استخوانهای تیزی وجود دارد که پس از پاکسازی و تمیز کردن آنها، اگر تیز نبودند، سر آنها را با چاقو تیز کنید. هنگامی

که شخصی از درد دندان شکایت کرد، با آن استخوان تیز، پیرامون دندان دردناک را شکاف دهید تا خون سرازیر شود که پس از آن درد آرام می‌گیرد.

دیدگاه من: بر اساس آنچه که دیده‌ام، درد دندان اگر طولانی شد و داروها در آن تأثیری نگذارد، میله‌ای را به این شکل اختیار کرده و آن را به گونه‌ای داغ کنید که سرخ شود سپس یکبار آن را بر روی سطح جونده دندان قرا داده و دوبار هم از دو سوی جانی دندان، می‌توانید سه یا پنج یا هفت بار قسمت‌های یاد شده را داغ کنید. درد آرام شده و دیگر پس از آن دندان پذیرای درد نمی‌شود. اگر در این کار زیاده روی کنید، موجب خرد شدن دندان می‌شود.

طبری گفته است: خوراکیهای شیرین و ترش و گرم و سرد زیاد و سرد پس از گرم و گرم پس از سرد موجب زیان دندان‌ها می‌شود.

گفته است: در صورتیکه درد دندان پوسیده افزایش یافت و داروها در آن نفوذ نکرد با میله‌ای سر خمیده، یک دقیقه آن را داغ کنید و در صورتیکه پوسیدگی داشت در نواحی پوسیدگی و پیرامون آن را داغ کنید.

اهرن گفته است: دندان‌هایی که با سرما احساس درد می‌نمایند را با عسل و زنجبیل و جز آنها مالش دهید تا گرم شوند. و اگر به علت خشکی باشد با کره و چربی اردک و جز آن مالش دهید. اگر درد از رطوبت باشد، با سرکه و نمک، دهانشویه کنید و اگر درد از بند آورنده‌ها باشد با داروهای نرم کننده مانند حنظل و مُر و بوره و جز اینها بهره گیرید.

نظر من: درد دندانی که از سردی باشد بدان رفتن آب دندان گویند و درد ناشی از گرمی را کندی نامند.

کناش فارسی: برای درد دندان کافور را بر ریشه آن قرار می‌دهند. بسیار شگفت‌انگیز است.

- د گفته است: شربت برگ آس و پخته برگ آلوئی بیابانی سودمند است.
- جالینوس گفته است: خاکستر شاخ سوخته گوزن، لثه‌ها را تقویت می‌کند.
- د گفته است: پیاز دشتی، لثه تحلیل رفته و شُل را استوار و محکم می‌سازد.
- د گفته است: تخم گل را اگر خوب ساییده و با شکوفه‌های آن و جامی که در میانه گل قرار دارد بر روی دندان قرار دهند، بسیار خوب است.
- د گفته است: روغن انفاق را اگر در دهان نگاه دارند، موجب تقویت لثه می‌شود.
- د گفته است: محلول نمک و زیتون که در آن فشرده شده باشد، شُل شدن لثه را از میان می‌برد.
- د گفته است: برای درمان لثه‌های خونریزی دهنده، پارچه‌ای پشمین (ب ۵۱۶) را بر میله‌ای قرار داده [همچون گوش پاک کن] و در روغن زیتون بیابانی داغ فرو برده و آن را چندین بار بر روی لثه قرار دهید، به طوریکه لثه سفید شود.
- دیدگاه من: همینطور انجام شود.
- د گفته است: سرکه پیاز، دندان‌های لق و متحرک را ثابت و استوار می‌سازد.
- د گفته است: کات کبود قرمز معروف به سوری، دندان‌ها را محکم و استوار می‌کند.
- د گفته است: صمغ صنوبر برای درد لثه مفید است.
- د گفته است: مخلوط حسک با عسل، درد لثه را از میان می‌برد.
- د گفته است: زنگار آهن، لثه را محکم می‌کند.
- د گفته است: مازو و میوه گز چنین تأثیری را دارند.

د گفته است: میوه تاک بیابانی را اگر با عسل مخلوط نمایند، لثه خون چکان را بهبودی می‌بخشد. خوردن بادام تازه با پوست‌های درونی‌اش، لثه را سخت و قدرتمند می‌سازد.

ابن ماسویه گفته است: غرغره کردن شیر الاغ، دندان‌ها و لثه‌ها را سخت می‌کند.

د گفته است: عصاره برگ بارهنگ، لثه شُل و خونریزی دهنده را قدرت می‌بخشد.

د گفته است: جویدن مصطکی موجب قدرتمند شدن لثه می‌شود. و نیز پخته گیاه مصطکی اگر جویده شود، لثه را محکم می‌سازد.

د گفته است: اگر مرو را با شراب پخته و غرغره کنند، لثه و دندان‌ها را تقویت می‌کند.

د گفته است: پخته مویزک را اگر غرغره کنند، رطوبت لثه را از میان برده و نمک با آب سرد را اگر بر روی لثه پانسمان کنند، لثه را تقویت می‌کند.

روفس گفته است: زنگار برای ورم لثه و باد کردن آن مفید است.

د گفته است: بوره ارمنی را با خمیر نان مخلوط کرده سپس خوب بپزند و آن را برای شخصی که دچار سستی دندان‌ها شده به کار برند.

د گفته است: هیچ دارویی با سندروس در درمان لثه برابری نمی‌کند.

د گفته است: اگر سماق را غرغره کنند، لثه شُل و دندان‌های لق را درمان می‌کند.

ابن ماسویه گفته است: سنگ سنباده، لثه وارفته را درمان می‌نماید زیرا خاصیت داروهای سوزاننده را دارد.

د گفته است: مازو را اگر خوب ساییده و بر روی لثه قرار دهند، مانع از سرازیر شدن ترشحات [عفونی] بدان می‌شود.

د گفته است: آب غوره برای لثه شُل، مفید است.

د گفته است: شاخ بز اگر سوزانیده شده تا اینکه سفید شود، لثه را محکم و درد آن را از میان می‌برد.

بولس گفته است: جویدن علیق [ورد] موجب استحکام لثه می‌شود.

د گفته است: صبر، لثه را قدرت می‌بخشد.

د گفته است: دانه صدف سخت را اگر بسوزانند، برای تقویت لثه مفید است.

قلقطار و قلقدیس برای ورم لثه و زخم‌های بدخیم سودمند است.

د گفته است: قیسوم، لثه را محکم می‌سازد.

د گفته است: پخته گلنار برای لثه و دندان‌های شُل، سودمند است.

ابن ماسویه گفته است: کات کبود، لثه را تقویت کرده و دندان‌ها را محکم می‌سازد اگر آن را با سرکه یا عسل مخلوط کنند.

ابن ماسویه گفته است: شاهتره، نیرودهنده و از بین برنده درد لثه می‌باشد.

د گفته است: سرکه لثه خونریزی دهنده و جدا شده از دندان را بهبود و استوار می‌سازد.

ابن ماسویه گفته است: داروهایی که موجب تقویت لثه و دندان‌ها می‌شوند عبارتند از: سماق و گل و جام و تخم آن و صمغ صنوبر و مازوی سوخته‌ای که در سرکه نارس قرار داده شده باشد و فلفل و جام و تخم انار و دانه آس رسیده و نمک اندرانی جوشانیده در سرکه نارس و رامک و مازو را به یک اندازه گرفته و کوبیده و روی آن بچسبانند، سپس با سرکه نارس و آب سماق غرغره کنند.

اسحاق گفته است: سردی، لثه و دندان‌ها را استوار می‌کند. گلنار و مازو و دانه سبز آس و گل و جام آن و سماق و جفت بلوط، روی لثه قرار دهند. **دهانشویه سفید کننده:** و از بین برنده حرارات عبارتند از، مازو و تخم و گل و سنبل الطیب و درون خزف سبز و نمک را به یک اندازه گرفته و با آن دهانشویه کنند.

ناشناسی گفته است: برای وارفتگی لثه و لقی دندان‌ها می‌توان از آس خشک و مازوی سبز و سماق که دانه آن جدا شده و گلنار و صبر و میوه و ریشه سفید خار و کات کبود و نمک و گل و جام آن را نرم ساییده و با آن دهان را بشویند. و نیز درباره لثه شُل، برگ سرو و مازو و گلنار را در سرکه پخته و با آن پیوسته غرغره کنند. درباره جرم دندان، شیشه و قیسور را نرم ساییده و داروی بدست آمده را روی جرم دندان‌ها بمالید، باید دقت شود که دارو به بافت نرم برخورد نکند.

نگاه داشتن عصاره آس و یا عصاره برگ تازه زیتون و یا ماست ترش در دهان، برای آماس لثه و گوشت میان دندان‌ها و وارفتگی لثه‌ها و خونریزی آن سودمند است.

مالیدن ساییده سنگ سنباده روی جرم، به صورت چندین روز آنها را از بین برده و بخش مرده لثه را از آن جدا می‌سازد.

چنانچه رنگ لثه به سرخی و کبودی تمایل به سیاهی درآید، آن را با فلتفیون، آرام درمان می‌کنند. اگر لثه سیاه شده و یا دچار سستی شود، درمان آن تنها با مالش دادنِ سفتِ آن است و سپس نیم ساعت آن را رها کرده سپس با نمکی که در سرکه چندین روز قرار داده شده است، دهانشویه کند.

در درمان درد لثه از "تذکره عبدوس": کات کبود بلور و سماق و جفت بلوط و گل و جام آن و گلنار و رامک و میوه گز و برگ حنای مکهای و عود کاذی و دانه آس و هلیله کابلی سوخته و مازو و آقاقیا را گرفته و آن را با گلاب و آب آس در دهان غرغره می کنند.

میامر درباره درد لثه گفته است: دهانشویه کردن، با پخته ریشه بنگ در سرکه برای درد لثه سودمند است. برای آماس آن، کات کبود و یک چهارم از مقدار کات کبود از نمک اندرانی را گرفته و روی لثه قرار می دهند. هنگامیکه لثه شروع به سوزش کرد آن را برداشته و سپس با برگ زیتون، دهانشویه کنند.

دهانشویه ای که دندان ها را پاک و سفید کرده و بوی دهان را خوشبو می نماید و از پوسیدگی دندان ها پیشگیری کرده و درد آنها را از میان می برد عبارتند از، بورق و حراسیفا که همان سقن است و مر را به یک اندازه از همه برگرفته و ساییده و به کار برند.

نظر من: بسیار خوب است آن را به کار بر اگر به سقن دسترسی نداشته از صدف سوخته بهره بر.

گفته است: هرگونه فسادی در لثه را با فلفیون درمان کن

دهانشویه ای با تأثیری شگفت: این دارو را حنین با تجربه های خود بدست آورده است.

گل سرخ سه درم و ریشه جو پنج درم و هلیله زرد بی هسته پانزده درم و قرفه و دارچین سه و کات کبود دو درم و عاقرقرحا هفت درم و نشادر یک درم و دارفلفل و سئک یک درم و زعفران یک درم و نمک پنج درم و سماق چرم سازان دو درم و میوه گز سه درم و قافله چهار درم و زرنباد شانزده درم و گلنار چهار درم همه را ساییده سپس دهانشویه می کنند که سودمند است.

حنین گفته است: کسی که می‌خواهد تندرستی دندان‌ها را همراه داشته باشد باید از فاسد شدن خوراک در معده بپرهیزد و سعی در بالا آوردن خوراک اضافی از معده را داشته باشد به ویژه آنکه اگر ترش کرده باشد که خود برای فاسد شدن دندان‌ها مهم است و اگر قی کرده، دندان‌ها و لثه و دهان را به گونه‌ای شستشو دهند که زیان آن از بین برود. از جویدن زیاد سقز و امثال آن پرهیز کند که موجب شکستگی دندان‌ها بوده و ریشه دندان را از بین می‌برد. و نیز از آشامیدن چیزهای بسیار سرد به ویژه پس از خوردن خوراک گرم پرهیز کند. از خوردن خوراکیهایی که زود گندیده شده مثل شیر و پنیر و نمکسود و صحناء پرهیز کند. در صورتیکه از خوراکیهای یاد شده استفاده نمود، پس از آن دندان‌ها و لثه‌هایش را به خوبی شسته و پاک و از باقی مانده‌های غذایی در میان دندان‌ها حتماً پرهیز کرده و آنها را تمیز کند.

چنانچه از موارد یاد شده بالا دوری شود، تندرستی را همواره همراه داریم اگر البته دندان‌ها از آغاز سالم و خوب باشند. چنانچه بخواهند دندان‌ها تمیز و سفید و نیرومند باشند از به کار بردن دهان شویه‌ها غافل نباشید.

بهترین دهان‌شویه‌ها آنهایی هستند که ویژگی خشک کنندگی ملایمی را داشته و گرمازا و سرمازا نباشند. زیرا خشک کنندگی با طبیعت دندان‌هایی که دارای پوسیدگی هستند، همراه بوده و نیز لثه همواره نیاز به خشک کنندگی دارد. دندان‌ها نیاز به سرما و گرما ندارند به جز هنگامی که از طبیعت همیشگی خود خارج شوند.

هرگاه بر این طبیعت پایدار شدند دهانشویه‌های اختیار شده‌ای را که دارای ویژگی سرما و گرمایی باشند نباید به کار گرفت.

اگر در لثه ترشحات رطوبتی دیده شود پس در دهانشویه، دارویی اضافه کنند که آن را نابود سازد. چنانچه دندان‌ها در پس خوردن خوراکیهای سرد، دچار سردی شوند، پس داروهای گرم‌زا همچون صعتر و سداب را در داروهای جویدنی و دهانشویه‌ای به کار برید.

برای دندان‌هایی که دچار سردی شده‌اند، ابهل و پوست ریشه کبر و عاقرقرا را به یک اندازه گرفته و دندان‌ها را با آن مالش دهید.

هر گاه لثه به سرخی و گرایش به رطوبت پیدا کند، به بند آورنده‌هایی همچون گلنار و مازو و کات کبود و آب‌های سرد و بند آورنده برای لثه روی آورید. برای تقویت و افزایش لثه در دهانشویه خود، ایرساو آرد کرسنه و جو و جز اینها قرار دهید.

در درمان لثه: ابتدا در آغاز بیماری لثه، آن را با داروی فلتفیون به صورت آرام مالش دهید و در صورتیکه خون لثه افزایش یابد [خونریزی دهنده شود] با داروهای تحلیل برنده و دادن مالش و پس از آن با داروهای بندآورنده و سردی‌زا همچون گل سرخ و تخم آن و کافور و صندل درمان کرده تا از آماس آن ناحیه جلوگیری و آن را ترمیم کند. در صورتیکه عفونت و [نکروز] در آن دیده شود پس بخشهای عفونی آن را با داغ کردن از میان برده سپس به درمان آن با داروهای به وجود آورنده و رویاننده لثه و گوشت روی آورده تا اینکه لثه‌ها به حالت اولیه و طبیعی خود انشاء... برگردند. بیماری را دیدم که فک پائین او دچار در رفتگی و افتادگی شده بود که این از مواردی است که به سرعت به عفونت و زخم روی می‌آورد. در صورتیکه چرکها به زیر دندان نفوذ کرده و در آن گرد آید و اقدام به کشیدن دندان یاد شده نشود، در بسیاری از موارد فک دچار [زخم] و سوراخ شده [ایجاد فیستول] و چرکها از دهانه آن زخم همواره در امتداد دندان عفونی در زیر

آن و در چانه سرباز می‌کنند. این زخم را در آغاز با کشیدن دندان، درمان کرده سپس آن را با داروهای تند و چاق کننده دنبال می‌کنند.

هرگاه فک عفونی گردیده و سیاه شود [نکروز] درمان آن با داروهای تقویت کننده و چاق کننده می‌باشد تا آن بخش از عفونت فک از بیمار جدا شود همچنانکه از خوراک افتاده است. در صورتیکه این عفونت و مردگی [نکروز] در فک بالا باشد تنها استخوانهای درگیر شده را از آن خارج می‌کنند زیرا تمامی فک بالا در چنین مواردی دچار مردگی و عفونت نمی‌شود مگر در موارد بسیار سخت که استخوان گونه از آن جدا می‌باشد.

دهانشویه‌هایی که در دهان به کار برده می‌شود و نیز غرغره کردنی‌ها همه به هفت نوع باز می‌گردند. داروها و دهانشویه‌هایی که ویژگی سرد کنندگی داشته و بند آورنده شدید نمی‌باشند مانند تخم گل و تخم کاهو و کافور صندل و تریاک به اندازه اندک و عدس پوست کننده و جز اینها که هنگام بالا رفتن حرارت مورد استفاده قرار می‌گیرند. و گروهی که دارای ویژگی بندآورندگی شدید بوده و سرد کننده نمی‌باشند و گرمزایی هم ندارند مانند خاکستر استخوانهای سوخته و گچ و آجر و جز اینها.

گروهی که دارای ویژگی بندآورندگی و گرمزایی هستند مانند ابهل و سرو و سُد و مخلوط داروهای گرم همچون صعتر و پوست کبر در دهانشویه‌های بند آورنده.

دهانشویه‌هایی که ویژگی بندآورندگی فراوان و نیز سرد کننده می‌باشند همچون سماق و گلنار و مازو و قرار دادن اندکی تریاک با آن می‌باشد. (ب ۵۱۸)^۲ داروهای که سوزاننده و داغ کننده می‌باشند که هنگام عفونت و فساد [نکروز] لثه و دندان‌ها به کار برده می‌شوند مانند فلتفیون

و اما دهانشویه‌ها و غرغره کردنی‌هایی که ویژگی آنها پاک کنندگی و درخشان کنندگی می‌باشد همچون قیسوم و سنگ سنباده و آجر و سفال.^۱ تمامی این دهانشویه‌ها از این انواع هفت گانه، هرگاه با فشار دادن روی لثه، بیمار احساس درد کند، نمی‌بایست در این شرایط دندان کشیده شود. لیکن اگر بیمار در ریشه دندان احساس درد کند باید دندان کشیده شود تا داروهای داده شده هنگام درمان به نواحی [استخوان نگه دارنده دندان که عفونی است] برسد و درمان شود بهتر است.

گفته است: باید از به کار بردن دهانشویه‌های گرم‌آزا و زبر پرهیز شود زیرا به بخش‌های ظریف لثه که به دندان می‌چسبد زیان می‌رساند. در صورتیکه به صورت طولانی از آن استفاده شود، بهبود پذیر نخواهد بود.

برای پیشگیری از پدید آمدن جرم، شستشو دادن دندان‌ها و خشک کردن آن با پارچه می‌باشد و در زمستان‌ها و یا هنگامی که سرما باشد دندان‌ها را هنگام خواب با روغن بان آغشته کرده و در تابستان‌ها و هنگام گرما با روغن گل تمامی دندان‌ها و لثه‌ها را آغشته کنند.

گفته است: لثه هنگامی که آماس پیدا کند دچار درد می‌شود، برای آرام کردن آن، روغن گل خالص را به مقدار سه وقیه و مصطکی سه درم، که مصطکی را ساییده و در روغن ریخته و می‌جوشانند سپس جوشانده را رها کرده تا اینکه وگرم شود از آن پس آن را در دهان غرغره می‌کنند که این دارو درد ناشی از آماس‌های سایر اعضای دهان را نیز تسکین می‌دهد زیرا ترشحات آنها را به آهستگی و بدون آنکه همچون داروهای خشک کننده قدرتمند حس شود از میان برده و نیز موجب تحلیل آنها می‌شود. همچنین در چنین عضوی نمی‌بایست

^۱. در متن اشاره به هفت نوع گردیده است لیکن تنها از شش گروه نام برده می‌شود. "مترجم"

داروهای خشک کننده قوی به کار برد زیرا درد آن را افزایش داده و آماس آن را بیشتر می‌کند همچنانکه داروهای تحلیل برنده قوی نیز نباید به کار برد. **جالینوس** آنچه که در این راستا گفته است را ما در قسمت آماس‌ها نوشتیم.

گفته است روغن آس نیز به همین صورت کارایی دارد و شربتی که نیز در آن گل خشک پخته شده باشد، دارای چنین تأثیری می‌باشد.

گفته است، اگر در لثه رطوبتی پیش آید که موجب وارفتگی آن گردد باید پخته گلنار را دهانشویه نمایند و بر آن این پخته نیز قرار داده شود و غرغره کردن با آب زیتون شور، لثه را قوی کرده و عفونت را برطرف می‌نماید.

گفته است، بهترین دارویی که با آن لثه خونریزی دهنده را می‌توان معالجه و درمان کرد، غرغره کردن با آب بارهنگ و میوه تاک بیابانی که اندکی روی آتش ذغال سوزانده شده و آن را رها کنند که بسوزد سپس آن را ساییده و همراه آب بارهنگ بر روی لثه خونریزی دهنده قرار دهند و سپس با سرکه غرغره نمایند.

بهترین دارویی که می‌توان با آن زخمهای روی لثه را درمان نمود، صمغ صنوبر با عسل می‌باشد که آن را بر روی لثه قرار داده و یا اوشه سوخته و جوش شیرین و جو سوخته را برگرفته و سوخته آنها با عسل مخلوط شده و بر روی لثه مالش دهند. با برس نیز می‌توان به چنین نتیجه‌ای دست یافت.

گفته است: آنچه که موجب افزایش گوشت لثه و رشد آن می‌شود کُندر و زراوند گرد و خون سیاوشان و ایرسا و آرد کرسنه و سرکه پیاز بیابانی و عسل می‌باشد (ب ۵۱۹)^۱ دهانشویه‌ای که موجب افزایش گوشت [لثه] می‌شود عبارتند از شانزده درم آرد کرسنه را با عسل مخلوط کرده و از آن قرصی ساخته و روی سفال نو قرار می‌دهند سپس روی آتش می‌گذارند تا به سوختن نزدیک شود و یا در تنور پخته شده سپس ساییده شود و با چهار درم خون سیاوشان و به همان

اندازه کُندر و ایرسا و زراوند گرد از هر کدام دو درم آمیخته و می‌سایند و با آن دهان و دندان‌ها را شستشو دهند. پیش از آن دهان را با سرکه پیاز بیابانی غرغره کرده و پس از آن، عسل را روی لثه مالش دهند.

گفته است، یکی از بهترین درمانهای لثه و دندان‌ها، مالش با عسل است. زیرا که خود موجب تنقیه و درخشان کردن دندان‌ها و جلا دادن آنها بوده تا اینکه گوشت لثه را رویانیده و این بهترین درمان و ساده‌ترین راه را دارا می‌باشد. گروهی چنین گمان برده‌اند که شیرینی لثه را شل می‌کند و نمی‌دانند که شیرینی تأثیر شل‌کنندگی آن را ندارد مگر آنکه دارای طبع رطوبتی باشد و عسل هم خشک است.

از کتاب عیسی بن ماسویه در "تدبیر السنه" گفته است: مسواک زدن، زبان را خشک و بوی دهان را خوشبو می‌سازد و مغز را پاکسازی کرده و حواس را لطیف و دندان‌ها را درخشان و لثه را قدرتمند می‌سازد. شایسته است هرکس از مسواکی بهره برد که با آن سازگاری دارد. کسانی که دچار گرمی شده‌اند، چوب درخت بید و کسانی که دارای لثه ضعیف هستند، چوب درخت گز مفید است. مسواک را در گلاب فرو برند و با صندل سرخ و کبابه هر کدام یک بخش و خاکستر نیم بخش و کفک دریا نیم بخش و عاقرقرا و مویزک از هر کدام یک ششم بخش و قتات العود دو سوم بخش، دهانشویه کرده که بسیار سودمند است. **ساهر گفته است**، که من نیز در آن تغییراتی داده‌ام، دهانشویه‌ای که برای حرارت دهان و سستی بافتهای آن مؤثر است، صندل و تخم گل و میوه گز و سماق و گلنار و نمک اندرانی و مشک و کافور را گرفته و به کار برند و با چوب درخت بید مسواک بزنند و همچنین به داروی یاد شده، تابشیر اضافه کنند.

ابن سربون گفته است: دندان‌هایی را که سیاه می‌شوند با داروهای خشک کننده درمان کنید زیرا این [تغییر رنگ] در نتیجه رطوبتهایی است که بدان سرازیر می‌شود. اگر لقی دندان‌ها شما را در ناراحتی قرار داده است، داروهای بندآورنده را در درمان آن به کار برید و چنانچه نتیجه نگرفتید ریشه دندان‌های یاد شده را داغ کرده و یا با سیمی از طلا آنها را به هم متصل کنید.

ابن ماسویه گفته است: در سستی لثه، بیشتر زدن به چهار رگ و حجامت چانه و زیر چانه مفید است.

دیدگاه من: لثه سست قرمز و خون چکان را باید چاره ساخت و چاره آن شکافتن لثه یاد شده است تا از آن خون خارج شده سپس با کات کبود و داروهای قوی و دهانشویه با سرکه، آن را درمان کنند.

کفاش فارسی گفته است: آنچه که دندان‌های سست را قوی می‌سازد مازو و زرنیخ سرخ و نوره و سرکه است که پس از چند روز پرورده شدن، داروی بدست آمده را بر روی آنها قرار دهند. نظر من، فلتیون دارای ویژگی بندآورندگی قوی است که برای درمان لقی دندان‌ها سودمند است.

دهانشویه بسیار خوب که برای لقی دندان‌های پادشاهان به کار می‌رود، سک و کات کبود بلور را به یک اندازه تهیه کرده و با آن دهان را شستشو می‌دهند. و نیز سک و گل و صندل و ریشه جوز را تهیه کرده و با آن دهانشویه کنند که این مخلوط بسیار خوب و معتدل بوده و برای تمامی دردهای دندان سودمند است.

درباره کندی دندان‌ها و از میان رفتن آب دندان‌ها، خرفه مفید است.

جالینوس گفته است: این خرفه درمان کننده کندی دندان است.

اسحاق گفته است: نگاه داشتن روغن در دهان و شستشوی دهان و نگهداری شیر الاغ در فضاها، دهان، و جویدن خرفه برای کندی دندان‌ها مفید است.

ناشناسی دربارهٔ کندی دندان‌ها گفته است: مصطکی و دردی [رسوبات] روغن زیتون سوخته به یک اندازه و برگ غار نیم بخش را تهیه کرده و با آن گردو و بادام و پنیر تازه قرار داده و به کار می‌برند.

در "علل و الاعراض" آمده است: کندی دندان‌ها یا در نتیجه استفاده از خوراکیهای ترش است و یا از مواد گس کننده.

جالینوس در کتاب الاعضاء الآمله گفته است: کندی در نتیجه سردی مزاج بوجود می‌آید.

کتاب "مسائل الطبیه" گفته است: شوری، کندی را از میان می‌برد زیرا شوری به شدت برخلاف ترشی است.

اهرن گفته است: در درمان کندی، جویدن سقز انباط و موم و یا جویدن قار که در خم شراب ته نشین می‌شود، بسیار مفید است.

ابن سرایون گفته است: جویدن سقز و دردی سفت شدهٔ بدست آمده از سبوی شراب و مالیدن دردی روغن زیتون روی آن و همچنین جویدن زراوند دراز و دانهٔ غار و انگزه برای کندی دندان مفید است.

نظر من: درستی گفتار جالینوس را می‌توان پذیرفت در آن جا که می‌گوید: کندی دندان ناشی از ترشی و گسی است. زیرا خوراکیهای ترش و گس مانند آلوی نارس و زردآلو و جز اینها همچون غوره، زودتر و بیشتر دندان را کند می‌کند تا اینکه سرکه‌ای تند و تیز باشد که گسی پدید آمده از آن اندک است.

آنچه که دندان را کشیده و خرد می‌کند، دردی روغن زیتون و غورهٔ انگور است که به یک اندازه آنها را پخته تا سفت همچون عسل شوند [قوام آن] داروی بدست آمده را روی دندان دارای پوسیدگی قرار داده و سپس می‌توان به راحتی دندان مورد نظر را کشید.

برای کشیدن دندان، روی آن و دو طرفش را مازیون مالیده و ساعتی رها می‌کنند سپس دندان را می‌کشند که به خواست خداوند کشیده می‌شود.

همچنین سه روز ریشه حنظل را در سرکه بسیار تند و تیز ساییده و سپس داروی بدست آمده را چندین روز روی دندان [مورد نظر] می‌مالند، آنچنان دندان را سست می‌کند که با دست کشیده شود.

همچنین ریشه برنجاسف و عاقرقرا و تخم قریص و کندر و مقل و انگزه بدو و ریشه جنطیانا و مازیون را نرم ساییده سپس روی دندان قرار داده و ساعتی آن را رها سازند.

دارویی از تذکره عبدوس برای کشیدن دندان فاسد شده: تخم انجره و برنجاسف و کندر و عاقرقرا و مقل و ریشه حنظل و انگزه را تهیه کرده و روی دندان سست قرار می‌دهند. دندان را به آسانی خارج می‌سازد.

اگر شیرابه درخت زیتون را روی دندان‌ها قرار دهند، بدون سختی می‌توان آنها را خارج ساخت. (ب ۵۲۰)^۱

ناشناسی به من گفت: پیۀ قورباغه را می‌گویند اگر بر روی دندان قرار دهند، آن را خارج می‌سازد، به ویژه اگر درد داشته باشد و با آن دندان پوشیده را پر کنند همچنین اگر هر چهارپایی، قورباغه بیابانی را در میانه علوفه خود بچود دندان‌هایش را لق کرده و از دست می‌دهد.

میامر گفته است: اگر چهل روز عاقرقرا را در سرکه تند خوابانده سپس آن را ساییده تا مخلوط شود و روی دندان دردناک بمالند، و ساعتی رها کنند دندان دردناک یاد شده را با کلبتین و یا افیوالی [وسیله‌ای برای کشیدن دندان] می‌توانند بکشند.

نظر من: بهتر است داروی قوی را روی آن مالیده و در هر ساعت آن را تکرار کنند.

و تعداد قرار دادن دفعات دارو را افزایش دهند. گاهی نیاز است که چندین روز داروی مالیدنی را روی دندان قرار دهند، تا آن را سست کرده و کشیدنش آسان شود.

گفته است: دندان را با کات کبود قرمز و سرکه تند که چندین روز مخلوط شده است، بپوشانند که تأثیر نیرومندی به سست کردن آن دارد.

عصاره یتوع و کات کبود قرمز را ساییده و دندان را با آن بپوشانند.

در جای دیگر: سه روز عاقرقرحا را در سرکه خوابانیده سپس آن را سه روز روی دندان بمالند، تا دندان آماده کشیدن شود. این کار را نیز می‌توان با ریشه خیار چنبر انجام داد.

نظر من: دارویی که با مخلوط کردن در عصاره گیاه فریبون بدست می‌آید، مخلوط یاد شده را روی دندان چسبانیده و ساعتی رها سازند و دوباره مخلوط را روی دندان قرار می‌دهند. این کار چندین بار تکرار شود تا دندان آماده کشیدن شود.

انگزه بهترین است اگر در قسمت پوسیده دندان قرار داده شود.

همچنین قطران نیز بسیار مفید است.

حنین گفته است: اگر دندان دارای پوسیدگی فراوان باشد، آن را با موادی بکش که بدون درد صورت می‌پذیرد مانند عاقرقرحایی که در سرکه چندین روز خیسانده شده باشد به همراه عصاره گیاه فریبون و آرد کرسنه که همان ترمس است، و یا بیرزد و کات کبود قرمز و یا ریشه خیار چنبر و گوگرد و مویزک.

دندان را در چنین حالتی با موم بپوشانید. اگر دارای پوسیدگی اندک باشد آن را با داروهای خشک کننده پر کنید و نیز روی آن بمالید.

آنچه که رویش دندان‌های کودکان را آسان می‌سازد: خوردن مغز خرگوش است که بنا به گفته، رشد دندان کودک را آسان کند.

جالینوس گفته است، اگر مغز خرگوش را بر جایگاههای رویش دندان‌های کودکان بمالند، در رویش آنها بسیار سودمند است و درد لثه را نیز از میان می‌برد. **اریاسوس گفته است:** وی هنگام سخن دربارهٔ غسل در مورد کره گفته است، که باید آن را به صورتی محکم روی لثه کودک مالش داد.

از کتاب **"کمال والتمام"** که گفته است: رشد دندان‌های کودک با مالش دادن با روغن گاو و یا مغز گوسفند و یا مغز خرگوش، سرعت می‌یابد. برای خشک کردن بزاق‌های جاری از دهان کودکان و کهنسالان، اگر موشی را بریان کرده و به کودک بخورانند، آب ریزش دهان او را خشک می‌کند.

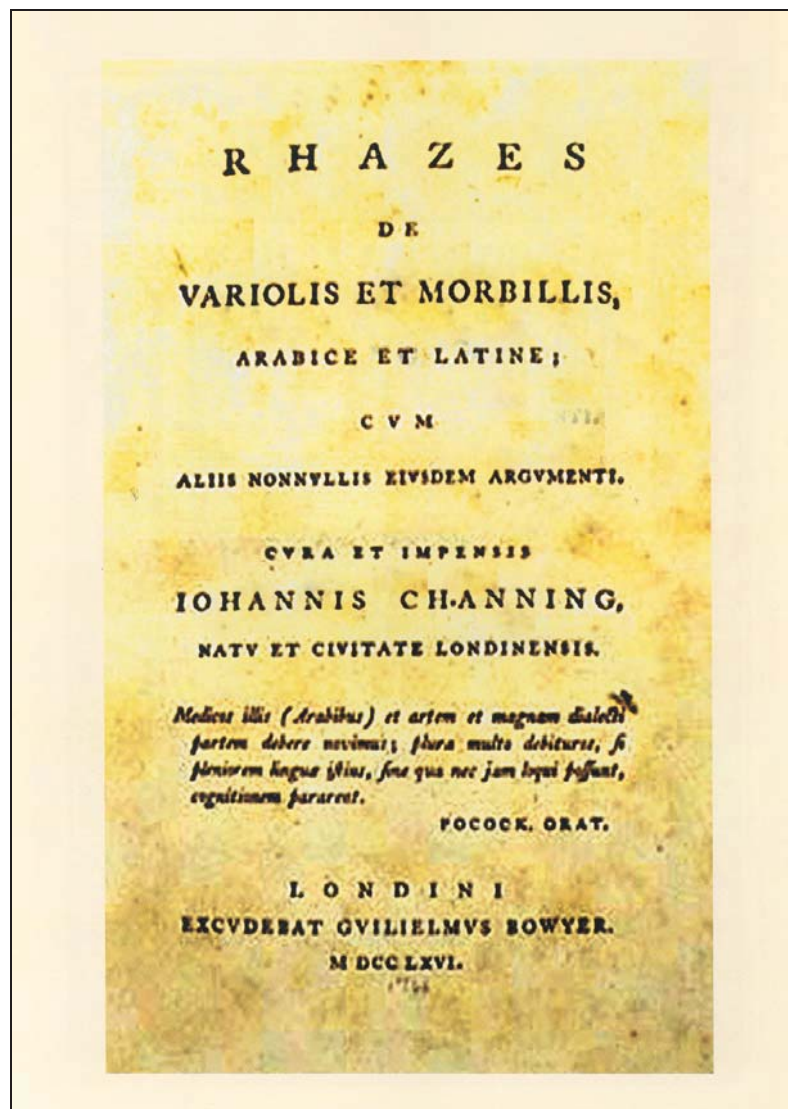
روفس به مردم گفته است: اگر مازو و تاج ریزی را در سرکه پخته و در دهان نگاه دارند، برای خشک کردن آب دهان خوب است. نگاه داشتن پختهٔ تره در سرکه و یا شربت بند آورنده‌ای که در آن برگ درخت انار پخته شده باشد، در دهان سودمند است.

ابن ماسویه در کتاب "الاسهال" گفته است، افزایش بزاق در نتیجه رطوبت معده می‌باشد.

نظر من، درمان آن خشک کردن آن با بالا آوردن [قی کردن] و جویدن مصطکی و ابهل و ایاره و زنجبیل پروردهٔ نیکو و جز آن می‌باشد.

پولس گفته است: کسانی که دچار بزاق فراوان دهان می‌باشند، به ایشان خیسانده صبر بدهید سپس در دهانشان، آب شوری که زیتون را در آن پرورانده‌اند، و سرکه پیاز بیابانی غرغره کنند.

ناشناسی گفته است: اگر افزایش بزاق دهان ناشی از معده باشد، به او اطریفل و ایاره و دانه صبر بدهید و غرغره نماید و خود را وادار به بالا آوردن غذا از معده کند. برای جلوگیری از افزایش بزاق، نگه داشتن اقاقیا و عصاره آس و سفید خار و یا عصاره به و یا پخته عقص و یا فوه و یا پوست کندر در دهان سودمند است. بخش دوم از کتاب مشهور به "الحاوی الکبیر" به پایان رسید که محمد زکریای رازی آن را گرد آورده است و در پس آن به خواست خداوند بخش صدا یا آوا خواهد آمد و ستایش بر خدای دو جهان.



تصویر ۲۵: محمد بن زکریای رازی، ترجمه لاتین (کتاب آبله و سرخک)
 برگرفته از: گزیده تصاویر تاریخ پزشکی اسلام و ایران، انتشارات فرهنگستان علوم پزشکی
 جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۷، ص ۲۳۹

بخش چهارم
داروهای دندان پزشکی و رازی
برگرفته از کتاب "الحاوی"
جلد بیستم و بیست و یکم^۱

جلد بیستم

شراب آس ۷:۲۰

خاصیت قبض شدید دارد..... برای موارد سست شدن لثه مفید است.

اُترُج: ۱۳:۲۰

دیسقوریدوس گوید: آب حاصل از پختن اترج دهان را خوشبو می‌کند و پوست آن از تحلیل لثه‌ها جلوگیری به عمل می‌آورد.

اَرَفْطِیون ۲۳:۲۰

جالینوس در مقاله ششم گوید:..... اندکی جلا دهنده است و بنابراین چنانچه ریشه و میوه آن با شراب پخته شود، خاصیت تسکین دهنده درد دندان خواهد داشت.

اَرَنْب بری (خرگوش) و اَرَنْب بحری ۲۴:۲۰

دیسقوریدوس گوید: اگر مغز خرگوش را روی لثه کودکان و بزرگسالان بمالند برای درد دندان خوب است. چنانچه مغز خرگوش را به کام و جای رویش دندان‌های کودکان بمالند و نیز به آنها بخوراند برای دندان‌های در حال رویش ایشان بسیار سودمند خواهد بود.

^۱ جلد بیستم و بیست و یکم کتاب الحاوی استخراج از متن فارسی، توسط آقای دکتر محمد ابراهیم ذاکر

ارسفارغس الصخری (مارچوبه) ۲۷:۲۰

جالینوس در مقاله ششم گوید: خاصیت جلا دهنده دارد لیکن فاقد خاصیت گرم کنندگی است. درد دندان را درمان می‌کند، زیرا خاصیت خشک کننده بدون گزش دارد، دندان‌ها نیاز بسیار به چنین ویژگی دارند.

اشقیل (عَنْصُلُ = پیازدشتی = پیازموش) ۳۴:۲۰

..... سرکه عنصل که براساس دستور العمل دیسقوریدوس تهیه می‌گردد و در کتاب "الصغه" ذکر گردیده است، باعث محکم کردن لثه سست شده و ثابت نمودن دندان‌های متحرک (جنبان=لق) و از بین بردن بوی بد دهان است.

اقاقیا ۴۴:۲۰

دیسقوریدوس گوید: خاصیت قابض و سرد کننده دارد و برای زخمهای دهان مورد استفاده قرار می‌گیرد.

اقیمارون (اقیمارن) ۴۸:۲۰

جالینوس در مقاله ششم گوید: دو نوع دارد، بلخیون و سوسن که قابض و خوشبو کننده است بنابراین باید از دو جوهر مختلف باز دارنده و تحلیل برنده ترکیب یافته باشد، از این رو چنانچه با آب باقیمانده پس از پختن آن غرغره شود برای درد دندان سودمند خواهد بود.

اَنَاغَالِیس ۵۵:۲۰

دیسقوریدوس گوید: دو گونه است..... اگر آن را در سوراخ بینی مخالف طرفی که دندان درد گرفته است بریزند، درد دندان را تسکین خواهد داد.

انجُدان ۵۸:۲۰

دیسقوریدوس گوید:..... صمغ انجُدان بوی بدی ندارد، از این رو بوی شدیدی در دهان مصرف کننده بوجود نخواهد آورد..... اگر آن را داخل پوسیدگی دندان قرار دهند، درد آن را تسکین خواهد داد.

چنانچه آن را با کندر بیامیزند و سپس پاره‌ای از جامه را با آن آمیخته، بیالایند و آن را روی دندانی که درد می‌کند بگذارند، درد را فرو می‌نشانند. چنانچه آن را همراه با زوفا و انجیر در سرکه رقیق شده با آن بپزند و سپس با مایع بدست آمده مضمضه کنند، همان اثر را دارد.

ابوجریح گوید: انجُدان در ابتدای درجه چهارم گرم است..... اگر آن را داخل پوسیدگی بگذارند، سودمند خواهد بود.

انسان ۶۷:۲۰

موی انسان:..... و چنانچه آن را با عسل بسایند و روی برفک بوجود آمده در دهان کودک بمالند بسیار سودمند خواهد بود. و اگر آن را با روغن گل بیامیزند و داخل گوش بچکانند، درد دندان‌ها را فرو می‌نشانند. و اگر آن را روی لب شکافته در مرحله نخست آن بمالند خوب خواهد بود.

مواد چسبنده به دندان آدمی: اگر مواد چسبناک موجود بر سطح دندان‌ها را روی انواع قوبا (جوش‌های جلدی) بگذارند آن را درمان خواهد کرد. دندان: اگر دندان را بسایند و روی جای گزش افعی بپاشند آن را درمان خواهد کرد.

لعاب (آب دهان): آب دهان روزه‌دار را اگر درون گوش بچکانند به تندی انگیزه راندن کرم از آن خواهد شد. و چنانچه آب دهان روزه‌دار را با زراوند به صورت شیاف درآورند و برای بواسیر به کار برند به تندی درمان خواهد شد.

اونوفس ۷۹:۲۰

جالینوس در مقاله هشتم گوید: ریشه این گیاه در مرتبت سوم گرم کننده است. سودمندترین بخش آن پوست و ریشه‌های باریک آن است که دارای ویژگی تکه تکه کننده خلط و..... مضمضه کردن مایع بدست آمده از پختن آن در سرکه و آب، برای فرونشاندن درد دندان خوب است.

ایل (گوزن) ۷۹:۲۰

جالینوس گوید:..... شاخ سوخته ایل دندان‌ها را درخشان و لثه را محکم می‌کند.

اگر آن را با سرکه بپزند و مایع بدست آمده از پختن را مضمضه کنند، درد دندان را فرو نشانند.

باذآورد (بادآورد) ۸۳:۲۰

دیسقوریدوس درباره آن گوید:..... آب بدست آمده از پختن آن در صورت مضمضه کردن، درد دندان را فرو می‌نشانند.

اریاسیوس گوید: ضماد ریشه آن آماس را از میان می‌برد و اگر با آب بدست آمده از پختن آن مضمضه شود، درد دندان را فرو می‌نشانند.

بان ۹۱:۲۰

سلمویه گوید: دانه بان لثه را محکم می‌کند و خونریزی بینی را بند می‌آورد. اگر ریشه درخت بان را بپزند و با آب بدست آمده از پختن آن مضمضه نمایند برای درد دندان‌ها سودمند است.

بردی (پیژر) ۹۴:۲۰

اگر بردی را بسوزانند، خاکستر بدست آمده از آن خاصیت جلوگیری از پیشروی زخمهای خبیث (بدخیم) دهان و دیگر اندامها را در برخواهد داشت.

بستان آبروز (بستان افروز) ۹۴:۲۰

جالینوس درباره آن می‌گوید: این گیاه خاصیت قابض دارد و خُراج‌ها (دانه و جوش) را التیام می‌دهد. عصاره گیاه مانند برگ‌های آن خاصیت قابض دارد، از این رو آن را می‌پزند تا آب خود را از دست دهد (افشردۀ جوشانده) و این برای زخم‌های دهان سودمند می‌باشد، افزون بر آن زخم‌های متعفن و گندیده را درمان می‌کند.

بقله حمقاء ۹۹:۲۰

دیسقوریدوس گوید: خاصیت قابض دارد، اگر بصورت ضماد با تلخان جو بکار رود..... برای کُندی دندان‌ها سودمند است.

جالینوس در مقاله ششم گوید: سرد است و مزاج آن مائی می‌باشد و اندکی قابض است..... علاوه بر آن درمان کننده کُندی دندان می‌باشد زیرا به علت چسبناک بودن، خاصیت نرم کننده دارد، از این رو زبری دندان‌ها که به علت تماس با غذاهای زبر و خشن بوجود آمده است را پر می‌کند.

بولس گوید: در مرتبت سوم سرد و در مرتبت دوم تر (نمور) است،..... و کُندی دندان را برطرف می‌نماید.

ماسرجویه گوید:..... برای برفک دهان کودکان سودمند است.

تامول ۱۰۷:۲۰

ماسرجویه گوید: در آن تیزی و لطافت وجود دارد و لثه و دندان‌ها را تقویت می‌نماید.

توت: ۱۱۹:۲۰

اگر آب جوشانده پوست و برگ توت را به صورت پانسمان روی دندان بگذرانند، درد دندان از میان می‌برد، مضمضه کردن آن نیز برای درد دندان خوب است.

شیرابه (صمغ) توت برای درد دندان‌ها سودمند است. افشره (عصاره) توت رسیده به علت خاصیت قبضی که دارد برای دهان بسیار سودمند است.

تین (انجیر) ۱۲۲:۲۰

دیسقوریدوس گوید:..... و اگر آن را در قطعه‌ای پشم بگذارند و سپس پشم را در جای پوسیدگی دندان جای دهند، درد دندان‌ها را تسکین می‌دهد.

ثوم (سیر) ۱۳۴:۲۰

دیسقوریدوس گوید: سیر خاصیت گرم کنندگی دارد..... اگر آن را با چوب صنوبر و کندر بپزند و آب بدست آمده از پختن آن را در دهان نگاهدارند، درد دندان‌ها را فرو می‌نشاند.

ابن ماسویه گوید: سیر در مرتبت چهارم گرم است و برای بلغم سودمند. اگر آن را بر آتش بریان کنند و روی دندان پوسیده بگذارند و یا آن را روی دندان‌های درد گرفته در اثر رطوبت بمالند، درد آنها را از میان می‌برد.

مکیدن برگ ینبوت (خرنوب بنطی) تازه و سپس مضمضه کردن نیبذ ریحانی بوی سیر را از میان می‌برد.

جا و شیر (گاوشیر) ۱۴۳:۲۰

این دارو بسیار سودمند است زیرا ویژگی گرم کنندگی و تحلیل برندگی و نرم کنندگی دارد. گرمی آن در مرتبت سوم و خشکی آن در مرتبت دوم است. چنانچه پانسمان آن را بازیب (کشمش) اهلی برای نقرس بکار برند، سودمند است و چنانچه در جای پوسیدگی دندان بگذارند، برای درد آن خوب می‌باشد.

جُرْذَان البیوت (موش خانگی) ۱۵۳:۲۰

دیسقوریدوس در مقاله دوم گوید: اگر موش خانگی را بریان کنند و به کودکانی که آب دهانشان بسیار فراوان و روان است، بخوراند خوب می‌باشد.

جوز (گردو) ۱۶۶:۲۰

جالینوس در مقاله هفتم از کتاب "الادویه المفردة" گوید:..... پس از تهیه افشردۀ پوست تازه گردو، آن را با افشرۀ توت و میوهٔ علیق با عسل می‌پزند، جوشاندهٔ بدست آمده برای آماس‌های دهان و گلو بسیار سودمند است. بولس در مقالهٔ هفتم گوید: در شاخه‌های فارو که همان درخت گردو می‌باشد، مقداری خاصیت قبض وجود دارد که بیشتر در پوست میوهٔ آن می‌باشد. از این رو هرگاه افشرۀ پوست آن را با عسل بپزند، دارویی سودمند برای دهان می‌شود.

حَبَر عَاجِی ۱۸۰:۲۰

دیسقوریدوس گوید: اگر حجر عاجی را بسایند و روی زخم بپاشند خونریزی را بند آورد و چنانچه آن را بسوزانند و گونهٔ گرد درآورند، می‌توان با آن دندان‌ها را درخشان کرد.

حدید (آهن) ۱۸۲:۲۰

زنگار آهن: قابض است اگر با سرکه روی لثه بمالند آن را محکم خواهد کرد.

حَسَك (خارخسک) ۱۸۹:۲۰

دیسقوریدوس دربارهٔ آن گوید: دوگونه دارد و هر دو ویژگی قابض و سردکنندگی دارند. آماس‌های گرم را با آن پانسمان می‌کنند. آمیختهٔ آن با عسل درمان کنندهٔ برفک دهان و زبان و عفونت‌های دهان و آماس ماهیچه‌های دو طرف گلو و درد لثه می‌باشد.

حُضْض ۱۹۰:۲۰

دیسقوریدوس گوید: ویژگی قابض دارد. اگر آن را به گلو و حنک و کام بمالند برای آماس حلق و لثهٔ زخمی شده و زخم‌های بدبو و.... سودمند است.

حُلَبَه (شنبلیله) ۱۹۲:۲۰

جالینوس در مقاله هشتم گوید: در مرتبت دوم گرم کننده و در مرتبت نخست خشک کننده است. بوی بد دهان را تغییر می دهد.

حُمَاض (ترشک) ۱۹۶:۲۰

اگر با شراب پخته شود، با آب بدست آمده از آن مضمضه کنند، درد دندانها را فرو می نشاند

حنا: ۲۰۱:۲۰

برگ حنا قابض است، از این رو اگر جویده شوند برفک دهان (قُلاع) و جمر (زخم های دهان) را درمان می کند.

جالینوس در مقاله هفتم گوید:..... حنا برای درمان آماس های ملتهب و جمر (زخم دهان) به کار می رود، زیرا آنها را بی هیچگونه آسیب و سوزشی خشک می گرداند. همچنین برای آن دسته از زخم های دهان که سبب خارجی نداشته و به ویژه زخم های از گونه برفک و نیز برای برفک پدید آمده در دهان کودکان سودمند است.

حنظل (هندوانه ابوجهل) ۲۱۲:۲۰

اگر بخش درونی میوه را بیرون آورند و به جای آن سرکه گذارند و سپس آن را روی خاکستر گرم بپزند و سپس از آنچه بدست آمده مضمضه کنند برای درد دندانها سودمند خواهد بود.

حِیَّه (مار) ۲۱۶:۲۰

اگر پوست مار را در شراب بپزند و سپس آب جوشانده را مضمضه کنند، برای درد دندانها سودمند خواهد بود.

بولس گوید: پوست مار خاصیت خشک کنندگی نیرومندی دارد اگر با سرکه جوشانده شود، خاصیت فرونشاندن درد دندان را خواهد داشت.

خالدونیون (مامیران) ۲۱۹:۲۰

دیسقوریدوس گوید:..... جویدن آن سبب تسکین درد دندانها می شود.

خُبازی (خیرو) ۲۲۱:۲۰

..... برگ و شاخه های آن مخلوطی از خاصیت های از بین برنده آماس و قابض و خشک کنندگی بی گزش می باشد..... اگر جویده شود برای برفک دهان و زبان سودمند است.

خراطین (کرم های سرخ دراز) ۲۲۳:۲۰

دیسقوریدوس گوید:..... و اگر با روغن زیتون بپزند و در گوشی که طرف مقابل دندانی که درد دارد بچکانند، درد آن را برطرف خواهد کرد.

خربق سیاه ۲۲۵:۲۰

دیسقوریدوس گوید:..... و اگر با سرکه پخته شود و مضمضه گردد، درد دندانها را فرو می نشاند.

خربق سفید و سیاه ۲۲۵:۲۰

جالینوس در مقاله ششم گوید: هر دو خربق دارای ویژگی جلا دهندگی و گرم کنندگی هستند..... اگر با سرکه مضمضه شود برای دندانها سودمند خواهد بود. خاصیت گرم و خشک کنندگی آنها در مرتبت سوم است.

اریاسیوس گوید:..... و اگر آن را با سرکه بپزند و سپس مضمضه کنند به جهت داشتن ویژگی گرم و خشک کنندگی برای دندانها سودمند است. ابن ماسویه گوید: بخور آن برای درد دندان خوب است.

خردل ۲۲۶:۲۰

دیسقوریدوس گوید: ویژگی گرم و لطیف کنندگی دارد..... اگر آن را بکوبند و آب به آن بیفزایند و سپس با ادرمالی بیامیزند و غرغره نمایند برای آماس پدید آمده در دو سوی بن زبان و نیز برای زبری و ناهنجاری کهنه راههای تنفسی سودمند خواهد بود.

قسطس در "الفلاحه" گوید:..... و اگر آن را به صورت قطره در گوش و یا جای پوسیدگی دندان بچکانند آرام کنندگی درد آنها را به دنبال دارد.

خطمی (ختمی) ۲۴۳:۲۰

دیسقوریدوس گوید:..... اگر آن را با سرکه بپزند و مضمضه کنند درد دندان را فرو می‌نشانند.

خلّ (سرکه) ۲۴۵:۲۰

دیسقوریدوس گوید: سرد است و ویژگی سرد کنندگی و بندآورندگی (قابض) دارد..... و لثه جدا شده و خون چکان و دندانهای جنبان را محکم و استوار می‌کند.

..... و چنانچه با سرکه گرم غرغره نمایند برای درد دندانها خوبست و اگر غرغره شود زبان کوچک را گرد می‌آورد (جمع می‌کنند) و همچنین غرغره گرم آن برای همه دردهای دندانی که از گرمی سرچشمه گرفته باشند سودمند و ستودنی است.

ختی (گیاهی بمانند سریش) ۲۴۹:۲۰

دیسقوریدوس گوید: ریشه آن دارای ویژگی گرم کنندگی و گزندگی دارد.

..... و اگر آب ریشه آن را به تنهایی و یا همراه با کُنْدُر و عسل و شراب و مُر بیامیزند و نیم گرم کنند..... و در گوش مخالف دندان دردناک بچکانند درد دندان را فرو می‌نشاند.

خولنجان (خسرودارو) ۲۵۳:۲۰

ابن ماسه گوید: در مرتبت سوم گرم و خشک است، برای شکمه سودمند می‌باشد. دهان را خوشبو می‌کند و خوراک را می‌گوارد.

خیری (شب بو) ۲۵۴:۲۰

دیسقوریدوس درباره گونه زرد آن گوید:..... اگر با عسل آمیخته شود برفک دهان و زبان را درمان می‌کند.

جالینوس گوید:..... گروهی از مردم آب جوشانده شب‌بو را با موم و روغن می‌آمیزند و سپس با عسل برای درمان برفک دهان و زبان بکار می‌برند.

دارشیشان (قندول) ۲۵۷:۲۰

دارای ویژگی گرم کنندگی و بندآورندگی (قابض) است. از این رو اگر آن را با شراب بپزند و پخته آن را غرغره نمایند برای زخم‌های دهان خوب خواهد بود. همچنین درمان کننده زخم‌های چرکین دهان می‌باشد.

دُلب (چنار) ۲۶۶:۲۰

نام یونانی آن "قلاطونس" است.

جالینوس گوید:..... پوست و میوه این درخت ویژگی خشک کنندگی دارد. اگر پوست آن را با سرکه بپزند برای درد دندان سودمند است.

باید از غبار چسبیده به برگ این درخت دوری کرد زیرا بوییدن آن برای راه‌های تنفسی زیانبار خواهد بود. زیرا آن را دچار خشک و زیر شدگی می‌کند و برای صدا و سخن گفتن زیان دارد.

دیسقوریدوس گوید:..... اگر پوست درخت چنار (دلب) را با سرکه بجوشانند و آب آن را غرغره کنند برای درد دندانها سودمند است. بولس در مقاله هفتم گوید: بسیار سرد و نمور است از این رو برای آماس گرم خوب می باشد. پوست میوه آن دارای ویژگی خشک کنندگی است و اگر با سرکه پخته شود، درد دندانها را فرو می نشاند.

دَهَب (زر) ۲۸۳:۲۰

مسیح گوید: برای تپش دل و بد بو بودن دهان سودمند است.

رُمان (انار) ۳۰۰:۲۰

..... اگر افشردۀ دانه انار بویژه ترش آن را با عسل بپزند برای زخمهای دهان و زخمهای بدخیم و یا چرکین و گوشت اضافی و درد گوش و زخمهای درون بینی خوب است.

گلنار (جلنار) بندآورنده و خشک کننده است، لثه را نیرومند می سازد و به جهت گرمی که دارد زخمها را جوش می دهد، آب جوشانده آن برای لثه خون چکان و دندانهای لق، سودمند است.

زاج (زاگ) ۳۰۶:۲۰

دیسقوریدوس گوید: گونه ای از آن بمانند زر درخشان است. او گوید: بر پایه دیدگاه برخی از مردم گونه سوری زاگ، سرخ است اگر روی بخشهای پوسیده و خورده شده دندانها گذاشته شود، دردشان را فرو می نشاند و دندانهای جنبان (لق) را استوار خواهد کرد.

زُبده (کره) ۳۰۷:۲۰

دیسقوریدوس گوید: نرم کننده است و کاربرد فراوان آن شکمروش پدید می آورد..... و اگر با عسل بیامیزند و روی لثه کودک بمالند، سودمند خواهد بود

و رویش دندان‌ها را تندتر خواهد نمود و از درد لثه و برفک دهان و زبان جلوگیری خواهد کرد.

جالینوس گوید:..... ویژگی رسیدن زخم یا دمل و نیز تحلیل برندگی را در تن میانه از سفتی و نرمی دارد. روی تن سفت کار آمدی ندارد، زیرا این گونه تن‌ها نیازمند داروهای نیرومندتری هستند از این رو در درمان آماس‌های پدید آمده در بیخ گوش و دهان و دیگر اندامهای کودکان و زنان کارساز است.

اگر آن را روی لثه کودک بمالند، رویش دندان‌ها را در هنگام رویش تندتر و آسان‌تر می‌کند. از آنجا که ویژگی رسیدن زخم را داراست، آسیب‌های از گونه آماس دهانی را آب می‌کند و از میان می‌برد. جالینوس در جایی دیگر می‌گوید: اگر چند روزی پی‌درپی روی لثه کودک عسل بمالند، لثه را نرم می‌کند (جهت رویش دندان)، لیسیدن آن برای خون برآمدن از دهان که از بیماری شش‌ها باشد، سودمند است.

ابن ماسویه درباره کره می‌گوید: گرم و نمور است..... اگر روی لثه کودک مالیده شود به رویش دندان‌های کودک کمک خواهد کرد.

زَبَدُ الْبَحْرِ (کفک دریا) ۳۰۸:۲۰

بولس گوید: کفک دریا ویژگی خشک و پاک‌کنندگی دارد، از این رو دندان‌ها را پاک می‌کند و درخشان می‌سازد.

زَبَل (سرگین) ۳۱۰:۲۰

دیسقوریدوس گوید:..... ضماد آن به‌مراه سرکه، خنازیر (آماس سخت گردن) و آماس‌های سفت پدید آمده در گوشت را سست و از میان می‌برد. اگر سرگین خوک وحشی را در همان هنگام که گرم است با آب و یا شراب بخورند، خون برآمدن از دهان را بند می‌آورد.

اگر پیخال (مدفوع) آدمی را خشک کنند و با عسل بیامزیند و روی گلو و حنک (زیرگلو) و کام بمالند برای خناق سودمند خواهد بود.

سرگین حردون (مالوالی = حردون) رنگ را نیکو کرده و چهره را درخشان می‌کند و برای دهان دردناک سودمند است.

جالینوس گوید: ویژگی آب کردن و از میان بردن (زخم و آماس) را داراست کلف را می‌زداید و بهق و قوبا را از میان می‌برد.

او گوید: سرگین سگی که استخوان خورده و چند روزی نگاهداشته شده را آزمودم، سرگین برنگ سفید خشک بود و بوی بدی نداشت آن را برای آماس‌های حنجره با داروهای سودمند دیگر و زخم‌های روده با شیر پخته شده با ختمی و یا شیری که در آن آهن تفتیده گذاشته‌اند، به بیمار دادم، درمان بسیار شگفت‌انگیزی داشت.

مردی دچار آماس حلق شده بود و این آماس به اندازه‌ای پیشروی کرد که دچار خفگی شد به ناچار رگ او را زدند. ولی پزشک پیش از رگ زدن بیمار، پیخال (مدفوع) کودکی را به کام او مالید و بیمار همان دم بهبود یافت.

سرگین گاوی که از گیاه گرسنه خورده بود برای درمان همه آماس‌های سخت و آماس خنازیر بکار می‌رود.

سرگین جردون (حردون) و کربسه خانم‌ها برای درخشان و شفاف کردن چهره خود، آن را بکار می‌برند.

بولس گوید: اگر کودک، خوراکی را بخورد که پس مانده کمی از آن ساخته شود، پیخال او برای خفگی سودمند خواهد بود.

زراوند ۳۱۸:۲۰

دیسقوریدوس گوید:..... اگر با عسل و ابرسا آمیخته شود زخم‌های عمیق را پر از گوشت می‌نماید و دندان‌ها را پاک می‌کند و جلا می‌دهد.

جالینوس در مقاله ششم گوید:..... ریشه آن سودمندترین بخش آن است مزه‌ای تلخ و اندکی زبان‌گز دارد..... گونه گرد آن عفونت‌ها را از میان می‌برد و زخم‌های چرکین را پاک می‌کند. دندان‌ها و لثه را پاک می‌کند و لثه را جلا می‌دهد.

اریاسیوس گوید:..... گونه گرد آن..... دندان‌ها و لثه را پاک و جلا می‌دهد.

ماسرجویه گوید: گونه دراز دندان‌ها و لثه را از نموری که در بردارند پاک می‌گرداند.

زرنیخ ۳۲۱:۲۰

دیسقوریدوس گوید:..... آمیخته آن با پیه دمل و سوزدها را می‌رساند و آب می‌کند، برای زخم‌های پدید آمده در بینی و دهان و دیگر زخمها خوب است.

زوفا یا بس ۳۲۸:۲۰

دیسقوریدوس گوید: خاصیت گرم کنندگی دارد.... و اگر آن را با آب جوشانده انجیر بیامیزند و غرغره کنند برای خناق (دیفتری) که از آماس ماهیچه‌های درونی است خوب خواهد بود. اگر پخته آن را با سرکه غرغره کنند، درد دندان را فرو می‌نشانند.

جالینوس در مقاله هشتم گوید: لطیف است و ویژگی گرم و خشک کنندگی را در مرتبت سوم دارد.

زیت (زوغن زیتون) ۳۲۹:۲۰

دیسقوریدوس درباره آن گوید:..... اگر آن را درون دهان نگاهدارند لثه را محکم و دندان‌ها را نیرومند می‌سازد. اگر آن را با سرکه و شراب ساده یا شراب اونومالی بیامزند و روی دندان‌ها بمالند، سودمند خواهد بود.

زیتون بری (خودرو) ۳۳۱:۲۰

دیسقوریدوس گوید: برگ آن دارای ویژگی بندآورندگی (قابض) است..... و اگر جویده شود برفک دهان و زبان و نیز زخم‌های دهان را درمان خواهد کرد، افشرد و جوشانده آن نیز همین کارایی را دارد.

زیتون الماء: همان زیتون پروده شده در آب و نمک است. آب نمکی که در آن زیتون پرورده شده برای استوار و نیرومند کردن لثه و دندان‌های جنبان خوب است.

غرغره کردن روغن زیتون خودرو برای لثه خون چکان و استوار کردن دندان‌های جنبان سودمند است.

جلد بیست و یکم

ساذج: ۳:۲۱

دیسقوریدوس درباره آن گوید: بوی خوبی دارد که آن را می‌پراکند و از ناردین ویژگی پیشاب آوری بیشتری دارد..... چنانچه زیر زبان گذاشته شود، دهان را خوشبو می‌کند.

سبستان (سپستان) ۵:۲۱

بولس گوید: میوه درختی کوچکتر از آلو است. دارای ویژگی همانند طرفا می‌باشد که تکه تکه کننده خلط و پاک کننده آن است، پاک کنندگی (جلا) آن همراه با خشک کردن نمی‌باشد. جوشانده سپستان برای درد دندان سودمند است.

سداب ۶:۲۱

..... اگر سابیده شده آن را به درون بینی بدمند خونریزی آن را بند می‌آورد..... اگر سداب را پس از خوردن سیر و پیاز بجوند، بوی بد آن را از میان می‌برد.

سرطان نهری و بحری (خرچنگ) ۱۰:۲۱

جالینوس درباره خرچنگ دریایی گوید: این جانور و نیز همه چیزهایی که دارای خزف (سفال- چینی) اند ویژگی پاک کنندگی و جلادهندگی و نرم کنندگی (لطیف) را نیز دارند و از این رو آن را پس از سوزانیدن برای درمان بهق و کلف و نمش و گری به کار می‌برند..... سوزانده نشده آن دندان‌ها را درخشان می‌کند.

سُعد (مشک زمین) ۱۶:۲۱

دیسقوریدوس گوید: ویژگی گرم کنندگی دارد..... اگر خشک شده آن را پس از ساییدن روی زخم‌های دهان و زخم‌های خورنده، بپاشند سودمند است.

جالینوس در مقاله هفتم گوید: ریشه سعد ویزگی گرم و خشک کنندگی بی‌گزش دارد، از این رو برای زخم‌های آبدار که بهبودی دشواری دارند به گونه‌ای شگفت‌آور خوب است و از سوی دیگر افزون بر آن دارای ویزگی بندآورندگی (قابض) است، از این رو برای زخم‌های دهان سودمند می‌باشد. دمشقی گوید: خوشبو و بندآورنده است برای سستی شکمبه و لثه خوب می‌باشد.

سَفَرَجَل (به) ۱۷:۲۱

ابن ماسویه گوید:..... لعاب دانه آن با شکر برافروختگی‌های (التهاب) دهان را فرو می‌نشاند.

سَقَارَج ۲۰:۲۱

ویژگی پاک کنندگی و جلادهندگی نیرومندی دارد.... آن را برای پاک کردن و درخشان کردن دندان‌ها به کار می‌برند، گرم است، از این رو در فراهم آوری داروهای سوزاننده و خشک کننده برای درمان لثه آماسیده و سست شده، به کار می‌رود.

سُلْحَفَاه (لاک پشت) ۲۹:۲۱

دیسقوریدوس گوید:..... زهره آن برای حناق (دیفتری) و زخم‌های بدخیم پدید آمده در دهان کودکان خوب است.

سَمَاق ۳۳:۲۱

اگر شیرابه آن را در جای پوسیدگی دندان بگذارند، درد دندان را فرو می‌نشاند.

ابن ماسویه گوید: در مرتبت دوم سرد و در آغاز مرتبت سوم خشک است. به علت ترش بودن اشتها آور و به جهت گس بودن شکم را بند می‌آورد..... مضمضه کردن با خیسانده آن لثه و دندان‌ها را استوار می‌سازد.

سمسم (کنجد) ۳۵:۲۱

دیسقوریدوس گوید:..... اگر خورده شود خُرد و ریزه‌های میان دندان‌ها بماند دهان را بدبو می‌کند.

ابن ماسویه گوید: گرم در میانه مرتبت یکم و نمور در آخر مرتبت یکم..... دهان را بد بو می‌سازد، به ویژه اگر مانده‌های آن میان دندان‌ها بماند. کنجد پوست کنده زیان کمتری دارد، ویژگی کنجد بد بو کردن دهان و تهوع آور بودن آن است.

سمک (ماهی) ۳۸:۲۱

حَنین از کتاب "تفسیر قدیم" این اطلاعات را بدست آورده است. که ماهی دریایی "رعاده" همان رق بحری می‌باشد.

گونه‌ای دیگر از ماهیان که در بیت المقدس "شیبیا" گفته می‌شود..... اگر با پوشش بیرونی آن سوزانده شود و از سوختن آن پوشش بیرونی جدا شده را بسایند، پاک کننده کلف (کک مک) و بهق و دندان‌ها خواهد بود.

سندروس (کهربا) ۴۳:۲۱

او گوید:..... چیزی برابر با سندروس برای درد دندان و فرو ریختن لثه دیده نمی‌شود.

سوسن ۴۶:۲۱

جالینوس درباره ریشه سوسن آسمانگون گوید:..... اگر ریشه آن را بپزند و با آب جوشانده آن غرغره کنند، برای درد دندان سودمند خواهد بود.

شابابک ۵۳:۲۱

ابن ماسویه گوید: در مرتبت سوم گرم و خشک است و ویژگی‌های آن بمانند گیاه قيصوم است. ریزش و تراوش لعاب را از دهان کودکان بند می‌آورد و برای دردهای تلخابی (سودایی) سودمند است.

شرین ۶۹:۲۱

دیسقوریدوس گوید: درخت قطران است. و اگر آن را با آبی که در آن زوفا پخته شده است، بیامیزند و درون دندان کرم خورده (پوسیده) بچکانند، درد آن را فرو می‌نشانند و اگر به همراه سرکه مضمضه شود همین کارایی را دارد.

شعیر (جو) ۷۱:۲۱

دیسقوریدوس گوید: ارزش خوراکی آن کمتر از گندم است. آبجو از تلخان جو ارزش خوراکی بیشتری دارد، تیزی پس مانده‌ها را از میان می‌برد و برای زبری راه‌های تنفسی و زخم‌های آن سودمند است.

شوکه بیضاء (کنگر سفید) ۷۵:۲۱

جالینوس در مقاله ششم گوید:..... غرغره آب جوشانده آن برای درد دندان سودمند است.

شونیز (سیاه دانه) ۷۶:۲۱

جالینوس در مقاله سوم گوید:..... اگر آن را با سرکه و همراه با چوب صنوبر بپزند و با آب بدست آمده آن مضمضه کنند، درد دندان را فرو می‌نشانند.

صبر ۷۹:۲۱

دیسقوریدوس گوید:..... چنانچه با عسل و یا شراب آمیخته شود برای آماس دو سوی بیخ زبان و نیز لثه و دیگر اندام‌های دهان خوب است.

اگر با آب آمیخته شود برای آماس‌های پدید آمده در دهان و سوراخ بینی و چشم سودمند می‌باشد.

صدف: ۸۳:۲۱

دیسقوریدوس گوید: اگر صدف "فرغیز" را بسوزانند، ویژگی خشک کنندگی خواهد داشت، که دندان‌ها را درخشان می‌کند.

..... ویژگی پوشش همه گونه‌های صدف پس از سوزاندن، گرم کنندگی دارد که برای گری و بهق خوب است و دندان‌ها را درخشان می‌کند.

..... همه این خاکسترها به جهت زیر بودن و در برداشتن ویژگی درخشان و پاک کنندگی، دندان‌ها را درخشان می‌کند.

خاکستر به کار رفته برای پاک کردن دندان‌ها و جز آن، نیازی به ساییدن و نرم کردن ندارد..... و اگر آن را با نمک بیامیزند ویژگی پاک و درخشان کنندگی نیرومندی را برای دندان‌ها پدید می‌آورد و همچنین لثه سست و جنبان را خشک می‌کند.

صنوبر ۸۹:۲۱

بولس درباره چوب و پوست صنوبر گوید: پاک کننده و اندکی ویژگی گزندگی دارد به رسیدن‌ها (زخم و سوزها) کمک می‌نماید، از این رو اگر با سرکه جوشانده شود و مضمضه کنند درد دندان را فرو می‌نشاند..... و هرگاه پخته شده آن را با سرکه و عسل غرغره نمایند بلغم زیادی را در دهان سرازیر می‌کند.

ضرو (حسک = ریشه) ۹۴:۲۱

ابن ماسه گوید: ضرو در مرتبت دوم گرم و در مرتبت یکم خشک است. ویژگی پاک کنندگی و جلادهندگی و آب کنندگی (تحلیل) دارد و خوشبو

می‌باشد. چیزی که "رب ضرّو" نام دارد (گویا افشردۀ جوشاندهٔ صنّرو است) برای فروش به مکه برده می‌شود که برای برفک دهان و زبان بسیار سودمند است.

ضفادع (ضفدعه = قورباغه) ۹۴:۲۱

..... خوت قورباغه سبز رنگ را با سرکه و آب بپزند و با آب به جا ماندهٔ آن غرغره نمایند برای درد دندان سودمند خواهد بود.

طباشیر (تباشیر) ۹۸:۲۱

ماسرجویه گوید: برای زرد آب و بیهوش شدن و سوزهای دهان کودک خوب است و بندآورندهٔ شکم می‌باشد.

خوزی گوید: برای دل خوب است. در مرتبت سوم سرد و خشک می‌باشد. شکم را بند می‌آورد، برای دهان و سوزاندن زرد آب (مره صفرا) سودمند است..... برای گرمی و سوزهای دهان کودکان خوب می‌باشد.

طرفاء (گز) ۱۰۱:۲۱

دیسقوریدوس گوید: میوهٔ آن زبان را گرد می‌آورد (جمع می‌کند). آن را به جای مازو (عفص) در داروهای چشمی و داروهای دهان به کار می‌برند..... اگر برگ آن را بجوشانند و پس از آن با شراب بیامیزند آماس سپرز (طحال) را از میان می‌برد و چنانچه آن را غرغره نمایند برای درد دندان سودمند است.

طین (خاک و گل) ۱۰۵:۲۱

خاک قیمولیا: دیسقوریدوس گوید: اگر با سرکه خوب آمیخته شود و روی آماس‌های پدید آمده در بیخ گوش‌ها و دیگر سوزها مالیده شود آنها را آب می‌کند و از میان می‌برد.

خاک ارطوناس: جالینوس گوید: همان خاک مختوم است که از دیگر خاک‌های نام برده، نیرومندتر است ولی گزندگی ندارد و اگر شسته شود خشکی

و آرام کردن درد آن بمانند خاک‌های دیگر خواهد شد و اگر دوبار شسته شود برگزیده‌ترین می‌شود.

..... اگر آن را پس از سوزاندن بشویند بهتر خواهد شد و برای زخم‌های پدید آمده در روده و شکم‌روش و برآمدن خون سینه از دهان و..... و زخم‌های عفونی دهان سودمندتر است.

عاق‌قرحا ۱۱۱:۲۱

اگر جویده شود بلغم را جلب می‌کند، همچنین اگر آن را با سرکه جوشانده شود و در دهان نگاهداشته شود برای درد دندان سودمند خواهد بود. جالینوس در مقاله هفتم گوید: ریشه آن بیشترین کاربرد را دارد که ویژگی سوزاندگی را داراست و از آنجاکه این ویژگی را دارد برای فرونشاندن دردهای دندانی از سردی به کار می‌رود.

عدس: ۱۱۲:۲۱

..... و اگر با سرکه پخته شود و روی خنازیر (آماس سخت گردن) و آماس‌های سفت گذاشته شود آنها را آب می‌کند و از میان می‌برد.

عسل (انگبین) ۱۱۴:۲۱

دیسقوریدوس گوید: ویژگی پاک‌کنندگی و گشاینده دهانه رگ‌ها را داراست. و اگر آن را به کام و حلق بمالند و یا غرغره نمایند خوانیق (گرفتگی‌های گلو = دیفتری) و آماس لوزه‌ها را درمان خواهد کرد و برای سرفه نیز خوب می‌باشد.

ابن ماسه گوید:..... عسل در مرتبت سوم گرم و خشک است، پاک‌کننده و لطیف می‌باشد.

عصفر (گل کاشفه) ۱۱۷:۲۱

ماسرجویه گوید:..... و اگر با عسل روی برفک دهان و زبان کودکان مالیده شود آن را درمان خواهد کرد. همچنین تری و نموری‌های بیش از اندازه زبان و دهان را از میان می‌برد.

عفص (مازو) ۱۱۷:۲۱

دیسقوریدوس گوید: ویژگی بندآورندگی نیرومندی دارد. اگر آن را بپایانند..... از روان شدن نموری‌ها به سوی زبان و لثه جلوگیری می‌کند و برای برفک دهان و زبان سودمند است. اگر آن را در جای پوسیدگی دندان بگذارند، درد آن را فرو می‌نشاند.

علیق ۱۱۹:۲۱

دیسقوریدوس با طس را علیق دانسته و می‌گوید: همان عوسج است و در مقاله چهارم گوید: گیاهی است که دارای ویژگی بندآورندگی و خشک کنندگی است.

اگر برگ آن را بجوند، لثه را نیرومند می‌سازد و برفک دهان و زبان را درمان خواهد کرد.

افشره میوه رسیده آن برای دردهای دهان خوب است.

جالینوس در مقاله ششم درباره علیق گوید: همه بخش‌های گیاه بندآورنده‌اند ولی برگ تازه آن به جهت داشتن آب بسیار، کمتر بندآورنده می‌باشد شاخه‌های آن نیز چنین‌اند، از این رو اگر جویده شوند برفک دهان و زبان و نیز زخم‌های دیگر دهان را درمان خواهد کرد.

غافت: ۱۲۶:۲۱

مسیح گوید: برای تب‌های کهنه و بیماری‌های کهنه لثه خوب است.

فار (موش) ۱۳۹:۲۱

اگر موش را بریان کنند و به کودک بخورانند بزاق و نموری‌های بسیار دهان را خشک می‌کند.

فجل (ترب) ۱۳۹:۲۱

روفس گوید: ترب برای بلغم سودمند است و برانگیزاندهٔ بالا آوردن می‌باشد، برای سر و چشم و دندان و کام زیان دارد.
او در کتاب "تدبیر" گوید: ترب برای بلغم و کسانی که می‌خواهند انباشته‌های شکم را تهی سازند خوب است ولی برای دندان و چشم و حلق بد است.

فلفل الماء (فلفل آبی) ۱۵۴:۲۱

اریاسیوس گوید: به اندازهٔ بسنده گرم است و گرمی آن از فلفل کمتر است. تازهٔ آن را به همراه دانه‌هایش بکوبند. آماس‌ها و اثرهای به جا مانده در صورت و آماس‌های سخت را می‌زداید.

قتاد (گون) ۱۶۶:۲۱

دیسقوریدوس گوید: شیرابهٔ آن کثیرا است..... در ساخت سرمه‌ها و نیز برای درمان سرفه و زبری راه‌های تنفسی و بند آمدن آوا به کار می‌برند.
ماسرجویه گوید: برای زخم‌های پیشابدان (مثانه) و زبری حلق و زبان خوب است.

قثاء (خيار چنبر) ۱۶۶:۲۱

چنانچه آن را با سرکه بپزند..... و غرغره نمایند برای درد دندان به کار می‌رود.

افشرهٔ آن با روغن زیتون کهنه و یا غسل و زهرهٔ گاو نر بیامیزند و به کام و حلق بمالند که برای خناق (دیفتری) بسیار سودمند است.

جالینوس در مقاله هشتم از "ادویه المفردة" درباره قثاء حمار گوید:.....
افشرد قثاء حمار بسیار تلخ و اندکی گرم است، گویا گرمی آن در درجه دوم
می باشد، از این رو با توجه به ویژگی های برشمرده، باید ویژگی تحلیل برنده نیز
در برداشته باشد. برخی از مردم آن را همراه با عسل و روغن زیتون کهنه روی
آماس حنجره می گذارند.

اریاسیوس درباره قثاء پرورشی گوید: رسیده آن جوهر لطیف تر دارد.....
دارای ویژگی پاک کنندگی و خرد کردن خلط (سینه) را دارد. پیشاب آور و پاک
و درخشان کننده دندان ها می باشد.

قرن (شاخ) ۱۷۷:۲۱

جالینوس گوید: چنانچه آن را بسوزانند به جهت زبری و ویژگی پاک و
درخشان کنندگی که دارد دندان ها را درخشان و پاک می نماید.

قسط (کست، کوشنه) ۱۷۸:۲۱

دیسقوریدوس گوید: گرم کننده و پیشاب آور است، زبان را می گزد و آن را
گرد می آورد.

قسوس ۱۸۰:۲۱

..... در فراهم ساختن داروهای فرو نشاننده درد.... و داروهای ضد سرفه و
جز آن به کار می رود.

سرشاخه های آن را با روغن گل (سرخ) بیامیزند و پس از گرم کردن در
پوست انار، در گوش زانسوی دندانی که دردناک است بچکانند، درد را فرو
می نشانند.

اگر آن را درون دندان دردناک بگذارند، درد آن را فرو می نشانند.

قلیماطیش ۱۸۹:۲۱

به مانند غارد و آس و بطباط است.

جالینوس گوید:..... اگر آن را بچوند درد دندان را آرام می کند.

قوقاداس ۱۹۴:۲۱

..... چنانچه با روغن گل (سرخ) آمیخته و درون پوسیدگی دندان گذارند،

سودمند خواهد بود.

کبد (جگر) ۲۰۲:۲۱

..... برخی گفته اند که اگر جگر وزغ را درون خوردگی دندان بگذارند، درد

آن را آرام می کند.

کبر ۲۰۴:۲۱

..... اگر میوه آن را با سرکه بپزند و مضمضه کنند، درد دندان را فرو

می نشاند.

چنانچه ریشه کبر را با دندان دردناک گاز بزنند، سودمند خواهد بود. چنانچه

ریشه و برگ آن را خوب بکوبند و روی خنازیر (آماس سخت گردن) و

آماس های سخت بگذارند، آن را از میان می برد.

گونه ای از آن که در پیرامون دریای قلزم و لینیوی (نینوی) می روید ویژگی

زبان گزی نیرومند دارد از این رو با خوردن آن دهان تاول می زند. و لثه را به

اندازه ای می خورد که تباهی دندان ها را به دنبال می آورد. همچنین اگر یک بار با

آب جوشانده آن با شراب و یک بار جوشانده آن با سرکه و یا این که چندین بار

به تنهایی جویده یا گاز زده شود، برای درد دندان سودمند است.

..... و اگر آن را با داروهای ویژه بیامیزند خنازیر و آماس های سفت را فرو

می نشاند.

اریاسیوس گوید:..... و اگر یک بار با جوشانده آن در سرکه و یک بار با جوشانده آن در شراب مضمضه کنند و یا این که چندین بار آن را به تنهایی بچوند برای درد دندان خوب می‌باشد..... و اگر آن را با داروهای مناسب بیامیزند و روی خنازیر و آماس سفت گذارند آن را آب می‌کند.

بولس گوید: ریشه کبر به جهت تلخ بودن ویژگی پاک‌کنندگی و خُرد کردن و گرم‌زایی و آب‌کنندگی و از میان‌برندگی آماس را دارد. درد دندان را فرو می‌نشاند.

فارسی گوید:..... و دهان را خوشبو می‌کند و پادزهر است و بادشکن.

کُراث (تره) ۲۱:۲۱۱

ابن ماسویه گوید: تره نبطی در مرتبت سوم گرم و خشک است..... و چنانچه دانه آن را بسایند و با قطران بسرشند و دندان‌ها را با آن بخور دهند، کرم‌های پدید آمده در دندان را بیرون می‌آورد و درد آن را فرو می‌نشاند. یهودی گوید: ویژگی تره تبه کردن دندان‌ها و لثه می‌باشد.

کرفس ۲۱:۲۱۷

..... و اگر آن را به گردن بیاویزند درد دندان را فرو می‌نشاند ولی سبب خُرد شدن آنها خواهد شد.

ابوجریج گوید: در آغاز مرتبت دوم گرم و خشک است.

از کتاب "قسطس فی الفلاحه" گوید:..... کرفس دهان را خوشبو می‌کند، از این رو کسانی که دچار بدبویی دهان‌اند آن را بسیار به کار برند. و کسانی که پیوسته بدیدار پادشاه و بزرگان می‌روند و با ایشان گفتگو می‌کنند باید کرفس را پیوسته بخورند تا دهان بدبو نداشته باشند.

کرم شراب (کرم تاک) ۲۲۰:۲۱

.....خوشه‌های آن ویژگی پاک کنندگی کلف (کک مک) و جز آن را داراست. تر و تازه و یا خشک آن را با سرکه و روغن گل (سرخ) بیامیزند که برای لثه و زخم‌های بدخیم واژن سودمند است. چنانچه آن را روی سفال بگذارند و با زغال بسوزانند..... برای ناخن چشم و لثه سست شده و خون چکان خوب می‌باشد.

کرنب (کلم) ۲۲۲:۲۱

ابن ماسویه گوید: در مرتبت یکم گرم و خشک است..... خشک کننده زبان و پرخوری آن انگیزه بالا آوردن می‌شود.

کروان (کزوان) ۲۲۷:۲۱

حشیشه القلاف است. دهان را زخمی می‌کند برای دل و درد آن خوب است.

کزبره (گشنیز) ۲۱:۲۲۷

ابن ماسویه گوید: گشنیز تازه سرد و خشک است..... برای سوزه‌های پدید آمده از آمیختگی گرم (خلط) در دهان و روی زبان خوب است که آب آن را غرغره کنند و یا روی سوزه‌ها بمالند.

کزبره خشک در میانه مرتبت دوم سرد و در میانه مرتبت سوم خشک است. ابن ماسویه گوید:..... چنانچه دو مثقال آن را با سه وقیه آب با رهنک (لسان الحمل) بجوشیده مضمضه کنند برای سوزه‌ها پدید آمده در دهان سودمند است. خوزی گوید: برای گرمی و زبری دهان و زبان کوچک خوب است.

کزمازک (گز) ۲۳۲:۲۱

دمشقی گوید: در مرتبت دوم سرد و در مرتبت سوم خشک است، گوشت زیادی را می‌کاهد و برای کرم‌خوردگی دندان‌ها سودمند است.

لبن (شیر) ۲۵۰:۲۱

دیسقوریدوس گوید: از همه گونه‌های شیر کیموس خوبی پدید می‌آید که خوراک خوبی برای تن و نرم کننده شکم است. برای شکمبه و روده‌ها بادساز است.

شیر گاو: شیرگاو با شکمبه کسی که چیز مسموم خورده باشد، سازگار است. مضمضه با شیر برای زخم‌های دهان و غرغره کردن با آن برای زخم‌های پدید آمده در پیرامون کام سودمند است.

کره: نرم کننده است و پرخوری آن شکم‌روش پدید می‌آورد. چنانچه با غسل آمیخته شود و روی لثه کودک بمالند خوب است و سبب رشد تند آن می‌شود برای درد لثه و برفک دهان سودمند می‌باشد.

بخش آبی شیر که جدا شده از دو بخش چربی و پنیری آن می‌باشد ویژگی پاک کنندگی (کک مک) را دارد.

مضمضه شیر آرام کننده درد زخم‌های دهانی است و غرغره آن برای آماس لوزه‌ها و زبان کوچک خوب است.

کره با روغن دارای ویژگی رساندن سوزها و دمل‌ها را دارد، کارایی آن در تن‌های نرم نیرومندتر و آسان‌تر و در تن‌های سفت سست‌تر است. کره با این ویژگی‌ها برای آماس‌های پدید آمده در بیخ گوش و بیخ ران و دهان کسانی که تنی نرم دارند، خوب است.

در خیلی از جاها آن به گونه‌ای موضعی برای درمان سفتی پدید آمده در گوشت میان دندان‌ها و لثه به ویژه لثه کودکان به کار می‌رود، از سوی دیگر گذاشتن آن روی لثه و سپس مالش دادن لثه انگیزه رویش تند دندان‌های کودک می‌گردد. نوشیدن پیوسته شیر برای دندان‌ها و لثه زیان دارد، زیرا انگیزه سست

شدن لثه و گندیدن و به تندی سبب خوردگی دندانها می‌شود. از این رو نیاز است پس از نوشیدن آن، با شراب دارای آمیختگی، مضمضه کنند ولی بهتر آن است که شیر را با عسل بیامیزند و سپس بنوشند، زیرا عسل بخش پیری چسبیده به دندانها و لثه را پاک می‌کند و از میان می‌برد.

برای پیشگیری از زیان شیر به دندانها و لثه بهتر است پس از نوشیدن شیر، با آمیخته عسل و شراب ناب غرغره نمایند. کاربرد آمیخته یاد شده بهتر و نیکوتر از آن است که نخست مضمضه کردن با آب عسل و سپس با شراب ناب و بندآورنده جداگانه انجام گیرد.

رائب (شیر ترش، ماست): شیر ترش برای دندانها زیان ندارد. اریباسیوس درباره کره گوید: افزون بر ویژگی رسانیدن (سوزه و دمل) و ویژگی آب کنندگی را نیز داراست..... همچنین آماس پدید آمده در نزدیکی گوش و در پیشابراه (حالب) و آماسهای دهان و دیگر را.

شیر شتر: برای گرمی و خشکی جگر خوب است..... نیاز است پس از نوشیدن شیر با آب عسل و شراب و یا با سکنجبین مضمضه شود، زیرا این شیر دندان را خرد می‌کند و لثه را سست می‌گرداند.

جالینوس در بخش پایانی مقاله چهارم گوید: گرمی شیر از سردی آن بیشتر نیست، از سوی دیگر نیز سردی آن از گرمی بیشتر نمی‌باشد.

وی در "تدبیر الاصحاء" گوید: شیر سالم سفید رنگ و خوشبو و خوشمزه است با همبستگی میانه و جزوهای یکنواخت و برابر می‌باشد. او در "تدبیر الطفل" در مقاله پنجم کتاب یاد شده گوید: شیر در کسانی که سوراخهای تنگی دارند، گرفتگی‌هایی در جگر و سنگ در گرده (کلیه) و در بسیاری از مردم نفخ شکم و

آوای قراقر پدید می‌آورد. چنانچه آن را پیوسته بنوشند دندان‌ها و لثه را تباه می‌سازد.

کره همراه با عسل برای برفک دهان کودکان خوب است.
طبری از برخی کتاب‌های هندی، چنین می‌آورد:..... شیر حافظه را می‌افزاید و ماندگی و خستگی و نیز اندوه و سل و سرفه را از میان می‌برد..... و پادزهر همه زهرهاست و رنگ رخساره را روشن می‌کند و شیر خانم‌ها را می‌افزاید و.....

ابن ماسویه گوید: برای کسی که آمیزه (مزاج) دندان‌هایش سرد است زیان دارد.

لِزاق الذهب ۲۸۸:۲۱

دیسقوریدوس گوید: ویژگی پاک کنندگی و جلا دهندگی لثه را دارد.

لسان الثور (گاو زبان) ۲۸۹:۲۱

جالینوس گوید: این گیاه گرم و نمور است از این رو اگر در شراب پرورده شود آن شراب شادی‌آور و خشنودی‌زاست و اگر آن را با آب عسل بپزند برای سرفه پدید آمده از زبر شدن راه‌های هوایی و حنجره سودمند است.
خوزی گوید: در مرتبت دوم سرد و نمور است، چنانچه برگ آن را بسوزانند برای هنگامی که لثه‌ها و زبان دچار سستی شده‌اند و همچنین برفک دهان به ویژه برفک دهان کودکان و نیز برای همه گونه گرمی دهان سودمند است.

لسان الحمل (بارهنگ) ۲۸۹:۲۱

دیسقوریدوس گوید: دو گونه است. گونه بزرگ آن سودمندتر است.....اگر پیوسته برگ آن را بجوند، زخم‌های دهان را درمان می‌کند.

برای لثه سست شده نیکو می‌باشد. چنانچه آب جوشانده ریشه آن را غرغره کنند و یا ریشه آن را بجوند، درد دندان را فرو می‌نشانند. چنانچه برگ گیاه را خشک کنند لطیف‌تر خواهد شد و سردی آن کمتر. زیرا بخش آبی آن از میان می‌رود، از این رو ریشه آن را برای درمان درد دندان به کار می‌برند. همچنین می‌توان ریشه گیاه را در آب پخت و با آن غرغره کرد.

لعاب (آب دهان) ۲۹۱:۲۱

جالینوس گوید: آب دهان به آمیزه جانوران و سیراب و یا تشنه بودن، لاغری یا چاقی تفاوت جنس و کم و زیاد بودن گرمی آنها بستگی دارد. بزاق کسی که خوراک خورده سست‌تر از بزاق گرسنه است و از سوی دیگر بزاق کسی که سیراب شده سست‌تر از بزاق گرسنه است و از سوی دیگر بزاق کسی که سیراب شده سست‌تر از بزاق تشنه می‌باشد. آب دهان کسی که خوراکی میانه و گوارشی نیکو دارد، میانه است.

لوزان (بادام تلخ و شیرین) ۲۹۵:۲۱

..... گونه تازه آن را اگر با پوست بخورند، لثه را استوار و نیرومند می‌سازد و از سوی دیگر به جهت ترشی و گسی که دارد گرمی دهان را فرو می‌نشانند. گونه تلخ آن در مرتبت دوم گرم و خشک و کارایی آن بیشتر از گونه شیرین می‌باشد. این بادام تنها کاربرد دارویی دارد نه خوراکی. ویژگی آن جلوگیری از مستی و کاهش دادن آن است و کلف را پاک می‌کند و برای برآمدن خون سینه از دهان سودمند است.

ابن ماسویه گوید: بادام شیرین در مرتبت نخست گرم و نمور است و چنانچه با پوست خورده شود برای درد دهان خوب می‌باشد و نموری‌های انباشته شده در سینه و شش را پاک می‌کند.

مازیون ۳۰۵:۲۱

..... چنانچه ریشه آن را بجوشانند و با آب آن غرغره کنند درد دندان را فرو می‌نشانند و اگر یک بخش آن را با یک بخش فلفل و یک بخش موم بیامیزند و روی دندان دردناک بچسبانند سودمند خواهد بود و اگر آن را با سرکه بپزند و روی دندان دردناک و نیز درون بینی بریزند و یا آن را بسایند و با نوک یک میخ روی دندان دردناک بگذارند، در در دندان را فرو می‌نشانند.

ماء (آب) ۳۱۰:۲۱

ماء النحاس: آب مس برای دهان و گوش و اندامهای درونی و هموروید (بواسیر) و زبان کوچک و چشم سودمند است.

روفس گوید:..... هر آبی در هنگام سنجش با شراب می‌بینیم ارزش خوراکی ندارد و گواریدن دشواری دارد و رنگ رخساره را دگرگون می‌سازد. بادآور و سست کننده است.

روفس گوید: آشامیدن آب و آب تنی کردن.... برای کسی که غم و اندوه دارد و یا دچار سکسکه شده و یا بوی بد دهان و بدبویی همه تن دارد، سودمند است. ویژگی‌های آب ولرم: آب ولرم برای سردرد و چشم درد و کاهش یافتن لته و خوردگی دندان و نیز برای آماس لته که از آن خون می‌چکد و برای زخم‌های کام و زبان کوچک و..... بدبویی بینی و..... سرفه همیشگی و..... سودمند است.

دخاسیه: برای دهان و چشم و گوش و زبان کوچک سودمند است.

آب ایستا: آب‌هایی ایستا در شوره زارها سنگلاخ‌ها در تابستان گرم و سنگین و بدبو و کدر می‌باشند..... نوشیدن آن در زمستان سبب گرفتگی صدا

می‌شود..... از نوشیدن این گونه آب‌ها بیماران در تابستان دچار بوگرفتگی دهان و زخم روده و تب‌های کهنه می‌شوند.

سند هشار گوید: آب گرم جوشانده برای سکسکه و نفخ و باد و تشنگی و سرفه و تنگی نفس و زکام در تهیگاه و پهلوی و درد دهان و نیز برای پیشابدان خوب است.

مر ۳۳۵:۲۱

دیسقوریدوس گوید: گرم و خشک است. به اندازه یک باقالی از آن را در سرفه‌های کهنه و نفس‌الانتصاب و درد سینه و پهلوی و زخم روده می‌خورند. اگر آن را زیر زبان بگذارند و آنچه که از آن آب می‌شود فرو برند زبری راه‌های هوایی را نرم و صدا را صاف خواهد کرد و کرم‌ها را نیز از میان خواهد برد و چنانچه جویده و در دهان گردانده شود دهان را خوشبو خواهد کرد.

..... و اگر آن را با سرکه شراب (خل الخمر = سرکه نارس) و روغن زیتون بیامیزند و مضمضه کنند دندان‌ها و لثه را محکم و استوار خواهد ساخت. دمشقی گوید: مر خشک است و دندان‌ها را نیرومند می‌سازد و برای عفونت‌ها و سینه سودمند است و بوی بد دهان را از میان می‌برد.

مراره (زهر) ۳۳۷:۲۱

دیسقوریدوس گوید: زهره یا کیسه زرد آبی همه جانوران گرم و مزه گزنده دارد ولی بیشینه و کمینه آن متفاوت است.

زهره گاو نر: زهره گاو نر را همراه با عسل به کام کسانی که دچار خناق (دیفتری) شده می‌مالند.

زهره لاک پشت: برای خناق و زخم‌های بدخیم پدید آمده در دهان کودکان سودمند می‌باشد و چنانچه در سوراخ‌های بینی بیمار گرفتار صرع بگذارند، خوب خواهد بود.

مرداسنج (مرداسنگ) ۳۴۱:۲۱

دیسقوریدوس گوید: دارای ویژگی بند آورنده و نرم کننده و پوشاننده و چسباننده بودن است و انگیزه رویش گوشت در زخم‌های ژرفناک می‌شود و گوشت فزونی یافته را از میان می‌برد.

مری (آبکامه) ۳۴۵:۲۱

دیسقوریدوس گوید:..... از ماهی شور و گوشت‌های شور ساخته می‌شود که اگر روی زخم‌های پیشرونده بریزند از پیشرفت آنها جلوگیری می‌کند. ابن ماسویه گوید: ویژگی آن خشک کردن نموری‌های شکمبه (معه) و خوشبو کردن دهان می‌باشد و در مرتبت سوم گرم و خشک است.

مزمارالراعی ۳۴۶:۲۱

حنین داماسونیون را برابر مزمار الراعی دانسته است.

مسک (مشک) ۳۴۷:۲۱

حکیم پورحنین گوید: گرم و خشک است. از کتاب "اجماع": چنانچه آن را در خوراک پخته بگذارند، خورنده آن دچار بدبویی دهان می‌شود.

مشمش (زردآلو) ۳۴۸:۲۱

جالینوس گوید: میوه گونه ارمنی آن سرد و نمور است و گویا در درجه سوم می‌باشد.

دیدگاه من: مردی گرفتار بدبویی دهان بود، گمان من بیماری از شکمبه او بود زردآلوی تازه بدو خوراندم بوی بد دهان او از میان رفت و از آن پس همیشه خیسانده زردآلو را به کار می برد. گمان نمی برم چیزی سرد کننده تر و پوشاننده تر و سست کننده تر از زردآلو برای شکمبه باشد.

مصطکی ۳۴۹:۲۱

دیسقوریدوس گوید: خوردن آن برای برآمدن خون از سینه و سرفه کهنه سودمند است..... به جهت داشتن ویژگی پاک کنندگی و جلادهندگی در ساخت فرآورده های پاک کننده دندان ها و روی شویه ها به کار می رود..... و اگر جویده شود دهان را خوشبو می گرداند و لثه را استوار و نیرومند می سازد. غرغره کردن و جویدن آن دندان های جنبان نیرومند و استوار می سازد و اگر از شاخه های کاربرد مسواکی ببرند ویژگی پاک کنندگی و درخشان کردن برای دندان ها خواهد داشت.

مسیح گوید: در مرتبت دوم گرم و خشک است برای بند آوردن خون برآمده از دهان و سرفه و همچنین برای کم اشتهایی و شکمبه سودمند است. دندان ها را پاک و درخشان می کند، درد لثه را فرو می نشاند و اگر روی تن بمالند پوست را زیبا خواهد کرد.

ملح (نمک) ۳۵۵:۲۱

دیسقوریدوس گوید: بندآورنده و کشنده و پاک کننده و آب کننده (تحلیل) است گوشت فزونی یافته در زخم را می سوزاند و از میان می برد. اگر همراه با تلخان (سویق) جو سوزانده شده و غسل روی خوره و برفک دهان و نیز لثه سست شده پانسمان کنند، سودمند است.

مو (ریشه والا) ۳۶۰:۲۱

دیسقوریدوس گوید: مین همان مو است، گیاهی بمانند شوید است و در کشورهای ماقدونیا (مقدونیه) و اشباینا (اسپانیا) یافت می‌شود، ریشه آن ریز و کوچک (موین) و خوشبو می‌باشد که سبب تیز شدن زبان می‌گردد.

موز ۳۶۲:۲۱

ابن ماسویه گوید: گرم در میانه مرتبت یکم و نمور در پایان همین مرتبت، ارزش خوراکی اندکی دارد، سودمند برای زخم‌های پدید آمده در حلق و سینه و شش و پیشابدان می‌باشد.

مومیایی ۳۶۴:۲۱

دیسقوریدوس گوید: یک قیراط آن با آب جوشانده صعتر پارسی بیامیزند و برای درمان سنگین زبان به کار برند.

میویج (مویزک) ۳۶۹:۲۱

..... چنانچه مویزک را با سرکه بجوشانند و سپس با آب به جای مانده آن غرغره نمایند برای درد دندان‌ها سودمند خواهد بود و نموری لثه را از میان می‌برد و اگر آن را با عسل بیامیزند برفک دهان را درمان خواهد کرد.

نحاس (مس) ۳۷۷:۲۱

چنانچه ریم مس سپید را بسایند و با عسل بیامیزند و به کام و حلق بمالند برای بهبودی آماس زبان کوچک و نیز آماس دو ماهیچه حلقوم که نغانغ نامیده می‌شود، سودمند است. اگر زنگار مس را با اشق بیامیزند و آن را شیاف گونه بسازند برای نرم کردن بواسیر سفت شده و نیز برای آماس لثه و باد کردن آن خوب می‌باشد.

زنگار نه تنها زخم‌ها بلکه زبان را نیز با چشیدن می‌گزد.

نخل (درخت خرما) ۳۸۰:۲۱**قشب (خرمای سنگ اشکن)**

ابن ماسویه گوید: بلح (غوره خرما) سرد و خشک در میانه مرتبت دوم است. شکمبه (معهده) و لثه را دباغی ؟؟؟؟ می کند

رطب: در مرتبت دوم گرم و در مرتبت یکم نمور است. ویژگی آن تباه کردن لثه و دندان هاست و ارزش خوراکی آن بیشتر از بسر می باشد. بهترین گونه آن "هیرون" و بدترین آن اسود یا سیاه است که نیاز است پس از خوردن آن با نبیذ (شراب) ناب و یا با عسل مضمضه کنند تا لثه را تباه نسازد.

تمر (خرما): از رطب گرم تر و گوارش آن در شکمبه کُندتر و سر درد زا است. بخار آن برای دهان و لثه و دندان ها بد است و زردآب ساز می باشد.

دمشقی گوید: خشکی خرما کمتر از گرمی آن است، شکم را نرم می کند و سینه را پاک می سازد و لثه و دندان ها را تباه می کند و سر درد زاست.

بلح و بسر: سرد و خشک در مرتبت دوم است برای دهان و لثه خوب می باشند، شکم را بند می آورند و شکمبه را نیرو می بخشد.

نطرون (بدره سرخ) ۳۸۷:۲۱

..... اگر آن را با خمیر بیامیزند و پس از پختن نان به بیماری که گرفتار سستی دندان هاست بدهند، سودمند خواهد بود.

نعن (نعناع) ۳۸۹:۲۱

دیسقوریدوس گوید: گرم و خشک کننده است.

..... افشرد آن را با ماء القراطن بیامیزند و روی زبان بمالند. زبری های آن را

نرم می سازد.

نیطافلن (بنطافلون = فنجنگشت) ۳۹۴:۲۱

دیسقوریدوس گوید: آب جوشانده ریشه این گیاه را اگر در دهان نگاه دارند، درد دندان‌ها را فرو می‌نشاند و اگر آن را مضمضه کنند از گسترش زخم‌های بدخیم و پیشرونده در دهان جلوگیری می‌کند و چنانچه آن را غرغره نمایند برای زبری و ناهنجاری حلق سودمند است.

وج (اگر) ۳۹۹:۲۱

دیسقوریدوس گوید: بوی گزنده و تند دارد و ریشه آن گرم است. گرمی و خشکی آن در مرتبت سوم می‌باشد. سند هشار: برای سنگینی زبان خوب است.

ورد (گل سرخ) ۴۰۰:۲۱

دیسقوریدوس گوید: سرد است، گل سرخ خشک بندآورندگی بیشتری از تازه آن دارد.

و اگر گل سرخ خشک را با شراب بجوشانند..... و سپس با آن غرغره کنند برای لثه‌ها خوب است.

چنانچه دانه خشک شده آن را روی لثه‌ای که پس مانده‌های بسیار به آن می‌رسد، بمالند سودمند خواهد بود.

روغن گل سرخ بندآورنده و سرد است، مضمضه آن درد دندان را فرو می‌نشاند.

هلیون (مارچوبه) ۴۱۰:۲۱

دیسقوریدوس گوید: اگر ریشه‌های آن را بپزند آب به جا مانده آن را غرغره کنند برای دندان دردناک سودمند خواهد بود.

جالینوس درباره گونه "صخری" آن گوید: جلا دهنده و پاک و گرم کننده که سرد کنندگی نمایی در بر ندارد. از این رو ریشه و دانه آن گرفتگی های جگر و گرده را می گشایند. همچنین درد دندان ها را فرو می نشانند، زیرا خشک کنندگی آن به همراه گرمی نمی باشد. نیاز به یاد کردن است که گفته شود به ویژه دندان ها به ویژگی اخیر بیشتر نیاز دارند.

اریاسیوس گوید: دارای ویژگی پاک کنندگی و جلا دهندگی است ولی گرمزایی نیرومندی ندارد، از این رو ریشه و دانه آن گرفتگی های جگر و گرده (کلیه) را می گشایند و درد دندان ها را فرو می نشانند زیرا خشک کنندگی آن به همراه گرمی نمی باشد.

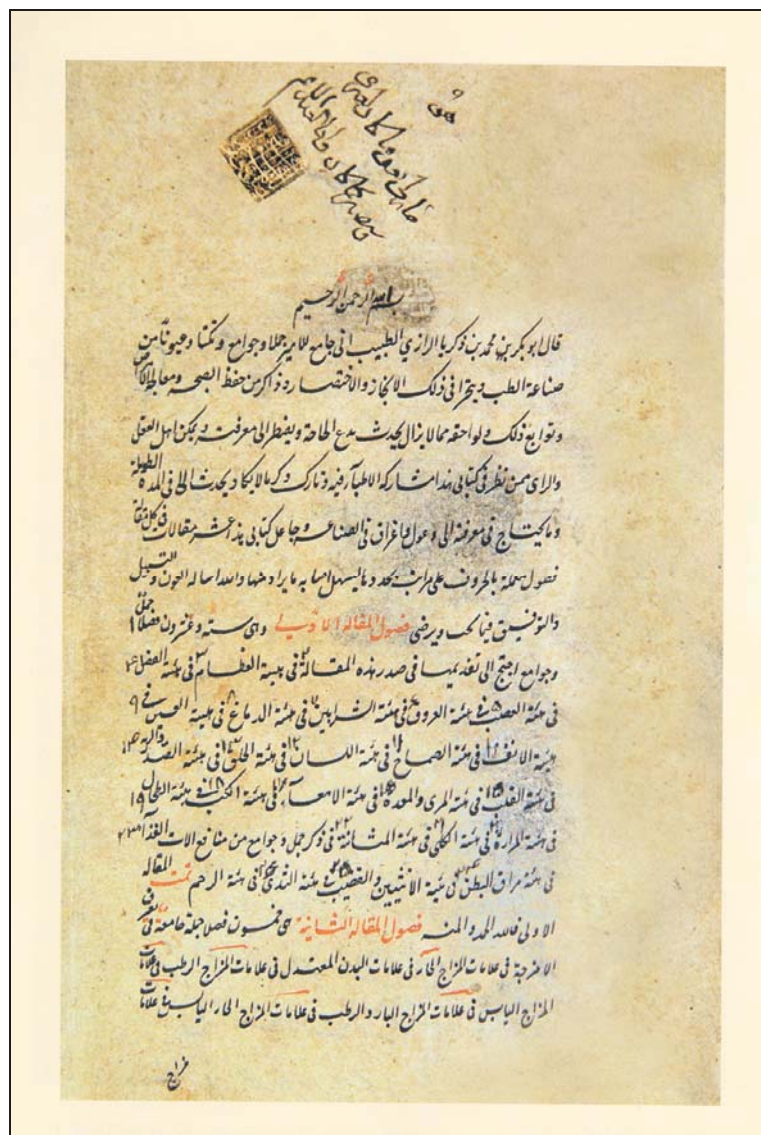
ابن ماسویه گوید: در آغاز مرتبت دوم گرم و نمور است..... و برای دندان ها و درد کمر پدید آمده از بلغم و باد سودمند است.

یتوع (درخت شیرابه دار) ۴۱۸:۲۱

دیسقوریدوس گوید: یتوع هفت گونه دارد که ویژگی های همه آنها بمانند یکدیگر است.

..... اگر آن را به درون بخش خورده (پوسیدگی) دندان بریزند درد آن را فرو می نشانند. در اینجا باید گفت پس از ریختن شیرابه در بخش پوسیدگی دندان با اندکی موم در آن را ببندند تا آسیبی به زبان و لثه نیاید. چنانچه ریشه آن را با سرکه بجوشانند و با آب آن غرغره کنند برای درد دندان خوب است.

جالینوس گوید:..... چنانچه ریشه آن را با سرکه بجوشانند و با آب آن غرغره نمایند درد دندان به ویژه دندان پوسیده را فرو می نشانند.



تصویر ۲۶: کتاب المنصوری فی الطب از محمد بن زکریای رازی

برگرفته از: گزیده تصاویر تاریخ پزشکی اسلام و ایران،

انتشارات فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۷، ص ۷۸

بخش پنجم

دانش دندان پزشکی از کتاب «طب منصورى» رازى

پیش گفتار

آشنایی با کتاب «طب منصورى»

کتاب منصورى یا کُنَّاش منصورى (کُنَّاش = جُنْگ) کتابى طبى در ده مقاله (ده گفتار)، به عربى از ابوبکر محمد ابن زکریای رازى است. این کتاب عمدتاً مبتنى بر طب یونانى است و رازى آن را به نام منصور ابن اسحاق، حاکم رى از خاندان سامانیان، تألیف کرده است. ترجمه‌ى لاتین آن در ۱۴۸۱ میلادى در میلان به طبع رسید، و پس از آن مکرر تجدید چاپ شد. مقاله نهم (گفتار نهم) آن در «بیمارى‌هاى از سر تا پا»، مخصوصاً شهرت فراوان داشت، و مکرر جداگانه چاپ شد. (۱)

نسخ خطى این کتاب در اغلب کتابخانه‌هاى دنیا و کتابخانه‌هاى شخصى موجود است. کتاب منصورى با توجه به کوچکى حجم کتب ممتازیست که قریب پانصد سال پس از رازى برای تربیت طبیب بکار مى‌رفته و همراه با کتاب الحاوى مى‌توان گفت تا اوایل دوران تجدد طب اروپا از بهترین و بزرگترین کتب تحصیلى به شمار مى‌رفته است.

بعضى از مورخان اروپایى پس از تتبعات فوق‌العاده که بر روى طب و اطباء اسلامى کردند، دو کتاب الحاوى و منصورى را بزرگترین کتب آموزش طب قدیم (در دوران اسلامى و مدت‌ها پس از آن) دانسته، این دو را بر عموم کتب دیگر ترجیح داده‌اند.

مقاله نهم (گفتار نهم) کتاب مشتمل بر نود و چهار فصل است. این مقاله (گفتار) همان قسمت از کتاب منصوری است که اروپائیان بدان اهمیت فوق‌العاده می‌دهند، و در آن از جمیع امراض از سر تا قدم و درمان آنها چه طبی و چه جراحی گفتگو می‌کند. (۲)

رازی کتاب منصوری را در ده گفتار گرد آورد. شش گفتار نخستین آن پزشکی نظری است، که دربرگیرنده گفتار نخست درباره کالبدشناسی می‌باشد و بگونه‌ای گسترده سخن در شمارگان استخوان‌ها و ماهیچه‌ها و پی‌ها و رگ‌ها و فیزیولوژی بیشتر اندام‌ها دارد.

گفتار دوم در شناخت آمیزه‌ها و آمیختگی‌های تن و بازگو کردن دانش فراست یا ریخت‌شناسی است. پیشینیان از روی برخی اندام‌ها به مانند ابرو، لب، بینی، دهان و جز آن به پاره‌ای از ویژگی‌های اخلاقی کسان دست می‌یافتند.

گفتار سوم در شناخت ارزش مزه‌ها، خوراک‌ها، نوشیدنی‌ها، میوه‌ها، چاشنی‌ها و داروهای تکی با زیرساخت سه‌گانه کانی و جانوری و بیشتر گیاهی و دسته‌بندی کردن آنهاست.

گفتار چهارم در پاسداشت تندرستی با اندازه کردن خواب، خوراک، ورزش و چگونگی پاکسازی تن از فزونی‌ها و گزینش خانه، خوابگاه، بهداشت دهان و مسواک و داروهای شستشودهنده، زایمان و پرورش کودکان می‌باشد.

گفتار پنجم در چگونگی آرایش و پیرایش تن و جلوگیری از بیماری‌های پوستی و بوهای تن بویژه دهان و بینی و پیشگیری از جنبان شدن و پوسیدگی دندان‌ها و فربگی و لاغری و جز آن است.

گفتار ششم در گردشگری، گرما و سرمازدگی، تشنگی و گرسنگی و دیگر آسیب‌های آن، گزینش اردوگاه لشکر و... می‌باشد.

گفتار هفتم در شکسته‌بندی و درمان پارگی‌ها، آماس‌ها، دمل‌ها، سرطان، خنازیر (سخت شدن غده‌های لنفاوی گردن)، سَلَع (پیشی)، سوختگی‌ها، خونریزی، رگ‌زدن و خون‌گیری، حجامت و برخی داروهای ترکیبی بکار رفته در درمان‌های او و در پایان آن بررسی کار لاف‌زن‌ان و کلاه‌برداران که با دجالی سر بیماران کلاه می‌گذارند می‌باشد.

گفتار هشتم درباره زهرهای جانوران و پادزهر آن و مسمومیت‌ها و درمان آنها است.

گفتار نهم بررسی همه بیماری‌ها از سر تا پا می‌باشد و سپس درمان هر کدام را بازگو می‌کند.

گفتار دهم واگویه تب‌ها و دسته‌بندی آنها و گزاره نشانه‌ها و پیش‌آگهی و درمان هر کدام و روزهای بحران و نکاتی آزمایشگاهی در راستای پیش‌آب‌شناسی و شناخت پیخال (مدفوع) و نبض است.

برای این کتاب ارزشمند ۲۶ دست نوشته در ایران ۹ تا در سراسر گیتی توسط دکتر ذاکر ردیابی شده است. نخستین بار این کتاب در سال ۱۴۸۱ بوسیله جرارد کرمونایی به لاتین برگردانده شد و در دانشگاه‌های ایتالیا، سوئیس، آلمان و فرانسه کتاب آموزشی دانشجویان بود (فیلسوف ری، ص ۶۴). همه کتاب در سال ۱۹۸۲ م. با پژوهش دکتر حازم بکری صدیقی از دست نوشته خاک خورده کتابخانه‌ها به ویرتین کتابفروشی‌ها راه پیدا کرد و در سال ۱۳۸۴ خ. برگردان به فارسی آن توسط دکتر محمدابراهیم ذاکر به پایان رسیده است. (۳)

منابع

۱. مصاحب، دایره‌المعارف فارسی، جلد دوم، مدخل «کتاب منصوری»

۲. نجم‌آبادی، محمود، تاریخ طب در ایران پس از اسلام، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۶
۳. اقتباس و تلخیص از مقاله "دانش دندان پزشکی از کتاب «طب منصوری» رازی"، نوشته و ارائه شده دکتر محمدابراهیم ذاکر، ۱۳۸۵/۶/۲۷.

گفتار نخست

پیش درآمدی در دانش پزشکی^۱

استخوان‌شناسی (جمجمه، فک و صورت و دندان‌ها)

کاسه سر به طور طبیعی گرد است ولی گردی آن فراگیر نیست. دارای سوراخهایی فراوان برای رفت و آمد پی‌ها و (سیاه)رگها و سرخرگها می‌باشد. یک برجستگی در بخش پیشین یا پیشانی و دیگری در پسین^۲ و دو تا در پیرامون گیجگاه دارد.

بزرگترین سوراخ آن پایین کاسه سر در گودی ستون مهره‌ها و جای بیرون آمدن نخاع می‌باشد. کاسه سر از چندین استخوان درست شده است که به هم دیگر چسبیده‌اند. به جایگاه چسبندگی آنها درز گفته می‌شود.

استخوان فک بالا که در برگیرنده دو استخوان گونه و دو گوش و دندان‌های بالاست و به کاسه سر می‌چسبد و آن نیز دارای چندین تکه استخوانی است که با درز^۳ به یکدیگر پیوند دارند.

فک پایین که در آن دندان‌های پایین قرار گرفته‌اند. این استخوان چسبندگی یکپارچه (درزی) به کاسه سر ندارد زیرا فک پایین برای جابجایی و حرکتهای پیش و پس، راست و چپ نیاز به بند یا لولا دارد که آن را بند گیجگاهی فکی گویند. فک پایین به جز دندان‌ها از دو استخوان تشکیل شده که برجستگی میان آن دو در ناحیه چانه (در جلو) و دیگری زیر کاسه سر (در عقب) وجود دارد.

^۱. اقتباس و تلخیص از مقاله‌ی «دانش دندان‌پزشکی از کتاب «طب منصورى» رازى»، نوشته و ارائه شده‌ی

دکتر محمد ابراهیم ذاکر، ۱۳۸۵/۶/۲۷

^۲. Occipital

^۳. Suture

میان فک پایین و فک بالا استخوانی استوار و پر از فرورفتگی که از تنوع شکلی استخوان‌های پیرامونش شکل گرفته، قرار دارد و وتد^۱ نامیده می‌شود. شمار استخوان‌های سر بیست و سه تا می‌باشد که شش تای آن ویژه کاسه سر و چهارده تا فک بالا و دو تا فک پایین و یک استخوان وتد است. دندان‌ها شانزده تا در هر آرواره هستند. دو تا پیشین^۲، دو تا کناری^۳، دو تا نیش^۴ و پنج تا آسیا^۵ در راست و پنج تا در چپ است. گاهی یکی از آسیاها کم شده و چهار تا می‌شوند. ریشه دندان‌های آسیای بالا سه تا و گاهی چهار تاست و آنها که در آرواره پایین‌اند دارای دو ریشه‌اند و دندان‌های دیگر یک ریشه دارند. پس شمار همه استخوان‌های سر پنجاه و پنج استخوان است.

ماه‌یچه‌شناسی

ماه‌یچه‌ها از گوشت و پی و زردپی ساخته شده‌اند، که برای حرکت‌های ارادی افزاری ارزشمند می‌باشند. ریخت آنها بر پایه جایگاه و کارکردشان، گوناگون است. هر ماه‌یچه تا هنگامی که به دو سر پایانی خود برسد، به صورت توده الیاف گوشتی می‌باشد ولی در بخش پایانی خود به اندامی در می‌آید که وتر یا زردپی نامیده می‌شود و این گونه گذر می‌کند تا به سر انتهایی و پایینی اندامی بچسبد که جنبانیدن آن خواسته شده است.

جنبش‌های آگاهانه تن دربرگیرنده حرکت پوست پیشانی، چشم، گونه‌ها، پره‌های بینی، لبها، زبان، گلو، آرواره، سر، گردن، شانه و حرکت بند بازو و ساعد،

^۱ Sphenoid .

^۲ Central .

^۳ Lateral .

^۴ Canine .

^۵ Premolar & Molar .

بند ساعد و میچ، حرکت همه انگشتان و هر کدام از بندهای آنها، حرکت اندامهایی (تارهای صوتی) که در گلو هستند، حرکت سینه برای نفس کشیدن، جنبیدن نرینه و اسنفکترهای پیشآبدان و راست روده (رکتوم) برای باز و بسته کردن راه برای پیشآب و پیخال (مدفوع) و... و... است.

چهل و پنج ماهیچه در چهره که بیست و چهار تای آن برای حرکت‌های چشم و پلک‌هاست، دوازده تا برای جنبیدن آرواره و نه تا برای دیگر حرکت‌های آگاهانه اندام‌های حرکت‌دار چهره می‌باشند. از آنها می‌توان یک ماهیچه پوشاننده پوست پیشانی را نام برد که برای بیشتر باز و گشاد کردن چشم بکار می‌رود، دو ماهیچه برای تکان دادن پره‌های بینی، دو ماهیچه برای بالا کشیدن لب بالا، دو ماهیچه برای پایین کشیدن لب پایین و دو ماهیچه برای تکان دادن گونه‌ها می‌باشد. بیست و سه ماهیچه سر و گردن را می‌جنانند. برخی از آنها تنها سر را به سویی که آن ماهیچه در آنجاست تکام می‌دهند و گروهی سر و گردن را می‌کشند و دسته‌ای از آنها بسوی جلو است و برخی بسوی پشت و گروهی سر و گردن را به راست و دسته‌ای به چپ خم می‌کند. نه ماهیچه برای جنانیدن زبان و سی و دو ماهیچه برای حرکت‌های گلو و حنجره می‌باشد....

پی‌شناسی

- پی‌ها از مغز و یا از نخاع می‌رویند.... از مغز هفت جفت پی بیرون می‌آید.
- جفت نخست از بخش پیشین مغز می‌روید، و برای دادن بینایی به چشم می‌رود.
 - جفت دوم از پشت رستنگاه جفت نخست مغزی می‌روید و از راه سوراخ کف کاسه چشم از کاسه‌ی سر بیرون می‌آید و در ماهیچه‌های چشم

- پراکنده شده و جنبش را به آنها می دهد.
- رستنگاه جفت سوم پشت جفت دوم است و با جفت چهارم می آمیزد و سپس از آن جدا شده و چهار شاخه می شود، یکی از آنها به سوی شکم و زیر پرده حجاب حاجز (دیافراگم) پایین می رود و رشته های دیگر آن به بخش هایی از بینی و دهان پخش می شوند و شاخه هایی از آن به جفت دوم می پیوندند.
 - جفت چهارم از پشت سوم روییده و در دهان پخش شده و به آن حس ویژه خودش را می دهد.
 - جفت پنجم، رشته هایی از آن دارای حس شنوایی و بخش دیگر حرکتی است و به ماهیچه تکان دهنده ی گونه می رود.
 - جفت ششم، رشته هایی از آن به گلو و زبان و دسته ای از آن به ماهیچه های شانه و پیرامون آن می رود. شاخه هایی نیز به سوی گردن، پایین می آید.
 - زوج هفتم، از بخش پسین مغز از رستنگاه نخاع می روید و در ماهیچه های زبان و گلو پخش می شود.

رگ ها (سیاه رگ ها)

همه (سیاه) رگ ها از برآمدگی جگر می رویند. بخش درونی جگر گود و بیرونی آن برجسته است. از بخش برجسته آن رگی بزرگ بیرون می آید، هنوز راهی نپیموده، دو شاخه می شود یکی از آنها که بزرگتر است به پایین تن رفته و همه اندامها را در آنجا سیراب می کند و دیگری به بالا می رود و بالای تن را تغذیه می کند.

شاخه ی بالایی پس از گذر کردن به حجاب حاجز (دیافراگم) می رسد و در

آنجا دو رشته می‌شود... در راستای زیر بغل شاخه‌ای بزرگ از آن جدا شده به ناحیه زیر بغل می‌آید و باسلیق^۱ نامیده می‌شود. هنگامی که در راستای میانه‌ی چنبره و جایگاه سر سینه رسید، دو شاخه می‌شود یکی به راست و دیگری به چپ می‌رود و هر کدامشان به دو شاخه‌ی کوچکتر تقسیم شده که یکی از آنها بر شانه سوار و از سمت راست به دست می‌رود و رگ قیفال^۲ نام می‌گیرد و از شاخه‌ی دوم نیز برای هر سمت رشته‌ای جدا می‌شود که یکی از ژرفنای گردن بالا می‌رود، تا وارد کاسه‌ی سر شود و همه‌ی اندام‌های مغزی و نیام‌ها را سیراب کند و در هنگام گذر از گردن تا وارد شدن به مغز شاخک‌هایی کوچک برای مشروب کردن گردن و اندامهای درونی از آن جدا شده و وداج زیرین^۳ نامیده می‌شود. ولی شاخک دوم از رو گذر می‌کند و بالا می‌رود تا در سر و صورت و چشم و بینی پخش شود و همه‌ی آنها را سیراب کند که به آن وداج رویین^۴ گفته می‌شود.

سرخرگ‌ها

سرخرگ‌ها از سوراخ (بطن) چپ قلب می‌رویند. نخست دو سرخرگ یکی کوچکتر از دیگری و بمانند آن بیرون می‌آید و به شش‌ها می‌رود در آنجا شاخه شاخه می‌شود. دیگری که بزرگتر است، آئورت نامیده می‌شود. پس از بر آمدن از حفره چپ قلب، دو شاخه شده این دو شاخه دوباره به دو شاخه دیگر تقسیم می‌شود، یکی به سوی پایین^۵ و دیگری به سوی بالای تن^۱ می‌رود.

^۱ Basilic vein

^۲ Radial vein

^۳ Deep Jugular vein

^۴ Peripheral or Surface Jugular vein

^۵ Dessending aorta

شاخه بالا رونده آئورت هنگامی که به ناحیه سر سینه می‌رسد دو شاخه شده که هر کدام نیز به شاخه‌ای دیگر تقسیم می‌شوند. یکی از این دو هنگامی که از روی (سیاه) رگ وداچ زیرین می‌گذرد، بسوی بالا رفته تا به درون کاسه سر می‌رود و شاخه‌هایی از آن جدا شده و به اندامهای زیرین آن می‌پیوندد و هنگامی که وارد مغز می‌شود به گونه‌ای شگفت‌انگیز به صورت شبکه‌ای پهن در زیر و پایه مغز در می‌آید. این اندام به مانند تار و پودهای درهم فرو رفته می‌باشد. سرخرگ از پس این اندام توری شکل، به دو شاخه بزرگ به مانند گذشته در آمده و به درون تنه مغز فرو می‌رود و در آنجا دو شاخه می‌شود، یکی از این دو شاخه که کوچکتر است به سطح چهره و سر رفته و در آنها پراکنده می‌شود و به مانند (سیاه) رگ وداچ رویین اندامهای رویین پیرامون خود را سیراب می‌کند.

زبان

زبان یک اندام گوشتی و شل است زیرا از رگهای کوچک فراوان درهم پیچیده ساخته شده است از این رو پر خون و به رنگ سرخ دیده می‌شود. به این اندام (سیاه) رگ‌ها و سرخرگ‌ها و پی‌های بسیار زیادی می‌رسد. دو دهانه مجرای زیرزبانی و زیرفکی در زیر آن به چشم می‌آید که بزاق ساخته شده در بافت غده‌ای شل زیرزبانی و زیرفکی که در زیر و پایانه زبان است را به بیرون می‌تراود. این بافت را سازنده بزاق می‌نامند. این دو دهانه، سرریزکننده بزاق هستند که تری و نموری همیشگی زبان و اندامهای پیرامون آن را ماندگار نگاه می‌دارد.

سخنانی کوتاه درباره سودمندی دستگاه گوارش

دهان در کنار داشتن حس بساوایی (لمس) دارای حس چشایی نیز می‌باشد. پس زبان تنها اندامی است که توانایی تفاوت‌گذاری میان مزه‌های خوب و بد را داراست و از آنجایی که مزه‌های خوب، سازگاری بیشتری با تن دارند و ارزش خوراکی بالاتری دارند، پس بسادگی می‌توان به نقش زبان در گزینش خوراکی‌های سودمند پی برد. با آن که زبان ارزشمندترین اندام سخن‌گویی است در هنگام جویدن نیز، برای آسیاب کردن یکنواخت خوراک کاری بزرگ انجام می‌دهد که همان به شکل‌های گوناگون و در جهت‌های مختلف، جابجا کردن خوراک می‌باشد و این کار را به مانند دو سنگ آسیاب انجام می‌دهد.

دندان‌ها

دندان‌ها از جهت ریخت و قیافه و کارکرد به سه گروه دسته‌بندی می‌شوند:

- ۱- برخی برای بریدن شایستگی دارند. به مانند دندان‌های پیشین و کناری
- ۲- پاره‌ای برای شکاندن هستند. همچون دندان‌های نیش
- ۳- گروهی آسیاب کننده‌اند. به مانند دندان‌های پنج‌گانه آسیا

شیوه جاگیری دندان‌ها شگفت‌انگیز است، زیرا دندان‌های پیشین و کناری (بالا و پایین) می‌توانند، در هنگام گاز گرفتن، به سوی همدیگر بروند و برخورد نوک به نوک پیدا کنند. اگر این گونه نباشد، گاز گرفتن نخواهیم داشت. کار نوک به نوک شدن دندان‌ها با به جلو کشیده شدن آرواره‌ی پایین انجام می‌گیرد ولی در هنگام جویدن و آسیاب کردن آرواره‌ی پایین به جای خود بازگشته و دندان‌های پیشین و کناری پایین به درون رفته و از نوک به نوک بودن دندان‌های همانم بالا و پایین بیرون می‌آیند. این وضعیت سبب انگیزه‌ی خوب رویهم آمدن دندان‌های آسیاب شده تا کار آسیاب کردن به خوبی انجام پذیرد. زیرا با نوک به نوک بودن

دندان‌های پیشین و کناری بالا و پایین امکان جفت شدن دندان‌های آسیاب در هنگام له کردن خوراک از میان خواهد رفت. ریشه‌ی دندان‌های آسیاب از ریشه‌ی دیگر دندان‌ها، به جهت سختی و پیوستگی کارشان همواره بزرگتراند. انگیزه‌ی بیشتر بودن ریشه دندان‌های بالا به جهت آویزان بودن است که دارای ریشه‌های بیشتری می‌باشند.

گفتار دوم

شناخت آمیزه اندام‌ها

شناخت نشانه‌های دهان، لب و دندان‌ها

دارنده دهان گشاد، بسیار فهمیده و دلاور و لب کلفت، بی‌خرد و بدطبع و لب کم رنگ نشانه همواره بیمار بودن است. دارنده‌ی دندان‌های سست و نازک و پراکنده، ناتوان و دندان نیش بلند و نیرومند، شرور است.

زیادی آمیختگی‌های چهارگانه (اخلاط اربعه)

۱- نشانه‌ی پرخونی: یا زیادی آمیختگی خون در تن، به مانند گونه نخست انباشتگی (امتلا) می‌باشد، که همان سرخی رنگ و گرمی تن و داشتن زخم‌ها و دمل‌های بسیار و بودن مزه شیرینی در دهان که پیش از این نبوده. همچنین داشتن پیش‌آبی به رنگ سرخ سیر است. چنانچه در سن نوجوانی و دارای تن تر و تازه و پرگوشت و همچنین پیوسته خواری خوراکی‌های خون‌ساز در تاریخچه‌ی پزشکی بیمار باشد، این تشخیص را بیشتر تایید می‌کند.

- ۲- **نشانه زیادی زردآب:** زردی رنگ و تلخی و خشکی دهان و تشنگی فراوان و کاهش خواست به خوراک و دل‌آشوبی و بالاآوردن زردآب، سبزآب، تلخ‌آب و خشکی و زبری زبان و زرد شدن سپیده چشم و پیش‌آب آبکی سوزاننده، از نشانه‌های آن است. چنانچه به همراه این نشانه‌ها، تابستان و هوای گرم و سن جوانی و کم‌خوراکی و یا خوردن خوراکی‌های گرماساز و داشتن خستگی بسیار و خواب اندک و آمیزه‌ی گرم، همه، درستی باور ما بر نشانه برتری زردآب را بیشتر خواهد کرد.
- ۳- **نشانه زیادی بلغم:** افزایش اندازه و لیزی و چسبندگی آب دهان، کاهش تشنگی و پیش‌آب سپید و تنبلی و سستی و کندی و خواب‌آلودگی و شکم‌روش و کندی گوارش در کسی که افزایش بلغم دارد، دیده خواهد شد. چنانچه به همراه آن سردی و زمستان و هوای سرد آن و کم‌جنبشی و کوتاهی در ورزش کردن و پرخوری به ویژه در خوراکی‌های بلغم‌ساز و آبتنی بسیار در آب‌های نیکو و گوار داشته باشد، درستی رای ما را در برتری نشانه بلغم بیشتر می‌کند.
- ۴- **نشانه زیادی تلخ‌آب:** هیچ نشانه‌ی ویژه‌ای برای یاد کردن ندارد.

گفتار سوم

شناخت خوراکی‌ها و داروها

داروهای تکی (مفرد)

دار شیشعان

گرم، بندآورنده شکم است و اگر با دم کرده آن دهانشویه شود برای برفک و جوش دهان خوب است. دم کرده آن برای سختی در پیشاب کردن و بادشکنی (از میان بردن نفخ) و سست و آرام شدن اعصاب سودمند است. همچنین اگر با شراب پخته و در آن مشی را بخیسانند و در بینی فرو کنند بوی بد بینی را می‌برد.

دُلب (چنار)

برگ و مغز گردوی آن سرد و خشک است و اگر با سرکه ساییده و سرشته شود پانسمان خوبی برای جای سوختگی از آتش است و اگر پوست آن را با سرکه جوشانده و با آن غرغره نمایند برای درد دندان سودمند است.

زرنیاد

گرم و خشک است، از میان برنده آماس و برای نیش حشرات و مار بسیار سودمند می‌باشد. فربگی زا و زداینده بوی شراب از دهان است.

حناء

طبیعتی سرد دارد و برای برفک و جوش دهان و سوختگی ناشی از آتش خوب است.

وَج

گرم و خشک، برای بادهای متراکم و سپزر (طحال) سخت شده و برای

سنگینی زبان خوب است.

حُضَض (حُضَض)

در گرمی و سردی میانه است، برای آماس گرم چشم اگر روی آن مالیده شود و آماس‌های شل و رسیده و جنبان خوب است، اگر روی کک و مک مالیده شود بهبود دهنده آن است. برای خروسک (گرفتگی گلو) و زخمهای دهان با غرغره کردن بسیار سودمند می‌باشد.

طَرَفَا (گَز)

سرد و خشک است و اگر با برگ آن آماس شل پانسمان شود آن را خوب می‌کند و اگر دم کرده آن غرغره شود درد دندان را فرو می‌نشاند.

طَبَاشِير (تَبَاشِير)

سرد است و برای تب‌های بالا و تشنگی و بالا آوردن و پس مانده‌های زردآبی و تپش دل و برفک و جوش دهان خوب است.

کَرَمَازَک

سرد و خشک است و شکم را بند می‌آورد و خونریزی را می‌برد و برای خوردگی (پوسیدگی) و لقی دندان‌ها سودمند است.

لِسان الثور (گاوزبان، گل گاوزبان)

برای ترس و تبش دل و برفک و جوش دهان خوب است.

مَن (ترنجبین، گزانگبین)

برای گلو و ریه نیک است.

سُعد (مُشک زمین)

گرم و خشک است و داغ کننده جگر و شکمبه و خردکننده سنگ‌هاست. خوشبوکننده بوی بد و گند بینی و دهان است.

ساذج

گرم و پیشاب‌آورست و برای تپش دل و بوی بد دهان و روان پریشی خوب است.

سنبادج (سنگ سنباده)

پرکننده سوراخ‌های (پوسیدگی) پدید آمده در دندان می‌باشد.

عاقِرَقَرَحَا (بیخ ترخون رومی)

برای درد دندان و جوش‌های دهان خوب است.

صدف (سوخته)

دندان‌ها را درخشان می‌کند. اگر نپخته آن را بکوبند و پودر آن را روی سوختگی بمالند آن را به تندی خوب می‌کند.

قیشور

گونه‌ای از کفک یا کف دریا (زبد البحر) است. طبیعت آن سرد می‌باشد و در داروهای چشم به کار می‌رود و دندان سوراخ شده را با آن پر می‌کنند.

شب (زاج بلور)

جمع‌کننده نیرومند است و همچنین از لق شدن دندان‌ها جلوگیری می‌کند.

شابابک (شابانک، شاقانج)

گرم است، برای ریزش آب دهان کودکان و بیماری صرع سودمند است.

ضُرو

برای جوش و برفک دهان و شکم‌روش بسیار خوب است.

گفتار چهارم

پاسداشت تندرستی

چگونگی مسواک

اگر مسواک یکنواخت و میانه زده شود دندان‌ها را درخشان و نیرومند می‌سازد و لثه را نیرو می‌دهد و فربه (کلفت) می‌کند، از پوسیدگی دندان جلوگیری و کمک به خوشبو شدن دهان می‌کند و اندکی سبب سبک شدن سر و دهان و دهانه معده (فم المعده) می‌شود.

بہتر است با چوب ویژه مسواک که در آن تلخی و سختی مناسبی دیده می‌شود، مسواک زد. زیاده‌روی در مسواک زدن درخشانی دندان‌ها را می‌کاهد و سبب نشستن چرک‌ها (جرم‌ها) روی دندان می‌شود، دندان‌ها را لق و نازک و لثه را سست و کوتاه می‌کند.

شیوه نگاهداری دندان‌ها

شایسته است از شکستن چیزهای سخت با دندان و بسیار جویدن خوراکی‌های سفت و چسبنده همچون خرما و ناطف (نوعی حلوا) و مانند آن خودداری کنند و از بسیار بالا آوردن بپرهیزند چون دندان‌ها را تباہ می‌سازد و در شستن و پاکیزه کردن آن هنگام بالا آوردن یا خوردن خوراکی‌های سفت و چسبنده به ویژه شیر با سکنجبین و آب عسل توجه کنند و با بکار بردن میانه‌ی داروهای (سنون) شستشودهنده دهان و دندان و مسواک زدن و دوری از خوردن چیزهای کُند و کِرخت‌کننده‌ی دندان‌ها چون یخ و آب یخ به ویژه پس از خوراک داغ توجه کنند.

گزاره شستشودهنده‌هایی که پاسدار بهداشت دندان‌هایند

سوخته‌ی شاخ گوزن، سوخته‌ی استخوان، کزمازک، سعد، گل سرخ، سنبل الطیب به یک اندازه با یک چهارم بخش نمک اندرانی را با هم بکوبند و دندان‌ها را با آن شستشو دهند که برای نگاه داشت دندان‌ها بسیار خوب است.

روش رویاندن دندان‌های نوزاد و کودک

..... و اگر هنگام رویش دندان‌ها فرا رسیده، پس باید هر روز لثه او را با کره و چربی مرغ مالش دهید.

گفتار پنجم

آرایش و پیرایش

بوی بد دهان

چنانچه به همراه بوی بد دهان، دندان‌ی پوسیده و یا گندیدگی بافت لثه در دهان باشد و گمان برده شود بوی بد از آن است، نخست آن دندان باید بیرون آورده شود و اگر از بافت لثه آسیب دیده باشد، باید با داروی ترکیبی قلدقیون که آن را یادکرده‌ایم درمان کرد.

چنانچه از گلوی بیمار چیزی بد مزه سرازیر می‌شود، باید هر روز با سکنجبین و خردل و سپس با شرابی که در آن قرنفل و مشک و سنبل و سعد جوشانده شده غرغره کند. اگر بوی بد به همراه چیزهایی که گفتیم (پوسیدگی دندان و گندیدگی

لثه) باشد، پس بیمار باید پس از خوردن نمک یا خردل و شوید و سلق و نوشیدن آب عسل بالا آورد و ایاره فیکرا چند بار بنوشد و از خوردن خوراکی های چرب و سنگین (چسبنده) دوری کند و به خوراکی های آب پز و سرخ شده بسنده کنند و بر خوردن مری (آبکامه) نبطی تکیه کند و هنگام ناشتا اندگی از آن بخورد و پیش از خوراک کمی نان خوب (سپید) و صحناء (گونه ای شوربا ساخته شده با ماهی مانده و بیات) بخورد و در نوشابه ی خود اندکی سعد، سنبل و قرنفل بگذارد و این قرص را به کاربرد.

گزاره ی آن: مشک، قرنفل، قرفه، جوزبوا، زعفران، سعد، سنبل، پوست ترنج و عود به یک اندازه و اندی مشک با شراب زردآلوی خوشبو سرشته و از آن قرصی به اندازه و به مانند نخود بگیرند و هر روز سه تای آن را آرام بجوند و آبش را قورت دهند.

داروی دیگر آزمایش شده برای بوی بد دهان

در خوردن کرفس زیاده روی کنند و یا جوانه تازه آس را با همان اندازه کشمش بی هسته بکوبند و آن را به اندازه گردوی درآورند یکی در ناشتا و دیگر را هنگام خواب به کار گیرند.

دهان شویه خوشبوکننده دهان

سنبل، سعد، ساذج هندی، پوست ترنج، قرنفل، گل سرخ، حماما (آمومن)، قباد العود، مصطکی و نمک سوخته با عسل به یک اندازه بگیرند و خوب ساینند و دندان ها را با آن بشویند.

گزاره نمک سوخته

نمک را با عسل سرشته و در پارچه‌ای کتانی بپیچند و پارچه را خوب گل مال نمایند و در تنور بگذارند و پس از سرد شدن تنور آن را بیرون آورند و گل‌های خشک شده را از آن بزدایند و سپس آن را نرم بسایند و به کار ببرند.

آنچه بوی بد دهان از سیر، پیاز و تره و جز آن را می‌زداید

پنیر را به برش‌های نازک ببرند و سپس روغن زیتون انفال (نارس) بجوشانند بر آن قرنفل ساییده بریزند و بخورند و یا کزبره (گشنیز) تازه و خشک را بسیار بجوشانند و بخشی از آب آن را بنوشند و یا باقلی و عدس آب‌پز بخورند و یا سداب را بجوشانند و بخورند که بیشتر بو را می‌کاهد و یا زرنباد را بجوشانند و اندکی از آن را قورت بدهند و یا جوانه علیق (علوفه) را بجوشانند و بخورند بر آن نوشابه‌ی گیاهی بنوشند. از چیزهایی که بوی شراب را پنهان می‌کند و یا می‌کاهد، جویدن سعد پس از شراب است که بوی آن را از میان می‌برد و چنانچه به همراهش کبابه باشد کارسازتر خواهد بود.

دارویی دیگر: سعد، کبابه و زرنباد را بجوند و دندان‌ها را با آن بشویند و همچنین آن چه بو را می‌کاهد خوردن پس از آن خوراک، ترشیجات به مانند شلغم و پیاز پرورده در سرکه می‌باشد و یا نوشیدن (جرعه جرعه) سرکه و پس از آن و جویدن کزبره (گشنیز) است.

داروهایی که از ریزش آب دهان در خواب و بیداری جلوگیری می‌کنند

هندبا (کاسنی) تازه با نمک چندین روز ناشتا بخورند و مدت مسواک زدن و غرغره کردن را به درازا کشند و اطرافیل کوچک را روزانه به کار ببرند و پیوسته

بالا بیاورند تا بیماری ریشه‌کن شود و یا کمی آب گرم هر روز بنوشند و یا اندگی مری نبطی (آبکامه) و طلق (پنبه کوهی) بخورند و سویق خشک را در دهان بریزند و شب‌ها پیوسته به خوردن کیک (کعک) با مری نبطی بپردازند.

آنچه دندان‌ها را درخشان و از پوسیدگی جلوگیری می‌کند

نمک اندرانی و کفک دریا را بکوبند و با آن دندان‌ها را بشویند و یا کفک دریا و سماق را بسایند و دندان‌ها را با آن تمیز بکنند، همچنین با مالیدن هر شب روغن به دندان‌ها می‌توان از پوسیدگی آنها جلوگیری کرد.

دارویی دیگر: ساقه‌های باریک گیاه خزنده (پیچک)، شیشه شامی، قنبیل (تخم سرخس) و قلی (قلیا) به یک اندازه برمی‌دارند و نرم می‌سایند و پیوسته دندان‌ها را با آن می‌شویند و در هنگام شستن، باید لثه‌ها را از این دارو دور نگاه دارند.

آنچه از خوردگی (پوسیدگی) دندان‌ها جلوگیری می‌کند

بخش خورده شده دندان را با مصطکی و زاگ سپید (شَب) و سک پر کنند چنانچه آغاز پوسیدگی باشد هر روز آنرا با سعد و فلفل ساییده مالش دهند و یا مَر و جوز السرور (گوز سرور) و کزمازک را خوب بسایند و به دندان بمالند و اگر پوسیدگی فراوان و بیشتر دندان‌ها را فراگرفته باشد، روان‌کننده‌های زردآب را چندین بار بکار ببرند. خوردن خوراک روزانه را به اندازه و همچنین آن را نمور کنند و از شیرینی و شوری و تندی دوری ورزند و همواره در پی شاداب کردن تن خواهند بود.

آنچه از افتادن دندان‌های لق جلوگیری می‌کند

گل انار، زاگ سپید (بلور)، سک، قاقیا و هیوفاسطیداس را به یک اندازه بگیرند و بسایند و با آن ریشه دندان جنبان را مالش دهند.

همچنین: زرنیخ زرد، نوره، عقص (مازو)، زاگ سفید و نمک را با اندازه برابر با سرکه بسایند و بسرشند و قرص‌هایی از آن بسازند و در هنگام نیاز قرص‌های آماده را ساییده، ریشه دندان لق را با آن ماساژ دهند و چنانچه جنبان بودن دندان‌ها بسیار باشد آنها را به دندان سالم با سیمی زرین ببندند.

داروی ترک خوردگی‌های بسیار لبها

عَفَص (مازو) را با عسل بسایند و بر آن پانسمان کنند و یا دردی روغن زیتون و عِلک البطم (رزین درخت بطم) و چربی اردک را بگیرند و بر آن پانسمان کنند و یا عَفَص (مازو) را همچون سرمه بسایند و عِلت البطم (سقز) را در روغن آب نمایند و عَفَص (مازو) روی آن بپاشند و آن را روی ترک لب بمالند و یا عِلت البطم و مصطکی و زوفای تازه و عسل را گرد آورند و روی آن پانسمان کنند و اگر ترک لب آزاردهنده باشد، روی آن «عرق البیض» بچسبانند.

گفتار هفتم

گزاره داروی ترکیبی قلفدفیون

بافت‌های نکروزه و هموروئید را از میان می‌برد و برای گندیدگی‌ها (عفونت‌های) لثه و بافت‌های نرم دهان و همه تن خوب است. نوره‌ی زنده یک بخش، زرنیخ زرد، زرنیخ سرخ، قلی و اقاقیا یک چهارم بخش گرد آورند و با آبی

که آب نخست نام دارد، بسایند.

گزاره آن: نورهی آب نخورده و قلی به یک اندازه بگیرند و پس از ساییدن، شش برابر وزن آن آب بیافزایند و سپس سه روز و هر روز سه بار بهم زنند و صاف کنند و دوباره کار هم زدن را دنبال نمایند تا همچون خلقو (گونه‌ای عطر که از چند ماده تشکیل شده) گردد و در آفتاب رها کرده تا به بستگی بالایی برسد و کمی سفت شود، سپس از آن قرص‌هایی بسازند و قرص‌ها در جایی گذارند تا نمناک نشوند و خشک بمانند و در هنگام نیاز آن را نرم بسایند و بکار برند.

خون‌گیری (رگ زدن)

- در بیماری‌های کهنه و گرفتگی گلو (خروسک، دیفتری) پس از خون‌گیری از رگ قیفال، از رگ زیر زبان خون بگیرند.
- در کسانی که همواره گرفتار برفک و جوش دهان و زخم‌هایی در لثه و دهان‌اند، در پی خون‌گیری از رگ قیفال، از رگ چهاروک (رگی در لب‌هاست) خون بگیرند.

حجامت

حجامت، خون‌گیری از رگ‌های کوچک پخش شده در گوشت است و گونه‌ای درمان سبک است که تن را از هرگونه انباشتگی رها می‌سازد ولی به مانند رگ زدن نیروی بیمار را فرو نمی‌اندازد. جاهایی که در آن همواره حجامت انجام می‌گیرد شامل گودی کمر، دو رگ دو سوی گردن که صورت و سر و چشم را سبک می‌نماید و برای سنگینی سر و درد ریشه دندان‌های آسیاب بسیار خوب می‌باشد و خون‌گیری از رگ زیر چانه برای برفک و جوش دهان و خوردگی دندان‌ها و بیماری‌های بافت لثه و جز آن سودمند است.

گفتار نهم

بیماری‌های سر تا پا

درد دندان‌ها

اگر به همراه درد دندان، آماس و سرخی در لثه و درد ضربان‌دار پدید آید. درمان در راستای خون‌گیری از رگ قیفال بیمار و سپس حجامت کردن اوست. بیمار پیوسته باید در دهان خود سرکه و گلاب نگاه دارد و چندین بار آن را در دهان بچرخاند. اگر درد کاسته نشود و نیز از گونه درد ضربان‌دار سخت که با التهاب باشد، داروی او را کافور و عاقرقرحا برمی‌گزینیم و آن دو را نرم می‌ساییم و به ریشه دندان می‌چسبانیم و هنگامی که کارکرد دارو از میان رفت دوباره همین درمان را انجام می‌دهیم، پس از آن پنبه‌ای را در روغن گل سرخ گرم می‌کنیم و پنبه‌ای را در آن می‌خیسانیم و سپس روی ریشه دندان دردناک می‌گذاریم اگر آرام شد و گرنه بافت نرم روی ریشه را شکاف می‌دهیم و روی آن زالو می‌گذاریم. اگر لثه آماسی نباشد و درد ضربان‌دار نداشته و در صورت برافروختگی دیده نشود یا درد در پی تخمه (ناگواریدن) و شام بوده و یا پس از خوردن خوراک سرد افزایش یافته باشد بهتر است بیمار را با قوقایا (قرص راسن) درمان کنیم و ریشه دندان دردناک را با این دارو مالش دهیم.

گزاره دارو: عاقرقرحا، خردل، شیطرج، بورق، فلفل و زنجبیل را گرد آورده و ریشه دندان دردناک را با آن ماساژ می‌دهیم. همچنین پنبه‌ای که آغشته به این داروست را پس از غرغره کردن بیمار با سرکه‌ای که در آن عاقرقرحا، پودنه و صعتر (صعتر، پودنه کوهی) پخته شده روی دندان می‌گذاریم و آرواره او را با جاورس گرم شده کمپرس می‌کنیم و یا فلفل را با عسل سرشته روی دندان و

ریشه آن می‌مالیم اگر بسنده نبود روی ریشه دندان این پادزهر را می‌گذاریم.
گزاره آن: گندیدستر، حلتیت (انگزه)، فلفل، زنجبیل، میعه و تریاک به اندازه‌ی برابر با عسل می‌سرشیم و بکار می‌بریم. بیمار را مدتی گرسنگی می‌دهیم و ناشتا نگاه می‌داریم و ورزش را در دستور کارش می‌گذاریم، اگر آرام شد و گرنه آهنی را داغ می‌نمایم و چندین بار روی دندان می‌گذاریم و یا آن (دندان) را از جا در می‌آوریم. اگر دندان دردناک خوردگی (پوسیدگی) داشته باشد، آن را با داروهایی که در بخش خوردگی دندان گزاره کردیم پر می‌کنیم و یا آن را می‌کشیم.

کشیدن دندان

دارویی که با آن دندان پوسیده را پر می‌کنند و دردش را آرام می‌سازند: کبیکج و فلفل را ساییده با قطران خوب می‌سرشند و با آن دندان را پر می‌کنند.
این دارو برای کشیدن دندان‌هایی که با درد کم‌اند و می‌خواهیم آنرا بکشیم: پوست درخت توت، پوست ریشه کبر، عاقر قرحا، شیرابه شبرم، شیرابه مازیون، زرنیخ زرد و پوست حنظل را با سرکه تا یک هفته روزی یک بار بهم می‌زنند تا خوب سرشته شود، سپس پیرامون دندان را شکاف می‌دهند تا از گوشت تهی گردد. سپس روزی ده بار از دارو روی دندان می‌گذارند تا تکان دادن آن برای کشیدن آسان شود و یا چندین روز با دُردی سرکه‌ی تند و تیز پانسمان می‌کنند تا ساده بدر آید و یا قورباغه خشکی (بری) را در روغن زیتون می‌پزند به گونه‌ای که خوب له شود و در هنگام نیاز بافت نرم روی ریشه را شکاف می‌دهند و از این روغن چندین بار روی آن می‌مالند تا لق گردد و سپس با ابزار (فورسپس) کشیدن دندان آن را در می‌آورند.

کُندشدگی دندان‌ها

بقله الحمقا و بادام پوست کنده و جز آن را بجوند و یا با نمک مالش دهند و یا با موم عسل خوب بجوند.

دندانی که با هر چیز سرد دردناک می‌شود

با روغن گرم کمپرس شود، یا روی آن زرده تخم مرغ آب پز شده گرم بگذارند و یا چندین بار نان داغ گاز بزنند و یا روغن بلسان و یا روغن سوسن و یا (روغن) بان به آن بمالند.

برفک و جوش دهان

برای جوش‌های سرخ، تخم گل سرخ، نشاسته، تباشیر، عدس پوست کنده، تخم بقله الحمقاء، کزبره‌ی خشک و سنامکی به یک اندازه با اندکی کافور برگیرند بکوبند و با آن ماساژ دهند و در دهان نگاه دارند. سپس سرکه و گلاب و پس از آن روغن گل سرخ در دهان بگردانند و در پی آن حجامت کنند. ولی برای جوش‌های سفید (برفک) با نمک و عسل آنها را مالش دهند و در دهان سکنجبین یا مری (آبکامه) نگاه دارند.

لثه خون چکان و گندیده

اگر از لثه خون رقیق روان شود، باید دو زرنیخ سرخ و زرد و نوره و عقص (مازه) و شب (زاگ سپید) یکسان برگیرند و با سرکه خوب بسایند و از خمیر آن قرص‌هایی بدست آورند و در هنگام نیاز به اندازه یکدانق (دانگ) بسایند و لثه را با آن خوب مالش دهند و ساعتی رها نمایند سپس روغن گل سرخ در دهان نگاه

دارند که برای بهبودی این بیماری شگفت‌انگیز و برای گندیدگی (لثه) و خوروی دهان بسیار خوب است.

افتادگی زبان کوچک

اگر بیماری گمان برد چیزی در ته گلویش مانده و چنانچه دهان بیمار را باز کنید و به او دستور بدهید که زبان خود را درآورد، دراین هنگام زبان کوچک او را شل و آویزان و دراز شده خواهید دید. پس بهتر است که رامک و نوشادر را خوب بسایید و با دمنده‌ای آن را روی زبان کوچک بدمید و با اندکی به بیرون کشیدن زبان کوچک آن را به پایه‌اش بچسبانید. او را به غرغره کردن با افشهری انار ترش که با پوست و دانه‌ی آن است، وادار کنید. چنانچه مدت آن به درازا کشد و زبان کوچک درازتر و آویزان‌تر گردد و بخش بالایی آن باریک شود و سر آن بچرخد، بهتر است در اینجا آن را از بخش پایه‌اش ببرید و باید از بریدن بخش‌های پیرامون آن دوری کنید زیرا ممکن است بیمار دچار خونریزی غیرقابل کنترلی شود.

بیرون افتادگی زبان

اگر زبان بگونه‌ای باد کند که از دهان بیرون افتد، آن را با پیاز و یا ترنج ترش و یا ریواس و یا انار ترش مالش دهید تا بزاق بسیار از آن روان شود و جمع گردد و به جای خودش بازگردد و اگر برنگشت آن را با نمک و سرکه ماساژ دهید و اگر سودمند نشد، از دو رگ قیفان و رگ زیرین زبان بیمار خون بگیرید.

توده‌ای که در زیر زبان پدید می‌آید و قورباغه نام دارد

قورباغه (یکی از غده‌های بزاقی دهان می‌باشد که در دو سوی فرنوم زبانی قرار دارد به آن قورباغه می‌گویند چون شکل ظاهری آن به قورباغه می‌ماند) اگر در زیر زبان توده بافتی آزاردهنده پدید آید، آن را پیوسته با نوشادر و عفص (مازو) مالش بدهید تا خونین شود سپس بر آن دارویی که برای لثه خون چکان بکار می‌رود و بسیار تند است، بگذارید و آن را ماساژ دهید و یا بیمار در دهان خود سرکه و نمک نگاه دارد.

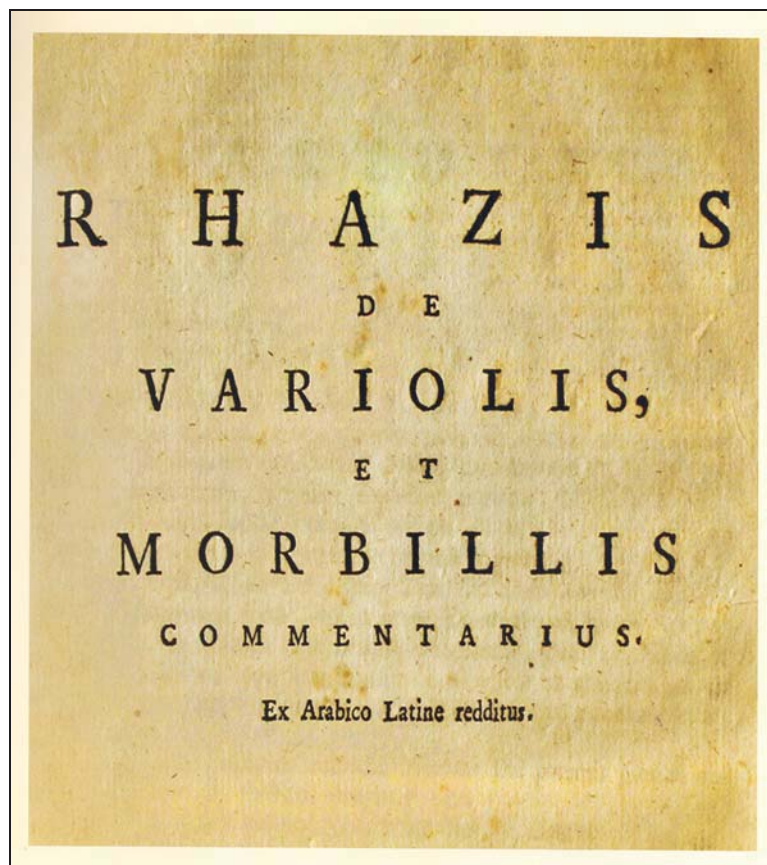
آماس‌های پدید آمده در زبان

با روش درمانی که در درمان برفک و جوش دهان و گرفتگی‌های (خروسک) گلو بکار می‌رود درمان کنید.

منابع

۱. منصوری فی الطب، محمد زکریای رازی (۲۵۱-۳۱۳)، پژوهشگر دکتر حازم بکری صدیقی، معهد المخطوطات العربیه، کویت، ۱۴۰۸ ق-۱۹۸۷ م
۲. قاموس القانون فی الطب (معجم المصطلحات الطبيه و الادويه المفردة المستعمله فی القانون فی الطب ابن سینا)، فرهنگ لغات قانون ابن سینا، عربی - انگلیسی، حکیم عبدالحمید - حکیم کبیرالدین - حکیم عبدالوهاب ظهوری - دکتر محمد عبدالعزیز - حکیم فضل الرحمن، موسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی

- و مکمل دانشگاه علوم پزشکی ایران _ تهران، بازنگری ۱۹۹۸ م
۳. CD لغت نامه دهخدا، علی اکبر (د ۱۳۳۴ خ)
۴. فرهنگ آندراج، محمد پادشاه (شاد)، زیر نظر محمد دبیر سیاقی، کتابخانه خیام، تهران، ۱۳۳۵ خ
۵. معجم مرعشی الطبی الکبیر (عربی _ انجلیزی) دکتر محمد اسامه مرعشی، مکتبه البنان ناشرون، بیروت، ۲۰۰۵ م
۶. منجد فی اللغة و الاعلام لویس معلوف «۱۸۶۷-۱۹۴۶ م» بیروت، ۱۹۳۷ م و CD
۷. فرهنگ پزشکی انگلیسی _ فارسی، ویلیام آکساندر نیومن دورلاند، برگردان دکتر محمد هوشمند ویژه، انتشارات کلمه، تهران، ۱۳۶۶



تصویر ۲۷: محمد بن زکریای رازی، ترجمه لاتین (کتاب آبله و سرخک)

برگرفته از: گزیده تصاویر تاریخ پزشکی اسلام و ایران،

انتشارات فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۷، ص ۲۳۸

بخش ششم

دانش دندان پزشکی از کتاب "تقاسیم العلل" رازی^۱

بخش سیزدهم کژ دهانی^۲

گونه‌ای از آن گرفتگی و ترنجیدگی نیمه یک سوی یکی از لب‌ها که انگیزه کشیدن لب سوی دیگر به سمت خود، خواهد شد. نشانه آن کشیدگی پوست پیشانی و کاهش آب دهان است بیمار گرفتار کندی حواس نمی‌شود. می‌تواند از سستی فک باشد که نشانه آن شل شدن آرواره و سستی در حرکت آن و کاهش کشیدگی پوست و افتادگی پلک می‌باشد.

بخش پنجاه و چهارم ص ۱۶۲، درد دندان

درد دندان‌ها یا به همراه آماس لثه و یا بدون آماس لثه است. دردی که از آماس گرم می‌باشد، نشانه آن سرخی و بادکردگی است، که با آب سرد آرام می‌گردد.

درمان: درمان آن با نیشتر زدن رگ قیفال و یا حجامت کردن و بریدن رگ چهاروک (رگ گوشه لب) و نگاه داشتن آب سرد در دهان و همچنین کافور و گلاب می‌باشد، اگر این درد یک روز باشد.

چنانچه درد بیش از یک روز به دو یا سه روز برسد بهتر است روغن گل سرخ که در هر وقیه (۷/۵ مثقال) آن دو درم مصطلکی است، در دهان نگاه دارد.

^۱. اقتباس از کتاب تقسیم و التشجیر بوبکر محمد زکریای رازی، ۲۵۱-۳۱۳ ق، پژوهش دکتر صبحی محمود

حمادی، گزینش و برگردان دکتر محمد ابراهیم ذاکر، انتشارات دانشگاه حلب، سازمان میراث علمی عربی

^۲. لقوه Bells palsy

اگر درد دندان بی‌آماس لته باشد، آن درد از سردی و آمیختگی‌های سنگین بوده و درمان آن نگاهداشتن پادزهر چهارگانه روی ریشه آن دندان می‌باشد و یا سرشته شده فلفل با قطران و یا نگاهداشتن سرکه‌ای که با پیه (شحم) حنظل پخته شده باشد و یا یک کف دست برگ آس و یک کف دست پوست ساقه درخت صنوبر و شاخه سیر را برمی‌گیرند و با سرکه می‌پزند و همانگونه که گرم است در دهان نگاه می‌دارند. یا پوست ریشه کبر و یا پوست مار را با سرکه می‌جوشانند. چنانچه درد افزایش یابد دندان دردناک را با پودر تخم بنگ سیاه و میعه که آنها را بمانند نخود گلوله کرده‌اند بخور می‌دهند و در دهان روغن داغی که در آن ریشه ختمی و بابونه پخته شده نگاه می‌دارند.

یک چیز داغی را چندین بار گاز بزند تا گوشت آن (لته) گرم شود و بهبود یابد. روغن بادام ولرم را در گوش بچکانند. چنانچه آرام نشود در گوش سمتی که درد دندان دارد به اندازه عدسی تریاک و به اندازه دو عدس گند بیدستر بچکانند. اگر درد آرام نگیرد آن را بسوزانند.

روش کار: آهن باریکی را داغ می‌کنند آن را در لوله‌ای از جنس روی می‌گذارند و درون دندان دردناک فشار می‌دهند. اگر دندان خورده شدگی (پوسیدگی) داشته سوراخ دندان را با فلفلی که به همراه قطران سرشته شده، پر می‌کنند. یا این دارو را به کار می‌برند که بسیار کارساز می‌باشد.

روش ساخت: گند بیدستر و انگزه (حلتیت) و میعه و تریاک (افیون) و فلفل و زنگبیل و تخم بنگ را می‌گیرند با قطران و عسل می‌سرشند و با داروی بدست آمده ریشه دندان را مالش می‌دهند و جای خورده شدگی دندان را پر می‌کنند. بهترین ماده پرکننده دندان پوسیده، قلع می‌باشد. ۱۶۴

گزاره دیگر: سه بخش فلفل یک بخش افریون را درهم می‌آمیزند و با آن دندان را پر می‌کنند و یا فلفل و انگزه (حلتیت) را به یک اندازه برمی‌گیرند و به کار می‌برند.

درمان دندان‌های سیاه شده با داروهایی است که دندان‌های دارای پوسیدگی را درمان می‌کنند.

گزاره دارویی برای آن: آرد گندم را با شیرابه تیوع می‌سرشند سپس آن را به دندان می‌چسبانند و روی آن برگ عشقه (لبلاب) می‌گذارند.

گزاره داروی کشیدن دندان: پوست درخت توت و عاقرقرحا و پوست ریشه کبر و پوست شبرم و زرنیخ زرد را برمی‌گیرند همه را در سه روز، روزی یک ساعت خوب می‌سایند و در ساعت‌های دیگر روز آن را در سرکه خیسانده نگاه می‌دارند. سپس پیرامون دندان را می‌شکافند و روزی چندین بار این دارو را روی جای شکافته می‌گذارند تا دندان را سست کند و سپس آن دندان کشیده شود. از چیزهایی که از خوردگی (پوسیدگی) دندان جلوگیری می‌کند، پرکردن آن با سک و مصطکی می‌باشد. گزاره دارویی که دندان‌های جنبان را استوار می‌کند: گلنار و گل سرخ و سعد و سک از هر کدام یک بخش و زاگ نیم بخش را برمی‌گیرند و روی لثه می‌چسبانند. ۱۶۶

گزاره دارویی که دندان‌ها را درخشان می‌کند: نمک اندرانی و کفک دریا (زبدالبحر) یک بخش و حرف حزاز سبز و قلی را برمی‌گیرند و همه را می‌سایند. گرد بدست آمده را روی دندان‌ها می‌مالند.

لثه دندان‌های آسیاب را با جویدن بقله الحمقاء (فرفر، فرفخ، خرفه) یا بادام پوست کنده یا موم و یا نمک خرد شده بپایند.

برای دندان‌هایی که با چیزی سرد و یا هوای سرد دردناک شوند، چندین بار گاز زدن هر چیز گرم و یا زرده تخم مرغ آب‌پز شده داغ به گونه‌ای که چشم بیمار از داغی بسیار آن اشک ریزان شود، سودمند خواهد بود و یا روغنی داغ را در دهان نگاه دارد.

بیماری خوره دهان: گزاره دارویی سودمند برای بیماری خوره دهان: زرنیخ زرد و سرخ و نوره و مازو (عقص) و زاگ (شب) با اندازه برابر از هر کدام برمی گیرند و با سرکه نارس^۱ می ساینند و از آنها قرص هایی فراهم می سازند و در هنگام نیاز یکی از قرص ها را می ساینند و به کار می برند. اندازه خوراکی آن یک دانگ است که لثه را با آن مالش می دهند و ساعتی آن را رها کرده پس از آن روغن گل سرخ را در دهان نگاه می دارند. این کار انگیزه از میان رفتن هرگونه گندای دهانی خواهد شد. سپس بر آن دارویی می گذارند که انگیزه رویش گوشت و سختی آن می گردد.

گزاره دیگر: برگرفتن اندازه های برابر از صبر و کندر و انزروت و شیان و پاشیدن آنها بر لثه، دارویی دیگر برای آن می باشد. ۱۶۸

بخش چهل و ششم، بوی بد دهان

۱. بوی بد دهان بیشتر از گرمای شکمبه است و نشانه آن با خوردن خوراک کاهش می یابد.

درمان: درمان آن خوردن هر روزه خیسانده زرد آلوی خشک است و خوردن زردآلوی تازه و یا هلو و یا خوردن تلخان شکر و یا خیار و یا خربزه هنگام ناشتا و پس از آن روی آوردن به خوردن خوراکی های دیگر می باشد.

۲. بوی بد دهان می تواند از بلغم تباه شده در شکمبه باشد که نشانه آن با خوردن خوراک بوی بد از میان نمی رود.

درمان: درمان آن خوردن چندین باره ایاره و سپس بالا آوردن و پس از آن خوردن مربی زنگبیل و پیوسته خوردن اطریفیل کوچک است.

^۱. شراب، خل خمر

۳. بوی بد دهان می‌تواند از گندای دهان و مری و بافت‌های پیرامون آنها باشد. این قرص دارویی برای آن سودمند می‌باشد.

گزاره قرص: سعد و پوست ترنج و سنبل الطیب و میخک (قرنفل) و عود و سک هر کدان یک درم، مشک یک قیراط با آب سیب و شراب ریحانی می‌سرشند و از آن قرص‌هایی می‌سازند و آن را در دهان نگاه می‌دارند. ۱۷۰

گزاره جوارشن: گزاره جوارشنی که برای بوی بد دهان از بلغم و آمیختگی‌های گندیده بسیار سودمند است.

روش ساخت: شاخ و برگ آس تازه سه بخش، ابلج (بلبله) و سعد و سنبل و پوست ترنج و اذخر و مصطکی و سک و مشک و قرنفل (میخک) از هر کدام یک بخش به همراه کشمش که هسته آن را در آورده‌اند و نرم کوبیده‌اند، گرد می‌آورند و می‌سرشند آن را به اندازه گردوی می‌سازند.

بخش چهل و هفتم

برفک و آفت‌های دهانی^۱

اگر این آسیب‌ها به همراه سرخی و گرما در دهان دیده شوند، درمان آنها چنین است.

درمان: برای آنها بیشتر زدن رگ قیفال و حجامت رگ زیر چانه و این دارو سودمند می‌باشد.

^۱ قلاع: زخم‌هایی در بافت مخاطی دهان و زبان است که گسترش می‌یابد و پخش می‌شود که بیشتر

کودکان در پی بدی شیر و بد گواریدن آن در شکمبه بدان دچار می‌شوند (قاموس الاطباء)

روش ساخت: تباشیر و گل سرخ و گشنیز (کزبره) خشک و سماق و عدس پوست کنده و تخم خرفه (بقله الحمقاء) و سنای مکی، را گرد می‌آورند و می‌کوبند و به همراه اندکی کافور در دهان نگاه می‌دارند و پس از آن سرکه یا گلاب را در دهان می‌چرخانند.

اگر این زخم‌ها به همراه سپیدی در دهان یافت شوند: درمان: مالیدن عسل و زاگ و یا مالیدن شکر تبر زد به آن سودمند خواهد بود، پس از آن شربت گلاب را در دهان بچرخانند و در دهان مامیران و هلیله زرد و عاقرقرا نگاه دارند ۱۷۲

اگر زخم‌ها به همراه گندیدگی و بیماری خوره دهانی باشند: درمان: داروی سودمند برای آن چنین است.

روش ساخت: زرنیخ و نوره و مازو (عفص) و زاگ (شب) و زنگار را با اندازه برابر از هر کدام بر می‌گیرند و یک هفته در سرکه تند و تیز می‌خیسانند و سپس می‌سایند و قرص‌هایی از آن فراهم می‌کنند و در هنگام نیاز جایگاه زخم را با آن قرص ماساژ می‌دهند. اندازه کاربردی آن یک دانگ است، پس از یک ساعت با سرکه نارس (خل خمر) غرغره می‌کنند سپس روغن گل سرخ روی آن می‌مالند.

بخش چهل و هشتم، افتادگی زبان کوچک

افتادگی زبان کوچک از سرخ باده سخت و یا دمای بالا پدید می‌آید. درمان: بیشتر زدن و خونگیری برای آن سودمند است. همچنین غرغره کردن با سرکه و گلاب. گل سرخ و صندل و گلنار را با قاشقی به زبان کوچک نزدیک می‌کنند و فشار نرمی به آن می‌آورند و آن را به بالای دهان می‌کشانند.

اگر به همراه آن سرخی نباشد بلکه با سپیدی دیده شود غرغره کردن با مری (آبکامه) و سکنجبین و خردل سودمند خواهد بود. همچنین به کار بردن نوشادر خوب می‌باشد. آن (زبان کوچک) را با مازو و نوشادر و نمک و زاگ به بالا می‌کشند. چنانچه ریشه و بُن زبان کوچک لمس کنند و آن را بسیار گرم نینند آن را می‌برند و پس از بریدن بیمار را وا می‌دارند که با سرکه و گلاب غرغر نماید.

بخش چهل و نهم، بیماریهای زبان

بیماریهای زبان یا از آماس و یا ترک و شکاف برداشتن و یا زبری و یا زخم و یا گرفتگی و ترنجیدگی و یا سنگینی و یا از غده بزاقی زیر آن^۱ و یا کوتاهی فرنوم زیر زبانی و یا از بزرگی زبان پدید می‌آیند.

آسیب‌هایی که به همراه سرخی و التهاب‌اند: خونگیری و نیشتر زدن رگ فیقال سپس حجامت رگ زیر چانه و چرخاندن گلاب و سرکه در دهان سودمند خواهد بود، پس از آن همه داروهای یاد شده برای برفک و آفت دهان و گرفتگی‌های گلو (خوانیق) که همراه دمای بالاست و ما آن را در آینده یاد خواهیم کرد نیز سودمند می‌باشد.

آسیب‌هایی که با دمای بالا نمی‌باشند ولی ریزش بسیار آب دهان به همراه دارند: این گونه آسیب‌ها را همانند آنچه در بخش برفک و آفت دهانی که به همراه دمای بالا نباشد و آنچه را که در بخش گرفتگی‌های گلو (خوانیق) بلغمی خواهیم گفت، درمان می‌توان کرد.

^۱. از آنجا که غده بزاقی زیر زبان به مانند قورباغه می‌باشد، اصطلاح ضفدعه (قورباغه) به آن داده‌اند.

شکافت‌ها و ترک‌های زبان: به کار بردن تخم قطونا با شکر و نوشیدن آبجو و خوردن کله پاچه و ماساژ آن با شیرابه‌ای که از زخیار قاچ کرده بدست می‌آورند و نگاه داشتن آن در دهان، درمان‌های سودمند آن می‌باشند.

زخم‌ها: درمان زخم‌ها به مانند درمان برفک و آفت دهان است. گرفتگی و ترنجیدگی^۱ بیشتر در پایه و بن زبان پدید می‌آید و نشانه آن کوتاه و کلفت شدن زبان می‌باشد.

درمان: چرخاندن روغن شوید و بابونه در دهان و ریختن آب گرم روی پشت زبان و ماساژ آن و مالیدن روغن فراوان روی سر می‌باشد. ۱۷۶

سنگینی زبان: سنگینی زبان در پی بیماری سرسام نمایان می‌شود. در حالت‌های کهنه شده بیماری امیدی به بهبودی نخواهد بود. در مواردی که بیماری کهنه نمی‌باشد مالیدن نمک اندرانی و نوشادر و هر دارویی که انگیزه بیشتر روان شدن آب دهان بگردد، سودمند خواهد بود. چنانچه در آغاز بیماری حسگرهای پنجگانه و جنبش بیمار از کار افتاده و یا سست باشند در اینجا شیوه درمان بیماری فلج از سردی سودمند خواهد بود.

از کوتاهی و نارسایی فرنوم (رباط) زیر زبانی: بهتر است آن را ببرند، نشانه آن فرنوم یا رباط هم‌تراز به کناره زبان چسبیده است.

از غده بزاقی زیر آن: اگر از غده بزاقی زیر آن پدید آمده باشد آن را شکاف می‌دهند و اگر بزرگ باشد آن را بیرون می‌آورند و اگر کوچک باشد آن را با داروی گرم ماساژ می‌دهند.

^۱. تشنج: گونه‌ای از گرفتگی بافت‌های نرم است که در پی گرفتگی پی‌ها پدید می‌آید و از شل شدن و بازگشتن بافت نرم جلوگیری می‌کند (قاموس الاطباء)

بزرگی زبان: بزرگی زبان به اندازه‌ای باشد که در دهان جا نگیرد که این ناهنجاری از نموری‌های فراوان پدید می‌آید. نشانه آن بیرون افتادگی زبان از دهان و بند آمدن آب دهان می‌باشد.

درمان: بهتر است آن را با پیاز یا با ترشک و ترنج و جز آن مالش دهند تا آب دهان سرازیر شود و زبان کوچک جمع گردد. چنانچه بسنده نشود، زبان را با نشادر ماساژ دهند.

بخش صد و بیست و دوم، ترک‌های لب و چهره و کف دست و پا

چنانچه خیلی گود و کهنه نباشد، جای ترک‌ها را با مالیدنی‌هایی درمان می‌کنند چنانچه گود افتاده و کهنه شده باشد، نیاز است که به بیمار دارو داده شود و پیش از آن چندین روز روغن به او دهند و خوراک بیمار را پرچرب نمایند و شراب پرآمیختگی به او بنوشانند و آب داغ به کار برند. پیش از نوشیدن افشره انگور و یا پیش از خوردن کشمش پخته روغن به او بخورانند. اندازه خوراکی آن روزانه دو وقیه از آن با نیم وقیه روغن کنجد پوست کنده می‌باشد. درباره ترک کف دست و پا سخت مالش دادن آنها می‌باشد. ۵۶

همچنین خیساندن عصفور در آب داغ تا خوب پرورده شود سپس باکتریای ساییده آن را خوب مالش می‌دهند، اگر ترک در گوشت فرو نرفته باشد مالش آن تا ریزش خون داشته باشیم. درمان با مرهمی به نام لاذری و یا مرهم عنصل انجام می‌گیرد.

درمان ویژه ترک لب: درمان آن روغن مالی کردن و چسباندن پوسته روی سپیده و یا خود سپیده تخم مرغ و روی آن می‌باشد. همچنین پیه مرغ با مازوی ساییده همانند سرمه و یا کتیرا که با هم خوب آمیخته شده روی آن می‌بندند.

بخش صد و بیست و ششم، آماس گرده لنفاوی گردن (خنازیر)

این آماس بیشتر در گردن نمایان می‌شود و همچنین میان دو کشالهٔ ران که بیشتر در آن جا غده‌ها پدید می‌آیند.

نشانهٔ آن آماس سخت گلوله مانند و سپید رنگ است که با جنباندن، تکان می‌خورد گاهی سه تا چهار دانه به مانند گردو در کیسه مانندی می‌باشد.

هرگاه با دیدن رنگ آن به شناخت این آماس دست یافتی، به گرسنگی واداشتن بیمار روی بیاورید و او را از ناگواریدن خوراک (تخمه کردن) دور نگاه دارید. او را وادار به بالا آوردن و روان کردن بلغم سفت و چسبنده در راستای بیرون راندن بلغم بنمایید که ما آنها را در آینده یاد خواهیم کرد. (۵۸۴) و با داروهای آب کنندهٔ آن هم چون دیاخیلون و مرکه در شراب باز شده و با آرد باقالی و بادام تلخ بسرشند و مقلی که در سرکهٔ نارس کهنه و یا لعاب شنبلیله خیسانده و پشکل کهنه بز آن را پانسمان کنند.

همچنین روغن کهنه که با آب کلم (کرنب) و سکنجین برای از میان بردن آماس گردن سودمند هستند.

اگر آماس بزرگ و چرکین شود باید چرکه آبه‌ها و خود آماس بیرون کشیده شوند و چیزی از آن به جا نماند، چنانچه چیزی بماند دوباره آماس پدید می‌آید سپس جای آماس را باید درمان کرد تا بهبودی بدست آید.

گاهی این آماس بزرگ می‌شود تا به اندازه خربزه و یا بزرگتر از آن می‌شود که سر و گردن را فرا می‌گیرد.



تصویر ۲۸: کامل الصناعة از ابوالحسن علی بن عباس، تاریخ کتابت ۸۶۹ ق

برگرفته از: گزیده تصاویر تاریخ پزشکی اسلام و ایران،

انتشارات فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۷، ص ۸۸

بخش هفتم

دانش دندان پزشکی از کتاب «کامل الصناعه الطبیه»

تألیف علی بن عباس مجوسی اهوازی

جلد یکم و دوم

پیش گفتار

آشنایی با علی بن عباس مجوسی اهوازی و کتاب «کامل الصناعه»

پس از رازی از میان پزشکان بزرگ سده‌ی چهارم هجری بایداز «علی بن عباس مجوسی اهوازی» یاد کرد. وفات اهوازی در حدود سال ۳۸۴ هـ ق / ۹۹۵ م می‌باشد. اهوازی در اروپا به نام Haly Abbas شهرت داشته و اثر مشهور او «کامل الصناعه الطبیه» معروف به «الطب الملکی» است. این اثر پیش از قانون ابن سینا، کامل‌ترین کتاب در طب به شمار می‌آمده است. «الطب الملکی» توسط قسطنطین (کنستانتین) افریقایی در قرن یازدهم به لاتین ترجمه و ترجمه آن چند بار تجدید چاپ شده است. (۱)

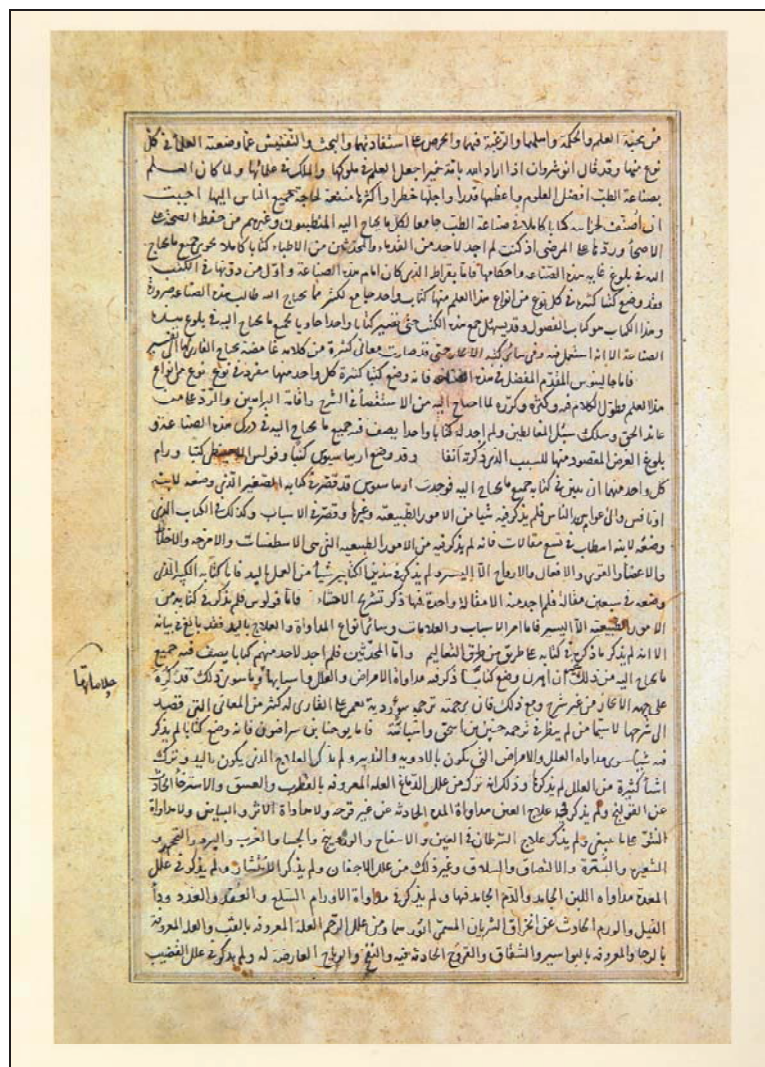
ترجمه‌های کوتاهی نیز از آن کتاب با عنوان “Liber pantegni” به لاتین موجود است. بخشی از آن نیز تحت عنوانهای “Theorica chirurgia” و “Liber nonus practice” و “practica” به لاتین ترجمه شده است. به علاوه در قرن دوازدهم میلادی ترجمه دیگری از آن توسط استفان انطاکی^۱ به

^۱ Stephanus of Antiochia

عمل آمده است. بخش دوم و سوم این کتاب توسط دوکونینگ^۱ به فرانسه ترجمه و در ۱۹۰۳ در لیدن به چاپ رسیده است. نسخه‌های خطی متعددی از اثر مزبور موجود است، اما بیشتر آنها فقط شامل بخشی از آن کتاب است. (۲) کتاب طب ملکی از دو بخش و هر بخش دارای چندین باب است. در بخش نخست اهوازی به مباحث نظری و در بخش دوم اصول عملی پزشکی از جمله روش‌های جراحی اعضاء مختلف را به دقت و تفصیل بیان کرده است. (۳) اهوازی درباره آموزش عملی بالینی نظریات جالبی ارائه کرده و نوشته است «طالب عملی طب باید پیوسته در بیمارستان‌ها و محل بیماران در خدمت استادان دانشمند و پزشکان حاذق به کارهای بیماران و احوال آنان بپردازد تا در مصاحبت و خدمت این استادان و پزشکان زبردست از عوارض و احوال بیماران آنچه که خوانده است یاد گرفته، از نیکی و بدی فرجام بیماری‌ها آگاه شود. اگر چنین کند در این حرفه به مقامی بلند می‌رسد.» وی به جنبه‌های اخلاقی پزشکی نیز توجه داشته است و می‌گوید: «بر پزشک است که در جمیع احوال آنچه که بقراط حکیم فرموده رفتار کند و رحیم و پاک چشم و مهربان و خیررسان و خوش زبان باشد و در درمان بیماران به ویژه مسکینان و فقرا به جد کوشد.» (۴) اهوازی در کتاب خود آراء پزشکان یونانی و ایرانی (مانند رازی) پیش از خود را آورده و محاسن و معایب آنها را برشمرده است. (۵) فواد سزگین پژوهشگر تاریخ طب اسلامی نوشته است که اهوازی آثار بقراط را بسیار مؤجز و حتی مبهم می‌شمارد و نوشته‌های جالینوس را پر طول و تفسیر و انباشته از تکرار وصف می‌کند. (۶)

منابع

۱. صفا، دکتر ذبیح‌الله: آموزش و دانش در ایران، ص ۹۹-۱۰۰، مؤسسه انتشارات نوین، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۳
۲. سزگین، فواد: کامل الصناعه الطبیعه، الجزء الاول، سلسله ج، عیون التراث، المجلد ۱/۱۶، طبع بالتصویر عین محظوظه رقم ۶۳۷۵، القسم العربی - مکتبه جامعه استانبول، جولای ۱۹۸۵
۳. نجم‌آبادی، دکتر محمود: تاریخ طب در ایران پس از اسلام، از ظهور تا دوران مغول، ص ۴، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۵
۴. اهوازی، علی‌بن عباسی مجوسی، پندنامه اهوازی، یا آئین پزشکی، ترجمه و گردآورده دکتر محمود نجم‌آبادی، ص ۱۰، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۴
۵. Nasr S.H: Science and Civilization in Islam, PP: ۱۸۸, ۲۲۹, ۱۴, Second Edition, The Islamic Text Society, UK, ۱۹۸۷
۶. سزگین، فواد: تاریخ نگارش‌های عربی، ج ۳، پزشکی، داروسازی، جانورشناسی، دامپزشکی، ص ۴۵۲-۴۵۵ مؤسسه نشر فهرستگان، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۰



تصویر ۲۹: کامل الصناعه از ابوالحسن علی بن عباس، تاریخ کتابت ۸۶۹ ق

برگرفته از: گزیده تصاویر تاریخ پزشکی اسلام و ایران، انتشارات فرهنگستان علوم پزشکی

جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۷، ص ۸۹

جلد یکم (نسخه خطی)^۱

گفتار یکم از جزء یکم، بخش بیست و چهارم

در باب ریخت‌شناسی

پس از بازگو کردن گونه‌های یک آمیزه هماهنگ و طبیعی، درست‌تر دیدیم که نشانه‌های تن درست که هیچ کاستی و بیماری و بدبویی در آن دیده نمی‌شود را یاد کنیم، زیرا پزشک به دانستن این نشانه‌ها نیاز دارد. ما همه دانستنی‌های مورد نیاز در این باره را در بخش‌های خودش در کتابمان یاد کرده‌ایم. همچنین از دریچه دانش طبیعی (مادی) و نیز دانشی که به امور طبیعی وابستگی ندارد و بیرون از آن است باید به این دانش (دانش ریخت‌شناسی) نگریست و در هر بخش وابسته به رشته خودش بازگو شود ولی ما درست آن دیدیم که آن را در یک بخش جداگانه و ویژه خودش (ریخت‌شناسی) بیاوریم و به کسانی که در جستجوی این دانش هستند و می‌خواهند آن را بشناسند، می‌گوییم: کسی که می‌خواهد تن درست و دور از بیماری را بشناسد نخست باید کاستی‌ها و نارسایی‌ها و بیماری‌ها و آسیب‌هایی که تن بدان دچار می‌شود و ما آن را در این جا یاد خواهیم کرد را بشناسد و آن به این گونه آورده می‌شود:

نخست آمیزه تنی که می‌خواهید بشناسید را بررسی کنید سپس ریخت و قیافه و پس از آن نمای بیرون تن را بررسی کنید و رخدادهای پیش آمده برآن را بازدید نمائید. سپس معاینه را از بخش سر آغاز کنید و پس از آن به بافت‌ها و اندامهای نزدیک و زیر آن تا به اندامهای پائینی و پاها برسید. با این کار وضعیت

^۱. تالیف علی ابن عباس مجوسی اهوازی (سده چهارم)، گردآورنده فواد سزگین ۱۹۸۵ م. از نسخه خطی،

فرانکفورت - آلمان، اقتباس و تلخیص از ترجمه‌ی دکتر محمد ابراهیم ذاکر از عربی به فارسی

تندرستی همه اندامها را از بیماری و آسیب بررسی می‌نمایید، بدین گونه است که می‌توانیم تن "تندرست" را از تن بیمار بشناسیم.

بررسی سر و گردن

..... پس از آن زبان را بنگرید و با بیمار به گفتگو بپردازید تا سخن گویی او رسا و زیبا، برای شما آشکار شود. آیا گرفتگی و لکنت زبان دارد یا نه؟ و آیا دایره شناخت واژه‌های کم می‌باشد یا نه؟ و آیا سنگینی در سخن گفتن دارد یا نه؟ همچنین ببینید که این کاستی از کم بودن سن می‌باشد یا نه؟ اگر چنین نباشد پس از کلفت و بزرگ شدن زبان و یا از کوتاه بودن آن و یا بریده شدن بخشی از آن و یا آسیب دیدن پی ای که به زبان می‌آید و یا دیگر آسیب‌هایی که وابستگی به سخن گفتن نباشد، هم چون کنده شدن یک دندان. همچنین زبان را از نظر زخم و آماس بررسی نمائید و انگیزه پدید آمدن زخم را از (دارنده زخم) جویا شوید که آیا پیش از این نیز زخم و آماس در زبانش بوده است؟ اگر در پاسخ این گفته را بازگو نماید که همواره زخم داشته، نخستین گمان شما باید این باشد که انگیزه پدید آمدن زخم از بیماری صرع می‌باشد. زیرا با آمدن هر نوبت حمله صرعی گاز گرفتن زبان به همراه خواهد داشت که زبان را زخمی خواهد کرد و باید او را از انجام این کار دور ساخت.

سپس به بررسی آوای او بپردازید که آیا بم و گرفته و یا تند و تیز است؟ آوای گرفته نشانه بیماری جذام می‌باشد.

پس از آن دندانهای بیمار را بررسی کنید. آیا دندان افتاده در میان دارد یا خیر؟ به ویژه دندانهای پیشین و نیش در سخن گفتن بسیار کارساز می‌باشند و نبودن آنها زشت است. و افتادن دندانهای آسیاب پدید آورنده ناهنجاری در جویدن

می‌باشد. اگر دندانهای آسیاب پیش از بلوغ آدمی بیفند دوباره دندانهای بهتر و نیرومندتر رویش می‌یابند و اگر پس از بلوغ باشد جایگزینی نخواهد داشت. همچنین به رنگ دندانها بنگرید که آیا رنگ آن از تیرگی تا زرد رنگی و یا تا سیاه رنگی می‌رسد، پس اگر پدید آمده از پیش از بلوغ باشد با بالغ شدن رنگ دندانها خوب می‌شود و دندانها نیرومندتر و بهتر و زیباتر از دندانهای پیش از این خواهند شد.

در پی آن لثه را بررسی نمائید چه بسا ممکن است تحلیل رفتگی و یا شل و وارفتگی داشته باشد و یا چرکین و آماسی بوده که وضعیتی بد و نامناسب می‌باشد. همچنین باید دهان را ببویید تا دانسته شود دارای بوی بد نمی‌باشد. اگر چنین حالتی بوده باشد یا از عفونت و گندیدگی لثه و یا از خوردگی و پوسیدگی دندان (نزدیک آن) و یا از بلغم گندیده در شکمبه خواهد بود.

اگر بوی بد از لثه و یا دندان گندناک باشد در این صورت گندناکی و بدبویی لثه با داروهای بندآورنده و داروهای تند از میان برده می‌شود و یا دندان گندناک از جا در آورده می‌شود.

اگر بوی بد از دندان آسیاب باشد آن را با پاک سازی کردن و سوزاندن درمان می‌کنید ولی اگر بویناکی از شکمبه باشد بوی بد آن را نمی‌زداید.

به دنبال آن زبان کوچک بیمار را بررسی نمائید گاهی زبان کوچک بزرگ و به پایین کشیده می‌شود و این از پدید آمدن آماس در آن رخ می‌دهد که در پی آن گرفتگی گلو در او پیش می‌آید و یا زبان کوچک شل و وارفته بوده که حالتی بد است و از سرفه‌های فراوان پدید می‌آید.

گفتار دوم از جزء یکم، کالبد شناسی

بخش نخست شناخت کارکرد اندامها

..... آدمی دارای دستگاه اندامهای نفسانی است که برخی از آن در ارتباط با کارهای حیوانی می باشد که به آن اندامهای حیوانی گویند و برخی دیگر از آن دستگاه انجام کارهای طبیعی دارد که به آن اندامهای طبیعی گفته می شود، و دو دسته اند اندامهایی که پیوندی با خوراک سازی و خوراک دهی تن دارند، و اندامهایی که در تیره و تبارسازی آدمیان همکاری دارند.

اندامهای روانی و نفسانی را طبیعت برای حس و حرکت ارادی در همه جانوران و خردمندی و خردگرایی را تنها در آدمی فراهم آورده است، این اندامها مغز و چشم و اندام بویایی و دو مجرای بینی و اندام شنوایی و گوشها و زبان و اندام چشایی و سخن گوئی و پیها و ماهیچهها می باشند.

اندامهای کارکرد حیوانی که نفس کشیدن و نگاهداشتن اندازه حرارت عزیزی را به دوش می کشند و کارهای مشترک همه جانوران با این اندامها انجام می گیرد در برگیرنده سینه و پرده های آن، دل، شش، نای، حنجره، حجاب، رگهای جهنده و ضربان دار می باشند.

طبیعت اندامهایی را برای فراهم کردن خوراکها آماده کرده که با گواریدن، خوراکها را به گوهر اندامهای تن تبدیل سازند تا اندامهای تحلیل رفته و نابود شده هر جاندار و آدمی جایگزین شود، زیرا تن جانوران و آدمی پیوسته در حال آب شدن و از میان رفتن است و نیاز به جایگزین شدن دوباره دارد. این خوراکها برای نابود نشدن تن می باشد و از آنجا که در خوراکی های ناگواریده همانندی هایی با اندامهای از دست رفته نمی باشد از این رو اندامهایی ساخته شده است تا این خوراک را به آن چه خواسته می شود دگرگون نماید (همانندی با

بافت‌های نابود شده پیدا کند تا جایگزین آنها شود) و به آسانی در سرتاسر تن رخنه کند. این اندامها در برگیرنده دهان و دندانها، مری، شکمبه، روده‌ها، جگر، سپرز، زهره^۱، گرده^۲، پیشابدان^۳ و رگهایی که جهندگی ندارند (سیاه رگ‌ها) است. در دستگاه گوارش، ارزشمندترین اندام که کارهای گواریدن خوراک بر پایه کارکرد آن انجام می‌شود، جگر است. زیرا جایگاه و مکان خون بوده که در آن شیرابه‌های خوراک گواریده به خون دگرگون می‌شود و از آن خون به سراسر تن سرازیر می‌شود تا اندامها از آن سیراب شوند. اندامهایی که خوراک را در مرحله نخستین و به گونه مقدماتی می‌گوارند تا پس از آن، گواریدن آن خوراک نیمه گواریده در شکمبه آسان شود دهان و بافت‌های درون آن و دندانها می‌باشند. سپس شکمبه است تا خوراک نیمه گواریده را خوب بساید و دگرگون سازد و آن را بگونه‌ای در آورد که در جگر به سادگی به خون تبدیل شود. اندامهایی دیگر فراهم شده تا شیرابه خوراک آماده شده در شکمبه را به جگر برسانند، این جایگاه روده‌های باریک و رگهایی که مُرْبُض^۴ یا مرابض نامیده می‌شوند و رگهایی به نام آجوف که خون آماده شده در جگر را به سراسر تن می‌رسانند و این رگها دارای نبض و جهندگی نمی‌باشند. اندامهایی همچون سپرز، زهره و گرده را برای راندن فزونی‌های گواریده تن فراهم آورده است، و برخی دیگر از اندامهای راندن فزونی‌های تن به بیرون، روده‌های بزرگ و پیشابدان می‌باشند.....

^۱. کیسه زرد آب، کیسه صفرا

^۲. کلیه

^۳. مثانه

^۴. مجتمع چرب روده در بطن

بخش دوم، استخوان شناسی، کلیات

استخوان‌ها سخت‌ترین و خشک‌ترین بافت اندام تن آدمی و جانوران است. ساختار پدید آمده آن دارای دو سودمندی می‌باشد. نخست پایه و ستون تن بوده و دیگر اندامها بر آنها تکیه می‌کنند و بر آنها قرار می‌گیرند پس باید تکیه گاه از تکیه شده‌ها سخت تر و پایدارتر باشد.

دوم پوششی برای نگاهداری اندامهای ارزشمند است بمانند کاسه سر و استخوان و دنده‌های سینه که باید بسیار سخت بوده تا در برابر آسیب‌ها بتواند پایداری کند.

..... بسیار بودن استخوان‌ها برای این است که چون آسیبی به استخوانی برسد این آسیب سرتاسر آن استخوان و همه آن اندام را در بر می‌گیرد از این رو در هر اندام دو یا سه استخوان گذاشته اند تا اگر یکی آسیب دید و از کار افتاد، دیگری بتواند جایگزین خوبی باشد و کار آن اندام را انجام دهد. و این ساختار در استخوان‌های فک بالا و دو استخوان بینی و دو استخوان چشم و گونه‌ها و استخوان کف دست و پا پیاده شده است.....

..... برخی از استخوان‌ها به جهت آن که تکیه گاه استواری باشند و نیز به جهت به دوش کشیدن مسئولیت نگاهداری دیگر اندامها توپر و سخت ساخته شده‌اند، همچون استخوان فک بالا و استخوان حاجی (عُجْز) و برخی برای سادگی و روان بودن جنبش‌های خود تو خالی ساخته شده‌اند همچون استخوان ران و ساعد، زیرا این دو گونه، استخوان بزرگ و دراز، نیاز به جنبش و شتاب بیشتری دارند از این رو تو خالی ساخته شده‌اند و هر استخوان تو خالی دارای مغز استخوان بوده که وظیفه خوراک دهی به آن را دارد.....

چسبندگی استخوان‌ها دارای گوناگونی چندی است که یکی از آنها چسبندگی است که در راستای استوار و پابرجا بودن می‌باشد همچون استوار بودن **دندانها در فک بالا و فک پایین**.

گونه‌ای دیگر از چسبندگی دو استخوان چنین است که لبه دو استخوان هماهنگ و درست و استوار به یک دیگر به گونه‌ای می‌چسبند که میان آن دو هیچگونه درز و شکافی دیده نخواهد شد. این گونه چسبندگی در **استخوانهای فک بالا با کاسه سر و چسبیدن تکه‌های استخوان فک بالا (چهارده تکه) با یکدیگر** می‌باشد. از این رو پیوند این استخوانها با یکدیگر پیوندی بسته و استوار می‌باشد. پیوند جوششی و یا جوش خورده، پیوندی است که دو استخوان را هماهنگ و مرتب به یکدیگر جوش می‌دهد و در جایگاه جوش دو استخوان اندامی سپید رنگ بمانند جوش خوردگی در آن دیده می‌شود. نمونه آن جوش خوردگی دو استخوان **فک پایین در جایگاه چانه‌ای** می‌باشد.....

بخش سوم، استخوان شناسی

شمارگان استخوان‌های تن آدمی دویست و چهل و هشت است،..... و استخوانهای **فک بالا** چهارده تا و دندانهای این آرواره شانزده تا و استخوانهای **فک پایین** دو تا و دندانهای آن شانزده تا می‌باشد.

فک بالا: فک بالا پیوند با کاسه سر دارد. مرز آن پیوندگاهی است که از پیوندگاه اکلیلی از جایگاه استخوان گیجگاهی آغاز تا جایگاه چشم‌ها می‌رود و از میان دو چشم و دو ابرو گذر کرده تا به سوی دیگر از پیوندگاه اکلیلی می‌رسد. فک بالا از تکه‌های استخوانی بسیار ساخته شده است این گونه ساختار دارای دو سودمندی می‌باشد نخست اگر یک تکه استخوانی دچار آسیب شد این آسیب

به تکه های استخوانی دیگر نخواهد رسید. دوم از آنجا که بخش‌هایی از آن سخت و بخش‌هایی نرم است، از این رو از چندین تکه استخوانی ساخته شده است. فک بالا از هشت استخوان دو تا که چشم‌ها در آن است و دو تا گونه و دو تا بینی و دو استخوان دو مجرای بینی در آن است و یک استخوان که دندانهای پیشین و کناری بالا در آن قرار گرفته اند. هر یک از دو استخوانی که چشم‌ها در آن جا دارند از مرز پیوندگاهی که استخوان کاسه سر را از استخوانهای فک بالا جدا می‌کند، آغاز می‌شود و این همان پیوندگاه یا درزی است که از یک سوی پیوندگاه اکلیلی جدا می‌شود و از جایگاه چشم و از زیر ابروان گذر می‌کند و به سوی دیگر می‌رود. پایانه این دو استخوان پیوندگاهی است که میان آن دو یکی از دو استخوان گونه می‌باشد. پیوندگاه میان این دو استخوان از میان دو ابرو و میان بینی گذر کرده تا (میان) دندانهای پیشین می‌رسد. هر کدام از این دو استخوان به سه بخش و سه تکه استخوان تقسیم می‌شوند که پیرامون هر کدام را پیوندگاه‌های ویژه خودشان فرا گرفته است که مرزشان را نمایان می‌سازد.

استخوان گونه: دو استخوان گونه، کلفت‌اند و از مرز دو استخوان چشم آغاز و هر کدام از آن دو در جایگاه دندان نیش به پایان می‌رسند. در این استخوان به جز دندان پیشین و کناری، دیگر دندانها (نیش و آسیاب‌های کوچک و بزرگ) فک بالا چیده شده‌اند. میان این دو استخوان و دیگر استخوان‌ها دو درز و پیوندگاه است که از میان دو ابرو آغاز می‌شود، پس هر کدام از یک سوی بینی تا جایگاه دندان نیش پائین می‌آیند. این دو استخوان کلفت‌اند و ساختار سختی دارند. کلفتی آن برای پاییدن پی است که از میان آن گذر می‌کند و سختی آن برای استوار و پابرجا بودن می‌باشد.

استخوانهای فک بالا در بخش‌بندی‌های یاد شده چهارده پاره استخوان می‌باشند که شش تای آن برای دو چشم و دو تا برای گونه‌ها و دو تا برای بینی و دو تا برای سوراخ بینی و دو تا برای جای دندانهای پیشین و کناری است.

فک پائین: فک پائین از دو استخوان ساخته شده است که یکی به دیگری با پیوندی از گونه جوش خوردگی در جایگاه دندانهای پیشین و کناری پائین چسبیده است. این جایگاه جوش خورده که گونه‌ای بند استخوانی می‌باشد چانه نام دارد. سر دیگر آن دو شاخه می‌شود یکی دارای نوکی تیز است و زیر استخوان زوجی قرار می‌گیرد و زردپی (وتر) ماهیچه گیجگاهی به آن می‌چسبد که بهم رسیدن و بسته شدن دهان با آن انجام می‌شود. سر شاخه دوم کلفت و گرد و مرکب است و در فرو رفتگی زائده (نیزه‌ای) که به مانند نوک پستان بوده و بخشی از استخوان سنگی است جا می‌گیرد. با این بند حرکت‌های فک پائین انجام می‌پذیرد.

شناخت دندان‌ها: دندان‌ها در دو آرواره استوار و پایدار قرار گرفته‌اند و شمارگان آن سی و دو بوده که در هر آرواره شانزده تا می‌باشند. در بخش پیشین آرواره بالا چهار دندان دو پیشین و دو کناری جا گرفته‌اند این چهار دندان، پهن هستند و لبه دندان‌های تیزی دارند که به آن برنده می‌گویند. کاربرد آن بریدن هرگونه خوراک نرم به مانند بریدن چاقو می‌باشد. دو دندان دیگر که در کنار هر یک از دندانهای کناری (لاترال) قرار می‌گیرد سر یا نوکی تیز دارد و دارای ریشه‌ای پهن می‌باشد و به آن دندان نیش می‌گویند، کاربرد آن شکانیدن هر خوراک سخت می‌باشد. ده دندان دیگر که پنج تا، و در پس دندان نیش قرار می‌گیرد. سر هر کدام اینها کلفت و پهن بوده به آنها دندان آسیاب می‌گویند. کار آنها خرد، آرد و نرم کردن خوراک می‌باشد. پس همه دندانهای (آرواره بالا) شانزده تا می‌باشد.

آرواره پایین نیز چنین خواهد بود. دندانها به وسیله ریشه‌ها و شاخه‌هایی که دارند در هر آرواره و در جایی که ویژه هر کدام فراهم شده، استوار و پابرجا شده‌اند. فرو رفتن ریشه هر کدام به اندازه حفره و شکافی است که برای آن آماده شده است. ریشه دندانها گوناگون می‌باشد، برخی چهار و گروهی سه و دسته‌ای دو تا و پاره‌ای یک ریشه دارند. دندانهای آسیاب بالا سه ریشه دارند و دو دندان آسیاب آخرین بالا چهار ریشه و دندان آسیاب پائین دو ریشه و آسیاب‌های آخرین پائین سه ریشه دارند.

بخش دهم، پی‌ها

پس از بازگو کردن استخوان اکنون به گونه‌ای گسترده درباره پی‌ها سخن می‌رانیم. نیاز به پی‌ها برای انجام گرفتن کار حسگرها و به جنبش و تکان واداشتن ارادی دیگر اندامها می‌باشد، البته پی به جز استخوان و غضروف و زردپی‌ها و غده‌ها و چربی است زیرا بافتهای یاد شده در طبیعت خود ویژگی حسگری و جنبش را ندارند ولی هر کدامشان آمادگی انجام کاری را دارند که در آینده یاد خواهیم کرد.

برخی پزشکان گفته‌اند دندان جدا از دیگر استخوانها دارای حس است و تکان می‌خورد همانگونه که لب می‌لرزد و تکان می‌خورد گفته‌اند: دندان کرخت می‌شود و نشانه کرختی آن، بودن درد (پیش از کرختی است) و درد جز با بودن حسگرها نمی‌تواند نباشد.

پزشکانی دیگر گفته‌اند که این درد وابسته است به لثه و گوشتی که پیرامون ریشه‌های دندانها و پی‌هایی که دارند. همه پی‌ها روئیده از مغز و نخاع می‌باشند.

مغز سرچشمه حس و حرکت ارادی است و رویش پی‌ها یا یک راست از مغز و یا با واسطه از نخاع که از مغز سرچشمه گرفته می‌باشد. اندامهای نزدیک مغز از پی‌هایی که یک راست از مغز سرچشمه می‌گیرند مانند سر و گردن و پی‌های اندامهای دور با واسطه نخاع از مغز حس و حرکت را به آن اندامها مانند دست و پا می‌برند..... پی‌هایی که یک راست از مغز می‌رویند هفت جفت هستند:

۱. جفت یکم که به چشم می‌رود و حس بینایی را به همراه دارد.
۲. جفت دوم که حرکت را به ماهیچه‌های چشم می‌دهد.
۳. جفت سوم که رشته‌هایی از آن به زبان می‌روند و حس چشایی را به آن می‌دهند. رشته‌هایی دیگر از آن به گیجگاه و ماهیچه‌های جونده و کناره بینی و لب‌ها و برخی دیگر از آن به لثه و دندانها حس بساوایی می‌دهند.
۴. جفت چهارم در بخش بالای کام نرم تقسیم می‌شود و به آن حس چشایی را می‌دهد.
۵. جفت پنجم: برخی از رشته‌های آن به گوش حس شنوایی می‌دهد. رشته‌هایی دیگر از آن، حرکت را به ماهیچه پهن گیجگاهی می‌دهد.
۶. جفت ششم: رشته‌هایی از آن به اندامهای درونی شکم رفته و به آن حس می‌دهد. شاخه‌هایی از آن ماهیچه‌های حنجره را حرکت می‌دهند.
۷. زوج هفتم: به زبان و ماهیچه‌های حنجره می‌آید و به آنها نیروی حرکت را می‌دهد. هر کدام این پی‌ها را پیش از بیرون آمدن از کاسه سر دو پرده و غشاء از جنس غشای مغزی می‌پوشاند که غشای نخستین نازک بوده و رگهای خوراک رسان در آن گرد آمده است و دیگری کلفت است و پی را در هنگام گذر از استخوان‌های کاسه سر می‌پاید..... رستنگاه

جفت یکم بخش پیشین مغز بوده و جفت دوم نیز از پشت جفت یکم بیرون می‌آید.

جفت سوم از پشت جفت دوم می‌روید و این جایی است که لُب (بطن) پیشین و پسین مغز بهم می‌رسند و به قاعده مغز معروف است. این جفت (که حس چشایی به زبان می‌دهد و رشته‌هایی به گیجگاه و ماهیچه‌های جونده و کناره بینی و لب‌ها و رشته‌هایی به لثه و دندان می‌رود و حس بساوایی می‌دهد. با بخش‌هایی از جفت چهارم پیوند می‌خورد و سپس پیش از بیرون آمدن از کاسه سر از آن جدا می‌شود و چهار بخش می‌شود. یکی شاخه آن از سوراخی بیرون می‌آید که رگ جهنده‌ای که سبات نامیده می‌شود و از آن به درون مغز وارد می‌شود، این شاخه به سوی گردن سرازیر می‌شود و به اندامهایی که پائین پرده حجاب حاجز، می‌رسد و در آن تقسیم می‌شود.

شاخه دوم آن از سوراخی که در استخوان گیجگاهی فراهم شده بیرون می‌آید و با شاخه‌ای که از جفت پنجم می‌آید، پیوند می‌خورد.

شاخه سوم از سوراخی که در (استخوان) کاسه چشم است و جفت دوم از آن بیرون می‌آید، نیز خارج می‌شود و به سه شاخه تقسیم می‌شود یکی به سوی مَاق کوچک (گوشه چشم خارجی) رفته و در ماهیچه گیجگاهی و ماهیچه گوشه چشم تقسیم می‌شود دیگری (دومی) به سوی مَاق بزرگ (گوشه چشم داخلی) رفته به درون سوراخی می‌رود که به سوی بینی روان است و در میان بینی تقسیم می‌شود و در مجرای که برایش فراهم شده و میان گونه و بینی قرار گرفته، گذر می‌کند و به دو بخش تقسیم می‌شود یکی به درون دهان رفته و دومی بیرون رفته و در گوشه لب تقسیم می‌شود.

شاخه چهارم از جفت سوم از آرواره بالا گذر می‌کند و در لایه‌های زبان تقسیم می‌شود و حس چشایی را به آن می‌دهد، رشته‌هایی از آن در ریشه دندانها و لثه آرواره پائین و لب پائین تقسیم می‌شود.

جفت چهارم در پس جفت سوم می‌روید و با رشته‌های جفت سوم می‌آمیزد سپس از آن جدا می‌شود به لایه‌های کام نرم (حنک) می‌رود و حس بساویی و چشایی به آن می‌دهد.

..... جفت ششم از بخش پسین مغز نزدیک و کنار دو سوراخی که در دو طرف پیوندگاه و درز قرار گرفته و مانند حرف لام یونانی است، می‌روید و از هر سوراخ سه پی بیرون می‌آید، یکی به ماهیچه گلو رفته و به پایه زبان می‌رسد. با همیاری جفت هفتم به (ماهیچه‌های) زبان حرکت می‌دهد و دیگری به ماهیچه‌های شانه می‌رود و شاخه سوم که بزرگتر است از گردن پائین آمده به اندامهای (شکمی) می‌رسد. جفت هفتم از بخش پسین مغز و آغاز رستگاه نخاع بیرون آمده و شاخه شاخه شده و در ماهیچه‌های زبان پراکنده می‌شود. رشته‌هایی از آن به ماهیچه چسبیده به غضروفی که به مانند تُرس^۱ در حنجره و دو پهلوی استخوانی که به مانند لام یونانی است، می‌رود.....

بخش دوازدهم

رگهایی که جهندگی ندارند (وریدها)

..... و داج سطحی (رویین)..... دو بخش می‌شود یک شاخه آن به درون می‌رود و شاخک‌هایی کوچک از آن جدا شده در فک بالا پخش می‌شوند و

^۱. ترس: پوسته استخوانی لاک پشت

شاخکهای کمی بزرگتر در فک پائین پراکنده شده از شاخکهای بزرگ، شاخه‌هایی جدا شده به زبان و اندامهای نمایان و کنار آن می‌رود.

گفتار سوم از جزء یکم

شناخت اندامهای ترکیبی، بخش سوم

شناخت ماهیچه‌های سر و گردن و سودمندی آنها

ماهیچه‌های تن هشت گونه است (که ما به شرح دو گونه آن می‌پردازیم):

۱. ماهیچه‌هایی که اندامهای سر و گردن را می‌جنبانند.
 ۲. ماهیچه‌هایی که حلق و حنجره و پیرامون آن را تکان می‌دهند.
- ماهیچه‌های سر و گردن:** ماهیچه‌هایی که سر و گردن را تکان می‌دهند پنج دسته می‌باشند:

- ۱- ماهیچه‌های تکان دهنده اندامهای چهره به جز فک پائین و چشم‌ها ۲-
- ماهیچه‌های جنباننده چشم‌ها ۳- ماهیچه‌های تکان دهنده فک پائین ۴-
- ماهیچه‌های تکان دهنده همه سر ۵- ماهیچه‌های جنباننده گردن.

ماهیچه‌های تکان دهنده چهره: این ماهیچه‌ها هفت تا می‌باشند: دو ماهیچه گونه‌ها را به تنهایی می‌جنبانند و لب‌ها را از یکدیگر دور می‌سازند که به آنها ماهیچه‌های پهن گویند، هر کدام دارای چهار بخش می‌باشند، بخش نخست: منشاء آن الیاف زائده مهره گردن است که به کناره گونه می‌چسبد. این بخش گونه‌ها را به جنبش وا می‌دارد و گاهی در برخی از مردم دو گوش را می‌جنبانند. بخش دوم ماهیچه‌هایی که الیاف آن از استخوان ایستاده در میان استخوان شانه (کتف) نشأت می‌گیرد و تا گردن بالا می‌رود تا به لب‌ها می‌رسد یکی از سوی راست و دیگری از سمت چپ به آن

می‌رسند. هرگاه این دو بخش با هم حرکت کنند دهان را به هیچ طرف نخواهد جنباند ولی اگر یکی حرکت کند، دهان به سوی همان بخشی که این جزء آن است کشیده خواهد شد.

بخش سوم الیاف آن از ترقوه آغاز می‌شود و بالا می‌رود و به گوشه لب می‌چسبد و دهان را کج کرده و به سوی پائین می‌کشد.

بخش چهارم الیاف آن از ترقوه و جناغ سینه آغاز می‌شود و به گونه‌ای وارونه بمانند حرف خ در زبان یونانی (x) به لب‌ها می‌چسبند. آن که الیافش از سوی راست آمده به بخش چپ و آن که از سوی چپ آمده به بخش راست لب‌ها می‌چسبد. اگر این الیاف جمع (منقبض) شوند لب تنگ و جمع می‌شود و به سوی بیرون برجستگی پیدا می‌کند.

دو ماهیچه از پنج ماهیچه دیگر صورت لب بالا را به سوی بالا می‌کشد و دو ماهیچه دیگر کناره بینی را می‌کشند و می‌گسترانند و یک عضله (پنجمی) زیر پوست پیشانی پهن شده و کاربرد آن برای بسیار باز و یا بسته شدن چشم است.....

ماهیچه‌های تکان دهنده فک پائین: چهار جفت می‌باشند دو جفت آن فک را به بالا می‌کشند که همان دو ماهیچه گیجگاهی اند و دو ماهیچه‌ای که در درون دهان می‌باشد و یک جفت که رستنگاهش پشت و زیر گوش بوده کمی از گردن پائین آمده، دوباره بالا رفته تا به زنخدان برسد و به آن بچسبد و به دنبال آن فک را به پائین بکشد. جفت چهارم دو ماهیچه‌ای است که بالای گونه قرار گرفته و فک را به دو سوی می‌کشاند که به این دو ماهیچه‌های جونده می‌گویند زیرا کاربردشان در جوندگی می‌باشد.....

ماهیچه‌های جنباننده زبان: ماهیچه‌های زبان نه تا می‌باشند. دو تای آنها از زائده‌ها به مانند تیر آغاز می‌شوند و به کناره زبان می‌چسبند پنج ماهیچه از استخوان که به مانند حرف لام یونانی است آغاز می‌شوند که چهار تا از این پنج ماهیچه حرکت آشکار زبان را به دوش دارند و پنجمی استخوان لامی را نگاه می‌دارد. دو ماهیچه دیگر زیر همه زبان بوده و الیاف آن در پهنا قرار گرفته است.

بخش شانزدهم

شناخت زبان و اندامهای دهان

زبان دستگاهی است که برای حس چشایی و سخن‌گویی به کار می‌رود و از گوشت نرم و شل و سپید رنگ به مانند اسفنج ساخته شده است. رگهای باریک و پر از خون فراوان به سوی آن می‌آید و از این رو رنگ آن سرخ می‌باشد ولی رنگ خود گوشت سازنده آن سرخ نیست. بافتی که زبان را پوشانیده است، فضاهای دهان و کام و مری و نای و حنجره و بخش‌های نمایان دهان را نیز پوشانیده است. بخشهایی که پائین زبان هستند نمایان نمی‌باشند. چیزهایی که از آن آشکار می‌شود الیافی (فرنوم) است که از زیر آن در آمده و به کف پائین با پرده‌هایی می‌چسبد. هر گاه کشیدگی بسیار داشته باشد به گونه‌ای که نگذارد زبان آزادانه کارهای خودش را انجام دهد، باید آن الیاف را ببرند تا زبان از دست آن الیاف رها شود. گاهی زبان به گونه‌ای گسترده و بزرگ می‌شود تا به کام و کناره‌های دهان برسد. در کنار این فرنوم دهانه‌های غده‌ای باز شده است که بزاق از آن می‌تراود، خود غده در پایه زبان جا گرفته است که در آن نموری‌های بلغمی روان می‌باشد که به

آن بزاق یا آب دهان و به دهانه آنها، تراوش کننده بزاق^۱ گویند. در پایه زبان که رستنگاه این مجرا می باشد، گوشت غده ای سپید گذاشته شده که به آن سازنده بزاق گویند. سودمندی آن تراوش نموری های بلغمی است که از این مجرا بیرون می آید تا زبان و اندامهای دهان به جز بخش بالایی دهان را نمور و خیس کند، این بخش بالایی با فزونی های آمده از مغز خیس می شود و تنها آن برایش بسنده است. ریشه و پایه زبان با همه اندامهای کناری خود اندکی پیوند و چسبندگی دارد. این چسبندگی با پوششی مشترک میان آن و دیگر اندامهای دهان انجام می گیرد که به همدیگر جوش خورده اند و یکسان و یکنواخت شده اند و این به گونه ای است که گفته می شود آن اندامها بخشی از زبان هستند و گرنه بافت آنها گوناگون است.

این گزارشی است از زبان که اندام نفسانی و روانی و مرکب در درون تن است.

بخش بیست و سوم،

گزاره دهان و بافت پوشاننده آن: پیش از این درباره دستگاه تنفس سخن گفتیم اکنون دستگاه گوارش را گزاره می کنیم که در برگیرنده دهان و اندامهای درون آن، مری، شکمبه و روده ها..... است.

دستگاه گوارش دهانی در برگیرنده دندانها و زبان و بافت پوشش کام نرم و زبان و بخش زیرین دهان، حنجره، زبان کوچک و مری می باشد.

دندانها: شمارگان دندانها و کاربرد هر کدام را پیش از این در بخش استخوان شناسی گزاره کردیم.

^۱. غدد بزاقی

زبان: ابزاری است که کاربرد مشترک در کارهای روانی (نفسانی) و کارهای گوارشی دارد، زیرا توانایی سخن گویی و درک حس چشایی و جابجایی خوراک و راهنمایی آن در دهان را دارد. حس چشایی از کارهای روانی (نفسانی) بوده و جابجایی خوراک در دهان از کارهای گوارشی می‌باشد. ما کارکرد زبان را در گزاره کردن اندامهای روانی یاد کردیم. بافت پوشش دهان همان بافتی است که درون مری و شکمبه را پوشانده و با آن پیوند دارد. کار آن در دهان پدید آوردن دگرگونی‌هایی در گوارش خوراک بوده تا آن را به خواست و طبیعت شکمبه نزدیک‌تر کند و گوارش آن را در شکمبه ساده‌تر و روان‌تر نماید.

گفتار چهارم،

نیرو و کار و روان، بخش چهاردهم

حسگر چشایی

حس چشایی نیرومندتر از حس بویایی است و آن نیز به نسبت آب و بخار می‌باشد زیرا حسگر بویایی بخار را حس می‌کند و حسگر چشایی نموری آبکی را. طبیعت نموری میان بخار و طبیعت زمین است از این رو طبیعت نخستین و سیله را که همان زبان است برای این کار گذاشته و زبان دارای بافتی متخلخل به مانند اسفنج می‌باشد و ساختاری دارد که برای طبیعت این گونه نموری‌ها فراهم شده است. همان گونه که گفتیم رشته‌هایی از جفت سوم مغزی به آن می‌آید و حس چشایی را با خودش می‌آورد همان گونه که به اندامهای دیگر حس مورد نیازشان را می‌دهد از این رو چیزهایی که دارای مزه هستند هنگامی که به زبان می‌رسند به شناسایی هر مزه‌ای که دارند می‌پردازند. در اینجا زبان طبیعت خود را

به طبیعت مزه دریافتی دگرگون می‌سازد تا آن که پی در ژرفای زبان آن مزه را بشناسد.

بخش بیست و ششم

فزونی‌های تن جانوران (در ارتباط با دهان و دندان)

شیر:..... همان گونه که شیر برای سینه و شش و بیماران سلی اگر تب بالا نداشته باشند و برای بیماریهایی که در پیرامون سینه پدید می‌آیند سودمند است، برای تب داران و بیماران سر درد و بیماران مغزی و..... بد است، برای دندانها نیز زیان آور است و انگیزه خوردگی (پوسیدگی) آنها می‌شود و لثه را سست و شل می‌کند، از این رو باید پس از نوشیدن شیر آب عسل و یا شراب در دهان بچرخانند و لثه و دندانها را با آن بشویند تا بخش‌های پنی‌ری که به آن چسبیده پاک شود.....

مُری^۱: اگر از شیر گاو باشد برای دندانها زیان بار نخواهد بود کسانی که می‌خواهند شیر بنوشند، شیر جانوری که تازه زایمان کرده ننوشند. بهتر است شیر چهل روز پس از زایمان را بنوشند و اگر نموری آن بالا باشد با سیر و تره و نعنای و خردل و شونیز و روغن زیتون نوشیده شود و به دنبال آن عسل و یا شراب بنوشند و از تباهی و پوشیده شدن دندانها با چرخاندن شراب در دهان جلوگیری کنند. لثه و دندانها را با عسل خوب مالش دهند.

^۱ مُری یا مُری یا آبکامه نان خورشی است که آن را از آرد جو یا گندم خمیر کرده سازند و به آن شیر، ماست، پونه، رازیانه و غیره افزوده و می‌پزند..... (جلد دوم الاغراض الطبییه، واژه نامه، دکتر حسن تاج بخش)

بخش بیست و هفتم

عسل و شکر

شیر خشک (شیر خشت): گونه‌ای از طل (گونه‌ای باریدنی) است، در سرزمین خراسان از آسمان فرود می‌آید و مزه شیرین دارد و به مانند کافور زبان را پاک و درخشان و شکم را نرم می‌کند.....

بخش شانزدهم

بیماریهای زبان و بافت‌های دهانی پیرامون آن،

انگیزه و نشانه‌های آن:

برخی از بیماریهای زبان و بافت‌های دهانی پیرامون آن در خود تنه زبان و بافت‌های پیرامون آن پدید می‌آید و دسته‌ای دیگر از این بیماری‌ها آسیبی است که در پی آمده به زبان رخ می‌دهد. که این پی از جفت‌هایی است که رستگاهش مغز می‌باشد.

بیماریهای تنه زبان سوزه‌هایی است که برفک و یا آفت (قلاع) گفته می‌شود، همچنین آماس‌های گوناگون و تباهی حسگر چشایی می‌باشد.

برفک و آفت: سوزه‌هایی است پهن و گسترده که لایه بیرونی زبان را گرفتار می‌سازد و در جاهای گوناگون دهان رخ می‌دهد. رنگ آن سپید است و بیشتر در شیرخواران و کودکان دیده می‌شود و این از پلشت بودن شیر خوراکی ایشان می‌باشد و اینها زخم‌های بدی هستند. گاهی این گونه زخم‌های در ته دهان تا لایه درونی شکمبه و مری پدید می‌آیند. گاهی به رنگ سیاه در آمده که بدترین گونه آن خواهد بود.

آماس: آماس‌های زبانی انگیزه بزرگ شدن زبان شده به گونه‌ای که از دهان بیرون می‌افتد. که به آن زبان آویزان گویند. آماس دیگر که معروف به آماس قورباغه می‌باشد، این آماس در زیر زبان پدید می‌آید. (غده زیر زبانی به مانند قورباغه است). برخی از آماس‌ها از گونه گرم و خونی اند که همه بافت‌های دهان را درگیر می‌سازد که گونه‌ای از آفت و برفک (قلاع) است.

تباهی حسگر چشایی: در برخی از بیماریهای چشایی، بیمار پیوسته مزه تلخی را در دهان خود احساس می‌کند همچنین دیگر مزه‌ها را نیز تلخ احساس می‌کند. این حالت در صورتی است که آمیختگی زرد آبی بر تنه زبان چیرگی پیدا کند. در تب‌های غب (تب یک روز درمیان) و بیماری زردی آمیختگی زردآبی بر همه اندامهای دهان چیرگی پیدا می‌کند. گاهی آدمی مزه دهان خود را و یا مزه دیگر مزه‌ها را شیرین احساس می‌کند و این در هنگامی است که چیرگی خون و بلغم شیرین بر تنه زبان و بر دیگر اندام‌های تن هویدا شده باشد. گاهی مزه ترش را احساس می‌کند که از بلغم ترش می‌باشد و چه بسا مزه شور مزه برتر دهان بیمار باشد که از بلغم شور پدید می‌آید.

بیماریهای گونه سوم که دربر گیرنده آسیب وارده به پی است که از بالا به زبان می‌باشد و این می‌تواند آسیب به پی حس چشایی باشد که با کاهش و یا نابودی این حس همراه خواهد بود و آدمی در چنین هنگامی هیچ مزه‌ای را نمی‌فهمد و یا آسیب به پی‌ای است که سخن‌گویی و جنبش زبان را سامان می‌دهد، در چنین حالتی زبان سنگین می‌شود و سخن‌گویی از کار می‌افتد که به بیمار "لال" شده می‌گویند.

این حالت‌ها یا از آمیزه بد و بیمار است که بر پی چیرگی پیدا کرده و یا از گرفتگی پی می‌باشد که به دنبال یک آماس و یا از سستی و یا از آمیختگی بلغمی

چسبنده که در آن پی سرازیر شده است و یا از پراکندگی الیاف عصب و پارگی تنه عصب می‌باشد. همچنین از یک آمیختگی داغ و یا از یک ضربت و یا یک آسیبی که بر مغز وارد می‌آید. نشانه‌های آن نمایشگر نمایان کردن انگیزه بیماری خواهد شد به مانند نشانه‌های بیماری حواس که پیش از این یاد کردیم. برای بیماری وابسته به حسگرها و نشانه‌های سنگینی زبان و ناتوانی در سخن گفتن است که در بخش پیشین مغز جایگاه آن است و عصب زبانی از آن می‌روید و به زبان می‌رود.

ممکن است بیماری زبان ریشه از خود مغز داشته باشد و این از بدی و بیماری آمیزه و یا از بیماری اندام همچون آماس است که در بیماری سرسام و بیماری‌ها سخت پدید آمده از بدی آمیزه گرم و آماس گرم که در بیماری فلج و کژ دهانی و بیماریهایی که از بدی آمیزه از سردی و نموری باشد.

بخش هفدهم

بیماریهای اندام‌های دهان، انگیزه‌ها و نشانه‌ها

برخی از بیماریهای درگیر کننده اندامهای دهانی بیماریهایی است که لب‌ها را گرفتار می‌سازد و برخی از آنها دندانها و گروهی لثه و گوشت دندانها را و پاره‌ای از آنها بافت‌های نرم (گوشت) همه دهان و زبان کوچک و لوزه‌ها را بیمار می‌سازد.

لب: بیماریهای لب در برگیرنده شکاف و بواسیر و سوزها می‌شود. شکاف و ترک لب از بدی و بیماری آمیزه خشک است که بر لب‌ها چیره می‌شود. بواسیر لب از ماده خونی پدید می‌آید. انگیزه سوزها خون زردآبی می‌باشد.

دندان: بیماریهای دندانی در برگیرنده دردهای سخت، خوردگی و کُند شدگی و کرختی و جرم دندان و افتادن می‌باشد. درد دندان از بدی و بیماری آمیزه گرم و سرد که پی آمده به دندان را گرفتار می‌سازد. و این از به کار بردن دندان در چیزهای سرد و یا گرم می‌باشد و یا از آماس گوشت دندان چنین می‌شود. البته باید بدانید که خود دندان گرفتار هیچ گونه دردی نمی‌شود زیرا دارای حسگر نمی‌باشد. نشانه آن هرگاه بخشی از دندان بشکند و خُرد شود دندان دردناک نمی‌شود. انگیزه پدید آمدن درد در آدمی بدی آمیزه است که پی را درگیر می‌سازد و یا از آماس گرم یا سرد می‌باشد. درد دندان هنگامی فروکش می‌کند که دندان در آورده شود چون پی کشیده نمی‌شود و جایگاه گشاد شده و آماس رو به آب شدن خواهد رفت.

خوردگی (پوسیدگی) دندان: بیماری دندانهای (پیشین و آسیاب) که از گندیدگی است و آن از نموری پلشت و تندی است که به سوی دندانها می‌آید و آنها را می‌گدازد و انگیزه خوردگی آنها می‌شود.

جرم دندان: جرم دندان گونه‌ای جسم کوچک تر است که روی دندانها را فرا می‌گیرد و آن از بخارهای شکمبه است که به سوی بالا آمده و روی دندان می‌نشیند.

کُند شدگی دندان: از یک انگیزه بیرونی بوده که در هنگام جویدن چیزهای ترش پدید می‌آید و یا از یک انگیزه درونی بوده که از چیره شدن یک آمیختگی ترش در شکمبه می‌باشد.

کرختی دندان: از خوردن چیزهای سرد همچون یخ و آب بسیار سرد روی می‌دهد.

افتادن و جنبان شدن دندانها: می‌تواند از نموری لثه و پی و خورد شدگی آن و یا از گشاد شدن جای دندانها که درون آرواره می‌باشد و یا به گونه طبیعی انجام گیرد و آن دندان شیری کودکان که به آن "تغر" گویند. طبیعت دندانهای کودکان را به جهت سستی و تباهی آنها از شیر، و نیاز کودکان به دندانی نیرومندتر به جهت به کار بردن خوراکی‌های خشک و شکاندن چیزهای سخت، و نیز گشاد شدن جایگاه دندانهای (بزرگسالی) فرو می‌ریزد زیرا این دندانها بزرگ‌تر و نیرومندتر از دندانهای پیشین (شیری) آنها می‌باشد و یا افتادن دندانها از خشکی بوده که در پیران و کهن سالان رخ می‌دهد و آن بدین گونه است که دندانها و جایگاهشان اگر دچار خشک شدگی بشوند از اندازه آنها کاسته می‌شود از این رو ساختار قیافه و ریخت آنها دگرگون می‌شود و جایگزینی پیدا نمی‌کنند و می‌افتند. گروهی را شنیدم که می‌گفتند پیرانی را دیدیم که دندانهایشان افتاد و به دنبال آن دندانی روید و به جای آن بیرون آمد. من این سخن را نمی‌پذیرم زیرا موادی که برای رویش دندانها باید در تن آدمیان باشد در پیران از میان رفته است.

بیماریهای لثه و گوشت دندانها: گونه‌ای از آن معروف به آماس گرم بوده و در دندان و لثه بیمار درد و جهندگی پدید می‌آورد.

بیماری دیگر که "نارولیس" گفته می‌شود و آن آماس گرم به چرکین و گندایی شدن لثه و دگرگونی آن است که به دنبال آن لثه فرو می‌افتد و دهان بسیار بد بو می‌شود.

بیماری دیگر "ایرلسی"^۱ که گوشت اضافی است که دندانهای ته دهان را در بر می‌گیرد و آن به دنبال آماس گرم پدید می‌آید. آدمی گمان می‌برد که چیزی خوراکی در دنداناش گیر کرده است.

^۱. بولیموس

خونریزی لثه: از بیماریهای لثه خون چکان شدن لثه می باشد و این از ناتوانی نیروی خوراک دهی لثه است.

بیماریهای بافتهای دیگر دهانی: گروهی از آنها به مانند بیماریهای لثه بوده که از آماس گرم و گندابی و خونریزی پدید می آید

بوی بد دهان: بوی بدی که دهان را گرفتار می سازد یا از گندیدگی برخی دندانها، و یا از گندابی لثه، و یا از بلغم گندیده دهانه شکمبه می باشد که با تراوش بسیار آب دهان نمایان می شود و از نموری مغز است. اگر از شکمبه باشد نشانه آن نبودن چیزی از یاد کرده های ما در دهان می باشد و با خوردن خوراک بوی بد کاهش می یابد.

زبان کوچک: دچار آماس گرم می شود و بیمار احساس درد و جهندگی در ته دهان می کند و در هنگام قورت دادن آزار می بیند. گاهی زبان کوچک دچار شلی و وارفتگی و افتادگی می شود و نشانه آن بیمار چیزی را آویزان در ته دهان خود احساس می کند و چنانچه دهانش را باز کند و زبان را بیرون آورد زبان کوچک درازتر از آن چه که هست دیده می شود و گاهی ریشه و ته زبان کوچک کوبیده و کناره آن را گرد شده خواهید دید. اگر افتادگی به مدتی دراز بوده باشد بهتر است که آن را ببرند. شایسته است که این بیماری را از بیماریهای حسگری و درون دهانی که پیرامون حلق و گلو است بیاوریم.

گفتار دهم، بخش سوم

نشانه های پیش آگهی برخی بیماریها

تکان های ناخواسته و پرش چهره نشانه پدید آمدن کژ دهانی (لقوه) است. این نشانه از پس مانده های بلغمی و یا بادهای گرفتار شده در ماهیچه های چهره

می‌باشد که اگر به دو آرواره برسد انگیزه پیدایش کژ دهانی می‌شود. اگر این تکان‌های ناخواسته در همه تن پیدا شود انگیزه روی دادن گرفتگی (تشنج) شده و از انباشتگی پی خواهد بود.

بخش‌های حاشیه نویسی شده کتاب چاپی

درمان کژ دهانی (لقوه)

روغن چوب قرح همچنین روغن بادام و نیز روغن کرچک برای بیماریهای کژ دهانی سودمند است.

شربا و مروج و همچنین پیّه (تخم) حنظل برای کژ دهانی کهنه و تازه خوب می‌باشد. جالینوس می‌گوید: خوردن ده تا بیست دانه تخم کدو شکم او را روان کرده و برای کژ دهانی نیک است.

جالینوس گوید: جوشاندن گز (اتل) و بخور آب جوشانده آن به بیمار رسیدن برای او سودمند خواهد بود. همچنین سیر باغچه (پرورشی) و نیز سیر خودرو (دشتی) با غسل و همچنین بوییدن قطران برای بیمار کژ دهانی خوب است.

رازی و هرمس گویند: بهتر است که بیمار کژ دهانی تا هفت روز پس از بیماری هیچ بخش از جانور و هیچ چیزی که از جانور بیرون می‌آید به جز غسل نخورد.

بیماریهای دهان و درمان ترک و شکاف لبها

پوشاندن با مصطکی آب شده در روغن بهبود دهنده شکاف لب می‌شود. همچنین پوشاندن با پیّه مرغ آب پز شده برای درمان شکاف لب خوب می‌باشد. همچنین پوشاندن با جرم گوش برای شکاف و ترک لب نیک است.

جالینوس گوید: همچنین پوشاندن (پانسما) با پیۀ اردک برای ترک لب و نیز پوشاندن (پانسما) با قَنطوریون که همان "حشیشة الفَرس" و نیز پوشاندن (پانسما) با شربا و آب جو و همچنین خوردن و پوشاندن (پانسما) پخته لعاب بستانی و نیز کره برای ترک لب خوب می‌باشد.

درمان سوزۀ لب و زخم لب و دهان

زنجفر و اسفیداج برای زخم و سوزۀ لبها خوب است. همچنین در دهان چرخاندن افشره غوره و گشنیز سبز (کُزبُرّه) و خوردن سبزی آن و نیز سرکه و همچنین سعد برای سوزۀ لبها و زخم آن سودمند است.

جالینوس و شانزده فرزانه بزرگ گویند: و یا جالینوس و پنج اندیشمند بزرگ گویند: حنا را اگر با سرکه بسرشند (مخلوط کنند) و روی زخم‌های دهانی بگذارند بهبود دهندۀ آنها خواهد بود. همچنین جویدن شکوفۀ حنا و نیز خولان خوب کنندۀ زخم دهانی هستند. جالینوس و سیزده تن از بزرگان پزشکی گویند: زنگار اگر با عسل و سرکه آمیخته شود برای جرم دندان و زخم‌های بدخیم دهان آزموده شده‌اند.

رازی و دیگران گویند: سُنْدُروس دارویی برای درمان جرم‌دندانی و زخم‌های لثه می‌باشد و بسیار سودمند می‌باشد. چرخاندن کره در دهان برای گندایی و زخم‌های دهان خوب است.

درمان خورۀ دهان: افشرۀ انار ترش با پوست و گوشتش اگر در ظرف مسین خوب بجوشد برای خورۀ دهان خوب است. همچنین پیخال آدمی اگر خشک و نرم ساییده شود برای بهبودی خورۀ دهان خوب است. **رازی** گوید: سندروس بدرازا کشندۀ درمان در دهان خورۀ دهان نمی‌باشد.

درمان لثه فروهسته و جنبان شدن دندانها

قَرَنُفُلْ (میخک) لثه وارفته و شل را استوار می‌کند، همچنین برگ علیق اگر کوبیده شود و روی آن گذاشته شود و نیز غرغره کردن سرکه و نیز آب غوره لثه را استوار می‌کنند. همچنین آمیختن مازو (عفص) سوخته با سرکه تند و تیز لثه شل را سفت می‌کند و گوشت میان دندانها را افزایش می‌دهد. جویدن و خوردن سماق گوشت میان دندانها را نیرو می‌بخشد. همچنین سعد لثه شل را استوار و سخت می‌کند. هفت پزشک بزرگ گویند: زاگ را اگر در کیسه‌ای بگذارند و روی دندان جنبان نهند آن را سفت و سخت می‌نماید. رازی گوید: بویژه اگر با سرکه آمیخته شود و نیز چوب قرچ کوبیده و با سرکه خوب پخته غرغره نمایند لثه را استوار می‌سازد و گوشت میان دندانها را نیرو می‌بخشد.

درمان درد دندان: جالینوس و رازی گویند: اگر زرده تخم مرغ و روغن زیتون داغ را روی دندان دردناک بچکانند درد آن را فرو می‌نشاند. همچنین گویند: ساییدن تخم بنگ و جوشاندن آن با سرکه تند و در دهان چرخاندن آن درد را فروکش می‌کند. اگر تریاک و تخم بنگ سپید و عسل را با هم بیامیزند و به اندازه یک باقالی به بیمار بدهند بیمار را می‌خواباند و درد او را در همان دم می‌خواباند. اگر درد دندان از سردی باشد، آن را با زنگبیل و اگر از تری و نموری باشد با سرکه و اگر از چرک آبه و آمیختگی سفت و چسبنده باشد به تنهایی با سرکه و اگر از گرمی باشد با سرکه و آب با اندازه برابر غرغره می‌کنند که درد را فرو می‌نشاند.

برای درد دندان دارای خورده شدگی بادکش گذاشتن (حجامت) روی رگ زیر چانه سودمند است.

عاقَرَقَرَحای پخته با سرکه برای درد دندان خوب می‌باشد. اگر پیّه حنظل را با سرکه بجوشانند و در دهان نگاه دارند درد دندان را فرو می‌نشانند.

جالینوس گوید: اگر مُر را بسایند و روی دندان دردناک بگذارند درد را آرام می‌کند.

آویزان کردن ریشه کرفس روی گردن، درد را فرو می‌نشانند. نگاهداشتن افشردۀ شاخ و برگ صفصاف در دهان کرم دندانها را می‌کشد و درد را فرو می‌نشانند. همچنین ریختن آب دهان روزه‌دار در گوش، درد دندان را آرام می‌نماید.

درمان خوردگی دندانها

پر کردن دندان دردناک با هسته زرد آلوی تلخ و نمک و مُر و سرکه درد را فرو می‌نشانند پر کردن خوردگی با مُر درد را آرام می‌کند و از خوردگی جلوگیری می‌کند و اگر شیرابه انجیز را در دندان دارای خوردگی بریزند برای خوردگی خوب است و درد را فرو می‌نشانند. چکاندن روغن داغ زیتون در دندان درد را از میان می‌برد. چکاندن قطران در دندان دردناک ضربان و جهندگی آن را می‌خواباند. رازی گوید: درمانی بهتر از سرکه و نمک برای درمان دندان نمی‌باشد زیرا تری و نموری اضافی را می‌خشکاند و درد را فرو می‌نشانند. گوید: چیزی بهتر از پخته پیّه حنظل با سرکه برای کشیدن ماده بیماری که انگیزه آن گرمی بوده، از ریشه دندان نمی‌باشد. هرگاه جهندگی و ضربان دندان افزایش یابد به بیمار نیم درم فیلونیای رومی بخورانند و یک چهارم درم آن را در دهان نگاه دارند، ضربان دندان را آرام می‌کند. همچنین نعنای پرورشی درد دندان دارای خوردگی که از

سردی باشد را فرومی‌نشانند. هرگاه روغن بادام تلخ را داغ کنند و در دندان دارای خوردگی بچکانند، درد آن را آرام می‌کند.

درمان زخم دهان: ساییدن برگ علیق و جوشاندن و در دهان چرخاندن آن بهبود دهنده زخم دهانی است. همچنین صبر زخم دهانی را خوب می‌کند و خونریزی آن را بند می‌آورد و آن را می‌خشکاند. همچنین شاخ و برگ تاک بهبود دهنده زخم دهان می‌باشد. نرم ساییدن پوست انار و سرشتن آن و پاشیدن دارو روی زخم دهان آن را خوب می‌کند و خونس را بند می‌آورد.

درمان کشیدن دندان: ساییدن خیار چنبر و سرشتن آن با عسل و سپس گذاشتن آن روی ریشه دندان، دندان را بدون به کار بردن ابزار می‌کشند. همچنین لسان الحَمَل (زبان بره) را بسایند و خشک کنند و به اندازه یک سوم آن زرنیخ زرد بیفزایند و روی ریشه دندان بنهند به این شیوه دندان بدون کاربرد ابزار آهنین کشیده می‌شود. همچنین لرد روغن زیتون که با آب غوره پخته باشند و روی ریشه دندانی که می‌خواهند بکشند، بگذارند بدون درد آن دندان کشیده می‌شود.

درمان گُندی دندان: برای درمان گُندی دندان نمک سودمند است. شیرینی‌ها و خرفه (بَقْلَةُ الحَمَاء) برای گُندی از ترشی‌ها بهتر می‌باشد. جویدن (پوست) فندق گُندی را می‌زداید. جویدن موم و همچنین جویدن پوست بادام تلخ برای گُندی دندان خوب می‌باشد.

درمان جرم دندان: زنگار و عسل و سرکه برای جرم دندان و چرکی لثه خوب است. همچنین زاگ و یا عقیق و یا مرجان برای آن سودمند می‌باشد. از آزمودنی‌های چند باره به کار بردن قلی و زرنیخ زرد و عدس سپید نرم ساییده است که آن را در گره نی سبز پارسی می‌گذارند و در پشمینه خیس شده‌ای

می‌بندند و در خاکستری داغ دفن می‌کنند تا جایی که نزدیک به سوختن برسد، سپس آن را بیرون آورده به مانند گرد نرم می‌سایند و با سرکه به بیمار می‌دهند تا در دهان بچرخاند بعد دارو را روی لثه می‌گذارند، پس از این کار و پایان روز روی لثه کره یا روغن گل سرخ می‌مالند تا بهبود یابد.

درمان بوی بد دهان: جویدن چندین باره سُداب در شبانه روز برای بوی بد دهان خوب می‌باشد. همچنین نگاه داشتن مر در دهان برای بوی بد دهان سودمند است. بخور عود و گذاشتن نقره ناب و طلای ناب در دهان برای آن خوب است و نیز تخم اسفرزه (قَطونا) و سرپا برای بوی بد دهان نیک می‌باشد. زردآلوی تازه رسیده برای بد بویی دهان از شکمبه آزموده شده است. آب گوارا و تازه بوی دهان را با خوردن و آشامیدن و در دهان نگاه داشتن تغییر می‌دهد همچنین خوردن کرفس بوی بد را می‌زداید. نگاهداشتن زاگ در دهان و یا جویدن و خوردن پاسباسه هندی بوی بد را از دهان می‌زداید. گذاشتن مشک در خوراک و یا بخار جیوه انگیره بد بو شدن دهان می‌گردد و لثه را تباه می‌سازد. پیوسته خوردن کنجد بوی بد میان دندانها به جا می‌گذارد. خوردن شنبلله (حُلْبَه) دهان را خوشبو می‌سازد.

درمان روانی بسیار آب دهان کودکان

نگاهدداشتن افشیره آس در دهان از روانی آب دهان جلوگیری می‌کند. زنگبیل بازدارنده روانی آب دهان می‌باشد. جویدن چندین باره مصطکی و افشیره برنوف بزاق را بند می‌آورد. همچنین جویدن و آویزان کردن آن بر کودکان همین کار را انجام می‌دهد.

درمان آسان کردن رویش دندان کودکان

مالش روزانه چندین باره لثه با پیه مرغ رویش دندانها را آسان می‌کند. اگر درد رویش دندان افزایش یابد لثه را با افشره تاجریزی (عنب الثعلب) و روغن گل سرخ مالش دهند. اگر لثه را با کره گاو چندین بار ماساژ دهند رویش دندانها را آسان می‌نماید. چنانچه کودکان روغن و عسل بخورند رویش دندانهایشان آسان تر خواهد شد. همچنین اگر لثه کودک را با مغز استخوان گوسفند روغن مالی کنید رویش دندان او را آسان خواهید کرد. اگر پسران به خوردن روغن و عسل بپردازند، رویش دندانهایشان آسان و بی درد خواهد شد. خوردن کلم نیز رویش را ساده‌تر می‌کند.

درمان کرم پدید آمده در دندان: جویدن گل میخک (قَرْنُفُل) انگیزه کشتن کرم پدید آمده در ریشه دندان و زدودن نموری تباه شده‌ای است که در آنجا می‌باشد. نرم ساییدن تخم تره و سرشتن آن با روغن زیتون و بخور دادن دندان دارای خوردگی با آن انگیزه نابود کردن کرم می‌شود. اگر تخم تره را بسایند و با قطران بسرشند و دندان دارای خوردگی را با آن بخور دهند، کرم آن را می‌اندازند. داروهای خوشبو کننده: سعد و یا جویدن مصطکی و یا قرنفل (میخک) و همچنین عودِ بخور و یا بسباسه هندی و یا سنبل هندی و نیز کرفس و نیز کلم دهان را خوشبو می‌کند. نگاهداشتن مر در دهان آن را خوشبو می‌نماید. خوردن شنبلیله و نیز نگاهداشتن پوست لیموی سبز در دهان و نیز خوردن نعناع و یا جویدن باقلا دهان را خوشبو می‌کند.

آنچه بوی شراب و پیاز و سیر را می‌زداید: جویدن خولنجان (خسرو دارو) بوی شراب و پیاز و سیر را می‌برد. همچنین جویدن مر زداینده بوی شراب و پیاز و سیر می‌باشد. همچنین سعد و یا میخک و یا عدس خام و یا جویدن کاغذ بوی

پیاز و سیر و تره و شراب را می‌زداید. جویدن گشنیز سبز و یا صعتر و یا سداب و یا سدر و یا عود بخور همین کار را انجام می‌دهد.

درمان ریشه خون چکان و آماسی: جالینوس گوید: نگاهداشتن روغن آس در دهان برای آماس لثه خوب است و درد را فرو می‌نشاند. سرکه برای لثه خون چکان خوب است، آن را می‌خشکاند. همچنین صبر خونریزی لثه را بند می‌آورد و آماس را آب می‌کند و نیز پختن مازو (غُفَص) و خیساندن آن در سرکه تند برای آماس لثه خوب است و خون ریزی آن را بند می‌آورد. همچنین مصطکی اگر در آب باز شود و در دهان نگاهداشته شود برای آماس لثه خوب بوده و خونریزی آن را بند می‌آورد این را جالینوس بازگو کرده است.

داروهای درخشان کننده دندان: آمیختن نمک با اندازه برابر شکر دندانها را درخشان می‌کند تراشه عقیق همچنین لؤلؤ و مرجان انگیزه پاک کنندگی و درخشندگی دندانها می‌شود. چوب اراک سیاهی دندانها را می‌زداید به همین گونه قلی سپید و خاکستر گز (طرفا) و با اندازه برابر نمک اندرانی و نیز خولنجان انگیزه پاک کنندگی و درخشندگی و نیرو بخش دندانها می‌شود.

درمان آماس زبان کوچک: جوشانده سماق در آب انار ترش و سپس چرخاندن آن در دهان دارنده آماس زبان کوچک را بهبود می‌دهد. همچنین غرغره با سرکه ولرم زبان کوچک آماسیده را لاغر می‌کند. و آماس زبان کوچک و لوزه را آب می‌کند. غرغره با آب عسل شکمبه را پاکسازی می‌کند. سپس غرغره کردن با پخته عدس و گل سرخ برای آن سودمند است.

زبان کوچک را جز نرم جویانه به آن دست نزنید.

چنانچه به دنبال آماس زبان کوچک گرفتگی گلوی بدی برای بیمار پیش آمد او را با خونگیری و روان کردن درمان کنید.

رازی گوید: هیچ چیز سودمندتر از چندین بار غرغره کردن با سرکه تند و تیز برای بیمار نمی‌باشد. گوید: زبان کوچک به مانند دم باریک و دراز ملخ است و به صورت گرد و کوتاه و سیاه که به رنگ سرخ می‌گراید روی زبان قرار گرفته است. در بریدن آن خطری بزرگ می‌باشد. پس از بریدن آن بیمار بر تشنگی نابردبار است و از گرد و غبار آزار می‌بیند.

درمان بزاق خونین: بردی سوخته برای بزاق خونی خوب است. همچنین بستن بهمن (نوعی گیاه) در پارچه‌ای سرخ رنگ و پشمین و آویزان کردن آن بر بیمار خونریزی او را بند می‌آورد. کهربا نیز برای او خوب می‌باشد.

درمان سنگینی زبان

بسیار خوردن خردل و نیز روغن آن برای سنگینی زبان خوب است. ابن سینا و یازده اندیشمند بزرگ گویند: خوردن کلم و نیز زنگبیل ساییده و آب شده در آب و نگاهداشتن آن در دهان برای سنگینی زبان سودمند می‌باشد. همچنین آمیختن شو نیز در خوراک روزانه و یا نگاهداشتن پوست بیرونی پسته در دهان برای سنگینی زبان خوب خواهد بود.

درمان آماس زبان: نگاهداشتن پخته شنبلیله در دهان برای آماس زبان خوب است و نیز نگاهداشتن تخم کتان خُرد شده در دهان بر آماس زبان با انگیزه بلغمی سودمند خواهد بود. نگارنده کتاب (علی اهوازی) خداوند او را بیامرزد گوید: زبان بیماری چنان آماسید که دهان وی برایش تنگ شد به تهی سازی او با قرص قوقایا پرداختم و به او گفتم آب کاهو روی زبانت بگذار و در دهانت نگاهدار، بیمار انجام داد و بهبود یافت. جالینوس و رازی گویند: نگاهداشتن افشره تاجریزی (عنب الثعلب) در دهان و یا نوشیدن و یا در دهان چرخاندن آن

به آب کردن آماس زبان می‌انجامد و همچنین ریشه میوه‌های سوزانده شده را بر زبان بمالند، آماس بلغمی آن را فرو می‌نشاند.

درمان آفت و برفک دهان (قلاع): آمیختن آب غوره با عسل و نیز جویدن علیق و نیز زعفران و گلاب برای آفت و برفک دهان سودمند خواهد بود. و نیز پیاز سماق (نوعی گیاه) برای آن خوب است. آفت و برفک دهانی سپید رنگ را با عذیه (خس و خاشاک) سیاه و زرنیخ زرد و سرخ و اقاقیا و قاقله و صندل و کافور و آنچه که آزمایش شده، درمان کن. افشره همیشه بهار (حی العالم) را در دهان به مدتی دراز نگاهدارد برای آفت و برفک و گرمی خوب است.

درمان (آماس) قورباغه‌ای: گونه‌ای آماس سخت می‌باشد که در زیر زبان گسترش می‌یابد. پوشاندن با زاگ برای آماس زیر زبان سودمند خواهد بود. خونگیری از رگهای انباشته زیر زبان خطرناک است زیرا امکان خونریزی خواهد داشت.

درمان آن جز با داروهای نیرومند نمی‌باشد. پانسمان مازو (عفص) و نیز زنگار و افشره تاجریزی برای آماس قورباغه‌ای ناشی از گرمی سودمند می‌باشد. همچنین شیر ترش و نیز افشره کاسنی (هندباء) برای چنین آماسی خوب است.

درمان کُند سخن گویی و گرفتگی زبان: کسی که شل سخن می‌گوید قوقیا را با آیاره چندین در بینی او بدمید و درمان فلج شدگان را در باره او انجام دهید. خوردن و پوشاندن با داروهای گرم را روی پس گردن خوب است. اگر گرفتگی زبان او از تشنج باشد بیمار را با داروهای نرم کننده درمان کنند. او را وادارید که داروها را در دهان نگاه دارد. تخم کتان را خرد کنید و بپزید و با آن بیمار را وادارید تا غرغره کند که برای کُند سخن گویی سودمند می‌باشد. همچنین مالش زبان با نمک و سرکه و عسل برای کودکانی که دچار گرفتگی زبان و کُند سخن

گویی هستند، سودمند خواهد بود. که اگر چندین بار انجام دهند پاسخ می‌دهد زیرا آزموده شده است.

درمان زبری زبان: سماق پوست گران (نوعی درخت سماق) را با عسل بیامیزید زبری زبان را از میان می‌برد. جالینوس و سیزده فرزانه گویند: مالیدن نعناع پرورشی روی زبان، زبری آن را می‌زداید همچنین مالش آن با پیه مرغ و عسل همین کار را انجام می‌دهد.

درمان سستی زبان: غرغره کردن آیاره فبقرا برای شل و وارفتگی زبان خوب است همچنین چندین بار غرغره خردل برای آن سودمند است. نگاهداشتن جوشانده عاقرقرحا در سرکه تند و تیز برای سستی زبان خوب خواهد بود.



تصویر ۳۰: کامل الصناعه الطبیه از ابوالحسن علی بن عباس مجوسی اهوازی،

تاریخ تألیف سده ۴ ق، تاریخ کتابت سده ۷ ق

برگرفته از: گزیده تصاویر تاریخ پزشکی اسلام و ایران، انتشارات فرهنگستان علوم پزشکی

جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۷، ص ۷۷

جلد دوم (نسخه خطی)^۱

گفتار دوم، بخش سی و چهارم

شناخت گیاهان و کاربرد آنها در دندانپزشکی

عوسج: (خاربن) بهترین آن نوع سبز می‌باشد و جویدن برگ آن برای آفت و برفک و زخم‌های دهان خوب است.

بخش سی و پنجم

ارزش و نیروی دانه‌ها

تخم اسفرزه (قطونا): بهترین آن سپید زرین است که در آب ته نشین می‌شود و آن سرد و نمور در مرتبت سوم است. نرم کننده زبری‌ها و زخم‌های دهان می‌باشد. لعاب آن برای از میان بردن خشکی دهان و زبان سودمند است.

تخم گل (گل سرخ): برای برفک و آفت دهان اگر آن را نرم بکوبند و در دهان نگاه دارند، سودمند خواهد بود.....

بخش سی و ششم

داروهایی که از برگ گیاهان اند

برگ تاک (ورق کرم): اگر نرم کوبیده شود. جویدن آن برای لثه شل و وارفته سودمند است.

برگ گز (ورق الطرُفا): ریختن آن روی لثه نیرو دهنده و استوار کننده آن خواهد بود.

^۱. تالیف علی ابن عباس مجوسی اهوازی (سده چهارم)، گردآورنده فواد سزگین ۱۹۸۵ م. از نسخه خطی، فرانکفورت - آلمان، اقتباس و تلخیص از ترجمه‌ی دکتر محمد ابراهیم ذاکر از عربی به فارسی

برگ سرو: بندآورنده بدون گزش است در گرمی و سردی میانه می باشد..... سفت کننده لثه شل و وارفته است.....

برگ آس: دارای طبیعتی سرد و خشک و اندکی گرمای لطیف است..... در دهان چرخاندن آن نیرو بخش لثه شل می باشد.

برگ غار: گرم خشک و بسیار داغ و خشک کننده است. دارای اندکی تلخی و گسی و بندآورندگی است..... اگر با سرکه پخته شود برای درد دندان سودمند است.

برگ زیتون: در گرمی و سردی میانه و ویژگی خشکی آن در مرتبت دوم است. اگر با سرکه پخته شود برای درد دندان سودمند است و آب پخته آن اگر در دهان نگاهداشته شود برای برفک و آفت سپید خوب می باشد.

برگ تنبول (تانبول): از هند آورده می شود در گرمی میانه است دارای ویژگی بندآورندگی نیرومندی است. نیرو بخش لثه سرخ رنگ کننده لب می باشد.

برگ توت:..... اگر در آب خوب پخته شود و آن آب را در دهان بچرخانند برای درد دندان سودمند خواهد بود.

برگ درخت گردو: دارای ویژگی بندآورندگی و خشک کنندگی است. جویدن آن برای زخم ها و سوزه های دهانی سودمند است.....

بخش سی و هفتم

گل ها و سودمندی هایشان

گل سرخ: بهترین آن گل سرخ پارسی است. ویژگی های گوناگونی دارد. طبیعت آن به سردی بوده اندکی بندآورندگی و لطافت و خوش بویی دارد..... اگر با عدس و آس پخته شود..... و در دهان نگاه داشته شود

برای سوزدها و آفت و برفک دهان سودمند است به ویژه اگر با عدس و کافور آمیخته شود.

یاسمن: در مرتبت سوم گرم است که برای بیماران کژ دهانی (لقوه) و فلج و کسی که مغزش سرد و نمور شده سودمندی بسیار دارد.

عُصفَر: گرم و اندکی بندآورنده است. اگر آن را با عسل بسرشد و روی زبان بمالند برای برفک و آفت زبان و سوزده و زخم دهان کودکان خوب است.

گلنار (جلنار): بهترین گونه آن پارسی است. سرد و خشک آن ویژگی بندآورندگی نیرومند دارد. خشک کننده زخم‌ها بوده برای برفک و آفت و سوزدهای دهان خوب است.....

بخش سی و هشتم

میوه‌های دارویی

کَز مازَج: میوه درخت گز (طَرَفَا) است. دارای طبیعتی سرد و خشک بوده ویژگی بند آورندگی نیرومندی به مانند مازو (عَفَص) دارد. جز این که مازو سردتر است. برای سستی و شلی لثه و سوزدها و زخم‌هایی که در دهان پدید می‌آید، سودمند خواهد بود.

فوفَل: سرد و خشک بوده و ویژگی‌هایش به مانند صندل است. نیرو بخش لثه و فروکش کننده گرمای پدید آمده در دهان است.....

بخش سی و نهم

روغن‌ها

روغن ترنج (اُتْرُج): گرم و خشک است، بسیار گرم‌زا بوده در درد دندان پدید آمده از سردی اگر روی آن مالیده شود..... خوب است.

بخش چهارم

افشره‌ها

حُضْض (دیوخار): همان فیل زهرج (فیل زهره) است که در گرمی و سردی میانه بوده دارای ویژگی بندآورندگی و تلخی بسیار می‌باشد از این رو برای آماس‌های گرم سودمند است اگر روی آنها مالیده شود..... برای جای زخم‌های چهره و سوزه‌هایی که در دهان پدید می‌آیند و..... خوب است.

اقاقیا: بهترین آن خوشبو بوده و رنگ آن به سبزی می‌گراید و در آن تندی دیده می‌شود که اگر خیسانده شود تندی آن از میان می‌رود..... برای زخم‌های لثه سودمند است.

سرکه: دارای دو ویژگی سردی و گرمی که از آنسوی همدیگرند. گرمی آن کم بوده و سردی اگر بر طبیعت آن چیره شود و اگر تند و تیز باشد بسیار خشک کننده خواهد شد.

سرکه غُنْصُل: اگر در دهان نگاهداشته و چرخانده شود لثه را استوار می‌کند و بوی بد دهان را از میان می‌برد..... نوشیدن سه جرعه آن در هنگام ناشتا بینایی را بیشتر و دندانها را استوارتر می‌نماید.

بخش چهارم و دوم

داروهایی که ریشه گیاهان‌اند

پوست ریشه کُنْدَر: گرم و خشک دارای مزه تلخی و تندی و بندآورندگی و پاک و درخشان کنندگی و پاکسازی می‌باشد. با تلخی خود بُرندگی دارد و با ویژگی بندآورندگی خود جمع کننده است..... غرغره آن با سکنجبین،

نموری‌های کام نرم را می‌کشد و پخته آن با سرکه و غرغره کردن آن درد دندان را فرو می‌نشاند.

زراوند: دو گونه است یکی دراز و دیگری گرد. گرد آن خوشبو و نرم و لطیف با اندکی تلخی و تندی می‌باشد. دمل‌های چرکین را پاکسازی می‌کند و دندانها را پاک و درخشان می‌سازد و لثه را نیرو می‌بخشد.

بُصْلُ الفار: همان پیاز اشقیل است. گرم و خشک و در مرتبت دوم لطیف و پاکسازی کننده نیرومندی است. بدون پختن و بریان کردن، خوردنی نمی‌باشد زیرا دهان و شکمبه را می‌سوزاند.

بخش چهل و چهارم

داروهای کانی

خاک ارمنی (طین): بهترین آن گونه نرم آن است. دارای طبیعتی سرد و خشک بوده که ویژگی خشک کنندگی بالایی دارد..... برای سوزدهای چرکین دهان خوب است.

خاک قبرسی: بهترین گونه آن خوشبوترین آن است اگر به زبان نزدیک کنند آن را جمع می‌کند و به آن می‌چسبد و جدا کردن آن از زبان آسان نمی‌باشد. سرد و خشک می‌باشد.

بخش چهل و پنجم

سنگ‌ها

سنباده (سنبادج): دارای ویژگی پاک و درخشنده کنندگی بالایی است از این رو برای پاک کردن دندان خوب است.

سنگ آرنب البحر: سنگی از جنس صدف است بسیار خشک کننده می باشد و درخشان کننده دندانها است.

خرچنگ دریایی (سرطان البحر): بهترین آنها بزرگترینشان می باشند. سرد و خشک بوده، و اگر آن را بسایند و دندانها را با آن بشویند، درخشان و پاک کننده دندانها خواهد بود.

بخش چهل و ششم

گونه های نمک

کفک دریا (زَبْدُالْبَحْرِ): گرم و پاکسازی کننده زخم های چشم و دندانها می باشد اگر سوزانده شود و سپس به کار رود، سودمندتر بود.

بخش چهل هفتم

زاگ ها:

زاگ یمانی: بهترین آن به رنگ سپید است. سرد و خشک و بند آورنده خون..... و نیرو بخش لثه شل و وارفته خون چکان می باشد و دندانها را نیرو می بخشد و استوار می سازد.

بخش پنجاه و دوم

ارزش اندامهای جانوران

خون قورباغه زرد: اگر روی دندانها مالیده شود آنها را می رویاند و دمیدن خاکستر آن در بینی خونریزی آن را بند می آورد.

پیه روباه: اگر با روغن سوسن آب شود و در گوش چکانده شود برای درد گوش و اگر روی پنبه ریخته و بر دندان گذارند، درد دندان را از میان می‌برد. آمیخته خاکستر سر خرگوش با پیه خرس را اگر روی لثه بمالند رویش دندانهای کودکان را آسان می‌سازد.

شاخ: همه گونه‌های شاخ، خشک کننده‌اند. سوزانده شاخ گوزن و بز درخشان کننده و نیرو بخش لثه سست و شل می‌باشد..... ساییده آن با شراب نیرو بخش دندانها می‌باشد..... غرغره کردن جوشانده آن بی‌آن که بسوزانند برای درد دندان سودمند است.....

سُم خوک: شستن دندانها با سوخته سم خوک، دندانها را نیرو می‌بخشد و.....

سُم گاو: اگر با سوخته آن دندانها را بشویند، دندانهای جنبان را نیرومند می‌سازد.

پوست مار: جوشانده پوست مار با سرکه برای درد دندان خوب است. **انگشتان جانوران دریایی:** همه آنها پاک کننده و درخشان کننده و نیروبخشانند و خرچنگ دریایی از همه بهتر است. دندانها را پاک و درخشان می‌کند.

شُنج (توتیا): اگر سوزانده شود و سپس آن را نرم بسایند برای..... و درخشان کردن دندانها خوب است.

صدف: سپید آن بهترین گونه آن است. سوخته آن دندانها را پاک و درخشان می‌کند و زخم‌ها را می‌خشکاند.

گوش ماهی (وَدَع): همین کار را انجام می‌دهد جز آن که از شُنج ضعیف‌تر است.

بخش هفتاد و چهارم

درمان بیماریهای زبان

درمان بیماریهای زبان: باید زبان را از نظر تندرستی بررسی نمائید و ببینید که زبان گرفتار سنگینی در سخن گفتن و یا سختی در جنیدن شده است یا خیر؟ این بیماری از آسیبی است که به مغز رسیده است؟ پس بهتر است به دنبال آن بنگرید که این آسیب از آماسی است که مغز را گرفتار ساخته؟ آن گونه که در بیماری سرسام و جز آن است؟ پس بهبود یافتن آن بیمار بر پایه شیوه درمانی همان بیماری خواهد بود. پیگیری مالیدن و مالش دادن و پاک کردن زبان با داروهای لعابدار و روغنی نرم کننده و آنچه به مانند آن باشد که ما پیش از این برای شما یاد کردیم. ممکن است آسیب در پی ضربه یا افتادن روی دهد به گونه‌ای رشته‌های عصبی که به زبان می‌آیند پاره و یا بریده شوند که در چنین حالتی درمان سختی خواهد داشت و یا هرگز بهبودی به دنبال نخواهد داشت.

بخش هفتاد و ششم

آماس زبان، بزرگی و آویزان بودن آن

همواره زبان دچار آماس‌های گرم و سرد، شل و سخت و نیز سرطان می‌شود. گاهی زبان به اندازه‌ای بزرگ می‌شود که دهان جایی به اندازه کافی نخواهد داشت که انگیزه این گونه آماسیدن زبان از چیرگی خون یا نموری می‌باشد و تا هنگامی که از او خون گیری نشود زبان بیرون زده می‌باشد.

شکاف زبان: در ترک و یا شکاف زبان بیمار باید لعاب تخم اسفرزه (قطنونا) و لعاب دانه به بخورد و در دهان نگاه دارد. همچنین روی زبان قیروطی^۱ ساخته

^۱. گونه‌ای پماد و مرهم می‌باشد و نوع ساده و مرکب دارد.

شده ا زروغن بادام و موم آب شده بمالند و درمان آزموده برای ترک و شکاف زبان که بهبود دهنده آن می باشد مالش دادن زبان با سپستان تازه است که آن را شکاف داده و با شیرابه آن زبان را مالش می دهند.

سوزش زبان: سوزش زبان در بسیاری از تب های با دمای بالا و آماس اندام های درونی دیده می شود.

انگیزه آن گرمای مغزی و دهانه شکمبه^۱ می باشد و از خوردن خوراکی های تند و تیز و شور و تلخ و داغ و گزنده پیش می آید. بایسته است که افشره های سرد به مانند افشره تاجریزی و آب کاهو و آب سبزی و لعاب تخم اسفرزه در دهان نگاه دارد. همچنین قرصی که ساخته شده از پیله مرغابی زیر زبان گذارد. هر آسیبی که بر زبان می آید می تواند از سوزشی باشد که انگیزه آن مغزی بوده و یا پیامد ریشه گیاهی به نام "بلیوس" می باشد. برای بهبودی آن چیزی به مانند غرغره کردن شیر ترش نمی باشد. چنانچه بسنده و سازگار نبود پس با سرکه این کار انجام گیرد. روزی مردی برما وارد شد در حالی که ما گروهی شاگرد به گرد استاد خود در جایی نشسته بودیم. چیزی را به ما نشان داد که همانندی با غاریقون^۲ داشته ولی به رنگ سورنجان بود. وی پرسید که این چیست؟ ما ناتوان از شناخت آن بودیم. من آن را از میان شاگردان برگرفتم و برای چشیدن آن به زبان نزدیک کردم و با برخورد آن چیز به زبان احساس خوردن تیری به زبان و پدید آمدن درد جانگاهی و افزایش اندازه زبان به اندازه ای که همه دهان را پر کرد. پس برای بدست آوردن شیر رفتم و شیر ترش برگزیدم و با آن غرغره کردم پس در جا درد فروکش کرد و زبان به اندازه گذشته خود بازگشت.

^۱. فم المعده Cardiak

^۲. غاریقون: نوعی گیاه دارویی

بخش هفتاد و هفتم

آماس غدد زیرزبانی (قورباغه)

آماس غدد زیر زبانی که قورباغه^۱ نامیده می‌شود. انگیزه پدید آمدن آماس این غده‌ها نموری سفت و چسبنده است که در آنها گرد می‌آید.

درمان: پیوسته مالش دادن آن با نشادر و مازو (عَفَص) نرم ساییده است و یا یک بخش زاگ سوخته و یک بخش سورنجان را نرم می‌سایند و با سپیده تخم مرغ می‌سرشند و زیر زبان می‌گذارند. اگر زبان کودکی که غده زیر زبانی آن آماسیده است را با پوست انار و نمک و سَعْتَر (پونه کوهی) مالش دهند بهبود می‌یابد. اگر آماس غده زیر زبانی کهنه شود با داروهایی که در بخش لثه خون چکان گزاره کردیم درمان شود و گرنه باید با چاقو به درمان آن روی آورد. و آن را بردارند و پس از آن با سرکه و سپس با روغن گل سرخ غرغره نمایند و جای آن را با داروهای درمان کننده سوزهای چرکین، درمان کنند.

بخش هفتاد و هشتم

درمان درد دندان

هرگاه درد دندان از گرمی پیش آید، بیمار را وادار کن تا با سرکه و گلاب که در آن اندکی کافور آمیخته‌اند، غرغره نماید و یا آب سماق و اندکی آب لِسَانِ الحَمَل (زبان بره) را در دهان بچرخاند و یا اندکی برگ چنار (دُلب) و میوه گز (طَرَفَا) را با سرکه می‌پزند، سپس با پخته آنها غرغره می‌نمایند. اگر لثه را سرخ رنگ دیدید رگ قیفال^۲ بیمار را بیشتر بزنیید و از آن خون بگیرید. اگر بیمار خشک مزاج بود روان

^۱. این نام از آن است که این غده‌ها به مانند قورباغه می‌باشند.

^۲. یکی از وریدهای بازو

کننده‌هایی به مانند هلیله و صَبَر و آب تمر هندی و شکر را به کار ببرید. اگر درد دندان از سردی باشد روان کننده‌هایی همچون حب آیارج^۱ برای او به کار ببرید و دندان را با آیاره فیکرا مالش دهید و با آب عسل که زوفا و پودنه (فوتنج) در آن پخته، غرغره نمایید و یا در دهان خود پخته برگ و دانه غار و یا در آن پوست ریشه کَبَر و عاقرقَرحا پخته باشند. آب عسلی که در آن زوفا و یا اندکی ریشه خیار چنبر پخته شده را در دهان بچرخانند و یا نگاهدارند و یا می‌گویند خَرَبَق برای درد دندان خوب می‌باشد. با به کار بردن این داروها اگر آرام نشد اندکی فلونیای رومی و یا پادزهر بزرگ (تریاق الاکبر) که آمیخته با سرکه است را با پارچه یا پنبه‌ای روی دندان دردناک می‌گذارند و یا گوگرد و شجریا را به کار می‌برند که درد را فرو می‌نشانند. و همچنین اندکی سیر را در دندان خورده شده و دارای پوسیدگی می‌گذارند و یا پیّه (شَحْم) حَنْظَل را با سرکه نارس (خَلّ الخَمَر) می‌جوشانند و در دهان می‌چرخانند و یا هسته زردآلو را با نمک نرم می‌سایند و با سرکه می‌سرشند سپس سرشته^۲ را روی دندان دردناک می‌گذارند و یا زنگبیل را به همراه عسل در سرکه می‌جوشانند و روی دندان می‌نهند و آن را بر دندانهای دردناک می‌مالند. اگر پوست مار را با سرکه بجوشانند سپس در دهان بچرخانند برای درد دندان سودمند خواهد بود.

گزاره داروی دندان درد از سردی

روش ساخت: فلفل پنج درم^۳، عاقرقَرحا و مویزک (میویزج) از هر یک دو درم، بوره (بورق) سه درم، نرم می‌کوبند و با عسل می‌سرشند و سپس آن را روی

۱. آیارج: معجون‌های ملین مختلفی است و پزشکان بزرگ از قبیل بقراط، جالینوس و غیره هر یک ایاارج

مخصوص به خود را تهیه و توصیه می‌کردند.

۲. سرشتن: مخلوط کردن، خمیر کردن

۳. درم، درهم: ۲/۹۷ - ۳/۵ گرم.

دندان می‌فشرند و یا تریاک که با میعه^۱ روان (سایله) سرشته، سپس آن را روی دندان می‌فشرند.

همچنین زرنیخ را می‌کوبند و با میعه و قنه (صمغ باریجه) می‌سرشند و روی دندان می‌گذارند.

دندان دارای خوردگی را با شونیز (سیاه دانه) نرم ساییده شده پر می‌کنند که درد آن را فرو می‌نشاند. نگاه داشتن سرکه و نمک در دهان برای درد دندان از گرمی و یا سردی نیز سودمند می‌باشد. از آنجا که سرکه دارای طبیعتی سرد است و نیز با لطافتی که دارد به درون انساج دندان رخنه می‌کند پس دردهای از گرمی را فرو می‌نشاند و از آنجا که دارای ویژگی تلطیف کنندگی و برندگی آمیختگی بلغمی بوده پس دردهای پدید آمده از سردی را آرام می‌کند و نمک از آن جا که ویژگی آب کنندگی (تحلیل) و تلطیف و خشک کنندگی نموری فزونی یافته تن را داراست می‌تواند در آرام کردن دردها کمک کند.

گزاره داروی درد دندان

روش ساخت: عاقرقرا یک درم، نشادر و افیون (تریاک) از هر کدام نیم درم نرم می‌کوبند و با آن دندان دارای خوردگی را پر می‌کنند و به اندکی موم می‌افزایند اگر پاسخ نداد باید روش سوزاندن دندان را به این گونه دنبال کرد. روغن زیتون یک وقیه^۲، مرزنگوش و اسپند از هر کدام دو درم نرم می‌سایند و در پاتیلی می‌ریزند. روغن زیتون را خوب می‌جوشانند، سپس دستور می‌دهند بیمار دهان خود را باز کند، درمانگر دندان بیمار را می‌بیند بر آن لوله‌ای آهنین می‌گذارد

^۱. میعه یا لبنی: صمغ درختی است بسیار خوشبو

^۲. وقیه، اوقیه: حدود ۳۷/۵ گرم

البته پیش از آن دندان از پوسیدگی‌هایی که دارد تمیز و پاکسازی می‌شود، پس از آن دو جوال‌دوز آهنی را روی آتش داغ می‌کنید تا سرخ شود سپس یکی از آن دو جوال‌دوز را در روغن زیتون جوشیده به همراه داروهای یاد شده فرو می‌کنید. پس از بیرون آوردن آن از روغن سوزن را به درون لوله فرو کرده تا به دندان بیمار برسد آن را به درون سوراخ پدید آمده در دندان می‌برند و در آنجا می‌گذارند تا سرد شود، هنگامی که سرد شد دوباره آن را به آتش نزدیک می‌کنند تا سرخ شود، اکنون جوال‌دوز دیگر را برداشته به درون روغن داغ فرو کرده و کار را به مانند بار نخستین دنبال می‌کنند. باید این کار را سه یا چهار بار انجام دهند تا درد آرام بگیرد. چنانچه پاسخ داده نشود و درد فروکش نکند دندان را باید کشید.

گزاره دارویی دیگر: که دندان خورده شده (پوسیدگی دار) را سست می‌کند. شیرابه انجیر و انگزه (حلتیت) بد بو را در جای خورده شده دندان می‌گذارند تا آن را سست و متلاشی کند.

دارویی دیگر: جالینوس از داروهای ترکیبی برای درد دندان این گزاره را داده است: فلفل و عاقرقرحا و شیرابه شُبْرُم را به یک اندازه از هر کدام بر می‌گیرند و همه را نرم می‌کوبند و با قنه می‌سرشند سپس سرشته را روی دندان می‌گذارند.

داروی دیگر که برای درد دندانها و دندانهای دارای خوردگی سودمند است: بنگ پنج وقیه، مُر و تریاک و میعه از هر کدام یک بخش، فلفل و انگزه (حلتیت) از هر یک نیم بخش نرم می‌کوبند و با شیرۀ انگور می‌سرشند و از آن شیافی می‌سازند سپس آن را روی دندان می‌مالند و یا درون خورد شدگی دندان می‌گذارند.

گزاره دارویی دیگر: که در خورد شدگی‌های گسترده دندان به کار می‌رود: شونیز جوشانیده را با سرکه تند و تیز می‌سایند و روی آن می‌گذارند.

دارویی دیگر برای درد دندان: عاقرقرا و زنگبیل و بورق و موزیک از هر کدام سه درم، فلفل شش (درم) بر می گیرند همگی را می کوبند و با سرکه می سرشند و روی جای خواسته شده می گذارند. چنانچه خشک این داروها را در دندان دارای خوردگی بفشیرید و یا سخت روی دندان بکشید، درد آن را آرام می کند.

گزاره دارویی دیگر: برای کرختی و کندی دندان به کار می رود، خرفه (بقله الحمقاء) را با شاخ و برگش به همراه نمک بلغور وار کوبیده شده بجود و یا روی دندانها سخت بکشد و یا دو سه بار روی آنها روغن زنبق و یا زرنب بمالد. همچنین از آن و یا شوربای چاق کننده اسفید با و یا روغن بادام شیرین را در دهان نگاه دارد و یا سقز انباط بجود.

درمان دندانهای سست و جنبان و دندانهایی که جرم بر آنها نشسته است: دندانهای سست که با افزایش سالهای زندگی جنبان شده اند، دارویی ندارند ولی آن دسته از دندانها که از نموری برخاسته از سستی و شل و وارفتگی لثه، جنبان شده اند به داروهای بندآورنده همچون زاگ سرخ و کزمازک و گلنار از هر کدام یک بخش و گل سرخ دو بخش بر می گیرند همه را نرم می کوبند و روی دندانها و لثه می کشند.

دارویی دیگر: برای جنبان بودن دندان کزمازک (میوه درخت گز) و رامک^۱ و هلیله زرد از هر کدام سه درم، گلنار و گل سرخ و سماق از هر کدام پنج درم و جفت بلوط و دانه آس و صندل سپید از هر کدام دو درم بر می گیرند و همه را نرم می کوبند و بکار می برند.

۱. رامک، رام دارو: دارویی نشاط انگیز است و برای تهیه آن از مازوی سبز استفاده می کنند.

شستشو دهند^۱ (سنون) دهان: دندانها را نیرو می‌بخشد و استوار می‌سازد. میخک (قرنفل) نرو کزمازک و مازو و گلنار و گل سرخ و سماق و جُف^۱ بلوط و سنای مکی و دانه آس از همه یکسان برمی‌گیرند و نرم می‌سایند و با آن دندانها را می‌شویند.

دارویی دیگر: صندل سپید و رامک و میعه و گل سرخ از هر کدام چهار درم، طَرائِث (گل جالیز) و کزمازک و جفت بلوط و زاگ یمانی از هر کدام یک درم، سماق و تخم گل سرخ از هر کدام سه درم بر می‌گیرند همه را خوب می‌سایند و با آن دندانها را می‌شویند. اگر زاگ سرخ را با سرکه بجوشانند و با آن غرغره کنند دندانها و لثه را نیرو می‌بخشد.

بخش هفتاد و نهم

آنچه دندانها را پاک و درخشان می‌کند

داروهای پاک کننده دندانها: باید آرد جو سرشته شده با عسل سوخته و انجیر سوخته از هر کدام سه درم، کفک دریا (زبد البحر) و شیخ (درمنه) سوخته و خرچنگ دریایی و پوست تخم مرغ سوخته از هر کدام دو درم بر می‌گیرند و همه را نرم می‌سایند و با آن دندانها را می‌شویند. این دارو بسیار پاک و درخشان کننده است.

گزاره دارویی دیگر: درمنه (شیخ) سوخته و سنگ قیشور و کفک دریا و برگ سنبل سوخته و نمک اندرانی از هر کدام یک بخش و ریشه نی سوخته دو بخش و سادج یک چهارم بخش همگی را نرم می‌کوبند و با آنها دندانها را می‌شویند.

^۱. غشاء درونی بلوط

دارویی دیگر: نمک اندرانی و آرد جو به یک اندازه برمی گیرند و با عسل می سرشند و می سوزانند و سپس ریشه سوخته نی سه درم و شاخ سوخته گوزن و پوست تخم شتر مرغ از هر کدام دو درم و بوره (بورق) و چینی خُرد شده از هر کدام یک درم و سنباده نیم درم همه را نرم می ساینند و با آن دندانها را می شویند که بسیار پاک و درخشان کننده است.

بخش هشتم

درمان زخمها و آماس لثه

اگر سوزه یا آماسی در لثه پدید آمد که از آن خون می چکید، برای درمان آن به خون گیری از بیمار و یا گذاشتن بادکش روی بیاورید. هرگاه بیماری دوباره بازگشت رگ چهاروک^۱ (لب) و یا دو رگی که زیر زبان است را ببرید و با داروهای روان کننده به تهی سازی تن بیمار پردازید و به بیمار دستور دهید که سماق خیسانده و له کرده در گلاب را در دهان بچرخاند و به او خوراکی های نرم و لطیف بدهند و گوشت جوجه پرندهگان و طباهج^۲ خوراکی با آب انار و آب زرشک پرورده شده بخورد و این دارو را به کار برد.

گزاره دارو: طرائث و قَرَظ و زاگ سرخ و پوست انار ترش و سماق را به یک اندازه بر می دارند و همه را خوب می پزند و آب آن را در دهان می چرخانند. اگر این داروها خوب و نرم ساییده شوند سپس روی لثه فشرده گردند بسیار سودمندتر خواهند شد، زیرا زخمها را می خشکاند.

^۱. چهارمعرّب چهار و وُک به معنی قویاغه است.

^۲. طباهج معرب تباهچه و به معنی گوشت پخته نرم و نازک است.

گزاره داروی دیگر: برگ و میوه سرو و گلنار و عقص (مازو) و کز مازک به اندازه برابر بر می گیرند و خوب می پزند سپس با سرکه در دهان می چرخانند. اگر افشره عصا الراعی (علف هفت بند) و افشره تاجریزی را با سرکه بیامیزند و در دهان بچرخانند که سودمند خواهد بود.

دارویی دیگر برای خونریزی لثه: تخم گل سرخ و گل سرخ و سماق با اندازه برابر بر می گیرند و همه را با گلاب می پزند و سپس آن را پالایش کرده با آن اندکی افشره عصا الراعی و آب لسان الحمل (بارهنگ) می آمیزند و با آن غرغره می نمایند، این دارو خونریزی را بند می آورد و برای سوزها و آماس گرم پدید آمده در لثه سودمند می باشد.

گزاره دارویی دیگر برای جمع کردن لثه و خوردگی و کوتاه شدگی آن: برای درمان آن باید از رگ قیفال خون گرفت و یا روی نُقره (چاهک) (فرورفتگی بالای پشت گردن) بادکش گذاشت و آب پخته هلیله به او داد و همچنین خوراکی های سرد و لطیف کننده و گوشت پرندگان و بزغاله و سماق و افشره انار و آب غوره در برنامه خوراکی او گذاشت. همچنین او را به مکیدن آب انار واداشت و سیب و گلابی به او خورانید و آن چه داروی تند و تیز به مانند تریاک و اندکی سرکه نارس (خل خمر) که همین کار را انجام می دهد، روی لثه بمالید و با آن لثه و گوشت گندیده را خوب مالش دهید، سپس لثه را با روغن گل سرخ خوب روغن مالی کنید. این کار را سه روز انجام دهید پس از آن جایگاه را از گوشته گندیده پاکسازی نمایید و سپس مرهم اسفیداج (سفیداب) و مرهم مُرداسنگ روی آن بگذارد تا گوشت تازه برویاند و جایش هموار شود، پس از آن گلابی که در آن سماق و مازو (عقص) و جوزالسرو (میوه درخت سرو) پخته اند را در دهان نگاه دارد و خوب غرغره نماید تا لثه بهبود یابد و به حالت طبیعی

گذشته خود بازگردد. گاهی ناگزیر از به کار بردن روش سوزاندن هستیم و آن هنگامی است که داروی تند و تیز نتواند کارایی مورد نیاز ما را داشته باشد. ما این سخن را در بخش کارهایی که باید با دست انجام گیرد یاد خواهیم کرد.

بخش هشتاد و یکم

بوی بد دهان

بوی بد دهان همان گونه که گفتیم یا از گندایی دهان که گندیدگی و خوردگی دندانها است و یا از بلغم گندیده‌ای است که در دهانه شکمبه است. هرگاه بوی بد دهان از گندیدگی گوشت (بافت‌های نرم) دهان و گوشت میان دندانها باشد، به خونگیری و گذاشتن بادکش در گودی پشت گردن و خونگیری از رگ چهاروک (لب) روی آورید، اگر درمان پاسخ نداد به روان کردن شکم او با پخته هلیله و تمبر هندی و همچنین به کار بردن داروی تند و تیز همان گونه که گفتیم و مالش لثه با عسل به اندازه‌ای که خونین شود و پوشاندن آن با مازو و پوست انار و جفت بلوط که همه را نرم ساییده‌اند و با آب آس و یا گلاب بسرشند و سپس به کار برند. اگر درمان بسنده نبود، باید به دنبال تهی‌سازی تن از راه بالا آوردن برونند تا گوشت گندیده لثه پاک شود. پس از آن با آبی که در آن گل سرخ و گلنار و مازو و کز مازک و جفت بلوط و آنچه در این راستا کارا باشد، پخته‌اند و غرغره نماید.

اگر بوی بد دهان از یک دندان تباه شده و دارای خوردگی باشد باید آن دندان را کشید یا پوسیدگی دندان را با آهن و سمباده پاکسازی کنید. همچنین دیگر بخش‌های گندیده آن را دور سازند و کسانی که گرفتار این بیماری هستند از خوردن شیر و موز پرهیز کنند و چنانچه آن دو را بخورند پس از آن با سرکه‌ای

که در آن عاقرقرا و کزمازک و یا اگر سرکه غُضُل (پیازدشتی) در دسترس باشد غرغره نمایند. پس از آن شستشو دهنده‌های خوشبو کننده دهان همچون قرص مشک و جز آن را به کار برند. لثه و دندانها را هر بامداد و شامگاه با پارچه‌ای زبر خوب پاک کنند و با خلال آن را تمیز نمایند. اگر لثه گرم است آن را با روغن گل سرخ و اگر لثه سرد و نمور است با روغن بلسان آن را روغن مالی کنند. باید میخک (قَرْتُل) و مصطکی و عود به همراه اندکی مویزک (میویزج) و عاقرقرا بجود.

اگر بوی بد دهان از بلغم ساخته شده در شکمبه باشد بیمار را وادار به بالا آوردن نمایند البته پس از خوردن خوراکی‌هایی برنده بلغم همچون ترب و ماهی نمک سود شده و خردل و عسل و پس از نوشیدن شراب بالا آوردن انجام گیرد. و این کار را هفته‌ای یک یا دو بار به ویژه در تابستان انجام داده شود. همچنین به بیمار خیسانده صبر و شراب افسستین بدهند و در هر هفته یک مثقال قرص صبر به بیمار بخوراند و شکمبه او را با قرص ایارج و قوقایا پاک سازند و گاهی اطریفل کوچک به همراه ایاره فیکرا به او دهند. همه اینها شکمبه را پاکسازی می‌نماید.

گزاره داروی پاک کننده شکمبه و خوشبو کننده آن

قرفه و اشنه و نمک هندی و قاقله و ناردین از هر کدام یک بخش، صبر سقوطری دو برابر دیگران، همه را گرد می‌آورند و می‌کوبند و می‌سرشند و قرص می‌سازند. اندازه خوراکی آن سه درم می‌باشد. خوراکی‌های بیمار باید نرم و لطیف و خشک کننده باشد همچون گوشت پرندگان بریان و یا کباب شده با سداب و کرفس پخته بخورد و نوشابه کهنه ریحانی که در آن کبابه و بسباسه و میخک و عودنی و زنگبیل و سعد پوست کنده خیسانده‌اند بنوشد و از خوراکی‌های بلغم

ساز همچون ماهی تازه و شیر و گوشت بزغاله و بره چاق و روغن و چربی و سبزیجات سرد و نمور و میوه‌های تازه و دانه‌ها دوری نماید. نوشیدن آب را کاهش دهد و پیوسته در خوردن هلیله و بلبله ساخته شده با عسل پا فشاری کند و مصطکی و قرنفل (میخک) و قاقلی و عود ناب را بجود و این دارو را در دهان بچرخاند.

گزاره آن: شراب ریحانی و گلاب از هر کدام نیم عود خام و مصطکی و میخک و بسباسه و جوز بوا از هر کدام دو درم بلغوروار می‌کوبند و در پارچه‌ای کتانی می‌بندند و در شراب و گلاب می‌اندازند و همه را در پاتیلی گذاشته زیر آن آتشی ملایم می‌افروزند و آن را می‌جوشانند تا به نیمه برسد. سپس از روی آتش برداشته می‌گذارند تا سرد شود سپس آن را می‌پالایند و در هر بامداد و شامگاه در دهان می‌چرخانند که این کار سودمند است. هر کس باید همان گونه که گزاره کردیم پیوسته به کاربرد در مسواک با سعد و اذخر و صندل سپید توجه کند و آن را انجام دهد زیرا خوشبو کننده دهان و زداینده بوی بد آن می‌باشد.

گزاره خوشبو کننده دهان: لئه را نیرو می‌بخشد و استوار می‌سازد و بوی دهان را خوشبو می‌کند.

روش ساخت: صندل سپید و گل سرخ از هر کدام پنج درم، سعد سپید و پوست خشک شده ترنج و اذخر (گزنه دشتی) و رامک و کزمازک از هر کدام سه درم، قاقله و کبابه (میوه درختی است) و بسباسه و قرنفل و مصطکی و عود هندی و مسک از هر یک دو درم همه را نرم می‌کوبند و با آن دندانها را می‌شویند.

گزاره شستشو دهنده دهان: که لئه را استوار می‌سازد و دهان را خوشبو می‌کند.

روش ساخت: میخک و صندل و تخم گل سرخ از هر کدام پنج درم، هلیله و کزمازک و پوست ترنج از هر یک دو درم، عود خام و مصطکی و کبابه از هر کدام یک درم برمی‌گیرند. اگر شستشو دهنده دهانی را بخواهید که همه ویژگی‌های پاک کنندگی و نیرو بخش و خوشبو کنندگی را داشته باشد این دارو را به کار ببرید.

روش ساخت: آرد جو که با عسل سوخته سرشته‌اند و انجیر سوخته و شاخ سوخته گوزن از هر یک پنج درم، کزمازک و کفک دریا (زبد البحر) و نمک اندرانی از هر یک سه درم، گل سرخ و سعد و صندل از هر کدام چهار درم، میخک و هلیله و رامک از هر کدام دو درم و مصطکی و عود خام و سنبل هر کدام چهار درم، مشک و کافور از هر یک یک چهارم درم، بر می‌گیرند و همه را می‌کوبند و به کار می‌برند.

داروی دیگر: که دهان را خوشبو می‌کند و لثه‌ها را نیرو می‌بخشد و دندانها را پاک و درخشان می‌کند کفک دریا و آرد جو سرشته شده با عسل سوخته و ریشه‌های سوخته نی از هر یک شش درم، سنبل و کبابه و قاقله و بسباسه و عاقرقرا از هر یک سه درم، تباشیر و گل سرخ و شنج و فوتنج (پودنه) از هر کدام یک درم، نمک اندرانی پنج درم همه را نرم می‌کوبند و با آن دندانها را می‌شویند.

دارویی دیگر به مانند آن: سعد سپید پوست کنده و نرم ساییده سه درم، شراب کهنه ریحانی یا می‌سوسن چهار درم بر می‌گیرند و با عسل می‌سرشند و به گونه قرص در سینی روی آتش گذاشته تا خشک شوند باید از سوختن آنها جلوگیری کرد، هنگامی که سرخ رنگ شد آن را سرد کنید و بکوبید و از آن یک

وقیه و از نمک اندرانی سه درم و کفک دریا سه و کز مازک پنج و عود ناب هندی چهار درم بر گیرید و همه را نرم بکوبید و برای شستن دندانها به کار ببرید.

دارویی دیگر به مانند آن: آرد جو و نمک از هر یک ده درم با غسل می‌سرشند سپس آنها را می‌سوزانند و پس از آن نرم می‌کوبند و کنار می‌گذارند، سپس حاشا و زنگبیل و شیخ (درمنه) ارمنی و کز مازک از هر کدام دو درم، سَک (رامک) و کبابه و قاقله و میخک (قرنفل) از هر کدام یک درم برمی‌گیرند و می‌کوبند و با آن دندانها را می‌شویند.

گزاره قرص مشک: این دارو هندی می‌باشد، ارماک و کبر از هر کدام یک رطل بر می‌گیرند و در آب می‌خیسانند سپس بر آن سی رطل آب می‌ریزند و آن را می‌پزند به گونه‌ای که پنج رطل آن بماند آن را می‌پالایند داروها را کنار می‌گذارند آن را دوباره می‌پزند تا به مانند غسل شود آن را پیوسته تکان می‌دهند تا نسوزد. از آتش پائین می‌آورند در شیشه‌ای سبز رنگ می‌ریزند و در سایه می‌گذارند تا خشک شود. در هنگام نیاز بیست مثقال آن را بردارید و بسایید و با پارچه‌ای ابریشمین الک نمایید. سپس میخک و جوز بوا و بسباسه و عود هندی و ساذج هندی و صندل سپید و کبابه از هر کدام یک مثقال و مشک خوب پنج درم و کافور ریاحی سه مثقال برمی‌گیرند، داروها را می‌کوبند و با ابریشم الک می‌کنند و ارماک پنج مثقال جدا کنید روی آن شش وقیه آب بریزید و بپزید تا تنها دو وقیه آن به جا بماند، آن را بپالایید و با داروها می‌سرشند و به گونه قرصی که به اندازه نخودی است در می‌آورند و در سایه می‌گذارند تا خشک شود و در هنگام نیاز به کار می‌برند.

گزاره دارویی دیگر: گل سرخ و صندل سپید و سعد از هر کدام ده درم، سلیخه و سنبل الطیب و قرفه و قرنفل و جوزبوا از هر کدام چهار درم، پوست

خشک شده ترنج و برگ آن و اذخر و اشنان و ارماک از هر کدام پنج درم و مشک و عود هندی و مصطکی و قرنفل و بسباسه و جوز بوا از هر کدام دو و نیم درم، مشک نیم دانگ بر می گیرند همگی را نرم می کوبند و با افشره جوشانده شیرین بیان و یا با شراب و یا آب برگ ترنج می سرشند و قرص به اندازه نخود می سازند و در دهان نگاه می دارند.

گزاره دارویی دیگر: عود هندی و قرنفل و مصطکی را بر می گیرند و نرم می کوبند و با شراب می سرشند، سپس به گونه قرص در می آورند و در سایه خشک می کنند و در هنگام نیاز بکی از آن را در دهان نگاه می دارند.

گزاره دیگر: که خوشبو کننده دهان بدبویی است که انگیزه آن شکمبه باشد. هل و قاقله و جوز بوا و قرنفل و دارچین و خولنجان از هر یک سه درم، گل سرخ و صندل سپید از هر کدام پنج درم، کافور نیم درم و مشک یک و نیم دانگ همه را نرم می کنند و با گلاب می سرشند و قرصی به اندازه یک نخود از آن می سازن آن را پهن می کنند و در دهان نگاه می دارند این دارو بوی بد دهان را می زداید.

بخش هشتاد و دوم

آنچه ریزش آب دهان در هنگام خواب را بند می آورد

داروهایی که ریزش آب دهان و هرگونه نموری در هنگام خواب و روانی و پر تراوشی بزاق در کودکان که از گرمی باشد، را بند می آورد، در برگیرنده آن است که بیمار کاسنی را با نمک ناشتا بخورد و تلخان جو^۱ (سویق) و تلخان گندم را ناشتا بخورد.

^۱. تلخان، سویق: آرد نرم، آرد جو، کندم و بقیه حبوبات و حتی بعضی از میوه هاست.

اگر بیماری از نموری بلغمی چسبیده و سفت باشد به همراه تلخان جو اندکی خردل می‌افزایند و در کنار آن مری (آب کامه) ناشتا بخورد و پیوسته به جویدن کند و مصطکی روی آورد، اگر پاسخ نداد وبه بالا آوردن با ترب و عسل اقدام کند و اطرایفل^۱ کوچک و هلیله^۲ پرورده (مربا) بخورد.

درمان ریزش آب دهان در کودکان: دهان را با قاقیا(آقاقیا) که در شراب خیسانده شده پاک کنند که این پرتراوشی بزاق را بند می‌آورد.

گفتار ششم، بخش یکم

درمان آماس زبان کوچک

اگر آماس گرمی زبان کوچک را گرفتار سازد، باید به خونگیری از رگ قیفال^۲ و روان کردن شکم با فلوس خیار شنبر و ترنجبین (ترانگبین) و آب لباب^۳ و این دارو را در حلق بدمند.

بخش سی و سوم

درمان بیماری لثه

درمان بمیاری لثه بولس نامیده می‌شود. سوزه و چرک آبه‌ای که در لثه است فارولس گویند.

بولس: گوشت اضافی که پیرامون دندانها می‌روید و لثه آویزان را با انبرکی و یا منقاشی (پنس) می‌گیرند و با تیغه‌ای گوشت اضافی را می‌برند.

^۱. نوعی معجون است و شامل دو نوع کبیر و صغیر است.

^۲. یکی از وریدهای بازو

^۳. رازی می‌گوید: برگ کباب وقتی با شراب پخته شود موجب درمان دمل‌ها و جراحات پلید گردد.

فارولس: سوزه‌های ریزی است که روی لثه پدیدمی‌آید که بهتر است آن را با تیغی شکاف دهند تا چرک آبه آن بیرون آید و میان آن را گود می‌کنند سپس با سرکه و آب و اندکی شراب غرغره می‌نمایند پس از آن از فردای آن روز با آب و عسل غرغره می‌کنند و روی آن دارویی میان تر و خشک می‌چسبانند.

بخش سی و چهارم

کشیدن دندان

کسی که می‌خواهد دندانی را بکشد نخست باید گوشتی که روی ریشه دندان را فرا گرفته شکاف دهد و خوب آن نسج نرم را کنار زند تا آنکه دیگر گوشتی روی ریشه دندان به جا نماند سپس انبر دستی را به گونه‌ای عمودی روی دندان گذارد و آن را با فشاردگی بسیار گیرد و محکم به سوی راست و چپ بچرخاند سپس آن را بکشد پس این راه کشیدن یک دندان می‌باشد.

اگر دندانی دارای خوردگی باشد در جاهای خورده شده تکه پارچه‌ای را در آن خوب بفشیرید سپس به همانگونه که پیش از این گذاره کردیم به درمان دندان روی آورید. پس از آن چندین بار با سرکه آمیخته با آب غرغره نماید سپس در جای خوردگی با پنبه روغن گل سرخ بریزید. گاهی دندانی اضافی در کنار دندانها می‌روید اگر دندان اضافی در ریشه دندان روییده باشد باید با ابزاری که به مانند منقار است کشیده و بر جای آن سمباده زده شود. اگر چیزی از آن به جا مانده باشد و اگر دندان اضافی به ریشه دندان نچسبیده بلکه بیرون آن قرار گرفته باشد با کلبتین آن را می‌کشند. اگر اضافه‌های آشکاری در برخی از دندانها دیده شود این حالت زشت است و بهتر است که آن بخش زیادی سمباده زده شود تا با جاهای دیگر دندان همسان شود.

اضافه‌های گوشت میان دندان را با ابزاری که دندانها را متخلل می‌کند پاکسازی می‌نمایند. اگر جرم روی دندان نشسته باشد. بهتر است که آن را تراش دهند و روی آن سمباده بکشند تا از دندان جدا شود. با این کار دندانها بهبود می‌یابند.

بخش سی و پنجم

درمان گرفتگی زبان

اگر گرفتگی زبان طبیعی (مادرزادی) باشد و آن از کلفتی تارهای اتصالی زبان (فرنوم) باشد، باید بیمار را میان دستانت روی صندلی بنشانی و او را وادار کنی که دهانش را باز نگاه دارد، زبان او را بسیار می‌کشی و آن تارهای اتصالی را از پهنا با تیغی می‌بری^۱. اگر گرفتگی زبان به دنبال زخمی چرکین پدید آمده باشد، بهتر است انبرکی را به درون آن آماس چرکین که از زخم پدید آمده فرو کنی و آن را به بالا بکشی و از پهنا شکافش دهی تا بهبود یابد. باید در هنگام شکاف دادن بپایید که به ژرفای گوشت نیروی تا تیغ سرخ رگ را پاره نکند که چه بسا خونریزی سختی در پی داشته باشد به گونه‌ای که به تندی بند نیاید، سپس بیمار را وادار کن تا پس از درمان با سرکه و آب و سپس با آب گوشت غرغره نماید تا زخم بهبود یابد بی‌آنکه زخم جمع و گرفته شود.

بخش هشتاد و هفتم

شکسته بندی فک پائین شکسته

اگر شکستگی فک پائین را از بیرون داشته باشیم و این شکستگی سبب جدایی نشده باشد باید بنگرید که آیا شکستگی در بخش چپ است؟ که در این صورت

^۱. ظاهراً مشابه فراتومی امروزی می‌باشد.

انگشت میانه و سبابه دست چپ را در دهان بیمار بگذارید و آنها را بالا ببرید تا به برجستگی پدید آمده در بیرون فک برسد سپس با دست راست از سطح بیرونی فک را از نظر شکل و سطح هموار و یکسان گردانید. اگر شکستگی در بخش راست فک پائین باشد انگشتان دست راست را به درون دهان بیمار ببرید و همان کاری که بازگو کردیم را دوباره انجام دهید. شما می‌دانید برگشت فک پائین به حالت طبیعی خودش همسانی و هماهنگی دندانهای فک ها به وضعیت سابق خود دارد^۱.

هرگاه آرواره بشکند و از جای خود جابه جا شود در این هنگام گرفتن فک باید از دو طرف و با کمک چند تن انجام پذیرد تا به جای همیشگی و شکل پیشین خودش بازگردانده شود. بایسته است تا آن جا که می‌شود دندانهای فک شکسته را با سیم زرین یا سیمین به یکدیگر ببندند و اگر چنین نشود دندانها را با نخ ابریشمین خوب ببندند.

میانه نواری را که می‌خواهیم با آن فک را ببندیم در پشت گردن قرار می‌دهیم سپس دو سر آن را به دو سو می‌کشیم و از روی دو گوش می‌گذرانیم تا به فک برسانیم و آن را در جای خودش استوار گردانیم. دوباره نوار را به پشت برده و از پشت دوباره به زیر فک آورده سپس نوار را به بالای گونه برده و روی استخوان یافوخ^۲ می‌بندند و پیشانی را با نواری می‌بندند که از روی نوار پیشین می‌گذرد تا گره خوردگی و نوار بسته شده را بپاید و ماندگار بماند. اگر بخواهید فک را به حالتی که در آورده‌اید پایدار نگاه دارید، یک تکه نوار باریک را به اندازه فک برگزینید و پیرامون آن پارچه‌ای ببندید و با آن آرواره را بپوشانید و روی آن ببندید. پس از یکسان سازی و هماهنگ کردن فک به صورت پیشین خود و نوار

^۱. صحت عمل با جفت‌گیری طبیعی دندان‌ها تأیید می‌شود.

^۲. میان سر، محل تلاقی استخوان پیشین جمجمه با استخوان پس سر.

بستن، روی آن را با داروهای شکسته بندی آغشته نمایید و پیش از بستن نهایی روی فک بگذارید، سپس باند و نوار را روی آن می‌بند و فک را در آن حالت استوار نگاه می‌دارید. باید به بیمار فرمان آرامش و بی جنبشی و سخن نگفتن و نجویدن بدهید. اگر نیاز به خوردن خوراک پیدا کند خورشت‌هایی را که نان در آن له شده و شوربای ساخته شده از نشاسته و آرد به او بخورانید، پیوسته و در هر هنگام وضعیت فک بیمار را بررسی کنید تا دگرگونی در درمان شکسته بندی ما پدید نیامده و تغییری در شکل آن رخ نداده باشد که اگر چنین شده باشد همه باند و نوارها باید باز شوند و به هماهنگ کردن دوباره آن روی آورید و سپس آن را محکم ببندید. باید دانسته شود که فک در جای خودش جوش خواهد خورد و در مدت بیست روز و یا نزدیک به آن، در جای خودش استوار و نیرومند خواهد گشت زیرا استخوانی نرم می‌باشد و در درون آن مغز استخوان است. اگر در چنین هنگامی فک دچار آماس شود باید آماس را با داروهای جلوگیری کننده نیرومند و سپس تحلیل برنده آن همان گونه که در بخش آماس یاد کردیم، آن را درمان کنیم.

بخش یکصد و یکم

در رفتگی‌های گوناگون

در رفتگی فک پائین: در رفتگی، بیرون زدگی زائده استخوانی از حفره‌ای است که برای آن در نظر گرفته‌اند. اگر این جابجایی ساده باشد و بیرون زدگی از حفره در آن دیده نشود به آن اصطلاح "خلع" یا در رفتگی نمی‌دهند بلکه "زوال المفصل" یا بند ناپایدار به آن می‌گویند.

برای فک بالا، در رفتگی رخ نمی‌دهد زیرا بخش بالایی آن سر می‌باشد، از این رو ناپایداری بندی (زوال المفصل) برای فک پائین بیشتر رخ می‌دهد و این به سبب نرمی بند است که پیرامون بند را فرا می‌گیرد. نرمی بند از پُر جنبشی فک پائین است که نتیجه جویدن‌های بسیار و سخن گفتن‌های فراوان می‌باشد که در پی آن استخوان (فک) با کوچکترین و کمترین انگیزه سست شده و به ناپایداری بندی (زوال المفصل) دچار می‌شود. برگشت این بند به حال پیشین درمان ناپذیر و انجام ناشدنی است.

هرگاه فک پائین دچار دررفتگی (خلع) تام و تمام شود، نشانه آن به سوی جلو و یا به پشت و آماسیدن انتهای فک بالا نزدیک فک پائین خواهد بود. از نشانه‌های دیگر آن سختی در بستن و گرد آمدن دو فک می‌باشد. اگر چنین نشانه‌هایی را دیدید، بدانید که فک دچار دررفتگی شده است.

درمان: پس اکنون به درمان آن بدینگونه پردازید. به یکی از گماشتگان دستور دهید که سر او را بگیرد و دهان بیمار را با انگشتان از بیرون و از درون نگاه دارد و بیمار به اندازه‌ای که بتواند دهان خود را باز کند. اکنون به گماشته فرمان دهید که فک را گاهی به راست و گاهی به چپ تکان دهد و یا به بیمار دستور دهید به همراه جابجایی‌هایی که گماشته در فک او انجام می‌دهد وی نیز فک خود را شل رها سازد تا آن که گماشته بتواند به آسانی فک را حرکت دهد و سپس یک باره فک را بکشد و آن را به جایش باز گرداند. بهتر است دو فک جفت شده و باز نباشند. اگر در برگرداندن فک به جای خود به سختی برخورد کردید جای آن را با روغن بنفشه و موم روغن مالی کنید و روی آن پارچه داغ بگذارید. همچنین پارچه در آب داغ فرو کنید و روی جایگاه بکشید. نشانه خوبی آن هم نواختی و خوب جفت و جور شدن دندانهای آرواره بالا و پائین به مانند حالت همیشگی و

طبیعی خود می‌باشند. سپس روی آن بالشتکی (پدی) آغشته به موم و روغن گل سرخ بگذارید و از بالا آن را با نواری، شل ببندید. اگر هر دو فک دچار دررفتگی شوند. نشانه آن همان نشانه‌های دررفتگی یک واحد می‌باشد که پیش از این گزاره کردیم. درمان آن نیز به مانند درمان دررفتگی هر کدام از فک‌ها به گونه جداگانه می‌باشد. چنانچه هر دو استخوان فک دچار دررفتگی شوند دمی آنها را رها نگذارید و بی‌هیچ درنگی به جا انداختن آنها و برگرداندنشان به وضع طبیعی و پیشین خود روی آورید. زیرا اگر رها شوند و به جای خودشان بازگردانده نشوند پیامدهای بسیار بدی رخ خواهد داد. نمونه آن تب‌های پیوسته و سردرد همیشگی است و این بدین گونه انجام می‌گیرد که چون جای استخوان دو فک تغییر می‌کند فشار روی گیجگاه می‌آید و دچار کشیدگی می‌شود و به دنبال آن بیمار دچار سردرد سختی می‌شوند و این بیمار گرفتار شکمروش و بالا آوردن می‌شود و به جایی می‌رسد که بیمار در روز دهم می‌میرد.

گفتار دهم، داروهای ترکیبی

بخش هفتم، پادزهر چهارگانه و دیگر خمیر شده‌ها

گزاره داروی سوطر: که خالص شده پادزهر بزرگ است که برای سردرد کهنه

و سرگیجه..... و درد دندانها و درد شش و..... سودمند می‌باشد.

روش ساخت: دوازده مثقال تخم کرفس و دو وقیه سالیوس رومی و یک مثقال قُسط تلخ و مُر و دارچین و قرص افروقومغما و میعه روان و آسارون از هر کدام شش مثقال، آنیسون و تریاک ده مثقال، فلفل سپید دوازده مثقال، دارفلفل چهار مثقال، همه را گرد می‌آوردند و می‌سایند و با پارچه‌ای ابریشمین الک

می‌کنند و با عسل کف برگرفته، به نسبت یک به سه می‌سرشند و در ظرفی به مدت شش ماه نگاه می‌دارند. اندازه خوراکی آن یک درم با آب ولرم است.

گزاره قرص خوشبو کننده دهان: دهان را خوشبو و برای آنکه بوی بد دهان را بزدايد، قرص را در دهان نگاه می‌دارند.

روش ساخت: جوز بُوا و قاقله و کافور و دارچین و خولنجان و فوفل از هر کدام یک درم و مشک یک دانگ^۱ برمی‌گیرند و داروها را به جز مشک می‌سایند. مشک را به تنهایی می‌سایند و با داروها می‌آمیزند و با گلاب می‌سرشند در سایه خشک می‌کنند و در شیشه‌ای نگاه می‌دارند و در هنگام نیاز یکی از آن را در دهان نگاه می‌دارند. چنانچه در به کار بردن آن نیازی پیدا شد نخست باید شکمبه از فزونی‌های گندیده و تباه کننده بوی خوش پاکسازی شود و بایستی آن را با چهار درم آیاره فیکرا بیامیزند و نیمی از آن را بکاهند. اندازه کاربردی آن یک مثقال است.

گزاره قرصی دیگر: که خوشبو کننده است و برای بوی بد دهان سودمند می‌باشد.

روش ساخت: پوست سبز و برگ و میوه نارس ترنج و سنبل الطیب و قَرْنُفُل و جوز بوا و نارمشک و زنگبیل و قنبیل و کبابه و بسباسه و سُعد، از هر کدام یک وقیه و مشک یک درم برمی‌گیرند. همه داروها را می‌سایند و الک می‌کنند با گلاب و افشره به و یا افشره سیب می‌سرشند، پس از آن قرص‌هایی با اندازه بزرگ و پهن می‌سازند و در هنگام کاربرد در دهان نگاه می‌دارند.

^۱. بین ۰/۳۵ تا ۰/۶ گرم.

بخش هجدهم

پانسمان‌ها

پانسمان فرسطاریون^۱: برای کژ دهانی (لقوه) و فلج شدگان و درد چشم و سردرد و دردهای دندانی و..... سودمند است.

روش ساخت: فرسطاریون که همان (رعی الحَمَام) کبوتر است، دو درم و روغن زیتون چهل درم و موم ده درم و راتینج سه درم برمی‌گیرند موم و راتینج را با روغن زیتون آب می‌کنند بر آن رعی الحمام نرم کوبیده می‌افزایند و خوب به هم می‌زنند تا یک نواخت شود سپس در شیشه‌ای آماده شده آن را نگاه می‌دارند.

بخش بیست و هفتم

شستشو دهنده‌های دهان و زبان کوچک و گرفتگی گلو و غرغره‌ها

گزاره داروی درد دندان از گرمی: درمان کننده دردهای ناشی از گرمی دندان‌ها.

روش ساخت: برگ و پوست چنار (دلب) و یا پوست خشخاش را برمی‌گیرند و با سرکه می‌پزند و در دهان نگاه می‌دارند.

گزاره داروی درد دندان از سردی: روش ساخت: پوست مار را با سرکه می‌پزند و در دهان نگاه می‌دارند و یا برگ درخت غار را با سرکه می‌پزند و در دهان نگاه می‌دارند.

دارویی دیگر برای باد^۱: مویزک (میویزج) را با سرکه می‌پزند و در دهان می‌چرخانند.

^۱. فرسطاریون یا رعی الحمام تخمی است تیره رنگ به اندازه ماش یا اندکی بزرگتر.

دارویی دیگر: چوب (بوته) سیر و گُندر نَر از هر کدام دو درم و عاقرقرا یک درم با هم می‌آمیزند.

دارویی برای درد دندان از سردی: فلفل ده درم و عاقرقرا و میویزج و زنگبیل از هر کدام چهار درم، بوره ارمنی شش درم بر می‌گیرند. داروها را می‌سایند و الک می‌کنند و داروی بدست آمده را به کار می‌برند.

داروی پاک کننده دندان از جرم و سیاهی و چرک پدید آمده بر آن: زراوند گرد ده درم و نمک اندرانی سرشته شده با عسل سوخته و نظرون و انجیر خشک سوخته و سیسالیوس از هر کدام سه درم، کفک دریا (زبدالبحر) پنج درم، همه را نرم می‌کوبند و با آن دندانها را می‌شویند.

شستشو دهنده‌های پاک و خوشبو و استوار کننده لثه: پودنه سوخته و چوب تاک و شُنْج (نوعی صدف) سوخته و نمک اندرانی و کفک دریا از هر کدام ده درم، عاقرقرا و میوه گز (طرفا) و کبابه از هر کدام پنج، زاگ یمانی و قرنفل از هر یک دو درم، سماق چهار درم برمی‌گیرند و همه داروها را می‌کوبند و الک می‌کنند و در شیشه‌ای نگاه می‌دارند و سپس به کار می‌برند.

شستشو دهنده‌های خوشبو کننده: سادج هندی و رومی و عود تازه و مصطکی و مُرِصاف و پوست ترنج برگیرند و نرم بکوبند و با آن دندانها را بشویند.

دارویی دیگر: اگر سرکه عنصل را در دهان بچرخانند بوی بد دهان را می‌زداید.

^۱. در پزشکی قدیم "باد" عبارت بود از هر یک از انواع متعدد بیماریهایی که علائم رویتی ناچیز داشت، درد آنها جابه جا می‌شد و معلول علتی ناپیدا بود و عموماً نشانه‌های روانی و عصبی داشت.

شستشو دهنده‌هایی که لثه را نیرو می‌بخشند و نموری‌های آن را خشک می‌کند: گلنار یک درم و نشاسته دو درم با هم می‌کوبند و الک می‌کنند سپس دهان را با آن می‌شویند.

دارویی برای بند آوردن خونریزی لثه و زخم‌های آن: انگور خودرو (میوه تاک خودرو) هنگامی که می‌رسد در پارچه‌ای می‌پیچند و روی زغال روشن از آتش می‌گذارند تا بسوزد. آن را می‌سایند و با عسل می‌آمیزند و روی لثه می‌مالند و با آبی که در آن لسان‌الحمل و سماق له شده است، غرغره کنند. اگر لثه دارای زخم‌های چرکین باشد روی آن حُضْض (دیوخار) ساییده و با عسل سرشته می‌مالند.

شستشو دهنده دیگر که خون ریزی لثه را بند می‌آورد: روش ساخت: میوه گز (طرفا) و سک هر کدام سه درم و افشرة لَحِيه التَّيس (ریش بز) و گل (خاک) مختوم^۱ و اَبْهَل (میوه سرو کوهی) هر کدام یک درم و دارچین نیم درم می‌کوبند و الک می‌کنند و با آن شستشو می‌دهند.

شستشو دهنده‌ای که دندانهای جنبان را استوار می‌کند و دهان را خوشبو می‌سازد: شاخ گوزن و نمک سرشته با عسل سوخته از هر کدام ده درم، مرصاف و زعفران و سنبل‌الطیب و سذاب (سَدَاب) خشک از هر کدام دو درم، سماق و گلنار از هر کدام یک درم همه را می‌سایند و با آن دندانها را می‌شویند.

دارویی برای زخم‌های لثه: بوره (بورق) و سعد سوخته و پودنه سوخته با اندازه برابر می‌سایند و الک می‌کنند و با عسل می‌سرشند و روی لثه می‌مالند. اگر زخم‌های لثه چرکین باشند مشک را با عسل می‌سرشند و روی لثه می‌مالند همچنین سرشته اَبْهَل و عسل را روی آن می‌مالند.

^۱. گل یا خاک مختوم نوعی خاک زرد رنگ است که جزء رسوبات دریایی است.

شستو دهنده دیگر: که دهان را خوشبو می‌کند و گوشت میان دندانها را نیرو می‌بخشد و لثه را استوار می‌سازد و جرم را می‌زداید. ما این دارو را برای علی حاجب استر آبادی پور موسی ساختیم.

روش ساخت: هلیله زرد و کز مازج و پوست انار شیرین از هر کدام پنج درم، نمک خُردشده و سعد و اُشنان بَبَطی از هر کدام سه درم، زغال عود و قِرْفَه (نوعی دارچین) و میخک (قرنفل) و گل سرخ و سعتَر سوخته از هر کدام دو درم، گل سبز و چسبنده (غَضار) چینی ده درم همه را نرم می‌کوبند و با آن دهان را می‌شویند.

گزاره فلیفیون: که برای بیماری خوره لثه گندیده و افتادن دندانها و گندایی آنها سودمند است.^۱

روش ساخت: نوره آب نخورده ده درم و زرنیخ سرخ و زرد و زاک یمانی از هر کدام هفت درم و مُر صاف چهار درم و اقاقیا دوازده درم، داروها را می‌سایند و الک می‌کنند و از آن قرص می‌سازند و می‌خشکانند و در هنگام نیاز به کار می‌برند.

فلیفیون دیگر: زرنیخ سرخ و زرد از هر یک شش درم و مُر صاف چهار درم، اقاقیا دوازده درم و سنگ نوره سوخته آب نخورده پانزده درم و زنگار یک درم همه را گرد می‌آورند و می‌سایند و الک می‌کنند و با سرکه نارس (خل خمر) می‌سرشند و می‌گذارند تا خشک شود و در هنگام نیاز به کار می‌برند.

گزاره داروی اثیر الملک: که دارویی است برای بوی بد دهان و آماس گلو و افتادگی زبان کوچک و آفت و برفک دهان (قُلاع) سودمند می‌باشد.

^۱. احتمالاً همان پیوره (یا بیماری مزمن مخرب بافت‌های نگهدارنده دندان) است.

روش ساخت: نشاسته پنج درم و تباشیر دو درم، تخم گل سرخ سه درم و زعفران یک درم و شکر تبرزد و تخم سبزی و باقالا و عدس پوست کنده از هر یک چهار دم و قاقله یک درم و کافور دو دانگ همه را گرد می‌آورند و می‌سایند و الک می‌کنند و در هنگام نیاز در گلو می‌دمند.

داروی گرفتگی گلو^۱: پیخال سگی که استخوان خورده باشد و مازو و عفص و خردل و مر و پوست انار از هر کدام به یک اندازه برمی‌گیرند و می‌سایند و الک می‌کنند و در گلو می‌دمند.

گزاره داروی سورنجان: برای آماس و درد پدید آمده در دهان سودمند است. روش ساخت: دوازده درم غروق (زرد چوبه) و یک درم زاگ یمانی و شش درم گلنار و سه درم سماق و از عفص (مازو) و پوست انار هر کدام دو درم، ساییده و الک کرده گرد می‌آورند و در هنگام نیاز در گلو می‌دمند.

دارویی دیگر برای دمیدن در گلو: مازو و گل سرخ و عدس و سماق و گلنار و میوه درخت گز (طرفا) و پونه (فوتیج) و شکر تبرزد از هر کدام یک بخش و عاقرقرا و زنگبیل و شونیز و پونه و پودنه و ریشه سوسن و پوست انار و قاقله و کبابه و تباشیر از هر کدام نیم بخش و زعفران یک چهارم بخش بر می‌گیرند، سپس ساییده و الک کرده گرد می‌آورند و هنگام نیاز در گلو می‌دمند.

^۱. خوانیق: متن

بخش هشتم

دانش دندان پزشکی از کتاب: "هدایه المتعلمین فی الطب"

تألیف: ابوبکر ربیع بن احمد الاخوان البخاری^۱

باب فی ذکر العظام (استخوانها) صفحه ۴۲

..... و در زیر استخوانها رخ یک باره (پاره) استخوانست نام وی لحي الاعلى و بیارسی فک برین و بدین استخوانها برئوذ (بُود) دندانهای برین، و زیراین استخوانها و دندان یک استخوانست بدو باره نام (وی) لحي اسفل و بیارسی فک زیرین و این استخوان بدو باره است و میان زنخدان بر درزی است و این استخوان را باز کشتن (گشتن) است بسوی سر و یکی کثری است ورا ورقحف (آعیانه) سر یکی سوراخ است. جُن (چون) حلقه و آن کثری فک زیرین بدان حلقه اندر افتد، نام آن حلقه زفرین و دوزفرین است یکی سوی راست و یکی سوی چپ تا جن دهان باز رود (رود) باز فراز رودلحي الاسفل نیفتد و آن حلقه و را نگاه دارد.

و عدد دندانها از زیر و از بُرُسی و دو دندان است چهار بیشین (پیشین) دو از برو دو از زیر نام ایشان قواطع و چهار دیگر دو از برو دو از زیر ببلوء این قواطع نام ایشان ثنایا و این را از بهر آن ثنایا خوانده‌اند کی (که) یار بوند مرقواطع را بفعل، و ببهلو این ثنایا چهار دندان دیگرست دو از برو دو از زیر نام ایشان کواسر و نیز انیاب خوانندشان و بیارسی آشره، و بیست دندان دیگرست ده از زیر و ده از

^۱ گفته می‌شود که نخستین کتاب پزشکی به زبان فارسی توسط ابوبکر ربیع ابن احمد الاخوان البخاری به نام "هدایه المتعلمین فی الطب" است که در سده چهارم هجرت زندگی می‌کرده. چون کتاب او به فارسی بوده است هیچ کدام از تاریخ نویسان از وی یاد نمی‌کنند. از سده ششم دانشمندان به فارسی نویسی روی می‌آورند و رایج می‌شود و سید اسمعیل جرجانی نخستین آنهاست که "ذخیره خوارزمشاهی" را می‌نویسد. برای حفظ اصالت متن فارسی در آن زمان، عین متن اولیه آورده می‌شود.

بر پنج از سوی راست و پنج از سوی جب نام این دندانها بتازی اضراص و طواحن خوانندش نیز و ببارسی دندانهای خائیدن.

باب فی وجع الاسنان (درد دندانها) صفحه ۲۹۶

اختلاف کردند متقدمان اندر حال دندان بعضی او را از شمار استخوان داشتند و بعضی از شمار عصب داشتند این کسها ایدون گفتند کی زیر هر دندانی یک تاه عصب است کی غذا آن دندان از آن عصب است و گرد هر دندانی یک تاه عصب است (کی دندان) را استوار دارد و این که گفتند از استخوان است گفتند دندان درد (نکند کی) و را حس نیست ولکن اعصاب درد کند کزیر وی اندرست و گرد (اندر کرد وی و این) سخنی راست بود و باز آن دیگران کویند دندان را خدر افتد از چیزهای ترش و خدر نیفتد الا عصب را و این سخنی قویست ولکن خدر چیزی دیگر بود و درد دانستن چیزی دیگر از قبل آنک خدر نادانستن درد بود و دانستن خدر نبوذ بس آن دیگر باشد و این ولکن هر دو سخن قویست اکنون هیچ استخوان را بوسیدن نبوذ و مر هیچ عصب را بتن مردم اندر مکر دندان را بس دلیل کند که وی چیزی دیگرست جز استخوان و جز عصب.

و اکنون (جون) دندان درد کند اعنی آن عصب کی زیر دندان و اندر کرد وی است جن درد با آماس اروک بود و آماس سوزان و سرخ بود و آسانی یابد از چیزهای خنک علاج فصد قیفال بود و حجامت بر قفا و چهار رک کشادن و شکم آوردن بطبیخ هلیله زرد و یاره فیکرا و غرغره کردن بسکنکین سازه و بدهان بکیرذ اسبغول بسرکا فرغار کرده و آب سرد بر سر ریزد و کلاب با کافور بسر برنهد اگر به نشوذ از بس دو روز بکیرذ روغن کل و بهر ده درم سنکی دو درم سنک مصطکی سوده برافکند این روغن بدهان بدارد کاه کرم و کاه سرد، (و

بدانک) دندان درد نکند الا از جهت غذا ناموافق تا ان غذا (متحیر) شود تا استحالت نیابد بگوهر (دندان درد ننشیند) و جن ان چیزهء ناموافق آنجا بماند از بیرون وی آماس کند و جن بتنء دندان ماند (دندان) را ببوساند و سیاه کند یا نقصان غذا افتد دندان را تا باریک شود و زرد و جنبان جنبانک دندان بیرون بود جن این سبب دانسته (آمد باید تا غذا) نا موافق از وی دور داری و آن مواد متحیر کی آنجا بود بیرون آری بهرج کی بتوانی اگر بدین روغن کل و مصطلکی به نشود و الا سرکا و نمک را بدهان بدارد بسیار تا آن مواد بذ را آنجا خشک کند.

و بود کی درد دندان بی آماس بود و بلغمی بود و نشان وی آن بود کی یاذ کردم بمقدمهء این کتاب بباب زیادت بلغم و علاج وی آن بود کی شکم آرد بیاره فیکرا یا بحب فوقایا یا بحب اسطمخیقون و باز غرغره کند بیاره و باز بدهان بگیرد تریاق الاربعه یا بکیرذ بلبل سیاه سوده با قطران آمیخته بدهان اگر به نشود شحم خنظل با سرکا بجوشانند و آن سرکا بدهان بدارد بسیار تا آن بلغم ببرد یا بکیرذ یک کف برک مورد خشک و یک کف جوب درخت نشک کی ناژ گویند و دو دانه سیر بجوشانند با سرکا و آن سرکا را کرم بدهان اندر بدارد، یا بکیرذ عاقرقرا و بوست بیخ کبر سوده و باسرکا بجوشانند و بدهان بدارد اگر به نشود بنشتر بیازند کرد اندر کرد آن دندان تا آن عصب را از آن دندان جدا کند و اگر به نشود بکیرذ تخم فنک سیاه یک درم سنک میعه تر دو درم سنک (آن را بسایند) و هر دو جمع کند و بخور کند و دوز آن بنایزه بدارد تا دندان خیره شود یا بگیرد روغن شیره و بجوشانند با بابونه و بیخ خطمی و آن روغن بدهان بدارد و انگاه کوز مغز کرم کند و دندان بر وی فشارد تا خوی آید و دندان بیاماسد و این نشان آن بود کی مایه از آن عصب کی زیر دندان است بیرون آمده است و کر این همه بکنی و به نشود و درد ننشیند. دندان را بپایذ کنند یا داغ بایدزدن و اگر کاواک بود ناجاره بپایذ کنند کی جزین روی نبوذ.

و کر بیقین بدانی کی از صفرا خاستست شربتی قرص بنفشه بایذ خوردن کنافع و مبارک است و اگر کلواک بوذ هم سوذ دارد. این قرص که کفتم جن غلبه صفرا بوذ. جن از همه بماند انگاه بایذ کندن و کر جوان را دندان جنبان بوذ بکیرذ جلنار و سعد و کل سرخ و سنک از هر یکی یک درم سنک و زاک سید نیم درم سنک این همه را بسایذ و بدنجان و بآروک بردفسانذ و اگر زرد کشته بوذ دندان سید بایذ کردن بکفک دریا و نمک اندرانی و خشار و غصضاره‌ی جینی این همه را بسایذ و بدنجان اندر مالذ و نگاه دارد اروک را تا ریش نشوذ و کر از خوردن چیزی ترش بوذ و قابض کی دندان کُند کردذ علاج خاییدن بابرک تر بوذ یا مغز باذام سید کرده یا مغز کوز یا بدنجان گرفتن موم جذاجذا شایذ و هم جمله و اگر دندان سرد کردذ بمزاج کی هوا و اب سرد نتابذ علاج وی شکم آوردن بوذ بیاره‌ی فیکرا و یاره بدنجان اندر مالیدن و بار کوز مغز بریان یا زرده‌ی خایه کرم بدنجان گرفتن جندانک چشم آب کیرذ هر روزی چند بار تا به شوذ و بوذ کی دندان کنده کردذ علاج وی کندن بوذ.

و آن علت کی بخر کویندش آن کند دهان بوذ از سه جای بوذ: یا از معده بوذ و بتبهاء تیز اندر بوذ و سبب این کرمی مزاج معده بوذ و علاج وی آب الو بوذ و آب زردالو کشته و غذا کشکاب و زِرک و سباناخ و بوذ کی از بلغم بوسیده بوذ کی اندر معده گرد آمده بوذ و علاج وی قی کردن بوذ بتاشتا و شکم آوردن بیاره‌ی بزرک و یاره فیکرا بکار دارد و زنجبیل برورده و ترنج برورده و گوارش آبی هم شکم آرنده و هم نارنده هر دو شایذ و گوارش خبثی و دوغ آهن و آنک ورا بیروزنوش کویند و طریفیل خرد و بزرک هر دو شایذ و نشان این علت آن بوذ کی دایم کند آید از دهان اگر بناشتا بوذ و کرسیرخورده و بوذ کی این کند دهان از دندان بوذ و علاج وی کندن آن دندان بوذ جنانک یاذ کردم، و بوذ کی این کند دهان از شوشه بوذ کی بلغم بوسیده اندر وی کرد آمده بوذ و علاج وی حب

مشک بوذ کی بدهان بدازد حب مشک بگیرد بوست ترنج خشک و قرنفل و سنبل و سک و عود خام از هر یکی یک درم سنک مسک نیم دانک سنک این همه را بسایند و حب کند و بدهان بدازد و بخورد هر روزی بامداد سه درم سنک از ین معجون صفته برک مورد سه درم سنک آمله و سعد و سنبل و بوست ترنج خشک و اذخر و مصطلکی و سک مشک و قرنفل از هر یکی یک درم سنک این همه را بکوبد و بسایند و با میوبز بی دانه جمع کند و بکارد دارد خوب آید.

باب القلاع

این قُلاع درد دهان بوذ و سه گونه بوذ:

یکی از خون صفرائی بوذ و نشان وی آن بوذ کی سرخ و سوزان بوذ و علاج وی رک زدن بوذ و حجامت کردن بزیر زَنج و شکم آوردن بهلیله زرد و شکر و سقمونیا و بدهان بدازد این دارو صفت وی طباشیر و کل سرخ و کشنیز خشک و تتری و نرسک بی بوست و تخم بابرک حنا مکی این همه را کرد کند و بسایند و اندکی کافور باوی یار کند و بدهان بدازد و باز بکلاب و سرکا مضمضه کند و باز دیگر بار بدازد چند بار و نام این دارو معروف است و مبارک.

و بوذ کی این درد دهان با سیدی بوذ و این بتر از ان بیشین بوذ و علاج وی از بس شکم آوردن آن بوذ کی زاک سبید با شکر طبرزد بسایند و بدهان بدازد یا زاک سبید با انگبین جمع کند بدهان بمالد باز غرغره کند بجلاب باز عاقرقرا و شیاف مامیثا و هلیله زرد بدهان بدازد دایم اگر به نشود بکیرد بدهان دایم این دارو (صفت وی) بوست نارشیرین سی درم سنک جلنار و مازو و زاک سبید و عاقرقرا از هر یکی ده درم سنک تتری بانزده درم سنک نمک هند و بنج درم جمله این داروها هفت چیز بوذ بشمار این همه را بکوبد و بسایند و بدهان بیرا

کند و نم این دارو سورینجان (است) و نیک منفعت کند درد دندان را بنشانند و آروک را سخت کند و خوره باز دارد.

و بوذ کی درد دهان از خوره بوذ و دهان و دندان سیاه بوذ و کند خاسته بوذ دندان را تبه کند و بیفکند و این را قرص فلدقیون باید قرص فلدفیون بگیرد زرنیخ زرد و آهک آب نارسیده و مازو و زاک سبید و زنکار این همه را بسایند برابر و بسرکای کهن فرغار کند یک هفته و باز قرص کند جن حاجت (آید) باید و دهان را بکرباس خام و سرکا بمالد تا خون بکشاید و باز دهان را بسرکا بشوید و این دارو بوی اندر دمذ و ببراکند اندر وی بامداد و شبانگاه تا به شود و من بسیار علاج کردم بدین بیماریها و هرج اینجا یاد می‌کنم آنست کی آزموده‌ی منست و اما آنج مرا بوی تجربت نیست یاد نکنم و من شاکرد ابوالقسم مقانعی ام و نام وی طاهر بوذ بن محمد بن ابراهیم و شاکرد محمد بن زکریا بوذ و استاذ من برای وی رفتی اندر معالجت و من هم برای ایشان می‌روم و نیک می‌آید.



تصویر ۳۱: ابن سینا

بخش نهم

دانش دندان پزشکی از کتاب «قانون در پزشکی»

تألیف شیخ الرئيس ابوعلی سینا

(۳۷۰-۴۲۸ ه.ق.)

پیش گفتار

آشنایی با شیخ الرئيس، ابوعلی ابن سینا و کتاب قانون

شیخ الرئيس، ابوعلی سینا، بزرگترین پزشک سده چهارم و آغاز سده پنجم هجری قمری است که به یقین یکی از پزشکان نامدار جهان شمرده می شود، «ابوعلی حسین بن عبدا... بن سینا» (۳۷۰-۴۲۸ هجری قمری / ۹۸۰-۱۰۳۷ میلادی) است (۱). ابن سینا در غرب به نام «Avicenna» شناخته می شود. اروپائیان او را «ملک الاطباء» خوانده اند. شیخ الرئيس بیش از صد سال پس از رازی در «افشانه» نزدیک «بخارا» (آسیای مرکزی، در ازبکستان کنونی) به دنیا آمد. بخارا در آن دوران در فلمرو ایران و از مراکز مهم اشاعه دانش و فرهنگ ایران بوده است. بوعلی سینا بیشتر عمر خود را در ایران گذرانده است. وی پزشکی حاذق و فیلسوفی کارآمد بوده و بیش از دویست کتاب درباره موضوعات مختلف نگاشته است (۲).

نامدارترین کتاب او در پزشکی «قانون فی الطب» نام دارد که به زبان عربی نگاشته شده است و در غرب با عنوان Canon of Medicine شهرت دارد. دکتر ویلیام اوسلر (۱۸۴۹-۱۹۱۹) استاد نامی پزشکی معاصر غرب، قانون ابن سینا را

«مشهورترین کتاب طبی که تاکنون نوشته شده است» ذکر کرده. قانون نخستین بار حدود سال ۱۱۵۰ میلادی توسط جرارد کرمونایی^۱ به لاتین ترجمه شد. پس از آن نسخه لاتینی آن بعد از ابداع صنعت چاپ (در سال ۱۴۵۵ م) نخستین کتاب ترجمه شده طبی به زبان لاتین بود که در سال ۱۴۷۳ چاپ شده است



تصویر ۳۲: ترجمه کتاب قانون ابن سینا به لاتین (۳)
(چاپ بیش از ۵۰۰ سال قبل)

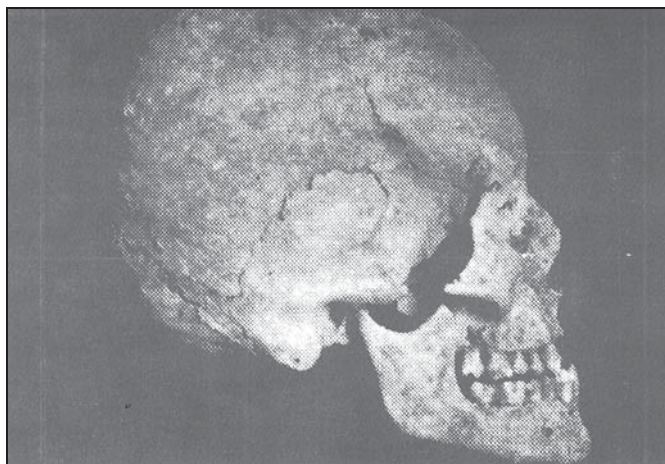
سپس نسخه لاتینی آن در فاصله قرن پانزده و شانزده میلادی، سی و شش بار تجدید چاپ شده است. قانون کتاب عظیمی است که بیش از یک میلیون واژه

^۱ Gerard of Cremona. به لاتین Gerardus Cremonensis. از متفکرین قرن دوازدهم میلادی، او با ترجمه متن های علمی از عربی و یونانی به لاتین، نقش مهمی در انتقال علم به اروپای زمان خود داشت.

دارد(۴) و از پنج کتاب تشکیل شده است: کتاب اول (الکلیات)، اصول کلی پزشکی را ارائه می‌کند. کتاب دوم (مفردات)، به داروی‌های بسیط می‌پردازد. کتاب سوم به بیماری‌های مختلف اختصاص داده شده است. کتاب چهارم (مقولات عمومی طبی)، از جمله بُثورات جلدی، زخم‌ها، شکستگی‌ها، دررفتگی‌ها و تب‌ها را مورد بحث قرار می‌دهد و بالاخره کتاب پنجم به ادویه مرکب (قربادین = فارماکوپه) اختصاص یافته است(۵).

منابع

۱. صفا، دکتر ذبیح‌ا...، آموزش و دانش در ایران، مؤسسه انتشارات نوین، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۳، صص ۹۹-۱۰۰.
۲. نجم‌آبادی، دکتر محمود، تاریخ طب در ایران پس از اسلام، از ظهور اسلام تا دوران مغول، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۵، ص ۴.
۳. Wikipedia, the free encyclopedia
۴. Azizi M.H., Ibn-Sina, the greatest oriental physician, medical journal of Iranian Hospital, Dubai U.A.E. Vol. ۳, No. ۱, July ۲۰۰۰, PP: ۷۰-۷۱.
۵. ابن سینا، قانون در طب، ترجمه فارسی شرفکندی هزار، انتشارات سروش، چاپ سوم، تهران، ۱۳۸۵.



تصویر ۳۳: جمجمه ایکه در مدفن قدیمی ابن سینا در همدان یافت شده است.
برگرفته از: مجله آکنامدیکاایرانیکا، جلد ۳۴، شماره ۳ و ۴، سال ۱۹۹۶، ص ۵۷



تصویر ۳۴: دست خطی از ابن سینا در سال ۴۰۷، در مجموعه ای از اسناد و نوشته‌های جالینوس، ترجمه شده به زبان عربی توسط حنین بن اسحاق که مربوط است به اوایل قرن یازدهم میلادی.

برگرفته از: تاریخ مصور پزشکی جهان، دکتر ولی الله محرابی، جلد دوم، ص ۷۶۲

فصل چهارم از جمله اول^۱

تشریح استخوان های آرواره

تعداد استخوان های آرواره و گیجگاه وقتی معلوم می شود که نخست درزهای آرواره را بیان کنیم:

پس گوئیم: حدود آرواره فوقانی چنین است: در بالا درز مشترکی بین آرواره و (استخوان) پیشانی وجود دارد که از زیر ابرو می گذرد و از یک گیجگاه به گیجگاه دیگر می رسد. در پائین، در دو طرف رستنگاه دندانها، درزی است که از ناحیه گوش می آید و آرواره و استخوان میخی (استخوان شب پرده ای) که در پشت دندانهای آسیاست، در آن مشترکند، و بعد دو طرف دیگر پایان می یابد، منظورم این است که کمی به طرف داخل جسم گرایش دارد و فاصله اش اندک است؛ و آنگاه درزی ایجاد می شود که در حد فاصل بین این درز و درز دیگری است که آنرا ذکر می کنیم: درز مورد نظر درزی است که کام دهان را در طول قطع می کند. این بود حدود آرواره فوقانی. درزهای داخلی آن از این قرارند: یک درز طولی کام دهان را قطع می کند. درز دیگری از میان دو ابرو شروع می شود و در بین محل دو دندان پیشین خاتمه می یابد. درز سوم با درز دوم از یک محل شروع می شود ولی از او فاصله گرفته، سرازیر می شود و از طرف راست تا وسط رستنگاه رُباعی (دندانهای کناری یا لاترال) و نیش ادامه می یابد. درز چهارم مشابه درز سوم و در سمت چپ است و بنابراین مرز داخلی آن میان سه درزی است که در وسط و دو طرف هستند، محدود می گردد.

در میان رستنگاه دندانهای نامبرده دو استخوان مثلثی وجود دارد که قاعده آنها در رستنگاه دندانها نیست، اما درزی متقاطع که به قاعده سوراخ های بینی

^۱. برگرفته از جلد اول "قانون"

نزدیک است قبلاً راه را بر او سد می کند. سه درز نامبرده از این تقاطع می گذرند و به محل هایی که ذکر شده می رسند.

در پائین بر دو استخوان مثلثی دو استخوان وجود دارد که بین قاعده دو مثلث و دستگاه دندانها محصور هستند و دو تا از آن درزهای جانبی، یکی از آن دو استخوان را دو استخوانی که در دو طرف درز وسطی قرار دارند از دیگری جدا می کنند. در چنین وضع این (دو استخوان) بادرز جدا کننده دو زاویه قائمه به وجود می آورند و در رستنگاه (ریشه) دندانهای نیش زاویه حاده و دو سوراخ های بینی زاویه منفرجه می سازند.

از درزهای آرواره فوقانی درز دیگری از درز مشترک بالاتر بطرف چشم پائین می آید، وقتی که به گودی چشم رسید سه شاخه می شود: شاخه ای از زیر درزی که با پیشانی مشترک است و بالای گودی چشم است عبور کرده، به ابرو می رسد. شاخه دوم پائینتر از آن و بدون اینکه به گودی چشم برسد خود را به ابرو می رساند و شاخه سوم پس از آنکه وارد گودی چشم شد تا ابرو ادامه می یابد. هر بخشی از آنها که نسبت به درزی که زیر ابروست پائین نیز است، از محلی که در زیر بالاتر با آن تماس دارد دورتر است. استخوانی که درز اول آنرا جدا ساخته است بزرگتر و استخوانی که دومی را جدا کرده است از استخوان جدا شده بوسیله سومی بزرگتر است (نسخه انگلیسی: استخوانی که توسط درز اول جدا می شود استخوان بزرگ است. استخوان دوم که توسط درز دوم جدا شده است از استخوان اول کوچکتر است و استخوانی که توسط درز سوم جدا شده است از دو استخوان پیشین بزرگتر است).

فصل پنجم از جمله اول: تشریح دندانها

تعداد دندانها سی و دو تا است. در برخی اشخاص چهار دندان عقل وجود ندارد،

بنابراین این تعداد از بیست و هشت تجاوز نمی کند. دندان‌ها از این قرارند:

دو دندان پیش در بالا و دو پیش در پائین، دو دندان رُباعیه (لاترال یا کناری) بالا و دو رُباعیه پائین که برای بریدن هستند، دو نیش بالا و دو نیش پائین که عمل شان شکستن است و در هر طرف فک چهار تا پنج آسیا در بالا و بهمان تعداد در پائین که برای آرد کردن است و مجموعاً سی و دو یا بیست و هشت دندان می‌باشند.^۱

دندان عقل غالباً در دوره نمو که از سن بلوغ تا سن رکود است می روید. سن رکود تا نزدیک سی سالگی است و از این رو آنها را دندان‌های حلم می‌گویند.

دندان‌ها دارای ریشه و همچنین واجد رئوس تیز هستند و در داخل حفره‌های دندانی بر روی هر دو آرواره جای گرفته اند. در کناره هر حفره دندانی زائده مدوری است و استخوان کوچکی بر آن روئیده است که دندان‌ها را در بر می گیرد و بطور محکم استوار می سازد. هر یک از دندان‌ها، بجز آسیاها دارای یک ریشه هستند، لیکن هر یک از آسیاهای آرواره تحتانی دارای لاقل دو ریشه اند^۲ و ممکن است بویژه دندان‌های عقل واجد سه ریشه باشند. هر یک از آسیاهای آرواره فوقانی لاقل دارای سه ریشه‌اند^۳ و شاید – بویژه دندان متصل – دارای چهار ریشه باشند.

زیاد شدن ریشه در آسیاهای فوقانی به لحاظ بزرگی آنها و کار بیشتر آنهاست و چون رو به پائین قرار دارند سنگینی آنها را به جهت مخالف گرایش می‌دهد، در صورتی که در آسیاهای آرواره تحتانی این سنگینی مخالف مرکز نیست.

بطور کلی استخوان‌ها بجز دندان‌ها فاقد حس هستند. جالینوس گوید: تجربه

^۱. فرمول دندانی: در اشخاص بالغ مطابق تشریح امروزی، در دو نیم آرواره، به قرار زیر است:

آسیای بزرگ: ۳-۲-۳، آسیای کوچک: ۲/۲، نیش: ۱/۱، پیش: ۲/۲.

طبق تشریح این کتاب فرمول دندانی به صورت زیر خواهد بود:

آسیا: ۵-۴، نیش: ۱، رُباعیه: ۱، پیش: ۱

^۲. آسیاهای کوچک پائین معمولاً یک ریشه دارند.

^۳. آسیاهای کوچک بالا یک یا دو ریشه دارند.

نشان می‌دهد که دندان‌ها حس دارند و این حس بوسیله نیرویی در آنها ایجاد شده است که از سوی مغز به کمک آنها می‌آید تا گرم را از سرد تشخیص دهند.

فصل هفتم: ماهیچه های لب

همچنانکه ذکر کردیم، لب در برخی از ماهیچه ها با گونه اشتراک دارد. لیکن ماهیچه های ویژه خود لب چهارتاست. دوتا از این ماهیچه های ویژه لب از بالا و از طرف هر دو گونه به لب می‌رسند و به نزدیکی کنار لب می‌چسبند (بالا برنده لب بالا و عضله انیابی) و دو ماهیچه دیگر در قسمت پائین قرار دارند (عضله پائین برنده لب تحتانی و گوشه ای لب). وجود این چهار ماهیچه برای حرکات لب کافی است. اگر فقط یکی از آنها به تنهایی حرکت کند، لب را به سوی خود می‌کشد و هرگاه دو ماهیچه در دو طرف با هم به حرکت در آیند لب به هر دو جانب کشیده می‌شود و به این ترتیب لب می‌تواند به هر چهار طرف خود حرکت کند. بدیهی است که لب بجز این چهار سوی نیازی به حرکت ندارد و بنابراین چهار ماهیچه مذکور برای لب کافی هستند. انتهای ماهیچه هائی که لب و گونه در آنها مشترک هستند آنچنان با جسم لب درآمیخته اند که بوسیله حس نمیتوان آنها را ماهیچه های جدا از هم دانست، زیرا لب اندامی است نرم و کاملاً گوشتی و فاقد هر گونه استخوان.

فصل نهم از جمله دوم: ماهیچه های آرواره زیرین

علت اینکه حرکت به عهده آرواره زیرین است و آرواره بالایی در حرکت سهمی ندارد به چند وجه است:

۱. هر آنچه سبکتر است، برای جنبش شایسته می‌باشد (آرواره زیرین از آرواره زیرین سبکتر است)

۲. هر آنچه در داخل عاری از اندام های شریف است^۱ که در حرکت زیاد از گزند مصون نیستند، حرکت دادنش بهتر و مناسب تر است.
۳. بفرض آنکه آرواره فوقانی در حالتی بود که بتوان به آسانی آنرا به حرکت درآورد، در این صورت مفصل آن که با سر مشترک است تا این حد محکم و نیرومند نبود که مورد اعتماد باشد.^۲

و اما بعد، حرکات آرواره زیرین بیشتر از سه نوع حرکت نیست و آن سه حرکت عبارتند از: حرکت گشودن دهان و دهن دره، حرکت برهم نهادن و حرکت جویدن و خردکردن، حرکت گشودن عمل آرواره را تسهیل می کند و آن را پائین می آورد. حرکت برهم نهادن آنرا بلند می کند و حرکت خرد کننده آنرا می گرداند و در دو طرف حرکت می دهد. از آنجا که حرکت برهم نهادن باید بوسیله ماهیچه ای صورت پذیرد که از بالا به پائین آمده باشد و بطرف بالا انقباض پیدا کند، و از آنجا که حرکت دهن گشادن و دهن دره بایستی با ماهیچه ای باشد که از پائین به طرف بالا جمع شود و از آنجا که حرکت خرد کننده (جویدن) باید بوسیله ماهیچه مورب صورت گیرد، برای حرکت اول (برهم نهادن) دو ماهیچه وجود دارد که آنها را ماهیچه گیجگاهی و رو به عقب می نامند؛ این دو ماهیچه در انسان کوچک هستند زیرا اندامی را به حرکت در می آورند که دارای حجم کم می باشد و علاوه بر آن ماهیچه هایی سبک وزن هستند، زیرا حرکاتی که به وسیله آنها براندام وارد می آید سبک است. لیکن در تن سایر حیوانات، این دو ماهیچه بزرگتر از آرواره زیرین انسان است و حرکت دادن به وسیله این ماهیچه در اعمالی نظیر گاز گرفتن، دریدن، بریدن و خرد کردن از انسان تندتر و سخت تر است. دو ماهیچه گیجگاه نرم هستند، زیرا به منشاءشان که همانا مغز می باشد نزدیکند و مغز جسمی است در نهایت نرمی بین این

^۱. منظور از اندام های شریف اندامهای مهمی مانند چشم و بینی است.

^۲. نسخه انگلیسی: حرکات آرواره فوقانی سبب تضعیف پیوندش با استخوان کاسه می شود.

دو ماهیچه و مغز به جز یک استخوان، ماده واسط دیگری وجود ندارد.

چون بیم آن می‌رفت که اگر آسیب‌هایی وارد شود و درد و آزاری روی دهد، مغز نیز با دو ماهیچه مذکور در این آسیب سهیم گردد و در نتیجه صاحب مغز به بیماری سرسام و مشابه آن مبتلا گردد، آفریدگار توانا ماهیچه‌ها را در نزدیکی منشاء که همان مغز است در دو استخوان جفت پوشاند و آنها را در محل امنی مستتر کرد، به همان شکل که رأس نیزه در پوشش آهنین خود قرار گرفته است. این کمین گاه از دو استخوان زوج بوجود آمده است، این ماهیچه‌ها از شکافهای مغز که ماده پوششی نیز با آنهاست مسافت مناسبی را به طرف زوج همسایه می‌پیمایند تا بتوانند بتدریج و اندک اندک گوهر خود را سخت سازند و از رستگاه اول خودشان کم کم فاصله بگیرند. هر یک از این دو ماهیچه وتر بزرگی دارد که لبه آرواره زیرین را دربر گرفته است. وقتی وتر جمع می‌شود آرواره بلند می‌شود و دو ماهیچه دیگر که از داخل دهان هریک از مغز می‌گذرد و به سوی آرواره زیرین سرازیر می‌شود در بلند کردن آرواره به دو ماهیچه گیجگاهی کمک می‌کنند، چه این بار گران را پشتیبان و نیروی تقویتی لازم است. وتری که از این دو ماهیچه بوجود می‌آید از وسط آنها و نه از کناره‌های آنهاست تا بیشتر محکم باشند. ماهیچه‌هایی که عمل باز کردن دهان و پائین آوردن آرواره را انجام می‌دهند منشاء تارهای شان زوئندی سوزنی (زائده پستانی) است که در عقب گوش قرار دارند. از این رشته‌ها ماهیچه‌ای بوجود می‌آید که بعداً به وتری تبدیل می‌گردد تا بیشتر استحکام یابد و سپس مجدداً شاخه شاخه می‌شود و آگنه^۱ گوشت می‌گردد و باز ماهیچه می‌شود (ماهیچه دو بطنی)^۲. و این ماهیچه را ماهیچه مکرر

^۱. آگنه: آنچه که درون چیزی را با آن پر کنند.

^۲. نسخه انگلیسی: هر عضله نخست از عضله ای گوشتی (بطنی خلفی) شروع می‌شود و دنباله آن بتدریج جهت استحکام بیشتر، به وتر تبدیل می‌گردد و به دنبال وتر مجدداً اتساعی بوجود می‌آید و عضله گوشتی (بطنی قدامی) تشکیل می‌شود.

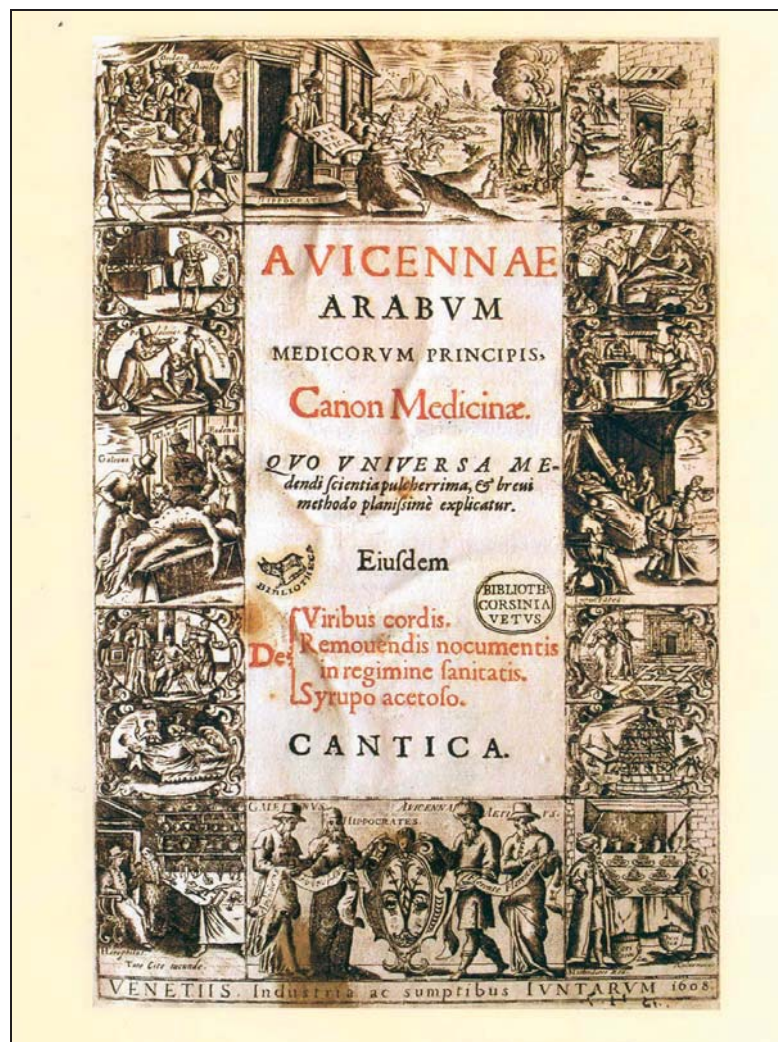
می‌نامند. این اعمال مکرر بدین منظور است که در ضمن گسترش از دسترس آسیب‌ها دور باشد، و سرانجام در محلی که جای پیچش آرواره به سوی زنج است به آرواره می‌پیوندند و وقتی منقبض می‌شود لپ صورت را به سوی عقب می‌کشاند و بدیهی است که از این کشیدن بلند می‌شود. از آنجا که سنگینی طبیعی در پائین آمدن مؤثر است، برای پائین آوردن، دو ماهیچه کافی بود و نیاز به کمک وجود نداشته است. ماهیچه‌هایی که حرکات جویدن را انجام می‌دهند از دو ماهیچه تشکیل می‌شوند که در هر طرف آرواره، یکی از آنها قرار دارد. این ماهیچه‌ها به شکل مثلث هستند. زاویه‌ای که رأس این مثلث است در گونه جا دارد و از دو ساق آن یکی به طرف آرواره زیرین سرازیر است و دیگری به طرف زوج بالا می‌رود. بین این دو ساق قاعده مستقیم مثلث بوجود می‌آید. هر یک از زوایای مثلث به جوانب خود نفوذ کرده است تا در حالت انقباض، جهات مختلف را در اختیار داشته باشد و حرکاتش یکنواخت نباشد و بتواند به طور منظم و متناسب به گرایش‌های لازم پردازد و عمل خرد کردن و جویدن را به خوبی انجام دهد.

فصل چهاردهم: ماهیچه‌های زبان

ماهیچه‌های گرداننده زبان به تعداد نه‌تا هستند.^۱

در بین آنها دو ماهیچه (استیلوگلووسوس) پهن هستند و از زائده‌های پیکانی می‌آیند و به هر دو کناره زبان می‌چسبند.

^۱ زبان دارای دو دسته عضلات است: الف: ماهیچه‌های داخلی شامل ماهیچه‌های عمودی، طولی فوقانی، طولی تحتانی، عرضی. ب: ماهیچه‌های خارجی شامل ماهیچه‌های چانه‌ای زبانی، لامی زبانی، نیزه‌ای زبانی



تصویر ۳۵: قانون ابن سینا، ترجمه لاتین

برگرفته از: گزیده تصاویر تاریخ پزشکی اسلام و ایران،

انتشارات فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۷، ص ۲۱۸

عصب که شامل شش فصل است

فصل اول- گفتار ویژه‌ای راجع به عصب^۱

عصب دارای دو فائده است: فائده ذاتی و فائده عَرَضی. فائده ذاتی آن در این است که مغز بوسیله اعصاب، حس و حرکت را به سایر اندام‌ها می‌رساند. فائده عَرَضی در آن است که اعصاب گوشت را متراکم می‌گردانند و تن را تقویت می‌کنند.

اگر اندام‌های بدون حس مانند جگر و طحال و شش را آسیبی رسد، بوسیله اعصاب (پوشش غشایی‌شان) از آن آگاه می‌شوند، چه هر چند این اندام‌ها فاقد حس می‌باشند، لیکن در اعصاب پیچیده‌اند و غشاءهایی آنها را پوشانده است که وقتی یکی از این اندام‌ها بر اثر باد کردن متورم شد و یا به علت گسترش باد انبساط یافت، سنگینی تورم و انتشار باد در اندام به اعصاب پیچیده بر آن اندام و به ریشه این اعصاب سرایت می‌کند. اعصاب بر اثر سنگینی (فشار) ورم انقباض حجم و بر اثر گسترش باد انبساط پیدا می‌کنند و به این ترتیب اندام‌ها را از روی آورده‌ها آگاه می‌سازند.^۲

^۱ اعصاب رشته‌های متشکل از تارهای عصبی هستند که درازی آنها حتی تا یک متر می‌رسد. این رشته‌ها هادی تحریک‌های عصبی بین مغز، مغز حرام و قسمت‌های مختلف بدن می‌باشند.

^۲ تامین حساسیت اعضای درون شکم به دو وسیله انجام می‌گیرد. یکی بوسیله رشته‌های اعصاب نباتی خودکار که از امعاء و احشاء و صفاق احشایی (Peritoneum Vicerale) بیرون می‌آیند و با آنها در ارتباط می‌باشند (موجب احساس دردهای ویسرال می‌گردند). دیگر، آنکه از دیواره شکم و همچنین صفاق جداری (Peritoneum Parietale) و پایه و محل ارتباط امعاء و احشاء در شکم، ریشه بند روده‌ای است که با سلسله اعصاب مرکزی در ارتباط می‌باشند (احساس دردهای احشایی را باعث می‌شوند). علت اصلی به وجود آمدن دردهای احشایی عبارتست از ایجاد آنی و زیاده از حد بالا رفتن فشار در اعضای توخالی، انبساط پوشش غشایی عضو و همچنین جمع شدن و انقباض‌های ماهیچه‌ای.

چنانکه معلوم و مشخص گردیده است، منشاء اعصاب مغز است و انتهای آنها به پوست می‌رسد. اعصابی که در اندام‌های مجاور پوست قرار دارند، تارهایی از خود منشعب می‌سازند که شاخه‌های زیر آنها هستند و با پوست آمیخته‌اند. مغز منشاء اعصاب است و این منشاء بودن یا مستقیم است و یا غیرمستقیم. در حالت غیرمستقیم واسطه‌ای وجود دارد که همان نخاع است. اعصابی که مستقیماً از مغز بیرون می‌آیند، اعصابی هستند که حس و حرکت را فقط به اندام‌های سر و صورت و احشاء درونی می‌رسانند. اندام‌های دیگر تن، حس و حرکت را از اعصابی دریافت می‌دارند که از نخاع منشاء می‌گیرند و در طول بدن پراکنده می‌شوند. جالینوس توضیح داده است که احشاء در حد زیادی مورد عنایت مغز واقع شده است و از روی اعصابی که از مغز به احشاء رسیده است می‌توان دریافت که مغز تا چه اندازه به رعایت احشاء اهمیت داده است. آفریدگار دانا و توانا که نامش گرامی باد، در حفظ و رعایت وضع احشاء احتیاط‌هایی را مرعی داشته است که نصیب سایر اندام‌ها نیست. این رعایت ویژه در مورد اعصاب رسیده به احشاء از آن است که وقتی یک عصب از منشاء دور می‌شود بایستی تاب و توان بیشتری نصیبش شود و برای آن منظور این عصب را بوسیله جسمی که از لحاظ سرشت حد واسط بین عصب و غضروف است پوشانیده است. هر جا که عصب برای رسیدن به احشاء به مسیر موری نیاز داشته است، جسم پوشاننده آن نیز شکل جسم عصب را به خود می‌گیرد. این راه موری و عبور از پیچ و خم اعصاب در سه موقع پیش می‌آید، به شرح زیر: اول در حنجره، دوم در موقعی که به سوی دهان راهی دارد، سوم هنگامی که سینه را پشت سر می‌گذارد.

سایر اعصاب بخشنده حس که از مغز بیرون می‌آیند به طور مستقیم و بدون کجروی به مقصد روی می‌آورند، چه راه راست، راهی را زودتر به مقصد می‌رساند. در این راست روی فائده دیگر نیز وجود دارد و آن اینکه اعصاب حسی اگر نرم‌تر

باشند و از همانندی سرشت منشاء خود یعنی مغز که نرم است دور نگردند بهتر می‌توانند حس را به اندام‌ها برسانند و اعصاب راست‌رو نرم می‌مانند و نیازی به سفت بودن ندارند.

لیکن اعصاب حرکتی که به سوی مقصد گسیل شده‌اند بایستی پیچ و خم‌هایی در مسیر خود ببینند. کجروی راه را دورتر می‌سازد و اعصاب به ناچار از منشاء دورتر می‌افتند و از این روی احتیاج به سفتی دارند و به این جهت همین که از منشاء دور می‌شوند به تدریج سخت و سفت می‌گردند.

هر یک از دو بخش اعصاب حسی و اعصاب حرکتی که بر یکی نرمی و بر دیگری سفتی مقرر است، تابع منشاء و خاستگاه خویشند. بخش اعظم اعصاب حسی از قسمت جلوی مغز منشاء گرفته‌اند و این قسمت مغز نرم‌تر است. بخش اعظم اعصاب حرکتی زاده قسمت عقبی مغز هستند و این قسمت مغز در سرشت خود سخت‌تر درست شده است.

زوج سوم^۱

منشاء زوج سوم از هفت زوج عصب مغزی، مرز مشترک بین دو بخش عقبی و جلویی مغز است. این زوج عصب در ابتدا به مقدار کم با زوج چهارم درمی‌آمیزد، بعد از او جدا می‌شود و چهار شاخه می‌شود: شاخه اول در محل ورود رگ سبات نفوذ می‌کند (رگ سبات را بعداً ذکر خواهیم کرد) و از گردن پایین می‌آید، از حجاب می‌گذرد و در احشاء منتشر می‌شود.

^۱ زوج سوم شامل عصب سه شاخه، قسمت حرکتی عصب صورتی و بخشی از عصب پنوموگاستریک است.

شاخه دوم از استخوان گیجگاهی سر بر می آورد و بعد از جدا شدن از گیجگاه با یکی از اعصاب دیگر که از زوج پنجم جدا شده است می پیوندد (زوج پنجم را نیز ذکر خواهیم کرد).

شاخه سوم از منفذی سر بر می آورد که محل بیرون آمدن زوج دوم نیز بود. راه این شاخه به سوی اندامهای جلویی صورت است و با زوج دوم که به طرف کاسه چشم می رود تا حدی همکار است. اگر این شاخه از محل بیرون آمدن زوج اول که توخالی است بیرون می آمد بسیار ناگوار بود، چه در این صورت برای مهمترین عصب ایجاد مزاحمت می شد و آن در زیر فشار قرار می گرفت و تجویف آن برهم می آمد و مسدود می گردید. این شاخه سوم بعد از جدا شدن سه انشعاب پیدا می کند: انشعاب اول به طرف نقطه خروج اشک از چشم می رود و از آنجا به ماهیچه های هر دو گیجگاه و هر دو عضله مضغی و ابرو و پیشانی و پلک می رسد. انشعاب دوم در سوراخی که در قسمت عقبی گوشه چشم قرار دارد فرو می رود و از آنجا به اندرون بینی روی می آورد و در طبقه آستر شده بینی پراکنده می شود. انشعاب سوم تا اندازه ای بزرگ است و از فضای تنبوشه مانندی (تجویف بریخی) که در استخوان گونه جای دارد سرازیر می گردد و آنگاه دو انشعاب فرعی می یابد. یکی از این انشعاب فرعی به اندرون دهان می آید و در دندانها توزیع می گردد. در این توزیع، انشعابت زیر دندانهای آسیا دیده می شود و انشعابات سایر دندانها از نظر پنهان است. انشعابات عرضی دیگر در بخش بیرونی اندامهایی مانند پوست گونه و کنار بینی و لب زیرین ریشه می دواند. این بود سه انشعاب از زوج سوم. شاخه چهارم از انشعابات زوج سوم از سوراخی که در آرواره فوقانی است عبور می کند و به زبان می رسد و در قشر سطحی زبان پراکنده می شود و حس چشایی را که ویژه زبان است به این اندام می بخشد و بخش زیادی آن در ریشه دندانهای پایین و در لثه

پایین و در لب پایین پراکنده می‌شود. بخشی از این شاخه عصب که ویژه زبان است از عصب چشم باریکتر می‌باشد، زیرا عصب زبان سخت و عصب چشم نرم است، عصب زبان باریک و عصب چشم ستر است. باریکی و سختی آن یکی با نرمی و ستبری این دیگری حالت تعادل به وجود آورده‌اند.

فن دوم- بیماری، علت و نشانه‌های آن

این بخش شامل سه تعلیم است

تعلیم اول- بیماری‌ها

و آن مشتمل بر هشت فصل است.

فصل اول- بیماری چیست؟ - علت‌ها و نشانه‌های آن کدامند؟^۱

گوییم: روند دانش طب بر این است که هر حالتی از حالات تن و پایداری و دگرگونی آن حتماً دارای علتی است. بیماری حالتی است غیرطبیعی که در تن آدمی جای می‌گیرد و بدون شک واکنش آسیبی است که از کنش اولیه غیرطبیعی سرچشمه می‌گیرد. این کنش غیرطبیعی یا از مزاجی غیرطبیعی است و یا از ترکیبی غیرطبیعی. عارضه نشانه بیماری نتیجه و تابع این حالت غیرطبیعی است. پس عَرَض (روی آورد)^۲ نیز چیزی است غیرطبیعی، خواه آن

^۱ بیماری (Disease) فرآیند ناخوش مشخصی است که دارای علائم معینی می‌باشد و ممکن است تمامی بدن یا جزئی از آن را فراگیرد. اتیولوژی، پاتولوژی و پیش آگهی آن ممکن است معلوم باشد یا نباشد.

بیماری (Sickness, illness) حالتی است که بدن یا اجزاء بدن از حالت سلامت طبیعی به وجهی مشخص خارج می‌شود (فرهنگ پزشکی دورلند).

^۲ عَرَض:

روی آورد مخالف حالت طبیعی باشد، مانند احساس درد از بیماری قولنج و خواه مناسب حالت طبیعی باشد مانند ظهور سرخی در گونه انسان در اشخاصی که به ذات‌الریه مبتلا شده‌اند.

اینک برای علت^۱، بیماری، خود بیماری و نشانه بیماری و عارضه آن مثال‌هایی می‌آوریم:

۱- عفونت: عاملی است که از آن بیماری تب روی می‌دهد و نشانه آن تشنگی و سردرد است.

۲- امتلاء آوندهای سرازیر به سوی چشم عاملی است که بیماری بند آمدن عنبیه را به وجود می‌آورد و عارضه آن از دست دادن نیروی دید است.

۳- نزله (سرماخوردگی شدید) که عامل بیماری قرحه ریه (زخم شش) می‌شود و روی آورد آن بیماری سرخ شدن گونه‌ها و انجذاب (برکشیده شدن) ناخن‌هاست.^۲

عرض را به اعتبار خودش که «روی‌آورد» است و یا به مقیاس از این نظر که بر یک بیمار روی‌آورده است «عرض» نام گذاشته‌اند. عرض را راهنما (دلیل) نیز نامیده‌اند، زیرا طبیب از مشاهده آن راه چگونگی بیماری را می‌یابد.^۱

الف- علامت ذهنی (Symptom) هر نوع نشان ذهنی بیماری یا حالت یک بیمار را گویند. یعنی هر نوع نشانی که توسط بیمار درک می‌شود و تغییر در حالت بیمار که روشنگر نوعی حالت جسمی یا روانی وی می‌باشد.

ب- علامت عینی (Sign) هر نوع نشان عینی بیماری را گویند.

^۱ علت (Cause) وقوع هر حالت یا موجب هر اثر را گویند.

^۲ نسخه انگلیسی: مثال برای علت (Cause)، فساد و عفونت (Putrefaction) است، برای بیماری، مثال تبی است که به دنبال عفونت می‌آید، مثال در مورد علامت (Symptom) تشنگی و سردرد همراه تب است. مثال دیگری برای علت، پرخونی عروق چشم است، مثال بیماری، بسته شدن مردمک یا تغییر شکل این عضو مرکب و مثال علامت، کوری حاصل از آن است.

مثال سوم در مورد علت، نزله گرم (زکام التهابی)، مثال برای بیماری، زخم شش‌ها و مثال در مورد علامت، سرخی گونه‌ها و خم شدن ناخن‌هاست.

فصل بیست و یکم - تسکین دهنده‌های درد

درد را به سه طریق می‌توان تسکین داد.

- ۱- با ریشه‌کن کردن عامل درد و خارج کردن این عامل از اندام، مانند موارد دردهایی که با ضما^۱د شبت^۲ (شوید) و بذر کتان معالجه می‌شوند. در این دردها ضما^۱د را بر موضع درد می‌گذارند، اندام دردمند بی‌درد می‌شود.
- ۲- بوسیله عامل رطوبت‌بخش و خواب‌آور مانند مواد سکرآور که بوسیله آن نیروی احساس‌کننده کم می‌شود و درد تسکین می‌یابد.
- ۳- بوسیله ماده‌ای که سردی می‌دهد و سرد می‌کند، مانند انواع مواد مخدر. لیکن تسکین‌دهنده^۳ راستین همان طریقه^۴ اول است.

فصل بیست و دوم - آثار درد

درد نیرو را می‌گدازد، اندام‌ها را از ادای وظیفه بازمی‌دارد، همچنین تنفس آن را از حالت طبیعی بازمی‌دارد و یا در کار تنفس اندام دردمند ایجاد اختلال می‌کند، یا اینکه کنش اندام را از نظام خود خارج می‌سازد و در آن خلل وارد می‌کند. درد به طور کلی اندام را از روال طبیعی خود منحرف می‌سازد و به راه غیرطبیعی می‌کشانند. اندام ابتدا بر اثر درد گرم می‌شود و بعد بر اثر گداختن و متواری شدن بخش‌هایی از روح و زندگی، به سردی می‌انجامد

^۱ نسخه انگلیسی: برخی اوقات علامت ذهنی را علامت عینی نیز می‌گویند. علامت هنگامی ذهنی است که عمل ذهنیت از آن برآید یا سوای حالت اساسی را شامل می‌شود. علامت موقعی عینی است که پزشک را در تشخیص بیماری راهنمایی کند.

فصل بیست و چهارم - درد ناشی از حرکت

وقتی حرکت موجب کشیدگی، کوفتگی و یا از هم پاشیدگی اندام می شود درد ایجاد می شود.

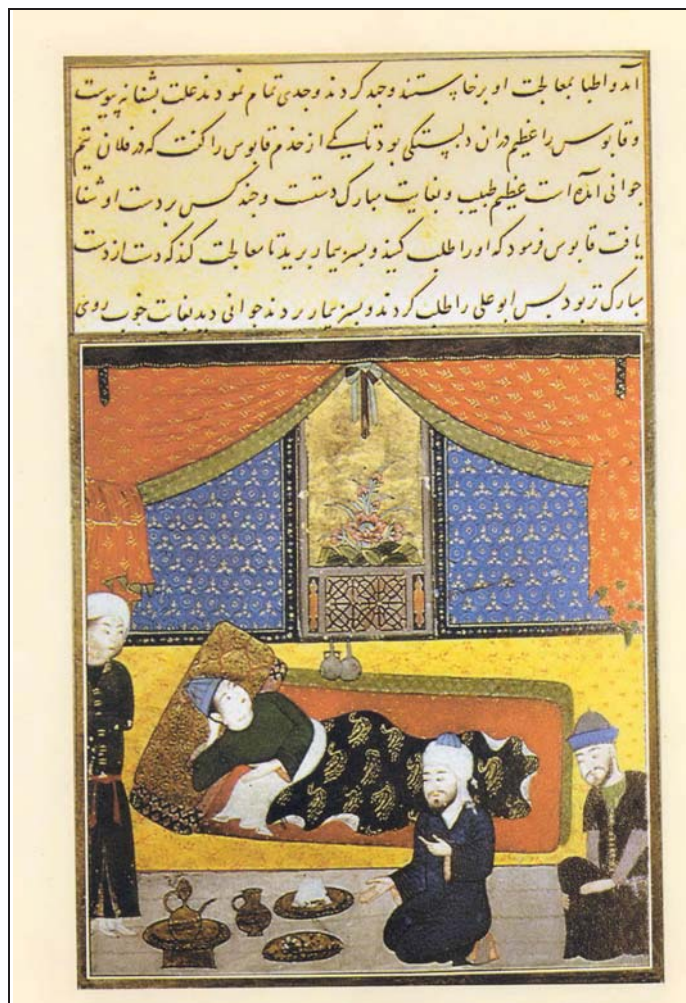
فصل بیست و پنجم - درد ناشی از اخلاط بد

درد ناشی از خلط های بد یا مربوط به چگونگی حالت خلط است مانند خلطی که در اندام سوزش به وجود می آورد و یا از انبوهی آن است مانند دردی که بر اثر کشیدگی در اندام حاصل می شود، و یا سرانجام ناشی از هر دوی آنهاست.

فصل بیست و ششم - بادهای دردزا

باد به اندام کشیدگی می بخشد و آن را به درد می آورد. حالت بادکردگی چند نوع است:

- ۱- باد در تجویف و شکمچه های اندام ها می پیچد، مانند باد کردن معده.
 - ۲- باد خود را به لایه ها و لیف های اندام ها می رساند، مانند قولنج بادی.
 - ۳- باد در لایه های ماهیچه و یا در زیر غشاء و روی استخوان می پیچد.
 - ۴- باد در گوشت و زیر پوست جای می گیرد.
 - ۵- باد در ماهیچه ای که آستر یکی از اندام هاست می خزد.
 - ۶- باد در لایه ماهیچه های سینه جای می گیرد.
- سرعت پراکندگی و انتشار و همچنین نرمی و تندی باد دردآور تابع زیادی و کمی ماده آن است و نیز با سفتی و کم تار و پودی اندامی که باد در آن به آسانی یا به دشواری نفوذ می کند بستگی دارد.



تصویر ۳۶: ابن سینا به هنگام معالجه بیمار، خواهرزاده‌ی قابوس ابن وشمگیر،

از کتاب چهار مقاله نظامی عروضی

برگرفته از: گزیده تصاویر تاریخ پزشکی اسلام و ایران، موزه استانبول-ترکیه (نجم آبادی ص ۵۳۵ ج ۲)

انتشارات فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۷، ص ۱۱۲

دهان و زبان^۱

دهان

دهان عضوی است که برای رسانیدن غذا به نواحی پایینی درون و رسانیدن هوا به قسمت بالایی بدن ضروری است. در بیرون انداخت ریختنی‌های جمع شده در دهانه معده که از پایین رفتن سرپیچی کنند مفید است. دهان آوندی فراگیر برای اعضای تکلم برای انسان و اعضای صوت برای هر حیوانی است که به وسیله هوا صدا درمی‌دهند.

جوش دهان

جوش دهان اکثراً از حرارت اطراف معده و سر و بخارها ناشی می‌شود، گاهی در تب هم پدید آید. گویند اگر در تب شدید جوشهای سیاه بر زبان بود بیمار در روز دوم می‌میرد.

داروهای ساده درابتدای جوش دهان، که نیاز به سرد گردانیدن و خشکانیدن باشد عبارتند از: آمله، مازوج، بزرگل، نشاسته، ثمر درخت گز، شیاف خشخاس مقرن، گلنار، کتیرا، هر دو نوع صندل، گل، تباشیر، سماق، عدس، گل ارمنی، چشم انار، جفت بلوط، «قلیمیا» (قیمولیا = گل اندلسی) جوش کوره، تانبول، افشره‌های سرد، از قبیل افشره کاهو، تاج‌ریزی، هفت‌بند، خرفه، شاخه تاک، کافور و نبات برای جوش دهان کودکان مفید است.

^۱ اقتباس و تلخیص از قانون در پزشکی ابن سینا، جلد سوم، ترجمه فارسی شرفکندی (هزار)، انتشارات سروش، چاپ سوم، تهران ۱۳۸۵.

اگر جوش گرم است در مرحله بعد از اول نیاز به: مامیران و به ویژه دارشیشعان (قندول)، پوست جوزبوا، مشک زمین، زعفران، ثمر سرو، گاوزبان، عاقرقرحا، میخک، پونه، سگ، و از داروهای پلید: مدفوع سگ. اگر جوش چرک داشت زرنیخ، برای جوش غلیظ آب‌پز قندول یک اوقیه، عروق (زردچوبه) نیم اوقیه، مامیران یک‌چهارم اوقیه، الوا دو درهم، زعفران یک مثقال.

آبی که میخک و جوزبوا و قندول به طور مساوی در آن پخته باشند یا وزن قریب به یکدیگر داشته باشند.

هرگاه جوشها ریم کردند، لعابها، بزر کتان، بزر مُر، بزر ریحان، بزر خطمی که با آرد جو باشد، شیر الاغ تنها یا با چیزی از این بزرها، آب‌پز بزر کتان با انجیر و روغن و آرد گندم و نعناع و شنبلیله.

بعضی از پژوهشگران طب گویند: برای جوش دهان روغن ولرم گورگیا در دهان نگه‌داشتن بهترین علاج است.

زخم و قرحه‌های بدخیم

زخم دهان در پوست دهان و زبان پدید آید و منتشر می‌شود. اکثراً کودکان را مبتلا می‌سازد که سبب شیر تباه یا خوب هضم نشدن شیر در معده است.

از هر خلطی باشد از رنگش می‌توان شناخت. سفید: بلغمی است و اکثراً از بلغم شورمه است، زرد صفراوی و التهابش شدیدتر از سایر جوشهاست. سرخ تمام عیار و خالص خونی است و بدتر از همه جوش سودایی است.

بعضی انواع آن بسیار خورنده و قسمتی آرام‌ترند. گاهی ورم همراه زخم است و گاهی بدون ورم است.

هر قرحه‌ای در دهان باشد به سرعت انتشار می‌یابد زیرا حرارت از آن دست‌بردار نیست و پوست دهان نرم و رطوبی است. جالینوس فرماید: زخم دهان را تا در رویه است و آشکار است زخم «قلاع» گویند، اگر گندید و به عمق سرایت کرد، قرحه پدید می‌نامند که نیاز به داروهای داغ‌گذار دارد. زخم دهان در مواسم بارانهای زیاد و در تب‌های وبایی زیاد رخ می‌دهد.

علاج

باید اول خلط سبب زخم را از کلیه بدن تخلیه کرد، اگر بر بدن چیره شده باشد؛ بعداً خلط رکهای زیر چانه و به ویژه «چهارک»^۱ را پاکسازی کرد، که زدن این رگ در همه زخمهای گرم ماده مفید است، بعداً داروهای جوش ذکر شده استعمال شود، که به تناسب زخم بسیار رطوبی و چرک و ریم‌دار را با داروی قوی و میانه را با میانه و ناتوان را با داروی کم‌توان معالجه باید کرد. اگر قرحه به استخوان نزدیک شد داروی بسیار قوی مانند: فلفل‌مویه با اندازه زیاد از صمغ قرط می‌خواهد. هیچ روغنی حتی روغن زیتون هم نماند. داروهای جوشهای سرد و گرم _ که در باب اول ذکر شده است _ برای قرحه دهان هم خوبند. اگر سرخ رنگ خونی است، باید در ابتدا داروی کمی گیرنده و سردکننده و بعداً تحلیل‌برنده به کار برد. اگر سرخ مایل به زردی یا زرد مایل به سرخی است، باید داروی سردکننده بیشتر باشد.

^۱ چهار رگ که در هر یک از دو لب زوجی از آنهاست.

در سایر حالات اولاً داروهای خشکاننده و صاف‌کننده به اعتدال، و بعداً خشکاننده و تحلیل‌برنده قوی لازم است. در معالجات باید عمر بیمار را در نظر داشت.

برای کودکان باید دارو کم‌توان‌تر باشد و شیر مکیدنی را اصلاح کرد، که برای بزرگتران باید دارو قوی‌تر باشد. شاید کودکان از نوع غذا شفا یابند. اگر کودک غذا نمی‌خورد باید شیرده کودک بخورد.

برای زخم گرم دهان، داروهایی مانند، برگ تمشک، عدس با سرکه، هر نوع مخ اگر با میوه به مخلوط باشد، و به ویژه مخ بز نر کوهی و مخ گوساله، سیب و گلابی گیرنده، زالزالک، به، عناب، شاخه تاک، پنیرک کاشتنی خشک شده، آرد عدس، آرد برنج و از اینها قوی‌تر: گردهای پاشیدنی، مازوج، تباشیر، گل، صمغ قرط، و غیره مفیده است. مامیران با داروهای گیرنده خاصیت عجیب دارد، کافور هم بسیار خوب است.

اگر زخمها سردند و به ویژه اگر بلغمی باشند، داروهای زداینده و اگر سودایی باشند تحلیل‌برنده‌های قوی و خشکاننده مانند آرد گاودانه، عسل با مازوج، زهره لاک‌پشت داروی بسیار خوبی است و به ویژه برای کودکان که با زاج و سرکه مخلوط باشند.

اگر زخم و قرحه خورنده و بدخیم باشند، حتماً باید زنگار و زاج زرد، مازوج در شراب سیکی یا مازوج و شب و گلنار به اندازه مساوی باشند.

قرص «موشاس» (موسارین) یا سرمه «طرخماطیقون» با افشره گیرنده مانند آب غوره هم خوب است.

دارویی که شب و مازوج ساییده در آن باشد و گرد آن را آهسته به دهان بمالند، مفید است.

مازوج برای هر نوع از زخم پلید مفید است و به ویژه اگر با سرکه و نمک بپزد، که کودک در دهان گرداند.

خاکستر خامالاون (هفت برگ) در زخمهای بدخیم خوب است و ضمن داروهای زخم دهان است، بستان افروز با آب معدنی مسی و دُردی سوخته هم از این قبیل است.

زخم دهان سودایی سیاه، مویز تهی شده از هسته و رازیانه شامی در غسل بسرشد و در دهان گذارند. اگر با زخم ورم باشد، این مرهم خوب است: آب ریحان کوهی یک سکرجه، روغن گل نیم سکرجه، عدس نیم سکرجه، زعفران دو مثقال مرهم می شود.

آب دهن و لعاب که در خواب سیلان می کند

سبب حرارت و رطوبت و به ویژه در معده است. یا سبب تنها حرارت چنان که برای روزه دار اتفاق افتد، یا از غذای کم، یا کسی که غذا گیر نمی آورد، آب دهن همیشه پیداست و تا غذا نخورد فروکش نمی کند، گاهی از بلغم یا از سرماست.

علاج

اگر از گرما است، باید نخست از شاهرگ دست خون گرفت، سپس مرباهای ترش مزه و میوه های سرد و گیرنده و نیبذ تازه ساخته را با آب زیاد مخلوط بخورند. غذا: ماهی و گوشت سبک از قبیل گوشت بزغاله و پرندگان باشد. آب پزهای گیرنده از قبیل آب پز عدس و سماق و غیره را در دهن گرداند. اگر از سردی و بلغم است، هر هفته دو بار یا سه بار چنان که می دانی بیمار را وادار به قی کردن کن.

هر هفته یک بار این دارو را تناول نماید:

نسخه: ایارج فیکرا (معجون مسهل تلخ) دو درهم، نمک هندی دو دانگ، رازیانه شامی، نانخواه هر یک یک دانگ با اسکنجبین عسلی یا اسکنجبین بزوری بخورد و بعداً تریاق و گوارشیهای گرم استعمال کند. غذایش جوجه با ادویه پخته، سیر، خردل، و شام: کعک و آبکامه معمولی و بعد از آن آب گرم بنوشد و قبل از خواب مسواک کند.

اگر هر روزه یک درهم نمک کوبیده با کاسنی سبز بخورد، سپس «اטרینفل صغیر» استعمال کند و زیاد مسواک کند مفید است. موش برشته را هم تجربه کرده‌اند خوب است و به ویژه برای کودکان.

علاج بوی بد دهان که از خوراک باشد

جویدن برگ فیجن، برگ تمشک، و مضمضه کردن به سرکه پیاز دشتی، خوب است. مشک زمین و زنجبیل بیابانی را در دهان نگه دارند.

خونریزی دهان

اگر از گوهر دهان و پوست دهان باشد، علاجش داروهای گیرنده است که در باب جوشهای دهان و غیره ذکر شد. آب‌پز شاخه‌های تاک و جوانه‌های نازک تاک بسیار مفید است؛ اگر خون از دیگر جای بود آن را در باب ویژه‌ای ذکر خواهیم کرد.

گند دهان

یا از عفونت لثه یا سست شدن لثه یا عفونت بیخ دندان است که آسیب به دندان رسانیده.

یا این که از سوء مزاج پوست دهان است و بدون رطوبت است اکثراً چنین سوء مزاج گرم است.
یا سبب از دهانه معده است که خلطی گندیده در دهانه معده قرار دارد، که آن خلط صفراوی یا بلغمی است.
یا از اطراف ریه می باشد چنان که در مسلولین دیده می شود.

علاج

اگر از لثه و گوشت وسط دندان هاست باید در پاکسازی دندان ها کوشش کرد، با سرکه و آب بشویند، اگر بهره نداد و عفونت زیاد بود بعد از شستن با آب و سرکه، ثمر گز و عاقرقرا و فیجن و ساذج (درخت هندی) و عود و مصطکی و پوست برنج و میخک بجاوند. الوا و مُر و امثال آن را بر لثه گذارند، سرکه پیاز دشتی مضمضه کنند. رازیانه شامی و شراب غلیظ یا نیبذ شیرین بر لثه مالند، اگر علاج نشد مویزک را بخایند و تف بیرون اندازند. اگر باز فایده نداد و گند دهن آشکارتر بود:

نسخه: سوخته زاج یک جزء، بیخ سوسن و زعفران هر یک نیم جزء، با عسل عجین شود و قرص گردد و استعمال شود و سپس با سرکه خالص یا مخلوط با گلاب مضمضه کنند.
داروی قوی تر از اینها: سوخته کاغذ سه درهم، زرنیخ دو درهم و نیم، سُک، سماق.

نسخه: زنجفیل، فلفل سوخته، قرصهای «فلدفیون» از هر یک دو درهم که بر دندان و لثه مالند و بچسبانند و پارچه کتان بر آن نهند. شخار (قلی) به تنهایی بر گوشت گندیده دهان نهند. آن را برمی کند و می اندازد و گوشت تازه می رویاند.

نسخه: صمغ خرنوب مصری، زرنیخ سرخ، زرنیخ زرد، آهک، شب با سرکه قرص سازند و در عسلاب یا آب پز ثمر سرو کوهی می‌سایند و بر لثه و دندان مالند.

اگر عفونت در خود دندان باشد و در طرف قرار گرفته وسیله سوهان حک کنند.

اگر عفونت بیخ دندان را فرا گرفته باید کشیده شود.

اگر سستی در گوشت لثه است و سبب عفونت شده، با داروی بندآور که در باب سستی لثه خواهیم گفت معالجه شود.

اگر خلط صفراوی و در معده یا در پوست دهان عفونت یافته بهترین دارو: زردآلوی تازه نخشکیده است که ناشتا تناول کنند، خربزه و خیار و شفتالو هم ناشتا بخورند خوب است.

اگر زردآلو یا خوخ تازه گیر نیامد، خیسیده خشک آنها را و به ویژه زردآلو خشکه را ناشتا بخورند. قاوت و شکر و برفآب مفید است، «حبوب الوا» - که در اقربادین آمده است - خوب است.

باید غذا خوراکیهای سردی بخش باشد که صفرا تولید نکند.

اگر خلط بلغمی است: اولاً قی، آنگاه استعمال ایارجها (معجونهای مسهل) که تخلیه دهانه معده کنند - که در باب معده ذکر شده - و «اطریفیل کوچک» (معجون هلیله‌ای)، زنجفیل پرورده شده، ماهیابه، غذا سرخ شده‌ها در تابه باشد، کم آب بنوشد، از میوه و سبزی تازه پرهیز کند، مسواک دهان از درخت تلخ قطع‌کننده مانند اراک و زیتون باشد.

اگر هر روز صبح برگ آس و مویز از دانه تهی شده را به اندازه یک گردو؛ یا به اندازه ثمر سرو و ثمر سرو کوهی و مویز تناول کند خوب است. ثمر صنوبر، حب تانبول هم خوب است.

نسخه‌اش این است: تانبول، میخک، خولنجان، هر یک نیم درهم، مشک، کافور، هر یک یک دانگ، عاقرق‌رحا یک درهم، الوا سه درهم، خردل یک درهم با شراب سیاه غلیظ.

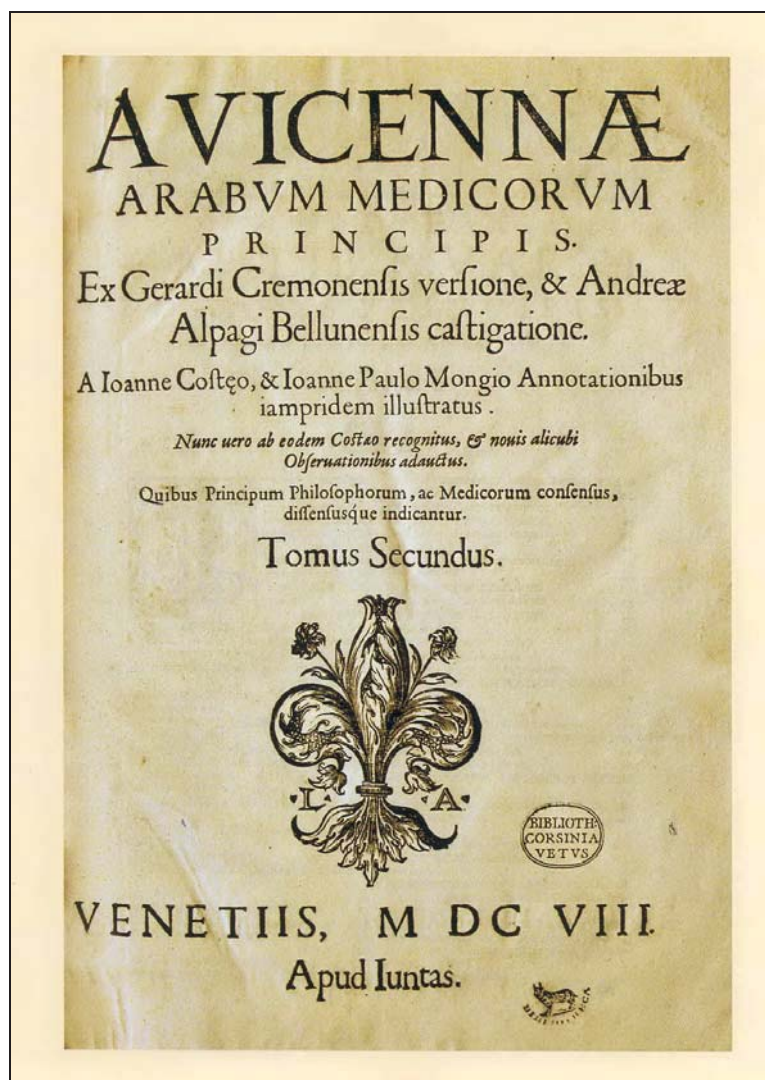
داروهای مفردة تجربه شده عبارتند از: کندر، عود هندی، قرفه، پوست ترنج، گل، کافور، صندل، میخک، کبابه، مصطکی، چارگون، جوزبوا، بیخ گورگیا، ارمال، اشنه، ناخن پریان، هل بویا، پلنگ مشک، برگ ترنج، سنبل، نارمشک، زنجفیل و بقیه داروهای مفرده که در لوحها بود.

آنچه باید داروها را با آن معجون کرد، شراب سیکی، شراب سوسن، افشرة ترنج است.

گشاد ماندن دهان

دهان باز ماندن، یا از نیاز مبرم به تنفس زیاد است، یا از التهاب شدید، یا از تنگ نفسی و خفگی، یا ناتوانی ماهیچه دهان که در وقت خواب وظیفه خود را انجام نمی‌دهد، که در بیماریهای سخت روی می‌دهد.

راجع به رنگهای زبان، در بحث از بیماریهای سخت سخن خواهیم گفت.



تصویر ۳۷: صفحه اول و مقدمه چاپ آلاگو از ترجمه لاتین قانون ابن سینا

برگرفته از: گزیده تصاویر تاریخ پزشکی اسلام و ایران،

انتشارات فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۷، ص ۲۲۴

زبان

زبان عضوی از اعضای دهان است، که وظیفه‌اش گرداندن کلوچیده‌ها و مکیده‌ها، برش دادن به صدا و ساختن حروف و تشخیص مزه‌هاست. پوست پایینی زبان نصفش به مری و داخل معده و نصف دیگر به سقف کام در برابر درز سهمی سر پیوسته است، و هر دو قسمت با زردپها به هم متصل و مشترک هستند. و تو قبلاً ماهیچه‌های حرکت‌دهنده و بازدارنده زبان را شناختی!

بهترین زبان که سخن را خوب ادا کند زبانی است که در درازا و پهنا میانه و معتدل و سر زبان باریک‌تر از پهنا باشد، اگر زبان بسیار کلفت و پهن یا بسیار کوچک و ترنجیده مانند باشد، صاحبش از سخن گفتن عاجز است.

گوهر زبان گوشتی است سفید و سُست، رگهای کوچک در هم تنیده سرخ رنگ خونی آن را در خود گرفته است و از این رو رنگ زبان سرخ می‌نماید. این رگها شامل شریانها و عصبهای بسیار و شاخه شاخه شده از چهار عصب برجسته است که در تشریح اعصاب شرح دادیم. به حدی رگ و عصب در زبان هست که در عضوی هم اندازه او وجود ندارد. در زیر زبان دو دهانه هستند که می‌توان میل (سوند) در آنها فرو برد، این دو دهانه به سرچشمه لعاب و به گوشت غددی ریشه زبان که آن را تولیدکننده لعاب نامند پیوسته‌اند. این دو سرچشمه را لعاب‌ریز گویند که تری زبان و پرده نازک بالای زبان را نگه دارند که با غشاء کلیه دهن متصل و تا مری و معده می‌رسند. دو رگ بزرگ سبز رنگ در زیر زبان است که رگهای بسیار از آنها توزیع می‌شود، این دو رگ را صُرْدان، یا صردین، یعنی دو صُرْد گویند.

بیماریهای زبان

بیماریهای زبان عبارتند از: آسیبهایی که حرکت زبان را مختل سازند، یا از کار می‌اندازند، یا ناتوان می‌کنند، یا تغییر رنگ می‌دهند، یا یکی از دو حس آن را از بین می‌برند، مثل این که زبان حس بساوایی یا چشایی را از دست می‌دهد. آسیب بر ناتوان‌ترین حس از این دو حسن چیره شده است.

یا بیماری از سوء مزاج یا از بزار که بزرگی یا کوچکی یا بدریخت شدن است. یا حالت طبیعی را از دست می‌دهد، پهن می‌شود، جمع نمی‌شود. بیماری زبان شاید از آسیبی ساده و تنها، یا مرکب (ترکیبی) باشد، مانند ورم. شاید بیماری ویژه زبان باشد و شاید مغز در آن سهمی داشته باشد، که در این حال اکثراً گونه و لب نیز از آسیب بهره می‌برند و اگر آسیب در خود عصب ویژه زبان باشد ممکن است سایر حواس را دربر گیرد. گاهی در درد زبان، معده نیز سهیم است.

از رنگ زبان که سفید یا زرد یا سرخ یا سیاه بنماید، می‌توان نوع سوء مزاج را تشخیص داد. همچنین می‌توان بیماری را از حس بساوایی زبان، مزه چیره بر زبان که مثلاً احساس ترش مزگی، شیرینی، بی‌مزگی، تلخی، بدمزگی - که از عفونت است - یا گس‌مزگی و گیرندگی، تشخیص داد. تشخیص از رنگ و مزه گاهی رهنمون تشخیص بیماری اندام‌های غیرزبان است. مثلاً سرخی و به خصوص سرخی و زبری زبان دلیل ورم‌های خونی در اطراف سر و معده و کبد می‌شود. سپیدی زبان شاید نشانی از سردی دهانه معده، کبد، خلط بلغمی در سر و گاهی دلیل یرقان است. حتی اگر رنگ بدن تغییر نیافته باشد.

مزه دهان خلط چیره بر همه بدن یا بر معده و سر را نشان می‌دهد، و از رطوبت و خشکی آن می‌توان پی به بیماری برد، چنین خشکی دو حالت دارد. یا

سطح زبان صاف است و خشک، که این خشکی راستین است یا خلطی چسبناک که حرارت آن را خشکانیده بر زبان در جریان است، که این را نتوان خشکی در گوهر زبان دانست، بلکه رطوبتی چسبنده بر زبان جمع آمده که سبب نزله یا بخار متراکم و غلیظ است. در اینجا بسیاری از اطباء به اشتباه می‌افتند؛ همین که دیدند دهان خشک است بدون این که بدانند این خشکی از کدامین حالت نام برده است حکم می‌کنند.

خشکی سبب زبری، و رطوبت سبب صافی زبان می‌شود؛ و در حال حرکت دادن زبان در وقت گفتگو، از پژمردگی، سبکی، کلفتی - به حدی که همیشه گزیده می‌شود - می‌توانی چگونگی حالت زبان را درک کنی! زبان اگر سنگین است (گران حرکت است) دلیل پر شدن از خون یا رطوبت است و می‌توان از ورم و جوشهای زبان پی به نوعی بیماری برد. می‌توانی از این دلایل بیشتر استفاده کنی که دستورات و شرح کلی را یاد گرفته‌ای و شرح جزئیاتش را در آینده یاد می‌گیری!

زبان شاید خود به خود به درد آید و شاید با مشارکت مغز یا معده آسیب بیند. از آنجا که عصبهای زبان با بسیاری از عصبهای دیگر پیوسته‌اند، دو حالت هست: یا اعصابی که به سوی زبان آیند زیان ندیده و حرکت زبان را زیانی نمی‌رسانند که سخن به روانی ادا می‌شود.

یا در راهی که می‌پیمایند به سستی مبتلا و به سهولت به زبان نمی‌رسند که لکنت زبان و غیره را سبب می‌شود. ممکن است لکنت زبان از آن باشد که عصب زبان نیرو از عصبی دیگر دریافت می‌کند و آن عصب در راه رسیدن به زبان گیر می‌کند.

معالجات

اگر آسیب رسیدن به زبان از سهیم بودن سر یا معده باشد، علاجش را یاد گرفته‌ای! گاهی معالجه ویژه را وسیله نوشیدنیهای اسهالی - که از قی آور بهتر است - تجویز می‌کنی! یا داروهای تعدیل مزاج یا تحلیل برنده، قطع‌کننده و نرمی بخش که اثرش به زبان سرایت کند و نیرو بخش زبان باشد استعمال کن! هر داروی تناولی برای علاج زبان، بهتر است بعد از غذا باشد. گاهی در دهان گردیدنیها و غرغره‌ها و به دندان سودنیها و روغنهای دهان و قرصهای میان دهان نگه داشتن که از داروهای تقویت‌کننده نامبرده هستند، در این باره مفید می‌باشند. بهتر است که داروها را در پهنای دهان جا داد. نباید داروی دهان و زبان از نوعی باشند که از سیلان مایع آنها گلو و ریه آسیب بینند.

چشایی از دست دادن

سه حالت دارد:

یا از بیماری مشارکتی است، یا بیماری ویژه از سوء مزاج است، یا آسیب دیدگی ابزار به تنهایی یا با مشارکت است که دلیل‌ها را ذکر کرده‌ایم.

علاج

اگر بیماری مشارکتی بود، تو خودت حال مغز و معده را در باب مغز و معده شناخته‌ای و می‌توانی معالجه کنی. اگر بدون مشارکت است، تنها زبان را مداوا کن. اگر سبب پری از خلط بد است، باید تخلیه به عمل آید که برای چنین تخلیه‌ای معجون فیکرا، حب از صمغ صنوبر، یا قرص ساخته از «محموده» پیه حنظل، نمک نفتی. و اگر خلط غلیظ باشد، معجونهای بزرگ و غرغره‌هایی را که

در باب سستی زبان خواهد آمد به کار ببر! بیمار را غذاهای تندمزه از قبیل پیاز، خردل، سیر و سرکه بخوران!

سستی _ فروهستگی زبان

سستی زبان از جمله سستی‌های اعضاء است که سابقاً ذکر شد و سببش از رطوبت خونی آبکی است، یا سبب در مغز یا در عصب حرکت‌دهنده زبان یا از شاخه عصبهای پیوسته با عصب زبان است.

اگر بیماری زبان از مشارکت مغز است، خودت می‌دانی که معالجه هر عضوی که حس و حرکتش به شراکت مغز باشد چگونه است!

اگر زبان سرخ و حرارتی باشد، دلیل خونی بودن ماده است، اگر سیلان لعاب آبکی زیاد است، دلیل وجود ماده رقیق آبی است و از تحلیل برنده‌ها کمتر بهره می‌برد و از داروهای گیرنده فایده بیند.

سستی زبان گاهی انسان را از سخن گفتن منع می‌کند یا زبان به زحمت کلمات را ادا می‌کند یا به لکنت و تته پته می‌افتد.

گاهی بچه تا زمانی دراز حرف نمی‌زند. کسی که در حرف زدن زبان‌ش گره کند، هرگاه مبتلا به بیماری گرم شد، رطوبت زبان - که سبب گرفتگی شده - می‌گدازد و زبان به حال طبیعی درمی‌آید؛ زیرا رطوبت مذکور در بیخ عصب زبان بند آمده است. کودک هم از این رطوبت است که کلمات را صحیح ادا نمی‌کند و «الثغ»^۱ می‌شود. هرگاه بزرگ شد و رطوبت جسم کاملاً طبیعی شد، زبان سلامت و فصیح می‌شود.

^۱ کسی که حروف را درست تلفظ نمی‌کند؛ مثلاً «ر» را «غ» و «س» را «ث» گوید.

علاج

بدن را باید وسیله معجونهای کوچک و سپس معجونهای بزرگ پاکسازی کرد؛
آنگاه مداوای ویژه سر را استعمال کن.

اگر بیم آنرفت که همراه رطوبت چیرگی خون هست، رگ زبان را بزن و
حجامت بر زنج بگذار. سپس غرغره‌ها و گردهای ساییدنی بر زبان استعمال کن.
بعد از پاکسازی زبانش را بسیار حرکت دهد که این علاجهای خون‌گیر و دارویی
را در بیماریهای سر یاد گرفته‌ای.

اگر بیماری زبان موضعی است، داروهای تحلیل برنده و قطع‌کننده بر زبان
بمالد و زبانش را با آنها ماساژ دهد و با آب آنها غرغره کند و در دهان گرداند. و این
داروها از قبیل: مرزه، آویشم، خردل، عاقرقرا، پوست ریشه کبر، یا خردل و
کندس که اینها را با آب کامه یا با سرکه پیاز دشتی مخلوط می‌کنی. یا زبان را با
نشادر با آب لور یا آب دوغ چکیده آنقدر بمالند تا لعاب زیاد از آن سیلان کند.
سکنجبین پیاز دشتی اگر در دهن گردانند و غرغره کنند نافع است. سوسن زرد هم
بسیار خوب است، که برای سستی و سنگینی زبان مفید است.

اگر سستی زبان چنان بود که مانع سخن گفتن باشد، شیره گیاه شیر سگ و
کندس بر زبان و بیخ زبان مالند و ادامه دهند.

باید از این داروها بر گردن نیز گذاشت، و از این داروها و امثال آن حبوبی
هست که با چیزهای عجین شده‌اند که نمی‌گذارند به زودی بگدازند؛ آنها را
استعمال کن. از قبیل: لادن، عنبر، که قرص شده‌اند.

از قرصهایی که زیر زبان گذارند: سقز درخت بنه دو درهم، صمغ انگدان یک
درهم، قرص به اندازه نخود از آن را زیر زبان نهند.

غرغره‌ها: نشادر و فلفل و عاقرقرا و خردل و بورک و زنجفیل و مویزج و مرزه و سیاه‌دانه و مرزنگوش خشک و نمک نفتی کوبیده و بیخته در آب گرم ریزند و چند روزی غرغره کنند.

هندیها گوارشی را برای زبان نام می‌برند که نسخه‌اش این است: زیره سیاه، زیره کرمانی، پوست قرفه، نمک هندی از هر یک نیم مثقال، دار فلفل (فلفل دراز) صد عدد، فلفل دویست عدد، شکر سه استار (استار شش درهم و نیم است که می‌شود نوزده درهم و نیم) به حالت گرد شود و از آن بر زبان ریزند.

اگر تحلیل برنده بهره ندارد و دیدی که رطوبت رقیق و در جریان است، تحلیل برنده‌های گیرنده استعمال کن. مانند: فندول مخلوط با گل محمدی، شکوفه گورگیا، تابشیر.

ترش مزه‌های گیرنده بر زبان مالیدن مفید است که از تحلیل شدن، آب دهن را ریزش دهند. مانند آب دوغ چکیده، غوره، میوه‌های نارسیده.

اگر از حرف زدن دیر کرد، باید زبانش را بر دوام حرکت دارد و ماساژ کرد و آب دهن از آن جاری کرد. و به ویژه اگر زبان بچه را با عسل و نمک دارانی ماساژ دهند خوب است. و هر چه راجع به علاج رطوبت زبان گفته شد در این باره مفید است. باید بچه را به حرف زدن واداشت که زبان به حرکت درمی‌آید و آزاد می‌شود.

تشنج زبان (که چند حالت دارد)

۱- رطوبت لزج ماهیچه زبان از پهنا تمدد یابد. ۲- ماده سودایی گیرنده. ۳- بیماریهای حاد که از راه خشکندگی تشنج و بدریختی زبان را سبب می‌شوند و امکان دارد که به حرف زدن زیان برساند.

علاج

علاج تشنج زبان از علاج کلی تشنج - که در فن اول این کتاب آمده - چندان دور نیست. اگر ویژگی زبان را در نظر بگیریم، معالجه چنین است: کماذشتن بر بیخ گلو از خارج که: بابونه، شاه افسر، یونجه، مرزنگوش، شبیت تنها یا جمعاً در آن به کار رود. غرغره با روغن این داروها، سوپ آنها را به حالت نیم گرم مدتی در دهن نگه داشتن، آفر وشه با روغنهای گرم و شیرینیهای تحلیل برنده، بزر شنبلیله و امثال آن. اگر تشنج زبان در اثنای تب رخ داد، روغنهای مانند: بنفشه، کدو، بید. به حالت ولرم بر زبان مالند، و باید آب و افشره‌های ولرم بر جای تشنج پاشید.

کلفتی زبان

از خون چیره، از رطوبت زیاد بلغمی سست کننده برانگیزنده، زبان کلفت می شود. گاهی چندان کلفت شود که در دهن نمی گنجد و از دهن بیرون می آید، که در باب اورام چسبندگی بحثش آمده.

علاج

اگر از ماده خونی و گرم است، باید وسیله داروهای ترش قطع کننده و گیرنده مانند ریواس و ترنج مداوا شود. اگر از رطوبتها است، بعد از پاکسازی لازم زبان را نشادر و نمک با آب دوغ چکیده و سرکه یا زنجفیل و فلفل و دارفلفل و نمک سنگ بلوری نرم کوبیده شوند و بر زبان مالند، به حجم طبیعی بازگردد و بیرون آمده به داخل می رود. اگر بچه به سستی زبان مبتلا شد تنها کافی است که پرهیز دهند و غذایش گنجشک و جوجه‌های تازه پر درآورده باشد.

شخصی در حجامت گرفتن نشتر به لیف عصب کنار غشاء زبان خورد، زبان به بیماری سست حرکتی مبتلا شد.

کوتاهی زبان

زردپی زیر زبان به سر و اطراف زبان می پیوندد و نمی گذارد زبان پهن شود و گاهی از تشنج رخ دهد.

علاج

راجع به تشنج گفتیم. اگر از زردپی است باید کمی از آن را از طرف نزدیک زبان قطع کرد و فوراً با زاج ساییده خونریزی را متوقف کنند و تا اندازه ای قطع کنند که زبان به آزادی به سقف دهان (سق) برسد و از دهان بیرون آید. اگر جسارت نکردی که با نشتر ببری! و ترسیدی که خون زیاد بر جهد، سوزنی را با نخ زیر زردپی فرو کن که آنرا شیار کند و نبرد، آنگاه داروی مانع چسبیدن بگذار، که عبارت از داروهای داغ گذار تند است. اگر می توانی به آهستگی زردپی را ببر و دقت کن، رگهای زیر زبان بریده نشوند و خونریزی سیلان نکند.

ورمهای زبان

ورمهای زبان چند قسم است:

ورم گرم، بلغمی، بادی، ورم سخت، سرطان. که علامات همه آنها ذکر شده و ممکن است از اثر قارچ سمی و افیون، زبان ورم کند.

معالجه

اگر آماس زبان از ورم گرم است، خون گیری و تخلیه اسهالی که از قی سلامت تر است. استعمال کن! شاید نیاز مبرم به زدن رگ زیر زبان باشد که باید

بعد از آن فوراً افشره کاسنی و به ویژه افشره کاهو، افشره تاجریزی، ماست، گلاب و کلابی که گُل در آن پخته، افشره هفت بند، پوست انار، و اگر با شفتالوی تر ماساژ دهند بسیار مفید است.

اگر ورم تحلیل نرفت و باز نشد، باید غرغره‌های رساننده مانند عسل با شیر، آب‌پز بیخ شیرین‌بیان، آب‌پز انجیر، آب‌پز شنبلیله، آب‌پز مویز و رازیانه استعمال شود. معجون فیکرا بخورند که ماده غلیظ را در دهانه معده بیرون راند. غذای بیمار رساننده و تحلیل برنده باشد مانند: آش کلم، آش سلمک با روغن کنجد.

اگر زبان چرک داشت، گیرنده‌های مانند آب‌پز سماق، آس، عدس، برگ زیتون، شراب گس، مرهم افشره تاجریزی و روغن گل و عدس پوست کننده و گُل خوب است.

اگر ورم سست و بلغمی است، یا ورم بسیار گرم است، بیخ رازیانه را بسوزانند و بر زبان چسبانند.

در برخی از ورمهای گرم غلیظ این دارو مفید است:

نسخه: زعفران، معجون فیکرا هر یک یک جزء، کافور، مشک از هر یک یک‌سوم جزء، نبات یک جزء و نیم. از همه اینها به وزن دو دانگ در شیر پستان زن ریزند و در بینی کشند.

جالینوس گوید: زبان شخصی بسیار ورم کرده بود، عمرش شصت سال بود، هیچ وقت رگ نزده بود، من هم رگ نزدم. داروی صمغ صنوبر به خوردش دادم و خواستم که زبانش را در ضمادهای گرم بییچم. وقت شب بود، طبیعی مانع این کار شد، همان شب در خواب دید که افشره کاهو در دهان نگه دارد. از این علاج تماماً خوب شد و این عمل را با مشورت من انجام داد.

باید خلطهای غلیظ را وسیلهٔ معجونهای بزرگ - که ذکر شده‌اند - تخلیه کرد. غرغره‌های نرم‌کننده خوب است، خیس شده و آب‌پز شنبلیله با انجیر، ثمر برگ بو با مویز از دانه تهی شده و دنبالچه کنده، شیر پستان زن یا بز و یا الاغ در دهن نگه دارد. آب‌پز خرما و انجیر با نبیذ شیرین یا با مربای انگور یا با «عسل خیار چنبر» مفید است. بر تناول معجونهای کوچک یا خیار چنبر دوام کند که لیونت بخشند.

قورباغه

غده مانندی سخت است و در زیر زبان پدید آید که رنگش آمیزه‌ای از رنگ رویهٔ زبان و رگهای داخل زبان است و به رنگ قورباغه شبیه است که سبب، رطوبت چسبنده است.

علاج

داروی خورندهٔ تقطیع‌کنندهٔ تحلیل برنده و آنچه بسیار خشکاننده است مانند نشادر و سرکه و نمک را بر آن بیازمای، با زنگار و زاج ماساژ بده، اگر بهره نداد، داروهای تند مانند داروی «ایبرون» (همیشه بهار) و «اسفاریون» و داروی «سفید نمناک» - که در اقرابادین آمده است - مفیدند. زدن رگ زیر زبان، داروی زخم زبان که قوی باشند اگر همهٔ اینها مفید واقع نشد، باید عمل شود. برای معالجهٔ قورباغهٔ زبان کودکان: مرزهٔ فارسی، پوست انار و نمک بر زبان مالند خوب می‌شود.

سوختهٔ زاج، سورنجان با سپیدهٔ تخم مخلوط شوند و در زیر زبان بگذارند از داروهای مجرب است.

سوزش زبان

ممکن است از حرارت در دهانه معده یا مغز که هنوز به حالت تب نرسیده‌اند، یا از خوردن تندمزه یا بسیار شور، یا تلخ، یا شیرین، یا از تشنگی زیاد، یا شاید از سبب بزرگتر مانند تبهای شدید، ورمهای درونی باشد.

علاج

کسی که این بیماری را دارد، نباید بر پشت بخوابد؛ نباید زیاد دهان را باز نگه دارد؛ قرصهای ساخته از: تخم خربزه، تخم خیار چنبر خوردنی و خیار و کدو و ترنجبین و نشاسته و امثال آن استعمال کند. هسته گلابی و تمر هندی، شکر حجاز، لعابهای شناخته و افشده‌های رطوبی و سردی بخش را در دهان نگه دارد. اگر خلط چسبنده هست، این داروها را بر زبان بمالد و زبان را چرب کند. چرب کردن زبان و در دهان گردانیدن این داروها با روغن‌ها و شمع و چکیده لبنیات، افشده‌ها، لعابها، پیه پرنده خوب است. و کسانی هستند وسیله نعنای زبان را مالش می‌دهند.

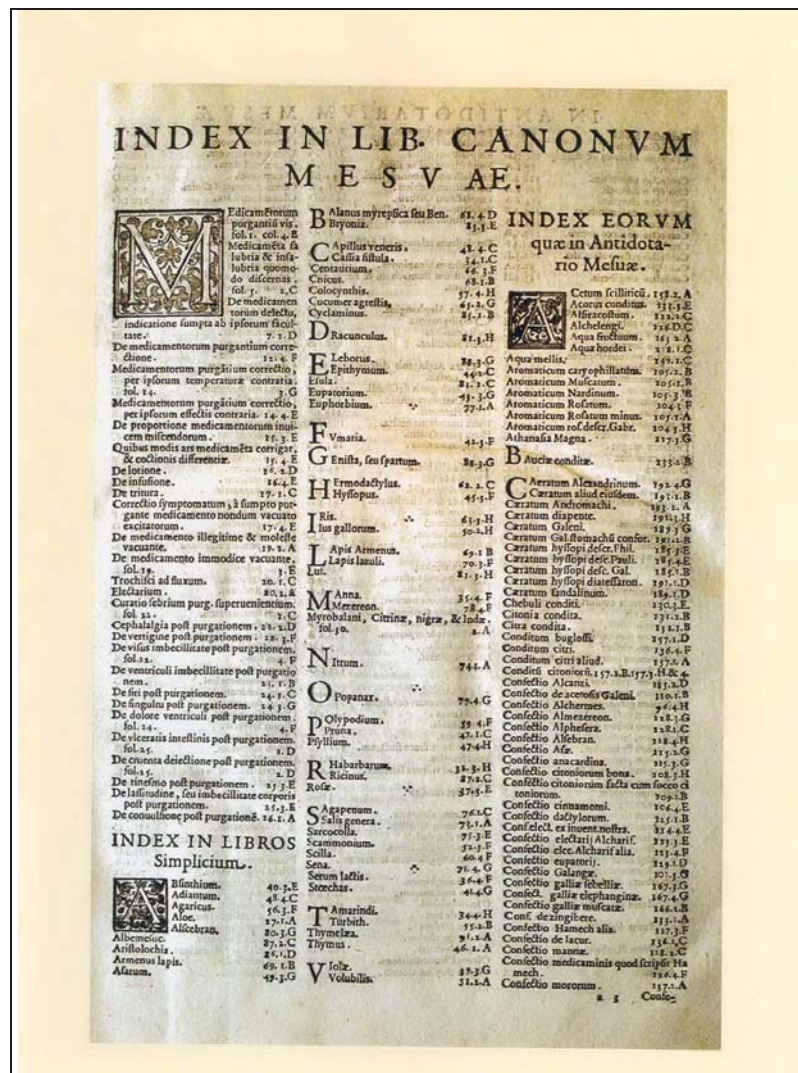
ترکهای زبان

علاجش

لعاب اسفرزه در دهان نگه داشتن و فرو دادن، خوردن پاچه و تخم مرغ نیم‌بند، کف پارچه دنباله خیار و سپستان است.

زبان بیرون آمدن

از اثر ورمهای بزرگ، یا در خفگیهاست، که طبیعت زبان را وادار به بیرون آمدن می‌کند که مجرای تنفس گشاد شود.



تصویر ۳۸: قانون ابن سینا، ترجمه لاتین

برگرفته از: گزیده تصاویر تاریخ پزشکی اسلام و ایران،

انتشارات فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۷، ص ۲۳۴

دندان‌ها

گفتاری دربارهٔ دندان‌ها

دانستی که ما دربارهٔ دندان و تشریح و فایدهٔ آن سخن رانیم، باید بدان رجوع کنی! و بدانی که دندانها جزو استخوانها هستند که هر چه از عصب نرم مغز بر آنها وارد آید حس می‌کنند. هرگاه به درد آمد، احساس تپش و پریدگی و گاهی خارش و غلغلک می‌کند. گاهی سستی، بی‌آرامی، برکنندگی، برآمدگی و تغییر رنگ در خود دندان یا در مینای دندان و درد، تآکل، تعفن، شکستگی وجود دارد. گاهی درد بسیار شدید، خارش، کندی که نتواند شیرین یا ترش مزه را بجوَد، از گرم یا سرد یا از هر دو باهم آزار بیند، در اندازه تغییر یابد: درازتر، بزرگتر، یا ساییده و کوچکتر می‌شود. گاهی به ورمهایی مبتلا می‌شود و این چیزی طبیعی است که هر چه وسیلهٔ غذای نمودهنده تمدد یابد کشیدگی ماهیچه‌ها را هم پذیر است. اگر مواد زائد از نیاز رادر خود نفوذ نمی‌داد، رنگش به سبزی و سیاهی تبدیل نمی‌شد، که این تبدیل رنگ از مواد زائد از نیاز است. دندان همیشه قابلیت رشد و افزایش را داراست که جای ساییدگی را پر کند، به طوری که دندان مقابل با دندان افتاده یا کشیده درازتر از حالت اولی می‌شود، به شرطی که ساییدگی از دراز شدن پیشگیری نکند.

و بدان! که از لثه می‌توان مزاج دندان را شناخت، آیا زرد صفراوی، یا سفید بلغمی، یا سرخ خونی، یا سیاه بدرنگ سودایی است.

بهداشت دندان

کسی که بخواهد دندان‌ش سالم بماند، باید هشت چیز را رعایت کند:

- ۱- از زیاد استعمال کردن خوراک و نوشابه‌هایی که به سرعت در معده فاسد می‌شوند مانند شیر، ماهی نمک سود، ماهیابه، یا از رعایت نکردن اصول بهداشتی در خوراک -که در جای خویش بیان شده- پرهیزد.
 - ۲- خود را زورکی قی ندهد و به ویژه اگر قی شده ترش باشد بیشتر زیان به دندان می‌رساند.
 - ۳- از هر نوع جاویدنی و به ویژه اگر شیرین مزه باشد مانند: حلوا مغزی و انجیر جاویدنی پرهیزد.
 - ۴- چیزهای سخت را با دندان نشکند.
 - ۵- از کندی بخشه‌ابه دندان دوری جوید.
 - ۶- از بسیار سرد و به ویژه سرد بر گرم، و بسیار گرم و به ویژه گرم بر سرد دور باشد.
 - ۷- همیشه وسیله‌ی خلال دندان را پاک کند اما نه به حدی که زیان به گوشت میان دندانها برساند و گوشت را بیرون بیاورد و دندان را لق نماید.
 - ۸- از چیزهایی که خاصیت آزاردهنده برای دندان دارند مانند: تره که برای دندان و لثه بسیار بد است و امثال آن که در داروهای ساده آمده‌اند پرهیزد.
- در مسواک کردن باید میانه باشد، کاری نشود که درخشندگی و مینای دندان را از بین ببرد، که آنگاه از مواد سرازیر و بخارهای بالارو از معده تأثیر پذیرد و سبب خطر گردد. اگر مسواک به اعتدال باشد، دندان را جلا دهد و تقویت می‌کند و گوشت میان دندانها را سفت می‌کند و مانع برکنندگی می‌شود و دهان خوشبوی گردد. بهترین چوب مسواک آن است که گیرندگی و تلخی در آن باشد.
- اگر نیاز به سردی بخشیدن به دندان باشد باید هنگام خواب روغن گُل، اگر نیاز به گرمی باشد روغن بان و سنبل رومی بر دندان مالید. گاهی نیاز به هر دو می‌باشد، بهتر آن است اگر به سردی نیاز بود اولاً با عسل دندانها را ماساژ داد و

اگر کمی سردی بود یا گرمی کم بود با شکر ماساژ دهند. عسل و شکر هر دو برای جلا و پوشش و گرم کردن و پاکسازی دندان بسیار خوبند و شکر از عسل بهتر است.

اگر نبات ساییده با عسل آمیزند و بر دندان مالند دندان را جلا دهد و پاک کند و لثه را سفت نماید. سپس باید روغن نامبرده ویژه دندان را استعمال کنند. در ماه دوبار مضمضه با شرابی که بیخ لبانه در این پخته شده بسیار مفید است و شخص به درد دندان مبتلا نمی شود. سوخته سر خرگوش بر دندان ساینده، نمک سوخته یا ناسوخته با عسل معجون شده - که سوخته بهتر است - به اندازه یک فندق در پارچه پیچند و بر دندان مالند. لوبیا گرگی، شب یمانی، با مقداری از مر و به ویژه شب سوخته با سرکه بر دندان مالیدن مفید است. بعد از ماساژ دندان با این داروها باید با عسل یا با شکر دندان را ماساژ دهند و بعداً روغنهایی را که ذکر کردیم به کار برند. اگر مواد ناباب بر دندانها آید، باید آب پز گیرنده ها را به مدت زیاد در دهان نگه داشت و پیوسته گرد شب و نمک سوخته را بر دندان پاشید.

گفتاری کلی درباره علاج و داروهای دندان

داروهای علاج دندان دو بهرند: یا نگه دارنده یا علاج کننده. گوهر دندان خشک است؛ داروهای بهداشت دندان و شفای درد دندان اکثراً باید خشکی دهنده باشند و اگر مزاج دندانها به سردی یا گرمی زیاد از حد روی آورد، بهترین داروی دندانها خشکاننده به اعتدال است. هر دارویی که خشک کننده مزاج دندان است، نه برای این است که ویژه دندان باشد، بلکه برای دفع رویدادی است که بر دندان روی آورده.

در درجهٔ دوم خشکاننده‌های سرد و خشک، و گرم و خشک آید. بهترین داروی دندان آناست که با خشکانیدن و برچیدن تری، جلابخش هم باشد و مواد زائد را -که بر دندان آید- به اعتدال تحلیل برد و بازدارندهٔ مواد ناباب شود که به سوی دندان آیند.

خشکاننده‌های سرد یا مایل به سردی، آنها هستند که از ترش‌مزگی یا گس‌مزدگی -مانند: غوره و ترشی- ترنج دندان را کُند نمی‌کنند؛ که عبارتند از: سک، کافور، صندل، گل، بزرگل، گلنار، خون سیاوشان، ثمر گز، مازوج، کهربا، مروارید، تانبول، آرد جو، لیف درخت توت، برگ درخت گز، بیخ ترشک. داروهای گرم و مایل به گرمی دو نوعند: یا در گوهر گرمند یا گرمی را سبب کرده‌اند.

آنچه در گوهر گرم است مانند: نمک سوخته، درمنهٔ سوخته، مشک زمین سوخته و ناسوخته، دارچین، عسل، شکوفهٔ گورگیا، ثمر کبر، که از آن قوی‌تر پوست ریشهٔ کبر است، عود، مشک، پر سیاوشان درست یا سوخته، برگ سرو، برگ سرو کوهی، برگ سازج، شاخ بز کوهی سوخته و ناسوخته، پونه و خاکستر پونه، مصطکی، سوختهٔ شیشه، خاکستر بورک، زراوند ماده، خاکستر پوست درخت تاک، خاکستر سر خرگوش، خرما سوخته.

آنچه گرمی اکتسابی دارد، مانند: خاکستر مازوج -که اگر با سرکه خاموش شده باشد به اعتدال نزدیک‌تر است-، خاکستر شاخهٔ تاک، خاکستر نی و امثال اینها نیز همین خاصیت را دارند.

داروی معتدل مانند: سوختهٔ شسته شاخ بز نر کوهی، ثمر درخت چنار، الیاف درخت صنوبر و داروهای ترکیبی از قبیل: آرد جو که با نمک و شراب سوسن عجین شود و آن را بسوزانند، خرما سوخته، در قطران بسوزد یا اخگر شود و با شراب سوسن خاموش کنند.

از داروهای مجرب دندان یکی این است:

نسخه: شاخ سوخته بز نر کوهی ده درهم، برگ سرو ده درهم، ثمر چنار پنج درهم، بیخ «قیطایلون» (قیطافون = لوبیای گرگی. نسخه) ده درهم، سوخته پر سیاوشان پنج درهم، گل بدون پایک سه درهم، سنبل سه درهم؛ نرم بکوبند و گرد دندان کنند.

نسخه خوب دیگر: ترکیب سوخته شاخ بز نر کوهی، گز مازوج که ثمر گز است، مشک زمین، گل، سنبل الطیب از هر یک یک درهم، نمک اندرانی یک چهارم درهم، گرد دندان خوبی است.

باز هم در اقربادین گردهای دیگری را ذکر می‌کنیم.

باز سخن را از سر می‌گیریم و گوییم علاج مناسب دندان خشک‌کننده است؛ و در حالی که از اعتدال بسیار کنار گرفته باشد گرمی و سردی بخشها را باید استعمال کرد.

داروی دندان اقسام دارد: گرد دندان، جویدنیها، پاشیدنیها و مالیدنیها بر دندان یا بر آرواره، مضمضه‌ها، ماساژها، پر کردنیهای دندان، کمادها، داغ‌گذار، برکنها، بخورات، به بینی کشیدنیها، قطره‌های چکیدنی در گوش، تخلیه مواد از راه خون‌گیری یا حجامت بر نزدیکترین جای از دندان.

داروهای تحلیل برنده، سردی بخش، تخدیرکننده، اگر داروی مخدر در دندان استعمال کنند بسیار دور از خطر است، اما زیاد استعمال کردن ممکن است گوهر دندان را فاسد کند. نباید داروهایی را که به شدت تحلیل می‌برند و گرمی بخش هستند مانند هندوانه ابوجهل، سیماهنگ، و غیره را استعمال کرد مگر در حالت ناچاری. و نباید چیزی از اینها و از مخدرات به شکم بیمار راه یابد. شاید نیاز

افتد که به وسیله سنبه باریک دندان را سوراخ کرد و ماده آزاردهنده را از آن راند و دارو را به ته دندان رسانید.

سره هر چند برای دندان خوب نیست لیکن گاهی در داروهای سردی بخش و گرمی بخش دندان باید وارد باشد.

زیرا سرکه داروها را -گرمی بخش یا سردی بخش باشند- به سرمزل مقصود می‌رساند. یا داروهای گرمی بخش علاوه بر بدرقه دارو، رد پاره کردن و کداختن ماده آزاردهنده تأثیر بخش است، که در این صورت باید آسیب سرکه را با داروهای دیگر که ویژه دندانند از بین برد.

درد دندان

درد دندان یا از به درد آمدن گوهر دندان است -چنان‌که سابقاً گفتیم- یا از دردی است که عصب بیخ دندان را در بر گرفته است، یا این که از ورم و زیادی گوشت لثه است که پذیرای ماده می‌باشد، یا از سستی لثه و فروهستگی آن است که مواد بد را می‌پذیرد و در آن تعفن یابد و سبب درد دندان شود و آرامش دندان را به هم زند.

اکثر کسانی که درد دندان دارند، میان سببها فرقی نمی‌دانند.

سبب درد دندان:

- ۱- یا سوء مزاج ساده از سردی یا گرمی است.
- ۲- یا خشکی از دریافت نکردن غذای لازم است -چنان‌که در سالخوردهگان کم رطوبت رخ می‌دهد- که در جای خود بحث شد.
- ۳- یا سوء مزاج همراه ماده یا باد است، ماده یا از بسیاری یا از غلظت یا از تندمزاجی، دردآور است. گاهی ماده سبب ورم دندان می‌شود، یا می‌خورد یا کرم پدید آرد.

منشاء ماده یا از معده یا از سر، یا از هر دوی آنهاست. اگر همه بدن پر از این ماده بود، مجراهایی که از راه معده و سر به دندان می‌رسند، تأثیر می‌گذارند. گاهی در تبهای سخت دندان به درد می‌آید که در سوء مزاج تن شریک می‌باشد.

اگر خوره به زیر دندان راه یافته و درد و تپش احساس شد، معلوم است که در بیخ دندان مواد زائده وجود دارد که نارسیده است. باید درد و آماس را علاج کرد و آنگاه کشید.

علامتها

باید دقت کرد که اگر همراه درد دندان بیماری در لثه یا اطراف لثه هست، می‌توانی حدس بزنی که شاید درد در خود دندان نباشد. همچنین اگر با فشار انگشت لثه به درد آمد و ورمی در لثه نبود؛ یا سبب در خود دندان، یا این که در عصب بیخ دندان است. اگر احساس ورم در دندان کردی، یا تاکی بود سبب در گوهر دندان است و همچنین است اگر درد همه دندان را دربر گرفته بود. اگر تنها درد در ته دندان احساس شد، سبب از عصب بیخ دندان است و به ویژه اگر گوشت میان دندانها به درد آمده بودند، یا درد در آرواره باشد و کندی ماندی احساس شود.

مزاج گرم و سرد را می‌شناسی، علامت مزاج خشک را از پژمردگی و بی‌آرامی دندان بشناس! اگر درد در حال انتقال و انتشار است، دلیل باد است. اگر درد ثابت و بدون حرارت، و سردی آشکار است از خلط غلیظ خبر می‌دهد. اگر آزار سریع است و از فشار انگشت به درد آید، از خلط گرم خونی یا صفراوی است. می‌توان از تغییر رنگ و حرارت زیاد در بساواپی، چگونگی خلط را تشخیص داد. در حالی که مغز یا معده پر باشند می‌توان منشأ ماده را به مغز یا معده نسبت داد.

اگر سبب درد در لثه باشد، نیاز به کشیدن دندان نیست، اما اگر در دندان باشد کشیدن لازم است.

اگر در عصب دندان باشد، ممکن است از کشیدن دندان درد ساکن شود و ممکن است نشود. وقتی درد به کلی برطرف گردد، که طبیعت یا دارو ماده سببی را که در دندان خفه شده یا بند آمده است تحلیل ببرد و بیرون براند.

علاج

اگر درد از اشتراک عضوی است، آن عضو را وسیله خون‌گیری یا اسهال با معجون‌ها و پیه حنظل یا محمودیه یا داروهای خیس شده تخلیه کننده، یا با غرغره‌های پاک‌کننده سر-که در سر باشد- پاکسازی کن.

اگر ورمی محسوس در لثه و گوشت میان دندانها بود، باید اول بر حسب نیرومندی و چگونگی آن خون‌گیری و تخلیه استعمال کرد.

در معالجه هر نوع درد دندان باید اول افشرها و آب‌پزهای سردی بخش را که با کافور تقویت شده‌اند، در دهان نگه دارند و داروهای گیرنده را زیاد از حد نگذارند. اکثراً تنها روغن گل و مصطکی، یا روغن زیتون نارسیده، یا روغن آس کافی است.

شراب کهنه مویز، روغن خام گل، در شراب مویز خوب بجوشد و در دهن نگه دارند، بعداً به تدریج تحلیل برنده‌های رساننده به کار برند و برحذر باشند که چیزی به درون راه نیابد. سپس به تدریج عضو را تخلیه کنند. به طوری که زالو بر پائینهای دندان گذارند یا رگ زیر زبان زده شود، یا حجامت بر استخوان رویشگاه دندان گذارند و تیغ بزنند. اگر درد شدید شد، عاقرقرا با کافور بر بیخ دندان بچسبانند و تا باز شد، آن را باز بچسبانند. اگر درد بسیار شدید باشد، شاید نیاز

باشد که افیون با روغن گل بگذارند، اما تا می‌توان باید آن را ترک نمود، بلکه تنها باید برای رسانیدن ماده استعمال کرد.

اگر سبب درد در خود دندان یا عصب است و ماده نیست و تنها سوء مزاج است، ضد آن را از داروهای دندان که می‌شناسی به کار ببر!

اگر دندان از گزیدن چیزی گرم به سوء مزاج و ناتوانی مبتلا شده، با روغنی سرد مزاج ولرم مضمضه کند و بعداً آن را به سردی مایل گردان!

اگر از گزش چیزی سرد است، روغنهای گرم مانند روغن سنبل رومی، روغن بان، گزیدن زرده تخم مرغ برشته داغ یا نان داغ. و در هر سوء مزاجی سرد یا گرم ضد آن را استعمال کن! که مفید فایده است.

اگر سبب ساده و خشک است، کره و پیه اردک بر دندان و لثه مالیدن خوب است.

اگر سبب همراه ماده است، که گرم یا غلیظ یا بسیار است، باید تخلیه شود و چگونگی تخلیه را مناسب حال قرار ده! باید اول سردی بخش و بازدارنده به کار رود.

اگر ماده گرم بیشتر بود، دوا را افزایش ده! در ماده غلیظ دوا کاهش یابد. داروهای بازدارنده بسیار نیرومند و به ویژه در مواد سرد، شب سوخته با سرکه خاموش شده، با همان اندازه نمک ساییده شوند و بر دندان گذارند و سپس با شراب مضمضه می‌کنند.

مازوح با سرکه هم بازدارنده خوبی است.

اگر ماده گرم است، با افشردنهای سردی بخش مزاج گرم را تعدیل بنما! که ماده تحلیل برود یا ریزش کند.

اگر ماده غلیظ یا بسیار است، همان علاجی را که در ابتدا گفتیم و تحلیل برنده است به کار ببر!

اگر با سرکه مضمضه می‌کنند، بهتر آن است که روغن گل در آن باشد. زیرا سرکه ممکن است رطوبتهای اصلی را همراه ماده زائید برکشد. گاهی باید با داروهای تحلیل برنده داروی گیرنده هم باشد. زیرا اندام مورد بحث خشک مزاج است. اگر سبب باد باشد، تحلیل برنده‌های باد - که ذکر خواهد شد - به ویژه سکبیه و دانه سپند و بارزد خوب است.

داروی تحلیل برنده ماده درد در دندان

مضمضه‌هایی هستند که باید مدتی زیاد در دهان نگه دارند، مانند سرکه که پوست انداختنی مار را در آن پزند. سرکه که حنظل در آن پزند، بسیار نافع است. اگر سردی آشکار است، شراب یا زنجفیل بیابانی، یا عاقرقرا، یا صمغ انگدان با خردل، پوست کبر، پوست درخت صنوبر، پونه، برگ چنار، گل اربه و پوسته آن با سرکه یا آب، برگ غار، شلمک، علاج آن است. ساقه‌های سیر با عاقرقرا، سرکه و کندس، عاقرقرا و ثمر گز در سرکه، مرزنگوش خشک، بیخ سیماهنگ یا افشراهش در سرکه، سیماهنگ و اسپند پخته در سرکه، کبیکه پخته در سرکه، هم بسیار خوبند. برای درد همراه تپش: آب‌پز مازوج نارسیده با سرکه، تاج‌ریزی و سرکه بنگ با سرکه پخته، شاخ بز نر کوهی سوخته و با سرکه پیاز دشتی پخته، یا ساییده‌اش با اسکنجبین مخلوط شده، علاج است. غرغره‌ها هم همانند مضمضه‌هاست که ذکر شد. و یکی از اینها: مویزک و سیر در آب بجوشد و غرغره کنند و دهان را باز نگه دارند تا لعاب زیاد بریزد.

جویدنیها را نیز از داروهای نامبرده و امثال آنها درست کنند. مثلاً پونه وحشی و عاقرقرا و فلفل سفید و مر، با مویز عجین شود و قرصهای گرد و مدور به اندازه فندق بسازند و بجاوند.

پاشیدنیها، لیسیدنیها، خیس کردنیها، ضمادهایی که داروهای تحلیل برنده را با چیزهایی که قوام دارند مانند عسل، قطان یا چیزی از آن را در آب حل کنند. یا با آب عجین کنند، یا کلم را با فیلزهره بر دندان مالند. خردل ساییده بر بیخ دندان گذارند تپش را از بین می برد.

دانه میان هسته شفتالو، با نیم آن فلفل معجون شود و بر دندان مالند یا بچسبانند. یا تنها دندان را با تریاق، یا صمغ انگدان تنها یا «شجرنیا» یا «راسطخان» (ارسطیفان - نسخه) «سورطخان» (سورطیخان - نسخه) یا سیاه دانه ساییده با روغن زیتون بیندایند.

مر، فلفل، عاقرقرا، مویزک، زنجفیل هر یک یک جزء، بورک ارمنی یک جزء و نیم با هم خرد شوند و بر دندان و لثه مالند، بسیار مفید است. داروهای ضماد که از خارج برآواره گذارند، مانند: خطمی، بابونه، شبت، شنبلیله، بزر کتان با آب پز شبیت و روغن شبیت.

جالینوس پنداشته است که اگر زهره «سام ابرص» را بر دندان گذارند درد فوراً تسکین یابد.

کمادهایی هستند که بر خارج گذارند و باید دو ساعت قبل از غذا یا چهار ساعت بعد از غذا گذارند، کما در حالی لازم است که درد شدید باشد. کما نمک و گاورس با روغن زیتون گرم یا با شمع گداخته باشد. کما بعد از کما بگذارند تا ماده را به سوی خود کشد. هرگاه آرواره ورم کرد، درد تسکین یابد، به ویژه اگر دندان را وسیله روغن جوشان بر آتش داغ گذارند.

داغ گذاشتن بر دندان چند طریقه دارد:

روغن زیتون با داروهای تحلیل برنده مذکور بجوشد، یا روغن زیتون جوشیده به تنها، جوالدوزی را در آتش سرخ کنند و در آن روغن فرو برند و در سوراخی که بر سر دندان کرده‌اند فروکنند تا آن را داغ کند. باید اطراف سوراخ را اعم از دندان و گوشت دندان با شمع یا خمیر یا چیزی دیگر بیوشانند که نسوزند.

گاهی روغن داغ را با احتیاط نامبرده به وسیله انبویی در دندان ریزند، روغن زیتون از هر روغنی بهتر است. در عمل داغ گذاشتن باید با سنبه بسیار باریک و نازک، دندان را سوراخ کرد که نیروی داغ‌گذار در آن نفوذ کند. اگر از اینها بهره ندید، وسیله جوالدوز در آتش سرخ شده چندین بار داغ کند تا درد زایل شود و دندان از هم می‌پاشد.

بر دندان مالیدنیها از داروهای ذکر شده و زنجفیل و عسل هم خوب است. سرکه و نمک، سرکه و پیه حنظل با عاقرقرا خوبند. دود و بخورات؛ بهتر آن است وسیله قیف باشد.

تحلیل برنده‌ها: ریشه حنظل، یا دانه حنظل، دانه خردل، سم خر، بزر پیاز و به ویژه برای کرم‌زدگی - برگ آس، اربه، برگ فیجن، عاقرقرا. انفیه‌های تحلیل برنده، آب سیماهنگ، افشره بیخ سلق، افشره یونجه، با آب مرزنگوش.

قطره‌هایی که در گوش طرف آزار دندان کنند: انفیه‌های نامبرده را آب کنند و در گوش چکانند، افشره کبر سبز.

پر کردنی های دندان خورده شده: اگر درد از تأمل باشد، باید به آرامی نه با شدت پر شود و درد را شدت بخشد؛ مانند سئک با مشک زمین، یا مصطکی، قوی ترش صمغ انگدان با کبیکج، یا سیاه دانه ساییده در روغن زیتون یا فلفل،

سوخته لایه شراب، عاقرقرا، شیرۀ گیاه شیر سگ «داروی هسته شفتالو» باید گرم را با داروی سرد و سرد را با داروی گرم پر کنند. برای بحث از بر کشیدن دندان بابی ویژه داریم، که نباید کشید مگر این که درد در خود دندان باشد.

داروهای مخدر

همچنان که داروی تحلیلی استعمال می شود، مخدرات را هم می توان استعمال کرد؛ لیکن بهتر است که داروی اندایشی یا چسبان یا پر کردنی به کار برند و جایز است که مضمضه و بخور کنند.

بزر بنگ، افیون، صمغ کاج، بارزد، از هر یک دو درهم؛ فلفل، صمغ انگدان شامی، هر یک یک درهم با آب منعقد شده شیاف کنند و بر دندان گذارند. افیون، گند بیدستر هر یک یک جزء در روغن گل یک قطره یا دو قطره در گوش طرف دندان دردمند چکانند. بیخ مهر گیاه با آب قوام گیرد بر دندان بچسبانند.

برز بنگ، یا آب پز بیخ مهر گیاه تنها یا با بنگ و شراب بخور کنند یا در دهان نگه دارند.

یا کسی که درد دندان دارد «فلونیا» بخورد و در دهان گردانند، دندان را سرد می کند و درد تسکین می یابد که شاید در ابتدا درد را زیاد کند.

لق شدن دندان

ممکن است از ضربت خوردن یا افتادن باشد؛ یا رطوبتی عصب دندان را سست کرده، با این که دندان به حال طبیعی است لق شده باشد، یا خوره رویشگاه دندان را گشاد کرده، یا دندان نازک تر از حال طبیعی گشته، یا خللی در رویشگاه

دندان ایجاد شده باشد؛ یا از خشکیِ چیره رویشگاه دندان پژمرده شود، چنان‌که برای نوبرخاستگان از بیماری و پیران و کسانی که بسیار گرسنگی کشیده و به غذا نرسیده‌اند، پیش می‌آید؛ و یا از کوتاهی گوشت میان دندانها است.

علاج

نباید با آن چیزی جوید، نباید زیاد حرف زد، از دست و زبان زدن به دندان لق پرهیز کنند و تا ممکن است اصلاً چیزی را نخینند و تا ممکن است سوپ بنوشند. اگر سبب لق شدن تآکل باشد، با علاج تآکل داروهای محکم‌کننده از داروهای دندان به طور مضمضه و مالیدنی و غیره استعمال کنند. اگر از پژمردگی و ضعف است، با غذا معالجه می‌شود. هر چند زحمتی در آن هست، بعداً استفاده از داروهای رطوبت بخش اعم از چسبیدنی، مالیدنی، و قطره در گوش ریختنی، از قبیل: روغن گل، روغن بید افشرد، برگ تاج‌ریزی و داروهای گیرنده لازم است. اما اگر از پژمردگی و ضعف دندان باشد، غذا فایده ندارد و به سرعت دندان را سرحال نمی‌آورد، باید داروهای گیرنده سرد استعمال کرد، و همچنین است اگر از ضربت باشد.

اگر از رطوبت سست‌کننده است، باید گیرنده‌های گرمی بخش مانند: مضمضه با آب‌پز سدر، برگ سرو، یا شراب غلیظ مویز و دو جزء شب و یک جزء نمک در آن پخته باشد، یا آب‌پز سکبینه استعمال شود.

بر دندان چسبیدنی‌ها: شب دو درهم، نمک یک درهم، بر بیخ دندان چسبانند. پوسته نازک مس با روغن زیتون و بیخ سوسن، پوست سرو هر یک چهار درهم، شب کمکی.

خاکستر درخت گز و نمک به طور مساوی، شاخ بز نر کوهی و نمک با غسل سوخته معجون شده، سوخته خرما هر یک ده درهم، مرّ، زعفران، سنبل، مصطکی

از هر یکی دو درهم، فیجن خشک، سماق، گلنار، هر یک سه درهم گرد شوند و بر دندان مالند یا بچسبانند. داروهای گیرنده مخلوط با الوا و زاج زرد و جوش کوره خوبند.

نسخه دارویی که همیشه برای دندان خوب است:

مشک زمین، گل، سنبل الطیب (علف گربه)، نمک بلوری، کزمازو، سوختهء شاخ بز نر کوهی (قرن الایل) به طور تساوی. اگر از کاهش گوشت میان دندانها باشد، علاجش شب یمانی (زاج سفید) سوختهء عود، مشک زمین، گلنار و سماق است.

سوراخ شدن و تأکل

که از رطوبت ناپسند است و در دندان متعفن شده است.

علاج

منظور از معالجهء تأکل آن است که تأکل را از افزایش باز داریم، که باید گوهر مادهء بدخیم را زدود و مادهء منشأ آن را از بین برد و نگذاشت به دندان برسد، که اگر نیاز باشد باید پاکسازیهها را استعمال نمود.

داروی بازدارندهء تأکل، داروهای خشک کننده است، که تا علت قوی باشد باید داروی بسیار خشکی بخش و گرم کننده به کار برد، و اگر قوی نباشد دارویی که خشکی بخش و گیرنده است، از قبیل: آس، صمغ فیلزهره، سنبل رومی، کافی است که به صورت گوناگون ذکر شده استعمال شود.

اکثراً داروهای دندان آگندن مفید است از قبیل: مشک، مشک زمین، یا سُک مشک آلوده به تنها، که مانع تأکل و مسکن درد است، یا آگنهء مصطکی و مشک

زمین، یا مرّ، یا صمغ کاج، یا مازوج و صمغ فیلزهره، یا صمغ کاج و افیون، یا بارزده و گوگرد زرد و صمغ کاج، یا سقز و فلفل، یا سُک و سقز و پونه، یا کوبیده و ساییده سیاه دانه معجون با سرکه و عسل، دندان خوره زده را با گوگرد پر کنند و بمالند. زنجفیل جوشیده با عسل و سرکه که بسیار خوب است، صمغ انگدان و قطران، صمغ انگدان و درمنه، صمغ انگدان تنها در موم بجوشد که تحلیل نرود، مسکن درد خوبی است. قیر تنها یا همراه داروهای دیگر. صمغ فیلزهره و زاج، کافور هم برای آگنه دندان استعمال شده، بسیار مفید است که تأکل را منع می‌کند و درد را تسکین دهد و باید از داروهای مسکن که در باب درد دندان آمده‌اند استفاده کرد.

آبکیهای مالیدنی ساخته از گندبیدستر و عاقرقرا و افیون و بارزد، هر یک یک جزء مفیدند.

فلفل، هل بویا، با عسل، عاقرقرا و مرّ با عسل، ثمر درخت بنه با عسل، یا خاک پاک که سرکه جوشیده بر آن ریزند، جگر چلیپاسه، گوگرد زنده با هم وزن آن صمغ فیلزهره، فلفل و شیرۀ لبانه، بورک و عاقرقرا، بارزد و بزر بنگ، صمغ کاج و افیون.

نسخه خوب: بورک و بنگ هر یک دو جزء، عاقرقرا و فلفل هر یک یک جزء، افیون سه جزء، بر دندان گذارند.

نسخه خوب دیگر: شیرۀ انار (معه الّرمان)، فلفل، ثمر سرو کوهی، هر یک یک جزء، مویزک، بزر گزنه، افیون هر یک نیم جزء، که برای مالش و آگنه خوب است.

«فلندیون قوی» (فلوفیون - نسخه) یا سورنجان، یا آهک دو جزء، نشادر، شب، مرّ، مزاج، صمغ قرط، زنبق هر یک یک جزء، بر جای درد گذارند.

سوخته مرزۀ کوهی، کف دریا تنها یا با بارزد، بیخ کبر با سرکه که بجوشد تا سرکه به نصف برسد، در دهن نگه دارند، بسیار نافع است، زرنیخ حل شده در زیت جوشان را در دندان خوره زده چکانند. روغن بادام هم در این باره مفید است.

شکستن و از هم پاشیدن دندان

اکثر سبب سوء مزاج دندان، رطوبی یا خشکی زیاد است. از پژمردگی می توان علت را تشخیص داد و اگر تغییر رنگ یا تأکل بود، دلیل سوء مزاج از تری همراه ماده است. اگر سوء مزاج رطوبی است، باید ماده را منع کرد و به وسیله داروهای گیرنده قوی - که ذکر شده - دندان را تقویت کرد؛ که شب، و نشادر در این مورد خوبند. اگر علاوه بر آن گرمی زیاد هم بود، معجون خربق سیاه و عسل و اگر از خشکی بود با داروهای ضد خشکی نامبرده علاج شود.

تغییر رنگ دندان

شاید بر تاج دندان زنگار ماندی روی دهد؛ یا ماده ای در بیخ دندان تحجر کند که برکندنش دشوار باشد؛ یا ماده بد که در گوهر دندان نفوذ کرده و رنگ دندان را به بادمجانی و غیره تغییر داده، و زنگار بر دندان نیست. اگر زنگاری رنگ است، علاجش داروهای جلادهنده پاک کننده از قبیل: کف دریا و نمک و بزر ترتیزک ساییده و خاکستر صدف، خاکستر بیخ نی و زراوند ماده، سوخته مرزۀ کوهی، نمک بلوری، به طور تساوی و اگر خواهی سوخته صدف حلزون بر آن ریزی مفید است. سوخته سنگ پا یک جزء، فلفل یک جزء، هل سه جزء، ساذج دو جزء، سوخته گچ ده جزء؛ بکوبند و استعمال کنند.

ساییده پارچه شکسته چینی، ساییده شیشه، کف شیشه گداخته، ساییده سنگ سنباده و سنگ الماس، دندان را بسیار سفید می‌کنند.

اگر از ماده بد داخل دندان باشد، باید از داروی تحلیل برنده و بیرون انداز ماده و جلادهنده مانند: فلفل، پونه، کوشنه، زراوند ماده، صمغ انگدان مخلوط با جلادهنده نامبرده و یا گرد دندانهای ذکر شده در این باب استفاده کرد.

دارو دندان‌ی خوب: بیخ زراوند یک جزء، سوخته شاخ گوزن دو جزء، مصطکی سه جزء، روغن گل پنج جزء با هم ساییده شوند.

داروی دیگر: سنگ پا، نمک برشته، سوسن، هر یک چهار جزء، مشک زمین پنج جزء، سنبل یک جزء، فلفل شش جزء؛ گرد دندان شوند.

داروی دیگر: نمکی که در سوختن مانند اخگر شده سه جزء، ساذج دو جزء، سنبل یک جزء.

داروی دیگر: خاکستر صدف چهار جزء، گل خشکیده پنج جزء، مشک زمین سه جزء، شکوفه گورگیا یک جزء.

تسریع در رویش دندان‌ها

بعضی از کودکان به زحمت دندان درمی‌آورند و آزار بینند. گاهی به اسهال هم مبتلا می‌شوند که باید پاشیدنیها بر شکم پاشنده و افشیره‌های بازدارنده اسهال بخورند و شیافهایی بر جای دندان مالند که در بحث کلی کتاب آمده است.

آنچه رویش دندان را سرعت دهد مالیدن پیه و مغزها و به ویژه مغز پخته خرگوش که آن را بعد از پختن سر خرگوش بیرون آرند. حنّا، روغن حیوانی، روغن سوسن، و گویند شیر دله سگ بسیار خاصیت دارد.

اگر درد زیاد است، افشیره تاج‌ریزی با روغن گل داغ شده بمالند و نباید چیزی جویدنی را جوید.

باید زن شیرده همین که حس کرد که بیچه درد دارد، انگشت به دهانش فرو برد و لثه‌اش را تند ماساژ دهد تا رطوبت را آن سیلان کند، آنگاه داروهای نامبرده را بر آن بمالد. هرگاه دندان کمی آشکار شد، با پشم که در روغن ولرم فرو شده سر و گردن و آرواره‌های بیچه را بپوشانند. روغنهای مناسب در گوش بیچه چکانند که در این باب از آنها سخن رانندیم.



تصویر ۳۹: نسخه خطی به زبان عبری از کتاب قانون ابن سینا. مینیاتور مربوط به مدرسه

سالرنو (سالهای ۱۰۵۴ تا ۱۱۳۴)

برگرفته از: تاریخ مصور پزشکی جهان، دکتر ولی الله محرابی، جلد دوم، ص ۱۰۴۲

کشیدن دندان

گاهی درد دندان علاج پذیر نیست، یا تسکین می یابد اما از کمترین آسیبی باز به درد آید، و شاید برای دندانهای دیگر هم زیان رسان باشد، که در این حالت تنها علاجش کشیدن است.

باید دندان را از گوشتها و پیرامون لخت کرد، و دقت کرد که آیا درد در خود دندان است، در این صورت دندان را با گاز بکش! اگر درد در خود دندان نبود، نباید کشید، ممکن است درد راجع به لثه یا عصب زیر دندان باشد، در این حال اگر درد کمی تخفیف یابد به کلی از بین نمی رود، باز می گردد. تخفیف درد به وسیله داروهای تحلیل برنده ماده دردآور صورت پذیرد.

دندانی که لق نیست اکثراً کشیدنش خطر دربر دارد، که ممکن است آرواره آشکار شود و گوهرش متعفن گردد و درد شدید در پی داشته باشد و شاید چشم درد و تب به بار آورد.

اگر دانستی که کشیدن موجب زحمت است و بیمار تحمل نمی کند، خوب نیست که دندان را به شدت بجنبانی، که درد بیشتر می شود. ممکن است درد در خود دندان نباشد، هرگاه دندان را حرکت دادی ماده دردآور که در پایین دندان است فرو ریزد و درد تسکین یابد. و ممکن است وسیله دارو دندان را کشید.

بهتر آن است با نیشتر پیرامون دندان را برید و دارو بر آن نهاد، مثلاً: پوست ریشه توت و عاقرقرا را زیر آفتاب با سرکه غلیظ سایید تا عسل آسا می شود و سه بار در روز بیخ دندان مالید. یا عاقرقرا ساییده و در آفتاب گذاشته چهل روز در سرکه بماند و بر جای بریده شده نهند و یک ساعت یا دو ساعت بماند. اما باید موم بر قسمت سالم گذاشت و آنگاه دندان را کشید.

یا به جای عاقرقرا، بیخ سیماهنگ، یا زرنیخ پرورده در سرکه بمالند که سست‌کننده است.

یا بزر گزنه و بارزد به طور مساوی، یا بزر گزنه و دو چندان گُندر، در بیخ دندان گذاشت، اگر بزر گزنه با برگ انجیر پخته باشد سست‌کننده است و دندان به آسانی کشیده می‌شود، لایه سرکه بسیار عجیب است.

زردچوبه، پوست درخت توت هر یک یک جزء، زرنیخ زرد دو جزء، با عسل معجون شود و مدتی بر پیرامون دندان بماند، دندان کنده می‌شود. بیخ مشک چوپان، شیرۀ لبانه هر یک یک جزء، بیخ لبانه دو جزء، بر دندان گذارند. اگر دندان ناتوان است، شمع گداخته از آفتاب را با عسل بیامیز! و روغن زیتون بر آن بریزد و وادارش کن که بجود.

ازهم پاشیدن دندان خوره زده که دندان از بین می‌رود و درد ندارد

آرد با شیرۀ لبانه خمیر شود، چند ساعتی بر دندان بماند دندان را از هم می‌پاشد. برگ لبلا بزرگ تندمزاج و پیه قورباغه درختی دندان را می‌برد و خرد می‌کند. قورباغه درختی قورباغه‌ایست سبز رنگ که در میان گیاه و درختان است و از شاخه‌ای به شاخه‌ای می‌پرد. پیه این جانور دندان را می‌برد و از هم می‌پاشد.

کرم دندان

بزر بنگ، بزر تره هر یک چهار جزء، بزر پیاز دو جزء و نیم و با پیه بز عجین شود و از هر یکدرهم آن قرصی بسازند، سر را بپوشانند و بخور یک قرص را وسیله قیف به دندان رسانند.

به هم سایش دندان

به هم سودن دندان در وقت خواب از ضعف ماهیچه‌های آرواره است و تشنج مانند است. کودکان زیاد به این درد مبتلا می‌شوند و چون بزرگ شدند از بین می‌رود.

اگر به هم سودن دندان‌ها در خواب زیاده از حد بود، آذیر سخته، یا صرع یا تشنج یا دلیل کرم شکم است. اگر از کرم باشد، همیشگی نیست و گاه گاهی آید، باید سر را پاکسازی کرد و روغنهای گرم خوشبو که نیروی گیرندگی در آن باشد بر گردن بیمار بمالند.

دندانی که از سایر دندان‌ها درازتر می‌شود.

باید با دو انگشت یا با ابزاری گیرنده گرفت و سوهان زد، سپس ثمر غار و شب و زراوند نر به دندان بمالند.

کُندی دندان

کُندی نوعی سر شدن است که از سببی زبرکننده پدید آید و آن سبب یا گیرنده و یا گس است؛ یا سبب از خارج بر دندان وارد آمده، یا نتیجه قی کردن است و اگر خلط ترش مزه باشد سبب از معده است؛ و گاهی از نگاه کردن کسی که پیاپی چیزی ترش را گاز می‌گیرد، کندی دندان روی دهد که این را می‌توان تأثیر خیال و تصور نامید.

علاج

جاویدن خرفه بسیار نافع است، جاویدن ریحان کوهی، بزر خرفه کوبیده با آب خیس شده و سقر درخت بنه، «جوز ملکی»، نارگیل یا فندق یا روغن زیتون

نارسیده مالیدن _ یا دُرْدی غلیظ روغن زیتون، در ظرف مسین در آفتاب بگذارند و یا بر آتش نهند تا مانند عسل منعقد می شود.

مضمضه با شیر الاغ و روغن ولرم، قیر اندایش مُشک شراب، ثمر غار، زراوند نر، صمغ انگدان، شیرۀ لبانه، پیاز دشتی و نمک که ضد ترشیدن هستند، در علاج کُندی دندان مفید است.

رفتن مینای دندان

دندان بدون مینا تحمل چیز سرد یا گرم یا سخت را ندارد و اکثراً مقدمۀ درد دندان است.

علاج

اگر سبب سردی بود، ثمر غار، شب، زراوند نر، و بر دوام کماذ از زردۀ تخم گذارند؛ اگر تسکین نیافت، با ایارج فیکرا مالش دهند؛ اگر بهره نداد، تریاق و روغن خردل بسیار نافع است. اگر چندین بار با قطران مسح کنند مفید است.

اگر سبب مزاج گرم است و کم، از رنگ لثه و دست زدن به لثه و دندان تشخیص داده می شود؛ باید بر دوام روغن گل را با کافور و صندل بر آن مالید و لعاب اسفرزه با گلاب را بر آن ریخت و خرفه یا بزر خرفه را -که ویژگی دارد- بجاوند.

ناتوانی دندان

علاجش داروهای گیرنده نامبرده است، مازوج سوخته با سرکه خاموش شده، ثمر آس سفید، نمک بلوری سوخته با سرکه خاموش شده، رامک.

۱- داروی دندانی خوب: مشک زمین سه درهم، هلیله زرد بدون هسته پنج درهم، قرفه (پوست درختی شبیه دارچین) پانزده درهم، دارچین سه درهم، شب

دو درهم، عاقرقرا هفت درهم، نشادر یک درهم، فلفل دراز یک درهم، سک یک درهم، زعفران یک درهم، نمک پنج درهم، سماق دو درهم، ثمر درخت گز سه درهم، هل بویا چهار درهم، زنجفیل بیابانی شانزده درهم، گلنار چهار درهم؛ همه با هم ساییده و استعمال شوند.

۲- **داروی دیگر:** صندل سرخ، کبابه، تانبول، هر یک پنج درهم، قرفه پنج درهم، دارچین یک درهم، دانه گیاه چشم خروس چهار درهم، با نشاسته گندم عجین شود و بر دندان مالند.

۳- **داروی دیگر:** آب جو غلیظ، با عسل و کمی قطران به هم می‌زنند و قرص سازند و در کاغذ پیچند و بر آجری در ته تنور گذارند تا سیاه می‌شود جزئی از آن را با جزئی از هر یک از خاکه ریزه عود و گلنار و مشک زمین و پوست انار و نمک می‌سایند و گرد دندان کنند.

۴- سوخته جو که بحث شد بیست جزء، مشک زمین، تانبول، گز مازوج از هر یک چهار جزء، زنجفیل یک جزء، را گرد دندان کنند.

لثه و لب در یک گفتار

بیماریهای لثه

ورمهای لثه اکثراً از ماده‌ای است که از سر به سوی لثه می‌آید. گاهی معده نیز مشارکت دارد. گاهی در اوایل بیماری استسقا پیدا می‌شود، یا از نقص در خلقت است که بخارهای فاسد به لثه می‌رسد؛ از رنگ و لمس کردن لثه می‌توان درد را تشخیص داد.

سبب ورم لثه شاید آشکار باشد و شاید پدیدار نباشد و در اندرون لثه جایگیر شده باشد. اگر پیداست علاجش آسان‌تر از ناپیدا می‌باشد، و گاهی لثه از اثر تب بیمار می‌شود.

علاج:

اگر از ماده ریختنی گرم است، تخلیه و خون‌گیری از «چهارک» (چهار رگ که بر هر یکی از لبان زوجی از آنها موجود است) لازم است. در ابتدا در دهان گرداندنیهای سردی بخش و گیرنده مانند: گلاب، ماست، آب آس، آب برگهای گیرنده، آب‌پز گلنار، آب بارهنگ، آب بلوط خیسیده، افشره خرفه مصرف شود، سپس مضمضه با روغن زیتون نارسیده و روغن درخت مصطکی، روغن آس که در هر اوقیه سه درهم مصطکی باشد، روغن گل که سنبل در آن جوشیده، گل خشکیده و مصطکی - روغن درخت مصطکی، در تسکین درد ورم لثه خاصیت عجیب و بسیار قوی دارد و به ویژه اگر تازه باشد که درد ورم را به کلی از بین می‌برد - و بعد از آن افشره زنبق سبز ناخشکیده استعمال شود که خون را جریان دهد و آرام بخش است، یا افشره برگ زیتون یا دُردی غلیظ شراب یا افشره فیجن، یا روغن ثمر درخت بنه که با آبی بجوشد و برگ درخت بنه با آن باشد، یا آب‌پز زراوند دراز.

اگر ورم پدیدار نبود و در ته بود - که «بارولیسر» نامند - و با دارو تحلیل نرفت و چرک کرد، شاید نیاز به بیشتر باشد. و ممکن است گوشت تازه برویاند، اگر چرک کرد، یا زنگار و مازوج یا پوسته مس ساییده در سرکه که چند روزی مانده باشد، یا زاج سرخ (سوری) سوخته با مازوج، استفاده شود.

اگر لثه باد کرد و آماسید و علاج پذیر نبود، باید داغ کرد. و بهترین عمل این است: پشم بر میل پیچند و در روغن زیتون جوشان نهند و چندین بار بر لثه مالند تا ورم فروکشند و سپیدرنگ گردد.

اگر ورم از رطوبت زائده بود، اول با روغنهای گرم و عسل و زوغن زیتون و خرما و رب میوه‌های گرمی بخش مضمضه کند و بعداً تحلیل برنده‌های بسیار قوی که ذکر شده است استعمال کند.

خونریزی لثه

سوخته شب با سرکه خاموش شده با دو چندان نمک و یک و نیم آن زاج سرخ (زاج سوری) بر آن بپاشند.

شاه ماهی نمک سود را بسوزانند تا مانند اخگر شود یک جزء از خاکستر آن و دو جزء از گل محمدی خشکیده، آس و سوخته عدس هر یک یک جزء، سماق، زاج سرخ دو جزء، شکوفه گورگیا سه جزء مخلوط شود و به کار برند.

ترکهای لثه

که با ترکهای لب یک علاج دارد و ذکر خواهد شد.

قرحه و ناسور و خوره در لثه

قرحه‌های لثه سه حالت دارند: ساده، متعفن، خوره‌ای.

علاج قرحه ساده ضمن علاج زخم ها است، اگر شروع به تعفن کرده با ثمر سرو کوهی و گیاه سه کوهه مداوا شود، اگر بهره نداد، مازوج یک جزء، مر نیم جزء، با روغن گل مخلوط کنند. مضمضه با سرکه پیاز دشتی، شیر الاغ، آب پز برگ زیتون، گل، عدس، مازوج، چشم انار، مفید است.

قرحه خوره ای اگر شدید است، باید «فلقندیون» ویژه علاج این بیماری - که در اقربادین آمده - استعمال گردد. ناصور هم همین طور؛ سپس داروهای گیرنده بر آن نهند که در این باره: ثمر گز، عاقرقرا هر یک سه درهم، مامیران یک درهم، هلیله زرد دو درهم، گل خشکیده دو درهم، با قلی و نشادر و کبابه و کف دریا هر یک نیم درهم، گلنار و زعفران (مازوج - نسخه) هر یک یک درهم، کافور یک چهارم درهم؛ بر لته ها مالند. زراوند، زاج زرد، سونشها، زرنیخها نیز مفیدند.

اگر قرحه یا ناصور در شدت میانه باشد؛ عاقرقرا، بیخ سوسن، هر یک یک جزء، گلنار، سماق مازوج بدون سوراخ، شب از هر یک دو درهم؛ همه را با هم بسایند و گرد کنند و بر لته ها مالند. گلنار، ریم آهن، بر لته چسبانند و بعداً با سرکه پیاز دشتی یا سرکه ای که برگ زیتون در آن پخته است مضمضه کنند. معجون «سپندی» و سایر معجونهای تحلیل برنده خوب است. اگر علاج نشد باید «فلقندیون» استعمال شود. داروی ذیل به فلغندیون نزدیک است:

شب، آهک، مازوج، زرنیخ زرد و قرمز به تساوی خوب ساییده شوند و یک دانگ از آن را بر لته مالند و یک ساعت صبر کنند، بعداً با روغن گل تنها یا با کمی صمغ قرط مضمضه کنند. و از این دارو می توان قرص ساخت و خشک کرد و برای حاجت نگه داشت.

تنها هر دو نوع زرنیخ و آهک و صمغ قرط را قرص کنند کافی است. داغ گذاشتن - چنان که ذکر کردیم - مفید است، که تا کل را براندازد و گوشت سالم

می‌رویاند. بعد از داغ گذاشتن گرد مازوج با سه برابرش مرّ مخلوط کرده، بر لثه بمالند که گوشت می‌رویاند و لثه را محکم کند. خون‌گیری از «جهارک» نیز نافع است. علاج بوی گند لثه در گندیدگی دهان آمد.

کاهش گوشت لثه

علاج آن

کندر نر، زراوند ماده، خون سیاوشان، آرد گاودانه، بیخ سوسن به تساوی با هم ساینند و با عسل و سرکه پیاز دشتی معجون شود و بر لثه مالند. آرد گاودانه ده درهم با عسل عجین شود و قرص گردد و بر آجر یا بر سفال گذارند و در ته تنور نهند، یا در تنور چنان برشته شود که بتوان سایید؛ یعنی نسوزد اما به سوختگی نزدیک باشد. آنگاه بسایند، چهار درهم خون سیاوشان و چهار درهم کندر نر بدان بیفزایند و از زراوند ماده و زنبق هر یک دو درهم نیز در آن مخلوط کنند و بر لثه مالند.

سستی لثه

اگر سستی اندک است، مضمضه با آب‌پز داروهای گرم یا سرد بر حسب مزاج لثه کافی است، شب در سرکه جوشیده نیز بسیار خوب است.

اگر سستی زیاد باشد، بهتر آن است نشتر زده شود و خون بیاید و خون را تف کنند، سپس با آب‌پز گیرنده‌ها - چنان‌که گفته شد - مضمضه کنند. آب‌پزهای مناسب این بیماری از این قرارند:

۱- کوبیدهٔ ثمر گز سه درهم، برگ حنا دو درهم، زراوند دو درهم، به حالت ولرم در دهان گردانند.

۲- گلنار و پوست انار هر یک شش درهم، زرنیخ زرد و قرمز و شب یمانی، هر یک سه درهم که بر لثه چسبانند. زدن رگ «جهارک» هم مفید است.

۳- گُل با کاسبرگ و دنباله هفت درهم، فلفل هفت درهم، جفت بلوط، گلنار، ثمر آس سبز هر یک چهار درهم، خرنوب نبطی، گرد سماق، ارماک (پوست درخت کادی)، هر یک پنج درهم، یا به جای آرماک هشت درهم آس که بعد از مضمضه بر لثه مالند. ایارج کوچک بر سق مالیدن هم مفید است که بعد از آن با سرکه پیاز دشتی و سرکه حنظل مضمضه کنند و گرد دندانه‌های قوی بر لثه مالند.

گوشت زائد

علاجش «قلقنت» و مرّ است که می‌گدازد و براندازد.

تشریح لب

لبها از گوشت و عصبهایی که پارچه‌هایی از ماهیچه‌های پیرامون است خلق شده‌اند، پوشش دهان و دندان و بازدارنده لعاب دهن و مددکار سخن گفتن و مایه زیبایی هستند.

ترکهای لب

داروی ترک لب باید گیرندگی، خشکانندگی و نرم‌کنندگی داشته باشد. کتیرا در دهن گذاشتن و با زبان حرکت دادن خوب است؛ ناف و مقعد را روغن مالیدن خوب است. کف بریده سرخیار بر ترک لب مالیدن نیز مفید است. آب سپستان، آب جو، لعاب اسفرزه، بر لب مالند مفید است. کره، مخ، پیه گوساله و غاز با عسل و روغن، ثمر درخت بنه، روغن گُل مخلوط با سپیده تخم و آرد و به ویژه آرد گاودانه، معجون قیروطی با روغن گل و گاهی همراه مردار سنگ خوب است. مازوج ساییده، سفیداب، ارزیز، نشاسته و کتیرا و پیه مرغ، مازوج ساییده در سرکه، مصطکی و سقز، حسل با عسل معجون می‌شود و پماد شود.

مردار سنگ، شادنه (حجر الدم)، رگهای تاک از هر یک نیم جزء ساییده سُم بز، زعفران، هر یک یک سوم جزء، کافور یک ششم جزء، شمع شش جزء، روغن گل شانزده جزء، با هم معجون کنند.

عنبر حل شده در روغن بان یا روغن ترنج یک چهارم جزء، به طوری که روغن سه برابر عنبر باشد مرهم شود. غذای بیمار پاچه و نیمبرشت باشد.

علاج ورم و قرحه لب

باید اول خلط چیره را بیرون راند و دارو گذاشت.

ورم لب با ورم لثه چندان فرقی ندارد و داروی آن باید کمی قوی تر از داروی ورم لثه باشد. داروی قرحه لب باید گیرنده باشد؛ از قبیل: هلیله، صمغ فیلزهره، بزر گل، ثمر سرو، بیخ کرکم، (زردچوبه) و اگر زاج سبز و سوخته سم بز، سوخته مرزه، دوده جمع شده، و دوال باشد بهتر است.

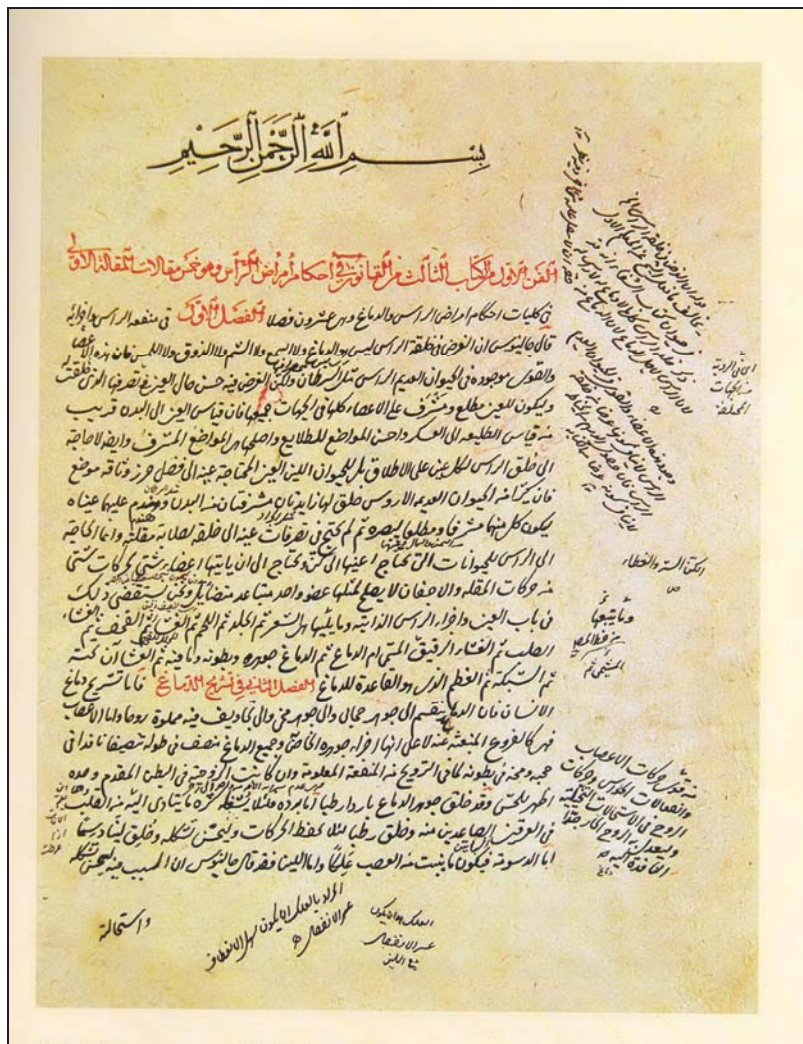
روغنهای مالیدنی: روغن زردآلو، روغن نارگیل برای لب ورمی و قرحه دار خوب است که لب را بدان چرب کنند.

بواسیر لب

داروی بواسیر لب، ریم آهن، مردار سنگ، سفیداب، زعفران، شب، در یک اندازه. با موم و روغن نارگیل یا روغن بادام پماد شود.

پریدن لب

اکثراً از مشارکت دهانه معده - و به ویژه اگر دل به هم خوردن و برآوردن (تهوع) داشته باشد - رخ می دهد که در بیماریهای سخت و بحرانی زیاد است. گاهی به مشارکت عصبی است که از مغز و نخاع همکار مغز به سوی لب آمده.



تصویر ۴۰: القانون فی الطب از ابن سینا

برگرفته از: گزیده تصاویر تاریخ پزشکی اسلام و ایران،

انتشارات فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۷، ص ۹۰

برگرفته از جلد چهارم "قانون"

گفتار سوم: شکستگی در هر یک از اندام‌ها فصل دوم

شکستگی آرواره: دانشمندی شکسته بند می‌فرماید: " اگر تنها یکی از آرواره‌ها شکست و شکستگی به سوی داخل بود و اگر طرف راست شکسته و به داخل آمده است، انگشت شهادت و انگشت وسطی دست چپ را در دهان بیمار فرو کن، و اگر آرواره چپ شکسته است، همین کار را با دست راست انجام ده. با این دو انگشت گوژی^۱ را که از شکستگی رخ داده است از داخل به سوی خارج بلند کن و با دست دیگری از خارج آن را بگیر و راستش کن. در راست کردن نشانه آن باشد که دندان‌های بیمار درست برهم آیند و کج و کوله نباشند. اگر از هر دو طرف راست و چپ شکسته است، باید دو پرستار بیایند، یکی بکشد و یکی بگیرد و طبیب چنانچه گفتیم آن را درست کند، و دندان‌هایی را که از این بکش و بگیر کج شده و از جای لازم و طبیعی منحرف شده‌اند برهم آورد. اگر همراه شکستگی زخم هم بود، یا تکه‌ای باریک و نازک از استخوان در گوشت خلیده بود، جای خلیده را برادر و گشادتر کن و تکه استخوان خلیده را بیرون آور و جای دریده را بخیه بزن و بعد از برگرداندن و راست کردن شکسته، جای دریده را بخیه بزن و بالشتک و داروهای لازم جوشکاری را استعمال کن. دانشمند شکسته بند فرماید:

"باندپیچی علاجی در حالت شکستن آرواره بود و دستورش چنین است که حد وسط باند بر گودی پس گردن قرار گیرد و از دو طرف بر هر دو گوش آید و آرواره را در بر گیرد و باز از هر دو طرف از همان راهی که آمده است به گودی پس گردن باز گردد. سپس دوباره آن را پائین بیاورد، از همان گودی گردن از دو

^۱. خمیدگی

طرف بیاید و از زیر زنج^۱ بگذرد و بر هر دو گونه بالا رود و به جاندا^۲نه^۲ برسد و باز دو سر آن بر گودی پس گردن به هم برسند. این دفعه باند دیگری را بیاور و بر پیشانی و پشت سر بیمار ببند که این همه پیچهای باند اول را نگهدارد و از جا نلغزند. جُیره^۳ سبک را هم بر جای شکسته بگذار.^۴

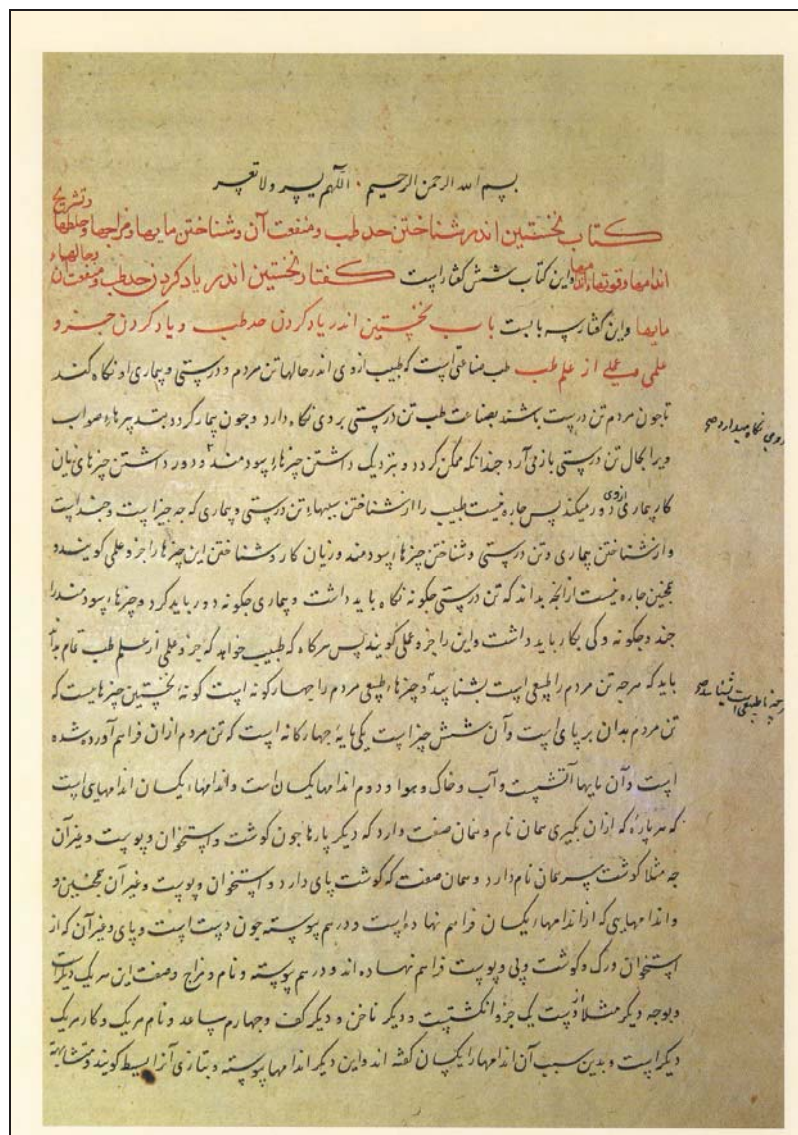
اگر هر دو آرواره هر یک رو به طرف خودش جدا شد، باید هر دو دست کشیده شوند و در برابر هم قرار داده شوند و باز به هم پیوند طبیعی یابند. باید در این عمل اندامها را راهنما قرار دهی. باید دندانها درست بر هم آیند. دندانهای پیشین را وسیله نخ طلائی تند ببند که این طرف و آن طرف نرود، باز باید وسط باند در گودی پشت گردن باشد و هر دو طرف باند را بر آرواره بیاور و ببند. بیمار را سفارش ده که آرام باشد، حرکت نکند و حرف نزند. غذایش سوپ باشد. اگر دیدی که شکل برهم آمده و راست شده تغییر پیدا کرد باند را باز کن، مگر این که این تغییر شکل از ورم گرم باشد، که باید بدون درنگ وسیله داروهای پاشیدنی و گذاردنی مناسب ورم گرم، ورم را فرو نشانی و به حالت طبیعی باز گردانی. استخوان آرواره بعد از بستن اکثراً قبل از سه هفته خوب می شود و ثابت می ماند، زیرا استخوان آرواره نرم و پر از مخ است.

^۱. چانه

^۲. ملاج

^۳. تخته شکسته بندی

^۴. آتل



تصویر ۴۱: ذخیره خوارزمشاهی، کتاب اول، تاریخ کتابت ۶۸۶ ق

برگرفته از: گزیده تصاویر تاریخ پزشکی اسلام و ایران،

انتشارات فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۷، ص ۹

بخش دهم

دانش دندان پزشکی از کتاب ذخیره خوارزمشاهی

تألیف سید اسماعیل جرجانی

(۵۳۱-۴۳۴ هـ. ق)

پیش‌گفتار

آشنایی با سید اسماعیل جرجانی و آثار او

ابو ابراهیم (ابوالفضائل) اسماعیل ابن الحسین وفات ۵۳۱ هجری قمری از مشاهیر اطبای ایرانی، چندی در خدمت قطب الدین محمد ابن انوشته‌کین و پسرش اتسز بود، و عاقبت به مرو رفت و به خدمت سلطان سنجر پیوست. در مرو وفات یافت. اهمیت وی برای ما مخصوصاً به جهت کتاب "ذخیره خوارزمشاهی" است که ظاهراً نخستین کتابی است در طب که به فارسی نوشته شده است. آثار دیگرش "اغراض الطب"، "یادگار" و "التفکره الاشرفیه فی الصناعه الطبیّه" است. (۱)

مؤلف، ذخیره خوارزمشاهی را به نام قطب الدین محمد خوارزمشاه تألیف کرده است (۵۰۴ هجری قمری)، و احتمالاً نخستین دایره المعارف طبی است که به زبان فارسی نوشته شده، ذخیره دارای ۴۵۰،۰۰۰ کلمه و در موضوع خود از مهمترین کتاب‌ها است و مشتمل بر موضوع‌های مختلف طبی و بهداشتی، شناختن تب و سایر بیماری‌ها و علاج آنها، علاج آماس‌ها و ریش‌ها، تدبیر شکافتن و داغ کردن عضوی که تباه شود، تدبیر شکستگی، و زهرها و پادزهرها است.

متنی به عربی از ذخیره موجود است و کتاب به ترکی و (با تلخیص) به عبری ترجمه شده است. نکته اخیر حائز اهمیت خاصی است، زیرا عملاً هیچ اثر طبی دیگر از فارسی به عبری ترجمه نشده است. (۱)

"اغراض الطب" کتابی دیگر در علم طب به زبان فارسی از اسماعیل جرجانی است. این کتاب را مؤلف بنا به خواهش مجدالدین ابومحمد صاحب ابن محمد بخاری، وزیر اتسز خوارزمشاه از کتاب عظیم ذخیره خوارزمشاهی تلخیص کرده است. نسخه‌های بسیاری از آن در ایران و اروپا وجود دارد. (۱)

"یادگار" کتاب دیگر طبی کوچکی است در پنج بخش که شامل یک دوره علم طب و بیماری‌ها و داروسازی می‌باشد. می‌توان یادگار را تلخیص کتاب الاغراض الطبییه دانست.

اسماعیل جرجانی (گرگانی) پزشک صاحب نام قرن ششم هجری قمری در ۴۳۴ هـ ق در گرگان متولد و در ۵۳۱ هـ ق در مرو وفات کرد. مدتی از عمر او در خوارزم در خدمت قطب الدین محمد و پسرش اتسز خوارزمشاه گذشت. وی در علوم مختلف مهارت یافت. حدیث را از ابوالقاسم قشیری و طب را از ابن ابی الصداق آموخت. (۲)

با ظهور سید زین الدین (شرف الدین) ابوابراهیم اسماعیل بن حسن بن محمد بن احمد الحسینی الجرجانی و مؤلفات ارزنده طبی وی به زبان پارسی دوران تجدد طب ایرانی شروع می‌شود.

جرجانی با چهار اثر ارزنده خود توانست جمیع معلومات طبی زمان خود را جمع آوری و بدان اضافاتی کند که مبنا و اصل تعالیم طبی به زبان پارسی برای طالبان و عاشقان دانش پزشکی و مؤلفین بعد شود. (۳)

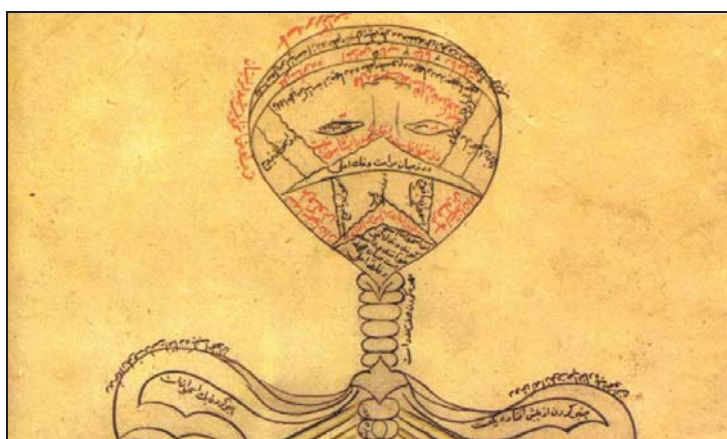
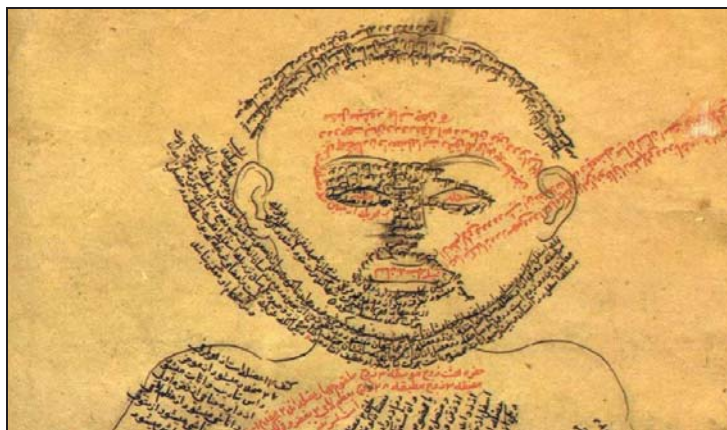
باید دانست قبل از ظهور جرجانی تعدادی کتاب طبی به پارسی تألیف و تصنیف شد که به مانند کتب طبی پارسی ابن سینا و کتاب‌های "الابنیه" و "هدایه المتعلمین". اما طیبی که جمیع مؤلفاتش به زبان پارسی و با انشایی کم نظیر به رشته تحریر در آورده شده و از متون پارسی بسیار ارزنده می‌باشد، جرجانی است.

نتیجه این امر چنان شد که از قرن ششم هجری تا به حال اغلب کتاب‌های طبی و داروسازی به مانند "تحفه حکیم مؤمن" تألیف مؤمن دیلمی تنکابنی، طبیب شاه سلیمان صفوی و "مخزن الادویه" و "مجمع الجوامع" تألیف محمد حسین معنوی خراسانی شیرازی و امثال آنها از کتاب ذخیره متأثر شدند، و باید گفت که کتاب‌های مذکور از ذخیره اقتباس شده‌اند. برای مثال می‌توان ذکر کرد که کتاب "تحفه حکیم مؤمن یا تحفته المومنین" خلاصه قسمت‌هایی از ذخیره می‌باشد.

(۳)

منابع:

۱. مصاحب، غلامحسین، دایره المعارف فارسی (جلد اول)، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، چاپ سوم، ۱۳۸۱.
۲. معین، دکتر محمد، فرهنگ فارسی (جلد پنجم)، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۵۶.
۳. نجم آبادی، دکتر محمود، تاریخ طب در ایران پس از اسلام (جلد دوم)، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.



تصویر ۴۲ و ۴۳: ذخیره خوارزمشاهی از سید اسماعیل جرجانی

برگرفته از: گزیده تصاویر تاریخ پزشکی اسلام و ایران،

انتشارات فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۷، ص ۱۴۱ و ۱۴۴

دانش دندان پزشکی از کتاب ذخیره خوارزمشاهی تألیف سید اسماعیل جرجانی^۱

اندر یاد کردن استخوان‌های فک زیرین و زبرین

فک‌های برسوین و فروسوین: فک را به پارسی "زَفَر" گویند و به مرو "مَنَه" گویند، استخوان فک برسوین را درزهایی است مشترک، و درزهایی است خاصه، و از یاد کردن هر دو نوع حد آنها پدید آید و تشریح او معلوم گردد. اما حد او از سوی بالا درزی است مشترک با استخوان پیشانی که از کنار درز اکلیلی بیاید و بر جایگاه ابروان بگذرد و به دیگر کناره پیوندد، و از سوی زیر جایگاه رده دندان‌هاست، و از سوی راست و چپ درزی است که تا، بناگوش بیاید، و این درز مشترک است او را با استخوان وَتَدی^۲ که از پس دندان‌های آسیاست، اما درزهایی خاصه او درزی است که از میان دو ابرو فرود آید تا میان دو دندان پیشین و از اندرون دهان اندر شود و کام را به دو نیم کند. و دو درز دیگر است که هم از میان دو ابرو فرود می‌آید، یکی از سوی راست و یکی از سوی چپ، و تا فرود می‌آید از این درز نخستین دور می‌شود تا به میان دندان‌هایی رسد که آن را نیش دندان خوانند و دندان‌هایی که آن را رُبَاعِیَات^۳ گویند و نیش دندان را از رباعیات جدا کند و رباعیات چهار دندان است که از پس دندان‌های پیشین باشد، و از هر سوی دو دندان است یکی زیر و یکی زبر. از این سه درز که یاد کرده شد

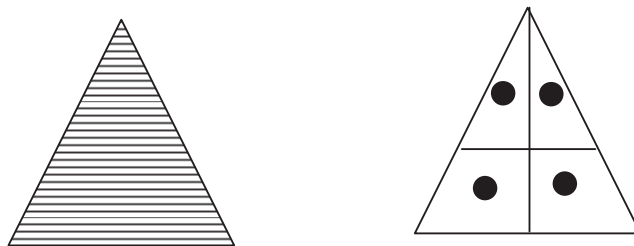
^۱. استخراج از باب سوم، جزء اول، گفتار چهارم ذخیره خوارزمشاهی (کتاب اول)، استخراج از نسخه خطی

فارسی چاپ بنیاد فرهنگ، توسط آقای دکتر محمد ابراهیم ذاکر.

^۲. وَتَد: میخ

^۳. رُبَاعِیَات: چهار دندان بین ثنایای میانی و دندان نیش. مفرد آن رُبَاعِیَه می‌شود.

دو استخوان پدید آید هر دو به شکل مثلث و قاعده این دو مثلث رده دندانها نیست، لکن پیش از آن که به رده دندانها رسد درزی از پهنا پیش آید و به رده دندانها بگذرد، نزدیک به موضع سوراخ بینی. قاعده مثلثها از این درز پدید آید و این هر سه درز این پهنا را ببرد و بر وی بگذرد تا به رده دندانها. و از هر دو قاعده آن دو مثلث و از باقی هر سه درز و از حد ود دندانها دو پاره استخوان پدید آید و هر پاره ای را نزدیک درز میانگین دو زاویه است قائمه، و نزدیک نیش دندان زاویه ای است حاده و نزدیک سوراخ بینی زاویه منفرجه و شکل هر دو مثلث و این دو پاره استخوان و این درزها که یاد کرده آمده است این است:



و از درزهای خاصه او درزی دیگر است که از جانب صُدُغ^۱، از آن جا که درز مشترک است میان فک و میان استخوان وتدی بیامده است، پاره فرونز از چشمخانه، و از آن جا سه شاخه گشته است یکی از آن گرد چشم خانه برگردد و بدان درز پیوندد که حد فک است از سوی بالا و شاخ دوم اندکی به چشم اندر شود و بر شود و هم بدان درز پیوندد، و شاخ سوم هم به چشمخانه اندر شود و بر

^۱ صُدُغ: گیجگاه، شقیقه

نیمه او بگذرد و بر بالا شود و هم بدان درز پیوندد. از این درزها معلوم گردد که عدد استخوانهای فک زیرین چهارده است بدین تفصیل: اندر هر چشم سه پاره استخوان، و دو استخوان رخساره است که رده دندانهای آسیا بر آن است، و این هر دو پاره بزرگ است و دویاره آن است که بینی بر آن نهاده است، و اندر هر یکی گذری است از بینی به سوی دهان و این هر دو خُرد است، و دو پاره آن است که دندانهای پیشین و رُباعیات بر وی نهاده است و دو پاره استخوان اصلی بینی است.

و اما فک فروسویین دو پاره است و زنخدان پیوندگاه اوست، و رده دندانها زیرین بر وی است، و شکل او سخت ظاهر است و عدد استخوانهای هر دو فک شانزده است.

باب چهارم، از جزو نخستین، از گفتار چهارم

اندر تشریح دندانها:

دندانها سی و دو است: شانزده رده زیرین است و شانزده رده زیرین و از این جمله چهار دندان پیشین است: دو زیر و دو زبر، آن را به تازی ثنایا گویند. و از پس آن چهار دندان دیگر است از پس هر یکی یکی، دو زیر و دو زبر، آن را رُباعیات (ثنایا کناری یا پیشین کناری) گویند. این هشت دندان پهن است و سرهای آنها با پهنی تیز است چنان که خوردنی ها را ببرد. و از پس رباعیات چهار دندان دیگر است و گرد است و سرهای آن تیز است، دو زیر و دو زبر از هر سوئی یکی، خوردنیهای را بشکنند، آن را نیش دندان گویند و به تازی انیاب گویند. و از پس انیاب شانزده دندان دیگر است، هشت زیر و هشت زبر از هر سو چهار، همه گرد است و سرهای آن پهن است و درشت است آن را دندانهای

آسیا گویند و به تازی طَواحن گویند. و اضراس نیز گویند. و از پس اضراس چهار دندان دیگر است، دو زیر و دو زیر از هر سویی، یکی آن را خرد دندان (دندان عقل) گویند، و خرد دندان از بهر آن گویند که از پس رسیدگی برآید، این جمله سی و دو باشد، و بعضی مردمان را این چهار دندان باز پسین نباشد و از برنیامدن آن در خرد هیچ نقصانی نباشد. و دندان‌های پیشین، و رُباعیات، و نیش را بیخ یک شاخ است، و دندان‌های آسیا را آنچه زبرین است بیخ ها به سه شاخ است^۱ و آنچه زیرین است بدو شاخه^۲، و آن دندان‌های باز پسین را که خرد دندان گویند بعضی را باشد که بیخ ها به چهار شاخ باشد، و باشد که به سه شاخ باشد^۳. و هیچ استخوانی را حس نیست مگر استخوان‌های دندان را که حس سرما و گرما بیابد و سرد از گرم جدا کند. آفریدگار جل و علا بیخ دندان‌های زبرین از بهر آن زیادت کرد که همه آویخته و سرنگون است تا از خاییدن و شکستن چیزهای سخت بیم افتادن نباشد باذن ا... تعالی.

باب پنجم از کتاب اول ص ۲۱۹

اندر تشریح زبان:

زبان گوشتی است نرم و سپید و اندر وی رگها و شریانهای باریک بسیار است و از خون آن رگها و شریانها سرخی اندر وی پدید آمده است. و اندر بن زبان گوشتی است چون غددی که آن را به تازی "اللحم الغدوی" گویند و طبیبان "المولده اللعاب" گویند از بهر آن که لعاب و آب دهن از وی خیزد و اندر بن زبان دو منفذ گشاده است تا بدین گوشت غددی چنانکه میل بدین منفذها در شود

^۱. کرسی کوچک (پرمولر) های فک بالا دو یا یک ریشه دارند.

^۲. کرسی کوچک (پرمولر) های فک پایین یک ریشه دارند.

^۳. دندان عقل ممکن است سه ریشه، دو ریشه یا یک ریشه نیز داشته باشد.

لعاب و آب دهن از این دو منفذ بیرون آید و تری زبان بدان باشد و غشاء زبان به غشاء مری و معده پیوسته است و اندر زیر زبان دو رگ بزرگست سبز و از هر دو رگ رگهای بسیار خیزد و هم اندر زبان پراکنده شود و زبان بدو شاخ است لکن از بهر آنکه اندر یک غلاف است بصورت یکی می‌نماید و غلاف او نیز بدو بخش است و نشان بخشیدگی و بر میانگاه پوست او براستای درز سهمی چون درزیست و اندر بعضی جانوران هر دو شاخ زبان ظاهر است چنانکه زبان مار و از بهر آنست که گدایان و حیل‌گران میدانگاه زبان خویش آنجایگاه که درز گاهست بشکافد و کالبدی از سرب بدو اندر نهند تا جراحت پوست درست شود و شکاف درست نشود و هر وقت آهنی بدان شکاف بیرون آرند و چنان نمایند که زبان ایشان کافران بشکافتند تا شهادت نتوانند گفت و چون آهن بیرون کشند راستای زبان به جای خویش باز شود و نه اندر حرکت و نه اندر حس او هیچ خللی نباشد این از بهر آنستکه زبان بدو شاخ است و ماده سخن آوازی است کشیده و زبان آلتی اوست که بیاری لب و دندان و کام آواز را می‌شکند و می‌گسلد و حرفهای شنودنی بیرون می‌آرد و محل حس طعم‌ها است و اندر وی منفعت سوم است و آن آنستکه وی چون محرفه ایست که خوردنیها که مردم می‌خایند اندر دندان‌ها می‌گرداند تا تمام خائیده شود و حرکت و حس او را عضله‌ها است و عصبها و تشریح آن اندر تشریح اندامها یکسان یاد کرده است.

باب هشتم جزوه دوم گفتار نهم، کتاب دوم

اندر شناختن سبب فتادن دندان به هفت سالگی

از بهر آن که اول که دندان پدید آید، مایه آن به اندکی و ضعیفی اندر خورد اندامهای طفل باشد و چون اندامها قویتر و دندان‌ها قوی‌تر شود باید مایه فزونتر گردد و دندان

نخستین برین پایه که می‌فزاید اندر نخورد و قوت آن ندارد که همه عمر خدمت تن کند و چیزهای غلیظ و خشک را می‌خاید و می‌شکند. بدین سبب طبیعت به فرمان آفریدگار تبارک و تعالی دندان نخستین را بیرون اندازد و دیگر قوی تر برآید.

باب پنجم از جزو پنجم از گفتار نخست از بخش دوم از کتاب سوم ص ۱۶۸

اندر تدبیر لعاب آوردن از کام و بن زبان

آب دهان را لعاب گویند و لعاب آب غلیظ باشد که از کام و بن زبان و بن دندان‌ها فراهم آید و آمدن آن دماغ و چشم و گوش و فحم المعده را سود دارد. از بهر حفظ صحت تدبیر آن باید کرد که هر وقت لختی لعاب برود خاصه اندر وقت زمستان و خاصه مردم مرطوب را از بهر آنکه اندر زمستان رطوبتها اندر دماغ بیشتر گرد آید و عاقرقرا و مویزج و مانند آن و چیزهای تیز خاییدن لعاب بسیار آرد و غرغره کردن بسرکه و به آبکامه یا به ارج (ایارج) فیکرا و خوردن سعت رطوبت را ببرد و لعاب بسیار آرد و غرغره اندر خانه گرم باید کرد یا اندر گرمابه از بهر آنکه اخلاط اندر گرمابه گداخته شود و لعاب بیشتر آید و اگر آن ساعت که از گرمابه بیرون خواهد آمد یا اندر حال بیرون آمدن صواب باشد.

باب ششم از گفتار پنجم از بخش دوم از کتاب سوم صفحه ۱۹۵

اندر علاج دندان برآمدن و تدبیر آن

چون دندان‌ها برآمدن آغاز کند چیزهایی که آن را بسیار خایید ندهند تا ماده دندان‌ها بتحلیل خرج نشود و گوشت بن دندان‌ها را به مغز خرگوش یا پیه مرغ می‌باید مالید تا نرمتر می‌شود و دندان به آسانی برآید و روغن بنفشه با آب گرم به هم بزنند و سر و گردن بدان چرب کنند و قطره روغن بنفشه نیم گرم اندر گوش او چکانند گاه‌گاه و

اندر وقت برآمدن دندان اسهال و درد چشم و خاریدن گوشت و آماس گوشت بن دندانها و آماس گلو پدید آید علاج هر یک اندر باب دیگر یاد کرده آید.

باب هفتم از گفتار پنجم از بخش دوم از کتاب سوم

اندر بیماریهایی که بچگان را باشد از هر نوع و علاج آن

..... بقراط اندر کتاب فصول گوید:.... آماس گوشت بن دندان:

انگشت به آهستگی بر وی نهند و روغن بنفشه یا روغن زیت یا روغن بابونه یا روغن شبت با نگین به هم بزنند و طلی کنند.

اسهال: هرگاه بوقت دندان برآمدن اسهال پدید آید به علاج مشغول نباید بود پس اگر از حد بگذرد زیره و انسیون و تخم کرفس گرم کنند و اندر خرقه کنند برشکم او نهند یا کاورس پوست کند، بسرکه بپزند و برشکم او ضمد کنند یا زیره و گل سرخ بکوبند و بسرکه بسرشند و طلی کنند و اگر حاجت افتد مقدار نیم دانگ تا دانگی شیر مایه خرگوش که به تازی "انسفخه" گویند اندر آب سرد حل کنند و بدهند و آن روز شیر ندهند از بهر آن که ممکن باشد که شیر اندر معده او بسبب قوت شیرمایه بسته شود بعوض شیرخایه نیمبرشت دهند و اگر از مغز نان حسو سازند صواب باشد.

جزو سوم گفتار پنجم کتاب ششم

اندر احوال دندان و بیماریهای آن و علاج آن و این جزو ده باب است.

باب نخستین: اندر شناختن احوال دندان و بیماریهای آن

میان طبیبان خلاف است اندر آن که گوهر دندان استخوان است یا عصب بعضی گفتند استخوان است و گروهی گفتند عصب است آنهایی که گفتند

استخوان است از بهر آن گفتند که گوهر او سخت است و خشک و شکننده و حرارت او اندک است و سردی و خشکی بر وی غالب است و اگر او را بسایند و بتراشند حس الم نیاید و آنها که گفتند عصب است از بهر آن گفتند که دندان حس سرد و گرم همی یابد و اگر ترشی بدو رسد خیره شود و خیرگی دندان را به تازی "ضرس" گویند یعنی کند شدن و این کندی دندان را همچون خدر است عصب را، و خدر جز عصب را نباشد و در گوهر دندان، دردها و خارش و ضربان بسیار افتد بدین اسباب گفتند: دندان، عصبی سخت است. درست آن است که گوهر دندان استخوان است و عصبهای دماغی بگوهر او پیوسته است. و با وی آمیخته و این عصبها در بیخ او بیشتر است. درد و ضربان و حس او بدین عصب هاست. و سختی و خشکی و شکنندگی و حس الم سودن و تراشیدن نیافتن از بهر آن است که اصل گوهر او استخوان است و همچنین خلافت اندر آن که گوهر دندان از آب مادر یا پدر است چون استخوان و عصب و پوست و رگها و شریانها و غشاها و صفاقها و رباطها یا از غذا می‌روید چون خون و گوشت و پیه و این خلاف از بهر آن است که هر اندامی که از آب مادر و پدر است اگر پاره‌ای (ماده‌ای) از وی برود بدل آن باز نیاید و به هیچ علاج باز نتواند آورد. و هر چه از غذا می‌روید اگر (پاره‌ای) ماده‌ای از وی برود بدل آن باز آید و به علاج باز توان آورد. چنانکه مردم بسببی لاغر شوند و باز فربه شوند و یا بسبب جراحی و ریش پاره‌ای گوشت از عضوی برود و آن موضع تهی ماند و مغاکی پدید آید. بعلاج، گوشت او باز آید آن تهی و مغاکی هموار شود. بدین سبب بعضی از طبیبان گفتند دندان از غذا می‌روید. و اگر در اصل آفرینش از آب پدر و مادر بودی بایستی که فرزند با دندان آمدی و آنچه بیفتد باز برنیامدی بعضی دیگر گفتند دندان در اصل آفرینش از آب مادر و پدر است و از غذا همی رستمی بایستی کانجه دوم بار در بزرگی بیفتد باز برآمدی چون گوشت جراح و درست آنست که اصل دندان از

آب ماذر و بذرست و ماده او در استخوانها که دندان از وی برآید تعبیه کردست و ماده نهاده و حکمت آفریدگار تبارک و تعالی اندر پدید ناکردن دندان در اول آفرینش آنست که غذای طفل مدتی شیر باشد به دندان حاجت نباشد و دیگر آنکه استخوانهای فک که دندان از وی برمی آید در خود اندامهای او باشد ضعیف و کوچک اگر به اول آفرینش دندانها برآمدی بس ضعیف و نازک بودی و اگر دندانها قوی بودی آن استخوان که دندان از وی برآید برنتابیدی و شکلی ناهموار بودی از بهر آنکه دندان چون سندان است و از استخوان همچون آن چوبست که سندان بر وی بیازند (بیازسد) و اهل صنعت آنرا چوب سندان گویند. و هرگاه که سندان بزرگ باشد و چوب سندان کوچک سخت ناهموار باشد و بدان سندان کار نتوان کرد لاجرم از روی اولی تر آن بود که مایه دندانها در آن استخوانها آماده باشد مُعد نهاده یا از بس مدتی که استخوانها بزرگتر و محکم تر شود و از بهر غذا به دندان حاجت آید دندان برآید و سبب آنکه در خاییدن و افتادن دندان به هفت سالگی آنست که دندانها نخستین بقیاس با آنکه پس از آن برآید ضعیف باشد و قوت آن ندارد که همه عمر طعامهای غلیظ و خشک می خاید و می شکند طبیعت هر شخص بفرمان آفریدگار تبارک و تعالی دندانهای نخستین را بیفکند و دیگر قوی تر که طاقت کار همه عمر دارد برآرد و نیز معلومست که چون کودک هفت ساله شد همه اندامها و استخوانهای او قوی تر و بزرگتر شده باشند و استخوانها که دندان از وی برآید همچون دیگر استخوانها بزرگ شود و بضرورت چون استخوانها بزرگ شود جای بیخ دندانهای نخستین فراخ شود و آن دندانها با آنکه با این استخوان اندر خورنده باشد به سبب فراخ شدن جای جنبان شوند و بیوفتند و سبب دیگر قوی تر به جای آن برآمدن آنست که از آن ماده که دندانها از وی است اندر دندانهای نخستین اندکی بکار شده باشد و ماده بسیارتر مانده باشد تا طبیعت از آن ماده دندانها محکم تر برآرد باذن... عزوجل. و آنچه مردمان

می‌گویند بعضی پیران دراز عمر را سه دیگر بار دندان می‌برآید و نشان می‌دهند که فلان و بهمان را دیدم دندان‌ها افتاده و باز برآمده نباید دانست استخوان که دندان از وی برآمدست جای دندان‌ها تضریسی دارد یعنی دندان‌ها دندان‌ها است همچون اره که به تازی منشار گویند عجیب نیست اگر شخصی رادندان‌ها بیوفتد و به روزگار از بهر آن که چیزی می‌خورد و تکلف خاییدن می‌کند آن گوشت که بدین استخوان‌ها پیوسته است، سوده شود و نماند و از آن تضریسی پدید آید مردمان پندارند که دندانست و نیز بی‌شک نیست که مزاج مردم دراز عمر و ترکیب او و قوت‌های او قوی‌تر باشند و آن قوت نخست اندر آب بدر و ماذر بوده باشد. و عجب نیست اگر در حال آفرینش ماده دندان‌های او جندان آید که چون در حال بزرگی دندان او بیوفتد باز برآید باذن... عزوجل و استخوان دندان همی ساید و همی بالذسبب خاییدن طعام‌های سخت و خشک سوده شود هم بدن اندازه همی بالذ و کمی و سودن آن بدین سبب بدید همی‌آید و دلیل برآنکه دندان همی بالذ آنست که اگر دندان بیفتد یا بشکند آن دندان که برابر آن جای خالی باشد که دندان از وی افتادست درازتر از دیگر دندان‌ها شود از بهر آن که همی بالذ و برابر او دندان نیست که بدن سوده شود و بیماری‌های دندان بسیار نوع است.

سست شدن است، جنبان گشتن، افتادن و ریزیدن و کنده شدن و پوسیدن و میان او خورده شدن و تهی گشتن و رنگ او بگردیدن و بخارها بر وی نشستن و سفال گشتن و دردها صعب و ضربان در وی پدید آمدن و از چیزهای گرم و سرد بی‌طاقت شدن و از طعام خاییدن عاجز آمدن و آماسیدن و همگان اتفاق کرده‌اند بر آنکه اندر دندان این همه بیماری‌ها ممکن است مگر آماسی که گروهی گمان برده‌اند که دندان از بهر آنکه گوهر او سخت است آماس نگیرد و اگرچه از بهر این معنی اندر باب ششم از گفتار نخستین از کتاب دوم یا ذکرکرده آمده است از

باز گفتن آن اندر این موضع بس درازی نفزاید باید دانست که دندان اگرچه گوهر او استخوانست و سخت است آماس گیرد از بهر آنکه غذا می پذیرد و می بالد و اندر طول و عرض و عمق کشیده می شود و می فزاید چه مانعی است از آنکه هم بدین طریق فضله قبول کند و آماس گیرد و اگر دندان فضله و خلط بد قبول نکردی آنرا اندر گوهر او نفوذ نتوانستی بود. دندانها بعضی سیاه، بعضی سبز و بعضی کبود و بعضی زرد نگشتی و بعضی خورده نشدی و شک نیست که این رنگها ناطبعی است و از خلط بد تولید کند که اندر گوهر دندان نفوذ یا باد و آماس تولید کند و احوال مزاج دندان از گوشت بن دندان باید جست و از رنگ آن اگر سرخ باشد مزاج دندانها خونی است و اگر به زردی گراید صفرائی است و اگر سپید باشد بلغمی است و اگر رنگ تیره است سودایی است.

باب دوم از جزو سوم از گفتار پنجم

اندر تدبیر نگاه داشتن دندانها تا درست بماند آنرا که بتدبیر نگاه داشتن دندانها حاجت باشد تا درست بماند ده معنی را تیمار باید داشت یکی آنکه از تخمه و بسیار خوردن و معده را گران کردن پرهیز کنند و احتیاط کنند تا آنچه خورده باشند اندر معده تباه نشود و این چنان باشد که چیزهایی که زود اندر معده تباه شود چون شیر و ماهی نخورند و اندر طعام خوردن ترتیب نگاه دارند و هرچه لطیف تر و نازک تر و رقیق تر باشد نخست خورند از بهر آنکه هر چه لطیف تر باشد زودتر گوارد و برسر طعام غلیظ ناگواریده بایستد و کذر نیابد و تباه شود و آن غلیظ را تباه کند. و از پس ریاضت و رنج چیزهای نازک چون ماهی تازه کوچک و مانند آن نشاید خورد از بهر آنکه زود تباه شود و بخار انگیزد. دوم آنکه قی کردن بسیار عادت نکشند خاصه آنکه برآید ترش باشد.

سوم آنکه به دندان چیزهای سخت نکشند.

چهارم آنکه از خاییدن حلوا علک چون ناطف و غیر آن پرهیز کنند.

پنجم آنکه از ترشیا که دندان را گُند کند چون غوره و ترشی ترنج و مانند آن پرهیز کنند.

ششم آنکه چیزی سخت سرد یا سخت گرم نخورد خاصه از بس یکدیگر هفتم آنکه چیزها که دندان را و گوشت بن دندان را زیان دارد نخورد چون گند نا (کندنا) و جوز و خرما و غیر آن

هشتم آنکه چون طعام خورده باشند خلال کنند و میان دندانها پاک کنند و اندر خلال کردن چندان استقصا نکنند که گوشت بن دندان را بخراشد و رنج رساند.

نهم آنکه هر بامداد مسواک کنند و اندر مسواک کردن چندان استقصا نکنند که آب و جلای طبیعی از وی برود از بهر آنکه چون جلای طبیعی برود روی دندان درشت کردند و بخارها زودتر و بیشتر پذیرد و مسواک از چوبی نرم و طلخ باید. دهم آنکه هر وقت که قی خواهد کرد نخست دندانها را چرب کنند پس قی کنند و هر شب وقت خواب دندانها را به روغن چرب کنند تا بخارها بر وی نگیرد اگر مزاج دندان گرم است روغن گل مالند و اگر سرد است روغن بان (باز) یا روغن مصطکی مالند و غیر آن از روغنهای گرم و اولتر آن باشد که نخست دندانها با انگبین بمالند یا بشکر کوفته با انگبین بسرشند و بدان می مالند بهتر باشد و بعد از آن بر روغن چرب کنند و نباید دانست که سرخرگوش سوخته و کوفته اندر دهان مالیدن و نمک با انگبین سرشته و سوخته و ناسوخته مالیدن و شب یمانی بآتش بریان کرده و اندر سرکه کشته با اندکی مُر صافی مالیدن و بیغ نباتی که آن را یتوع گویند اندر شراب پخته بدان مضمضه کردن اندر هر ماهی دوبار این مضمضه بکار داشتن گوشت بن دندانها را سخت کند و مادتها را از بن

دندان پاک کند و دندان سلامت باشد و یتوع نباتی را گویند که او را بشکنند شیری از وی بیرون آید و نیز ببايد دانست که از بهر آنکه مزاج دندان خشک است داروها که او را بر مزاج خویش و تندرستی نگاه دارد خشک باید و اندر سردی و گرمی معتدل مگر آنرا که مزاج سرد یا گرم باشد از بهر بگردانیدن مزاج یا خشکی گرم یا سردی یابد.

و داروها که به دندان سودمند است و با خشکی سرد است صندلست و گل و سگ و کافور، کزمار، گلنار، چرم الاخوین، مازو، مروارید، فوفل، آرد جو، برگ گز، پوست درخت توت، بیخ حماض و داروها که با خشکی گرم است نمک سوخته است و شیخ سوخته و سُد و دارچین، زوفاء خشک، فقاخ اذخر، سروی گاو کوهی سوخته، اقراص بنفشه و ایارج فیکرا با تخم حنظل و حب قوقایا و حب شبیار (د) و آنرا که اندر گوشت بن دندان آماس باشد هم نخست بفصد و اسهال علاج باید کرد. و اگر مادهٔ علت گرم است آب عنب الثعلب و آب گشنیز تازه و آب لسان الحمل و مانند این دردها می‌باید گرفت و بدان مضمضه می‌کرد. و اگر حرارت سخت قوی باشد اندک کافور در این آبها حل باید کرد در جمله ابتدا علت داروها خنک که در وی قبضی و خشکی معتدل باشد در دهان می‌باید گرفت و بدان مضمضه می‌کرد پس به تدریج به داروهای تحلیل کننده آمدن و ماده را به تدریج از جای خویشتن بیرون آوردن و این را هفت طریق است یکی آنکه "زرو" که به تازی "العلق" گویند بر بن دندانها برافکنند یا رگ زیر زفان (زبان) بزنند یا زیر زنج حجامت کنند.

دوم آنکه داروهای تحلیل کننده در دهان می‌گیرند و بدان مضمضه کنند و می‌جنبانند.

سوم آنکه داغ کنند. چهارم آنکه داروها دود کنند. پنجم آنکه دارو در گوش یا در بینی چکانند. ششم آنکه داروها از بیرون خنک و قابض که اندر دهان گیرند و

بدان مضمضه کنند چون آب برگ موردتر است با سرکه و آب برگ زیتون با آب عنب‌الثعلب و سرکه که حب‌الاس در وی پخته باشند و چالوده و داروهایی که میل اعتدال دارد چون روغن گل است که مصطک در وی پخته باشند و روغن مورد که آن را به تازی "زیت‌انفاق" گویند و این روغنی باشد که از غوره زیتون کنند بعضی از زیتون سبز و روغن گل با شراب میویزی پخته چنین که دو بهر شراب باشد تا سه بهر و یک بهر روغن و بجوشند تا به نیمه باز آید و در دهان می‌گیرند و اگر درد عظیم باشد عاقرقرحا کوفته و بیخته با کافور بر بن دندان می‌نهند و اگر درد بی‌طاقت شود افیون اندر روغن گل بپزند و پنبه پاره (باره) بدان چرب کنند و بر دندان نهند یا فلونیا برنهند پس بتدارک آن مشغول شوند و تا ضرورت نباشد دست بدین نوع دارو نزنند و تدارک چنان باشد که از پس آن داروهای تحلیل کننده بکار دارند بتدریج

صفت معجونی که دندان را بی‌خبر کند و درد بنشانند: بگیرند تخم بنک و افیون و میعه و بارزد از هریک دو درمسنگ پلیل (بلبل) و انگزد شامی از هر یک، یک درم سنگ همه را بکوبند و "بعقید التحب" یعنی دوشاب بسرشند و بر دندان‌ها نهند و هیچ تدبیر از بی‌خبر گردانیدن دندان بهتر از آن نیست که آب سرد کرده ببرف و یخ در دهان می‌گیرند دمامد و چون فاتر شود می‌ریزند و دیگر باره می‌گیرند تا دندان بی‌خبر شود و درد بیارآمد و گاه باشد که از آب سرد نخست درد زیادت شود پس بی‌خبر گردد و درد ساکن شود.

و آن را که ماده علت و مزاج دندان سرد باشد نخست داروهای رادع بکار دارند یعنی داروها که ماده را بازگرداند و دندان را قوت دهد تا ماده، و پودنه سوخته و ناسوخته، ابهل وزراوند (زداوند) گرد، شحم حنظل، عاقرقرحا، سازج هندی، پوست بیخ کبر، کبر، عود، مشک، خرما و سوخته، سرخرگوش سوخته،

پرسیاوشان سوخته، خاکسترن، خاکستر بوره، مصطک، ابگینه سوخته، مازوء سوخته و اندر سرکه سرکشته معتدلست.

و داروهای آمیخته که بدان مسواک کنند و دندان‌ها بدان بمالند آن را سنون گویند و اندر علاجهای دندان اندر جایگاه خویش سنونهای آزموده یاد کرده آید ان شاء.. تعالی

باب سوم از جزو سوم از گفتار پنجم

اندر درد دندان: اسباب درد دندان انواع سوء المزاج است بی‌ماده و با ماده و درد که از سوء المزاج با ماده باشد سبب آن بسیاری ماده باشد. یا بدی ماده و تیزی آن یا غلیظی آن یا بادنکی آن و بسیار باشد که اندر میان دندان یا اندر بیخ او کرم تولد کند و مادیی که به دندان آید بیشتر حالتها از معده بسر برآید و از سر به دندان فرو آید ماده‌ای و آن را که ماده اندر همه تن باشد هم طریق رسیدن آن به دندان اینست که یاد کرده آمده و بسیار باشد که اندر بتهاء حاد محرقه دندان بدرد آید و سبب آن مشارکت دندان باشد اندر سوء المزاج یا همه اندامها، و این از غایت تیزی تب باشد و سبب خورده شدن دندان و ریزیدن و شکستن ماده‌ی تیز باشد که بدو فرو آید یا ترش گردد

علامتها

نخست نگاه باید کرد تا درد دندان اندر ریزگوشت دندان آماسی هست گرنه اگر آماسی بینند و اندر گوهر دندان بیخ آماس و کندی (گندی) و سستی و خورده شدن نباشد و رنگ او رنگ دندان‌ها درست باشد بپاید دانست که ماده علت اندر گوهر دندان نیست. اگر با آماس گوشت بن دندان اندر گوهر دندان از

این اعراض که یاد کرده آمده چیزی باشد بیاید دانست که ماده علت هم اندر گوشت است و هم اندر گوهر دندان و اگر اندر گوشت بن دندان آماسی نباشد و دندان گند شده یا سست گشته یا آماس کرده یا خورده شده و یا رنگ او بگردیده باشد بیاید دانست که علت اندر گوهر دندان است اندر گوشت بن دندان نیست و خداوند علت حس آن همی یابد که درد آن درازای (در ازای) دندان می برآید و اگر خداوند علت خبر دهد که از آن جانب که دندان دردمند است فک او بجمستگی درد می کند و حس اختلاج و اضطراب همی یابد بیاید دانست که ماده اندر عصبها است که بیخ دندان پیوسته است و سبب اختلاج و اضطراب حرکت شریان است که بدو نزدیک است یا بدو پیوسته است. اما علامتهای سوء المزاج آنست که اگر مزاج گرم باشد از باد خنک و آب سرد و داروهای سرد راحت یابد و اگر سوء المزاج سرد باشد و هوای سرد زیان دارد و از آب گرم راحت یابد و اگر ماده علت رقیق باشد منفعت داروها زود پدید آید و اگر غلیظ باشد درد با گرانی بود و منفعت داروها دیر یافته شود و اگر ماده بداناک باشد دردی خلنده با تمدد از جانبی به جای می شود و اگر سوء المزاج خشک باشد دندان باریک و لاغر شود و جای بیخ او به سبب باریک شدن او فراخ گردد و بدان سبب جنبان شود و این علت بیشتر پیران را افتد و آنرا که ماده علت در گوهر باشد چون دندان برکنند درد زایل شود و اگر اندر عصب باشد هم ممکن است که زایل شود از بهر آنکه چون دندان برکنده آمد جای بر آن ماده که طبیعت می خواهد که آنرا تحلیل کند فراخ کند و آن زحمت و فشردن که ماده را از دندان بود برخیزد و آنرا که ماده در گوشت و بن دندان باشد بدانکه دندان برکنند درد زایل نشود.

علاج: اگر درد بمشارکت همه تن باشد نخست تن پاک باید کرد بفصد و اسهال و گر بمشارکت دماغ باشد و فضله آن از سر بدو فرو آید بچیزی که آن

فضله را دفع کند، استفراغ باید کرد. چون را کمتر قبول کند چون "شب یمانی" بریان کرده و در سرکه گشته و نمک هر دو را نیمانیم بسایند و بر دندان نهند و "مازوی" سوخته در سرکه گشته برنهادن ماده را بازگرداند و دندان را قوت دهد و از پس این داروها مضمضه باید کرد بروغن گل و سرکه و یا بشراب انگوری و روغن گل و سرکه هم رادع است و هم محلل و روغن گل رادع کند و سرکه تحلیل کند و رطوبت را از بیخ دندان و از گوهر او بکشد و بدین سبب است که سرکه دندان را کند گرداند لکن چون با روغن گل باشد رطوبتهای اصیل را تحلیل نتواند کرد و کندی تولد نکند و از پس سه روز داروهای تحلیل کننده بکار دارند. و آن را که ماده علت بادناک باشد هم داروهای تحلیل کننده به کار دارند. چون "سکینج" و هزار اسفند و تخم باذیان و شحم حنظل و عاقرقرحا و انگزد و خردل و زرنباد و بیخ "فثالحمار" و کندس و سیر و مرزنگوش و "سعتر" و آنچه بدین ماند. و ارزن و نمک گرم کرده بخرقه‌ای درکنند و از بیرون برمی نهند تا ماده را از بیخ دندان بیرون کشد و آماس کند چون آماس کرد درد بنشیند و داروی تحلیل کننده آماس را زایل کند.

صفت ضمادی که از بیرون برنهند: بگیرند بابونه و خطمی و شبت و حلبه و تخم کتان همه را بپزند به آب یا به شراب تا چون خبیصی شود و از بیرون برنهند و روغن شبت و روغن بابونه گرم کرده اندر دهان گرفتن سود دارد.

محمدزکریای گوید روغن کنجد یا روغن گاو گرم کرده اندر دهان گرفتن سود دارد از بهر آن که عصبها را که به بیخ دندان پیوسته است و گوشت بن دندان را نرم کند و گرمی روغن ماده را تحلیل کند.

صفت داروی تحلیل کننده: بگیرند انگزد و خردل و اندر سرکه بجوشانند و بدان سرکه مضمضه کنند و اگر ماده سخت گرم باشد اندر شراب انگوری بزند و

شحم حنظل و عاقرقرا و گلنار از هر سه راستا راست در سرکه یا در شراب انگوری پخته تحلیل کننده است و از بهر آن که مزاج دندان که خشک است داروهای تحلیل کننده یا چیزی خشک و قابض بکار باید داشت چون گلنار و اقایا و مانند آن.

صفت مضمضه که تحلیل کند: بگیرند خریق سپید و عاقرقرا و شیطرج همه را نیم کوفته اندر سرکه بجوشانند و بدان مضمضه کنند.

صفت دارویی که محمد زکریا در کتاب حاوی می گوید: جماعتی گواهی داده اند بر آن که این دارو درد دندان ببرد. سیر پنج استار، گندر نیم مثقال، برگ مورد چندان که برکف دست کنند هر سه را بکوبند و در سرکه بپزند و به چوب صنوبر بجنبانند و در دهان گیرند و از پس این دارو روغن (ملسان) بلسان و جاوشیر بردندان نهند.

صفت داروی دیگر: بگیرند پوست بیخ کبر و زراوند گرد و عاقرقرا از هر یک دو درم سنگ و نیم همه را نیم کوفته در شراب و سرکه میزند چنین شراب یک بهر باشد و سرکه سه بهر بپزند تا نیمه بازآید و بپالایند و آن سرکه در دهان می دارند.

صفت داروی دیگر: بگیرند تخم حنظل دو مثقال، هزار اسفند چهار مثقال اندر سرکه یا اندر شراب بپزند.

صفت داروی دیگر که بخایند ماده را تحلیل کند: بگیرند پودنه کوهی و پلپل (بلبل) سپید و عاقرقرا هر سه را با میویدانه بیرون کرده، بسرشند و اقراص کنند و می خایند و لعاب از دهان می ریزند.

صفت سنونی که ماده غلیظ را تحلیل کند: بگیرند بلبل (پلپل) و میویج و عاقرقرا و زنجبیل از هر یکی دو درم سنگ، بورق سه درم سنگ همه را

بکوبند و دندان‌ها را بدان بمالند و تریاق اربعه و سجزینا و تریاق بزرگ بدن‌ان اندر گیرند.

جالینوس می‌گوید: جگر حیوانی که او را بتازی سام ابرص گویند بر دندان نهند درد دندان بنشیند و داغ کردن دندان از جملهٔ علاج‌های قوی و آزموده است خاصه آن را که ماده اند و که ماده اندر گوهر دندان باشد.

صفت داروهای داغ کردن: نخست داروهای تحلیل کننده اندر روغن زیت بپزند و جوال دوزی، گرم کنند و بدین روغن فرو زنند و ابتوبه‌ای بر دندان نهند و گرداگرد دندان بخمیر بپوشانند تا حرارت جوال دوز به دیگر جای نرسد پس جوال دوز بدان ابتوبه بگذارد و بر دندان نهد چند کرت و اگر روغن گرم اندر ابتوبه چکانند نیک باشد و بسیار باشد که حاجت افتد. که دندان سولاخ (سوراخ) کنند بپرمایهٔ باریک تا قوت دارو بدو رسد.

داروهای که بسوزند و دود کنند: همه تحلیل کنند باید چون تخم حنظل و بیخ حنظل و تخم پیاز خاصه اگر در بن دندان کرم باشد و سپندان و برگ سذاب و جعده و خردل و عاقرقرا و سُم خر صواب آن باشد که دارو بر آتش افکنند و قمع بر سر او فرو نهند و نایزه‌ی (نایژه) قمع بر دندان نهند تا دود به دندان رسد و آنرا که اندر گوهر دندان یا در بیخ او کرم باشد تخم کندنا (گندنا) و تخم بنگ یعنی "بزرالبنج" از هر یکی راستا راست بکوبند و با موم بمالند و بر آتش افکنند و دود آن به دندان رسانند چنانکه یاد کرده آمد تا کرم بیفتد و اندر بعضی نسخه‌ها درمی و دانگی و نیم تخم پیاز فرموده‌اند و با این هر دو تخم و بعوض موم پیه بز فرموده‌اند و هر دو صوابست و مقدار آنچه بیک دفعهٔ سوزند یک درم سنگ باشد.

داروها که اندر بینی چکانند: هم تحلیل کننده باید چون آب قثاء الحمار و عصاره اصل چکندر (جگندر) و آب مرزنگوش و هم این آب بدان گوش که از جانب چپ دندان دردمند باشد اندر چکانند خاصه آب کبر و آنرا که اندر دندان کاواکی باشد انگزد و سجزنیا و تریاق بزرگ و شونیز بریان کرده و بسرکه سوده و بلبل (پلبل) و عاقرقرا کوفته و بایبیزد (پیزرد) سرشته و مرصافی سوده و بقطران سرشته و شونیز و میویزج و تخم بنگ کوفته و با بیبیزد سرشته آنچه حاضر باشد از این داروها بدان کاواکی اندر نهند و کاواکی را بدارو چنان آکنده بکنند که درد زیادت شود لکن باندازه باید که دندان از دارو بخور نشود.

صفت داروهای دیگر: که بکاواکی دندان فرو نهند درد نشیند و دندان را نگاه دارد تا دیگر خورده نشود. بگیرند قطران و با انگبین گرم کنند و پشم پاره بدان تر کنند و به دندان کاواک اندر نهند.

صفتی دیگر: بگیرند سک خالص و مصطکی راستاراست و هر دو را بسایند و به دندان اندر نهند و آهنی گرم بر سر دندان نهند تا مصطکی بگذارد و تا مدتی آنجا بماند.

صفتی دیگر: بگیرند عاقرقرا و افیون و زعفران هر سه را با انگبین و قطران بسرشند و به دندان اندر نهند.

صفتی دیگر: زنجبیل بکوبند نرم و با سرکه و انگبین بیامیزند و به دندان اندر نهند و "فلونیا" پارسی اندر نهادن درد بنشانند و خواب آرد و ببايد دانست که سبب کاواک شدن دندان تیزی ماده باشد که بدو فروآید و او را بخورد. و اگر ماده اندک باشد یک دندان بیش کاواک نکند این داروها خشک کننده برنهادن کفایت باشد. و اگر ماده بسیار باشد نخست تن و دماغ پاک باید کرد پس دندان را علاج کردن و کافور اندر بن دندان مالیدن و به دندان اندر گرفتن خوردگی و کاواکی دندان را

بگذارند که فراخ باز شود و خریق سیاه کوفته و بیخته و با انگبین سرشته بدان کاواک فرو نهادن دندان را از شکستن و ریزیدن نگاه دارد و لبعه بربری و بیخ بنگ اندر شراب پختن و آن شراب اندر دهان گرفتن سود دارد. و آنرا که سبب درد دندان خشکی و لاغری دندان باشد پیوسته دندانها را پیه بط و پیه مرغ و مسکه می باید مالیدن و آنرا که سبب درد دندان آماس بن دندان باشد تأمل باید کرد تا ماده گرم است یا سرد و بیشتری ماده آن خون باشد و رطوبت نیز بسیار باشد اما آنرا که نشانهای خونی ظاهر باشد نخست رگ قیفال زنند و اسبغول (اسبغول) بسرکه تر کرده اندر دهان گیرند و بر جایگاه آماس نگه دارند و داروهای خنک که یاد کرده آمده است بکار دارد پس اگر سه روز بگذرد و آماس فرو نشیند آب گرم و خوردنی گرم و روغن گرم کرده به آتش اندر دهان می گیرد تا آماس را بپزاند و ریم بیرون آید و پاک شود.

آنرا که نشانهای رطوبت ظاهر شود نخست ایارج فیکرا دهند و نمک سوده به سرکه ترکند و بر آن موضع نهند و نگاه می دارند تا بگذارد و چون بگذاخت از دهان بیفکند و گذارند که به حلق فرو شود و دیگر باره برنهند و داروهای تحلیل کننده که یاد کرده آمده بکار می دارد و تریاق بزرگ و سجزینا طلی می کنند.

باب چهارم از جزو سوم از گفتار پنجم

اندر شکستن و ریزیدن دندان: سبب ریزیدن و شکستن دندان دو نوع است یکی آنکه خشکی بر وی غالب گردد و اندر گوهر او رطوبت نماند. دوم آنکه رطوبتهای بد اندر گوهر او گرد آید و مزاج و گوهر او تباه و سست کند فرق میان هر دو آنست که خشکی غالب شده باشد دندان لاغر و باریک باشد و آنرا که رطوبتهای بد گوهر او را تباه کرده باشد یا رنگ او بگردیده باشد یا سطرتر و بالیده تر گشته باشد.

علاج: آنرا که خشکی غالب شده باشد پیوسته روغنهای نیم گرم کرده اندر دهان می باید گرفت و مسکه و پیه بط طلی کردن و غذاهای تری فزاینده خوردن و آنرا که رطوبتها گوهر دندان را تباه کرده باشد علاج او آنست که بداروهای قابض ماده را از وی بازدارند و گوهر او را بدین داروها قوت دهند تا ماده کمتر پذیرد. و داروهای قابض چون "شب یمانی" است و مازوی سوخته و هر چه اندر باب گذشته یاد کرده است و بعد از آن داروهای تحلیل کننده بکار دارند و خربق سیاه و انگبین چنانکه اندر باب گذشته یاد کرده آمده است سخت مانع است.

صفت سنونی که دندانها را قوت دهد: بگیرند سعد سه درم سنگ، هلیله ی زرد پنج درم سنگ، قرفه پانزده درم سنگ، دارچین پانزده درم سنگ، شب یمانی دودرم سنگ، عاقرقرا هفت درم سنگ، نوشادر یک درم سنگ دار بلبل (پلبل) یک درم سنگ، سک یک درم سنگ، زعفران دو درم سنگ، نمک پنج درم سنگ، سماق دو درم سنگ، گزمازو سه درم سنگ، قافله چهار درم سنگ، زرنباد شانزده درم سنگ، گلنار چهار درم سنگ همه را بکوبند و دندانها بدو می مالند.

صفت سنونی دیگر: بگیرند کشک جو نیم کوفته و آنرا به عسل و اندکی قطران آلوده کنند و اندر کاغذ پیچند و بر خشتی پخته، اندر تنوری که آتش کرده باشند نهند تا سیاه شود پس آنرا بردارند از وی یک جزو، عود خام و گلنار و سعد و نار پوست و نمک از هر یک جزو همه را بکوبند و بکار دارند.

باب پنجم از جزو سوم از گفتار پنجم

در جنبیدن دندانها: اسباب جنبیدن دندانها چهار نوعست: یکی بسیاری رطوبت اندر بیخ عصبها و رباطها که او را سخت دارد. دوم آنکه بن دندان یا گوشت که بدو پیوسته است تا کنار استخوان که دندان از وی رسته است خورده

شود تا بدان سبب دندان جنبان شود. سوم آنکه خشکی غلبه کند و دندان لاغر و باریک شود چنانکه پیران را و ناقهان را و کسانی را که مدتی گرسنگی کشد و غذا نیابد. چهارم زخمی و آسیبی که بر وی آید.

علامتها: آنرا که سبب بسیاری رطوبت باشد دندانها فربه باشد و آنرا که سبب خشکی باشد دندانها لاغر و باریک باشد و آنرا که سبب خورده شدن گوشت بن دندان و خورده شدن کنارها (لبه) آن استخوان باشد که دندان از وی رسته است به چشم نتوان دید و آنرا که زخمی و آسیبی رسد به جستن سبب حاجت نیاید.

علاج: نخستین کاری اندر علاج آنکه دندانها جنبان شود آنست که سخن گفتن بسیار و از خاییدن طعامهای سخت پرهیز کنند و بدست و زفان (زبان) آنرا نجنبانند. اما اگر سبب بسیاری رطوبت باشد علاج به داروهای گرم و قابض کنند چون شراب میویزی که شب یمانی و چند مقدار نیمه وزن شب، نمک اندر وی پخته باشند بدین شراب مضمضه کردن و سکنجبین و سکینج اندر شراب پختن با برگ سرو و بدان مضمضه کردن و اندر دهان نگاه داشتن و دو درم سنگ شب یمانی و یک درم سنگ نمک سوده بر بن دندانها مالیدن.

صفت داروی قابض: بگیرند گلنار و پوست انار ترش از هر یک شش درم سنگ، زرنیخ سرخ و شب یمانی از هر یکی سه درم سنگ، گل سرخ و سماق از هر یک هشت درم سنگ، سنبل و اذخر از هر یک دو درم سنگ همه را بکوبند و بر بن دندانها کنند.

داروی دیگر: بگیرند سماق و انار پوست ترس و استخوان هلیه زرد میان دندانها و بن دندانها کنند. و اگر این علاجها اثر نکند داغ باید کرد چنانکه اندر علاج درد دندان یاد کرده آمدست. و بسیار باشد که هیچ اثر منفعت ظاهر نشود و

حاجت بدان آید که دندان‌های جنبان را بسیم کشیده به دندانیکه سخت باشد باز بندند این همه پس از آنکه با یارج فیکرا استفراغ کرده باشند.

صفت داروی دیگر: بگیرند نمک سوده و به انگبین سرشته و خرقه کتان پیچند و در گل گیرند و در زیر آتش کنند تا سرخ شود پس آن نمک از میان گل و خرقه بیرون کنند و بکوبند و از این نمک ده درم سنگ و خاکستر گز ده درم سنگ و زعفران و مُر و سنبل و مصطکی از هر یکی دو درم سنگ، سذاب خشک و سماق و گلنار از هر یکی سه درم سنگ همه را بکوبند و در میان دندان‌ها می‌کنند و اگر سبب لاغری و باریکی دندان از غلبه خشکی باشد علاج آنست که در باب گذشته یاد کرده آمده است و روغن گل با روغن بید نیم گرم کرده بگوش اندر چکانند و آنچه پیران را افتد از این نوع علاج پذیر نباشد. و آنچه خر پیران را افتد هم عسر باشد از بهر آنکه دندان بزودی فربه نشود پس اولی تر آن باشد که آنرا بداروی قابض علاج کنند و آنرا که سبب زخمی و آسیبی باشد هم بداروهای قابض علاج باید کرد. و آنرا که سبب خورده شدن گوشت بن دندان باشد یا خورده شدن کنارهای آن استخوان که دندان بر وی رستست علاج خورده باید کردن چنانکه در جایگاهش گفته آمده است.

باب ششم از جزو سوم از گفتار پنجم

اندر تغییر لون دندان‌ها

اسباب تغییر لون دندان‌ها دو نوع است یکی آنکه بخارها بر ظاهر دندان‌ها نشینند و دندان بدو اندود شود و بسیار باشد که اگر آنرا بمسواک پاک نکنند بر ظاهر دندان بماند و سفال گردد. دوم آنکه خلطی بد در گوهر دندان گذر یابد و غذا او گردد و رنگ گوهر او بگرداند.

علاج: نوع نخستین را بیش از آنکه سفال گردد بمسواک زایل توان کرد و آنرا که سفال گردد ببايد تراشيد و آنچه اندر باب نگهداشتن دندان یاد کرده آمده است چون مسواک کردن بامداد و شبانگاه وقت خواب، دندانها چرب کردن و سنونها بکار داشتن.

صفت سنونی که دندانها را بزدايد: بگيرند کفک دریا و نمک با عسل سوخته چنانکه در باب گذشته یاد کرده آمدست و نمک اندرانی و صدف سوده و زراوند گرد خاکستری بیخ نی و جو سوخته و سفال چینی و صدف سوخته دندانها را بدان می باید مالید و مسحونیا آبگینه کوفته و نرم کرده و سنباده این همه آنست که دندان در ساعت سپید کند و بزدايد و سنونی که در باب علاج بوی دهان یاد کرده آمدست سخت نیکست و اگر زردی و رنگهای دیگر که بر دندان پدید آید پس قوی باشد زنگار با عسل بسرشند و دندانها را بدان بمالند. و اگر مسحونیا و مانند آن با وی بیامیزند زودتر پاک کند.

صفت دارویی که سیاهی دندانها را بزدايد: قنبیل ده درم ینگ بلبل (پلبل) چهار درم سنگ، حماما سه درم سنگ، ساذج هندی سه درم سنگ، مازوی سوخته دو درم سنگ همه را بکوبند و دندانها را بدو بمالند و در نسخه دیگر مازونیت و عوض آن حضض سوخته است هشت درم سنگ اما نوع دوم را که یکی دندان با دو رنگ بگردانیده باشد بسنونها علاج باید کرد لکن اگر بیشتر باشد علامت بسیاری ماده باشد و بسنن کاربر نیاید نخست تن را پاک باید کرد به حب فوقایا و حب صبر ایارج فیکرا و مانند آن و به آب کامه و ایارج فیکرا غرغره کردن، پس علاج دندان کردن و سنونها بکار داشتن.

صفت سنون که ماده را از گوهر دندان تحلیل کند و ظاهر او را بزدايد: بگيرند. سُد پنج درم سنگ، سنبل یک درم سنگ، بلبل (پلبل) شش درم سنگ،

قسط زراوند گرد و انگزد از هر یک، یک درم سنگ، کفک دریا و مسحونیا و شحار (شخار) و سنباده از هر یک دو درم سنگ و آن دارو که از بهر سیاهی دندان یاد کرده آمدست اندرین موافق باشد باذن...

باب هفتم از جزو سوم از گفتار پنجم

اندر کندی دندانها: که به تازی ضرس گویند، اسباب کند شدن دندانها دو نوعست، یکی آنکه چیزی قابض و عفص یا چیزی ترش بغایت ترش خورده باشد. دوم آنکه اندر معده رطوبتی ترش باشد و بقی برآید یا اگرچه بقی برنیاید بخار آن دندانها را کند می‌دارد و علامت وی آروغ ترش است و بسیاری آب دهان و ترشی قی.

علاج: آنرا که سبب خوردن چیزهای عفص و ترش باشد اگر مزاج دندان و مزاج خداوند عارضه گرمست برگ و ساقه‌ی "خرفه" و با "ذروج" خاییدن سود دارد و اگر برگ و ساق خرفه حاضر نباشد تخم او نیم کوفته و تر کرده به جای او باشد و به شیرخرما به زیت انفاق نیم گرم کرده مضمضه کند و در دهان نگه می‌دارد.

و اگر مزاج گرم نیست دندان بر مغز گوز فندق و گوز هند و مغز بادام طلخ گرم کرده برنهادن سود دارد و علک الانباط (الانباط) و موم زرد خاییدن و دردی زیت که بنگان (پنکان) مسین بر آتش نهاده باشند یا در آفتاب تا سطر شود، مالیدن سود دارد و آن را که سبب بلغم ترشی اندر معده، نخست معده را پاک باید کرد بقی و با یارج فیکرا و معجون فندادیقون به کار داشتن چنان که در علاج معده یاد کرده آید و حب الفار (الغار) و مغز بادام طلخ و زراوند طویل و حلتیت و نمک طعام و قیرخب شراب و "لبن الیتوع" که آنرا تریاق بوشنجه می‌گویند،

خاییدن و در دندان‌ها مالیدن سود دارد و روغن بلسان و روغن باز مالیدن سخت نافع بود باذن ا....

باب هشتم از جزو سوم از گفتار پنجم

در ضعیفی و آب گذاشتن دندان: "حالی است او را که اگر طعامی و شرابی گرم یا سرد بدو رسد طاقت آن ندارد و هیچ طعامی سخت نتواند خاییدن و این حال بیشتری از مزاج سرد افتد و گاه باشد که مقدمه درد دندان بود.

علاج: نان گرم و زرده خایه مرغ بریان کرده اندر دندان گرفتن و داشتن سود دارد و حب الفار و زراوند طویل و شب یمانی در بن دندان‌ها مالیدن و با ایارج فیکرا مسواک کردن سود دارد.

و اگر بدین کفایت نشود تریاق بزرگ و روغن بلسان مالیدن و روغن خردل گرم کرده مالیدن و در دهان داشتن سود دارد و اگر سبب این شخصی را گرمی مزاج دندان باشد لون گوشت بن دندان و دیگر حالها بر آن گواهی دهد وی را روغن گل در دهان می‌باید داشت و به صندل و اندکی کافور دندان‌ها را مالیدن و برگ و ساق خرفه او خاییدن علاج باید کرد نافع باشد باذن ا... تعالی

باب نهم از جزو سوم از گفتار پنجم

در تدبیر دندان کودکان تا به آسانی برآید: تدبیر آسان برآمدن دندان کودک آنست که ارک (اروک) او را یعنی آن موضع را که بر رستنگاه دندانست به چیزهای نرم و چرب می‌مالند چون پیه بط و پیه مرغ و مسکه و مغز خرگوش پخته

خواجه ابوعلی سینا رحمه الله... در کتاب قانون حکایت می‌کند که طیبیان گذشته گفته‌اند اگر شیر سگ اندر ارک (اروک) کودک بمالند آنرا خاصیتی است در این باب و هر گاه که دردمند شود عصاره عنب الثعلب و روغن گل بهم بزنند و نیم گرم کنند و انگشت بدان چرب کنند و به آهستگی بر ارک (اروک) او بمالند و نباید گذاشت که چیزی خاید تا ماده دندان به تحلیل خرج نشود و هرگاه که دندان پدید آمد سر و گردن و بنا گوش و "منه" او چرب دارند و اگر قطره روغن نیم گرم کرده اندر گوش او چکانند روابد.

باب دهم از جزو سوم از گفتار پنجم

اندر تدبیر دندان بزرگان: تا آنچه افکندنی باشد به آسانی بفکند چون کار بدان رسد که دندان بیاید افکند صواب آن باشد که گوشت بن دندان بیاززند (بیازانند) پس داروها برنهند تا قوت دارو زودتر به بیخ او رسد اما داروها که بیخ دندان را سست کند از این نوع باشد بگیرند پوست درخت تو (توت) و عاقرقرا بکوبند نرم و در آفتاب نهند و به سرکه می‌سایند تا چون انگبین شود هر روز سه بار بر بن دندان طلی کنند و دندان‌های دیگر به خمیر مایه چیزی دیگر پوشیده باشند.

صفتی دیگر: عاقرقرا با بیخ قثاءالحمار کوفته و بیخته به سرکه بسرشند و چهل روز در آفتاب نهند و هر روز می‌جنبانند و اگر سرکه خشک شود زیادت می‌کنند باید که پیوسته بقوام انگبین باشد پس یک قطره از وی بر بن دندان نهند پس از آنکه آرده (آژده) باشند و یک ساعت صبر کنند پس دندان را بیازمایند و بکشند. اگر به آسانی برآید بها (افبها) و نعمه و اگر نه دیگر روز و سه دیگر روز

همچنین برنهند تا برآید بی رنج. و زرنیخ سرخ به سرکه پرورده هم برین صفت بیخ دندان را سست کند و آسان برآید و دردی سرکه همچنین سست کننده است.

صفت داروی دیگر

بزرالابخره و بارزد راستاراست بهم سرشند و برگ انجیر ترسه بار چندان همه را بکوبند و ببیزند چنانکه به قوام انگبین باشد و طلی کنند.

داروی دیگر: بگیرند پوست درخت "تو" و پوست بیخ کبر و زرنیخ زرد و عاقرقرا و زرد چوبه ئ شبرم و بیخ قنالحمار از هر یک راستار است همه را کوفته و بیخته به سرکه بسرشند و سه روز بنهند پس طلی کنند.

داروی دیگر: بگیرند بیخ یتوع دو جزو شیرهی یتوع یک جزو و بیخ قیصوم یک جزو هر سه را بهم بزنند و طلی کنند یتوع نباتی را گویند که وی را بشکنند شیری از وی بیرون آید لکن شیرم قوی ترست و این نبات که در خراسان از شیرۀ او صمغی حاصل می شود که آن را تریاق گویند و شیرۀ انجیر خام هم قوی است و اگر آرد گندم بشیرۀ یتوع بسرشند و بر دندان نهند دندان را بریزاند و هر بار سه ساعت نباید داشت تا مقصود حاصل شود و پیه صنفدع که بر درختان گردد و اندر میان گیاه ماوی دارد و پشت او سبز باشد ریزاننده است و منفعت دندان افکندن و ریزانیدن آن است که دندانی درد کند و بیخ او محکم باشد و او را نتوان جنبانید که در وی عظیم تولد کند و به ضرورت می باید کند و کندن خطر باشد از بهر آنکه دندان محکم را جنبانیدن دردی عظیم تولد کند و تب و صداع و درد چشم آرد و باشد که کنار فک بشکند و برهنه کند پس اگر تدبیری کنند که آسان بیفتد از این خطرها ایمن باشند.

باب دوازدهم از گفتار نخستین از کتاب قرافادین

درداروهای دندان

داروها که بدان مسواک کنند آفتها از دندان باز دارد: سرگین خرسوخته و کوفته و بیخته، شب یمانی بریان کرده باندکی مر مضمضه بشراب انگوری بیخ یتوعات در وی پخته باشند.

داروهای خشک و معتدل که درد بنشانند

عصاره برگ مورد تر، عصاره برگ زیتون بآب غلب الثعلب، سرکه حب الاس در وی پخته، روغن گل، مصطک در وی جوشانیده، روغن زیت، روغن گل باسه وزن آن، شراب میویزی جوشانیده تا بنیمه باز آید، عاقرقرا با کافور آمیخته، روغن گل افیون در وی جوشانیده، روغن گل با سرکه جوشانیده، روغن گل با شراب انگوری جوشانیده، فلونیا.

داروهای گرم که درد دندان بکشد

سکنجین، هزار اسفند، تخم بادیان، شحم حنظل، عاقرقرا، انگزد، خردل، زرنباد بیخ قثالحمار، کندش سیرسعت، خربق سپید، شیطرج، پوست بیخ کبر، زراوند گرد، میویزج، پودنه کوهی، پلپل سپید، تریاق اربعه، زنجبیل، سجزینا، تریاق بزرگ تکمید بنمک گرم کرده، روغن کنجد گرم کرده در دهان داشتن خاصه روغن شبت و روغن بابونه.

داروهای که بسوزند و دود کنند

شحم حنظل، بیخ حنظل، تخم پیاز، سپندان، برگ سذاب، جعده، خردل، عاقرقرا، سم خر پخته، گندنا، برزالبنج

داروهایی که در بینی چکانند

عصاره فثالحمارتر، عصاره بیخ چکندر، آب مرزنگوش، آب کبرنز.

داروهای کاواکی

سجزنیا، تریاق بزرگ، شونیز بریان کرده و بسرکه پرورده، پلپل، عاقرقرا با بیرزد سرشته، مرباقطران سرشته، شونیز، میویزج، وبرزالبنج با بیرزد سرشته، عاقرقرا و افیون و زعفران هر سه با قطران سرشته، زنجبیل با سرکه و انگبین سرشته، فلونیاء فارسی، کافور.

داروهای جنیدن دندان

گلنار، پوست انار ترش، زرنیخ سرخ، شب یمانی، گل سرخ، سماق، سنبل اذخر، دانه هلیله زرد، سک، مازو، گزمازو، نوشادر نشاسته، نمک سوخته، خاکستر گز، زعفران، مَر، مصطکی، سذاب.

داروهایی که دندان را سپید کند

سفال چینی، مسحقونیا، آبگینه فرعونى، سنباده، کفک دریا، نمک اندرانی، صدف سوخته، زراوند گرد، خاکستر بیخ نی، جو سوخته، پلپل، ساذج، نوشادر، مازوسوخته، حضض سوخته، قنبیل، حماما

داروهایی که مادتها از گوهر دندان بیارد

سعد، سنبل، پلپل، میویزج، قسط، زراوند گرد، انگزد، کفک دریا، مسحقونیا، شخار، شحم حنطل، عاقرقرا، سنباده.

داروهای ضعیفی و کندی (و آب گذاشتن) دندانها

اما خداوند مزاج گرم را برگ خرفه و تخم او نیم کوفته و تر کرده، با ذروح، شیرخر، زیت انفاق، مزاج سرد را مغز گوز کرده، مغز بندق، بادام گوز هند، و زرده خایه مرغ، دردی روغن زیت اندر دیک مسین بر آتش نهادن تا سطر شود یا در آفتاب، و علک الانبا، موم زرد، حب الغار، مغز بادام طلخ، زراوند طویل، حلتیت، نمک، قیرخم شراب، تریاق بوشنجه، روغن بلسان، روغن بان، روغن خردل.

داروهایی که بهنگام دندان برآمدن طفل بکار آید

پیه مرغ، پیه بط، مسکه، مغز خرگوش، شیر سگ، عصاره غنبل الثعلب با روغن گل آمیختن

داروهایی که دندان بیفکند

پوست درخت خرتوت با عاقرقرا بسرکه سوده و در آفتاب پرورده، بیخ قثالحمار پرورده و زرنیخ بسرکه سوده دردی سرکه، بزرالابخره، بیرزد، برگ انجیرتر، بیخ یتوع نز، بیخ قيصوم، شیر یتوع، پیه صفدع (صفدع مرغری) که بر درختان گردد. قنبیل گرم و خشکست بدرجه سوم، جعده از جنس شیخ است و دو نوع است، بزرگ و خرد اما خرد گرمست بدرجه سوم و خشک بدرجه دوم و بزرگ گرم و خشکست بدرجه دوم لطیف کننده است، همه سُد (ه)های باطن را بگشاید. با سرکه برسپرز ضماد کنند، آماس و صلابت را ببرد. بول و حیض باز گرفته را بگشاید و حب القرع را بکشد. قطران: گرم و خشکست بدرجه چهارم و درد دندان و کاواکی باز دارد و کرم روده و شپش را بکشد و حیض فرو آرد بعنوان ... و منه.

باب نهم از گفتار نخستین از قرافادین

در داروهای دهان و لب و گوشت بن دندان

داروهای طرکیدگی

روغن بنفش و نیلوفر در ناف و مقعد مالیدن، کفک خیار با درنگ بر لب طلی کردن، لعاب اسپغول کشکاب، لعاب سپستان مسکه خوردن و طلی کردن پیه گوساله، پیه مرغ خانگی مازو بسرکه سوده اسفیداج نشاسته کتیرا موم مردسنگ مصطکی، علک البطم، زوفاءنر، روغن گل شادنج، زردچوبه، سم بز سوخته، عنبر در روغن بلسان یا روغن بان گذاخت.

داروهای که خورۀ گوشت بن دندان ببرد

مضمضه بطیخ، سماق، گل سرخ و سرکه و حب الاس دروی پخته، شب یمانی بریان کرده و در سرکه گشته، نمک سوخته و ناسوخته، طریخومانس سوخته با گل سرخ عدس مازو و انار، پوست گزمازو و گلناز، گوز سرو، نوشادر، قلقطار قلقدیس قرطاس سوخته، زعفران، کندر، برگ مورد، پودنۀ دشتی، عاقرقرا، زرنیخ، مر، خل العضل اسفیده ارزیر آهک بسرکه گشته، حنا، توتیا، بغوره پرورده قرط طرائیب خبث الحديد.

داروها که گوشت بن دندان سخت کند

گل سرخ با اقماع جفت بلوط، گلنار خرنوب نبطی سماق بلبل سیاه.

داروهای دمیذگی دهان

گلنار گل سرخ، آرد عدس، سماق صندل سپید، کافور، حنا، سعد، شب یمانی، خرنوب نبطی برگ زیتون خشک، نشاسه، گزمازو و نار پوست آب عنب الثعلب خشک، اقاکیا، حضض بسرکه پخته هلیله زرد، قلقطار ایرسا، زعفران،

نوشادر، قطران، زرنیخ سرخ و زرد، بوره، طعام زاگ کفشگران، مامیران، کبابه، قاقله حمض، برگ خرفه، برگ زرشک، طباشیر.

داروهای آب آمدن از دهان

صندل سرخ و سپید، شیاف، مامیثا، بوش درنبدی بآب گشنیزترو به آب کسسه و گلاب و اگر آماس بلغی بود شبت بابونه، اکلیل المک.

داروهای آب آمدن از دهان

رَبّ آبی ترش، سیب ترش، انبرود چینی، شراب غوره، شراب انار، مُصون دُراج و مانند آن مضمضه بآب سماق و عدس، ایارج فیکرا، نمک هندی، انیسون، نانخواه تریاق بزرگ، گوارش‌های گرم، سیر، خردل، فلفل، زیره، دارچین، نان خشک با آب کامه، نمک درشتی کسسه، اطرفیل کوچک.

داروهای بوی دهان

سرکه و گلال سرکه عنصل، عاقرقرا، گزمازو، فوفل، پوست ترنج، قرنفل، سداب، شادنج هندی، سعد، مصطکی، عود خام، کبابه، جوزبوا، قاقله، زنجبیل، کندر، فلنجمشک، بسباسه، میویزج، اقراص زعفران، زرنیخ، صبر. سنونها که در کتاب معالجات یاد کرده آمدست. اما داروهای اقراص اینست زاگ سوخته، بیخ سوسن، زعفران، انگبین، قرطاس سوخته، زرنیخ، نمک سماق، زنجبیل، پلپل سوخته، اقراص فالنجیون.

داروها

شخارمسحقونیا، نمک اندرانی جو سوخته، عدس سوخته، سنبل گزمازو، حب الّاس، عاقرقرا، شب یمانی بریان کرده و در سرکه گشته، کفک دریا، سفالچینی.

داروهای جبهها

سعد، کبابه، مشک، کافور، قرنفل دارچینی، خاولنجان، فوفل نار، مشک هال، فلنجمشک، پوست ترنج برگ ترنج.

شادنج ناشسته: گرمست بدرجه اول و خشک بدرجه دوم و شسته سردست بدرجه اول و خشک بدرجه سوم، گوشت فزونی و گوشت عفن را بخورد.
زردچوبه: گرم و خشکست بدرجه دوم و سخت زداینده است.
آهک شسته: خشک کننده است و در حرارت معتدل است گوشت فزونی و پلید را بخورد.

حنّ: سردست بدرجه اول و خشک بدرجه دوم، در وی قوتی است تحلیل کننده و قوتی خشک کننده و قوتی گشاینده بدین سبب و قوت دهنها و رگها بگشاید، روغن آنرا قوتی است گرم و نرم طبیخ آن سوختگی را سود دارد و برگ آن ریشها را خشک کند.

توتیا: سردست بدرجه اول و خشک بدرجه دوم مغسول همه ریشها را سود دارد تا ریش سرطان را.

قرط و طرائیب: قوت آن همچون قوت گلنار است قابض است، حرکت خون باز دارد همه اندامها.

خبث الحديد: خشکست بدرجه سوم.

مامیران: گرم و خشک باآخر درجه دوم زداینده و پاک کننده است.

کبابه: کبابه را قوتی است همچون قوت روناس لکن کبابه لطیفتر است و گفتند در وی قوتی سرد کننده است و حقیقت آنست که گرم و خشکست. بدرجه دوم عفونت گوشت بن دندانها را وقلاع عفن را پاک کند.

قافله: بزرگست و کوچک است هر دو گرم و خشکست بدرجه سوم در وی قوتی قبض کننده است.

خاولنجان: ماسرجویه گویند خسرودار و اینست گرم و خشک بدرجه دوم محلل است بوی دهان خوش کند.

هال: خیر بواسط لطیفتر از قافله است گرمست بدرجه سوم معده را سود دارد بوی دهان خوش کند.

باب بیست و ششم از گفتار دوم از قرافادین

در داروهای دهان و کام و زفان و ملازه

صفت دارویی که گرانی زفان ببرد

بگیرند نوشاذر، پلپل، عاقرقرا، خردل، سپید راستار است همه بکوبند، بپزند چند بار زفان را بدان بمالند خاصه بن زفان و زیر زفان.

صفت داروی دیگر سستی زفان ببرد

بگیرند دارچینی حماما، سنبل، از هر یکی سه درم سنگ سازج هندی، نانخواه زراوند طویل تخم کرفس، تخم شبت از هر یکی ده درم سنگ، مصطکی، سیسالپتوس از هر یکی یک درم سنگ، به آب گرم یا شراب کهن.

صفت داروی دیگر ملازه را بجای بازآرد

بگیرند گلنار چهار درم سنگ شب یمانی دو درم سنگ، نوشاذر نیم درم سنگ، زعفران نیم درم سنگ، کافور دانکی رامک یک درم سنگ، همه بکوبند و بپزند و در مغزه میل کنند و در زیر ملازه برند. چنانکه ملازه بر کفچه نشیند و بردارند و یک زمان همچنان بدارند پس کفچه بیرون آرند و بلعاب بزر قطوتا و خطمی و مانند آن مضمضه کنند.

صفت داروی دیگر

بگیرند انگزد دو درم سنگ و نیم شب یمانی یک درم سنگ هر دو بسایند و به انگبین بسرشند، یمیل برگیرند و بملازه بردوسانند (رسانند)

صفت داروی دیگر ملازه را بجای باز برد

بگیرند مازو سه درم سنگ نوشاذر، نمک اندرانی از هر یکی درم سنگ بکوبند و ببیزند و همچون داروی دیگر بکار دارند.

صفات داروی دیگر ملازه فروآمده را و خناق راسود دارد

بگیرند گوز سرو (جوز سرو سه درم)، نمک اندرانی و نوشاذر از هر یکی دو درم سنگ سماق، مازو، اقماع الرمان، افاقیا، عصاره لویه التیس از هر یک چهار درم سنگ شب یمانی یک درم سنگ مامیران، حضض، گرمازو گل سرخ گلنار، رماد الخطاطیف، شاف مامیثا از هر یکی سه درم سنگ قیصوم سوخته دو درم سنگ همه بکوبند و ببیزند و بغمره میل بملازه رسانند و از جهت خناق بخلق دردمند.

صفت داروی دمیذگی دهان را که از گرمی بود سود دارد و دمیذگی دهان

بتازی القلاع گویند

بگیرند شاف مامیثا، لسان الحمل، طباشیر، بزوالورد، هلیله، گلنار، برگ زیتون، گرمازو و شب یمانی راستا راست بکوبند و ببیزند و بشب در دهان باشند.

صفت داروی دیگر قلاع سیاه را

بگیرند زیتون (برگ ماذریون)، برگ علیق اقا قیا از هر یکی ده درم سنگ، شب یمانی چهار درم سنگ، بیخ سوسن سی درم سنگ، سعد چهار درم سنگ، زعفران یک درم سنگ، همه بکوبند و ببیزند و در دهان باشند.

صفت داروی دیگر برها را که بر گوشت بن دندانها برآید و خورده را سود دارد

بگیرند مازو، پوست انار ترش از هر یک ده درم سنگ، شب یمانی و عاقر قرحا از هر یکی هشت درم سنگ، گل سرخ، سک گزمازو، سماق، نمک هندی از هر یکی چهار درم سنگ همه بکوبند، بوقت حاجت بکوبند و در باشند.

صفت داروی دیگر خورده را و خون آمدن سود دارد

بگیرند نوشادر، بیخ سوسن سرخ، آهک مازو راستار اقراص کنند و از پس آن روغن گل در دهان گیرند تا سوزش بنشاند.

صفت داروی دیگر ناصور بن دندانها را پاک کند

بگیرند بیخ سوسن آسمان گون عاقر قرحا از هر یکی درم سنگ شب یمانی، گلنار، مازو، سماق از هر یکی ده درم سنگ بکوبند و ببیزند و بدهان در پراکنند.

صفت داروی دیگر سستی گوشت بن دندانها را و جنیدن آن را سود دارد

بگیرند گلنار، پوست انار ترش از هر یکی شش درم سنگ، زرنیخ سرخ، شب یمانی از هر یک سه درم سنگ، گل سرخ سماق از هر یکی هشت درم سنگ، سنبل، فقاع الاذخر از هر یکی ده درم سنگ، بکوبند و ببیزند و در پراکنند.

صفت داروی دیگر دندان جنبیده را سخت کند

بگیرند توتیا، شب یمانی، نشاسته، سماق، گل سرخ، پوست انار ترش، استخوان، هلیله زرد، گلنار، مازو راستاراست بکوبند و ببیزند و در بن دندانها مالند.

صفت داروی دیگر دندانها سیاه را بزدايد

قنبیل ده درم سنگ، پلپل چهار درم سنگ، حماما سه درم سنگ، سازج هندی دو درم سنگ، مازو سوخته هشت درم سنگ، بکوبند و ببیزند و بدان مسواک کنند.

صفت دارویی دیگر، دندانها را بزدايد و بوی دهان خوش کند

بگیرند گرمازو، زنجبیل، زبدالبحر، دارفلل از هر یکی دو درم سنگ، نمک بریان کرده، ده درم سنگ، عود سوخته پنج درم سنگ، شکر دو درم سنگ، جوسوخته هفت درم سنگ.

صفت داروی دیگر، دندانها را سخت کند و بزدايد و رطوبتها از بن

دندانها برآرد

بگیرند نمک هندی ده درم سنگ، سعتی پنج درم سنگ، شیخ سوخته چهار درم سنگ، زراوند طویل ده درم سنگ، قطران یک درم سنگ، بکوبند و ببیزند با انگبین بسرشند با قطران و اقراص کند و باریک و بسوزند، پس بکوبند و ببیزند و بگیرند ده درم سنگ زبد البحر دو درم سنگ، گرمازو ده درم سنگ، سک سلیخه از هر یکی دو درم سنگ، بکوبند و ببیزند و با اقراص کوفته بیامیزند و بدان مسواک کنند.

صفت داروی دیگر خون آمدن از بن دندان‌ها باز دارد

بگیرند گلنار، گل سرخ، حب‌الآس، اقماع الرمان، سماق، نمک بریان کرده گزمازو، مازو سوخته و در سرکه گشته، قرفه، قرنفل از هر یکی پنج درم سنگ، بکوبند و ببیزند و بدان مسواک کنند.

صفت داروی دیگر که در دندان خرده شده را سود دارد

بگیرند پلپل، عاقرقرا بیرزد راستاراست پلپل، عاقرقرا بکوبند و یا ببیزند. بسرشند و در کاواکی دندان نهند.

صفت داروی دیگر درد دندان که از رطوبت و کاواکی بود بنشانند

بگیرند زنجبیل و در سرکه با انگبین ببزند تا حمرا شود پس بکوبند و بسایند و در کاواکی نهند و در بن دندان طلی کنند.



تصویر ۴۴: الاغراض الطبیه و المباحث العلائیه از حکیم سید اسماعیل جرجانی

برگرفته از: گزیده تصاویر تاریخ پزشکی اسلام و ایران،

انتشارات فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۷، ص ۱۵

بخش یازدهم
دانش دندان پزشکی از کتاب
"الأغراض الطبیة و المباحث العلائیه"
تألیف: سید اسماعیل جرجانی^۱

اندر احوال دندان و این هفت بابست

باب اول: اندر آنکه گوهر دندان چیست و ماده آن از کجاست.

بعضی طبیبان گفته‌اند که گوهر دندان استخوانست، از بهر آنکه سختست و خشک و شکننده، و از سودن و تراشیدن حس الم نیابد. و بعضی گفته‌اند که عصب است، از بهر آنکه حس سرد و گرم و حس ضربان و درد و خارش همی‌یابد و از ترشی گند شود و این کندی خدر، عصب را باشد. و درست آنست که گوهر دندان استخوانست و سردی و خشکی بر وی غالبست، و شاخها از عصب دماغی بدو پیوسته است و در بیخ او پراکنده، حس درد و ضربان و حس سرد و گرم بدان یابد.

و خلاقی دیگر است اندر آنکه ماده دندان در اصل آفرینش از تخم مادر و پدرست و گروهی دیگر گفته‌اند که از غذا می‌روید.

و سبب اختلاف آنست که هر چه از تخم مادر و پدر باشد، بچه با آن زاید و اگر پاره از آن برود بدل آن باز نیاید، چون استخوان و پی‌رگ و غشا و هر چه از

^۱. الأغراض الطبیة و المباحث العلائیه، جلد اول، تألیف اسماعیل بن الحسن بن محمد الحسینی الجرجانی، تصحیح و تحقیق دکتر حسن تاج بخش، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۴، جزو سوم از گفتار پنجم، صفحه ۵۳۸ تا ۵۷۷

غذا روید اگر لختی از آن برود باز بروید چون گوشت و پیه. این قوم که گفتند که از تخم مادر و پدر است می‌گویند اگر از غذا رُستنی، بایستی که دندانی که اندر بزرگی بیفتد یا بشکند باز برآمدی چون مردم که بسببی لاغر شود باز فربه شود. و آن گروه که گفتند از غذا می‌روید، می‌گویند که اگر از تخم مادر و پدر بودی بایستی که بچه با دندان برآمدی و آنچه بیوفتادی باز برنیامدی.

و درست آنست که ماده دندان در اصل آفرینش از تخم مادر و پدرست و اندر استخوان فک که دندان از وی برنیامدست آماده نهادست. لکن با آنکه ماده آماده نهادست آفریدگار تبارک و تعالی طفل را بی دندان آفرید از بهر آنکه غذای او نخست شیر است و او را از بهر شیر به دندان حاجت نیست. و نیز فکهای او که دندان از وی برآمدست درخورد اندامهای او باشد، کوچک و ضعیف و نازک.

و اگر طفل را به اول آفرینش دندان آفریده شدی، یا درخورد او بودی، ضعیف و نازک و یا قوی بودی اگر ضعیف و درخورد او بودی، پس ضعیف بایستی تا درخور او آمدی و اگر قوی بودی ناسازنده بودی. پس از روی حکمت اولیتر آن بود که مایه دندانها آماده باشد تا از پس مدتی که استخوانها بزرگتر و محکمتر شود و از بهر غذا به دندان حاجت آید، دندان برآید.

و سبب افتادن دندان به هفت سالگی آنست که دندانها نخست ضعیف باشد، طبیعت به فرمان آفریدگار تبارک و تعالی بر سبیل تسخیر آنها بفکند و دیگر قوی‌تر که قوت و طاقت کار همه عمر دارد، برآرد. و نیز معلومست که چون طفل هفت ساله شد استخوانهای اندامهای او بزرگتر شود، جای بیخ دندانها بضرورت فراخ گردد و دندانها جنبان شود و بیوفتد، و به دیگر قوی‌تر حاجت آید. حکم ایزدی ان اقتضا کرد که ماده آماده باشد تا طبیعت بوقت حاجت خویش، دیگر برآرد محکمتر باذن... عزوجل.

و آنچه بعضی مردمان می‌گویند که بعضی پیران دراز عمر را دندانها افتاده باز می‌برآید عجب نیست، لکن شخصی را ماده دندانها تمامتر افتد، چنانکه ماده انگشتها و چنانکه بعضی را دندان فزونی برآید آنرا بتازی الشاغیه گویند. و بعضی را از پس بلوغ، دندان خرد برآید از آن ماده باشد و هو اعلم.

باب دوم از جزو سوم از گفتار پنجم: اندر درد دندان

اسباب درد دندان، انواع سوء المزاج است با ماده و بی‌ماده و درد که سبب آن سوء المزاج با ماده باشد، یا بسیاری ماده باشد، یا بدی و تیزی یا غلیظی و بادنکی. و بسیار باشد که اندر گوهر دندان و بیخ آن کرم تولد کند و نیز باشد که اندر تب حاده و تب مُحرقه، سبب خورده شدن و شکستن ماده تیز باشد که بدو فرو آید یا ماده ترش. و گاه باشد که سبب درد دندان، گوهر دندان باشد و گاه باشد که اندر گوشت بن دندان باشد و اندر عصبها و رگها که به دندان پیوستست. علامتهای سوء المزاج و علامتهای مادتها اندر همه بابها یکی باشد هر جای بازگفتن دراز گردد.

اما اگر دندان کُند شود یا آماس گیرد، یا خورده شود یا رنگ بگرداند، نشان آن باشد که ماده اندر گوهر دندانست. و اگر درد اندر یک نیمه فک و رده دندان باشد و حس ضربان همی یابد، ماده اندر عصبها باشد که به دندان پیوستست. و سبب حس ضربان حرکت شریانست که بدو نزدیکست و به بیخ او پیوستست و اگر ماده رقیق باشد، منفعت دارو زود پدید آید و اگر غلیظ باشد درد با گرانی باشد و منفعت دارو دشوار پدید آید.

و اگر ماده بادنک باشد، درد خلنده و با تمدد باشد و از جای به جای می‌گردد. و اگر ماده اندر گوهر دندان باشد چون دندان برکنند درد زایل شود. و

اگر اندر عصب باشد هم ممکن است که زایل شود، از بهر آنکه جای برآمده فراخ گردد و اگر ماده اندر گوشت بن دندان باشد بدانچه برکنند، در د زایل نشود.

علاج اگر درد به مشارکت دماغ باشد، نخست با استفراغ مشغول باید بود بفصد یا باسهال. و مُسهل چون اقراص بنفشه دهند و حب ایارج و حب قوقایا و حب شبیار.

و نخست به آب گرم و سرد بیازمایند، اگر به آب سرد ساکن می شود فصد کنند. و بسرکه و گلاب مضمضه کنند و برگ مورد تر اندر سرکه بپزند و زیتون اندر آب غنّب الثعلب و حی الاس اندر سرکه بپزند و بدان مضمضه کنند و رگ زیر زبان با چهار رگ بزنند یا دیوچه که بتازی العلق گویند برافکنند یا سزیر زنخدان حجامت کنند. و عاقرقرحا و اندکی کافور اندر بُن دندان کنند. و اگر از درد بی طاقت شود، فلونیا برنهند یا افیون اندر روغن گل بپزند و پنبه پاره بدان چرب کنند و بردندان نهند. و اگر بآب گرم ساکن شود، تکمید کنند بگاورس و نمک گرم. و تخم بادیان بخایند، و عاقرقرحا و پودنه و سعتر و زُرنباد و گلنار و شَحْم حنظل اندر سرکه بجوشانند و بدان مضمضه کنند. و سجزینا و تریاق اربعه بخورند و اندر بُن دندان نهند. و اگر دندان کاواک باشد، سجزینا و تریاق اربعه و شونیز بریان کرده و بسرکه سوده اندر کاواکی نهند و عاقرقرحا کوفته و با بیرزد سرشته اندر نهند.

و اگر اندر بُن دندان کرم بود، تخم گندنا و تخم فنک که بتازی بزرالبنج گویند راستا راست بکوبند و با موم بسرشند و دود کنند و دهان زُبُر آن دارند تا دود بدندان برآید. و بیخ حنظل و تخم آن دود کردن، سود دارد.

باب سوم: اندر جنیدن دندانها

سبب جنیدن و سستی دندان، یا بسیاری رطوبت باشد اندر بیخ دندان، یا سوءالمزاج خشک و لاغر شدن دندانها، چنانکه پیران و ناقهانرا افتد، یا گوشت بُن دندانها خورده شود، یا زخمی و آسیبی رسد.

علامتها، آنجا که سبب بسیاری رطوبت باشد، دندانها فربه باشد و سببها دیگر خود ظاهر باشد و سبب، علامت باشد.

علاج، از بسیار گفتن و چیزی سخت خاییدن پرهیز کند و آنرا بدست و زبان نجنباند. و اگر سبب بسیاری رطوبت باشد سکیج و برگ سرو اندر آب بپزند و بدان آب مضمضه کنند. و بگیرند سماق و پوست انار ترش و میان هلیله زرد، و سُک و گل سرخ و گلنار و گزمازو و شب یمانی راستا راست کوفته و بیخته اندر بُن دندانها کنند.

باب چهارم: اندر تغییر لون دندان

سبب تغییر لون دندان، یا بخاری باشد که بر ظاهر نشیند و دندان بدان آلوده شود، یا خلطی بد اندر گوهر دندان گذر یابد و غذا او گردد.

علاج، بخارها را بمسواک و سُنون زایل کنند. و اگر بخارها با فراط باشد، نخست استفراغها کنند با یارج فیکرا و قوقایا و حب صبر، پس سُنون بکار دارند.

صفت سنون، بگیرند ستر پنج درم، سُنبُل دو درم، پلپل قسط، زراوند گرد از هر یکی سه درم، کفک دریا، مسحونیا، شخار، سنباده، نمک هندی از هر یکی دو درم، بکوبند و ببیزند و بکار دارند.

اگر دندان سیاه شود، بگیرند قنبیل ده درم، پلپل چهار درم، حماما سه درم، سازج هندی دو درم، مازوء سوخته دو درم، بکوبند و ببیزند و بکار دارند. و اندر بعضی نسخه‌ها بعوض مازو، حضض سوخته است.

باب پنجم: اندر ضعیفی دندان و کُند شدن و آب گذاشتن

آب گذاشتن دندان حالی است که اگر طعام و شراب گرم یا سرد باشد بدو باز آید، طاقت آن ندارد، و چیزی دشوار تواند خاییدن. و سبب ترشیا بسیار باشد و چیزها سخت شکستن.

علاج: دندان برنان گرم و خایه مرغ گرم نهادن و بر مغز فندق و مغز بادام طلخ و مغز گوز گرم نهادن، و حب الغار و زراوند طویل و شب یمانی اندر بُن دندانها مالیدن، و بایارچ فیکرا مسواک کردن. و اگر بدین کفایت نشود، تریاق بزرگ باذروج خاییدن و کندی دندان را این همه سود دارد. و برگ باذروج خاییدن و شیر خر و زیت انفاق نیم گرم مضمضه کردن، سود دارد. و موم زرد خاییدن سود دارد.

باب ششم: اندر تدبیر دندان کودکان در وقت برآمدن، و تدبیر دندانی که

بباید افکند

اما تدبیر دندان کودک آنست که آن موضع را بچیزی نرم و چرب مالند تا باسانی برآید، چون پیه بط و پیه مرغ و مسکه و مغز خرگوش پخته. و سر و گردن و بنا گوش و حوالی زنخدان او چرب دارند.

و دندانی را بباید افکند، نخست گوشت بن دندان را بباید آزد و پس دارو برنهادن ازین نوع: بگیرند پوست درخت توث و عاقرقرحا و بکوبند و ببیزند و

بسرکه می‌سایند و اندر آفتاب می‌دارند مدتی، و هر روز سه باز طلی می‌کنند، چنانکه بدیگر دندانها نرسد. و عاقرقرا و بیخ قثاء الحمار هم برین صفت بسایند و بکار دارند.

باب هفتم: اندر تدبیر نگاه داشتن دندان تا درست بماند

تدبیر نگاه داشتن دندان از بسیار وجه است. یکی آنست که از تُخْمه و تباه شدن طعام اندر معده پرهیز کنند، و از چیزها که زود اندر معده تباه شود، چون شیر و جغرات و ماهی شور و شیرینیا که بخار آن بدست. و اندر طعام خوردن ترتیب نگاه دارند. و آنچه لطیف تر و رقیق تر و زودگوارتر باشد، نخست خوردند و آنچه غلیظتر باشد پس از آن خورند، از بهر آنکه آنچه لطیفست زود گوارد، اگر پیش از آن چیزی غلیظ خورده شده باشد، این لطیف و گوارنده بر سر آن غلیظ ناگوارنده باشد و تباه شود و آن غلیظ را تباه کند.

و از پس رنج و ریاضت چیزها نازک چون ماهی تازه و شیر نشاید خورد، از بهر آنکه معده گرم شده باشد آنرا زود تباه کند، و از وی بخاری تباه برخیزد. و قی کردن بسیار عادت نکند خاصه اگر آنچه برآید ترش باشد.

و از ترشیا که دندان را کُند گرداند و از چیزها عُلک چون ناطف و مانند آن خاییدن که دندانرا برنجانند، و از چیزها که گوشت بن دندان را تباه کند، چون گندنا و گوز و خرما و شیر و مانند آن، و از چیزها گرم از پس سرد و سرد از پس گرم، پرهیز کند.

و از پس طعام خِلال کند و میان دندانها پاک کند، و اندر خِلال کردن چندان استقصا نکند که گوشت بن دندانرا برنجانند. و هر بامداد مسواک کند، و اندر مسواک نیز چندان استقصا نکند که جلاء دندانرا ببرد و روی دندان درشت کند. و

مسواک از چوب نرم و طلخ کند. و هر وقت که قی کند نخست دندانها چرب کند تا بخار بر وی سخت نشود. و اگر هر شب نیز بوقت خواب، دندان چرب کند و نخست بشکر کوفته بمالد یا بعسل، پس چرب کند بهتر باشد. و اگر مزاج گرم باشد صندل سوده و شکر بیامیزند و بروغن گل چرب کنند.

و بایاد دانست که سر خرگوش، سوخته و کوفته با نمک بانگبین سرشته سوخته و ناسوخته با شب یمانی بآتش بریان کرده و اندر سرکه کشته و با مرصافی آمیخته، هر ماده دو بار یکبار دندانها بدین چیزها مالیدن، دندانها را پاک کند.

بخش دوازدهم

دانش دندان پزشکی از کتاب "یادگار"

تألیف سید اسماعیل جرجانی

باب ۱۵: در بیماریهای دهان و لب و زبان و دندان و حنجره و حلق^۱

طریقیدن لب: علاج پیه مرغ به روغن کنجد بگذارند و نشاسته و کتیرا و مازو همه کوفته و بیخته در هاون کنند و بمالند تا هموار شود طلا^۲ کنند و آن پوست تنک که اندرون خایه مرغ^۳ باشد بدان نهند و چند روز بگذارند و هر شب مقعد به روغن بنفشه چرب می کنند.

دمیدگی دهان^۴: رگ قیفال زنند یا بر گردن حجامت کنند یا چهار رگ زنند و به آب انار ترش و شیرین و شیر خشت طبع را نرم دارند و سماق و عدس و گلنار و حب الآس و هلیله زرد اندر گلاب بجوشانند و بپالایند و اندر دهان می گیرند و اگر دمیدگی سپید بود حضيض اندر سرکه بجوشانند و بپالایند و بدان مضمضه کنند و اگر سیاه بود زرنیخ سرخ و زرد و بوره و زاج و اقاچیا و مازو و نار پوست بکوبند و با انگبین بسرشند و در خنبره^۵ کنند و در گل گیرند در آتش بریان کنند و پس از آن از خنبره بیرون کنند و بکوبند و به دهان در

^۱. برگرفته از کتاب یادگار، تألیف سید اسماعیل جرجانی، به اهتمام دکتر مهدی محقق (عین نثر کتاب یادگار

نوشته سید اسماعیل جرجانی نقل شده است)

^۲. دوايي رقيق که بر عضو مالند، داروی مالیدنی

^۳. تخم مرغ

^۴. جوش های داخل دهان

^۵. خمره

می‌کنند، پس کزمازو و حب‌الأس در سرکه بجوشانند و بدان مضمضه کنند و اگر بسوزاند روغن گل اندر دهان گیرند، نافع بود.

خون آمدن از بن دندان. بگیرند نارپوست سی درم، گلنار و مازو و شب یمانی و عاقرقرا از هر یکی ده درم، سماق پانزده درم، نمک هندی پنج درم، حب‌الأس ده درم، بکوبند و بسرشند و طلا کنند.

نسخه دیگر: بگیرند گلنار و گل سرخ و عدس بریان کرده از هر یکی یک جزو و نمک هندی دوجزو و زاگ سوری یک جزو قلقند دو جزو، عاقرقرا و کزمازو از هر یکی یک جزو و بکوبند و اندر می‌دمند.

سستی دندان: بگیرند ابهل و مازوی سبز و شب یمانی و عاقرقرا و گلنار و کزمازو و سماق بی‌دانه و هلیله زرد و سعد و سنبل و پوست بیخ کبر و جوز و مر و فلفل و زنجبیل و عود سوخته بکوبند و بپزند و در بن دندان می‌مالند نافع بود.

خورده شدن گوشت بن دندان: شخار کوفته و به انگبین سرشته در می‌مالند گوشت تبه را پاک کند و گوشت تازه برویاند. ناخوشی بوی دهان اگر از معده بود اطریفیل کوچک و شراب افسستین و ایارج فیکرا و زردآلوی خام و پخته و ماءالفواکه سود دارد و اگر از دندان بود به مسواک و خلال پاک باید داشت.

صفت معجونی که بوی دهان خوش دارد: بگیرند برگ مورد و مویز دانه بیرون کرده راستا راست^۱ بکوبند و بسرشند^۲ شربت با مداد و شبانگاه چند جوی. درد دندان اگر به آب سرد ساکن شود رگ زنند و حجامت کنند و به آب انار و حب شبیار طبع فروود دارند و به سرکه و گلاب مضمضه کنند و چهار رگ سنون سود دارد و عاقرقرا بکوبند و با کافور اندر میان پنبه کنند و دندان بر وی

^۱. برابر، مساوی

^۲. سرشتن: مخلوط کردن، خمیر کردن

نهند و اگر به آب گرم ساکن شود ایارج فیکرا دهند با شحک حنظل و عاقرقرا و گلنار و سعد و زرنباد بگیرند و در سرکه بجوشانند و بدان مضمضه کنند.

سیاهی دندان: بگیرند قنبیل ده درم، مازوی سوخته و ساوج هندی از هر یکی دو درم، بکوبند و بپزند و بیامیزند و بدان می مالند.

صفت سنون بزرگ: دندان سپید کند و دندان را خوشبو کند. بگیرند مسحقونیا و زبد البحر و سفال چینی و دانه هلیله زرد از هر یکی دو درم، عاقرقرا و سعد گلنار و پوست بیخ کبر و سنبل و عود سوخته از هر یکی یک درم، شخار سه درم، شکر ده درم و بدان مسواک کنند.

نسخه دیگر: گل سرخ و گلنار و دانه هلیله زرد و سنبل و نمک هندی و عود سوخته و حب الآس و قرنفل و خیربوا و کبابه و کفک دریا از هر یکی یک جزو و سعد و عاقرقرا از هر یکی سه جزو.

آماس زبان را علاج آن علاج دمیذگی دهان باشد. طریقیدن پوست زبان، سپستان در دهان می گیرند و لعاب اسبغول جرعه جرعه می خورند.

گرانی زبان: بگیرند نوشادر و عاقرقرا و فلفل و خردل راستا راست بکوبند و بپزند و اندر بن زبان می مالند و لعاب بیرون می ریزند.

ضفدع اگر با وی حرارت بود آب عنب الثعلب و آب انار ترش و سماق و گل و خرنوب و مازو و نارپوست و حب الآس و کزمازو و آهک بپزند و آن را بپالایند و آن آب را اندر دهان می گیرند و اگر حرارت نباشد زاگ و نوشادر و شب یمانی سوده بدو رسانند.

خنق اگر خون غالب بود رگ زیر زبان زنند و یا قیغال و برساق حجامت کنند و اگر دردی صعب بود شیر تازه به شراب بنفشه غرغره کند روز دوم آب گشنیز

تر با آب عنب الثعلب هر کدام که اتفاق افتد با میپخته^۱ غرغره کند و به آخر با آب بادیان و خیار شنبر و میپخته غرغره کند و اما ماده بلغمی بود حلبه و انجیر بپزند و خمیر ترش در وی حل کنند و غرغره بدان فرمایند و میپخته و خیار شنبر در وی حل کنند و بدان غرغره فرمایند و غرغره به روغن گاو گداخته نافع بود و عصاره کرنب با میپخته غرغره کردن نافع بود و زرده خایه مرغ نیم برشت با روغن بادام و اندکی کتیرا و نشاسته آمیخته سخت نافع باشد و پس از آن کزمازو و بیخ سوسن اندر آب بپزند و بدان غرغره فرمایند و خون گشاده شود و ریم^۲ برآید به آب گرم و روغن گاو غرغره کنند تا پاک شود و اگر بعد از آنکه حقنه^۳ کرده باشند و رگ هر دو دست و رگ زیر زبان زده باشند و بر قفا و زیر زنج شیشه برنهاد و آزرده و هنوز ساکن نمی شود و نمی گشاید زهره گاو و عصار قثاء الحمار و عصاره قنطوریون با طبخ هر دو و خاکستر خطاطیف به سرکه طلا باید کرد و نیز دواء الخطاطیف باید دادن و اگر ماده پخته شود و دیر می گشاید بگیرند مازو و گلنار و کزمازو و نار پوست و شب یمانی راستا راست و بکوبند و بپزند و در حلق او می دمند و سرگین سگی که استخوان خورده باشد و سرگین او سفید بود محلل است و سرگین مردم و سرگین خطاطیف از بیرون طلا کنند بگشاید و غذا سبوس آب بافانید به روغن و اگر ماده گرم بود کشکاب دهند از کشک و عدس با آب انار ترش و شیرین.

^۱. می پخته: جوشانده افشره انگور یا مویز یا خرما با دو برابر آب.

^۲. چرک

^۳. تنقیه

بخش سیزدهم

چکیده و مروری کلی:*

طی بخش‌های گفتار نخست و گفتار دوم کتاب، مطالبی در ارتباط با تاریخ و دانش دندان پزشکی آمد، با وجود این برای سهولت در مطالعه و نتیجه‌گیری، خلاصه مطالب ذکر شده به قرار زیر آورده می‌شود:

بررسی پاپیروس‌های مصری که معروف‌ترین و معتبرترین آنها پاپیروس Ebers (کشف ۱۸۷۲) می‌باشد نشان می‌دهد که ۲۲۸۹ سطر شامل ۸۷۵ نسخه پزشکی در آن ثبت شده است که چندین نسخه آنها در ارتباط با دندان پزشکی می‌باشد.

از این نسخه‌ها چنین مستفاد می‌شود که پزشکان مصری از آماس لثه و ورم مخاط دهان و دردهای گوناگون و نیز آبسه دندان آگاهی داشته و لاجرم برای عوارض آنها درمان‌هایی معمول می‌داشتند. داروهای مورد استفاده شامل داروهای قابض، مالیدنی، دهان‌شویه و غرغره و امثال اینها می‌شده است. در عین حال به نظر نمی‌رسد که دندان پزشکی حرفه جدا و خاص بوده است.

در کشورهای قدیم، مردمان مشرق زمین همچون مصری‌ها، بابلی‌ها، آشوری‌ها و مانند آنها، اطلاعاتی به فراخور زمان در ارتباط با دندان پزشکی داشته‌اند. در یونان، آنچه درباره دندان پزشکی مدون و مستند است در مجموعه‌ی بقراطی^۱ می‌باشد که مطالبی در مورد بیماری‌های دهان و دندان، بیماری‌های لثه، مخاط دهان و... ذکر شده است.

* در تهیه بخش‌هایی از متن چکیده و گردآوری مطالب، از کتاب دکتر محمود نجم‌آبادی، تاریخ طب در ایران

پس از اسلام نیز استفاده شده است.

^۱ Corpus Hiippocratum

در ارتباط با دندان‌ها، جالینوس آنها را استخوان‌های واقعی می‌دانسته و به اختصار در نوشته‌های خود به آنها اشاره کرده است که از نظر دندان پزشکی اعتبار چندانی برای آن قائل نیستند.

پس از بقراط و جالینوس دانش دندان پزشکی تا اندازه‌ای از پزشکی جدا و شعبه‌ای مخصوص برای آن به وجود آمد. با اینکه پزشکان پس از جالینوس تابع عقاید بقراط و جالینوس بودند، در عین حال نظراتی ویژه‌ی خود داشتند و درباره بیماری‌های دهان و دندان سخن زیاد گفته‌اند ولی در درمان، از داروهای مسکن آنهم به اختصار بیان کرده‌اند. در ضمن سعی بر این بوده که حرفه‌ی دندان پزشکی تا اندازه‌ای از پزشکی جدا و رشته‌ای ویژه‌ی خود به وجود آید. برای تسکین دردهای دندانی از شست و شو با بعضی جوشانده‌ها و داروهای قابض، موم‌ها، شمع‌ها و داروهای مخدر، و خمیرهای مخصوص، داغ کردن و امثال آنها استفاده می‌کردند. به تدریج پاک نگاهداشتن و شستشوی دهان و دندان‌ها از وضع گذشته بیرون آمد و با روند مراقبت و مواظبت‌های توصیه شده همراه با دستورهای عملی، برای کشیدن دندان نیز فصل نوین در زمینه‌ی دانش و درمان‌های دندان پزشکی نه تنها در تاریخ طب یونان، روم و روم شرقی بلکه در ایران و هند جسته و گریخته به طور کلی گشوده شد.

در ایران باستان، قبل از اسلام، نیز در کتاب‌های تاریخ پزشکی به اسناد و مدارکی بر می‌خوریم که مبین این است که در دانشگاه جندی‌شاپور ضمن کتاب‌های پزشکی، دندان پزشکی نیز وجود داشته و تدریس می‌شده است. همچنین پزشکی جندی‌شاپور میراثی بزرگ از آمیختگی و ادغامی از پزشکی ایران و یونان و روم شرقی و انطاکیه و اسکندریه و هند و مرو بوده لذا آنچه که در مکتب‌های ذکر شده وجود داشته عیناً و به احتمالی با بعضی تغییرات و تصرفات در پزشکی جندی‌شاپور آمده است که شامل دندان پزشکی نیز می‌شود.

در میان پزشکان ایرانی دوره اسلامی بزرگانی همچون ربَّن طبری، رازی، اهوازی، ابن سینا، جرجانی و... درخشیدند که در قرون وسطی با آنکه پزشکی در اروپا رونقی نداشت و سده‌های ظلمت خود را طی می‌کرد کتاب‌های آنها در آنجا تدریس می‌شده و همراه با پزشکی مطالب دندان‌پزشکی نیز مورد توجه قرار می‌گرفته است.

در ایران اسلامی، به علت تأکید خاص اسلام به رعایت بهداشت دهان و دندان، مسواک کردن و پاک نگاهداشتن دندان‌ها و توصیه‌های صریح در اغلب کتاب‌های فقهی تا جایی که بعضی آن را امری فوق مستحب دانسته‌اند توجه به مطلب دندان‌پزشکی در آثار و تألیفات بزرگان پزشکی دوره اسلامی و نیز بزرگان مذهبی بیشتر شد.

به طور مثال، غزالی در کتاب معروف خود موسوم به «احیاء العلوم» آورده است که «پیغمبر اسلام (ص) پیوسته قبل از وضو مسواک می‌فرمود و تذکر می‌داد دهان‌های شما راه قرآن است. این راه را باید همیشه پاک نگاهدارید و مسواک کنید».

وسیله‌ای که با آن مسواک می‌کردند چوب درختان ویژه از جمله چوب گردو بود. هم‌اکنون نیز در دهات و روستاها مسواک کردن دندان‌ها با چوب ذرت نازک و خلال کردن دندان‌ها کم و بیش رونق دارد و دیده می‌شود.

ربَّن طبری، مؤلف کتاب «فردوس الحکمه» که می‌توان آن را نخستین دائرةالمعارف پزشکی ایران دوره اسلامی دانست (قرن سوم هجری) در ارتباط با دندان‌پزشکی نخستین توصیف مشروح و جامع در مورد بیماری‌های دهان و دندان، تشخیص و درمان آنها را در «فردوس الحکمه» آورده است.

رازی در تألیفات خود فصل‌های مخصوصی برای بیماری‌های دهان و دندان اختصاص داده است از آن جمله در مقاله‌های متعدد کتاب الحاوی و طب

«منصوری» درباره تشریح، بیماری، بهداشت و کشیدن دندان به تفصیل مطالب جالبی بیان کرده است.

و نیز در کتاب معروف خود «بُرء الساعه» در چندین باب آن از انواع بیماری‌های دهان و دندان دستوره‌های بسیار مفید و مرتبی داده است.^۱

اهوازی نیز در جلد‌های اول و دوم کتاب «کامل الصناعه»ی خود از درد دندان و موادی که باعث جلای دندان می‌شوند و درمان زخم‌های لثه و ورم‌های آن و بدبویی دهان و روش کشیدن دندان و موادی که باعث قطع رطوبت و سیلان آب دهان در موقع خواب و آب دهان کودکان می‌شوند شرحی مبسوط متذکر شده است.

اهوازی یک دوره کامل از درمان بیماری‌های دندان و دهان از دوران‌های قدیم از بقراط و جالینوس و پزشکان گذشته سخن گفته است و این امر از ویژگی‌های طبی و علمی بعضی از پزشکان اسلامی به خصوص رازی و اهوازی است که آنچه اطلاعات علمی از پیشینیان مطالعه کرده و خوانده‌اند در کتاب‌های خود با ذکر منبع آورده‌اند.

جالب اینکه، اهوازی معتقد بوده که حسی که به دندان منسوب است بواسطه عصب کوچکی است که از راه ریشه داخل دندان می‌شود.

و نیز در مقاله نهم کتاب دوم (یا مقاله نوزدهم از کامل الصناعه) که در یکصد و ده باب است در باب‌های سی و سوم و سی و چهارم شرحی مبسوط در مورد

^۱ بُرء الساعه رازی توسط میرزا احمد تنکابنی حکیم‌باشی فتح‌تعلی‌شاه ترجمه و توسط فرزند میرزا احمد موسوم به میرزا محمد حکیم‌باشی تصحیح و بسعی میرزا اسد... طبیب چاپ شده است. سال چاپ ۱۲۹۷ سَنگی، خشتی - به انضمام رساله «مطلب الرسول» و رساله «اسهالیه». (محمود نجم‌آبادی، تاریخ طب، صفحه ۸۳۱) در ضمن قابل ذکر است که «برء الساعه» خلاصه‌ی مطالب آورده شده در «الحاوی» و طب «منصوری» می‌باشد که هر دو به تفصیل در این کتاب معرفی شدند.

بیماری‌های دهان و دندان و لثه نگاشته است مثلاً در باب سی و سوم در باب گوشت زیادی اهوازی گوید: «که آن را باید با منقاش و نیشتر برداشت و برای دمل کوچک با نیشتر اقدام کرد.»

همچنین در ارتباط با کشیدن دندان‌ها و سایر بیماری‌های دهان و دندان تدابیری متذکر شده که بسیار خواندنی و معتبر است (البته به اعتبار زمان) و می‌تواند ارزشمند باشد.

ابن سینا در قانون و جرجانی در ذخیره خوارزمشاهی هر دو به نوعی درباره‌ی بهداشت دندان‌ها و بیماری‌های دهان و درد و پوسیدگی و شکستگی و خرد شدن دندان، و کشیدن آنها و یا تغییر رنگ و درمان پوسیدگی و رفتن مینای دندان و بیماری‌های لثه و از داروهایی که برای درمان آنها باید استفاده کرد، با اتکا بر نتایج عملکرد پزشکان گذشته و تجارب شخصی بسیار مفصل و مشروح بیان مطلب کرده‌اند.

ابن سینا در قانون می‌گوید: «که دندان بزرگترین کمک عمل هضم است و هر غذایی که دندان از جویدن آن عاجز گردد لوله هضم به خوبی آن را تحمل نمی‌کند.»

و نیز می‌گوید: «باید دانست که دندان از استخوان‌هایی است که حس‌دار می‌باشند و از اعصاب دهانی به آنها عصب می‌رسد و در صورتی که صدمه و آزار به آنها رسد درد می‌گیرند و حساس و گاهی لق و برآمده می‌شوند بدون آنکه تغییر رنگی در ذات جوهرشان پیدا شود. بعضی اوقات پوسیدگی و گندیدگی پیدا می‌کنند.

گاه اتفاق افتد که بر اثر عوارض بالا ماهیت دندان‌ها تغییر یافته و اینکه دندان‌ها دراز و بزرگ و باریک گردیده یا آنکه ورم کنند. ممکن است دندان‌ها رنگ و ماهیت لثه‌ها را تغییر دهند. در اینجاست که طبیب باید توجه کند بر آنکه مزاج

صاحب دندان صفراوی و یا بلغمی و یا دموی (خونی) و یا سودائی (سوداوی) است که در صورت اول تلخ و در صورت دوم سفید و در صورت سوم قرمز و در صورت چهارم سیاه می‌شود.

در باب گوهر دندان میان پزشکان اختلاف عقیده است. بعضی گوهر آن را استخوان و برخی پی دانند.

آنها که معتقدند گوهر آن استخوان است بواسطه سختی ماده دندانی است که خشک و شکننده است و اگر آن را بسایند و یا بتراشند درد حس نکند.

اما آنها که گفته‌اند دندان پی است از آن نظر که دندان حس سردی و گرمی کند و هرگاه مواد ترشی بدان رسد کند شود. اما چون کند شدن دندان حالت مخصوصی است که در پی نباشد بدین جهت گوهر دندان را پی سخت گفته‌اند.

یا اضافه می‌کند که: «گوهر دندان استخوان است و اعصاب دماغی به گوهر آن متصل و با آن آمیخته است و این اعصاب در بن و ریشه دندان زیادتر است و درد دندان بواسطه اعصاب آنست و در مقابل خشکی و شکنندگی و فقدان حس در موقع ساییدگی و تراشیدن از آن نظر است که گوهر دندان استخوان است.»

و همانطور که در بخش‌های مربوط به قانون آمد، ابن سینا مفصل درباره دندان و بیماری‌های لثه شرح داده و بطور خلاصه دندان را از دو بخش یکی استخوانی که نمایان است و آن را گوهر دندان نامیده و دیگری عصب آن که به آن حس می‌دهد می‌داند.

اما جرجانی در دنباله عقاید ابن سینا مطلب مربوط به دندان اظهار نظر کرده که خلاصه و فشرده آن از کتاب «ذخیره خوارزمشاهی» آورده شد.

جرجانی درباره دندان می‌گوید: «نظر و رأی اطباء درباره آن دو عقیده است: «دسته‌ای معتقدند که دندان جزو ساختمان تشریحی و مادرزادی بدن نیست به دلیل آنکه دندان بمانند سایر قسمت‌های بدن مثل چشم و گوش و عضلات و

قلب که در موقع تولد طفل آنها را دارد، طفل فاقد دندان است. بنابراین دندان مادرزادی نیست، بلکه از اعضای است که پس از تولد کم کم بر اثر تغذیه در کودک پیدا می‌شود و دلیل آن چنین است که اگر دندان‌های کودک افتاد بجایش دندان‌های دیگری بیرون زند در صورتی که اگر عضوی از اعضاء بدن از بین رفت بجای آنها اندامی نمی‌روید.»

«اما دسته دیگر را عقیده بر آن است که نظریه بالا صحیح نمی‌باشد و دندان بمانند سایر اندام‌ها در اصل و تبار خلقت وجود دارد و ماده دندان در گوهر استخوان آرواره‌ها پنهان است و به حکم خداوندی و حکمت بالغه حضرت باری نمی‌رویند تا آنکه مورد احتیاج کودک قرار گیرد. بدلیل آنکه در ابتدای تولد کودک شیرخوار را احتیاج به دندان نیست و شیر مادر را می‌مکد و پس از احتیاج به غذا دندان درمی‌آورد و در هفت سالگی دندان‌ها می‌افتد و دندان‌های دیگری جای آنها را می‌گیرند. این امر از آن نظر است که دندان‌های شیری استقامت خرد کردن غذا را ندارند و دندان‌های شیری مناسب آرواره کوچک و ضعیف دوران طفولیت است و دندان‌های دائمی متناسب آرواره‌های بزرگ و نیرومند جوانی می‌باشند.»

در همین راستا سایر پزشکان دوره‌ی اسلامی و نیز ایران پیش از اسلام، در مورد دهان و دندان (دندان پزشکی به طور کلی) مطالبی گاه به تفضیل متذکر شده‌اند ولی پزشکان برگزیده‌ی دوره‌ی اسلامی درباره‌ی دهان و دندان و درمان بیماری‌ها و عوارض آنها مفصل نگاشته‌اند که در حد امکان در بخش‌های مختلف از نظر خوانندگان محترم گذشت. و همانطور که در نخستین صفحات کتاب ذکر شد، اهمیت مطالب گردآوری و بیان شده به اعتبار زمان می‌باشد و داوری درباره‌ی آنها منوط به نظر خواننده است.

بخش چهاردهم

برداشت نهائی از دندان پزشکی در دوران گذشته و اسلامی

از آنچه که آورده شد با چگونگی و سطح دانش دندان پزشکی در روزگاران گذشته و در ارتباط با هر یک از برگزیدگان پزشکی دوره اسلامی آشنا شدیم. دیدیم که در دوره اسلامی مانند دوره های پیشین، دانش دندان پزشکی در مجموعه پزشکی قرار داشته و بیشتر شامل "دارودرمانی" می شده است. طبابت سنتی ایران (به ویژه دوره اسلامی) در رابطه با دندان پزشکی بیشتر شامل تسکین درد دندان و در نهایت خارج کردن آن و درمان بیماریهای دهان (شامل لثه و...) بوده است که توسط یک نفر به عنوان حکیم و یا پزشک انجام می شده و شخص و یا واژه دندانپزشک به طور جدا وجود نداشته است. لذا در اکثر دوره های پیشین نمی توان برای دندان پزشکی تاریخی جداگانه تصور و جستجو کرد. بیمار به علت درد دندان و یا خونریزی لثه (گندیدگی لثه) و یا بوی بد دهان به "پزشک" مراجعه و پزشک با کمک داروها به ویژه گیاهی سعی بر تسکین درد و یا درمان بیماری می کرده است. در صورت نتیجه گرفتن در مراحل اولیه، حکیم یا پزشک پوسیدگی (خوردگی) دندان را بعد از اقدامات اولیه با موادی پر و در صورت عدم تسکین درد و یا عدم موفقیت در حفظ دندان آن را خارج می کرده است. لذا درمانهای مرسوم زمان مبتنی بر روش های دارویی و در راستای تسکین درد دندان، خارج کردن آن، درمان بیماریهای دهان و لثه (بریدن لثه) و در مواردی پر کردن پوسیدگی با بعضی مواد بوده است. جایگزین کردن دندانهای از دست رفته و یا به عبارتی دندان سازی و برسازه های دندان (پروتزهای دندان) بسیار محدود و ساختاری ابتدایی داشتند. دندانواره های کامل (دست تمام) اصولاً مطرح

نبوده است. در سازه‌های تکه‌ای، برای جایگزینی چند دندان از دست رفته با استفاده از سیم، چوب، فلزات، دندان حیوانات و... استفاده می‌شده است. دندان‌پزشکی بر مبنای تعریف امروزی وجود نداشته و تقریباً محدود به درمان‌های فوق بوده و آنچه انجام می‌شده به طور کلی توسط یک نفر آن هم به عنوان "حکیم، طبیب یا پزشک" بوده است. لذا وقتی در مورد پزشکی صحبت می‌شود خواه و ناخواه در اکثر موارد دندان‌پزشکی همراه آن خواهد بود.

یادآوری ضروری

در مورد سیر تحول تاریخ دندان پزشکی از سده هفتم هـ - ق تا سده سیزدهم هـ - ق، به صفحه ۱۱۹ همین کتاب تحت عنوان «پزشکی پس از دوران طلایی» مراجعه فرمایید.

کتاب شناسی

- A History of Medicine, Henry E. Sigerist, Oxford, 1961, Vol 2
- Dentistry in Enclopaedia Iranica edited by E. Yarshater, Sadeq Sajjadi, E., Mazda Publisheres, USA, 1996, Vol. V11
- Glickmans Clinical Periodontology, Fermin A. Carranza, 6th Edition, 1984, W.B. Saunders company
- Gondi-Shapur School of Medicine: The Most Important Medical Center in Antiquity, M.H. Azizi, Archives of Iranian Medicine, 2008
- Ibn-Sina, the Greatest Oriental Physician, M.H. Azizi, Medical Journal of Iranian Hospital, Dubai U.A.E. Vol. 3, No. 1, July 2000
- L`Art Dentaire Chez Les Etrusque, S. Monier et al., Actulativés Odonto-stomatologiques, No. 183, Sep. 1993
- Liber Canonis: Avicenna, Venice, 1507. Reprinted, Hildesheim, Georg olms, 1964
- Intera-specific Biodiversity of Italian Myrtle (Myrtus Communis) Thorough Chemical Markers Profile and Biological Activities of leaf Methanolic Extracts. Sacchetti G., et al, Nat Prod, Res. 2007, Feb;
- Science and Civilization in Islam, S.H. Nasr, Second Edition, The Islamic Text society, UK, 1987
- Stedman`s Medical Dictionary, Thomas L. Stedman, 25th edition, Williams & Wilkins, 1990
- Wikipedia, the Free Encyclopedia on Internet
- اساطیر خاورمیانه، ساموئل هنری هوک، ترجمه علی اصغر بهرامی، فرنگیس مزدپور، انتشارات روشنگران، بی تا.
- اساطیر و فرهنگ ایران، رحیم عفیفی، چاپ دوم، انتشارات توس، ۱۳۸۳
- الاغراض الطبیة و المباحث العلائیه، تالیف اسماعیل بن الحسن بن محمد الحسینی الجرجانی، تصحیح و تحقیق حسن تاج بخش، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۴، جزء سوم از گفتار پنجم

- آموزش و دانش در ایران، ذبیح... صفا، مؤسسه انتشارات نوین، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۳
- انساج پرودنشیوم در سلامت و بیماری، حمید مقدس، محمدباقر موزه، جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۶۶
- ایران ۱۴۲۷، رضا منصوری، انتشارات طرح نو، چاپ سوم، ۱۳۸۰
- برء الساعه، رازی، توسط میرزا احمد تنکابنی حکیم‌باشی فتحعلی شاه ترجمه و توسط فرزند میرزا احمد موسوم به میرزامحمد حکیم‌باشی تصحیح و به سعی میرزا اسدا... طبیب چاپ شده است. سال چاپ ۱۲۹۷ سنگ - خشتی به انضمام رساله «مطلب الرسول» و رساله «اسهالیه»
- بررسی در طب سنتی ایران و مقایسه آن با طب کنونی جهان، جلال مصطفوی‌کاشانی، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۶۰
- بررسی درمان‌های دندان‌پزشکی در ادوار گذشته، فرهاد صالح‌آبادی، به راهنمای دکتر اسمعیل یزدی، پایان‌نامه شماره ۱۲۳۸، دانشکده دندان‌پزشکی دانشگاه تهران، سال تحصیلی ۵۰-۱۳۴۹
- بُندهش، گزارش مهرداد بهار، تهران، توس، ۱۳۶۹
- پزشکان نامی، هنری زیگریست، ترجمه کوکب صورتگر و حسن صفاری، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲
- پزشکی در ایران باستان، سهراب خدابخشی، نشر فرهنگی فروهر، تهران، ۱۳۸۶
- پندنامه اهوازی یا آئین پزشکی، علی بن عباسی مجوسی اهوازی، ترجمه و گردآورده محمود نجم‌آبادی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۴
- پیدایش طبابت در ایران، علیمحمد عنقا، نشریه پزشکی تامین اجتماعی، شماره ۱۳

- تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، احمد تفضلی، به کوشش ژاله آموزگار، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۷۶
- تاریخ اساطیری ایران، ژاله آموزگار، تهران، سمت، ۱۳۸۴
- تاریخ ایران در یک نگاه، ناصر تکمیل همایون، دفتر پژوهش های فرهنگی، چاپ سوم، ۱۳۸۴
- تاریخ بیمارستان های ایران از آغاز تا عصر جدید، حسن تاجبخش، ۱۳۶۹
- تاریخ دامپزشکی و پزشکی ایران، حسن تاجبخش، ج دوم، دوران اسلامی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۹
- تاریخ طب در ایران پس از اسلام، از ظهور اسلام تا دوران مغول، محمود نجم آبادی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۵
- تاریخ طب در ایران پس از اسلام، محمود نجم آبادی، جلد دوم، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۶۶
- تاریخ طب در ایران، محمود نجم آبادی، جلد اول، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۱
- تاریخ مصور پزشکی جهان، ولی اله محرابی، جلد دوم، بخش چهارده
- تاریخ نگارش های عربی، فواد سزگین، ج ۳، پزشکی، داروسازی، جانورشناسی، دامپزشکی، مؤسسه نشر فهرستگان، خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۰
- تقسیم و التشجیر، ابوبکر محمد زکریای رازی (۲۵۱-۳۱۳ق)، پژوهش صبحی محمود حمادی، انتشارات دانشگاه حلب، سازمان میراث علمی عربی
- جامع التواریخ، به کوشش محمد تقی دانش پژوه و محمد مدرسی، انتشارات علمی و فرهنگی
- دانش دندان پزشکی از کتاب «طب منصوری» رازی، مقاله، نوشته و ارائه شده محمد ابراهیم ذاکر، ۱۳۸۵

- دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، جلد سوم، مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۹
- دایره‌المعارف فارسی، غلامحسین مصاحب، جلد اول، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، چاپ سوم، ۱۳۸۱
- دایره‌المعارف فارسی، مصاحب، جلد دوم، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، چاپ سوم، ۱۳۸۱
- دندان‌پزشکی ترمیمی، باقر شاهوردیانی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۵
- ذخیره خوارزمشاهی، باب سوم، جزء اول، گفتار چهارم (کتاب اول)، استخراج از نسخه خطی فارسی چاپ بنیاد فرهنگی
- وزیدگیهای زاداسپَرَم، نگارش و تصحیح محمدتقی راشد‌محصل، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۵
- زبان - فرهنگ - اسطوره، ژاله آموزگار، تهران، انتشارات معین، چاپ اول، ۱۳۸۶
- زندگی‌نامه علمی دانشمندان اسلامی، چارلز ک. گیلیسپی، ترجمه احمد آرام، انتشارات علمی فرهنگی
- سیمای میراث فرهنگی قزوین، گردآوری میراث فرهنگی قزوین، اداره کل آموزش، انتشارات و تولیدات فرهنگی، ۱۳۸۲
- شاهنامه، ابوالقاسم فردوسی، دفتر یکم، به کوشش جلال خالقی‌مطلق، تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۷
- شاهنامه، ابوالقاسم فردوسی، دفتر هفتم، به کوشش جلال خالقی‌مطلق، تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۷
- طب در دوره صفوی، سیریل الگود، ترجمه محسن جاویدان، انتشارات دانشگاه تهران، شماره ۱۶۸۶

- علم و تمدن در اسلام، سید حسین نصر، ترجمه احمد آرام، شرکت سهامی، انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۵۹
- فارسنامه ناصری، جلد ۲، حسن حسینی فسائی، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۲
- فردوس الحکمه، تالیف ابوالحسن ربن طبری، پژوهش محمدزبیر صدیقی، چاپ برلین، ۱۹۲۸
- فرهنگ آندراج، محمد پادشاه (شاد)، زیر نظر محمد دبیر سیاقی، کتابخانه خیام، تهران ۱۳۳۵
- فرهنگ پزشکی انگلیسی - فارسی، ویلیام الکساندر نیومن دورلاند، برگردان محمد هوشمندویژه، انتشارات کلمه، تهران، ۱۳۶۶
- فرهنگ فارسی معین، محمد معین، جلد پنجم، چاپ نهم، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۵
- فرهنگ فارسی، محمد معین، جلد پنجم، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۵۶
- الفهرست، ابن ندیم، تصحیح محمدرضا تجدد، نشر اساطیر و گفتگوی تمدنها، ۱۳۸۱
- قاموس القانون فی الطب (معجم المصطلحات الطبیّه و الادویه المفرده المستعمله فی القانون فی الطب ابن سینا)، فرهنگ لغت قانون ابن سینا، عربی - انگلیسی، حکیم عبدالحمید - حکیم کبیرالدین - حکیم عبدالوهاب ظهوری - دکتر محمد عبدالعزيز - حکیم فضل الرحمن، مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، بازنگری ۱۹۹۸
- قانون در طب، ابن سینا، جلد سوم، اقتباس و تلخیص، ترجمه فارسی شرفکندی (هه ژار)، انتشارات سروش، چاپ سوم، تهران، ۱۳۸۵
- قانون در طب، ابن سینا، اقتباس و تلخیص، انتشارات سروش، چاپ اول، ۱۳۶۴

- قانونچه، محمودبن محمدبن عمر چغمینی، ترجمه و تحشیه محمدتقی میر، دانشگاه شیراز، ۱۳۵۰
- کامل الصناعه الطبیعه، فواد سزگین، الجزء الاول، سلسله ج، عیون التراث، المجلد ۱/۱۶، طبع بالتصویر عین محظوظه رقم ۶۳۷۵، القسم العربی - مکتبه جامعه استانبول، جولای ۱۹۸۵
- گزیده تصاویر تاریخ پزشکی اسلام و ایران، انتشارات فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۷
- گیاهان دارویی، علی زرگری، جلد دوم، چاپ ششم، انتشارات دانشاه تهران، ۱۸۱۰/۲، سال ۱۳۷۰
- لغت نامه دهخدا، علی اکبر دهخدا (د ۱۳۳۴ خ)
- مثنوی معنوی، مولانا جلال الدین رومی، انتشارات پژوهش، تهران، ۱۳۷۱
- مجموعه مقالات کنگره بین المللی تاریخ پزشکی در اسلام و ایران، محمد فرهادی، قربان بهزادیان نژاد، محمدرضا غفاری، علی باغبانزاده، جلد اول، انتشارات مؤسسه دانش و پژوهش ایران، تهران، ۱۳۷۴
- معجم مرعشی الطبی الکبیر (عربی - انجلیزی)، محمد اسامه مرعشی، معتبه البنان ناشرون، بیروت، ۲۰۰۵
- مقدمه بر تاریخ علم، جرج سارتن، ترجمه غلام حسین صدری افشار، جلد اول، انتشارات وزارت علوم و آموزش عالی، تهران، ۱۳۵۴
- منجد فی اللغه و الاعلام لويس معلوف (۱۸۶۷-۱۹۴۶)، بیروت، ۱۹۳۷
- منشاهای درمان، دوايي و غذايي در دوره اسلامي، سامی حمازنه، ترجمه هوشنگ اعلم، فصلنامه اینه میراث، ویژه تاریخ علم، سال اول، شماره ۱، شماره پیاپی ۲۰، مرکز نشر میراث مکتوب، بهار ۱۳۸۲

- منصوری فی الطب، محمد زکریای رازی (۲۵۱-۳۱۳)، پژوهشگر حازم بکری صدیقی، معهد المخطوطات العربیه، کویت، ۱۴۰۸ق-۱۹۸۷م
- نمونه‌های نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه‌ای ایران، آرتور کریستن‌سن، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، چاپ دوم، تهران، نشر چشمه، ۱۳۸۳
- هدایه المتعلمین فی الطب، تالیف ابوبکر ربیع بن احمد الاخوان البخاری
- یادگار، تالیف سید اسماعیل جرجانی، به اهتمام مهدی محقق
- یسنا، ابراهیم پورداود، تهران، اساطیر، ۱۳۸۰
- یشت‌ها، ابراهیم پورداود، جلد اول، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۷
- یک رساله کهن در دندان پزشکی، مرتضی ذکایی ساوجی، مندرج در مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی تاریخ پزشکی در اسلام و ایران، سال ۱۳۷۱

فهرست اعلام

آ

- آئین زرتشت، ۷۰، ۷۴
 آئین مانوی، ۷۰
 آبان یشت، ۷۲
 آبه ویل، ۳۵
 آپولو، ۴۲، ۴۸۳۶
 آرامی دان، ۶۸
 آریائی ها، ۵۵، ۷۱
 آریاویتز، ۵۵
 آرتک، ۴۱
 آسیب زدا، ۶۸
 آشوری ها، ۴۰، ۵۴۴
 آکئامدیکاایرانیکا، ۴۱۱
 آکسفورد، ۱۲۸
 آموزش و دانش در ایران، ۳۲۶، ۴۱۰
 آموزگار، ژاله، ۹۳
 آنو، ۳۸
 آونتیکوم، ۵۴
- ابن سراجیون، ۱۹۶، ۲۳۴، ۲۳۵
 ابن سهل، ۱۰۹
 ابن سینا، ۱۷، ۱۰۰، ۱۰۳، ۱۰۸، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۲، ۳۶۱، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۹، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۸، ۴۵۱، ۴۸۳، ۴۸۸، ۵۴۶، ۵۴۸، ۵۴۹
 ابن طلوس، ۱۸۲، ۲۰۰
 ابن قفطی، ۸۹، ۹۰
 ابن ماسه، ۲۵۱، ۲۶۱، ۲۶۳
 ابن ماسویه، ۱۹۶، ۲۰۶، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۳۴، ۲۳۸، ۲۴۶، ۲۴۹، ۲۵۳، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۶، ۲۷۸
 ۲۷۹، ۲۸۱
 ابن ندیم، ۱۲۷، ۱۳۶، ۱۶۱
 ابن اثنال، ۹۱
 ابنادمکس، ۱۰۶
 ابوالحسن علی بن عباس مجوسی اهوازی ۳۲۳، ۳۲۷، ۳۶۴
 ابوالقاسم قشیری، ۴۸۸
 ابوبکر ربیع ابن احمد الاخوان البخاری، ۱۱۷، ۱۲۳، ۴۰۱
 ابوبکر محمد ابن زکریا، ۱۶۲
 ابوبکر محمد رازی، ۵۹، ۱۲۸
 ابوجریج، ۲۴۳، ۲۶۸
 ابوریحان بیرونی، ۱۶۱، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۴، ۱۷۷
 ابوزکریا یحیی یوحنابن ماسویه، ۱۲۷
 ابوزید حنین بن اسحاق عبادی، ۱۳۹

ا

- ابدرا، ۴۲
 ابرس، ۴۰
 ابن ابی اَصْبَعَه، ۹۰
 ابن رشد، ۱۰۳

- ابوصالح منصور ابن اسحاق سامانی، ۱۶۲
 ابوعلی ابن سینا، ۴۰۸
 ابوعلی حسین بن عبدا... بن سینا، ۴۰۸
 ابوعلی سینا، ۱۰۶، ۱۱۴
 ابونصر دحلی، ۱۱۸
 ابی اُصْبِیْعَه، ۱۶۱
 ابیذمیا، ۱۷۵، ۲۱۷
 آپاویه، ۷۲
 اپیدومکس، ۱۰۶
 اپیکارموس، ۴۲
 اُتْرُج، ۲۴۱
 اتروسک، ۵۲
 احمد تفضلی، ۹۳
 احیاء العلوم، ۵۴۶
 اخلاطی، ۱۰۶
 ادوارد براون، ۸۸
 ادوین اسمیت، ۴۰
 اراسیستراتوس، ۴۸
 ارسطو، ۴۶، ۴۸، ۱۲۶
 ارسفارغس الصخری، ۲۴۲
 ارکان، ۱۰۱، ۱۰۲
 ارمان، ۶۹
 اَرَنَب بری، ۲۴۱
 اروپا، ۳۲۴، ۴۸۸، ۵۴۶
 اریباسیوس، ۲۰۵، ۲۳۸، ۲۴۴، ۲۴۹، ۲۵۵، ۲۶۵
 ۲۶۶، ۲۶۸، ۲۷۱، ۲۸۱
 اُسْبُل، ۷۸
 اسپیتمان زرتشت، ۷۰
 استئومیلیت، ۴۴
 استاگریا، ۴۶
 استرابو، ۸۲
 اسحاق بن حنین، ۱۱۳
 اسحاق، ۱۶۲، ۲۱۶، ۲۲۶، ۲۳۴، ۲۸۳
 اسطوره ثریتا، ۷۱
 اسکریونیوس لارگوس، ۴۹
 اسکندریه، ۵۴۵
 اسکولاپ، ۴۲
 اسماعیل جرجانی، ۲۰، ۲۱، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۳، ۵۴۰، ۴۸۸
 اسماعیل شرف الدین جرجانی ابن حسن، ۱۱۷
 اشقیل، ۲۴۲
 اَشْه، ۷۴، ۸۵
 آشو وهیشتا، ۷۴
 اطهور سفس، ۲۲۱
 اعا، ۳۷، ۳۸، ۳۹
 اغراض الطب، ۴۸۷، ۴۸۸
 اقاکیا، ۱۷۷، ۱۹۸، ۲۲۷، ۲۳۹، ۲۴۲، ۳۰۴
 اقیمان، ۲۴۲
 اکباتان، ۷۹، ۸۰
 اکبر شاه شیرازی، ۱۲۱
 الابیته، ۴۸۸
 الادویه المفردة، ۲۴۷، ۳۱۰
 الاربعه بطلمیوس، ۱۲۶
 الارجوزه فی الطب، ۱۱۴
 الاعضاء الآمله، ۲۳۵
 الاغراض الطبیة و المباحث العلائیه، ۵۳۱
 الاغراض الطبیة، ۳۴۶، ۴۸۸، ۵۳۱، ۵۳۲
 الاغراض الطبیة، ۱۱۹
 التذکره، ۱۸۳
 التفکره الاشرفیه فی الصناعه الطبیة، ۴۸۷

الحوای فی الطب، ۱۶۳	انجیل، ۴۱
الحوای، ۹، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۷، ۱۲۲، ۱۶۱، ۱۶۳	انسان، ۲۴۳
۱۶۴، ۲۳۹، ۲۴۱، ۲۸۳	انسیکلوپدیا ایرانیکا، ۵۹
الصحف، ۱۸۳	انطاکیه، ۵۴۵
الصغه، ۲۴۲	انقوره، ۸۲
الصیدنه، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۴، ۱۷۶، ۱۷۷	آنکَره مینو(اهریمن)، ۶۹
الطب الکبیر، ۱۲۰	انوشیروان، ۵۷، ۸۸
الطب الملکی، ۳۲۴	اوره اسپانیایی، ۵۴
الفلاحه، ۲۵۰، ۲۶۸	اورمزد، ۷۱، ۷۴، ۷۶، ۷۷، ۷۸
الفهرست، ۱۶۱	اؤرؤواخشیه، ۷۱
القانون فی الطب، ۴۸۳	اوستا، ۳۳، ۵۵، ۵۶، ۵۹، ۶۶، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱
الکمال، ۱۸۳	۷۸، ۸۲، ۸۳
الگود، ۲۹، ۱۲۱	اوستائی، ۶۸، ۷۰
المرشد، ۱۱۷	اونوفس، ۲۴۴
المسواک و السنونات، ۱۲۷	اهرن، ۱۷۸، ۱۷۹، ۲۲۲، ۲۳۵
المصطلحات الطبیّه و الادویه المفرده المستعمله	اهریمن، ۶۹، ۷۸، ۸۰
فی القانون فی الطب ابن سینا، ۳۱۰	اهوازی، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۸، ۳۶۱، ۳۶۵
المنجج، ۱۸۳	۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸
المنصوری، ۱۱۷	اهوازی، علی بن عباسی مجوسی، ۳۲۶
الیس، ۴۸	اهورامزدا، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۹، ۸۰
امشاسپند، ۶۹، ۷۴، ۸۰	اهورایی، ۷۹
امشاسپندان، ۷۴، ۷۸	اهوره مزدا، ۸۴
آناغالیس، ۲۴۲	آهؤم ستوت، ۷۹
انتشارات امیر کبیر، ۱۲۵	ایران باستان، ۵، ۲۹، ۵۵، ۵۶، ۵۹، ۶۶، ۷۳، ۷۴
انتشارات دانشگاه تهران، ۳۲۶، ۴۱۰	۷۵، ۷۸، ۸۰، ۸۲، ۸۵، ۸۸، ۹۲
انتشارات دانشگاه، ۲۹، ۱۱۱، ۱۲۵، ۱۳۶، ۱۴۰	ایران، ۴، ۵، ۶، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۵۵، ۵۶
انتشارات سروش، ۴۱۰، ۴۲۹	۵۷، ۵۹، ۶۱، ۶۶، ۶۷، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۸
انتشارات وزارت علوم و آموزش عالی، ۱۲۵	۸۰، ۸۲، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۲، ۹۳
آنجدان، ۲۴۳	۹۴، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۱۰
انجیر، ۱۸۴، ۲۱۱، ۲۱۵، ۲۱۸، ۲۴۳، ۲۴۶، ۲۵۵	۱۱۶، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۵، ۱۳۵

بطلمیوس، ۹۷، ۱۲۶	۱۳۶، ۱۳۹، ۱۴۰، ۴۰۸، ۴۸۸، ۵۴۵، ۵۴۶
بطلمیوسی، ۹۷	۵۵۰، ۵۵۱
بقراط، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۷، ۴۹، ۵۶، ۸۸، ۱۰۹	ایرانویج، ۷۱
۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۷، ۱۲۶، ۳۲۵، ۳۷۵، ۴۹۷	ایرانی، ۵۶، ۶۸، ۷۰، ۸۶، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۹، ۱۱۸
۵۴۵، ۵۴۷	۱۱۹، ۱۲۲، ۱۳۵، ۱۳۸
بقراطی، ۱۰۴، ۱۰۶، ۵۴۴	آیریامن، ۶۹، ۷۰
بلخ، ۸۲	آریما ایشیو، ۷۰
بلخی، ۶۸	ایزد "انکی"، ۳۷
بلخیون، ۲۴۲	ایزدان مانوی، ۷۰
بلغم، ۱۰، ۷۵، ۷۷، ۱۰۲، ۱۰۶	اینکا، ۴۱
بُندهش، ۸۳	ایوان مدائن، ۸۶، ۸۷
بُندهش، ۵۶، ۶۹، ۸۳	
بنوموسی، ۱۲۶	ب
بودا، ۳۹	بَشازَنَشنی، ۶۸
بوشه دوپرت، ۳۶	بَشازَک، ۶۸
بولس، ۲۲۵، ۲۴۵، ۲۴۷، ۲۴۹، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴	بَشازَه، ۶۸
۲۵۷، ۲۶۱، ۲۶۸	بابلیان، ۳۷
بهرام، ۷۶، ۷۷	بابلی ها، ۴۰، ۵۴۴
ببیرجیل، ۴۵	بادلیان، ۱۲۸
بیروت، ۳۱۱	بارسلونا، ۵۴
بیلسن کُرت، ۵۰	بت لاپات، ۸۷
بیمارستان بزرگ بغداد، ۱۲۲	بِجَشکی، ۶۸
بیمارستان بغداد، ۹۱، ۱۱۱	بختیشوع، ۵۹، ۹۱، ۲۱۸
بیمارستان ری، ۱۲۲	بُراءُ الساعه، ۱۱۰، ۵۴۷
بیمارستان ساسانی گندی شاپور، ۹۰	برزوی، ۸۱
بیمارستان عضدی، ۱۱۸	برزویه، ۸۰
بیمارستان غازانی، ۱۱۸	بَرَشنوم، ۶۹
بیمارستان مظفری شیراز، ۱۱۸	بَرَشک، ۶۸
بیماری قند، ۹۹	بَرَشک، ۶۸
بین النهرین، ۵۶	بَشَرک، ۶۸

پ

- پاپیروس، ۴۰، ۶۸
 پاپیروس‌های مصری، ۵۴۴
 پادزهر، ۱۶، ۷۱، ۸۱
 پارسیگ، ۶۸
 پاکستان، ۱۲۲
 پایان‌نامه، ۶۰، ۹۲، ۱۱۹
 پَراهوم، ۸۳
 پرسپولیس، ۵۷
 پروتزه‌های دندانی، ۵۲
 پریودنتال، ۶، ۶۳، ۶۵، ۱۳۰
 پریوست، ۴۴
 پزشک، ۳۹، ۴۲، ۵۰، ۵۷، ۶۸، ۷۰، ۸۰، ۸۱، ۹۰، ۹۱
 پزشکان ایرانی، ۱۲۲
 پزشکان بالینی، ۱۲۲
 پزشکان مسلمان، ۱۰۳، ۱۲۲
 پزشکی، ۵، ۶، ۹، ۱۷، ۵۶، ۵۹، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۷۵، ۷۸، ۸۰، ۸۳، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱
 ۹۲، ۹۶، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۶، ۱۲۰
 پلوتارک، ۸۰، ۸۵
 پُلی بیوس، ۸۱
 پلی‌بوس، ۴۵
 پندنامه اهوازی، ۳۲۶
 پورداد، ابراهیم، ۹۲، ۹۳
 پوسیدگی، ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۳۶، ۳۷، ۴۴، ۴۹، ۵۰
 ۵۱، ۶۵، ۱۳۰، ۱۳۴
 پوسیده دندان، ۳۵، ۷۲
 پولس، ۲۱۲، ۲۱۴، ۲۳۹

پهلوی ساسانی، ۶۸

پیازدشتی، ۲۴۲

پیازموش، ۲۴۲

پیامبر اکرم (ص)، ۹۷

پیدایش طبابت در ایران، ۱۲۵

پیسی، ۷۲

پیشدادی، ۷۲

پیغمبر اسلام(ص)، ۵۴۶

پیوره، ۳۷

ت

- تاج خروس، ۵۰
 تاراگونا، ۵۴
 تارکینیا، ۵۲
 تاریخ ادبیات ایران، ۹۲
 تاریخ اساطیری ایران، ۹۳
 تاریخ ایران در یک نگاه، ۹۴
 تاریخ بیمارستان‌های ایران از آغاز تا عصر
 جدید، ۱۱۹
 تاریخ طب اسلامی، ۳۲۵
 تاریخ طب در ایران، ۹۲، ۳۲۶، ۴۱۰، ۴۸۹، ۵۴۴
 تاریخ علم، ۱۶۱
 تاریخ مصور پزشکی جهان، ۹۲، ۴۱۱، ۴۷۱
 تاریخ نگارش‌های عربی، ۳۲۶
 تالمود، ۴۱
 تبس، ۴۰، ۵۱
 تحفه حکیم مؤمن، ۱۲۱، ۴۸۹
 تحلیل آلونل، ۶۵
 تدبیرالسنه، ۲۳۳
 تذکره، ۲۱۶، ۲۲۷، ۲۳۶

- تذکره الکحالین، ۱۱۹
- تذکره عبدوس، ۲۳۶، ۲۲۷، ۲۱۶
- ترجمه کتاب قانون ابن سینا به لاتین، ۴۰۹
- ترجمه لاتین قانون ابن سینا، ۴۳۸
- تسالوس، ۴۵
- تشریح استخوان‌ها، ۱۹۵
- تشریح العظام، ۱۹۵
- تشریح منصوری، ۱۲۰، ۱۲۱
- تفضلی، احمد، ۹۲
- تقاسیم العلل، ۳۱۳
- تقسیم و التشجیر بوبکر محمد زکریای رازی، ۳۱۳
- تکمیل همایون، ناصر، ۹۴
- تمدن اسلام، ۵۶
- تمیستوکل، ۸۵
- تورات، ۴۱
- توسکانی، ۵۲
- تیر، ۷۶، ۷۷
- ث**
- ثابت بن قره، ۱۱۷
- ثابت بن قره، ۱۱۷
- ثرائه ثنونا، ۷۱
- ثریا، ۹۷
- ثریتا، ۷۰، ۷۱
- ج**
- جالینوس، ۴۹، ۵۰، ۵۶، ۵۸، ۱۰۴، ۱۰۹، ۱۱۲
- ۱۱۳، ۱۱۷، ۱۲۶، ۱۵۰، ۱۵۵، ۱۶۲، ۱۶۷
- ۱۶۹، ۱۷۳، ۱۷۶، ۱۹۵، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۱۱
- ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۳
- ۲۳۲، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۸، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۴
- ۲۴۵، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۱، ۲۵۳، ۲۵۴
- ۲۵۵، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۲، ۲۶۳
- ۲۶۴، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۶
- ۲۸۱، ۳۲۵، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۶، ۳۶۰
- ۳۶۱، ۳۶۳، ۳۷۵، ۳۷۷، ۴۱۱، ۴۱۴، ۴۲۱
- ۴۳۱، ۴۴۸، ۴۶۲، ۵۰۹، ۵۴۵، ۵۴۷
- جالینوس العرب، ۱۶۲
- جالینوسی، ۱۰۴
- جبرئیل بن یختیشوع، ۲۱۰
- جبرائیل، ۵۹، ۱۲۸
- جرارد کرمونایی، ۴۰۹
- جراردوی کرمونایی، ۱۱۴
- جرج ابرس، ۴۰
- جرج سارتن، ۱۶۱
- جرجانی، ۲۰، ۲۲، ۱۱۷، ۱۱۹، ۴۰۱، ۴۸۸، ۵۴۶
- ۵۴۸، ۵۴۹
- جرجیس، ۹۱، ۱۲۸
- جرجیس بن یختیشوع، ۵۹، ۹۱، ۱۲۸
- جلال‌الدین بلخی، ۳۲
- جَم (جمشید)، ۷۱
- جندی شاپور، ۶، ۵۶، ۵۷، ۵۹، ۶۰، ۸۷، ۹۰، ۹۱
- ۱۰۹، ۱۱۳، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۴، ۱۳۵
- ۱۳۹
- جهان اصغر، ۷۵
- جهان اکبر، ۷۵

چ

چرم نوشته‌ها، ۶۸

چشم پزشکی، ۱۱۸، ۱۱۹

چغمینی، محمودبن محمدبن عمر، ۱۲۵

چهار عنصر کیهانی، ۷۵

چهار مقاله نظامی عروضی، ۴۲۸

چین، ۴۱، ۱۱۸

ح

حارث بن کله، ۹۰، ۹۱

حاوی، ۵۰۸

حسن تاجبخش، ۱۱۹

حسن صفاری، ۹۲

حفظ الصحة، ۱۳۹

حکیم، ۲۹، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۲۷

حکیم پور، ۲۷۶

حکیم عبدالحمید، ۳۱۰

حکیم عبدالوهاب ظهوری، ۳۱۰

حکیم فضل الرحمن، ۳۱۰

حکیم کبیرالدین، ۳۱۰

حکیم محمد، ۲۹

حنین، ۶، ۱۰۹، ۱۱۳، ۱۱۷، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸

۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶

۱۳۹، ۱۸۴، ۱۸۶، ۲۲۱، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۳۷

۲۵۹، ۲۷۶

حنین ابن اسحاق، ۱۰۹، ۱۲۶، ۱۳۶، ۴۱۱

حیله البرء، ۲۱۷

خ

خنوپس، ۴۰

خالقی مطلق، ۹۳

خانه کتاب، ۳۲۶

خدابخشی، ۹۲

خداینامک، ۸۰

خسرو اول انوشیروان، ۸۸

خسرو پرویز، ۸۶

خط میخی، ۶۷

خلاصه التجارب، ۱۲۱

خلط، ۶، ۷۵، ۱۰۲

خلط های (مایعات) چهارگانه، ۷۵

خلط‌ها، ۱۰۱، ۱۰۲

خلطی، ۵، ۷۵

خلفای اموی، ۹۱

خلفای راشدین، ۹۱

خلیج فارس، ۳۷

خوارزمی، ۶۸، ۱۲۵

خوز، ۲۰۶

خوزستان، ۸۷، ۱۳۵

خون، ۱۱، ۱۵، ۲۲، ۳۳، ۳۸، ۷۵، ۷۷، ۷۸، ۹۹

۱۰۲، ۱۰۶

د

دائرة البروج، ۷۶

دائرة المعارف الحاوی، ۱۲۲

دائرة المعارف پزشکی، ۱۰۷

دائرة المعارف فارسی، ۱۱۹

دادپزشک، ۸۵	دکتر شهبازی، ۸۷
دارالفنون، ۲۶، ۲۹	دکتر صبحی محمود حمامی، ۳۱۳
دانش دندان پزشکی، ۱۶۱، ۲۸۳، ۲۸۶، ۲۸۷	دکتر صفا، ۸۹
دانشکده ادبیات، ۶۰، ۶۳	دکتر محمد ابراهیم ذاکر، ۲۸
دانشکده پزشکی بغداد، ۸۷	دکتر محمد اسامه مرعشی، ۳۱۱
دانشکده های پزشکی، ۹۸	دکتر محمد تقی میر، ۹۹، ۱۲۵
دانشگاه تهران، ۲۹، ۶۰، ۶۳، ۸۹، ۹۲، ۱۱۱، ۱۲۵	دکتر محمد عبدالعزیز، ۳۱۰
۱۳۶، ۱۴۰	دکتر محمد هوشمند، ۳۱۱
دانشگاه جندی شاپور، ۵۴۵	دکتر محمود نجم آبادی، ۱۶۳، ۳۲۶، ۵۴۴
دانشگاه شیراز، ۹۹، ۱۲۵	دکتر نصر، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۱۳، ۱۱۹
دانشگاه شیکاگو، ۶۷	دکتر نگهبان، ۶۳
دایره المعارف پزشکی، ۱۱۷	دکتر ولی الله محرابی، ۴۱۱، ۴۷۱
دایره المعارف فارسی، ۱۶۲، ۱۶۴، ۲۸۵	دکتر ویلیام اوسلر، ۴۰۹
دجله، ۵۶	دکتر هادی فرهنگ انصاری، ۲۸
دراکون، ۴۵	دلفی، ۴۸
دُرستبد، ۸۹	دمشق، ۹۱، ۱۲۸
درمان بخش، ۶۸، ۷۰، ۸۵	دمشقی، ۲۰۶، ۲۵۸، ۲۶۹، ۲۷۵، ۲۷۹
دره های خاورمیانه، ۳۷	دندان پزشکی، ۵، ۶، ۷، ۹، ۱۲، ۱۵، ۱۷، ۲۰، ۲۱
دسیفوری دوس، ۲۱۱	۲۲، ۲۹، ۳۰، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۳۷، ۳۹، ۴۱، ۴۲
دعای پزشک، ۸۰	۴۳، ۵۰، ۵۳، ۵۶، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۳، ۶۵، ۶۶
دکتر "عیسی احمدبیک، ۹۰	۶۹، ۸۶، ۹۲، ۱۰۹، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۸، ۱۱۹
دکتر ایرج فاضل، ۲۴، ۲۷	۱۲۲، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۳
دکتر اسمعیل یزدی، ۲۸، ۶۰، ۹۲	۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۳۹
دکتر بدرالزمان قریب، ۶۷	دندان عقل، ۳۴، ۳۵، ۶۳
دکتر جلال مصطفوی، ۱۰۱	دندان مصنوعی، ۵۱، ۵۲
دکتر حازم بکری صدیقی، ۲۸۵، ۳۱۰	دندان نیش، ۴۴، ۴۶، ۵۲
دکتر حسن تاج بخش، ۳۴۶	دندان های پیشین، ۴۳، ۴۶، ۵۲
دکتر زرین کوب، ۹۰	دندان های کج و درهم، ۷۲
دکتر سید حسین نصر، ۸۸، ۹۱، ۱۰۳، ۱۰۷، ۱۱۵	دوران اسلامی، ۶، ۷، ۸۷، ۹۰، ۹۷، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۳
دکتر سیریل الگود، ۹۰	۱۲۲، ۱۴۰

دوره زرین داروشناسی، ۱۲۱

دوکروس، ۱۱۹

دوکونینگ، ۳۲۵

دومیتیان، ۵۴

ذوی، ۷۲

دیابت، ۹۹

دیابتی، ۹۹

دیسقوریدوس، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۵۷، ۲۴۱، ۲۴۲

۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۹، ۲۵۰

۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷

۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴

۲۶۵، ۲۶۶، ۲۷۰، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۷

۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱

دینکرد، ۵۶، ۸۳

دیو، ۷۱، ۸۳، ۸۴

دیو پرست، ۸۴

دیوسکوریدس، ۱۲۶

دیوکلِس، ۴۷

ذ

ذخیره خوارزمشاهی، ۲۰، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۳

۴۰۱، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۹۰، ۴۹۱، ۵۴۸

۵۴۹

ذخیره، ۱۱۷

ذیمقراط، ۴۲

ذیمقراطیس، ۴۹

ر

رازی، ۹، ۱۱، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۷، ۱۱۹

۱۲۲، ۱۳۹، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۷۰

۲۳۹، ۲۴۱، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۶، ۲۸۷، ۳۱۰

۳۲۴، ۳۲۵، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۶۱

۳۸۸، ۴۰۸، ۵۴۶، ۵۴۷

ربیع رشیدی تبریز، ۱۱۸

ربیع طبری، ۱۳۸، ۵۴۶

رسالة "فی حفظ الاسنان و اللثة و استصلاحها،

۱۲۶، ۱۳۹

رساله فی فهرست کتب الرازی، ۱۶۱

رشید الدین فضل ا...، ۱۲۱

رنسانس، ۵۶، ۸۸، ۱۰۳، ۱۱۴

روان درمانی، ۵، ۸۰، ۸۵، ۱۳۸

روانپزشک، ۸۰

روفس، ۱۷۲، ۲۱۳، ۲۱۷، ۲۲۴، ۲۳۸، ۲۶۵، ۲۷۴

روم، ۵۴۵

روم شرقی، ۵۴۵

رومی ها، ۵۴

ریچارد فرای، ۸۸

ز

زاد اسپرم، ۵۶، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۸۳، ۹۳

زاغه، ۶۳، ۶۵

زاغه سگزآباد، ۶۳

زبان - فرهنگ - اسطوره، ۹۳

زبان آرامی، ۶۷

زبان پهلوی، ۶۸

- زبان دیوانی، ۶۷
 زرتشت، ۷۰، ۷۱، ۷۹
 زرتشتی، ۵۵، ۵۶، ۷۸، ۱۱۳
 زرتشتیان، ۶۶
 زردآب، ۱۰، ۷۵، ۷۷
 زرگری، دکتر علی، ۱۲۵
 زرین کوب، ۸۸، ۹۰
 زنجبیل، ۵۰
 زوفا، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۶، ۲۴۳، ۲۵۵، ۲۶۰
 زوهر، ۷۲
 زهرِ خِرَفَسْتَران، ۷۴
 زیگریست، هنری ا، ۹۲
- ژ**
- ژاپن، ۴۱
 ژاله آموزگار، ۹۲، ۹۳
- س**
- سَنّا، ۷۹
 سائیس، ۵۷
 سابور، ۱۰۹
 سارتن، جرج، ۱۲۵
 سازمان میراث علمی عربی، ۳۱۳
 ساسانیان، ۵۶، ۵۹، ۷۴، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۱۲۸، ۱۳۵
 ساهر، ۲۳۳
 سرخک، ۱۱۱
 سرطان، ۱۰۰
 سروستان، ۸۶
 سریانی، ۸۷، ۹۱، ۱۱۷، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۳۸
- سزگین، فواد، ۳۲۶
 سغدی، ۶۸
 سکائی، ۶۸
 سگزآباد، ۶۵
 سلسوس، ۵۰
 سلطان سنجر، ۴۸۷
 سلمویه، ۲۴۴
 سلوکوس نیکاتور، ۴۸
 سلیمان، ۳۲، ۳۳
 سلیمان نبی، ۳۲
 سنت لاتین، ۹۶
 سند هشار، ۱۸۲، ۲۷۵، ۲۸۰
 سودا، ۷۵، ۷۷، ۱۰۲، ۱۰۶
 سوری، ۵۰
 سوریه، ۳۷، ۴۸، ۸۸
 سوسن، ۱۴۵، ۱۹۴، ۲۴۲، ۲۵۹، ۳۰۸
 سولون، ۴۲
 سوّم بار، ۷۰
 سهراب، ۹۲
 سید اسماعیل جرجانی، ۱۱۷، ۱۱۹، ۴۸۷، ۴۹۱، ۵۴۰، ۵۳۲
 سیدارتا گائوتاما، ۳۹
 سیریل الگود، ۲۹
 سیسیل، ۴۲
 سیمای میراث فرهنگی قزوین، ۹۳
 سیمرخ دانا، ۷۹
 سین مرو، ۷۹
 سینوهه، ۵۱

ش

شاپل اوسن، ۳۶

شاپور، ۵۷، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۱۰۹، ۱۲۸،

۱۹۸

شاپور اول ساسانی، ۸۷

شاپور بن سهل، ۵۷

شاپوردوم ساسانی، ۸۷

شالکیس، ۴۶

شاماش، ۳۸

شاه سلیمان صفوی، ۴۸۹

شاهنامه، ۷۲، ۷۹، ۸۱، ۹۳

شاهنامه، دفتر هفتم، ۹۳

شاهنامه، دفتر یکم، ۹۳

شبکیه، ۷۳

شبه قاره هند، ۱۲۲

شراب آس، ۲۴۱

شرفکندی (هزار)، ۴۱۰، ۴۲۹

شرکت سهامی، انتشارات خوارزمی، ۱۲۵

شمعون، ۱۸۱

شهر سارد، ۵۷

شیخ الرئیس، ۴۰۸

شیخ الرئیس ابوعلی سینا، ۴۰۸

ص

صالح آبادی، فرهاد، ۹۲

صفا، دکتر ذبیح‌الله، ۳۲۶، ۴۱۰

صفرا، ۱۰۲، ۱۰۶، ۱۰۷

صمغ انجدان، ۲۴۳

ض

ضیال‌الدین مسعود، ۱۱۸

ط

طاق پستان، ۸۶

طب اسلامی، ۶، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۱۲،

۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۷

طب اسلامی و مکمل دانشگاه علوم پزشکی

ایران، ۳۱۱

طب جدید اروپایی، ۱۲۲

طب در ایران پس از اسلام، ۱۶۴، ۲۸۶

طب دوره اسلامی، ۱۲۲

طب سنتی، ۶، ۹۹، ۱۰۱، ۱۲۳، ۱۲۵

طب سنتی ایران و مقایسه آن با طب کنونی

جهان، ۱۲۵

طب شفایی، ۱۲۱

طب قدیم، ۱۰۰

طب ملکی، ۳۲۵

طب منصوری، ۹، ۱۱۱، ۲۸۳، ۲۸۶، ۲۸۷

طب هندی، ۱۰۹

طب یونانی، ۵۵، ۱۲۲

طبری، ۱۴۱، ۱۷۸، ۲۲۲، ۲۷۲

طبی یونانی، ۱۰۴

طیب، ۳۰، ۵۹، ۸۹، ۹۱، ۱۰۳، ۱۱۲، ۱۱۵، ۱۱۷،

۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۳، ۱۲۶، ۱۳۹

ع

عباسیان، ۹۰، ۹۱

- عبری، ۱۱۸، ۱۱۹، ۴۷۱
عثمانی، ۱۱۸
عربستان، ۱۱۸
عقیقی، رحیم، ۹۳
عقل، ۳۳، ۴۴، ۴۶
علل و الاعراض، ۲۱۷، ۲۳۵
علم و تمدن در اسلام، ۱۰۳، ۱۰۷، ۱۲۵
علی ابن عباس مجوسی اهوازی، ۳۲۸، ۳۶۵
علی اصغر بهرامی، ۹۲
علی اهوازی، ۳۶۱
علی بن ربّن طبری، ۱۰۹
علی بن عباس، ۱۲، ۱۱۳
علی بن عباس مجوسی اهوازی، ۱۲، ۱۱۳، ۳۲۴
علی بن عیسی، ۱۱۹
علی بن عباس مجوسی، ۱۱۲
عمر بن خطاب، ۹۱
غُصْل، ۲۴۲
عتقا، علیمحمد، ۱۲۵
عیسی بن ماسویه، ۲۳۳
عُیون الأنباء، ۱۶۱
- غ**
- غزالی، ۵۴۶
غلام حسین صدری افشار، ۱۲۵
غیاث الدین، ۳۰
- ف**
- فارسی، ۱۶۹، ۱۷۱، ۱۷۷، ۲۲۲، ۲۶۸، ۲۸۵، ۳۱۱
فتحعلی شاه، ۵۴۷
- فرات، ۵۶
فرانسوی، ۱۱۹
فردوس الحکمه، ۱۰۹، ۱۳۸، ۱۳۹، ۵۴۶
فردوسی، ۷۲، ۸۱، ۹۳
فردوسی، ابوالقاسم، ۹۳
فَرشکرد، ۷۷
فرگرد، ۵۹، ۶۹، ۷۰، ۷۲، ۷۴، ۷۵، ۸۴
فرنخ دادگی، ۹۲
فرنگیس مزدا پور، ۹۲
فرهاد صالح آبادی، ۶۰
فرهنگ آنندراج، ۳۱۱
فرهنگ پزشکی انگلیسی، ۳۱۱
فرهنگ پزشکی دورلند، ۴۲۴
فرهنگ فارسی معین، ۱۲۵
فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران، ۹۶، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۶، ۱۲۰، ۱۶۵، ۲۴۰، ۲۸۲، ۳۱۲، ۳۲۳، ۳۲۷، ۳۶۴
۴۱۹، ۴۲۸، ۴۳۸، ۴۵۱، ۴۸۳، ۴۸۶، ۴۹۰
۵۳۱
فَرَوَهَر، ۵۵
فریدون، ۷۱
فلات ایران، ۵۶
فلزنوشته ها، ۶۸
فلسطین، ۳۷
فواد سزگین، ۳۲۵، ۳۲۸، ۳۶۵
فی الحجامه، ۱۳۹
فی السرطان، ۱۰۰
فی ترتیب الاغذیه، ۱۳۹
فی مایعرض للثه و الاسنان، ۱۲۷
فیزیک هرمسی، ۱۰۴

ک

کاتبان آرامی، ۶۷
 کارد پزشک، ۸۰
 کارد پزشکی، ۸۰، ۸۳
 کارد درمانی، ۸۳
 کاسلیوس، ۵۴
 کالبد شکافی، ۴۶
 کالبدشناسی، ۴۲، ۹۸، ۱۱۲
 کامل الصناعه، ۱۱۳، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۶، ۳۲۷
 ۳۶۴، ۵۴۷
 کاهنان، ۴۱
 کتاب "الصناعه، ۱۲۷
 کتاب آبله و سرخک، ۳۱۲
 کتاب الجُدَری و الحصبه، ۱۶۳
 کتاب الطب الملوکی، ۱۶۳
 کتاب الملکی، ۱۱۳
 کتاب المنصوری فی الطب، ۲۸۲
 کتاب تحفه المومنین، ۱۲۱
 کتاب شَکندِ گُمَانِیک و زار، ۷۳
 کتاب قانون، ۴۰۸، ۴۰۹، ۵۱۸
 کتاب کالبد شناسی مصور، ۱۲۱
 کتاب منصوری، ۱۶۳، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵
 کتابخانه ظاهریه، ۱۲۸
 کتاب‌های درسی، ۱۲۲
 کنزیاس، ۵۹
 کج بدن، ۷۲
 کُرتویشز، ۸۳
 کرسی سوم، ۶۳
 کرم خوردگی، ۳۷

فیزیولوژی، ۴۶، ۱۱۹، ۱۲۲

فیزیولوژیکی، ۴۶

ق

قابوس ابن وشمگیر، ۴۲۸
 قابیل، ۳۲، ۳۳
 قاموس الاطباء، ۳۱۷، ۳۲۰
 قاموس القانون فی الطب، ۳۱۰
 قانون، ۱۷، ۷۱، ۷۹، ۸۵، ۹۸، ۱۰۰، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۱۴، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۳۲۴، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۲، ۴۱۹، ۴۲۹، ۴۳۸
 ۴۵۱، ۴۷۱، ۴۸۴، ۵۴۸، ۵۴۹
 قانون ابن سینا، ۹۸، ۱۰۵، ۳۱۰، ۳۲۴، ۴۰۸، ۴۵۱، ۴۷۱
 قانون در پزشکی، ۴۰۸، ۴۲۹
 قانون در طب، ۴۱۰
 قانون فی الطب، ۱۱۴، ۴۰۸
 قانونچه، ۹۹، ۱۰۱، ۱۲۵
 قبرستان سگزآباد، ۶۵
 قراپادین، ۱۸۳
 قراپادین الکبیر، ۱۰۹
 قرآن، ۴۱
 قرون وسطایی، ۵۶
 قرون وسطی، ۵۴، ۱۱۱، ۱۲۷، ۱۳۴
 قزوین، ۶۰، ۶۱، ۶۳، ۶۵، ۹۳
 قسطنس، ۲۵۰، ۲۶۸
 قسطنطین، ۳۲۴
 قطب الدین شیرازی، ۱۱۸، ۱۲۱
 قلاطونس، ۲۵۱
 قوبا، ۱۵۴، ۲۴۳، ۲۵۴

- کریستن سن، ۸۹، ۹۳
 کریستن سن، آرتور، ۹۳
 کسویش، ۷۲
 کفاش فارسی، ۲۳۴
 کل نگر، ۱۲۳
 کلام مقدس، ۸۵
 کلاوس شیپمان، ۸۹
 کلبتین، ۴۸
 کلد، ۳۷، ۹۱
 کلودیوس جالینوس، ۴۹
 کمال والتمام، ۲۳۸
 کُنَّاش منصوری، ۲۸۳
 کنستانتین، ۳۲۴
 کیندوس، ۵۶
 کوتریزه، ۵۰
 کورنتو، ۵۲
 کوس، ۵۶
 کوکب صورتگر، ۹۲
 کِهچِهان، ۷۵، ۷۸، ۱۲۳
 کیندوس، ۴۲
 کیوان، ۷۶، ۷۷
 کی - کینگ، ۳۹
- گ**
- گَنوکرَن، ۸۲، ۸۳
 گاتها، ۷۵
 گرشاسب، ۷۱
 گرهارد فتنزمر، ۹۰
 گرودمان، ۷۸
 گزارش مهرداد بهار، ۹۲
- گزیده تصاویر تاریخ پزشکی اسلام و ایران، ۹۶،
 ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۶، ۱۲۰، ۱۶۵، ۲۴۰،
 ۲۸۲، ۳۱۲، ۳۲۳، ۳۲۷، ۳۶۴، ۴۱۹، ۴۲۸،
 ۴۳۸، ۴۵۱، ۴۸۳، ۴۸۶، ۴۹۰، ۵۳۱
 گندی شاپور، ۵، ۵۹، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱،
 ۱۳۵
 گوژپشت، ۷۲
 گوژسینه، ۷۲
 گومفیو، ۴۲
 گیاه، ۵، ۳۳، ۴۵، ۴۹، ۵۰، ۷۱، ۷۴، ۷۵، ۷۷، ۷۸،
 ۷۹، ۸۰، ۸۲، ۸۳، ۸۵، ۹۸، ۹۹، ۱۳۲
 گیاه پزشکی، ۸۰
 گیاه مقدس، ۸۲
 گیاه هوم، ۸۲
 گیاهان دارویی، ۵۶، ۱۲۵
 گیسور گرزور، ۷۱
- ل**
- لاتین، ۹۱، ۱۰۵، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۹، ۱۱۲، ۳۲۴،
 ۴۰۹، ۴۱۹، ۴۳۸، ۴۵۱
 لایپزیک، ۴۰
 لغت نامه دهخدا، علی اکبر، ۳۱۱
- م**
- مؤسسه انتشارات نوین، ۳۲۶، ۴۱۰
 مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۲۸۶
 مؤسسه نشر فهرستگان، ۳۲۶
 مؤلفات و مصنفات، ۱۶۱
 مؤمن دیلمی تنکابنی، ۴۸۹

- مارچویه، ۱۵۷، ۱۸۶، ۲۰۴، ۲۱۱، ۲۴۲، ۲۸۰
مارستان، ۹۰
ماسرجویه، ۱۷۶، ۲۴۵، ۲۵۵، ۲۶۲، ۲۶۴، ۲۶۵
ماسرجویه بصری، ۱۷۶
ماسویه، ۹۱، ۱۰۹، ۱۲۷
مانترا، ۸۵
مانتریشتر، ۸۵
مانتره درمانی، ۷۹
متاستاز، ۱۰۰
متوکل با...، ۱۰۹
مثنوی معنوی، ۹۲
مثنوی، ۳۲
مجدالدین ابومحمد صاحب ابن محمد بخاری،
۴۸۸
مجمع الجوامع، ۴۸۹
مجوسی، ۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴
محرابی، ولی اله، ۹۲
محسن جاویدان، ۲۹
محمد بن زکریا بن یحیی، ۱۶۱
محمد بن زکریای رازی، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۶۵، ۲۴۰،
۲۸۲، ۳۱۲
محمد پادشاه (شاد)، ۳۱۱
محمد حسین معنوی خراسانی شیرازی، ۴۸۹
محمد دبیر سیاقی، ۳۱۱
محمد زکریا، ۵۰۸
محمد زکریای رازی، ۳۱۰
محمدتقی راشد محصل، ۹۳
محمدحسین نوربخشی، ۱۲۱
مخزن الادویه، ۴۸۹
مدرسه دندان سازی، ۲۹
مدرسه سالرنو، ۴۷۱
مرتضی ذکایی ساوجی، ۱۲۸، ۱۳۰، ۱۳۵، ۱۳۶،
۱۳۹
مرو، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۹۱، ۵۴۵
مزاجها، ۱۰۱، ۱۰۲
مزد یسنائی، ۷۵
مزدپرست، ۸۴، ۸۵
مزدیسن، ۷۸، ۸۰، ۸۴، ۸۵
مسائل ایذیما، ۱۹۸
مسائل الطیبه، ۲۳۵
مسجد اقصی، ۳۲
مسواک، ۳۹، ۱۲۷، ۱۳۰
مسیح، ۲۰۵، ۲۰۹، ۲۵۲، ۲۶۴، ۲۷۷
مسیحیان، ۸۹
مصاحب، ۱۶۲، ۲۸۵
مصر، ۴۳، ۵۱، ۱۱۸
مصری، ۴۳۶، ۵۴۴
مصطفوی کاشانی، دکتر جلال، ۱۲۵
معجم مرعشی الطبی الکبیر، ۳۱۱
معهد المخطوطات العربیه، ۳۱۰
معین، دکتر محمد، ۱۲۵
مغولان، ۱۲۱
مقدمه بر تاریخ علم، ۱۱۵، ۱۲۵
مکتب اکباتان، ۷۹، ۸۵
مکتب مزدیسن، ۷۸، ۷۹
مکتبه البنان ناشرون، ۳۱۱
ملک الاطباء، ۴۰۸
منابع الاطعمه و الاشریه و العقاقیر، ۱۳۹
منجد فی اللغة و الاعلام لویس معلوف، ۳۱۱
منصور بن الیاس شیرازی، ۱۲۰

- منصور خلیفه دوم عباسی، ۹۱
منصورین محمدبن احمد الیاس، ۱۲۱
منصوری، ۲۸۳، ۳۱۰، ۵۴۷
منصوری فی الطب، ۳۱۰
منصوری، رضا، ۹۲
موید، ۸۳
مویدان، ۷۴
مورد سبز، ۹۸، ۹۹
موسسه مطالعات تاریخ پزشکی، ۳۱۰
مولانا، ۳۲، ۹۲
مولانا جلال‌الدین رومی، ۹۲
مولر سوم، ۳۴، ۳۵، ۴۴، ۴۶
مولن کینون، ۳۵، ۳۶
مومیایی، ۵۱
موی، ۷۵، ۷۶، ۷۷
موی انسان، ۲۴۳
مهجهان، ۷۵، ۷۸، ۱۲۳
مهر، ۷۶، ۷۷
میامر، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۹، ۲۰۸، ۲۱۸، ۲۲۷، ۲۳۶
میانرودان، ۵۶
میراث فرهنگی قزوین، ۹۳
میزان الطب، ۱۲۱
مینوئی، ۶۹
- ن
نشان درتال، ۳۴، ۳۶
ناهید، ۷۶، ۷۷
نیض، ۱۰۸
نجم آبادی، محمود، ۹۲، ۲۸۶
نجم‌آبادی، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۶۴، ۲۸۶
- نجم‌آبادی، دکتر محمود، ۳۲۶، ۴۱۰
نسطوری، ۸۸
نشر فرهنگی فروهر، ۹۲
نشریه پزشکی تأمین اجتماعی، ۱۲۵
نصر، دکتر سید حسین، ۱۲۵
نصرین حارث بن کَلده، ۹۱
نصیرالدین طوسی، ۱۲۱
نقش رستم، ۸۶
نمونه های نخستین انسان و نخستین شهریار، ۹۳
- و
واژه نامه، ۳۴۶
وتولونیا، ۵۳
ودائی، ۷۱
وَر جَمکرد، ۷۱، ۷۲
وَری، ۷۱
وزیدگیهای زاداسپرَم، ۹۳
وندیداد، ۵۹، ۶۹، ۷۰، ۷۲، ۷۴، ۷۵، ۸۴
ویج، ۵۵
ویلیام آلکساندر نیومن دورلاند، ۳۱۱
ویمیتو دُتتان، ۷۲
- ه
هَنوما، ۸۲
هابیل، ۳۲، ۳۳
هات، ۸۳
هخامنشی، ۵۶، ۶۷، ۸۸
هخامنشیان، ۶۷
هدایه المتعلمین، ۴۰۱، ۴۸۸

هدایه المتعلمین فی الطب، ۱۱۷، ۴۰۱
 هردوت، ۴۳
 هُرمَزْد(م)، ۶۹
 هرمس، ۳۵۳
 هرودت، ۵۹
 همدان، ۵۷
 هند، ۳۹، ۵۶، ۸۱، ۸۸، ۸۹، ۱۱۸، ۱۲۱، ۳۶۶،
 ۴۰۵، ۵۱۶، ۵۲۲، ۵۴۵
 هندو ایرانی، ۶۹، ۷۱
 هندوستان، ۱۱۸
 هندی، ۹۰، ۱۰۴، ۱۰۹، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۳۸
 هوانگ-تی، ۳۹
 هوک، ساموئل هنری، ۹۲
 هوم، ۵، ۷۰، ۷۱، ۸۲، ۸۳
 هومر، ۴۲

ی

یسنا، ۸۳، ۹۲
 یشت ها، ۹۳
 یثوآریامان، ۷۰
 یَمِه، ۷۱
 یوحنا بن ماسویه، ۹۱
 یوسف ساهر، ۲۰۱
 یوسف شاگرد، ۱۸۳
 یونان، ۵۴۴، ۵۴۵
 یونان باستان، ۴۲، ۵۶
 یونانی، ۴۳، ۴۹، ۵۴، ۵۶، ۸۲، ۸۵، ۸۹، ۹۰، ۱۰۴،
 ۱۱۴، ۱۱۷، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۳۸
 یهودیان، ۸۹

